



جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

- ۱. برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه استان لرستان بر پایه هویت رقابت‌پذیر منطقه‌ای
کیان شاکرمی، محمد رحیم رهنما، مسعود زمانی‌پور
- ۲۷. گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی
حمدلله سجاسی قیداری، سید هادی زرقانی، سید محمد حسین حسینی، وحید صادقی
- ۶۷. ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر (مطالعه موردی: عشایر شهرستان خواف)
محمدحسین جعفری، حمید جعفری، کتایون علیزاده
- ۱۰۵. تحلیل راهبردی کشاورزی فراسرزمینی ایران با استفاده از مدل SWOT و QSPM
فرزانه رضایی، فرحناز رستمی
- ۱۴۱. تبیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری در فرایند مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد)
محمد هادی درودی، حسین حاتمی نژاد، سعید زنگنه شهرکی، احمد پوراحمد
- ۱۶۹. بررسی موج‌های گرم شهر اردبیل و نقش آن در گرمایش شهری
رقیه ملکی مرشت، بهروز سبحانی
- ۱۹۷. تحلیل نو شهرگرایی با تأکید بر حس تعلق به مکان (نمونه موردی: منطقه ۲ کلان‌شهر مشهد)
هادی سلیمانی مقدم، مهسا مقدم شخصی
- ۲۲۹. آسیب‌پذیری اقلیمی و راهبردهای پایداری منابع آب در حوضه کارون شمالی
بیژن صابری، داریوش رحیمی، جواد خوشحال دستجردی
- ۲۵۷. تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران
اسماعیل صفرعلی‌زاده، رباب حسین‌زاده
- ۲۸۷. فراتحلیل آگاهی از حقوق شهروندی در ایران (در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)
سیداحمد میرمحمدتبار، زین‌العابدین افشار، سعید محمودی
- ۳۱۵. واکاوی نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری دوره معاصر با تأکید بر شهر زنجان
حمیدرضا حمیدی، زهره داودپور، شادی پاکراد
- ۳۴۷. بررسی تأثیر اقتصاد دایره‌ای بر توسعه زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز با نقش میانجی کارآفرینی اجتماعی
رضا نوروزی اجیرلو، مسلم سلیمان پور، سید محمد رضا موحد

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمد رحیم رهنما

سرمدیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمد علی احمدیان - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکترای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)	حمید شایان - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	حسن کامران دستجردی - دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)
مهدی پورطاهری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	حسن لشکری - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای آب و هواشناسی)
سیدرضا حسین‌زاده - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)	عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)
کریم حسین‌زاده دلیر - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)	غلامعلی مظفری - استاد دانشگاه یزد (دکترای آب و هواشناسی)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)	سعدالله ولایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین شناسی)
شهرام روستایی - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)	وحید قاسمی - استادیار دانشگاه اروپا، لیسیون پرتغال (دکترای گردشگری و مدیریت مارکتینگ)
حمده‌الله سجاسی قیداری - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	خلنظر محبتوف - استاد آکادمی ملی علوم تاجیکستان (دکترای علوم جغرافیا)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان	ویراستار ادبی متن مقالات: دکتر سیده مریم فضائلی
مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی	ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی
کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد	حروفنگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱۱)	شمارگان: ۳۰ نسخه
پها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)	
نشانی اینترنتی: E-mail: JRD@Ferdowsi.um.ac.ir	http://jgrd.um.ac.ir/
شماره‌ی پروانه: ۱۳۴/۲۷ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸۶/۱۲/۱ رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.	
بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به "نشریه" علمی "تغییر نام یافتند.	

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه‌اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<https://jgrd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲. مقاله ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیئت تحریریه مجله، انتظار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال ننمایند.

۳. مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 با نرم افزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چپ ۴ سانتی متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴. حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مورد نیاز برای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۶۰ حرف بیشتر شود و با قلم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶. مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم B لوتوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman 9 باید در زیر عنوان مقاله به صورت وسط چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 12، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹. اشکال و نمودارهای مقاله حتماً اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، B لوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره گذاری می شوند. شکل ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند الزامی است.

۱۱. معادل انگلیسی واژه های مهم در داخل متن با شماره گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱-۱۲. **صفحه عنوان:** در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (گان) درجه علمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۲-۱۲. **چکیده:** شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، تکنیک به کار رفته، یافته ها و نتیجه گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۳-۱۲. **مقدمه:** که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۴-۱۲. **مواد و روش ها:** که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال ها و فرضیه ها، معرفی متغیرها و شاخص ها کاربرد روش ها و تکنیک ها می باشد.

۵-۱۲. **مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری:** که در برگیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۶-۱۲. **یافته ها:** ارائه نتایج دقیق یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۷-۱۲. **بحث و نتیجه گیری:** متضمن آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارائه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادهای احتمالی.

۸-۱۲. **تشکر و قدردانی:** قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکرافراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳. **نحوه ارجاعات:** منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱-۱۳. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می باشد اما برای

ارجاعاتی که بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول آمده و از واژه همکاران به جای سایر نویسندگان استفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتین نیز (Gilbert et al, 1994:76)

۱۳-۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:
نمونه فارسی:

۱. نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان کتاب (به صورت ایتالیک باشد)؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوه درج در فهرست منابع و مآخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.
مثال برای کتاب: توسلی، محمود (۱۳۸۶)؛ اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ نام نشریه (به صورت ایتالیک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم (۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی (مطالعه موردی: مکانیابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۸.

۱۴. نقل قول ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه گذاری های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵. مقالات برگرفته از رساله و پایان نامه دانشجویان با نام دانشجو، استاد راهنما و مشاوران و با مسئولیت استاد راهنما انتشار می یابد.

۱۶. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

۱۷. شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه های نوآوری در حوزه نظریه و روش شناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده ای پیشنهاد می کنند. پیشنهاد های داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان (شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بدون چکیده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده ۱۲-۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی موکول خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای- کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر رضا اسماعیلی (دکتری آب و هواشناسی، معاونت محیط زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر روح اله اوجی (استادیار اقلیم شناسی دانشگاه گیلان)
دکتر ایمان بابائیان (عضو هیئت علمی گروه پژوهشی تغییر اقلیم، سازمان هواشناسی کشور، پژوهشکده اقلیم شناسی)
دکتر جواد بذرافشان (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان)
دکتر عیسی پیری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان)
دکتر بهمن تارویردیزاده (دکتری آمار دانشگاه علامه طباطبائی)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه ارومیه)
دکتر سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بزرگمهر قاننات)
دکتر محسن حمیدیان پور (دانشیار اقلیم شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان)
دکتر محمد تقی حیدری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان)
دکتر رضا خسروبیگی بزچلویی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر رضا دوستان (استادیار اقلیم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر امین دهقانی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه جیرفت)
دکتر مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر سعید زنگنه شهرکی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران)
دکتر حمدالله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مسلم سلیمان پور (استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر علی اکبر شمس پور (دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تهران)
دکتر رعنا شیخ بیگلر (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز)
دکتر مصطفی طالشی (استاد گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر فروزان طاهری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر یونس غلامی (دانشیار گروه جغرافیا و گردشگری دانشگاه کاشان)
دکتر مجید گودرزی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر افشین متقی دستنایی (دانشیار گروه آموزشی جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی)
دکتر حمیده محمودی (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابوالفضل مشکینی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر مهدی مودودی ارخودی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بزرگمهر قاننات)
دکتر میثم میرزائی تبار (استادیار جغرافیای سیاسی، گروه مطالعات ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس)



- ۱..... ■ برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه استان لرستان بر پایه هویت رقابت‌پذیر منطقه‌ای
کیان شاکرمی، محمد رحیم رهنما، مسعود زمانی‌پور
- ۲۷..... ■ گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی
حمده‌الله سجاسی قیداری، سید هادی زرقانی، سید محمد حسین حسینی، وحید صادقی
- ۶۷..... ■ ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر (مطالعه موردی: عشایر شهرستان خواف)
محمدحسین جعفری، حمید جعفری، کتایون علیزاده
- ۱۰۵..... ■ تحلیل راهبردی کشاورزی فراسرزمینی ایران با استفاده از مدل SWOT و QSPM
فرزانه رضایی، فرحناز رستمی
- ۱۴۱..... ■ تبیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری در فرایند مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد)
محمد هادی درودی، حسین حاتمی نژاد، سعید زنگنه شهرکی، احمد پوراحمد
- ۱۶۹..... ■ بررسی موج‌های گرم شهر اردبیل و نقش آن در گرمایش شهری
رقیه ملکی مرشت، بهروز سبحانی
- ۱۹۷..... ■ تحلیل نوشهرگرایی با تأکید بر حس تعلق به مکان (نمونه موردی: منطقه ۲ کلان‌شهر مشهد)
هادی سلیمانی مقدم، مهسا مقدم شخصی
- ۲۲۹..... ■ آسیب‌پذیری اقلیمی و راهبردهای پایداری منابع آب در حوضه کارون شمالی
بیژن صابری، داریوش رحیمی، جواد خوشحال دستجردی
- ۲۵۷..... ■ تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران
اسماعیل صفرعلی‌زاده، رباب حسین‌زاده
- ۲۸۷..... ■ فراتحلیل آگاهی از حقوق شهروندی در ایران (در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)
سیداحمد میرمحمدتبار، زین‌العابدین افشار، سعید محمودی
- ۳۱۵..... ■ واکاوی نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری دوره معاصر با تأکید بر شهر زنجان
حمیدرضا حمیدی، زهره داودپور، شادی پاکزاد
- ۳۴۷..... ■ بررسی تأثیر اقتصاد دایره‌ای بر توسعه زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز با نقش میانجی کارآفرینی اجتماعی
رضا نوروزی اجیرلو، مسلم سلیمان‌پور، سید محمد رضا موحد



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2021.47550.0>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه استان لرستان بر پایه هویت رقابت‌پذیر منطقه‌ای

کیان شاکرمی (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

ki.shakarami@alumni.um.ac.ir

محمدرحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

rahnama@um.ac.ir

مسعود زمانی‌پور (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ma.zamanipoor@gmail.com

صص ۲۵ - ۱

چکیده

اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱- شناسایی موقعیت استان لرستان در ابعاد گردشگری و کشاورزی در مقایسه با رقبا (استان‌های کرمانشاه، کردستان، همدان، خوزستان، ایلام، اصفهان، مرکزی) در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای با توجه به منابع و قابلیت‌های درونی استان؛ ۲- مشخص کردن عوامل کلان محیطی تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان؛ ۳- ترسیم نقشه راهبردی تناسبی که نشان‌دهنده میزان تناسب راهبردی بین منابع و پتانسیل‌های استان لرستان با عوامل کلان محیطی و اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز توسعه استان است. برای تدوین راهبردی توسعه و تشریح اهداف، منابع، توانایی‌ها و عوامل کلان محیطی از تکنیک تحلیلی Meta-SWOT استفاده شد. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز به روش اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه‌ای) تهیه شد. افراد نمونه ۴۰ نفر از کارشناسان در دو حیطه کارکنان

ادارات مرتبط و پژوهشگران دانشگاهی بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند. اعتبارات اختصاص یافته به استان لرستان در نهادهای قانون‌گذار، مدیریت کلان کشور، تحریم‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری نکردن بخش خصوصی، نگاه قومیت‌گرا در استان و تبلیغات منفی، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه لرستان هستند. در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای در بعد گردشگری، استان‌های اصفهان با امتیاز ۴ از ۵ امتیاز ممکن و کرمانشاه با امتیاز ۳، به‌عنوان مهم‌ترین رقبا شناسایی شدند و در بعد کشاورزی استان‌های خوزستان با امتیاز ۳/۸۰ و کرمانشاه و اصفهان با امتیاز ۳ از ۵ امتیاز ممکن، به‌عنوان مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای برای لرستان شناسایی شدند. با توجه به منابع و قابلیت‌های موجود استان لرستان در ابعاد گردشگری و کشاورزی، این استان می‌تواند با برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب، در سال‌های آینده توسعه کشور یعنی ۱۴۰۸ در جایگاه مناسب‌تری از لحاظ توسعه در منطقه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی استراتژیک، توسعه منطقه‌ای، هویت رقابت‌پذیر، Meta-SOWAT، استان لرستان.

۱. مقدمه

جهانی‌شدن اساساً جهان را به بازار رقابتی تبدیل کرده است که در آن بیشتر شرکت‌ها به دنبال انتخاب سیاست‌های اقتصادی مناسب و تعیین استراتژی‌های کارآمد و برای پاسخ‌گویی به سؤالات نوظهور محیط رقابتی به وجود آمده و چالش‌های جدید مطرح‌شده در این محیط رقابتی جهانی هستند (لنگیل^۱، ۲۰۰۹، ص. ۱۴). از دیدگاه افرادی هم‌چون آشم^۲ و همکاران (۲۰۰۶، صص. ۱-۳۰)، مزایای رقابتی در اقتصاد جهانی به‌شدت محلی است و از تمرکز نیروی کار متخصص، دانش، نهادها، رقبا و کسب‌وکارهای مرتبط و استفاده‌کنندگان پیشرفته ناشی می‌شود.

به‌مرور برنامه‌ریزی توسعه فضایی نیز به شیوه‌ای که باعث افزایش رقابت‌پذیری مکان و موفقیت آن در جذب سرمایه و نیروی انسانی سیال شود، به دغدغه بسیاری از صاحب‌نظران

1. Lengyel

2. Asheim

علوم منطقه‌ای و شهری تبدیل شد و بررسی ارتباط میان رقابت‌پذیری و مکان در دستور کار قرار گرفت (کامانی و کاپلو^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۳۹۴، کروگمن^۲، ۱۹۹۴، ص. ۳۲). مزایای استفاده از توان‌های مناطق مختلف در برنامه‌ریزی برای توسعه در محیط رقابتی جهان می‌تواند به کمک مجموعه‌ای خاص از عوامل تعریف شود؛ مانند موقعیت جغرافیایی، پتانسیل منابع، پتانسیل نیروی کار و در دسترس بودن سرمایه و... (کیریلیچ و فرانکو^۳، ۲۰۱۳، ص. ۳۴۵)؛ بنابراین در حال حاضر با توجه به مقوله جهانی‌شدن و ارتباطات نزدیک شهرها و کشورها به یکدیگر، مفهوم رقابت و رقابت‌پذیری رشد دوچندانی کرده و همین موضوع شهرها، مناطق و کشورها را برای ارزیابی، بهبود و پایدارسازی قابلیت‌ها محیط خود در برابر دیگر مکان‌ها ترغیب کرده است (مالکی^۴، ۲۰۰۲، ص. ۹۳۰).

یکی از روش‌های برنامه‌ریزی در زمینه توسعه برای محیط رقابتی، برنامه‌ریزی استراتژیک است که می‌تواند به عنوان یک شیوه اساسی و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف و خلق یک چشم‌انداز روشن و شفاف برای آینده استفاده شود (میلر^۵ و همکاران، ۲۰۰۲، ص. ۴۱). این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها باید با شناخت مقوله جهانی‌شدن و رقابت‌پذیری بین مکان‌ها همراه باشد (لنگیل^۶، ۲۰۰۹، ص. ۱۷؛ آبت^۷، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۷). یکی از روش‌های به کارگرفته شده از سال ۲۰۱۲، برنامه‌ریزی راهبردی و استراتژیک Meta-SOWT است. متاسوات یک روش برنامه‌ریزی راهبردی با نگاه به درون است که به ما کمک می‌کند که با شناسایی و ارزیابی صحنه رقابت خود با دیگران و مشخص کردن منابع و قابلیت‌های محیط درون خود بتوانیم در رقابت با رقبای آینده پیروز شویم و مرزهای اقتصادی یا بازارهای مشترک خود با رقبای به نفع مجموعه خود تغییر دهیم.

برای تحقق برنامه‌ها و اهداف کلان کشور در زمینه‌های مختلف توسعه صنعتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در تنظیم دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و اسناد برنامه‌ای، در مسیر

1. Camgni & Capello
2. Krugman
3. Kyrylych & Franko
4. Malecki
5. Miller
6. Lengyel
7. Abbott

سیاست‌های همه‌جانبه و برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت باید از روش‌های مناسب برنامه‌ریزی از جمله برنامه‌ریزی راهبردی استفاده کرد. بدیهی است اگر بتوانیم از فرصت‌ها و مزیت‌های همه استان‌ها استفاده کنیم، نه تنها به رشد و توسعه‌ی یکنواخت همه استان‌ها کمک شده است، بلکه توجیه مناسبی برای کاهش بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی حاکم بر استان‌های پرجمعیتی مانند اصفهان و تهران دارد. در این بین، استان لرستان که در غرب ایران قرار دارد، دارای منابع و پتانسیل‌های بالقوه در زمینه‌های مختلف برای رشد و توسعه اقتصادی و رقابت با رقبای منطقه‌ای خود است؛ به‌طوری‌که در زمینه گردشگری تاریخی و فرهنگی این استان از طرف یونسکو به‌عنوان پایگاه مفرغ جهان معرفی شده است؛ به دلیل داشتن پل‌های تاریخی متعدد به‌عنوان پایگاه پل‌های تاریخی ایران شناخته شده است؛ از نظر جاذبه‌های طبیعی به‌عنوان پایگاه اکوتوریسم ایران و به دلیل داشتن آبشارها و چشمه‌های گوناگون انتخاب شده است. این استان از لحاظ منابع برای توسعه کشاورزی دارای ۳۳ رودخانه‌های دائمی و زمین‌های حاصلخیز بسیار است. به‌رغم داشتن تمامی این قابلیت‌ها و منابع، این استان در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای توسعه، کمتر مدنظر قرار گرفته شده است و برنامه‌ریزی مناسبی در جهت توسعه این استان و تعیین استراتژی مناسب برای رقابت با رقبای خود در محیط رقابتی منطقه با وجود داشتن ظرفیت‌های لازم، صورت نگرفته است؛ بنابراین با توجه به این موضوعات در مقاله حاضر، با به‌کارگیری برنامه‌ریزی راهبردی Meta-SWOT اهداف زیر دنبال می‌شود:

۱. شناسایی موقعیت توسعه استان لرستان در مقایسه با رقبای (استان‌های کرمانشاه، کردستان، همدان، خوزستان، ایلام، اصفهان، مرکزی)؛
۲. شناسایی مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های لرستان برای توسعه در محیط رقابتی که دارای ویژگی نادر بودن، تقلیدناپذیر بودن، تکرار نشدنی و جایگزین‌نشدنی هستند؛
۳. مشخص کردن عوامل کلان محیطی تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان؛
۴. ترسیم نقشه راهبردی تناسبی که نشان‌دهنده میزان تناسب راهبردی بین منابع و پتانسیل‌های استان لرستان با عوامل کلان محیطی و اهداف تعیین‌شده در سند چشم‌انداز توسعه استان است.

۲. پیشینه تحقیق

سیزراکی^۱ و همکاران (۲۰۰۶، ص. ۳۲۱) در تحقیقی با استفاده از مدل معادلات ساختاری به سنجش و سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در اسلوونی در مدل مربوط به وزن‌دهی شاخص‌ها پرداختند. شی^۲ و همکاران (۲۰۱۲، ص. ۱۲۳) به سنجش سطح توسعه مناطق اکولوژیک از طریق شاخص اکودپ و براساس چشم‌انداز اکوسیستم از لحاظ زیست‌محیطی و منابع طبیعی پرداختند. داده‌های سری زمانی و شاخص‌های استفاده‌شده عمدتاً فنی اقتصادی بود. توکلی‌نیا و شالی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران» انجام دادند. نتایج نشان داد که الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور در ایران از الگوی مرکز-پیرامون پیروی کرده است. شریف‌زادگان و طوسی (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «چارچوب توسعه فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران (موردپژوهی ۳۰ استان ایران)» انجام دادند. مدل برازش‌شده نشانگر آن است که فعالیت‌های دانشی-فرهنگی از طریق میل به خوشه‌ای شدن، مؤثرترین پیشران در دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران به شمار می‌رود.

همان‌گونه که مشخص شد، بیشتر تحقیقات انجام‌شده در زمینه توسعه منطقه‌ای در سطح استانی و رتبه‌بندی وضع موجود بوده و تاکنون تحقیقات منطقه‌ای در دسترسی در زمینه برنامه‌ریزی استراتژیک با استفاده از روش متاسوات انجام نشده و عمده تحقیقات با استفاده از تکنیک متاسوات در زمینه شهری و روستایی بوده است. قائدرحمتی و خاوریان (۱۳۹۵) از تکنیک متاسوات در برنامه‌ریزی گردشگری راهبردی شهر یزد استفاده کردند. بدری و همکاران (۱۳۹۴) از این تکنیک در زمینه گردشگری روستایی بهره بردند. آن‌ها درصدد آن بودند که قابلیت‌ها و مزایای مدل استراتژیک متاسوات را در قالب نرم‌افزار مربوط در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی معرفی کنند. رضایی و همکاران (۱۳۹۴) متاسوات را در برنامه‌ریزی فضایی عملیاتی کرده و اولویت‌های استراتژیک فضایی شهر تفت را مشخص کردند.

در تحقیق حاضر نیز برای اولین بار با استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی Meta-SWOT به بررسی وضعیت توسعه منطقه‌ای استان لرستان در مقایسه با رقبا و شناسایی منابع و قابلیت‌های محیطی این استان و عوامل کلان تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان پرداخته شد.

1. Cziráky

2. Shi

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و هدف کاربردی است. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق حاضر در دو فاز انجام شد؛ بدین ترتیب که در فاز اول داده‌ها و اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعه و بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای از جمله اسناد فرادست مرتبط با توسعه استان و مطالعه آمایش سرزمینی کشور تهیه و مطالعه شد. سپس اهداف، استراتژی‌های مهم رسیدن به اهداف و قابلیت‌های گردشگری استان لرستان وارد نرم‌افزار Meta-SWOT شد. در گام بعدی، اطلاعات میدانی از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با ۴۰ نفر از کارشناسان و متخصصان امر در سازمان‌های مرتبط و دانشگاهی جمع‌آوری شد. از مجموع ۴۰ پرسش‌نامه، ۲۰ عدد به پژوهشگران و دانشگاهیان و ۲۰ عدد بین متخصصان سازمان‌های مرتبط توزیع شد. در این پژوهش برحسب قابلیت نرم‌افزار متاسوات تعدادی از پرسش‌نامه‌ها را از طریق الکترونیکی برای کارشناسان ارسال شد و از آنجاکه باید از کسانی نظرخواهی می‌شد که دارای تخصص کافی در این زمینه باشند، در بین کارکنان ادارات، نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شد. در این روش برنامه‌ریزی راهبردی در تمامی مراحل از کارشناسان نظرخواهی صورت می‌گیرد و درواقع کاری تحقیقی با کارشناسی دقیق است؛ به‌طوری‌که در همان مرحله اول که اهداف را انتخاب می‌کنیم کارشناسان نظر خود را در ارتباط با سطح‌بندی اهداف، تعیین درجه اثرگذاری استراتژی‌های مؤثر بر اهداف، رقبا و تمامی مراحل به صورت کیفی وارد می‌کنند و نقش فعالی در انجام کار دارند.

در فاز دوم، بعد از واردکردن اطلاعات و نظرهای کارشناسان در نرم‌افزار، ابتدا نقشه رقابتی استان لرستان با رقبا (استان‌های اصفهان، مرکزی، کرمانشاه، خوزستان، کردستان و همدان) ترسیم شد. ابعاد رقابتی تعریف‌شده، در نرم‌افزار در دو بعد یکی مربوط به گردشگری و دیگری مربوط به کشاورزی است. از دلایل انتخاب رقبا می‌توان به این موارد اشاره کرد که از لحاظ موقعیت جغرافیایی استان‌های هم‌جوار استان لرستان هستند و همچنین با توجه به مطالعات طرح آمایش سرزمین اولویت تعریف‌شده برای توسعه این استان‌ها مانند استان لرستان ابعاد کشاورزی و گردشگری است. در گام بعدی با شناسایی عوامل کلان محیطی

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. هویت رقابت‌پذیر منطقه‌ای

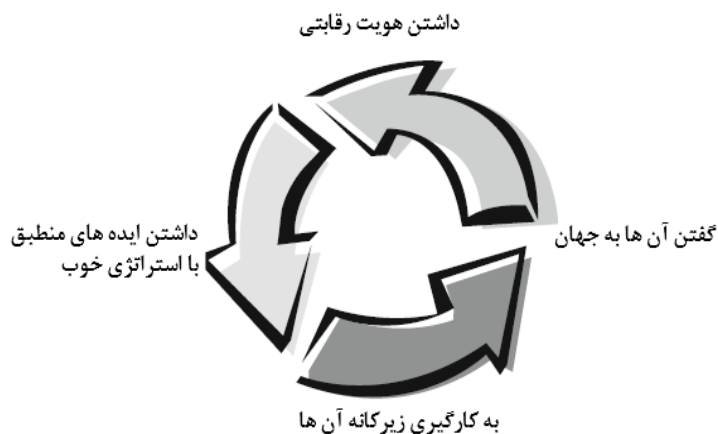
روند جهانی شدن با تغییرات در منابع، سرمایه و مردم جهان در حال افزایش است و تشدید رقابت در میان شهرها و مناطق برای سرمایه‌گذاری، کسب‌وکار، جذب بازدیدکنندگان و رویدادهای مختلف در خورتوجه است (زالی و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۲۱۳). امروزه جهان به بازار بزرگی تبدیل شده است. پیشرفت سریع جهانی شدن یعنی هر کشوری، هر شهر و هر منطقه‌ای باید برای گرفتن سهم خود از مشتریان، گردشگران، سرمایه‌گذاران، دانشجویان و شرکت‌های جهانی با دیگران به رقابت پردازد؛ رقابتی که شامل برگزاری رویدادهای بین‌المللی ورزشی و فرهنگی، جلب توجه و کسب اعتبار نزد رسانه‌های بین‌المللی می‌شود (انهالت، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). در این میان هویت منطقه‌ای به‌وسیله افزایش تقاضا برای رقابت بین مناطق در عصر جهانی شدن و سرمایه‌داری جهانی مطرح شده است (زیمربائوئر^۱، ۲۰۱۱، ص. ۲۴۳). در چند دهه اخیر، هویت منطقه‌ای به‌عنوان یک موضوع مهم در جغرافیا مطرح شده است. امروزه هویت منطقه‌ای اغلب به صفات طبیعی یا فرهنگی مانند مناظر، گویش‌ها و غذاهای محلی یا نام‌های مکان و بنگاهایی که هم نشان‌دهنده هویت و هم تجلی‌دهنده آن است، گفته می‌شود. به‌طور متناوب، هویت منطقه‌ای می‌تواند برگرفته از روایت‌های منتشرشده از طریق رسانه‌ها، اشعار و داستان‌ها یا از طریق اجرای بازی‌ها، کنسرت‌ها و نمایشگاه‌ها باشد. مفهوم «هویت منطقه‌ای» ارز جدید به همراه ظهور «منطقه‌گرایی جدید» را از طریق به رسمیت شناخته شدن منطقه به‌عنوان یک کاتالیزور کلیدی برای توسعه اقتصادی، به دست می‌آورد. هویت منطقه‌ای در حال حاضر به‌عنوان امری حیاتی در برنامه‌ریزی و بازاریابی با استفاده از بسیج منابع انسانی و تقویت‌کننده رقابت‌پذیری منطقه در نظر گرفته می‌شود (پاسی^۲، ۲۰۱۲، ص. ۲). بدیهی است که این ایده به دنبال آن است که هر منطقه به‌واسطه آن بخشی از عناصر هویت‌ساز خود (هویت مکانی) که می‌تواند خود را متمایز از دیگران نشان دهد، با بازاریابی گسترده، سرمایه‌ها را به سمت خود روانه کند.

مباحث مربوط به هویت منطقه‌ای، عمدتاً در راستای توسعه منطقه‌ای در فضای رقابتی بین مناطق مطرح است. ایجاد این ذهنیت مثبت و جلب سرمایه‌گذاری و رونق کارآفرینی از طریق هویت

1. Zimmerbauer

2. Passi

منطقه‌ای همان چیزی است که انهالت^۱ (۲۰۰۷) از آن به عنوان هویت رقابت‌پذیر یاد می‌کند؛ به عبارت دیگر هویت رقابتی، اتخاذ نوعی دیپلماسی عمومی مبتنی بر منابع و مزیت‌های داخلی یک منطقه است. انهولت برای اتخاذ هویت رقابت‌پذیر کشور (یا منطقه) در مسیر توسعه چرخه‌ای را مطابق شکل ۲ در نظر گرفته است. این چرخه نشان می‌دهد، هویت یک کشور (یا منطقه) چگونه می‌تواند رقابت‌پذیر شود. این موضوع به مکان مبدأ بستگی دارد که استراتژی رقابت‌پذیر مناسب برای کشور (یا منطقه) داشته باشد؛ فرهنگ نوآوری را در همه بخش‌ها ایجاد کند - دولت، فرهنگ، گردشگری، تجارت، گسترش سرمایه‌گذاری، آموزش و صنعت - تا کشور تولید جریان مداوم از ایده‌ای جدید را آغاز کند. همه این‌ها به کار گرفته می‌شود تا درستی استراتژی را اثبات کنند و به اهداف آن دست یابند. سپس لازم است این ابتکارات بی‌عیب و نقص و با بالاترین سطح استانداردهای بین‌المللی، اعمال شوند. اینجاست که لازم است بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری رخ دهد؛ چراکه بدترین واقعه آن است که ایده‌های خوب بد به کار گرفته شود. پس زمان آن فرار رسیده است که حکایت موفقیت را به تمام جهان مخابره شود، چه از راه رسانه و چه هر جا که ممکن است به‌طور مستقیم به مخاطبان در سراسر جهان برسد (انهالت، ۱۳۹۰، ص. ۴۳).



شکل ۲. چرخه فضیلت‌مندی هویت رقابتی

مأخذ: انهالت، ۱۳۹۰، ص. ۴۴

۴. ۲. Meta-SOWT: یک ابزار برنامه‌ریزی راهبردی

این مدل از سری مدل‌های تصمیم‌گیری است که در جهت تعیین استراتژی و راهبرد بلندمدت و کوتاه‌مدت و ایجاد تصمیم‌های بزرگ و کلیدی در باب مسائل و موضوعات مختلف، طراحی شده است. بنا بر اظهار نظر تولیدکنندگان اولیه متاسوات به دنبال ساخت یک تکنیک جدید در برنامه‌ریزی راهبردی هستیم که قادر است با بررسی شرایط داخلی و شرایط بیرونی یک شرکت و همچنین شناخت قابلیت‌های بالقوه شرکت برای رقابت با رقبای به رشد و تحقق توسعه پایدار شرکت منجر شود (آگروال^۱ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۱۳). همیشه در ذهن مدیران این سؤالات مطرح می‌شود که چه عاملی می‌تواند باعث شود که موقعیت شرکت ما منحصربه‌فرد شود؟ چرا برخی مشتریان دیگر از ما خرید نمی‌کنند؟ یا چرا شرایط ما در مقایسه با رقبای سودآور نیست؟ یک پاسخ معمولی ممکن است این باشد که جواب این سؤالات به دانش فنی، منابع مالی کم، طراحی و مهندسی شرکت و... برمی‌گردد؛ این در حالی است که مدل‌هایی هم که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و منابع محدود در دسترس و تهدیدات ذهنی که موقعیت ما را به خطر می‌اندازد مورد تحلیل قرار داده‌اند و نسبت به آن نکته کلیدی که همان قابلیت ویژه بالقوه در درون محیط ماست که می‌تواند ما را در رقابت با سایرین پیروز کند توجه نشده است. همچنین بر اساس این مدل‌ها که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته موقعیت رقابتی ما نسبت به رقبایمان کارشناسی نشده که با استفاده از این تکنیک Meta-SWOT این نقص برطرف می‌گردد و درواقع با نگاه به داخل و شناخت قابلیت‌های درونی نگاهی به خارج و رقبا داشته باشیم (ملیر^۲، ۲۰۰۰، ص. ۳۴). بینش و دیدگاه مبتنی بر منابع بر این فرض استوار است که منابع و توانایی‌های هر سازمان و گروه نخستین مزیت و عامل متمایزکننده آن‌هاست و نوعی برتری پایدار و بلندمدت را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد (آکیو^۳، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۶). منظور از منابع توانایی‌ها، دارایی‌ها، ویژگی‌های مثبت و هر نوع مزیت نسبی که در اختیار یک گروه باشد و در بهبود شرایط آینده آن‌ها مؤثر است (بارانی^۴، ۱۹۹۱، ص. ۱۰۰). مدل Meta-SWOT بر اساس رهیافت داخل به خارج و به‌نوعی دیدگاه مبتنی بر منابع استوار است.

-
1. Agarwal
 2. Melyr
 3. Akio
 4. Barany

همچنان چگونگی تشخیص منابع و قابلیت‌ها قادر به ایجاد مزیت رقابتی پایدار به‌عنوان یک چالش باقی است. بارنی^۱ (۱۹۹۱) برای حل این مسئله چهار معیار را معرفی می‌کند (شکل ۳). برای اثربخشی یک منبع یا قابلیت از نظر استراتژیک باید باارزش، نادر، تقلید نشدنی و غیرقابل جایگزین باشد. چهار معیار زیر می‌تواند توان بالقوه منابع و قابلیت برای خلق یک استراتژی موفق را تعیین کند. از نظر منابع، این چهار معیار به شرایط VRIO مرسوم هستند.

V (باارزش): آیا منابع یا قابلیت شرکت را قادر به بهره‌برداری از یک فرصت محیطی می‌نماید و یا تهدید محیطی را بی‌اثر می‌سازد؟
R (نایاب): آیا این منبع یا قابلیت در حال حاضر تحت کنترل تنها تعداد اندکی از شرکت‌های رقابت‌کننده قرار دارد؟
I (تقلید ناپذیر): آیا شرکت‌ها بدون این منبع یا قابلیت در دستیابی یا توسعه‌ی آن با شرایط نامساعد هزینه مواجه می‌شوند؟
O (سازماندهی): آیا برای پشتیبانی و بهره‌برداری از منابع و قابلیت‌های ارزشمند، نایاب و پرهزینه در برابر تقلید، سیاست‌ها و رویه‌های شرکت سازمان‌یافته اند؟

شکل ۳. تشریح معیارهای VRIO

مأخذ: رضایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۹

چهار معیار VRIO به‌طور بالقوه از منابع و فرصت‌ها برای ایجاد استراتژی موفق تعریف می‌شوند؛ بنابراین با توجه به این راهبرد، هر شرکت و سازمان باید در مرحله اول با شناسایی منابع و توانایی‌های خود به بیرون نگاه داشته باشد و این مسئله سال‌ها است که رویه کاری شرکت‌ها و مؤسسات بوده است که برای دستیابی به سود همیشه نگاه به بیرون داشته‌اند و کمتر به اوضاع درون محیط خود توجه کرده‌اند. برای رهایی از این مشکل، شولتز برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ با راهبردی با عنوان نگاه به داخل و نگاه به بیرون، پیشنهاد کرد که شرکت‌ها براساس منابع و قابلیت‌های درون شاخص‌های رقابتی خود را سازمان‌دهی کنند و محصولی تولید کنند جذاب، جدید، مربوط و بسیار متفاوت باشد. با این راهبرد و استفاده از آن ما می‌توانیم جایگاه خود را ارتقا بخشیم (تامس^۲، ۲۰۰۴،

1. Barany

2. Thoms

ص. ۷۵). با توجه به معیارهای این دیدگاه، این مدل برنامه‌ریزی راهبردی یک مدل داخلی-خارجی-داخلی واقعی است؛ در نتیجه برنامه‌ریزی فرایند خطی نیست؛ بلکه تکرارشونده است (آگروال^۱ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۱۴). در متاسوات علاوه بر بررسی قابلیت‌های درونی، ما به بررسی مجموعه عوامل کلان (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و قانونی) تأثیرگذار خارج از کنترل سازمان می‌پردازیم (رادومسکا^۲، ۲۰۱۵، ص. ۵۹) و شدت تأثیرگذاری این عوامل را با توجه به نظر کارشناسان درباره استراتژی‌های مطرح‌شده برای رسیدن به اهداف می‌سنجیم. برای انجام این کار از روش پستل (PESTEL) استفاده می‌کنیم و می‌توانیم با شناسایی این عوامل و خطرات احتمالی که ممکن است برای سازمان ایجاد کنند، برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم اثرات آن‌ها را از بین ببریم یا حداقل کنترل کنیم (بلومبرگ^۳، ۲۰۱۲، ص. ۲). این مبحث در ادامه در قالب کار انجام‌شده، بیشتر مشخص می‌شود. در نهایت می‌توان گفت این روش برای هدایت تصمیم‌گیرندگان در فرایند برنامه‌ریزی بدون مرز از مرحله اولیه طوفان مغزی تا ایجاد فهرست رتبه‌بندی‌شده از اولویت‌های استراتژی است. همچنین تمام سؤالات درباره سازمان برای اینکه یک استراتژی به‌جای استراتژی‌های دیگر توسعه یابد، پرسیده می‌شود؛ در نتیجه متاسوات، دوباره‌نویسی برای تجزیه و تحلیل سوات در شکل قابل‌ملاحظه تغییر یافته از طریق حفظ رویکرد اصلی‌اش را دنبال می‌کند. روش جدید کاستی‌های بسیار زیادی از متاسوات را توسط آینده‌گرا بودن، دقیق بودن، منابع محور بودن، هدفمند بودن، مفید و به‌موقع بودن حذف می‌کند. درواقع متاسوات با بررسی محیط درون، محیط رقابتی و عوامل کلان برنامه تناسب راهبردی خود را ارائه می‌دهد.

۵. یافته‌های تحقیق

دوره زمانی برنامه‌ریزی برای این پژوهش، منطبق بر اسناد فرادست (سند توسعه استان لرستان و سند آمایش سرزمین ایران)، سال ۱۴۰۸ است. نخستین گام در مراحل برنامه‌ریزی متاسوات، تعیین اهداف موضوع تحقیق است؛ بنابراین اهداف پیش‌بینی‌شده در سند ملی توسعه استان لرستان وارد نرم‌افزار شد و براساس نظر کارشناسان، این اهداف در سه سطح بالا، متوسط و پایین رتبه‌بندی شد

1. Agarwal
2. Radomska
3. Bloomberg

(جدول ۱). با توجه به قابلیت‌ها، تنگناها و مسائل موجود، توسعه استان لرستان بر پایه‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری استوار خواهد بود. اهداف بلندمدت توسعه استان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اهداف تعیین‌شده برای توسعه استان لرستان

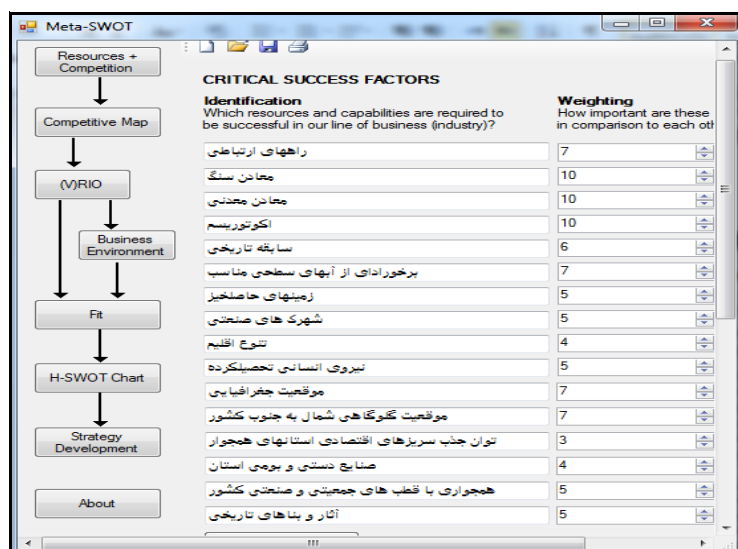
مأخذ: سند توسعه استان لرستان، ۱۳۹۵

اولویت	اهداف	ردیف
متوسط	ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی، فرهنگی و اجتماعی متناسب با ضرورت‌های توسعه	۱
بالا	ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی	۲
بالا	توسعه اکو توریسم به‌عنوان یکی از بخش‌های اشتغال‌زا	۳
پایین	توسعه امکانات سیاحتی با توجه به آثار تاریخی و طبیعی	۴
متوسط	ایجاد محیط‌های تفریحی در مناطق مستعد گردشگری	۵
متوسط	افزایش تعداد گردشگران به میزان دو برابر	۶
متوسط	توسعه زیرساخت‌های گردشگری	۷
پایین	تقویت صنایع‌دستی و بومی استان	۸
متوسط	توسعه و گسترش باغ‌های میوه	۹
بالا	توجه و تخصیص اعتبارات بیشتر به امر گردشگری	۱۰
پایین	توسعه پروژه‌های سدسازی برای تأمین آب کشاورزی	۱۱
بالا	توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی	۱۲
بالا	افزایش بهره‌وری، کمیت و کیفیت تولید محصولات کشاورزی با توجه به قابلیت‌های منابع	۱۳
بالا	آموزش و ترویج فرهنگ برخورد صحیح با گردشگر	۱۴
بالا	تقویت شبکه ارتباطی زمینی و هوایی استان با مرکز و قطب‌های توسعه کشور	۱۵
متوسط	گسترش مراکز تحقیقات بخش کشاورزی	۱۶
متوسط	ایجاد محیط‌های تفریحی در مناطق مستعد گردشگری	۱۷
بالا	گسترش شبکه‌های آبیاری تحت فشار	۱۸

تئوری مبتنی بر منابع، هر شرکت، سازمان یا منطقه‌ای را به‌صورت مجموعه‌ی منحصربه‌فردی از منابع در سه مقوله‌ی دارایی‌های مشهود، دارایی نامشهود و قابلیت‌ها در نظر می‌گیرد. دارایی‌های مشهود (نظیر مالی و فیزیکی) و نامشهود منابعی هستند که یک شرکت دارد. مالکیت معنوی، خصوصیات و شهرت و قابلیت‌ها مواردی هستند که یک شرکت قادر به

انجام آن‌هاست (نظیر دانش فنی)؛ بنابراین منابع و قابلیت‌ها سازه‌های مختلفی هستند (بدری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۸).

در این مرحله بعد از آنکه اهداف مشخص شد و کارشناسان سطح‌بندی کردند، منابع و قابلیت‌های استان لرستان که درواقع سرمایه و پتانسیل لرستان برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده در سند چشم‌انداز هستند و همچنین در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای برنامه‌ریزان استان لرستان می‌توانند با سرمایه‌گذاری و تقویت این منابع و قابلیت‌ها با رقبای خود رقابت کنند و بازارهای مشترک بین منطقه را به نفع خود جهت دهند، شناسایی و وارد نرم‌افزار شدند. درواقع این ویژگی منحصر به فرد یک (مکان) ممکن است که در حال حاضر سودآور نباشد، اما دارای توان بالقوه و پتانسیل ارزشمندی است که با برنامه‌ریزی آینده نگارانه می‌توان آن را به نقطه قوت خود در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای تبدیل کرد (میلر^۱، ۲۰۰۲، ص. ۴۰). هرکدام از این منابع از نظر کارشناسان امتیازی دریافت می‌کند که باید در پایان جمع تمام امتیازات داده‌شده به درصد ۱۰۰ برسد (شکل ۴).



شکل ۴. منابع و قابلیت‌های توسعه استان لرستان

مأخذ: سند توسعه استان لرستان، ۱۳۹۵

در گام بعدی، باید ابعاد رقابتی را که با توجه به منابع و قابلیت‌های استان بر سر دستیابی به آن‌ها با رقبای منطقه‌ای خود رقابت دارد، تعیین کرد (شکل ۶). درواقع در اینجا باید مشخص شود که لرستان در چه ابعادی با توجه به منابع و قابلیت‌های خود باید در منطقه رقابت کند؛ بنابراین با توجه به شناسایی این ابعاد در طرح آمایش سرزمین کشور در استان‌های رقیب (اصفهان، کردستان، همدان، کرمانشاه، مرکزی، خوزستان) انتخاب‌شده، استان لرستان باید در زمینه دستیابی به توسعه کشاورزی و گردشگری با رقبای منطقه‌ای خود رقابت کند.

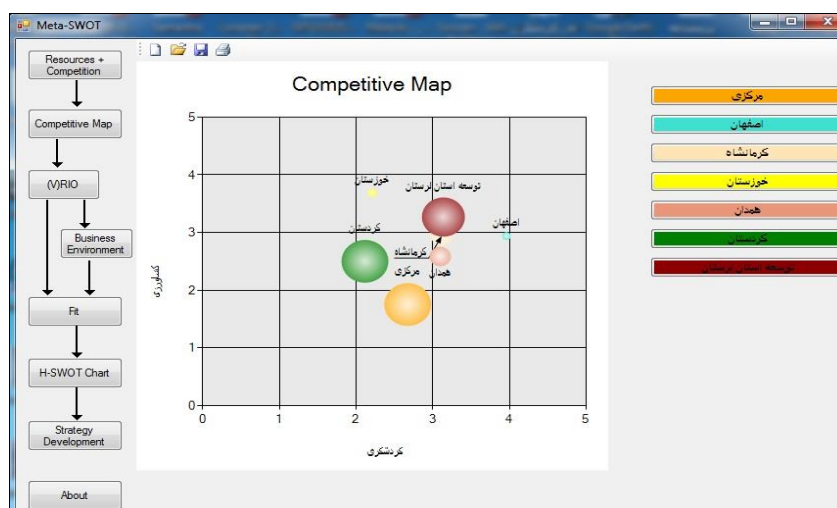
جدول ۲. مقایسه استان لرستان با رقبای از نظر منابع و قابلیت‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

منابع تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان	مرکزی	خوزستان	کردستان	همدان	کرمانشاه	اصفهان
راه‌های ارتباطی	پایین‌تر	تقریباً برابر	بالا‌تر	پایین‌تر	تقریباً برابر	پایین‌تر
امنیت	پایین‌تر	برابر	بسیار بالا‌تر	پایین‌تر	بالا‌تر	پایین‌تر
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	بسیار پایین‌تر	بسیار پایین‌تر	بالا‌تر	پایین‌تر	تقریباً برابر	بسیار پایین‌تر
اکوتوریسم	بسیار بالا‌تر	بسیار بالا‌تر	برابر	بالا‌تر	برابر	بالا‌تر
نیروی انسانی تحصیل‌کرده	تقریباً برابر	پایین‌تر	برابر	برابر	برابر	پایین‌تر
سابقه تاریخی	بالا‌تر	تقریباً برابر	تقریباً برابر	بالا‌تر	برابر	برابر
شهرک صنعتی	بسیار پایین‌تر	پایین‌تر	بالا‌تر	تقریباً برابر	تقریباً برابر	بسیار پایین‌تر
منابع آبی فراوان	بسیار بالا‌تر	بسیار بالا‌تر	بالا‌تر	بالا‌تر	بالا‌تر	بسیار بالا‌تر
زمین‌های حاصلخیز	بالا‌تر	تقریباً برابر	بالا‌تر	بالا‌تر	تقریباً برابر	بالا‌تر
تنوع اقلیم	بالا‌تر	بالا‌تر	تقریباً برابر	بالا‌تر	تقریباً برابر	بالا‌تر

منابع تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان	مرکزی	خوزستان	کردستان	همدان	کرمانشاه	اصفهان
موقعیت جغرافیایی	تقریباً برابر	بالاتر	بالاتر	پایین تر	بالاتر	تقریباً برابر
آثار و بناهای تاریخی	بسیار بالاتر	تقریباً برابر	بالاتر	بالاتر	تقریباً برابر	پایین تر
صنایع دستی و بومی استان	بالاتر	بالاتر	تقریباً برابر	بالاتر	تقریباً برابر	بالاتر
موقعیت گلوگاهی شمال به جنوب	پایین تر	بالاتر	بسیار بالاتر	تقریباً برابر	بالاتر	برابر
هم‌جوار با قطب‌های جمعیتی	پایین تر	بالاتر	بالاتر	پایین تر	بالاتر	تقریباً برابر
ظرفیت جذب رشته‌های اقتصادی استان‌های هم‌جوار	بالاتر	بالاتر	بالاتر	تقریباً برابر	تقریباً برابر	بالاتر

در ادامه باید میزان ارتباط هریک از ابعاد رقابتی (کشاورزی و گردشگری) را با منابع و قابلیت‌ها تعیین کرد و در پایان نقشه رقابتی ترسیم شود. این نقشه بیانگر وضعیت هریک از رقبا در مقایسه با استان لرستان در زمینه هدف مورد مطالعه خواهد بود (شکل ۷).



شکل ۷. نقشه رقابتی توسعه لرستان و رقبای منطقه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

شکل ۷ نشان‌دهنده نقاط مثبت و موقعیت رقابتی هریک از رقبا است. با توجه به نقشه بالا، لرستان از نظر توسعه کشاورزی و به‌دست آوردن موقعیت رقابتی مناسب در منطقه، رقابت فشرده‌ای با استان‌های دیگر دارد؛ به‌طوری‌که استان خوزستان در موقعیتی بالاتر از لرستان قرار دارد و استان‌های اصفهان، کرمانشاه و همدان دارای موقعیت نزدیک به هم هستند و همین موضوع باعث فشردگی و تجمع حباب‌ها در موقعیتی نزدیک به هم شده است. بعد از خوزستان، اصفهان، کرمانشاه و همدان قرار دارد، ولی از بعد گردشگری بعد از استان اصفهان و نزدیک به استان‌های کرمانشاه، همدان قرار دارد؛ بنابراین در بعد کشاورزی نیز استان‌های اصفهان و کرمانشاه مهم‌ترین رقبای لرستان هستند. در گام بعدی بعد از ترسیم نقشه رقابتی نرم‌افزار جدولی ترسیم می‌شود که درواقع نشان‌دهنده مزیت رقابتی هریک از رقبا به تفکیک هریک از ابعاد رقابتی و به‌صورت مجموع و امتیاز است (جدول ۳).

جدول ۳. مزیت رقابتی هریک از رقبا با توسعه استان لرستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

اسامی استان‌ها	گردشگری		کشاورزی		مجموع		امتیاز	
	مطلق	نرمال	مطلق	نرمال	مطلق	نرمال	مطلق	نرمال
اصفهان	۳/۱۲	۱/۱۳	۳/۰۸	۱/۲۰	۶/۱۶	۲/۳۴	۶	۶
همدان	۲/۸۷	۱/۰۴	۲/۱۹	۰/۸۶	۵/۰۶	۱/۹۱	۳	۳
کرمانشاه	۲/۹۱	۱/۰۶	۳/۰۳	۱/۲۰	۵/۹۵	۲/۲۶	۵	۵
خوزستان	۲/۸۷	۱/۱۴	۲/۳۸	۰/۹۴	۵/۵۳	۲/۰۸	۴	۴
مرکزی	۱/۸۷	۰/۶۸	۲/۴۲	۰/۹۵	۴/۲۹	۱/۶۴	۱	۱
کردستان	۲/۵۴	۰/۹۲	۲/۰۷	۰/۸۲	۴/۶۱	۱/۷۴	۲	۲

در این مرحله، این مسئله باید روشن شود که کدام‌یک از منابع و قابلیت‌های درون استان لرستان دارای توانایی و پتانسیل قوی‌تری و دارای مزیت رقابتی پایدارتری است که مسئولان امر بتوانند با برنامه‌ریزی و تقویت آن (همان نگاه به درون) با رقبا رقابت کنند و به برتری اقتصادی پایدار برسند؟ برای تعیین این قابلیت باید به این نکته توجه کرد که یک منبع و قابلیت قوی باید دارای چهار شاخصه یا ویژگی (VIRO) ازجمله باارزش بودن، نادر بودن،

تقلیدناپذیر بودن و بدون جایگزین بودن باشد. برای انجام این کار، منابع براساس طیف پنج تایی (خیلی موافقم، موافقم، خنثی، مخالفم، خیلی مخالفم) براساس نظر کارشناسان سنجش می‌شود. معیار باارزش بودن (V) در این مرحله سنجش نمی‌شود؛ زیرا فقط زمانی می‌توان این مورد را سنجید که در مقایسه با عوامل خارجی باشد. پاسخ‌های کارشناسان از نظر میزان موافقت با عباراتی همچون موارد زیر همراه خواهد بود:

کمیاب (R): رقبای ما قادر به انجام این کار نیستند؟ تقلیدپذیری (I): رقبای ما قادر به تقلید این قابلیت نیستند؟ جایگزین‌نشدنی (O): ما از این عامل به واسطه خط‌مشی جبران خود بهره می‌بریم؟ (بدری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۷)

The screenshot displays the 'Meta-SWOT' software interface. On the left, a vertical flowchart shows the process: Resources + Competition → Competitive Map → (VRIO) → Business Environment → Fit → H-SWOT Chart → Strategy Development → About. The main area is titled 'INTERNAL FACTOR EVALUATION' and contains a table with five columns: Identification, Weighting, Rarity, Imitability, and Organization. Each column has a brief description. The table lists 13 internal factors with their respective weightings and user-selected responses for each of the four criteria (Rarity, Imitability, and Organization, with the fifth column being a summary or action).

Identification	Weighting	Rarity	Imitability	Organization
راههای ارتباطی	5	Neutral	Disagree	Agree
امنیت	9	Agree	Neutral	Strongly Agree
مستند بودن منطقه برای گردشگری	7	Agree	Agree	Neutral
اکوتوریسم	10	Strongly Agree	Strongly Agree	Strongly Agree
سابقه تاریخی	7	Strongly Agree	Neutral	Agree
برخوردادی از آبهای سطحی مناسب	11	Strongly Agree	Strongly Agree	Strongly Agree
زمینهای حاصلخیز	11	Strongly Agree	Strongly Agree	Agree
شهرک‌های صنعتی	1	Strongly Disagree	Strongly Disagree	Disagree
تنوع اقلیم	5	Strongly Agree	Agree	Agree
نیروی انسانی تحصیلکرده	4	Disagree	Neutral	Neutral
موقعیت جغرافیایی	5	Neutral	Agree	Agree
موقعیت گوناگونی شمال به جنوب کشور	6	Agree	Agree	Agree
توان جذب سرمایه‌های اقتصادی استانی	3	Neutral	Agree	Disagree
هنای دستی و بومی استان	2	Disagree	Neutral	Neutral
همجواری با قطب‌های صنعتی کشور	6	Neutral	Neutral	Agree
آثار و بناهای تاریخی	5	Strongly Agree	Strongly Agree	Agree
به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری	3	Neutral	Neutral	Neutral

شکل ۸. ارزیابی منابع و قابلیت‌ها براساس دیدگاه مبتنی بر منابع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در برنامه‌ریزی برای سازمان‌ها باید به این نکته توجه کرد که همیشه یک سری از عوامل وجود دارند که خارج از کنترل مستقیم سازمان قرار دارند و این عوامل اثرات مثبت و منفی بر موفقیت سازمان دارند؛ بنابراین همه نهادهای برنامه‌ریز باید این عوامل خارجی کلان تأثیرگذار

بر مسیر سازمان را شناسایی کنند؛ بدین منظور، با استفاده از تحلیل PESTEL این عوامل کلان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و فرهنگی) شناسایی می‌شوند و برای کاهش اثرات منفی آن‌ها برنامه‌ریزی راهبردی مناسب پیش‌بینی می‌شود (جدول ۴). عموماً این تحلیل برای ارزیابی محیط در ابعاد کلان و همچنین ارزیابی زمان حال می‌پردازد (جونز و هیل^۱، ۲۰۱۳، ص. ۳۳۵).

جدول ۴. عوامل تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان

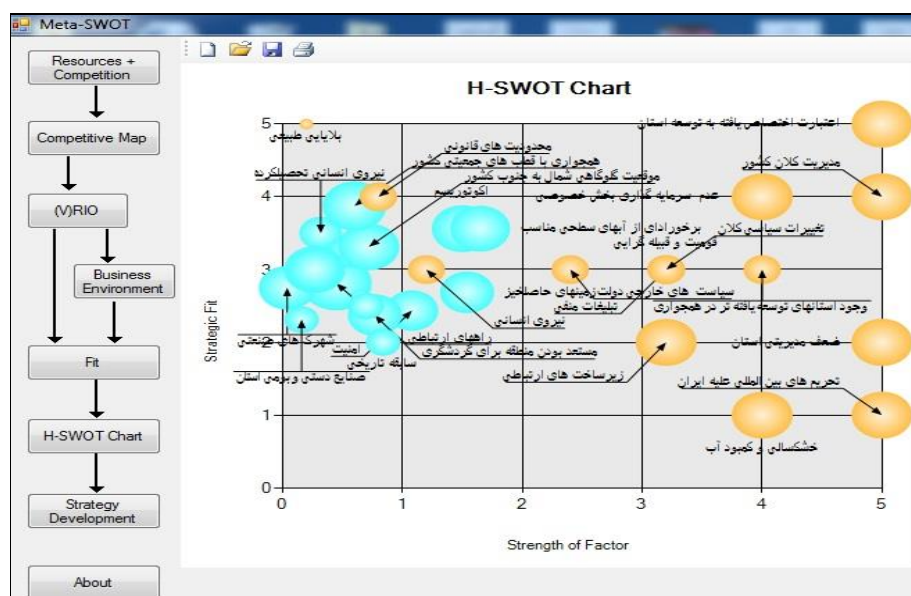
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

عوامل	وزن	تأثیرگذاری	احتمال افزایش	درجه اضطراب
مدیریت کلان کشور	بسیار مهم	خیلی قوی	متوسط	فوراً
تصمیمات سیاسی	بسیار مهم	خیلی قوی	متوسط	فوراً
تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران	بسیار مهم	خیلی قوی	متوسط	زود
قومیت و قبیله‌گرایی	مهم	قوی	پایین	دور
اعتبارات اختصاص یافته به توسعه استان	بسیار مهم	خیلی قوی	زیاد	فوراً
سیاست‌های خارجی دولت	مهم	قوی	متوسط	زود
وجود استان‌های هم‌جوار	مهم	متوسط	پایین	دور
زیرساخت‌های ارتباطی	بسیار مهم	قوی	پایین	فوراً
تبلیغات منفی علیه استان	مهم	متوسط	پایین	زود
تغییرات سیاسی کلان	متوسط	متوسط	پایین	دور
محدودیت‌های قانونی	ضعیف	ضعیف	خیلی پایین	خیلی دور
فقدان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	مهم	قوی	پایین	زود
خشکسالی و کمبود آب	بسیار مهم	قوی	خیلی زیاد	فوراً

در تعریف علمی و تخصصی می‌توان گفت که تناسب راهبردی، تناسب برنامه‌ریزی شده برای مقابله با تأثیرات منفی عوامل کلان و در مواجهه با رقابت رقبای است و درواقع توانایی بیشترین سازگاری و انعطاف‌پذیری با شرایط پیش‌آمده از تأثیرات عوامل کلان و اثرات رقابت را دارد؛ زیرا ممکن است گاهی اوقات یک اثر پیش‌بینی نشده مانند تحریم بین‌المللی روی

1. Jones & Hill

دهد؛ بنابراین اگر ما در برنامه‌ریزی راهبردی، تناسب برای انعطاف در مقابل اثرات این عامل نداشته باشیم، با شکست مواجه خواهیم شد؛ بنابراین در گام آخر با مقایسه‌هایی که بین منابع، اهداف و منابع و عوامل کلان انجام شده است، نقشه راهبردی ترسیم می‌شود. رنگ فیروزه‌ای در نقشه نشان‌دهنده منابع و قابلیت‌ها و عوامل کلان محیطی با رنگ قهوه‌ای نشان داده شده‌اند. در تحلیل نحوه قرارگیری حباب‌ها باید گفت، حباب‌های فیروزه‌ای (محور Y) که به سمت راست متمایل شده‌اند، درواقع همان منابع و قابلیت‌های درونی گردشگری و کشاورزی استان لرستان هستند که ویژگی‌های باارزش بودن، نادر بودن، تقلید نشدنی و بدون جایگزین دارند. حباب‌های فیروزه‌ای که به سمت بالا متمایل‌اند، دارای بیشترین تناسب راهبردی هستند. اندازه حباب‌ها بیانگر درجه تناسب با اهداف است. اندازه عوامل کلان محیطی بیانگر درجه اضطراری آن‌هاست. به‌طورکلی، برای هر دو دسته از حباب‌ها که بیانگر منابع و توانایی‌ها و همچنین عوامل کلان محیطی‌اند، قرارگیری در موقعیت بالا و سمت راست بیانگر بیشترین میزان امتیاز و نمره است.



شکل ۹. نقشه راهبردی توسعه استان لرستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

با توجه به شکل ۹، در بین عوامل کلان تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان، اعتبارات اختصاص یافته به استان لرستان در نهادهای قانون‌گذار به‌عنوان مهم‌ترین عامل شناسایی شده است؛ البته این عامل با توجه به آمار مربوط به بودجه‌های اختصاص یافته به استان لرستان در مجلس شورای اسلامی در مقایسه با دیگر استان‌ها و همچنین محرومیت شدید این استان در بسیاری از زمینه‌های توسعه، کاملاً مشهود و توجیه‌پذیر است. عامل مدیریت کلان کشوری نیز یک عامل بسیار تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان است که البته این موضوع به نگاه مدیران و قانون‌گذاران بالادست که به استان لرستان دارند، مربوط می‌شود. عامل ضعف مدیریتی استان لرستان هم خود یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان است که این عامل به عواملی از قبیل ملاحظه‌کاری‌های سیاسی مدیران، نگاه قومیتی مدیران در انتخاب افراد، مصلحت‌اندیشی در جهت حفظ سمت و... برمی‌گردد. عامل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از دیگر عوامل مهم بر توسعه استان لرستان است. همچنین سرمایه‌گذاری نکردن بخش خصوصی، نبود زیرساخت ارتباطی مناسب، تبلیغات منفی علیه استان و قومیت و قبیله‌گرایی از دیگر عوامل کلان اثرگذار بر توسعه استان لرستان هستند. لرستان در دو بعد انتخاب‌شده در این پژوهش (کشاورزی و گردشگری) برای توسعه دارای ظرفیت‌های فراوانی است و همان‌طور که از نقشه مشخص است، سابقه تاریخی و تمدنی استان، منابع آب‌های غنی استان لرستان، اکوتوریسم، موقعیت هم‌جواری با استان‌های پرجمعیت و صنعتی، زمین‌های حاصلخیز و نیروی انسانی به‌عنوان مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های استان لرستان در بحث توسعه بر پایه رقابت‌پذیری منطقه‌ای هستند. با مدیریت مناسب و سرمایه‌گذاری خوب می‌توان از این پتانسیل‌های قدرتمند در راستای توسعه استان و رفع فقر و محرومیت در آن اقدام کرد.

۶. نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ارتباط متقابل میان بخش‌ها و مناطق مختلف یک کشور در صورتی که با شناسایی منابع و جذابیت‌های مناطق مختلف همراه با سرمایه‌گذاری مناسب بر روی این منابع همراه باشد، در نهایت می‌تواند به شکوفایی استعدادها و مناطق مختلف یک کشور و در نهایت توسعه همه‌جانبه آن منجر شود؛ این موضوع خود در نهایت نتایج مثبتی برای

کشور مانند جلوگیری از قطبی شدن مناطق، جلوگیری از مهاجرت‌های روستا-شهری و شهر به شهر، بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها، توسعه متوازن و... دارد؛ بنابراین در حال حاضر با توجه به مقوله جهانی شدن و ارتباطات نزدیک شهرها و کشورها به یکدیگر، مفهوم رقابت و رقابت‌پذیری رشد دوجندانی کرده و همین موضوع شهرها، مناطق و کشورها را برای ارزیابی، بهبود و پایدارسازی قابلیت‌ها محیط خود در برابر دیگر مکان‌ها ترغیب کرده است.

یکی از روش‌های برنامه‌ریزی در زمینه توسعه برای محیط رقابتی برنامه‌ریزی استراتژیک است که می‌تواند به عنوان یک شیوه اساسی و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف و خلق چشم‌انداز روشن و شفاف برای آینده استفاده شود. یکی از روش‌های به کارگرفته شده از سال ۲۰۱۲، برنامه‌ریزی راهبردی و استراتژیک متاسوات است؛ بنابراین در پژوهش حاضر، ابتدا دوره زمانی برنامه‌ریزی، ابعاد توسعه و رقابتی تعیین شد. سپس ضمن شناسایی منابع و قابلیت‌ها، اهداف و عوامل کلان تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان، راهبردهای مناسب برای توسعه استان لرستان بر پایه رقابت‌پذیری منطقه‌ای تدوین شد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد:

- استان لرستان در بعد گردشگری دارای پتانسیل‌های بسیار قدرتمندی در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای است و در مقایسه با رقبای منطقه‌ای خود در هر دو زمینه گردشگری یعنی گردشگری تاریخی و اکوتوریسم دارای قابلیت‌های منحصربه‌فردی است که نیاز است با مدیریت منسجم و سرمایه‌گذاری خوب در جهت رونق کسب‌وکار و توسعه استان از آن استفاده کرد.
- در بعد کشاورزی استان لرستان، به رغم داشتن ۳۳ رودخانه دائمی و زمین‌های حاصلخیز بسیار، متأسفانه کشاورزی استان تاکنون رونق چندانی نداشته است که این موضوع به شیوه کشاورزی سنتی، کمبود شدید امکانات در جهت مکانیزه کردن کشاورزی و نداشتن نهادهای مشاوره‌ای متخصص به کشاورزان مربوط می‌شود؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌های استان لرستان در رقابت منطقه‌ای، کشاورزی این استان است که نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در جهت به روز کردن صنایع

کشاورزی و استفاده از شیوه‌های مناسب آبیاری از این قابلیت قدرتمند برای توسعه استان و مبارزه با فقر و محرومیت آن است.

- در میان رقبای گردشگری استان لرستان در منطقه، استان اصفهان فقط در زمینه گردشگری تاریخی و فرهنگی می‌تواند با استان لرستان در زمینه این قابلیت رقابت کند. همچنین استان‌های خوزستان، مرکزی، همدان در بحث رقابت منطقه‌ای گردشگری در مقایسه با استان لرستان قابلیت‌های کمتری دارند و فقط براساس برنامه‌ریزی بهتر و اعتبارات اختصاص‌یافته در وضع موجود جایگاه مناسب‌تری دارند، اما استان کرمانشاه به دلیل سابقه تاریخی و وضعیت جغرافیایی دارای وضعیت تقریباً مشابهی در مقایسه با استان لرستان است؛ بنابراین می‌توان گفت، مهم‌ترین رقیب گردشگری لرستان در زمینه گردشگری تاریخی و اکوتوریسمی استان‌های اصفهان و کرمانشاه هستند.

- در بعد کشاورزی در میان رقبای منطقه‌ای لرستان، استان خوزستان به دلیل داشتن سدهای متعدد و زمین‌های حاصلخیز فراوان مهم‌ترین رقیب استان شناخته شده است. سایر استان‌های رقیب در وضعیت موجود ممکن است جایگاهی بهتر از لرستان داشته باشند، ولی لرستان دارای این پتانسیل در زمینه آب و زمین برای کشاورزی است که می‌تواند در سال‌های آینده با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری درست و مهم‌تر از همه مدیران دلسوز، وضعیت کشاورزی و بازارهای اقتصادی مرتبط با آن را در منطقه و استان‌های مورد مطالعه به نفع خود تغییر دهد.

- در میان عوامل کلان محیطی تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان در دو بعد گردشگری و کشاورزی، عامل اعتبارات اختصاص‌یافته به استان و مدیریت کلان کشور از عوامل بسیار تأثیرگذارند؛ بنابراین متولیان امر در سطح کشور باید دید عدالت فضایی محور به استان‌ها و اقوام مختلف داشته باشند که گاهی استانی مانند لرستان به‌رغم داشتن پتانسیل‌های فراوان، در محرومیت و براساس آمار نهادی دولتی جزو پنج استان بیکار کشور نباشد.

- عوامل ضعف مدیریت استان، قومیت و قبیله‌گرایی در استان از عوامل منفی تأثیرگذار بر توسعه استان لرستان‌اند که این عوامل نیازمند آموزش همگانی و ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری و پرهیز از قومیت‌نگری در جهت توسعه استان است.

کتابنامه

۱. انهالت، س. (۱۳۹۰). *هویت رقابتی (مدیریت نوین برند برای ملل، شهرها و مناطق)* (م. اکبری مطلق، م. شاکری روش، و م. شریفی، مترجمان). مشهد: نشر طحان.
۲. بدری، ع، رضوانی، م، ترابی، ذ، و احمد، م. (۱۳۹۴). متا سوات، ابزاری استراتژیک برای برنامه‌ریزی گردشگری پایدار (مطالعه موردی: روستای میغان). *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۴ (۱۳)، ۵۰-۲۹.
۳. رضایی، م، خاوریان، ا، و چراغی، ر. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی راهبردی فضایی شهرهای کوچک اندام با استفاده از مدل Meta-SWOT مطالعه موردی شهر تفت در استان یزد. *پژوهش‌های جغرافیا برنامه‌ریزی شهری*، ۳ (۴)، ۴۸۶-۴۶۷.
۴. شریف زادگان، م، و ندایی طوسی، س. (۱۳۹۴). چارچوب توسعه رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران (مورد پژوهی: استان‌های ۳۰ گانه). *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۲ (۳)، ۲۰-۵.
۵. قائدرحمتی، ص، و خاوریان، ا. (۱۳۹۵). نقش تکنیک Meta-Swot در برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری شهر یزد. *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۰ (۱)، ۱۸۰-۲۰۶.
6. Abbott, J. (2005). Understanding and managing the unknown: The nature of uncertainty in planning. *Journal of Planning Education and Research*, 24(3), 237-251.
7. Agarwal, R., Grassl, W. & Pahl, J. (2012) Meta-swt: Introducing a new strategic planning tool. *Journal of Business Strategy*, 33(2), 12-21.
8. Akio, T. (2005). the critical assessment of the resource-based view of strategic management. *International Affairs*, 3, 125-150.
9. Asheim, P., Cooke., A., & Martin, R. (2006). *clusters and regional development, critical reflections and explorations* (pp. 1-30). London: Routledge.
10. Barney, J. B. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99-120.
11. Bloomberg, A. (2012). SWOT, pestel, porter's 5 forces and value chain. pp. 1-16, Retrieved from <http://cfcdn.ivoryresearch.com/wp-content/uploads/2013/04/bloomberg-businesssample1.pdf>, 2012.
12. Camagni, R., & Capello, R. (2013). Regional competitiveness and territorial capital: a conceptual approach and empirical evidence from the european union. *Regional Studies*, 47(9), 1383-1402.

13. Cziráky, D., Sambt, J., Rován, J., & Puljiz, J. (2006). regional development assessment: a structural equation approach. *European Journal of Operational Research*, 174(1), 427–442.
14. Hill, C. W., & Jones, G. R. (2013). *Strategic management theory*. South-Western/Cengage Learning.
15. Krugman, P. (1994). Competitiveness: A dangerous obsession. *Foreign Affairs*, 73(2), 28–44.
16. Kyrylych, K. (2013). Problem of uneven economic development of the world economic: Essence and causes. *Intellectual Economics*, 3(17), 344–354.
17. Lengyel, I. (2009). *Bottom-up regional economic development: competition, competitiveness and clusters*. Szeged: JATE Press.
18. Malecki, E. (2002). hard and soft networks for urban competitiveness. *Urban Studies*, 39(5-6), 929-945.
19. Miller, D., Eisenstat, R., & Foote, N. (2002) strategy from the inside out. *California Management Review*, 44(3), 37-54.
20. Paasi, A. (2013). Regional planning and the mobilization of ‘regional identity’: From bounded spaces to relational complexity. *Regional Studies*, 47(8), 1-14.
21. Radomska, J. (2015). Interrelation between strategy maps and other implementation tools and actions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 210, 58-65.
22. Shi, Y., Zhou, C., Wang, R., & Xu, W. (2012). measuring china's regional ecological development through “ecodp”. *Ecological Indicators*, 15(1), 253–262.
23. Thoms, P. (2004). *Driven by time: Time orientation and leadership*. Greenwood Publishing Group.
24. Zali, N., Ebrahimzadeh, I., Zamani-Poor, M., & Arghash, A. (2014). City Branding Evaluation and Analysis of Cultural Capabilities of Isfahan City. *European Spatial Research and Policy*, 21(2), 213-234.
25. Zimmerbauer, K. (2011). From image to identity: building regions by place promotion. *European Planning Studies*, 19(2), 243-260.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.50633.0>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی

حمدلله سجاسی قیداری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ssojasi@um.ac.ir

سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

h-zarghani@um.ac.ir

سید محمد حسین حسینی (دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mh.hossein25@yahoo.com

وحید صادقی (دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

va.sadeghi@mail.um.ac.ir

صص ۶۶ - ۲۷

چکیده

شکاف اجتماعی، معیار و شاخص تقسیم اعضای جامعه و زیرمجموعه آن به گروه-های مختلف در بازه‌های زمانی و فضایی متفاوت است. شکاف اجتماعی در جوامع مختلف می‌تواند در اشکال و انواع متفاوتی پدیدار شود و صورت‌بندی خاصی را در بطن یک جامعه خلق کند. در شهرستان ممسنی، به دلیل ساخت ایلی/عشیره‌ای برخی از تعارضات فعال یا منفعل به صورت تصادفی یا ساختاری شکل گرفته است. این تعارضات موجب تکوین شکاف‌های اجتماعی در بخش‌های مختلف شهرستان شده و پیامدهایی را به همراه داشته است؛ از این رو این سؤال مطرح است که کلیدی‌ترین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی کدام‌اند؟ گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در این فضای جغرافیایی چگونه است؟ بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین انواع شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی و به لحاظ

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲

ماهیت و روش نیز پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهدات میدانی انجام گرفت. همچنین شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کمی و کیفی بود. نتایج پژوهش نشان داد که شکاف‌های جنسیتی، نسلی، قومی، طبقاتی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی بر دو شکاف اصلی طایفه‌ای و جغرافیایی بار شده و جامعه دوشکافی متراکم را در شهرستان ممسنی خلق کرده‌اند؛ بر این اساس، شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را می‌توان زیربنایی‌ترین و نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی آن تأثیرگذار بوده‌اند. سایر شکاف‌های اجتماعی نیز در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم کرده‌اند؛ به‌طوری‌که سایر عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از آن متأثر شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شکاف اجتماعی، جامعه دو شکافی متراکم، گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌ها و شهرستان ممسنی.

۱. مقدمه

وحدت و انسجام اجتماعی یکی از پایه‌های اساسی برای نیل به اهداف توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی است، اما در برخی از مواقع تعارضات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخصت شکل‌گیری انسجام و اتحاد اجتماعی را نمی‌دهد و به خلق شکاف‌های اجتماعی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی منجر می‌شود. همه جوامع دچار شکاف‌هایی هستند و تنها در میزان تنش‌زدگی و پایداری با یکدیگر تفاوت دارند (نوریس و کدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸). شکاف‌های اجتماعی بیانگر معیارهایی هستند که اعضای جامعه را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کنند. این معیارها می‌توانند تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و غیره باشند (خلیلی، ۱۳۹۴، ص. ۵۰). شکاف‌های اجتماعی در تنوعات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ریشه دارند و برحسب عوامل گوناگون از جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت‌اند (شجاع‌احمدوند، ۱۳۸۹، ص. ۳)؛ بر این پایه، شکاف‌های اجتماعی در بازه‌های زمانی متفاوت و در فضاهای جغرافیایی

مختلف، سیاست‌زده شده‌اند و این شکاف‌ها معمولاً به صورت مشابه برجسته‌اند (استول^۱، ۲۰۰۸، ص. ۱۴۴۵). تقویت شکاف‌های اجتماعی، قطب‌بندی سیاسی را در جامعه تشدید می‌کند و به کاهش فضای لازم برای تغییرات ناگهانی درخصوص انتخاب‌های مختلف منجر می‌شود (گوسلین و توکا^۲، ۲۰۰۸، ص. ۱)؛ بنابراین شکاف اجتماعی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در سطوح خرد و کلان می‌تواند کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

در شهرستان ممسنی، شکاف‌های اجتماعی بیش از آنکه محصول عوامل بیرونی باشند، برآمده از تحولات و وقایع درونی‌اند. هرچند نمی‌توان نقش مسائل کلان (مقیاس ملی) را در سطح خرد (فروملی) نادیده انگاشت، مؤلفه‌ها و شرایط درونی ممسنی بیشتر بر احداث شکاف‌ها تأثیرگذار بوده‌اند؛ بر این بنیاد، می‌توان از ساخت ایلی/عشیره‌ای به‌عنوان نخستین و قوی‌ترین محرکه ساخت تضادها و به‌تبع آن شکاف اجتماعی سخن به میان آورد. در این ساختار که هریک از طوایف قلمرو زیستی و جغرافیایی مشخصی دارند، زمینه تنش و تعارض میان آن‌ها در بستر تاریخی و اجتماعی فراهم بوده است؛ ازاین‌رو شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را می‌توان زیربنایی‌ترین و نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی آن تأثیر می‌گذارند؛ با وجود این، سایر شکاف‌های اجتماعی نیز در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم می‌کنند. در این چارچوب می‌توان به شکاف‌های جنسیتی و طبقاتی اشاره کرد که به صورت ساختاری و پایدار در بستر اجتماع ممسنی وجود داشته‌اند و در طول زمان استمرار یافته‌اند؛ این در حالی است که شکاف‌های قومی، نسلی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در نتیجه تحول یا اتفاقی ویژه به صورت تصادفی خلق شده‌اند. هریک از این شکاف‌ها به صورت عینی، ذهنی یا ساختاری (پیوند عین و ذهن) در شهرستان ممسنی وجود دارند؛ با این تفاوت که برخی از آن‌ها فعال و برخی دیگر مُنفعَل هستند. این شکاف‌ها نیز بسان شکاف‌های

1. Stoll

2. Gosselin & Toka

اصلی می‌توانند پیامدهایی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به همراه داشته باشند.

باید اذعان کرد که کشف و شناسایی این شکاف‌ها در مطالعه ژرف نگارندگان درباره ادبیات پژوهش و مسائل محلی و اجتماعی شهرستان ممسنی ریشه دارد. این شکاف‌ها می‌تواند مانعی برای همگرایی اجتماعی ساکنان ممسنی تلقی شده و در عرصه‌های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی نیز هویدا شوند. در این زمینه می‌توان به توزیع نامتوازن سرمایه و بودجه در فضای جغرافیایی ممسنی اشاره کرد که به رشد و شکوفایی برخی قلمروها و درجاذگی سایر مناطق منجر شده است؛ اضافه بر این، ضعف وجود فرصت شغلی در بخش خدمات دولتی، کشاورزی سنتی و نادیده انگاشتن رونق صنعت به‌منزله ضعف طبقه متوسط و ایجاد شکاف میان فقیر و غنی است. از سوی دیگر، رقابت‌های نفس‌گیر فعالان سیاسی و توده مردم در کارزار انتخابات در ارزش‌ها و هنجارهای عشیره‌ای ریشه دارد که به تقابل و تنش میان طوایف منجر می‌شود؛ بر این شالوده، تلاش برای فهم دلایل و علل شکل‌گیری چنین شکاف‌های در ساختار ایلی/عشیره‌ای ممسنی ضروری و بایسته به نظر می‌رسد؛ زیرا به فهم و درک نخبگان و کارگزاران درباره تعارضات زیربنایی و ارائه راهبرد برای حل و فصل آن‌ها منجر خواهد شد؛ بر این اساس هدف پژوهش پیش‌رو، بیان حلقه‌های مفقوده در زمینه توسعه فرهنگی و اجتماعی شهرستان ممسنی است؛ زیرا یکی از مبانی و شالوده‌های ماهوی و کیفی توسعه، شکاف‌های اجتماعی و نوع صورت‌بندی آن‌ها به شمار می‌رود؛ یعنی در صورت وجود چندین شکاف، تشخیص اصلی یا فرعی بودن آن‌ها و پیوندشان با یکدیگر می‌تواند بر پیشبرد توسعه فضای جغرافیایی ممسنی تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه شکاف‌ها می‌توانند در اشکال مختلف عیان شوند، این سؤال مطرح می‌شود که کلیدی‌ترین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی کدام‌اند؟ گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در این شهرستان چگونه است؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

تاکنون پژوهش‌های زیادی در مورد شکاف اجتماعی و گونه‌شناسی آن انجام شده‌اند، اما همان‌طور که داده‌ها و شواهد نشان می‌دهند، این نوشتارها در قامت ادبیات پژوهش، عمدتاً به سطح کلان و ملی معطوف بوده‌اند؛ به عبارتی، تمرکز شکاف اجتماعی و انواع آن غالباً عطف به مقیاس ملی و فراملی بوده و به ندرت در سطوح جغرافیایی محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای (شهرستان) کاربرد داشته است. تقلیل و تطبیق چنین مفاهیم و الگوهایی در سطوح فروملی و محلی به دلیل نیاز به مطالعات میدانی دقیق، دارای پیچیدگی و خلاقیت‌های خاص است. این مسئله به خصوص در مورد فضاهای جغرافیایی که از تنوع قومی و طایفه‌ای خاصی برخوردارند، مدنظر پژوهشگران و اندیشمندان قرار نگرفته است؛ بنابراین در این مطالعه تلاش شده است برای اولین بار این مسئله را در ناحیه جغرافیایی فروملی (شهرستانی) کشف و تبیین شود.

پژوهش حاضر از نظر هدف، دوجهی یعنی از نوع بنیادی و کاربردی است؛ با وجود این، وجه غالب آن را می‌توان بنیادی در نظر گرفت. به لحاظ ماهیت و روش نیز پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که در پی تبیین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهدات میدانی است. همچنین برای شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و کمی با استفاده از روش تحلیل آماری امتیاز استاندارد بهره‌گیری شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. شکاف اجتماعی، مفاهیم، ابعاد و نظریه‌ها

مفهوم شکاف^۱ عموماً برای اشاره به آن دست از تمایزات و تفاوت‌های پایداری استفاده شده که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی دادن مشاهده شده است (منزا و بروکز^۲، ۱۹۹۹، ص. ۳۱).

1. Cleavage or Gap

2. Manza & Brooks

شکاف اجتماعی^۱، معیار و شاخص تقسیم اعضای جامعه و زیرمجموعه آن به گروه‌های مختلف در بازه‌های زمانی و فضایی متفاوت است (چو^۲، ۲۰۰۲، ص. ۴). یکی از نخستین تلاش‌ها برای استفاده تحلیلی از مفهوم شکاف‌های اجتماعی، بدون استفاده از این تعبیر، در کارهای اولیه لازارسفلد و همکارانش^۳ در دانشگاه کلمبیا نهفته است. آن‌ها در واقع از شکاف‌ها و تعارضات مذهبی (کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها)، منطقه‌ای (شهر و روستا) و طبقاتی (طبقات بالا و پایین) برای توضیح رفتار انتخاباتی بهره گرفتند. پس از کارهای مکتب کلمبیا در پژوهش‌های کمپیل^۴، کانورس^۵، مینر^۶ و استوکز^۷ در دانشگاه میشیگان نیز نوعی شکاف و تعارض مطرح شد، اما شاید مهم‌ترین و دقیق‌ترین کاربرد مفهوم شکاف را بتوان در کارهای لیپست^۸ جستجو کرد. لیپست به همراه روکان^۹ شکاف‌های اجتماعی را بازده تحولات تاریخی مستمری می‌داند که از دو انقلاب همزاد یعنی انقلاب صنعتی و انقلاب‌های ملی در اروپا ناشی شده است (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۵۶). بارتولینی و مایر معتقدند که هر شکاف اجتماعی که قادر به شکل دادن به رفتار سیاسی باشد، به‌طور همزمان در سه سطح حضور دارد: الف. سطح اول، تجربی: مؤلفه‌های این سطح در ساختار اجتماعی ریشه دارد؛ به دلیل آنکه ساخت اجتماعی به آرامی تغییر می‌کند و شکاف‌های اجتماعی نیز در صورت ثبات ساخت اجتماعی بادوام خواهند بود. تقسیمات درون‌ساختی اجتماعی باعث ایجاد گروه‌هایی از مردم می‌شود که منافع و منزلت‌های مشترک دارند؛ ب. سطح دوم، هنجاری: مؤلفه‌های آن در شکل صورت‌های ستیزآمیز آگاهی بروز می‌کند. در این سطح گروه‌های اجتماعی از زمینه‌های یک شکاف برای ساخت و پرداخت یک منازعه آگاهی استفاده می‌کنند. هویت‌یابی گروهی شرط لازم برای تبدیل تقسیمات ساخت اجتماعی به شکاف اجتماعی است. بدون

-
1. Social Cleavage
 2. Choe
 3. Lazarsfeld
 4. Campbell
 5. Converse
 6. Miner
 7. Stokes
 8. Lipset
 9. Rokkan

تشخیص قلمروهای گروهی، نابرابری‌های اجتماعی، فرصت و مجال ظهور در منازعات سیاسی یعنی در سطح نهادی و سازمانی را نخواهد داشت؛ ج. سطح سوم، کلان و نهادی: مؤلفه‌های این سطح به صورت تعاملات افراد، نهادها و سازمان‌هایی نظیر احزاب سیاسی متجلی می‌شوند. مؤلفه‌های این بخش برحسب میزان و نوع نظام سیاسی هر جامعه متفاوت خواهد بود (دهقان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۶۴) (جدول ۱).

جدول ۱. انواع شکاف‌های اجتماعی شکل‌دهنده رفتارهای سیاسی

مأخذ: قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۷۳

سطح	الف. ساخت اجتماعی (تجربی)، ب. ساخت آگاهی (هنجاری)، ج. ساخت سیاسی
موقعیت	الف. عینی-پایه، ب. ذهنی/میانی یا مکمل، ج. عینی/ذهنی/میانی یا مکمل
حوزه مفهومی	الف. موقعیت‌ها در ساخت اجتماعی، ب. ارزش‌ها و گرایش‌ها، ج. مواضع و پیوندهای سیاسی
مفاهیم و نظریه‌پردازان	گروه الف. تجربی: گروه‌های اجتماعی (کلمبیا و میشیگان)-ساخت اجتماعی، خرده نظام انسجام (لیپست)، شکاف‌های بخشی (اکشتین)، انتسابی و خصلتی (رائه و تیلور)، موقعیتی (ویل)، تقسیمات اجتماعی (فرانکلین)، سطح تجربی (بارتولینی و مایر)، ساخت اجتماعی (منزا و بروکز)، گروه ب. هنجاری: شبکه ارتباطات اجتماعی (کلمبیا)، هویت حزبی (میشیگان)، ایدئولوژی (ویل)، گرایش (رائه و تیلور)، سطح هنجاری (بارتولینی و مایر)، ستیز و هویت‌یابی گروهی (منزا و بروکز)، گروه ج. سیاسی: سطح سازمانی و نهادی (لیپست)
تبیین موضوع	۱. مکتب کلمبیا: از شکاف‌ها و تعارضات مذهبی (کاتولیک و پروتستان) منطقه‌ای (شهر و روستا) و طبقاتی (بالا و پایین) برای توضیح رفتار انتخاباتی استفاده می‌کند؛ ۲. مکتب میشیگان: تعارضات ناشی از فرایند اجتماعی شدن و پیدایش هویت‌های حزبی متمایز است؛ بنابراین موضوع در سطح روان‌شناختی اجتماعی مطالعه می‌شود؛ ۳. لیپست: شکاف‌های اجتماعی را حاصل تحولات تاریخی مستمری می‌داند که از دو انقلاب همزاد یعنی انقلاب صنعتی و انقلاب‌های ملی در اروپا ناشی شده است. هدف لیپست تشخیص شکاف‌های ساخت اجتماعی است و اینکه این شکاف‌ها چگونه در عرصه سیاسی تجلی یافته و به حمایت سیاسی تبدیل شده است؛ ۴. اکشتین: به شکاف‌های بخشی اشاره می‌کند که منظور تقسیم‌بندی‌های سیاسی است که ارتباط وثیقی با خطوط عینی تفکیک اجتماعی دارند و در پی آن هستند؛ ۵. رائه و تیلور: سه نوع شکاف عبارت‌اند از: الف. انتسابی یا خصلتی، ب. گرایشی، ج. رفتاری؛ ۶. ویل: احزاب به دنبال نمایندگی کردن طبقات اجتماعی، تفاوت مذهبی، اقوام یا سایر منافع و علایق اجتماعی هستند و از این طریق می‌توان شکاف‌های اجتماعی متفاوتی را از یکدیگر متمایز کرد؛ ۷. فرانکلین: مفهوم شکاف را محدود کرده و آن را از سایر ستیزها و تعارضات اجتماعی متمایز می‌کند. ۸. بارتولینی و مایر: دو رهیافت شکاف اجتماعی و شکاف سیاسی را مطرح می‌کند که اولی به دنبال مطالعه تأثیر قشر‌بندی اجتماعی بر نهادها و رفتار سیاسی است و دومی در جستجوی درک تأثیر نهادهای سیاسی بر ساخت اجتماعی و

تغییرات اجتماعی است؛ ۹. منزا و بروکز: معتقدند برای تکوین شکاف اجتماعی تمام‌عیار وجود مؤلفه‌های هر سه سطح ضروری است. همچنین بر این باورند که انتقاد مخالفان رهیافت‌های جامعه‌شناسی در باب افول اهمیت شکاف‌های اجتماعی به دلیل بی‌توجهی به این سطح مبالغه‌آمیز است.	
۱. شکاف میان گروه‌های اجتماعی، شبکه ارتباطات اجتماعی؛ ۲. تأکید بر عوامل میانجی نظیر هویت حزبی، موضع در قبال نامزدها و موضوعات، ارزیابی احزاب و برآوردهای اقتصادی؛ ۳. شکاف‌های ناسازگار، شکاف‌های ساخت اجتماعی، عوامل میانجی، شکاف‌های عرصه سیاسی؛ ۴. شکاف بخشی؛ ۵. تقسیم‌بندی شکاف‌ها؛ ۶. موقعیتی، رفتاری، ایدئولوژیک؛ ۷. مسائل و موضوعات، تفاوت خط‌مشی، دغدغه‌های ایدئولوژیک؛ ۸. تقسیم‌بندی شکاف اجتماعی در سه سطح تجربی (ساخت اجتماعی)، هنجاری (ساخت آگاهی)، کلان و نهادی (ساخت سیاسی)؛ ۹. ساخت اجتماعی، ستیز و هویت‌یابی گروهی، ستیزهای سیاسی کلان.	شاخص‌های مستخرج شده

بر این پایه، شکاف‌های اجتماعی دربرگیرنده دو بعد حداقلی^۱ و حداکثری^۲ است. مفهوم حداقلی شامل آن دسته از مفاهیمی است که صرفاً شکاف‌های عینی و سطح تجربی مربوط به ساخت اجتماعی یا گروه‌بندی‌های اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند. مفهوم حداکثری سه سطح متفاوت یعنی سطوح تجربی، هنجاری و نهادی را در این مفهوم مندرج می‌داند که آمیزه‌ای از جنبه‌های عینی و ذهنی است (قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۹۱). شکاف‌های اجتماعی برحسب عوامل گوناگون از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر در درون یک کشور ممکن است تغییر کند. براساس چنین تنوعاتی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به شکاف‌های فعال یا غیرفعال و ساختاری یا تاریخی تقسیم کرد (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۹۹). شکاف‌های فعال به آن دسته از شکاف‌های اجتماعی گفته می‌شود که آگاهی سیاسی و سازماندهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت گرفته باشد و بسیج سیاسی حول آن شکاف انجام پذیرد. از سوی دیگر، شکافی که در عین تقسیم جامعه به بخش‌های متفاوت موجب آگاهی و عمل سیاسی شود، شکاف پنهان یا غیرفعال خواهد بود (قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۸۶). شکاف‌های ساختاری، شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند. درمقابل، برخی شکاف‌های اجتماعی برآیند سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین ضرورت ساختاری ندارند. تحولات و تصادف‌های تاریخی در

1. Minimalist

2. Maximalist

تکوین این شکاف‌ها در هر جامعه مؤثرند. از نظر شیوه صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا روی هم بار شوند. این نوع صورت‌بندی را صورت‌بندی شکاف‌های متراکم^۱ می‌خوانند. درمقابل شکاف‌هایی که ممکن است یکدیگر را تضعیف کنند، شکاف‌های متقاطع^۲ نامیده می‌شوند. شکاف‌های متراکم به اعتباری شکاف‌های «سراسری» هستند و کل جامعه را معمولاً به دو قطب متضاد تقسیم می‌کنند و پتانسیل کشمکش را افزایش می‌دهند. برعکس در صورتی که شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را قطع کنند و با همدیگر همپوشانی داشته باشند، با توجه به افزودن بر نقاط اشتراک میان گروه‌بندی‌های اجتماعی زمینه منازعات سیاسی را کاهش می‌دهند (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۴).

براساس شیوه ترکیب و فعال یا غیرفعال بودن شکاف‌های اجتماعی انواع صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی به دست می‌آید: ۱. جامعه تک‌شکافی فعال: در این ساخت تنها یک شکاف عمده از نظر سیاسی فعال است و شکاف‌های دیگر از نظر سیاسی مؤثر نیستند یا اینکه با توجه به تجانس جمعیت از نظر قومی، مذهبی و زبانی اساساً شکاف‌های دیگر وجود ندارد؛ ۲. جامعه دوشکافی موازی: در این نوع ساخت اجتماعی دو شکاف عمده و فعال وجود دارد، ولی این دو متراکم نیستند. درعین حال شکاف‌های متقاطع غیرفعال دو شکاف اصلی را قطع می‌کنند و مانع از پاره پاره شدن بافت جامعه می‌شوند؛ ۳. جامعه تک‌شکافی متراکم: در این ساخت یک شکاف عمده و فعال وجود دارد، ولی شکاف‌های دیگر اگرچه از نظر سیاسی فعال نیستند، بر شکاف اصلی بار می‌شوند و آن را تقویت می‌کنند؛ ۴. جامعه دوشکافی متقاطع: در این ساخت دو شکاف عمده و فعال یکدیگر را قطع می‌کنند و در نتیجه شمار و تنوع نیروهای اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد؛ ۵. جامعه سه‌شکافی متقاطع: در صورتی که سه شکاف قوی و فعال وجود داشته باشد، کثرت ایدئولوژی‌ها و احزاب سیاسی افزایش می‌یابد و پتانسیل منازعه نیز شدت می‌یابد (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۶)؛ ۶. جامعه دوشکافی متراکم: در این نوع ساخت اجتماعی دو شکاف عمده و فعال وجود دارد و آن‌ها یکدیگر را

1. Reinforcing Cleavages

2. Crosscutting Cleavages

تقویت می‌کنند. گرچه شکاف‌های دیگر فعال نیستند، بر شکاف اصلی بار می‌شوند و آن را تقویت می‌کنند. این شکاف‌ها از نظر اجتماعی و سیاسی پتانسیل منازعه را شدت می‌بخشند.

۳.۲. انواع شکاف اجتماعی

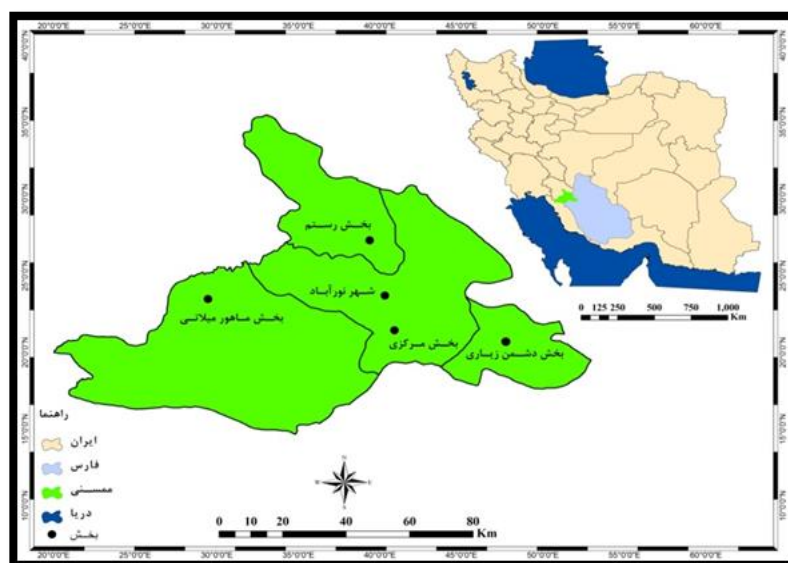
شکاف‌های اجتماعی را می‌توان به شکاف نسلی، شکاف طبقاتی-اقتصادی، شکاف قومی-طایفه‌ای، شکاف فضایی-جغرافیایی، شکاف جنسیتی، شکاف سنت و مدرنیته و شکاف بین گروه‌های ذی نفوذ و نیروهای اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. شکاف‌های جنسیتی، نسلی، مذهبی و طبقاتی در تقسیمات ساختار اجتماعی، چالش‌های هنجاری و اشکال سازمانی موسسات سیاسی و احزاب اکثریت ریشه دارند، اما سایر شکاف‌های اجتماعی دلایل دیگری دارند (منزا و بروکز^۱، ۱۹۹۹، ص. ۳۷۲). در زمینه اختلاف نسل‌ها با یکدیگر مفاهیم متعددی به کار رفته است که رایج‌ترین مفهوم، شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شکاف نسلی به‌عنوان اختلاف در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب نبود فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. در فرهنگ وبستر شکاف نسلی به‌عنوان اختلافی گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شده است (معدفر، ۱۳۸۳، ص. ۵۶). شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل را هم‌زمان در یک جامعه بررسی می‌کند (احمدی و احیایی، ۱۳۹۲، ص. ۲). شکاف طایفه‌ای-قومی به معنی فاصله و نابرابری‌هایی است که در اعطای امتیازات و حقوق باعث رابطه نابرابر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی می‌شود؛ به نحوی که برخی از اقوام آن در سطوح مختلف جامعه یا حذف می‌شوند یا در حاشیه قرار می‌گیرند (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). شکاف جغرافیایی به معنی توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا است. این نوع شکاف عمدتاً باز نمود فضایی از شکاف اجتماعی و اقتصادی است که تحت تأثیر جریان‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق برخوردار

و محروم و از این دست باشد (حافظ‌نیا و قادری‌حاجت، ۱۳۹۳، ص. ۱۲). شکاف جنسیتی یعنی توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان. این نوع شکاف را می‌توان وضعیتی تلقی کرد که در آن زنان عموماً زیر سلطه مردان قرار دارند و موقعیت زنان و مردان به دو حوزه خصوص و عمومی تفکیک شده است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷). شکاف طبقاتی- اقتصادی به معنی توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت میان اقشار فقیر و غنی، بهره‌کشی طبقه غیرمولد از طبقات مولد و مالکیت بر وسایل تولید است (زاهدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۲). شکاف بین نیروهای اجتماعی و گروه‌های ذی‌نفوذ بر بنیاد شأن و منزلت اجتماعی و میزان درآمد مالی است که بین آن‌ها نابرابری ایجاد کرده است. همچنین شکاف سنت و مدرنیته بر مبنای تضاد بین ساخت ایل/عشیره‌ای و ساخت مدرن بوده و دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای میان گروه‌های سنتی و مدرن است.

۴. منطقه مورد مطالعه

شهرستان ممسنی در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد. این فضای جغرافیایی شامل سه گروه زبانی لری (اکثریت)، ترکی قشقایی (اقلیت) و عربی (اقلیت) با اختصاص ۶۸۰۱ کیلومتر مربع از مساحت استان، ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت دارد که ۷۶۹۲۵ نفر در نقاط شهری و ۸۰۸۷۵ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ۴۱۱۳ نفر نیز غیرساکن هستند. در وضعیت کنونی، ممسنی از پنج بخش مرکزی (بکش و جاویدماه‌هوری)، جوزار، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی تشکیل شده است. بخش مرکزی که زادگاه و زیستگاه دو طایفه پرقدرتمند جاوید و بکش است، با داشتن ۹۸۸۱۶ نفر، بیشترین میزان جمعیت را در شهرستان دارد. پس از بخش مرکزی، بخش رستم با ۴۴۳۶۱ نفر جمعیت، متراکم‌ترین بخش شهرستان ممسنی است. دو بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلانی با داشتن ۹۳۲۶ و ۵۲۹۷ نفر جمعیت از کم‌پشت‌ترین نواحی جغرافیایی ممسنی به شمار می‌روند (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). هرکدام از این قلمروها و فضاهای جغرافیایی، حوزه‌های زیستگاهی طایفه‌های موجود در ممسنی هستند؛ به‌طوری‌که از دیرباز در حکم زیستگاه و بستر حیات و فعالیت ساکنان طوایف بکش، رستم، جاوید، دشمن-

زیاری و ماهور میلانی عمل می‌کنند و سکونتگاه‌های آن‌ها قلمرو سیاسی و حوزه نفوذ تحت کنترل آن‌ها بوده است (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۵۴) (شکل ۱).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

مأخذ: صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۵۴

در شهرستان ممسنی، ساختار ایل- عشیره‌ای و کنش اجتماعی و سیاسی کارگزاران مانع از انسجام و یکپارچگی طوایف شده است؛ از این رو تضاد میان عناصر و بخش‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در این شهرستان چشمگیر است؛ بر این بنیاد، زمینه لازم برای تثبیت شکاف‌های اصلی یا شکل‌گیری شکاف‌های جدید در طول تاریخ استقرار ایل ممسنی در این پیکره سرزمینی شکل گرفته است؛ بنابراین می‌توان شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را بنیادی‌ترین و فعال‌ترین نوع شکاف‌ها دانست که همواره در بستر اجتماع ممسنی وجود دارند و بر تمامی عرصه‌ها تأثیرگذار می‌گذارند؛ افزون بر این، پس از سقوط خوانین، برخی شکاف‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند که ممکن است به‌طور مستقیم بر تحولات اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار نباشند، ولی بر شکاف‌های اصلی بار (افزوده) می‌شوند و آن‌ها را متراکم می‌کنند.

۵. یافته‌های تحقیق

۱.۵. پراکسیس و شکاف اجتماعی

پراکسیس^۱ به معنی انجام دادن، تمرین کردن و استفاده عملی از امری یا چیزی است. در تبیین پراکسیس و شکاف اجتماعی باید اشاره کرد که کنش‌گری انسانِ ممسنی در بستر تاریخ صرفاً به روابط و مناسبات اجتماعی معمولی معطوف نبوده است، بلکه برساختگی مسائل فرهنگی و اجتماعی در تعیین جایگاه افراد و گروه‌ها و سطح تعاملات آن‌ها با یکدیگر نیز نقش بسزایی داشته است؛ از این‌رو شأن و منزلت اجتماعی انسانِ ممسنی از آغاز استقرار در سرزمین شولستان (نام پیش از ممسنی) تعریف، و جهان‌بینی افراد درباره یکدیگر شکل گرفت و زمینه شکاف‌های اجتماعی گوناگونی شد. این شکاف‌ها در درجه نخست در تقسیم‌بندی درون‌ایلی ریشه دارد و تبیین آن‌ها می‌تواند به درک و فهم میزان تأثیرگذاری آن‌ها کمک شایانی کند (جدول ۲).

جدول ۲. پراکسیس و شکاف‌های اجتماعی در بستر تاریخ ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

گونه‌شناسی شکاف	تبیین شکاف
طایفه‌ای	هریک از طوایف نه تنها نگاهی متفاوت به شأن و منزلت اجتماعی و سیاسی یکدیگر داشتند، بلکه وجود سلسله‌مراتب در درون آن‌ها نیز بر ساخت شکاف‌ها مؤثر واقع شد. این شکاف زیربنای مناسبات اجتماعی و تحولات سیاسی در ایل ممسنی را شکل داد که قوی‌ترین برآیند آن ایجاد مرزبندی‌های ذهنی میان طوایف و تنش‌های لفظی یا زد و خوردهای طولانی‌مدت بود.
جغرافیایی	این شکاف مُنبعث از استقرار طوایف ممسنی در قلمروهای مختلف بوده و به دلیل ایجاد حس تعلق مکانی و زیستگاهی، کارویژه زیربنایی و عینی داشته است. افراد، زیستگاه جغرافیایی خود را والاترین و کامل‌ترین مکان جغرافیایی می‌پنداشتند که در مقایسه با سایر مناطق از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.
جنسیتی	در ساختار ایلی-عشیره‌ای ممسنی، به دلیل عصبیت انسانِ ممسنی و چیرگی نگرش پدرسالاری، جنس مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و زن صرفاً وظیفه تأمین نیازهای جنسی مرد و خانه‌داری را بر عهده داشت. نیاز «پدر» به توان فیزیکی و نیروی کار «پسر» به منظور تأمین معاش خانواده،

گونه‌شناسی شکاف	تبیین شکاف
	توده مردم را به سوی کثرت فرزند پسر سوق می‌داد. اتکای ساکنان ممسنی به کشاورزی و دامداری چنین رویه‌ای را مرسوم کرده بود. از سوی دیگر می‌توان به کارویژه تدافعی یا جنگاوری مرد اشاره کرد که به دلیل خلق نزاع‌های دسته‌جمعی میان طوایف، تیره‌ها و اولادها، وجود ایشان برای دفاع از کیان و شرافت خانواده الزامی شده بود.
گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی	برخی از نیروهای اجتماعی نظیر فرهنگیان از شأن و احترام خاصی میان توده برخوردار بودند. این در حالی است که افراد خوش‌نشین، کاسب، مهتر و خطیر دون‌پایه محسوب می‌شدند. در میان گروه‌های ذی‌نفوذ نیز موی‌سپیدان و بزرگان از منزلت اجتماعی و قدرت رای‌زنی بیشتری برخوردار بودند، ولی گروه‌های خویشاوندی و متنفذین محلی کمتر به ایفای نقش می‌پرداختند؛ زیرا قدرت متمرکز خوانین گاه مانع از کنشگری آن‌ها می‌شد.
طبقاتی	ساختار عشیره‌ای ممسنی زمینه بهره‌مندی گروه اقلیت (خان، کدخدا، عمده‌مالک) از ثروت بود و بیشتر مردم در فقر و فلاکت به سر می‌بردند. ثروت‌اندوزی خوانین و بیگاری رعیت به شکل‌گیری دو طبقه بالا (فرداست) و پایین (فرو دست) منجر شده بود.
نسلی	شکاف نسلی برجستگی چندانی نداشته است؛ زیرا ذهنیت اجتماعی پدر و پسر شبیه به یکدیگر و مبتنی بر اقتضائات و الزامات ساختار ایلی-عشیره‌ای شکل گرفته بود.
قومی	شکاف قومی تا اواخر دوره قاجاریه مطرح نبوده است؛ چراکه همه طوایف ممسنی گویش و هویت لری داشتند و قوم ترک قشقایی هنوز به ساختار ممسنی ملحق نشده بود.
سنت و مدرنیته	عناصر مدرن هنوز مورد توجه ساکنان قرار نداشت و ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای تعیین‌کننده مسائل اجتماعی و سیاسی بودند.

۲.۵. تبیین انواع شکاف اجتماعی در اجتماع محلی شهرستان ممسنی

۲.۵.۱. شکاف طایفه‌ای

شاید بتوان گفت شکاف طایفه‌ای^۱ در درجه نخست نشئت گرفته از فقدان یا ضعف «تاریخ مشترک» بین طوایف است. تاریخ مشترک داشتن نقشی اساسی در همگرایی و خلق جامعه دارد. انگاره‌های بین‌الذهانی و نگرش نابرابر به همدیگر داشتن و گاهی خود را بهتر و دیگران را وامانده و نمیدار دانستن، از خصیصه‌ها و پیامدهای این شکاف است (حافظ‌نیا و صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۵۸). این شکاف بر کوچک‌ترین مسائل زندگی زناشویی تا رسمی‌ترین حوزه‌ها نظیر نهادها و ادارات شهرستان ممسنی اثرگذار است؛ اضافه بر این، تعاملات و

1. Tribal Cleavage

مناسبات محدود اجتماعی طوایف ممسنی با یکدیگر و رقابت سیاسی تمام‌سطوح بیانگر گسست عمیق میان آن‌ها است. در این راستا می‌توان به پایگاه آراء نمایندگان ادوار حوزه انتخابیه ممسنی اشاره کرد که توانسته‌اند بیشترین میزان آراء را در قلمرو جغرافیایی طایفه خود کسب کنند (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۹-۱۰۲). به‌طور کلی دو مؤلفه «منزلت اجتماعی» و «روحیه سلحشوری» در تشدید شکاف طایفه‌ای مؤثرند. شأن و منزلت طوایف با توجه به شاخص‌هایی نظیر جمعیت، وسعت جغرافیایی، اراضی کشاورزی، تعداد ادوار راهیابی نامزدها به مجلس و حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی سنجیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، هرچند طایفه ماهور میلّاتی (عمدتاً ترک‌تبار) از وسعت و اراضی زیادی برخوردار است، این مؤلفه‌ها نتوانسته‌اند به شأن و منزلت اجتماعی آن کمک درخور کنند؛ چراکه تحت‌الشعاع عواملی هویتی و پیشینه تاریخی متفاوت با قوم لر قرار گرفته‌اند. از نظر تعداد راهیابی نمایندگان به مجلس، طایفه بکش با پنج دوره در صدر و طوایف جاوید و رستم هرکدام با سه دوره در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی تاکنون به کسب کرسی مجلس موفق نشده‌اند. سرانجام، حضور سه طایفه نخست در تحولات اجتماعی و سیاسی شهرستان ممسنی پُررنگ بوده که به نظر می‌رسد منزلت اجتماعی‌شان را تقویت کرده است؛ این در حالی است که طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی معمولاً در حاشیه و انزوا اجتماعی به سر می‌برند. افزون بر این می‌توان به روحیه سلحشوری اشاره کرد که در بستر تاریخ و هم‌اکنون امری مُغتنم شمرده می‌شود؛ یعنی هرچه یک طایفه یا تیره توانایی بسیج نیروهای پُرشور را در میدان‌هایی همچون کارزار انتخابات‌های محلی داشته باشد، از وزن مکانی بیشتر و به‌تبع آن منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار می‌شود. معمولاً روحیه سلحشوری طوایف جاوید و بکش در کارزار انتخابات به دلیل رقابت تنگاتنگ و نفس‌گیر، بیش از دیگر قلمروها است (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های سنجش شکاف طایفه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

طایفه/شاخص	جمعیت	وسعت	اراضی زراعی	تعداد نماینده	حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ممسنی
بکش	۱۶۹۶۷ (دهستان بکش ۱ و ۲)	۵۳۹	۱۷۴۶۲/۵	۵	فعال
جاوید	۱۵۲۵۵ (دهستان جاوید ماهوری و بخش جوزار)	۱۰۳۹	۳۰۵۰	۳	فعال
رستم	۴۶۸۵۱	۱۲۰۰	۲۳۵۰۰	۳	فعال
دشمن‌زیاری	۹۴۶۳	۸۶۶	۱۸۸۸۵	۰	نیمه‌فعال
ماه‌ور میلانی	۷۳۱۱	۳۵۱۸	۹۴۸۳	۰	منفعل

از نظر صورت‌بندی، شکاف طایفه‌ای در زمره شکاف‌های فعال قرار می‌گیرد که مُدام در زندگی اجتماعی ساکنان ممسنی تولید و بازتولید می‌شود. این شکاف به‌مثابه مسئله‌ای ذهنی مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها، رفتار اجتماعی و کنش سیاسی طوایف است که در بستر ساخت عشیره‌ای در نگرش باشندگان ریشه دوانیده و در رفتار اجتماعی و سیاسی آن‌ها در قِبل یکدیگر بازتاب پیدا کرده است. ازجمله پیامدهای این شکاف، خودبرتربینی اجتماعی، ضعف انسجام و یکپارچگی اجتماعی طوایف، سوءظن و تخریب یکدیگر، قشون‌کشی و اسلحه‌کشی است. سرانجام، شکاف طایفه‌ای به‌عنوان شکاف ساختاری، اصلی و متراکم در شهرستان ممسنی محسوب می‌شود که در کنار شکاف جغرافیایی قرار دارد و سایر شکاف‌ها بر آن‌ها بار می‌شوند و جامعه دوشکافی متراکم را در این فضای جغرافیایی ایجاد می‌کنند. این دو شکاف اصلی نیز به‌طور متقابل یکدیگر را قوام می‌بخشند و استمرار پیدا می‌کنند.

۲.۲.۵. شکاف جغرافیایی

شکاف جغرافیایی^۱ یکی از زیربنایی‌ترین شکاف‌ها در شهرستان ممسنی به شمار می‌رود که بر شماری از مناسبات اجتماعی و سیاسی تأثیر گذاشته است. به‌طورکلی، شکاف فضایی-جغرافیایی در این شهرستان دربرگیرنده شمال و جنوب شهر، مناطق شهری و روستایی و

1. Geographical Cleavage

مرکز-پیرامون است. در زمینه شکاف شمال و جنوب می‌توان به محله‌های مختلف شهر نورآباد اشاره کرد که در شاخص‌هایی نظیر زیرساخت‌های عمرانی و شناسه‌های فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر تفاوت دارند. اگرچه فاصله شمال و جنوب شهر اندک است، تفاوت‌های چشمگیری میان آنان مشهود است. در این چارچوب، محله‌هایی نظیر صالحی، دُوراهی و اسکان عشایر به رغم اینکه از نظر جغرافیایی در جنوب و شرق شهر واقع شده‌اند، به دلیل تکرر فرهنگی (طوایف و تیره‌های مختلف) مورفولوژی سستی دارند؛ به‌طوری‌که چشمگیرترین میزان اعتیاد، الکل، جرم و فساد در این محله‌های زیستی صورت می‌گیرد. از نظر اقتصادی ساکنان چنین محله‌هایی (به‌استثنای شخصیت‌های متمول) معمولاً در سطح پایین قرار دارند؛ این در حالی است که محله‌های شمال شهر نورآباد نظیر جهاد، مُوردآبی، استادیوم و جهاد از منازل مسکونی لوکس و خودروهای مدل بالا برخوردارند و افرادی که در زُمِره سرمایه‌داران شهرستان قرار دارند، سکونت در این محله‌ها را ترجیح می‌دهند. از نظر فرهنگی، ساکنان این محله‌ها کمتر درگیر حاشیه‌ها و معضلات اجتماعی می‌شوند (جدول ۴).

جدول ۴: شاخص‌های سنجش شکاف جغرافیایی (محله‌های مختلف شهر نورآباد)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

وضعیت اقتصادی	فساد	خشونت و نزاع	سرقت	جرم و جنایت	مواد مخدر و اعتیاد	الکل	موقعیت جغرافیایی	محله/شاخص
ضعیف							شرق	اسکان عشایر
ضعیف							شرق	دوراهی
ضعیف							شرق	تُل‌کوشک
ضعیف							مرکز	موسوم به اتوپتو
متوسط							جنوب	صالحی
خوب							شمال	جهاد
خوب							شمال	موردآبی
خوب							شمال غرب	استادیوم

از سوی دیگر می‌توان به توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات در فضای جغرافیایی شهری و روستایی ممسنی اشاره کرد. درحالی‌که شهر نورآباد از امکانات خدماتی، رفاهی و آموزشی نظیر ادارات، بانک‌ها، مراکز خرید و مدارس پیشرفته برخوردار است، سکونتگاه‌های روستایی دورافتاده از چنین مزایایی بهره‌مند نیستند و در محرومیت به سر می‌برند؛ بنابراین هرچه فاصله روستاها از مرکز شهر (نورآباد) بیشتر می‌شود، شکاف میان شهر و روستا نیز افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که موقعیت سکونتگاه‌ها در میزان بهره‌مندی آن‌ها از خدمات عمرانی و رفاهی نقش دارد. در این زمینه می‌توان به موقعیت کوهپایه‌ای، کوهستانی و دشتی سکونتگاه‌های بخش دشمن‌زیاری اشاره کرد که روستاهای کوهپایه‌ای از وضعیت بهتری برخوردارند. ازجمله مصادیق این امر روستاهای دولت‌آباد، بلمینی و حسنی است که در شاخص‌هایی نظیر نزدیکی به جاده اصلی، فاصله تا مرکز بخش دشمن‌زیاری و شهرستان (شهر نورآباد)، سیستم جمع‌آوری زباله، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی، راه ارتباطی، آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، انتفاع از برق و تلفن، مدرسه ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، جایگاه توزیع مواد سوختی، دسترسی به خدماتی نظیر نانوايي، خواروبارفروشی، خدمات مالی و اعتباری، تعمیرگاه ماشین‌آلات، وسایل مکانیزاسیون زراعی، آنتن‌دهی رادیو و تلویزیون، نور و روشنایی و امکانات ورزشی از وضعیت مطلوبی برخوردارند (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۵). همچنین روستاهایی که از دهیاری برخوردارند، از نظر طبیعی، کیفیت فیزیکی و کالبدی، کیفیت اوضاع اجتماعی و مکان‌های آموزشی در مقایسه با روستاهای فاقد دهیاری وضعیت بهتری دارند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۷۵).

افزون بر این، استقرار طوایف ممسنی در مناطق مختلف جغرافیایی زمینه تبدیل قلمرو آن‌ها به بخش‌های مختلف شده است. در این راستا، بخش مرکزی شهرستان ممسنی (به‌ویژه دهستان‌های بکش ۱ و ۲) از وضعیت مطلوب‌تری در مقایسه با بخش پیرامونی (ماهور میلانی و دشمن‌زیاری) برخوردار است. بخش نیمه‌پیرامونی (رستم) در مقایسه با بخش پیرامونی وضعیت مطلوب داشته، ولی در مقایسه با بخش مرکزی وضعیت نامساعدی دارد. برای تحلیل ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در شهرستان ممسنی از روش تحلیل آماری «امتیاز استاندارد» بهره‌گیری شده است. در این روش میزان تراکم کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و خدمات بر پایه اندازه

جمعیت در دهستان‌های شهرستان در سال ۱۳۹۰، اندازه‌گیری شده است؛ در نتیجه دهستان‌های برخوردار از توانمندی بیشتر برای توسعه از دیگر دهستان‌ها شناخته شده و دهستان‌های شهرستان بر پایه امتیاز استاندارد، توانمندی پیشرفتشان دسته‌بندی شده‌اند (جدول ۵). در روش امتیاز استاندارد، فرمول زیر به کار گرفته شده است:

$$\text{میانگین جمعیت دهستان‌ها} - \text{جمعیت هر دهستان} = \text{امتیاز استاندارد}$$

$$\text{انحراف معیار جمعیت دهستان‌ها}$$

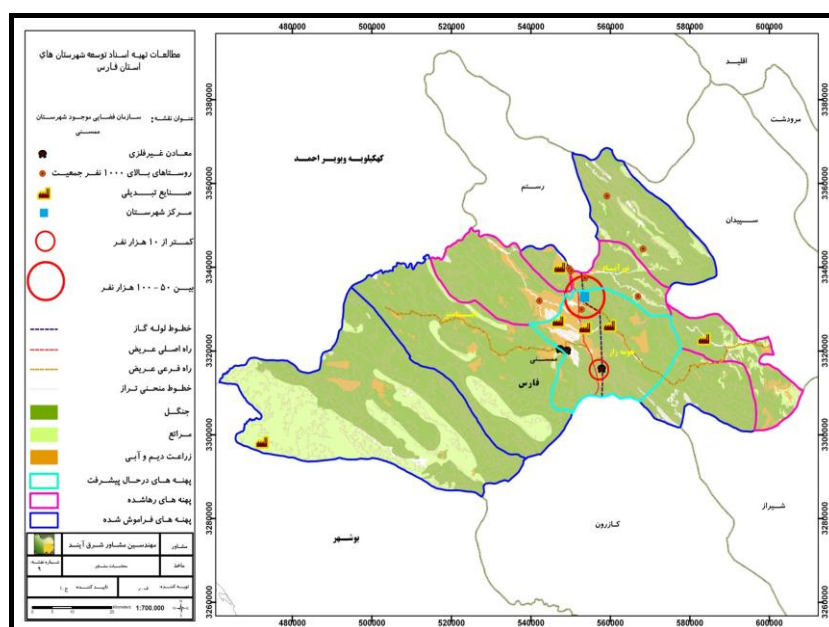
جدول ۵. ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۶۰

دهستان	جمعیت (نفر)	امتیاز معیار	توانمندی پیشرفت
بکش ۱	۱۱۴۸۴	۲,۱	زیاد
دشمن‌زیاری	۴۸۴۰	۹	کم
بکش ۲	۵۴۸۳	۲	کم
جاویدماهوری	۸۴۲۵	۱	کم
جوزار	۶۸۳۰	-۳	خیلی کم
ماهور	۴۸۹۲	-۶	خیلی کم
قهلیان	۴۹۲۰	-۷	خیلی کم
مشایخ	۴۶۲۳	-۸	خیلی کم
میشان	۲۴۱۹	-۰,۱	خیلی کم
میانگین	۶۰۶۲	-	-
انحراف معیار	۲۳۱۱	-	-

نتایج نشان می‌دهد که دهستان بکش ۱ در برابر هشت دهستان دیگر شهرستان، از توانایی‌های بیشتری برای توسعه برخوردار است، دهستان‌های دشمن‌زیاری، بکش ۲ و جاویدماهوری توانایی‌های نسبی دارند و ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در دیگر دهستان‌های شهرستان بسیار زیاد است؛ بر این بنیاد، توان ایجاد کارکردهای نوین اقتصادی، اجتماعی و خدماتی به‌ویژه در پیوند با فعالیت‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنعت وابسته به آن‌ها در دهستان بکش ۱ بسیار

زیاد است، ولی چالش عمده در این دهستان، خطر مهاجرت‌های روستایی است که می‌تواند از توسعه آن در آینده جلوگیری کند. دهستان‌های دشمن‌زیاری، بکش ۲ و جاوید ماهوری، قلمروهایی هستند که از زمینه‌های پیشرفت و توان‌مندی‌های آنان بهره‌گیری نشده است. چالش بنیادی در این قلمروها، پیرامونی بودن آن‌ها در برابر کانون نیرومند شهر نورآباد است. سایر دهستان‌های شهرستان، قلمروهای فراموش شده و دست‌نخورده و بکر به شمار می‌آیند. این دهستان‌ها توانش‌هایی به‌ویژه در حوزه‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنعت وابسته به آن دارند، ولی مجال سرمایه‌گذاری و پیشرفت به آن‌ها روی نیاورده است. چالش عمده در این سامان‌ها، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است (معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۶۲). در شکل ۲ می‌توان شکاف جغرافیایی میان مناطق مرکزی و پیرامونی شهرستان ممسنی را مشاهده کرد.



شکل ۲. سازمان فضایی وضع موجود در شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۶۴

به‌طورکلی، شکاف مکانی-جغرافیایی تحت‌تأثیر عوامل هویتی و فرهنگی نیز تشدید می‌شود؛ چراکه توزیع عادلانه ثروت و قدرت در فضاهای جغرافیایی مختلف صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین نه‌تنها عوامل طبیعت‌پایه (تفکیک طبیعی بخش‌های شهرستان از یکدیگر) در ساخت شکاف جغرافیایی مؤثرند، بلکه عوامل انسان‌پایه (اصحاب قدرت و کارگزاران) نیز در تقویت این شکاف تأثیرگذارند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۹۶-۹۷).

از نظر صورت‌بندی، شکاف جغرافیایی در شهرستان ممسنی فعال است و بر زندگی اجتماعی ساکنان تأثیر بسزایی دارد. این شکاف از نوع ساختاری است؛ زیرا از زمان ورود ایل ممسنی به قلمرو شولستان، فضاهای جغرافیایی زمینه تفکیک افراد از یکدیگر شد. همچنین این شکاف را می‌توان پدیده‌ای عینی دانست که به تفکیک بخش‌ها از یکدیگر منجر شده است. سرانجام، این شکاف به صورت متراکم است که شکاف‌های دیگر نیز بر آن بار می‌شوند و ممسنی را با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌کنند (جدول ۶).

جدول ۶. وضعیت شکاف جغرافیایی (مرکز و پیرامون)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

وضعیت	مرکز	نیمه‌پیرامون	پیرامون
طوایف	بکش و جاوید	رستم	دشمن‌زیاری و ماهور
سطح توسعه و خدمات	خوب	متوسط	ضعیف

۵.۲.۳. شکاف سنت و مدرنیته

تعارض میان سنت و مدرنیته^۱، مسئله‌ای جدید در شهرستان ممسنی است؛ زیرا به‌رغم ورود تکنولوژی و فضای مجازی به این شهرستان و تحولات داخلی نظیر افزایش سطح آگاهی عمومی و فرایند شهری شدن، مناسبات اجتماعی تحت‌تأثیر قرار گرفته است؛ ازاین‌رو می‌توان ممسنی را اجتماعی در حال گذار قلمداد کرد که تضاد میان عناصر سنتی و مدرن در جریان است؛ با وجود این، به دلیل تثبیت ساختار ایلی-عشیره‌ای در فضای جغرافیایی ممسنی، عناصر سنتی از نقش‌آفرینی بیشتری برخوردارند. در طرف مقابل نیز استفاده توده مردم از

فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، پوشش و ظاهر مدرن نشان‌دهنده اهمیت شاخص‌های مدرنیته است. شایان ذکر است که رقابت‌های اجتماعی در چارچوب سنت و مدرنیته نیز بر تشدید شکاف افزوده است. ازجمله مصادیق این امر، جشن‌های عروسی است که رقابت در زمینه بهترین لباس محلی، میزان طلا، تعداد دعوتی‌ها، کیفیت تالار و غذا، نوع ماشین و از این قبیل در جریان است. اگرچه این رقابت‌ها در چارچوب سنت‌ها صورت می‌گیرند، رنگ و لعاب مدرن نیز دارند؛ یعنی افراد در پی مدرن جلوه دادن خود هستند تا شأن و پرستیژ اجتماعی‌شان نزد دیگران حفظ شود. به لحاظ اقتصادی، شیوه زیست ممسنی‌ها عمدتاً معیشتی و مبتنی بر کشاورزی سنتی (غیرمکانیزه) و در برخی مناطق دامداری است. اگرچه در بخش‌هایی همچون بازار (فصلی)، صنعت (راکد)، خدمات دولتی (ناکارآمد) و بخش خصوصی (نافرجام) تاحدودی سبک و سیاق مدرن به چشم می‌خورد، رکود این بخش‌ها مانعی در برابر شکل‌گیری ممسنی مدرن (در معنای توسعه اقتصادی) است. از سوی دیگر، در عرصه سیاست، شکاف سنت و مدرنیته در بالاترین سطح ممکن قرار دارد؛ چراکه به‌رغم برگزاری انتخابات به‌عنوان پدیده‌ای مدرن، الگوی رأی مشارکت‌کنندگان مبتنی بر سنت‌ها و ارزش‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است (جدول ۷).

جدول ۷. شاخص‌های شکاف سنت و مدرنیته

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

سنت	لباس محلی	سازه و تقاره	برگزاری جشن عروسی	برگزاری عروسی در منزل	صرف غذا در سینی	تلویزیون، مجله‌های محلی شهرستان	مشارکت سیاسی هیجانی در انتخابات مجلس و شورای اسلامی شهر و روستا	زیست معیشتی/کشاورزی و دامداری
مدرنیته	لباس اسپورت	اُرگ	ماه غسل	برگزاری عروسی در تالار	صرف غذا در بشقاب	اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی نسبتاً عقلایی در انتخابات ریاست‌جمهوری	زیست مدرن/ بازار (فصلی)، صنعت (راکد)، خدمات دولتی (ناکارآمد) و بخش خصوصی (نافرجام)

از نظر صورت‌بندی، هرچند شکاف سنت و مدرنیته تا قبل از سقوط خوانین به دلیل ساختار کاملاً عشیره‌ای مُنفع‌ل بود، امروزه به دلیل دگردیسی نسبی در ارزش‌ها و تحت‌تأثیر برخی شناسه‌های مدرنیته، فعال شده است. این شکاف به صورت تصادفی و در نتیجه تحولات مدرن (نوسازی عمرانی/کالبدی، اجتماعی و اقتصادی) ایجاد شده است، اما تجميع عوامل عینی (رقابت‌های ملموس افراد با یکدیگر در سبک زندگی) و ذهنی (نگرش و جهان‌بینی متفاوت افراد به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی) ماهیت ساختاری به آن بخشیده‌اند. سرانجام، شکاف سنت و مدرنیته به صورت متراکم بر دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود و سطح تعارضات و مناقشات میان افراد را در ممسنی افزایش می‌دهد.

۵. ۲. ۴. شکاف جنسیتی

شکاف جنسیتی^۱ که برآمده از ساختار طایفه‌ای ممسنی است، به نظرگاه‌های متفاوت ساکنان درباره جنس مرد و زن منجر شده است؛ یعنی فرصت‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است و مردان از مجال بیشتری برخوردارند. این تبعیض جنسیتی که دال بر اجتماع پدرسالار و مردسالار ممسنی است، طی سالیان اخیر تاحدودی متعادل شده است. درمجموع پنج شاخص اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشت و سیاست در تحلیل شکاف جنسیتی در شهرستان ممسنی راهگشا است. از نظر اقتصادی نیروی کار زنان مدنظر ساکنان ممسنی قرار گرفته است و آن‌ها در مشاغل دولتی و خصوصی حضور دارند. در زمینه جمعیت شاغل شهرستان ممسنی، آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰، ۲۷۲۱۳ نفر شاغل بودند که از این تعداد ۳۹۲۵ نفر زن و ۲۳۲۷۸ نفر مرد بودند. نرخ بیکاری ۲۴٫۴ درصد بوده که ۲۶ درصد از آن زنان و ۲۲٫۲ درصد به مردان متعلق بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی ۲۶٫۱ درصد بوده که ۱۲٫۱ درصد مربوط به زنان و ۶۱ درصد به مردان متعلق بوده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶)؛ بر این بنیاد، زنان تاحدودی توانسته‌اند در عرصه اقتصادی شهرستان نقش‌آفرینی کنند، ولی هنوز اندیشه خانه‌داری زنان و رسیدگی به فرزندان مانعی در برابر حصول آنان به مشاغل بیشتر است (جدول ۸).

جدول ۸. شاخص‌های شکاف جنسی (مؤلفه اقتصادی)

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶

جنس/شاخص	تعداد شاغل	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی
مرد	۲۳۲۷۸	۲۲/۲	۶۱
زن	۳۹۲۵	۲۶	۱۲/۱

در عرصه اجتماعی، زنان در دریافت مدارکی نظیر گواهینامه رانندگی و عضویت در برخی گروه‌های حفاظت از محیط‌زیست شهرستان حضور فعالی دارند. همچنین نوع پوشش و رفت‌وآمد زنان در بازار ممسنی حکایتگر آزادی اجتماعی نسبی آنان است؛ با وجود این، نگرش پدرسالاری به دیدگاه تحقیرآمیز درباره زن منجر شده است. با توجه به اینکه زن نمی‌تواند به‌عنوان پشتوانه استمرار نسل خانواده پدر محسوب شود، به دنیا آوردن اولین فرزند پسر (گُرزا کنون) توسط زوج‌های جوان همواره مورد تحسین موی‌سپیدان است؛ این در حالی است که فرزند دختر چندان مورد لطف و ستایش اطرافیان قرار نمی‌گیرد. از نظر آموزشی، در سال ۱۳۸۵، نرخ بی‌سوادی ۱۹/۲ درصد بود. در این راستا، نرخ بی‌سوادی به تفکیک جنسیتی برای مردان و زنان شهرستان به‌ترتیب ۱۴/۳ و ۲۴/۱ درصد بود (معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۳). در سال‌های اخیر بر تعداد زنان باسواد افزوده شده است. در ساختار آموزش عالی ممسنی، مردان بیش از زنان فعالیت دارند، اما استفاده از اساتید زن در دانشگاه‌های شهرستان و رقابت زنان در کنکور (به‌ویژه رشته تجربی) تبیینگر رغبت آن‌ها به منظور بهره‌مندی از شأن و پرستیژ اجتماعی و کاهش شکاف است (جدول ۹).

جدول ۹. ساختار آموزش عالی شهرستان ممسنی در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۲۵

نام دانشگاه (مرکز آموزش عالی)	وضعیت حقوقی	تعداد	تعداد دانشجویان			تعداد آموزشگران (کادر آموزشی)		
			جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
دانشگاه علوم پزشکی (ممسنی)	دولتی	۱	۱۰۳	۷۶	۲۷	-	-	-
آموزشکده فنی پسران (ممسنی)	دولتی	۱	۴۷۸	۴۷۸	۰	۴۲	۴۲	۰

تعداد آموزشگران (کادر آموزشی)			تعداد دانشجویان			تعداد	وضعیت حقوقی	نام دانشگاه (مرکز آموزش عالی)
زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع			
۱۱	۷۰	۸۱	۲۱۳۲	۱۱۵۲	۳۲۸۴	۱	دولتی	دانشگاه پیام نور (نورآباد)
۲۵	۱۵۸	۱۸۳	۷۴۶	۱۱۵۷	۱۹۰۳	۱	خصوصی	دانشگاه آزاد اسلامی (نورآباد)
۳۶	۲۷۰	۳۰۶	۲۹۰۵	۲۸۶۳	۵۷۶۸	۴		جمع
۶۹/۴	۵۸/۵	۵۹/۸	۲۵/۶	۴۰/۴	۳۳	۲۵		سهم خصوصی (درصد)

از نظر بهداشت، امکانات لازم در اختیار زنان قرار گرفته است و آن‌ها توانسته‌اند طی سالیان اخیر از نظر وضعیت ظاهری و قوای فیزیکی وضعیت مطلوبی پیدا کنند. درواقع فاصله گرفتن زنان از مشاغل سخت و طاقت‌فرسا نظیر کشاورزی، دامداری، پخت نان محلی و... زمینه رعایت بهداشت شده است؛ بنابراین در این شاخص، شکاف چشمگیری میان مرد و زن وجود ندارد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تعداد مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۷۶

نوع سال	شهرستان			استان		
	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	جمع
۱۳۸۴	۳	۲۱	۲۴	-	-	-
۱۳۸۸	۲	۱۴	۱۶	۱۲۱	۱۶۰	۲۸۱
تعداد جمعیت به ازای هریک مرکز بهداشتی درمانی در سال ۱۳۸۸* (نفر)						
			۷۲۷۴	۱۸۰۵۰	۱۰۴۰۶	۱۶۱۱۵

سرانجام، از نظر سیاسی زنان همانند مردان حضور فعالی در نبرد انتخابات ممسنی دارند، اما زیر سیطره مردان قرار دارند و ناگزیر از انتخابی مشابه پدر یا همسر خود هستند. افزون بر این، زنان تا پایان دور یازدهم به‌عنوان نامزد در حوزه انتخابیه ممسنی حضور نداشته‌اند، ولی در پنجمین دوره شورای اسلامی شهر و روستای شهرستان برای نخستین بار فرصت نامزدی آنان فراهم شد. از نظر صورت‌بندی، شکاف جنسیتی در شهرستان ممسنی فعال است؛ به‌طوری‌که به‌رغم آزادی نسبی زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، همچنان نگرش

پدرسالاری و مردسالاری به عنوان سدی سترگ در برابر ترقی آنان محسوب می‌شود. همچنین این شکاف که از نظر ذهنی زمینه تفکیک مرد و زن شده است، از نوع ساختاری است؛ زیرا دائم در بستر اجتماع ممسنی وجود داشته و در گذر زمان نهادینه شده است. در مجموع، شکاف جنسیتی به مثابه شکافی متراکم است که بر شکاف‌های اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود.

۵.۲.۵. شکاف نسلی

شکاف نسلی^۱ را می‌توان در سبک زندگی و نوع انطباق فرهنگی نسل جدید و قدیم ممسنی مشاهده کرد. سبک زندگی انسان جدید ممسنی در حال تغییر است؛ به نحوی که نسل جوان تغییراتی را در زمینه پوشش، خوراک، آراستگی ظاهری و گذران اوقات فراغت خود اعمال کرده‌اند؛ یعنی به رغم وجود ارزش‌های سنتی در میان مردم، نسل جدید به مقاومت و ایستادگی در مقابل برخی آداب و رسوم‌ها می‌پردازند. از سوی دیگر، تعارض دیدگاه نسل جدید و قدیم ممسنی به نبود انطباق فرهنگی در سه شاخص «دانشی»، «گرایشی» و «رفتاری» تبدیل شده است. از نظر دانشی می‌توان به اطلاعات علمی متفاوت این دو نسل اشاره کرد. از نظر گرایشی می‌توان از تفاوت در اعتقادات افراد یا سلیقه‌های دو نسل سخن به میان آورد. در نهایت، از نظر رفتاری می‌توان به تفاوت در آداب و معاشرت نسل قدیم و جدید ممسنی اشاره کرد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. شاخص‌های شکاف نسلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

نسل/شاخص	دانشی	گرایشی	رفتاری
قدیم	اطلاعات علمی و تحصیلات اندک	گرایش طایفه‌ای و مذهبی	رعایت شئونات، سلسله‌مراتب اجتماعی و لهجه لری در محاوره‌های روزمره
جدید	اطلاعات علمی زیاد و تحصیلات تکمیلی	گرایش مدرن و روشنفکرانه	بی‌توجهی به شئونات اجتماعی و تمایل به زبان فارسی

از نظر صورت‌بندی، شکاف نسلی در شهرستان ممسنی در دهه اخیر بسیار فعال شده است. این شکاف، بیشتر تصادفی است؛ زیرا در عصر قدیم یکپارچگی فرهنگی میان نسل‌ها حاکم بود، ولی در وضعیت کنونی به دلیل رسوخ عناصر مدرن به ممسنی، این شکاف ایجاد شده است. شکاف نسلی که از نظر ذهنی تأثیرات درخور توجهی بر رفتار اجتماعی افراد داشته، روی دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار و معضلات اجتماعی ممسنی را دوچندان کرده است.

۵. ۲. ۶. شکاف بین گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی

گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی^۱ تحرکات زیادی در تحولات اجتماعی و سیاسی ممسنی دارند. این گروه‌ها نه تنها با یکدیگر تضاد ارزشی و منفعتی دارند، بلکه درون خود نیز دچار انشقاق و شکاف هستند. به‌طور کلی، «شان و منزلت اجتماعی» را می‌توان زیربنای تحرکات نیروهای اجتماعی و «هویت و منافع» را نیروی محرکه کنشگری گروه‌های ذی‌نفوذ دانست (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. شاخص‌های شکاف گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

گروه‌ها و نیروها	گروه‌های ذی‌نفوذ	نیروهای اجتماعی
مبنای کنشگری	هویت و منافع	شان و منزلت اجتماعی

از نظر تعارضات درونی هریک از گروه‌های ذی‌نفوذ نیز مبانی رفتاری متفاوتی دارند؛ یعنی موی‌سپیدان و بزرگان^۲ را می‌توان برحسب «انسان اجتماعی»، متنفذین محلی^۳ را براساس «انسان اقتصادی» و گروه‌های خویشاوندی^۴ را بر بنیاد «انسان هویتی» تعریف کرد. درواقع، گروه نخست به دنبال کنشگری در اجتماع و تأثیرگذاری بر دیگران به‌منظور پیروی از دستوراتشان هستند؛ این در حالی است که گروه دوم صرفاً منافع کوتاه‌مدت خود و دوستان را

1. Influenced Groups and Social Forces

2. Elders

3. Local influences

4. Kinship Groups

پی‌جویی می‌کنند. سرانجام، گروه سوم حفظ ارزش‌ها و هنجارهای عشیره‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. از نظر قدرت نقش‌آفرینی معمولاً گروه‌های ذی‌نفوذ در رأس قرار دارند؛ چراکه همواره به دنبال رای‌زنی با اصحاب قدرت و توده مردم هستند. اصحاب قدرت نیز به دنبال استفاده ابزاری از این گروه‌ها برای جذب آراء در انتخابات یا پیشبرد سایر اهداف سیاسی خود هستند. از سوی دیگر، در برخی مواقع سرپیچی از فرامین بزرگان صورت می‌گیرد یا ممکن است افراد از گروه‌های خویشاوندی تبعیت نکنند.

در میان نیروهای اجتماعی می‌توان از سه شاخص «نگرش اجتماعی»، «پایگاه اجتماعی» و «میزان سرمایه اقتصادی» سخن به میان آورد. بر بنیاد نگرش اجتماعی، معمولاً نیروهای اجتماعی (بازاریان، کشاورزان، فرهنگیان و غیره) خود را در چارچوب اجتماع (کل‌گرایی) تعریف می‌کنند؛ یعنی گروه خود را از دیگران متمایز می‌کنند. هریک از نیروهای اجتماعی در تحولات سیاسی نظیر انتخابات مجلس در چارچوب تیره و طایفه خود با یکدیگر متحد می‌شوند، ولی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی صرفاً منافع مربوط به گروه خود را پی‌جویی می‌کنند.

از سوی دیگر، پایگاه اجتماعی به معنای منزلت و پرستیژ اجتماعی، شخصیتی، شغلی و از این دست است که به تفاوت بنیادین میان نیروهای اجتماعی در شهرستان ممسنی منجر شده است. در این زمینه می‌توان به منزلت فرهنگیان در مقایسه با سایر نیروهای اجتماعی اشاره کرد. نقش‌آفرینی فرهنگیان در مسائل اجتماعی (جشن ازدواج، مراسم عزاداری، و غیره) و سیاسی (انتخابات) در مقایسه با گروه‌هایی نظیر زنان، مذهبیون و روشنفکران بیشتر است (میرزایی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۳۳۰). از نظر سرمایه اقتصادی، معمولاً پزشکان، بازاریان و کشاورزان (عمده‌مالک و زمین‌داران بزرگ) در صدر قرار دارند؛ به‌طوری‌که ثروت و دارایی این نیروها در تکریم و پاسداشت آن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند.

از نظر صورت‌بندی، این شکاف به دلیل تعارض و تضاد بنیادین گروه‌ها با یکدیگر فعال است. همچنین از نوع تصادفی است؛ زیرا پس از سقوط خوانین در نتیجه اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ ه.ش) و ایجاد خلأ قدرت در ممسنی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی توانستند حضور پُرنرنگ‌تری در جامعه پیدا کنند. باید اذعان داشت که این شکاف بیشتر به

صورت ذهنی در انگاره‌های افراد و گروه‌ها نهادینه شده است؛ به نحوی که با ذکر نام یک گروه ذی‌نفوذ یا نیروی اجتماعی، ذهنیت افراد از قبل درخصوص آن‌ها شکل گرفته است. روی هم رفته، این شکاف بر دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود و آن‌ها را متراکم می‌کند.

۵. ۲. ۷. شکاف قومی

ساختار جغرافیای سیاسی ممسنی را سه قوم لر، ترک و عرب تشکیل داده است. هرچند در مسائل اجتماعی و سیاسی تعارض و تنش میان این سازه‌های فضایی/قومی در جریان نیست، نوع نگاه و نگرش آن‌ها به یکدیگر متفاوت است. اساساً قوم لر (ایل ممسنی) به دلیل پیشینه تاریخی، قلمرو جغرافیایی زیر نفوذ، جمعیت و قدرت بیشتر در مقایسه با اقوام ترک و عرب، خود را در موضع ژئوپلیتیکی بالادستی می‌پندارد؛ از این رو مناسبات و روابط اجتماعی آن‌ها با این اقوام یا تعاملات اندک اجتماعی‌شان با یکدیگر تأییدگر این مدعا است. در عرصه سیاست، قوم لر پیوسته به دنبال همراه کردن اقوام ترک و عرب با خود است و معمولاً به بسیج سیاسی آن‌ها موفق می‌شود (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. شاخص‌های شکاف قومی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

قومیت / عرصه	لر	ترک	عرب
فرهنگی و اجتماعی	تعاملی (فرادست)	تعاملی (فرو دست)	تعاملی (فرو دست)
اقتصادی	کشاورزی و دامداری	دامداری	کشاورزی
سیاسی	مسلط و بسیج‌گر	تابع و بسیج‌شونده	تابع و بسیج‌شونده

از نظر صورت‌بندی اجتماعی، شکاف قومی^۱ در شهرستان ممسنی نسبتاً منفعل است؛ زیرا در وضعیت کنونی تعارض چندانی میان آن‌ها مشهود نیست. این شکاف که به دلیل استقرار تدریجی اقوام ترک و عرب در قلمرو ایل ممسنی ساختاری است، جنبه ذهنی و ارزشی دارد که به صورت متراکم بر دو شکاف اصلی بار شده است.

1. Ethnic Cleavage

۵. ۲. ۸. شکاف اقتصادی

درباره شکاف اقتصادی^۱ در شهرستان ممسنی می‌توان به شکاف طبقه پایین (فقر) و بالا (غنی) اشاره کرد. اقتصاد شهرستان ممسنی پیوسته بر پایه کشاورزی، دامداری و بازار متکی است، ولی مشکلات محیط‌زیست نظیر کم‌آبی و خشکسالی، کشاورزی و دامداری شهرستان را با چالش مواجه کرده که پیامد آن کاهش شدید درآمد کشاورزان و دامداران بوده است. از سوی دیگر، به دلیل افزایش قیمت کالاها، بازار با رکود مواجه شده و از میزان درآمد بازاریان کاسته شده است. سرانجام، شهرستان ممسنی از صنعت و کارخانجات فعالی برخوردار نیست و در بخش خدمات و مشاغل دولتی نیز با ضعف مواجه است؛ چراکه به‌رغم وجود قشر تحصیل‌کرده و کارآفرین، موج بیکاری مانع از ورود آن‌ها به مشاغل مختلف می‌شود؛ ازاین‌رو جوانان شهرستان بیش از آنکه تولیدکننده باشند، به مصرف‌کننده تبدیل شده‌اند. قوی‌ترین برآیند این وضعیت، تضعیف طبقه متوسط و به‌تبع آن افزایش شکاف فقیر و غنی است.

شکاف اقتصادی دیگر میان زمین‌داران است؛ یعنی عمده مالکان از اراضی کشاورزی و مسکونی بیشتری برخوردارند و نیروی کار و ابزار تولید را در اختیار دارند؛ بنابراین عمده مالکان ضمن افزایش توان اقتصادی خود از منزلت اجتماعی در میان ساکنان ممسنی نیز برخوردارند؛ این درحالی است که خرده‌مالکان اراضی محدودی در اختیار دارند که یا کیفیت مناسب ندارند یا میزان سرمایه‌شان برای کسب سود، اندک است. در چنین وضعیتی، دگردیسی در ارزش‌ها در حال شکل‌گیری است؛ یعنی شاخص‌هایی نظیر تحصیلات، پرستیژ و شخصیت اجتماعی در شهرستان ممسنی در حال رنگ باختن است و انسان اجتماعی در مقایسه با انسان اقتصادی توان نقش‌آفرینی کمتری دارد. سرانجام، باید اشاره کرد که شکاف اقتصادی دو بخش بازار و خدمات را نیز شامل می‌شود؛ یعنی بازاریان سنتی دیدگاه مذهبی به فروش کالاها دارند و محاسبه سود و زیان را به ماوراءطبیعه و آخرت نسبت می‌دهند؛ این درحالی است که بازاریان مدرن به دنبال سود کلان و اجناس شیک‌تری هستند. درباره بخش خدمات می‌توان به شکاف میان دو بخش دولتی و خصوصی اشاره کرد؛ در حالی که بخش دولتی ممسنی (ادارات

دولتی و رسمی) از پرستیژ و امنیت شغلی برخوردار است و بخش خصوصی امنیت چندانی ندارد (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. شاخص‌های شکاف اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

نوع	طبقاتی	زمین‌داری	بازار	خدمات
وضعیت	بالا و پایین	عمده‌مالکی و خرده‌مالکی	سستی و مدرن	دولتی و خصوصی
شاخص	میزان سرمایه، ملک و دارایی	اراضی کشاورزی و مسکونی	موقعیت جغرافیایی، نوع اجناس، دیدگاه سستی و مدرن، ابزار جذب مشتری	پرستیژ و امنیت شغلی

در مجموع، از نظر صورت‌بندی اجتماعی، شکاف طبقاتی/اقتصادی در شهرستان ممسنی فعال است. این شکاف به صورت عینی و متراکم بر شکاف‌های اصلی بار می‌شود. همچنین به دلیل تضاد طبقاتی و اقتصادی (خوانین و رعیت) در بستر تاریخ ممسنی، این شکاف را می‌توان ساختاری پنداشت (جدول ۱۵).

جدول ۱۵. صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

گونه شکاف	فعال/منفعل	ساختاری/تصادفی	عینی/ذهنی/ساختاری	مناطق/متراکم
شکاف طایفه‌ای	فعال	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف جغرافیایی	فعال	ساختاری	عینی	متراکم
شکاف سنت و مدرنیته	فعال	تصادفی	ساختاری	متراکم
شکاف جنسیتی	فعال	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف نسلی	فعال	تصادفی	ذهنی	متراکم
شکاف بین ذی نفوذها و نیروهای اجتماعی	فعال	تصادفی	ذهنی	متراکم
شکاف قومی	نسبتاً منفعل	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف اقتصادی/طبقاتی	فعال	ساختاری	عینی	متراکم

۳.۵. پیامدهای شکاف اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی، پیامدهایی را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک به همراه داشته است که در جدول ۱۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۶. پیامدهای شکاف‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

ابعاد/عرصه	تشریح پیامد
فرهنگی	تعارض فرهنگی و هویتی، بازساخت ارزش‌های سنتی و عشیره‌ای، مناقشه و منازعه میان طوایف، رویارویی نسل قدیم و جدید
اجتماعی	تضعیف مناسبات اجتماعی، تمایل به برتری خود بر دیگری، ضعف یکپارچگی و انسجام اجتماعی، سوءظن اقوام و طوایف به یکدیگر و نابهنجاری در رفتارها، جایگزینی منزلت اقتصادی به جای شأن اجتماعی
اقتصادی	توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت در فضاها و مکان‌های جغرافیایی، توسعه نامتوازن و بی‌عدالتی فضایی، منفعت‌طلبی متنفذین محلی، افزایش هزینه روزانه نسل جوان به دلیل تغییر در سبک زندگی (مدگرایی و آراستگی ظاهری)، دستمزد کم زنان در مقایسه با مردان در مشاغل خصوصی، افزایش فاصله فقیر و غنی و روی آوردن اقشار پایین جامعه به مشاغل کاذب
سیاسی	رقابت ناسالم و غیرمدنی طوایف با یکدیگر در انتخابات، افزایش کشمکش و خشونت طایفه‌ای، حمایت سیاسی اصحاب قدرت از قلمرو جغرافیایی طایفه خود، ضعف دسترسی زنان به عالی‌ترین سطوح اجرایی شهرستان، ضعف به‌کارگماشتن ساکنان وابسته به دیگر طوایف در مناصب کلیدی شهرستان و نقش آفرینی گروه‌های ذی‌نفوذ به جای احزاب
ژئوپلیتیک	دو عرصه داخلی و خارجی: در عرصه داخلی، عوامل جغرافیایی (نظیر قلمروها) و سیاسی (بازیگران سیاسی) تأثیرگذار بر شکل‌دهی به مناسبات قدرت، تعارض میان اشخاص، گروه‌ها و سازه‌های فضایی/طایفه‌ای و غیره و به تبع آن افزایش تعارضات قلمرویی و تنش اجتماعی و سیاسی؛ از نظر خارجی، برچسب منفی و امنیتی جغرافیای سیاسی ممسنی و خط قرمز نامیدن حوزه انتخابیه، سوءظن و بینش منفی کارگزاران و مقامات اجرایی در سطح استانی و کشوری به شهرستان ممسنی (تصویرسازی ژئوپلیتیکی نامطلوب از شهرستان)، کاهش وزن ژئوپلیتیک شهرستان در مقایسه با سایر شهرستان‌ها

۵. ۴. آسیب‌شناسی شکاف اجتماعی

در شکل‌گیری و ساخت شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی، عوامل گوناگونی دخیل‌اند. درباره شکاف طایفه‌ای می‌توان به عوامل تاریخی، جغرافیایی، فرهنگ سیاسی، بازیگران اجتماعی و کنش اجتماعی-سیاسی طوایف اشاره کرد؛ بر این بنیاد، تاریخ ایل ممسنی مملو از روایات عشیره‌ای و سلحشوری است؛ به گونه‌ای که جنگ‌ها و تنش‌های مستمر میان طوایف در جریان بوده است. اضافه بر این، انسان ممسنی مُدام در پی اثبات برتری خود بر دیگران بوده است؛ به همین دلیل با دشمن پنداشتن دیگران از آن‌ها فاصله گرفته است. این جهان‌بینی، درز (شکاف) میان طوایف را تشدید کرد و در شرایط کنونی احساسات نوستالژیک (خاطره‌انگیز) به ارزش‌های سنتی را برانگیخته است. درباره عامل جغرافیا می‌توان به تعلق و عرق مکانی زیاد ساکنان در قبال زادگاه و زیستگاه جغرافیایی اشاره کرد. درواقع، آن‌ها از هر وسیله‌ای برای پاسبانی از مرزهای جغرافیایی زیستگاه خود استفاده می‌کنند. این رویکرد در انتخابات مجلس شورای اسلامی نمود خاصی دارد؛ به طوری که ساکنان هر طایفه مانع از ورود رأی‌دهندگان وابسته به سایر طوایف به شعبه اخذ رأی مستقر در زیستگاه خود می‌شوند و به چشم «میهمانان ناخوانده» به آن‌ها می‌نگرند. افزون بر این، فرهنگ سیاسی ممسنی مبتنی بر ارزش‌های ایلی/عشیره‌ای است و رفتار و کنش افراد بر بنیاد عقاید و انگاره‌های سنتی صورت می‌گیرد و آن‌ها الزامات و هنجارهای مربوط به زندگی طایفه‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان به بازیگران سیاسی نظیر اصحاب قدرت یا گروه‌های ذی‌نفوذ اشاره کرد که بر تنش و تضاد میان طوایف می‌افزایند و شکاف را تشدید می‌کنند. سرانجام می‌توان به کنشگری طوایف اشاره کرد که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی خود را به‌عنوان کل واحد و منسجم در مقابل دیگران تعریف می‌کنند و نه تنها به دنبال رقابت هستند، بلکه عقب‌رانند یکدیگر در تمامی عرصه‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهند.

درباره شکاف جغرافیایی می‌توان به توزیع نامتوازن و ناعادلانه ثروت در اقصا نقاط جغرافیایی ممسنی اشاره کرد. درواقع، بینش طایفه‌ای نمایندگان به ضعف درک فضاهای جغرافیایی منجر می‌شود؛ به طوری که برخی مناطق و محله‌ها به‌ویژه در سطح شهر از وضعیت

مطلوب‌تری در مقایسه با روستاها برخوردارند؛ با وجود این، در سطح شهر نیز تفاوت چشمگیری بین برخی محله‌ها وجود دارد که برخاسته از تکثر فرهنگی یا ضعف تخصیص امکانات لازم است.

از سوی دیگر، شکاف جنسیتی در بینش انسان ممسنی درباره جنس زن و مرد ریشه دارد. این بینش خود متأثر از ساختار عشیره‌ای ممسنی است؛ یعنی روحیه پدرسالاری و مردسالاری همواره جنس مرد را برتر پنداشته و زن را به حاشیه رانده است. درخصوص شکاف نسلی می‌توان به عواملی نظیر دیدگاه متفاوت نسل جدید، سهولت دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، تبدیل خانواده‌های گسترده به هسته‌ای، تجربه حوادث تاریخی متفاوت و افزایش سن ازدواج اشاره کرد؛ بر این پایه، نسل جدید ممسنی تمام‌سطوح به ارزش‌های سنتی پایبند و مقید نیست و سبک زندگی مدرن را بر کثیری از سنت‌ها ترجیح می‌دهد. همچنین تجربه نسل‌ها در ممسنی متفاوت است. نسل قدیم به‌طور مداوم با خوانین و کدخدایان در تعامل بودند، ولی نسل جدید چنین فضایی را تجربه نکرده‌اند. سرانجام، افزایش سن ازدواج به افزایش فاصله سنی میان والدین و فرزندان منجر شده است؛ ازاین‌رو والدین قادر به درک رفتار اجتماعی فرزندان و برآورده‌کردن خواسته‌ها و انتظارات یکدیگر نیستند. درباره شکاف میان گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی می‌توان به ارزش‌ها و اهداف متفاوت آنان اشاره کرد که زمینه پایگاه اجتماعی متفاوتشان شده است. از سوی دیگر، شکاف قومی منبعث از قلمرو جغرافیایی متفاوت هریک از اقوام و موضع بالا به پایین آن‌ها درباره یکدیگر و تعامل اجتماعی اندک است. درنهایت، شکاف اقتصادی/طبقه‌ای در عواملی نظیر تضعیف طبقه متوسط، کشاورزی سنتی/معیشتی، رکود صنعت و اشتغال نداشتن نخبگان در مشاغل دولتی و خصوصی ریشه دارد. افزون بر این، دگردیسی در ارزش‌ها (جایگزینی ثروت با شأن اجتماعی)، تکریم اشخاص ثروتمند و تحقیر اجتماعی فقرا بر تشدید شکاف اقتصادی مؤثرند.

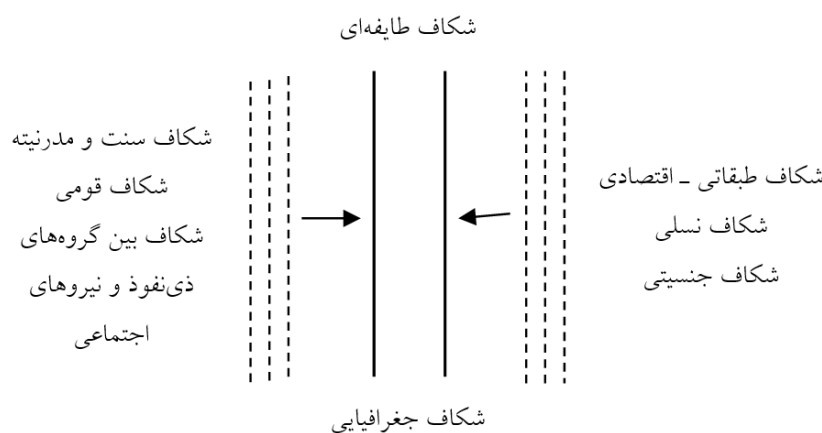
۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که شکاف اجتماعی در فضای جغرافیایی ممسنی متنوع است. در این چارچوب، شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را می‌توان زیربنایی‌ترین و

نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارند؛ با وجود این، سایر شکاف‌های اجتماعی به‌صورت موازی در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم می‌کنند. در این چارچوب می‌توان به شکاف‌های جنسیتی و طبقاتی اشاره کرد که به‌صورت ساختاری و پایدار در بستر اجتماع ممسنی وجود داشته‌اند و در طول زمان استمرار یافته‌اند؛ این در حالی است که شکاف‌های نسلی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در نتیجه تحول یا اتفاق ویژه به‌صورت تصادفی خلق شده‌اند. از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهد که شکاف طایفه‌ای بر جزئی‌ترین مسائل زندگی زناشویی تا رسمی‌ترین حوزه‌ها نظیر نهادها و ادارات ممسنی اثرگذار است. در این راستا، دو شاخص منزلت اجتماعی و روحیه سلحشوری در تشدید شکاف طایفه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند. از سوی دیگر، شکاف جغرافیایی در بخش‌هایی نظیر شمال و جنوب شهر، مناطق شهری و روستایی، مناطق مرکز-پیرامون پردازش شده است. شکاف میان سنت و مدرنیته نیز مبین این است که با ورود تکنولوژی و فضای مجازی به شهرستان ممسنی و تحولات داخلی نظیر افزایش سطح آگاهی عمومی، مناسبات اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است.

به‌طور کلی پنج شاخص اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، بهداشت و سیاست در تحلیل شکاف جنسیتی تجزیه و تحلیل شده‌اند. وضعیت زنان در شاخص‌های آموزشی و بهداشت بهبود یافته است، ولی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همچنان شکاف جنسیتی پابرجا است. از سوی دیگر، شکاف نسلی به ضعف انطباق فرهنگی در سه شاخص دانشی، گرایشی و رفتاری در شهرستان ممسنی منجر شده است؛ یعنی سطح اطلاعات علمی، بینش اجتماعی و رفتار نسل قدیم و جدید در عرصه اجتماعی با یکدیگر متفاوت بوده، ولی در سپهر سیاست، کنش آن‌ها بر یکدیگر منطبق است. درباره گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شأن و منزلت اجتماعی زیربنای تحرکات نیروهای اجتماعی و هویت و منافع موتور محرکه اقدامات گروه‌های ذی‌نفوذ است. شکاف قومی نیز بیانگر این است که در مسائل اجتماعی و سیاسی تعارض و تنش میان قومیت‌های ممسنی در جریان نیست، اما نوع نگاه و نگرش آن‌ها به یکدیگر متفاوت است. سرانجام،

یافته‌های تحقیق بازگوکننده این است که شکاف اقتصادی میان طبقات بالا و پایین، عمده-مالکی و خرده‌مالکی، بخش‌های بازار (سنتی و مدرن) و خدمات (دولتی و خصوصی) در جریان است. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد که شکاف‌های جنسیتی، نسلی، قومی، طبقاتی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی بر دو شکاف اصلی (طایفه‌ای و جغرافیایی) بار شده‌اند و جامعه دوشکافی متراکم را در شهرستان ممسنی ایجاد کرده‌اند؛ از این رو عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهرستان ممسنی از آن متأثر شده-اند (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی جامعه دوشکافی متراکم در شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای برای کاهش شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی عبارت‌اند از:

۱. کاهش شکاف جغرافیایی و طایفه‌ای از رهگذر مشارکت فزاینده و همگانی ساکنان طوایف در فرایند مدیریت امور سیاسی - اداری شهرستان؛
۲. توزیع فضایی عادلانه ثروت در اقصا نقاط شهرستان ممسنی برای توسعه متوازن و کاهش شکاف جغرافیایی؛

۳. تشکیل رشته‌نشست‌هایی با موضوع توانمندی و کارآفرینی بانوان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، آزادی اجتماعی زنان و همچنین انتصاب زنان به سمت‌های اجرایی برای تضعیف شکاف جنسیتی؛
۴. تدارک برنامه‌های آموزشی توسط فرمانداری، فرهنگ ارشاد اسلامی، نشریات و مطبوعات محلی در زمینه آسیب‌های ناشی از شاخص‌های زندگی سنتی و مدرن برای کاهش شکاف سنت-مدرنیته؛
۵. درک خواسته‌ها و انتظارات خانواده‌ها از فرزندان و تحمیل نکردن نگرش خود به آن‌ها، نظارت کنترل‌شده بر رفتار اجتماعی فرزندان و تلاش مسئولان برای کاهش سن ازدواج (با اعطای تسهیلات/وام/کمک‌هزینه مسکن/اشتغال‌زایی و...) برای برطرف کردن شکاف نسلی؛
۶. تشکیل سندیکاها، فعالیت اصناف و احزاب به منظور نقش‌آفرینی در مسائل سیاسی و جلوگیری نهادهای اجرایی (نظیر فرمانداری) از نقش‌آفرینی بیش از اندازه گروه‌های ذی‌نفوذ در کارزار انتخابات برای به حداقل رساندن شکاف گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی؛
۷. افزایش تعاملات اجتماعی، ازدواج‌های فراقومی، به کار گماشتن مدیران منتسب به همه قومیت‌ها در نهادهای اداری شهرستان برای مقابله با شکاف قومی؛
۸. مکانیزاسیون کشاورزی، راه‌اندازی صنعت، رونق بازار و جذب نخبگان در بخش خدمات دولتی و خصوصی (احیای طبقه متوسط) برای کاهش شکاف اقتصادی.

کتابنامه

۱. احمدوند، ش. (۱۳۸۹). شکاف‌های اجتماعی و بحران هویت در اسرائیل. *دوفصلنامه پژوهش سیاست*، ۱۲ (۲۸)، ۱-۱۶.
۲. احمدی، آر. و احیایی، پ. (۱۳۹۲). بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن، مطالعه موردی؛ دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب. *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۴ (۴)، ۱-۲۷.
۳. آوتویت، و. و تام، ب. (۱۳۹۱). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم* (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۴. بشیریه، ح. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.

۵. بشیریه، ح.، و قاضیان، ح. (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی مفهوم شکاف اجتماعی. پژوهشنامه علوم انسانی، ۳۰، ۴۰-۷۴.
۶. ترابی، ی.، و مجیدی، ی. (۱۳۹۳). مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان ج ا ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳ (۱۱)، ۹-۲۹.
۷. حافظنیا، م.، و صادقی، و. (۱۴۰۰). تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی (نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۹ (۲)، ۵۱-۹۱.
۸. حافظنیا، م.، و قادری حاجت، م. (۱۳۹۳). بی‌عدالتی فضایی و مخاطرات انسانی، (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان). فصلنامه دانش مخاطرات، ۱ (۲)، ۱۳۱-۱۴۸.
۹. خلیلی، ر. (۱۳۹۴). تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۸ (۴)، ۸۸-۴۹.
۱۰. دهقان، ی.، کتابی، م.، جعفری‌نژاد، م. (۱۳۹۵). شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه؛ با تأکید بر شکاف‌های قومی - مذهبی. دوفصلنامه دانش سیاسی، ۱۲ (۲)، ۵۹-۹۰.
۱۱. رومینا، ا.، و صادقی، و. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی، مطالعه موردی: شهرستان ممسنی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱ (۳)، ۸۴-۱۱۶.
۱۲. زاهدی، م. (۱۳۹۶). توسعه و نابرابری. تهران، نشر مازیار.
۱۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۵). جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان، شهرستان. مرکز آمار ایران (درگاه ملی آمار)، بازیابی از آدرس <https://www.amar.org.ir>
۱۴. سند توسعه بلندمدت شهرستان ممسنی، خدمات، جمعیت. (۱۳۹۳). سازمان فضایی و آینده‌نگری. شیراز: مهندسین مشاور شرق‌آیند، معاونت برنامه‌ریزی استان فارس.
۱۵. شمس‌الدینی، ع.، اطاعت، ج.، و شهریور، هومان. (۱۳۹۲). نقش مشارکت سیاسی روستائیان در افزایش خدمات‌رسانی به روستاهای شهرستان ممسنی. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲ (۳)، ۸۷-۱۰۰.
۱۶. شمس‌الدینی، ع.، فاضل‌نیا، غ.، و دهقانی، ک. (۱۳۹۵). نقش دهیاری‌ها در کیفیت مکانی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش دشمن‌زیاری شهرستان ممسنی). فصلنامه جغرافیا، ۶ (۳)، ۶۳-۷۶.

۱۷. صادقی، و. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
۱۸. فاضل‌نیا، غ.، شمس‌الدینی، ع.، و دهقانی، ک. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت مکان در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی: مطالعه موردی: بخش دشمن‌زیاری. فصلنامه کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱ (۲)، ۱۹۵-۲۲۰.
۱۹. قاضیان، ح. (۱۳۸۰). بررسی جامعه‌شناختی انتخابات در ایران بر حسب شکاف مدرن - سنتی (نمونه انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶) (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
۲۰. معیدفر، س. (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی شکاف نسلی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۲۴)، ۵۵-۸۰.
۲۱. میراحسنی، م. (۱۳۹۲). شاخص‌های رقابت‌پذیری ایران و برخی کشورهای جهان از منظر گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳-۲۰۱۴). مجله اقتصادی، ۱۳ (۹ و ۱۰)، ۱۰۷-۱۲۸.
۲۲. میرزایی تبار، م.، صادقی، و.، و حسینی، س. (۱۳۹۷). نقش گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در انتخابات مجلس شورای اسلامی: نمونه پژوهی: حوزه انتخابیه ممسنی. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۶ (۲)، ۳۰۱-۳۳۶.
۲۳. نوریس، پ.، و کدی، ن. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی (بررسی‌های موردی) (پ. دلیرپور، و ع. سمیعی، مترجمان). تهران: نشر کویر.
۲۴. نیروی انتظامی استان فارس. (۱۳۸۸). پرونده‌های تشکیل شده توسط نیروی انتظامی شهرستان ممسنی بر حسب موضوع و مقایسه با استان ۸۸-۱۳۸۴. شیراز: نیروی انتظامی.
۲۵. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۲). نامه و پیوست اداری جمعیت و نمایندگان منتخب نیروی انسانی (نرخ بیکاری و مشارکت) استان فارس به تفکیک شهرستان‌ها. شهرستان ممسنی.
۲۶. همتی، ر.، و مکتوبیان، م. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تاکید بر جایگاه ایران. پژوهشنامه زنان، ۴ (۲)، ۱۱۵-۱۴۲.

27. Choe, Y. (2002). *Social Cleavage and Party Support: A Comparison of Japan, South Korea and The United Kingdom*. Sodertorns Hogskola.

28. Gosselin, T., & Toka, Gabor. (2008). *The Impact of Cleavage on Political Participation and Electoral Volatility*. Paper presented at the Canadian Political science Association Annual Conference, Vancouver, British Colombia.

-
29. Manza, J., & Brooks, C. (1999). Group Size, Turnout and Political Alignments and Development of U.S Party Coalitions 1960 – 1992. *European Sociological Review*, 15(4), 369- 389.
30. Manza, J., & Brooks, C. (1999). *Social Cleavages and Political Change*. Germany: Oxford University Press.
31. Stoll, H., (2008). social cleavages and the number of parties. *Comparative Political Studies*, 41(11) 1439-1465.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2022.77467.1161>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر (مطالعه موردی: عشایر شهرستان خواف)

محمدحسین جعفری (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

mh.jafari90@yahoo.com

حمید جعفری (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

jafari1421@mshdiau.ac.ir

کتایون علیزاده (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

katayoonalizadeh62@gmail.com

صص ۱۰۳ - ۶۷

چکیده

ازجمله راهبردهای توسعه جامعه عشایری، اسکان عشایر است که آثار و پیامدهای مختلفی بر جای می‌گذارد. پیامدهای اجرای طرح اسکان به‌طورکلی می‌تواند بر کیفیت زندگی عشایر در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی اثرگذار باشد. هدف این تحقیق، ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر شهرستان خواف در چهار کانون چاه زول، بنیاباد، نه‌هور و ده خطیب بود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی بود. در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی خانوارهای عشایر چهار کانون بود. براساس آمار سال ۱۳۹۷، این چهار کانون ۷۷۹ خانوار جمعیت داشت که برای تعیین حجم نمونه طبق فرمول کوکران، ۲۵۸ خانوار محاسبه شد و به انتخاب خانوارها از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار SPSS و مدل تصمیم‌گیری چند معیاره Vikor

استفاده شد. یافته‌های بررسی میانگین اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان نشان داد که میزان عوامل اصلی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی عشایر در کانون‌های توسعه در حد بالاست. بیشترین میانگین در بعد اقتصادی به کانون ده خطیب با میانگین ۳,۹۶ و کمترین میانگین متعلق به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۵۹ و در بعد اجتماعی بیشترین میانگین مربوط به کانون ده خطیب با میانگین ۴,۲۹ و کمترین میانگین متعلق به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۹۸ است. همچنین نتایج اولویت‌بندی با مدل ویکور نشان داد که کانون‌های نهور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه‌شده در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، آثار اقتصادی و اجتماعی، اسکان عشایر، کیفیت زندگی، شهرستان خواف.

۱. مقدمه

از گذشته‌های دور سه شیوه معیشت (کوچندگی عشایر، روستانشینی و شهرنشینی) در سرزمین ایران وجود داشته است. نمی‌توان آغاز کوچندگی را در ایران معلوم کرد، ولی به عقیده بیشتر دانشمندان ایران‌پژوه، این شیوه، تاریخی به درازای زندگی انسان در این سرزمین دارد (بخشنده نصرت و میراج، ۱۳۹۰ ص. ۱۷). زندگی شبانی (عشایری) مبتنی بر کوچ در ایران از سابقه کهنی برخوردار است؛ به‌طوری‌که حدود یک قرن پیش قسمت عمده‌ای از جمعیت کشور را عشایر تشکیل می‌دادند و در صحنه سیاسی نیز جامعه عشایری طی قرون متمادی از نقش اجتماعی-اقتصادی-قدرت و اقتدار سیاسی زیادی برخوردار بودند؛ در مراحل از تاریخ ایران، عشایر حاکمیت سیاسی کشور و برخی از سرزمین‌های اطراف را در اختیار داشتند و می‌توان گفت عشایر همیشه نقش بسیار مهمی در تاریخ این سرزمین ایفا کرده‌اند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۰ ص. ۵۱). امروزه جامعه عشایری ایران به‌عنوان واقعیت اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی، فرهنگی فعال از پیکره جامعه ملی است. نسبت جمعیت آنان کمتر از جمعیت شهر و روستا است، اما تأثیر اقتصادی، اجتماعی و نقش دفاعی

و مرزدارانی آنان انکارناپذیر است و بدون تردید یکی از میراث‌های گران‌قدر و ضروری ایران زمین هستند که چندین برابر نسبت جمعیتی خود در تأمین مواد پروتئینی، به‌ویژه گوشت قرمز کشور نقش دارند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴ ص. ۲). از نظر جمعیتی و برابر با آخرین سرشماری جامعه عشایری در سال ۱۳۸۷، جمعیت عشایر کشور برابر با ۲۱۲۶۶۰ خانوار و حدود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر بود که حدود ۱/۷ درصد جمعیت کشور را شامل شد و با داشتن ۲۵ میلیون واحد دامی (۲۸ درصد دام سبک و ۴ درصد دام سنگین کشور) حدود ۲۰ درصد مواد پروتئینی و سایر فراورده‌های دامی و ۳۵ درصد صنایع‌دستی کشور را تولید کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸ ص. ۳۰). این نوع جوامع به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن زندگی آنان، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح نامطلوب زندگی، سطح پائین فناوری، پایین بودن سطح سواد و... مشکلات متعددی دارند که به توجه و شناخت هرچه بیشتر نارسایی‌های مربوط به این قشر و توسعه آن نیاز است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۷۹؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲ ص. ۸۴).

بحث اسکان عشایر از زمان پهلوی اول (به دلایل سیاسی) و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (به دلایل خدمات‌رسانی بهتر و ارتقای زندگی عشایر) مطرح شد و به‌ویژه از سال ۱۳۷۱ این مبحث در قالب کانون‌های اسکان هدایتی و خودجوش تبلور پیدا کرد. از آن زمان تاکنون کانون‌های متعددی در نقاط مختلف کشور شناسایی شده است که برای بسیاری از این کانون‌ها مطالعات اجمالی، نیمه‌تفصیلی و تفصیلی صورت گرفته و عملیات اجرایی اسکان آن‌ها انجام شده یا در حال انجام است و بسیاری از این کانون‌ها نیز در حد شناسایی یا در حد مطالعات اجمالی‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴ ص. ۴۳). در برنامه‌ریزی کانون‌های اسکان هدایتی، دولت حضور مستقیم در شناسایی محل کانون، عشایر متقاضی اسکان، تجهیز کانون، ایجاد اشتغال در کانون‌ها و... دارد، اما در کانون‌های خودجوش که توسط عشایر مکان‌یابی می‌شود، دولت نقش کمتری دارد و بیشتر در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش و ترویج، تأمین تسهیلات بانکی، تأمین علوفه دام، کمک به اجرای طرح‌های تولیدی و... خدمات‌رسانی می‌کند (رحیمی و مشیری، ۱۳۸۸ ص. ۴).

اتخاذ سیاست اسکان عشایر توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌ویژه از برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تاکنون، باعث شده است تا میلیاردها ریال اعتبار دولتی و غیردولتی در این زمینه هزینه شده و کانون‌های هدایتی و خودجوش متعددی ایجاد و تجهیز شود. حال در پرتو اهداف طرح اسکان و سامان‌دهی عشایر و با توجه به این اصل که اسکان عشایر کوچنده در عین حال که خود حاصل تغییرات و تحولاتی در ساخت‌ها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه عشایری است و به نحو بارزی می‌تواند منشأ و علت تغییرات و تحولات جدیدی به‌خصوص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و... شود، می‌توان مدعی شد که وقوف بر این تحولات و شناخت اثرات اسکان عشایر کوچنده در ابعاد و وجوه مختلف، در گرو انجام مطالعات و پژوهش‌های علمی دقیق و منظم است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۸۱).

در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، استان خراسان رضوی دارای ۳۵ کانون توسعه اسکان عشایری است. عشایر استان در سطح ۱۳ شهرستان (مشهد، کلات، سرخس، چناران، قوچان، درگز، نیشابور، سبزوار، خوشاب، خواف، کاشمر، خلیل‌آباد و بردسکن) پراکنده‌اند. جمعیت عشایر ۷۰۰۵ خانوار معادل ۳۵۰۲۷ نفر است. این جمعیت عشایری دارای ۹۹۵۰۰۰ واحد دامی (۱۰ درصد دام استان) است و بیش از ۶۰ درصد از مساحت استان را در قلمرو کوچ خود دارند. همچنین حدود ۱,۶ میلیون هکتار مراتع (۲۲ درصد از مراتع استان) به عشایر متعلق است. پس از گذشت چند دهه از طرح و اجرای مسئله اسکان، هنوز ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و سیاسی آن در مناطق مختلف آشکار نیست؛ حال آنکه اولین نیاز برنامه‌ریزی، داشتن شناخت کامل و ارزیابی صحیح از اقدامات صورت گرفته است. در منطقه مطالعه‌شده، پنج طایفه عشایری (بهلولی، دلاکه، کلندرزه‌ای، اردنی، تاجیک) حضور دارند که در چهار کانون توسعه اسکان یافته‌اند؛ بر این اساس، ارزیابی آثار اجرای طرح‌های اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر می‌تواند ما را در اجرای هرچه موفق‌تر و بهتر فرایند طرح اسکان کمک کند تا از یک سو، استفاده بهینه‌ای از اعتبارات موجود شود و از سوی دیگر شرایط اسکان پایدار برای خانوارهای عشایری اسکان یافته و در حال اسکان فراهم آورد. در این راستا سؤال اصلی تحقیق عبارت از این

است: اجرای طرح‌های اسکان چه تأثیری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی عشایر داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش عموماً سعی بر مرور مطالب، تأمل بر پژوهش‌های مرتبط با موضوع و تحلیل آن‌ها است؛ بر این اساس، پژوهشگر لازم است ضمن آشنایی با این مطالب، شاخص‌ها، تجارب و روش‌های به‌کارگرفته‌شده را مرور کند و در راستای کار خود به استخراج مفاهیم و چارچوب‌ها بپردازد. پیشینه حاضر شامل مقالات، کتب، رساله و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است که تحلیل شده است.

باژیان و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس» با این نتیجه رسیدند که در نطقه بکان که تحت تأثیر تغییرات حیاتی محیطی است، استفاده از عامل نرخ تنزیل بدون در نظر گرفتن منافع تعیین‌کننده محیطی روشی قوی در تعادل فایده-هزینه نیست. تحلیل حساسیت بر مبنای نتایج مثبت تغییرات ارزش خالص زمان حال و نسبت مثبت فایده-هزینه نشان می‌دهد که پروژه اسکان عشایر در مقایسه با قبل از آن سودآور بوده و با توجه به لحاظ تأثیر عوامل تعدیل‌کننده اکولوژیک، می‌تواند گزینه‌ای پایدار در نظر گرفته شود. آسایش و امیر عضدی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی اسکان بر کانون‌های اسکان (مطالعه موردی: تل شوره و ملایی بلوط (شهرستان کازرون)» به این نتیجه رسیدند که عشایر به دلیل رهایی از مشقات کوچ، دستیابی به آسایش بیشتر و فراهم شدن امکانات برای فرزندان و زنان، به اسکان روی آورده‌اند و از این فرایند رضایت کامل دارند، اما از کمبود شغل برای فعالیت، کمبود آب و زمین و مشکلات بهداشتی گله‌مند و خواستار بهبود وضعیت هستند. رحیمی و مشیری (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی آثار فضایی، اقتصادی و اجتماعی اسکان عشایر در آذربایجان غربی» به این نتیجه رسیدند که گرایش به اسکان و خودداری از کوچ در کانون‌های مطالعه‌شده، سبب بهبود وضعیت خانوارهای اسکان‌یافته شده است؛ به‌طوری‌که زراعت و دامداری در حال افزایش است، وضعیت سواد و امکانات آموزشی، بهداشتی، امنیتی، دسترسی

به خدمات و... بهبود یافته است و در نهایت به به بهبود وضعیت اشتغال منجر شده است. شاطری و صادقی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «اکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه» به این نتیجه رسیدند که در بعد اجتماعی تحولات مطلوبی در وضعیت آموزش، سواد و بهداشت و... ایجاد شده است. در بخش اقتصادی نیز درآمد و پس‌انداز خانوارها افزایش یافته؛ میزان استفاده از امکانات تولیدی در مقایسه با قبل از اسکان بیشتر شده و اشتغال اصلی مردم از دامداری به فعالیت‌های خدماتی و کارگری تغییر کرده است. معنادار بودن تأثیرات مثبت اسکان در وضعیت اقتصادی عشایر نیز تأیید شد. شکور و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس» به این نتیجه رسیدند که بین تأثیر شاخص‌های اجتماعی و اسکان عشایر در استان فارس رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین تأثیر عوامل اقتصادی و اسکان عشایر در استان رابطه معناداری وجود ندارد. نوروزی و محمودیان (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته» به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه در شاخص‌های اجتماعی مانند مشارکت، آموزش، امنیت اجتماعی، بهداشت و درمان تفاوت چشمگیر وجود دارد. به لحاظ شاخص‌های اقتصادی از جمله درآمد، مالکیت، اشتغال، میزان تولید و... تقریباً مشابه همدیگر هستند و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه اسکان یافته و اسکان نیافته وجود ندارد. صلاح و نعمتی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان» به این نتیجه رسیده‌اند که آنی‌ترین تأثیر طرح اسکان عشایر در منطقه لرستان، برهم خوردن ساختار اجتماعی و از جمله تضعیف پایگاه اجتماعی روسای عشایر لر، دگرگونی در حیات معیشتی و شغلی و تغییرات جمعیتی منطقه بود؛ با این حال تغییر در شیوه آموزش و پرورش منطقه نیز مؤثر واقع شد که می‌توان در امتداد تغییرات اجتماعی لحاظ کرد. فرج‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای اسکان عشایر بر تخریب مراتع» به این نتیجه رسیدند که اسکان در اترافگاه‌های فصلی خطر زیست محیطی را افزایش داده است. همچنین به رغم بهبود نسبی در برخورداری از خدمات در کانون‌های اسکان، پژوهش‌های انجام شده در جهان و ایران گویای آن است که یکجانشین

شدن جوامع کوچ‌رو به دلیل محدود شدن شعاع چرای دام، افزایش زمان اقامت دام در مرتع، چرای زودرس و غیره تخریب و فرسایش مراتع پیرامون سکونتگاه‌ها را در پی داشته است. واسا^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «تجربه اسکان در نیجریه و اتیوپی» به این نتیجه رسیدند که اسکان سبب ایجاد تفاوت و شکاف در شیوه‌های تربیتی و سنتی و بی‌ارزش نگاشتن فرهنگ بومی شده است و بر همین اساس، تداوم کوچ پیشنهاد می‌شود. لارسن^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «تجربه اسکان عشایر در کنیا» به این نتیجه رسیدند که در زمان وقوع خشک‌سالی، سوء تغذیه کودکان اسکان‌یافته تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری و کوچنده است و اسکان تجربه موفقی نبوده است. موسلین و فوجین^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «مسائل سلامت جسمی افراد و کوچ در بین عشایر نیمه‌کوچ‌رو در مغولستان» به این نتیجه رسیدند که کوچ عشایر به افزایش خطرپذیری و ضعف در سلامتی افراد منجر می‌شود و عامل کوچ بیشترین تأثیر منفی را بر سلامتی زنان دارد. تیتلباوم و میلیر^۴ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل و پیامدهای حرکات عشایری» به این نتیجه رسیدند که این حرکات تأثیرات منحصر به فردی بر جمعیت حیوانات، اکولوژی جامعه و اکوسیستمی‌ها دارند.

بنابراین با توجه به تحقیقات انجام‌شده می‌توان گفت که اگر بخواهیم اثرات این گونه طرح‌ها را در جامعه عشایری ارزیابی کنیم، ضروری است تمامی ابعاد کیفیت زندگی یعنی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به‌طور کامل بررسی شود تا با علم به نتایج طرح‌های اسکان عشایر و اینکه چه تأثیراتی بر زندگی عشایر برجای گذاشته است، در آینده با مدیریت و برنامه‌ریزی بهتر و منسجم‌تر نقاط قوت طرح‌های اسکان تقویت شده و از پیامدهای منفی طرح اجتناب شود تا بهبود و ارتقای کیفیت زندگی عشایر نیز مانند تمامی افراد جامعه فراهم شود.

1. Vassa

2. Larsen

3. Mocellin & Foggin

4. Teitelbaum & Mueller

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش انجام آن توصیفی-تحلیلی بود. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از دو روش اسنادی و میدانی (ابزار پرسش‌نامه) استفاده شد. در تحقیق حاضر با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده و در راستای پاسخ‌گویی علمی به این سؤالات، به تبیین چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن پرداخته شد. براساس چارچوب نظری، ۳۰ گویه در دو بعد (اقتصادی و اجتماعی) به شرح جدول ۱ برای ارزیابی اثرات اقتصادی- اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر در قالب طیف لیکرت، کمی شد. چهار کانون عشایری موجود در منطقه مطالعه‌شده دارای ۷۷۹ خانوار بود که طبق فرمول کوکران، ۲۵۸ پرسش‌نامه با خطای ۰,۰۷ مطابق جدول ۴ در کانون‌های مذکور تکمیل شد.

جدول ۱. شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی

مآخذ: باژیان و همکاران (۱۳۸۵)، آسایش و امیر عضدی (۱۳۸۵)، شاطری و صادقی (۱۳۹۱)، شکور و همکاران (۱۳۹۲)، نوروزی و محمودیان (۱۳۹۴)، صلاح و نعمتی (۱۳۹۵)، تیتلباوم و میلیر (۲۰۱۹)

ردیف	نماد	گویه‌های آثار اقتصادی	ردیف	نماد	گویه‌های آثار اجتماعی
اقتصادی	G1	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت	اقتصادی	G16	کاهش فقر
	G2	استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی		G17	بهبود شرایط اقتصادی
اجتماعی	G3	بهبود درآمد خانوار	اجتماعی	E1	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)
	G4	استفاده بیشتر از کالاها		E2	دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس)
	G5	توانایی پس‌انداز کردن		E3	دسترسی به خدمات بهداشتی (آب‌لوله‌کشی، حمام و...)
	G6	تولید بیشتر محصولات کشاورزی		E4	دسترسی به خدمات درمانی (پزشک، درمانگاه و...)
	G7	استفاده بیشتر تسهیلات بانکی		E5	دسترسی به خدمات ارتباطی (راه مناسب، وسیله نقلیه عمومی و...)

نماد	نماد	نماد	نماد	نماد	نماد
G8	افزایش سطح زیر کشت	E6	دسترسی به خدمات مخابراتی (تلفن، اینترنت و...)	نماد	نماد
G9	افزایش تعداد دام	E7	امنیت بیشتر	نماد	نماد
G10	فروش بهتر محصولات	E8	کاهش مهاجرت	نماد	نماد
G11	تولید بیشتر محصولات دامی	E9	افزایش سطح سواد	نماد	نماد
G12	تولید بیشتر صنایع دستی	E10	همدلی بیشتر بین عشایر	نماد	نماد
G13	کاهش تعداد بیکاران	E11	بهبود کیفیت مسکن	نماد	نماد
G14	افزایش قدرت خرید	E12	آسایش و رفاه بیشتر	نماد	نماد
G15	تنوع شغلی	E13	کاهش زمینه اختلافات	نماد	نماد

برای عملیاتی کردن مطالعه، عشایر زیست‌بوم خواف که در آن‌ها طرح‌های اسکان اجرا شده است، به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند (شکل ۲).

۲.۳. معرفی منطقه مورد مطالعه

زیست‌بوم مطالعه‌شده (خواف) یکی از کانون‌های کهن سکونت خراسان بزرگ به شمار می‌رود؛ بنابراین می‌توان اقوام مقیم منطقه به‌خصوص اقوام ساکن در شهرها و روستاهای آن را جزو اولین گروه‌های ایرانی فارس زبان در منطقه تلقی کرد. افزایش نسبی جمعیت در کانون‌های جمعیتی خارج منطقه از یک طرف و شرایط نسبتاً مناسب طبیعی زیست‌بوم در مقایسه با همسایگان جنوبی یعنی استان سیستان و بلوچستان از طرف دیگر، شرایطی را برای حرکات مکانی جمعیت (مهاجرت) فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که امروزه علاوه بر ساکنان بومی منطقه که در قالب شهرنشین یا روستانشین سکونت دارند، شاهد وجود اقوام و نژادهای گوناگونی نیز هستیم که دارای منشأ عشایری خارج منطقه‌اند. ازجمله این گروه‌های نژادی می‌توان به بهلولی‌ها، بلوچ‌ها و عشایر فارس اشاره کرد که هرکدام منشأ پیدایش تعدادی از سکونتگاه‌های جدید در بخش‌های مختلف زیست‌بوم بوده‌اند (مطالعات ارزیابی برنامه سامان‌دهی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه، ۱۳۹۶ ص. ۸۰). کمبود منابع آب ازجمله محدودیت‌های موجود در سطح منطقه است؛ به‌طوری‌که بخش عمده آب مصرفی شرب دام و انسان از طریق چاه‌های دستی تأمین می‌شود. عشایر زیست‌بوم خواف در چهار سکونتگاه روستایی و یک سکونتگاه شهری (شهرک امام علی سنگان) ساکن‌اند. شرایط محیطی به‌علاوه

گرایش‌های مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع فضایی جمعیت ایفا کرده است. در ادامه به وضعیت کانون‌های مطالعه‌شده پرداخته می‌شود.

کانون چاه زول: از کانون‌های جمعیت عشایر زیست‌بوم خواف می‌توان به روستای چاه زول در دهستان بستان اشاره کرد. عشایر این محله عشایری در سال ۱۳۵۹ از مناطق عشایری زیرکوه قائنات کوچ و پس از ورود به شهرستان خواف در این محله مستقر شده‌اند. ساکنان این روستا که عمدتاً عشایر بهلولی هستند، پیرو مذهب شیعه دوازده‌امامی‌اند و سابقه آن‌ها به عشایر موسی‌آباد که مرکز اصلی عشایر بهلولی است، مربوط می‌شود.

کانون نهور: کانون نهور واقع در منتهی‌الیه جنوب دهستان بستان در مرز خراسان جنوبی قرار دارد. این سامانه عشایری شیعه مذهب هستند. عشایر نهور بخشی از ییلاق خود را در نوار مرزی و بخشی را در ارتفاعات واقع در حدفاصل شهرستان خواف و قاینات (خراسان جنوبی) سپری می‌کنند. این روستا ابتدا در محل چادرهای عشایری احداث شد که پس از زلزله قاین و تخریب واحدهای مسکونی مجدد بازسازی شده است. بزرگ‌ترین معضل این سایت کمبود منابع آب است؛ به‌طوری‌که آب شرب آن اعم از شرب انسان و دام توسط تانکر حمل شده با ذخیره‌سازی در مخازن آب تأمین می‌شود.

کانون بنیاباد: کانون بنیاباد واقع در منتهی‌الیه جنوب شرقی دهستان کبیر از دیگر کانون‌های مطرح عشایر نشین منطقه محسوب می‌شود. عشایر این کانون از گذشته و قبل از انقلاب در این مکان مستقر بوده‌اند و محل سکونت آنان به‌صورت سرپناه و از مصالح محلی بوده است. عشایر بنیاباد قشلاق را در اطراف روستا و ییلاق را در منطقه کج گردن سپری می‌کنند.

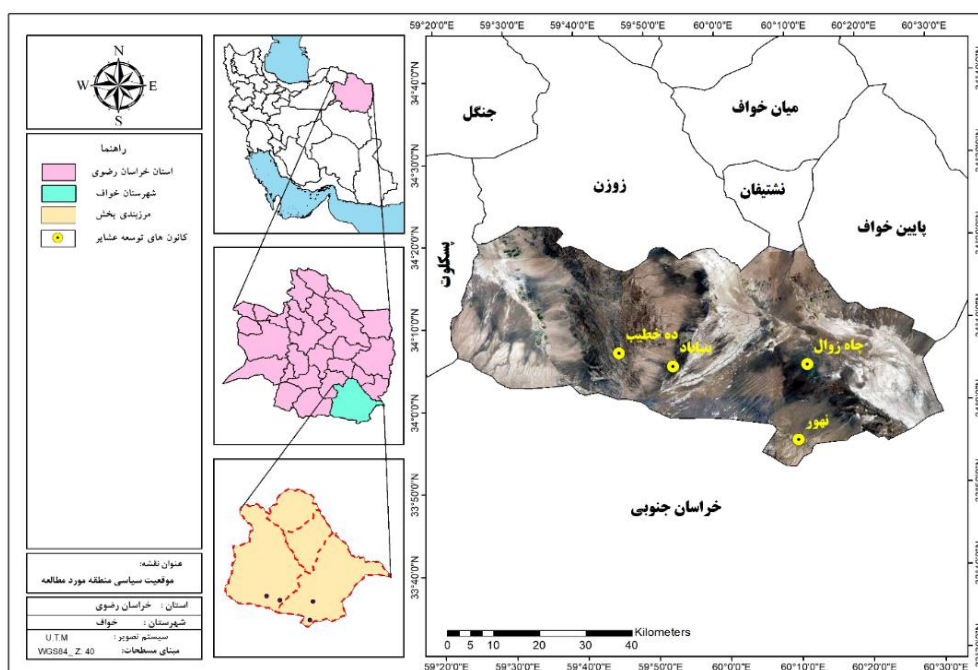
کانون ده خطیب: ده خطیب از دیگر مراکز جمعیتی زیست‌بوم است که در جنوب دهستان کبیر واقع شده است. این کانون در سال ۱۳۷۵ از تجمیع خودجوش عشایر چهار سامانه عرفی شامل کلاته محمداسد، برجک، قلعه‌ها و ده خطیب کهنه ایجاد شد. از نظر ویژگی‌های قومی، طایفه تاجیک‌ها از عشایر فارس‌زبان هستند و بیشتر در روستای ده خطیب سکونت دارند (مطالعات ارزیابی برنامه سامان‌دهی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه، ۱۳۹۶ ص. ۹۰-۸۱).

در شکل ۱ موقعیت فضایی هر کانون مشاهده می‌شود.

جدول ۲. توزیع فضایی پرسش‌نامه‌ها در کانون‌های اسکان براساس فرمول کوکران

مأخذ: استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۸

ردیف	کانون توسعه	خانوار	حجم نمونه	ردیف	کانون توسعه	خانوار	حجم نمونه
۱	چاه زول	۳۲۵	۱۰۸	۳	ده خطیب	۱۷۲	۵۷
۲	نهور	۶۰	۲۰	۴	بنیاباد	۲۲۲	۷۴
۹	جمع کل	۷۷۹	۲۵۸				

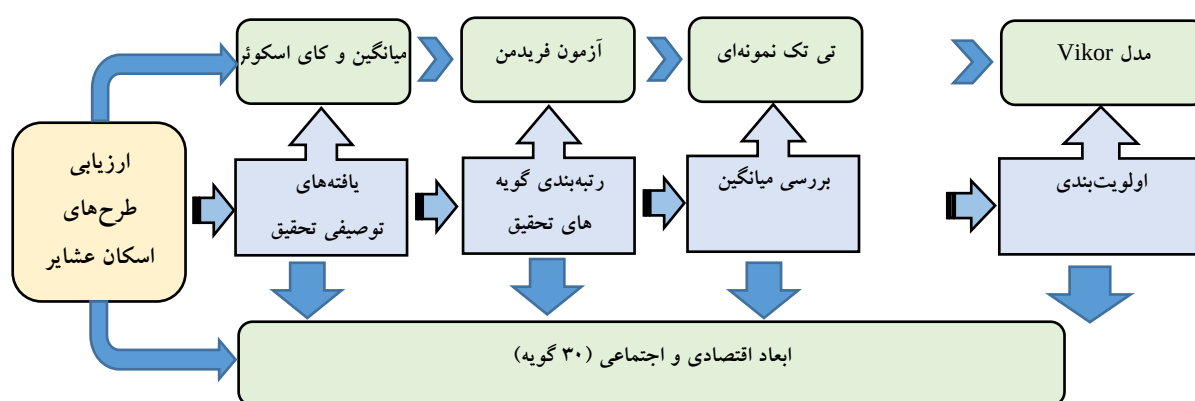


شکل ۱. موقعیت کانون‌های عشایری مطالعه‌شده در استان خراسان رضوی و کشور

مأخذ: ترسیم توسط نگارنده براساس نقشه پایه استانداری خراسان رضوی، ۱۴۰۰

پس از تعیین نمونه‌ها، از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته براساس شاخص‌ها، به جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی اقدام شد. برای سنجش روایی پرسش‌نامه از تکنیک دلفی و به منظور ارزیابی پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ (مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰٫۸۴) استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده پایا و قابل اعتماد بودن داده‌ها برای انجام تحقیق است. برای

تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون کای اسکوئر، فریدمن و تی تک نمونه‌ای) در نرم افزار SPSS و برای تحلیل فضایی تفاوت اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان از مدل VIKOR (وزن‌دهی استفاده شده در مدل VIKOR مدل آنتروپی شانون است) استفاده شد. برای نمایش محدوده مطالعه شده نیز از نرم افزار GIS به کار رفت. مدل فرایندی پژوهش به شرح شکل ۲ است.



شکل ۲. مدل فرایندی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

عشایر اصطلاحی چندبعدی است که در فرهنگ و جامعه‌های گوناگون معانی متفاوت از آن استنباط می‌شود. عموماً این اصطلاح بر گروهی از مردم دلالت دارد که برای تأمین معاش خود در حال حرکت‌اند و خانه ثابتی ندارند و امرار معاش آن‌ها عموماً به بخش کشاورزی متکی نیست (دوپلانو، ۱۳۸۳ ص. ۱۲). در ایران معنای این اصطلاح عبارت است از: اجتماعات کوچ‌رو که بنیاد اقتصاد، زندگی و شیوه معاش آن‌ها مبتنی بر دامداری و شبنانی (کوچ رفت و برگشتی میان چراگاه‌های زمستانی قشلاق و تابستانی ییلاق) است؛ بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند اشتغال دارند و پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتع، اراضی زراعی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش متکی است (کفیل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱ ص. ۳۲) که به دلیل بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای و مراتع و نیز تولید با حداقل هزینه، در گذر نسل‌ها

فعالیتشان ادامه یافته است (خاکی پور و همکاران، ۱۳۹۰ ص. ۱۸). زندگی عشایری با الهام از الگوهای طبیعی شکل گرفته است و چارچوب آن به سازگاری با طبیعت ارتباط دارد (دهقانان و کهنسال، ص. ۷۸)؛ به همین دلیل این زندگی نوعی تطبیق با محیط طبیعی است که انسان با مهارت موجود و ابزار محدود، خود را با محیط سازگار می کند. عشایر با بهره گیری از دام، اراضی کشت نشدنی را به صورت چراگاه استفاده می کنند (لشکری و همکاران، ۱۳۹۲ ص. ۸۴). جامعه عشایری ترکیبی از سه نظام طایفگی یا قبیله ای، کوچروی و دامداری است. سکونتگاه های غیرثابت، خودمختاری اقتصادی، واحدهای مولد خانگی، منابع غیرثابت اما به شدت بهره برداری شده و کوچ گروه های وابسته محلی با درجاتی از خودمختاری سیاسی، از جمله عناصر و ویژگی های زندگی عشایر است (کریمی، ۱۳۹۰ ص. ۶۹).

در گذشته، دو جامعه روستایی و عشایری را عموماً جامعه واحدی می پنداشتند و برنامه ریزی برای آن ها را به صورتی مشابه طراحی می کردند، زیرا ملاک های صحیحی برای شناخت این دو جامعه نداشتند (سعیدی، ۱۳۹۴، ص. ۳۵)، ولی اگر اقتصاد غالب زیستی این دو جامعه را مطالعه کنیم، مشاهده می شود که کاملاً متمایزند و مهم ترین وجه تفکیکی و تمایز این دو جامعه را می توان به شرح زیر بررسی کرد (کشاورز و همکاران، ۱۳۵۵ ص. ۳۲).

جدول ۳. ملاک های تفکیک جامعه روستایی از جامعه عشایری

مأخذ: کشاورز و همکاران، ۱۳۵۵

ردیف	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری	ردیف	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری
۱	نیاز پایه ای	آب و زمین	مرتع و دام	۷	تحرك گروهی	اسكان	كُوج
۲	فعالیت غالب	کشاورزی	دامداری سنتی	۸	تجربه و تخصص	در امور زراعی	در امور دامی
۳	فعالیت جنبی	دامداری	کشاورزی	۹	بازده در هکتار	زیاد	کم
۴	مازاد تولید	عموماً زراعی	عموماً دامی	۱۰	نظام آبیاری	پیچیده	فاقد نظام
۵	تنوع کشت	زیاد	کم	۱۱	منزلت اجتماعی	در رابطه با آب و زمین	در رابطه با دام
۶	بهره گیری از زمین	در یک منطقه	در دو منطقه	۱۲	روابط اجتماعی	پیچیده	ساده

۴. ۱. مفهوم اسکان عشایر

اسکان تغییر شیوه معیشت عشایر و هدایت آن‌ها به منظور جذب در روستاها و شهرها است که در حاشیه نواحی با حفظ شیوه معیشت گذشته صورت می‌پذیرد و همچنین اسکان عشایر در روستاها و به کارگیری آن‌ها در واحدهای دامداری و صنعتی نوین یاد انجام می‌شود. عشایر متمایل به اسکان که در یک نقطه استقرار می‌یابند، از لحاظ اقتصادی و اقلیمی به آن محل وابسته می‌شوند، اما قادر خواهند بود برای تکمیل امرارمعاش خود در دیگر نقاط نیز فعالیت کنند. در گذشته مهم‌ترین عوامل تداوم شیوه تولید اقتصادی و زندگی اجتماعی جامعه عشایری یعنی انسان، دام و مرتع نسبت به هم دارای تعادل بوده‌اند، اما امروزه این تعادل هم از درون و هم از برون با تأثیرپذیری از عوامل کلان اقتصادی-اجتماعی در جامعه بزرگ کنونی از بین رفته است (سرور، ۱۳۷۴ ص. ۴).

جوامع عشایری به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن زندگی، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح نامطلوب زندگی، سطح پایین فناوری، پایین بودن سطح سواد و... مشکلات متعددی دارند و به توجه و شناخت هرچه بیشتر نارسایی‌های مربوط به این قشر نیاز است (دهقانی محمودآبادی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۲۳). ساماندهی و اسکان عشایر به عنوان یکی از راهبردهای مدنظر برای جامعه عشایری، عمدتاً با هدف توسعه و عمران، محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه انجام می‌گیرد (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰ ص. ۷۷).

اسکان عشایر، فرایندی است که طی آن شیوه جامعه کوچرو تغییر و تحول می‌یابد. این تحول هرچند به صورت ظاهری با ترک کوچروی و یکجانشینی در مساکن ثابت شناخته می‌شود، در بطن خویش ناظر بر تغییرات اساسی در مبانی فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی عشایر است (ریاحی و عزمی، ۱۳۹۲ ص. ۳۲). اسکان عشایر نوعی تغییر و تحولات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، نهادی و... جامعه مذکور است که با در نظر گرفتن جوامع روستایی و شهری به عنوان درجاتی از تکامل، می‌توان اظهار کرد که اسکان به لحاظ ماهیت، حرکتی تکاملی است (شاطری و حجتی‌پور، ۱۳۹۰ ص. ۱۹).

فرایند اسکان عشایر شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و عملیاتی فیزیکی است که طی آن خانوار عشایری، داوطلبانه در محل مناسبی اسکان یا استقرار دائم می‌یابند. تصمیم‌گیری در این فرایند نقش مهمی دارد؛ زیرا بر شکل اسکان، دوره زمانی انتقالی از کوچ‌نشینی دائم به استقرار دائم و روابط اجتماعی جدید تأثیرگذار است. تصمیم‌گیری ممکن است فقط خواست سرپرست خانوار باشد یا اینکه خواست سرپرست خانوار همراه با مشورت اعضای خانوار باشد؛ با این توضیحات، فرایند اسکان از زمانی که دغدغه فکری عضو یا اعضا یک خانوار عشایری بر اسکان متمرکز می‌شود، شروع می‌شود و در زمانی که خانوار استقرار دائم می‌یابد، به پایان می‌رسد (کرم‌پور، ۱۳۶۶، ص. ۶۱).

۴.۲. انواع اسکان عشایر

در یک تقسیم‌بندی، سه نوع اسکان را می‌توان برای جامعه عشایری در نظر گرفت که عبارت‌اند از: اسکان اجباری یا دگرانگیخته، اسکان خودانگیخته و اسکان برنامه‌ای که در زیر به تفکیک به توضیح درباره هریک پرداخته می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۵۶).

اسکان اجباری یا دگرانگیخته: اسکان اجباری ممکن است در اثر فشار و جبر حکومتی، دگرگونی بادوام شرایط طبیعی و اقلیمی و دگرگونی عملکردهای اقتصادی در سطوح منطقه‌ای انجام شود، یا بر اثر اختلاف‌های درونی ایل، فقر خانوارها، ازدواج و تحصیل فرزندان به وجود آید؛ نظیر قطع آب رود هیرمند و مهاجرت و اسکان سیستانی‌ها در گلستان و ایجاد کشت و صنعت مغان و اسکان اجباری بسیاری از عشایر شاهسون به دلیل از بین رفتن مراتع قشلاقی آن‌ها.

اسکان خودانگیخته: در اسکان خودانگیخته، فشار سیاسی و طبیعی حاکم نیست و افراد کوچ‌نشین با میل و رغبت به یکجانشینی رو می‌آورند و اسکان آن‌ها بیشتر ماهیت اقتصادی دارد. در این جنبه، اسکان بیشتر برای خانواده‌های فقیر و ثروتمند عشایری مفهوم دارد؛ چراکه خانوارهای فقیر به دنبال کسب درآمد بیشتر و خانوارهای ثروتمند برای استفاده از شرایط رفاهی بهتر اسکان می‌یابند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۵۷).

اسکان برنامه‌ای: اسکان برنامه‌ای بیشتر با اهداف عمرانی همراه است. در این نوع اسکان، دولت و حکومت مرکزی برنامه‌های ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در نظر

دارند و با هزینه‌کرد اعتبارات گسترده برای اسکان جامعه عشایری و ایجاد سطحی از توسعه در آن، همپای جوامع یکجانشین تلاش می‌کنند. این نوع اسکان از زمان پهلوی دوم آغاز شد. جامعه عشایری، به‌رغم پایداری بوم‌شناختی و اقتصادی، در بسیاری از مناطق جهان و کشور ما تحت تأثیر جریان نوسازی شهری رو به افول نهاده و اسکان حمایت‌شده از سوی دولت‌ها شدت یافته است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۲۸).

در این چارچوب، اسکانف داوطلبانه و دارای هدف و انگیزه است و مکان‌یابی نقاط مناسب اسکان توسط سازمان‌های دولتی صورت می‌گیرد که کانون‌های اسکان برنامه‌ریزی‌شده را براساس استعداد اشتغال‌زایی و منابع قابل‌استحصالی تشکیل می‌دهد و در اصطلاح «کانون اسکان هدایتی» به آن اطلاق شده است؛ با این توضیحات، هم در اسکان‌های حمایتی و هم در اسکان‌های هدایتی، بدون شناخت زمینه‌ها و استعداد تولیدی و منابع اشتغال و معیشت نمی‌توان به اسکان پایدار امیدوار بود. اولویت‌های ارائه خدمات به کانون‌های هدایتی عبارت‌اند از: تعداد خانوار داوطلب اسکان در کانون، سرانه زمین‌های کشاورزی عشایر داوطلب اسکان، امکان تأمین آب کشاورزی به‌صورت ثقلی، سهم سرانه مشارکت عشایر داوطلب اسکان در پروژه‌های تجهیز منابع آب و هموارسازی اراضی، هزینه سرانه فرصت شغلی در کانون و هزینه سرانه تأمین خدمات زیربنایی کانون شامل راه دسترسی، آب آشامیدنی، برق و غیره (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶ ص. ۷۸).

۴.۳. مراحل اسکان عشایر

مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی: مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به تصمیم‌گیری نهایی خانوار برای استقرار دائم در یک نقطه می‌انجامد. این مرحله که پیچیده‌ترین مرحله فرایند اسکان است، یا به‌صورت داوطلبانه توسط خانوار و اعضای آن صورت می‌گیرد و یا به‌صورت هدایت‌شده و همراه با تمایلات خانوار که در حال حاضر طی یک مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی، توسط سازمان عشایر انجام می‌گیرد. موفقیت مراحل بعدی در گرو آگاهی و مشارکت خانوار در این مرحله است. مشارکت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در بهبود معیشت و زندگی روستاییان و ازجمله عشایر است (ورمزیاری و حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳).

عملیات اجرایی شکل‌دهی اسکان در یک نقطه (کانون توسعه): مرحله دوم که عملیات اجرایی شکل‌دهی اسکان را تشکیل می‌دهد، شامل آن بخش از فعالیت‌ها و عملیات فیزیکی است که اساس تحقق فرایند اسکان را به صورت عملی تشکیل می‌دهد و شامل پذیرش یک نوع زندگی خاص با شیوه‌ای جدید، زندگی اجتماعی یکجانشینی همراه با تراکم جمعیت و انتخاب مسکن دائم است (ورمزیاری و حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

تداوم پذیری اسکان: مرحله سوم فرایند اسکان شامل تداوم استقرار خانوارهای عشایری در یک کانون است و برحسب پایداری فرصت شغلی ایجادشده و انگیزه‌های اقتصادی-اجتماعی خانوار تغییریافتنی است. جاذبه اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه، به خصوص درآمد اقتصادی و وابستگی قومی به جماعت اسکان‌یافته و نیز تغییرات احتمالی در آینده، پایداری اشتغال و موقعیت اقتصادی محل، عامل مهمی در تداوم استقرار در سکونتگاه برای مجموعه خانوارها و گروه‌هایی از نسل جدید آنها است (صیدایی، ۱۳۷۷، ص. ۹۲).

۴. ۴. عوامل اسکان عشایر در ایران

عوامل متعددی در پدیده اسکان در بین عشایر کوچنده ایران مؤثرند. این عوامل دارای تأثیر متقابل و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند، اما به منظور تسهیل بررسی می‌توان آن‌ها را به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم کرد:

عوامل بیرونی: این گروه از عوامل در خارج از ساختارهای اقتصادی-اجتماعی جامعه عشایری و بیشتر در پیوند با پدیده‌هایی در مقیاس ملی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اسکان عشایر تأثیر می‌گذارند. عوامل خارجی که مشوق اسکان هستند، عبارت‌اند از: کاهش در هزینه‌های اقتصادی مانند حمل و نقل، افزایش در امنیت عمومی برای عشایر اسکان‌یافته، افزایش فرصت‌های شغلی در شهر یا روستا، برنامه‌ریزی بهتر دولت برای حل و فصل مشکلات عشایر، کم شدن اراضی مرتعی در بسیاری از مناطق با توجه به تغییر کاربری از زمین مرتعی به زمین کشاورزی (ابراهیمی و صادقی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۴)؛

عوامل درونی: عوامل درونی مؤثر در اسکان عشایر غالباً دارای روابط تنگاتنگی با الزامات کوچ است؛ به این معنی که چنانچه الزامات مذکور منتفی شود، زمینه اسکان فراهم می‌شود؛ برای مثال، یکی از انگیزه‌های عمده کوچ، تعلیف دام با استفاده از مرتع در زیست‌بوم

بیلاقی و قشلاقی است. بدیهی است که از دست دادن دام و مراتع و کاهش چشمگیر تعداد دام و توانایی نداشتن خانوار در دستیابی به مراتع دیگر، بر گرایش به اسکان اثر می‌گذارد.

عوامل درونی که تشویق‌کننده اسکان هستند، عبارت‌اند از: خشک‌سالی، بیماری‌های دامی، فشار جمعیت عشایری و محدودیت در سرمایه‌گذاری. افزون بر این، از دست دادن نیروی کار و توانایی نداشتن در یافتن نیروی کار مناسب دامداری، از عواملی است که هم از خارج زندگی ایلی و هم درون آن بر روند اسکان تأثیر می‌گذارد؛ چراکه از یک سو، نیروی کار تحت تأثیر وضعیت اقتصاد ملی و منطقه‌ای است و از سوی دیگر، حجم خانوار و شمار افراد ذکور آن در دامداری مؤثر و خانوارهایی که ابعاد آن‌ها از حدی کمتر یا بیشتر باشند، گرایش به اسکان در بین تمامی یا بخشی از خانوار به وجود می‌آید (قرقانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶).

۴.۵. کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این‌رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف مترتب است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (ایپلی و مینون^۱، ۲۰۰۷، ص. ۲۸۹). در دنیای امروز، کیفیت زندگی در نقاط روستایی وابستگی بیشتری به کیفیت مکان پیدا کرده و به عوامل اقلیمی، جنگل‌ها، مراتع و مزارع یا به عبارتی دیگر، به منابع طبیعی وابسته است (پارکر و مور^۲، ۲۰۰۸، صص. ۲۳۵-۲۳۶). گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۵) تعریف کیفیت زندگی را این‌گونه ذکر می‌کند: ادراک افراد از موقعیتشان در زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، آن‌ها را با توجه به اهداف، انتظارات، استانداردها و علایقشان؛ به بیان دیگر، بر رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت

1. Epley & Menon

2. Parker & Moor

زندگی تأکید می‌شود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰، ص. ۷۴). کیفیت زندگی بیانگر میزان استفاده افراد از امکاناتی است که از آن برخوردار هستند، اما نه فقط آن امکاناتی که فرد بدان دست یافته است، بلکه تمامی فرصت‌هایی که فرد بتواند رفاه، تأمین نیازها، بهبود زندگی خود را درون فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی که در آن زندگی می‌کند، فراهم کند (لارسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۷).

امروزه بهبود کیفیت زندگی هدف توسعه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است و آینده بشر متکی بر درک بهتر سازه‌هایی خواهد بود که بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند. «کیفیت» اصطلاحی است که برای بیان توسعه رفاه در یک جامعه، به کار می‌رود؛ به بیان دیگر می‌توان گفت، تسهیلات رفاهی منعکس‌کننده شرایط زندگی و کیفیت زندگی افراد هستند (اشمیت^۲، ۲۰۰۲، ص. ۴۱۰). بهبود کیفیت زندگی در یک مکان و برای اشخاص و گروه‌های خاص، همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است. درواقع بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است (لطفی، ۱۳۸۸، ص. ۱). در چند دهه اخیر، شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده افراد، محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها بوده است. این عرصه علمی و تحقیقاتی مدنظر تعداد زیادی از رشته‌ها از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی و جغرافیا است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۸، ص. ۲)؛ بنابراین ارتقای کیفیت زندگی از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها و دولت‌های مختلف در سطح دنیا محسوب می‌شود (حسین‌زاده و میرزایی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷). در ایران، در برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب به گونه‌های مختلف و هرچند ناچیز به کیفیت زندگی توجه شده است، اما پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با تشکیل نهادهایی چون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، مراکز خدمات روستایی و عشایری، شوراهای اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین، خانه‌های همیار، طرح شهید رجایی و سایر نهادهای انقلابی، تلاش شد تا به بهزیستی و بهبود

1. Larsen

2. Schmitt

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی روستاییان کمک شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸، صص. ۱۱۸-۱۱۲) و کیفیت زندگی در نواحی روستایی افزایش یابد.

۶.۴. دیدگاه‌های نظری مربوط به کیفیت زندگی عشایر

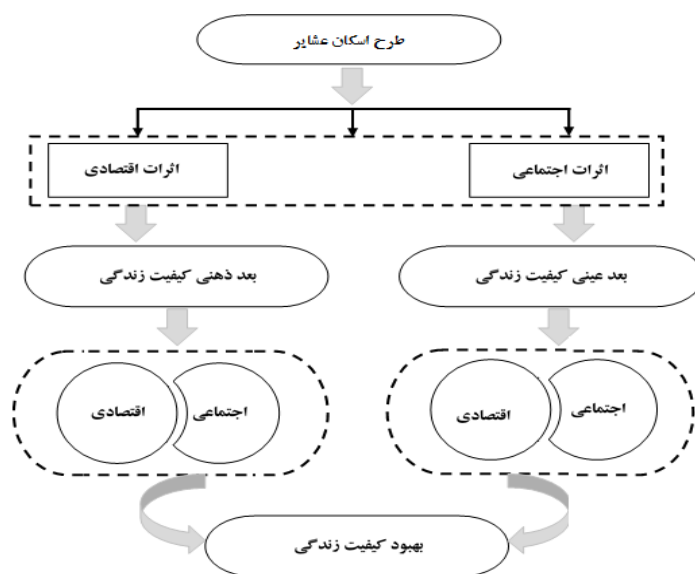
هابرماس: در دیدگاه هابرماس می‌توان جامعه عشایری را به‌عنوان یک جامعه ابتدایی یا سنتی پیشامدرن با غلبه نظام ایلی، نابرابری اقتصادی، سلسله‌مراتب ساختار قدرت، پدرسالاری، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی، بی‌سواد و ناآگاهی و ضعف نهادهای مدنی دانست. در چنین جامعه‌ای رشد نهادهای مدنی ازجمله شورای اسکان، شورای اجتماعی، تعاونی‌های تولید لازم برای شکل‌گیری حوزه عمومی و کنش‌های ارتباطی جمعی در راستای ارزش‌ها و اهداف پذیرش‌شده جمع، پیش‌نیاز توسعه و بهبود زندگی مردم در راستای بسط آزادی، عدالت و تأمین حقوق انسانی در همه ابعاد حیات اجتماعی است.

بوردیو: بنابر دیدگاه بوردیو می‌توان گفت که اسکان و توسعه عشایر به تغییر الگوی کنش آنان متکی است که امروز در ابعاد اجتماعی یا عینی (از شکل افتادگی ساختارهای سنتی) و ذهنی (گرایش شدید به اسکان) زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری کنش‌های جمعی مرتبط با اسکان و توسعه پدید آمده است و با هدایت، حمایت و نظارت دولت می‌تواند به بهبود زندگی آنان منجر شود (بوردیو، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۴).

گیدنز: گرایش عشایر به اسکان و توسعه برای رهایی از سختی‌های کوچ، نگرش مثبت و امید به آینده برای اسکان و برخورداری از امکانات زندگی مدرن و گرایش مثبت آنان به آزادی و عدالت و کنش‌های عقلانی، مؤید دیدگاه گیدنز است.

در جمع‌بندی وجوه اشتراک دیدگاه‌های نظری مذکور (هابرماس، گیدنز و بوردیو) می‌توان گفت که نظام ایلی به علت تأخر ساختاری، پتانسیل توسعه و بهبود حیات اجتماعی عشایر مناسب با شرایط و مقتضیات جهان امروزی را از دست داده است. ماهیت و ویژگی‌های نظام ایلی چه در بعد ساختاری و چه در بعد شناختی یا ذهنی نه‌تنها امکان توسعه را فراهم نمی‌کند، بلکه خود مانع توسعه است؛ بنابراین اسکان و گذار از نظام ایلی به‌نظام‌های نوین امروزی، ضرورت تاریخی اجتناب‌ناپذیر است؛ البته اسکان به‌خودی‌خود هدف نیست؛ بلکه

خود نوعی کنش یا کردار جمعی برای رسیدن به توسعه است. با توجه به اینکه کردار یا کنش برآیند یا سنتز شرایط اجتماعی یا ساختاری و عوامل فردی یا ذهنی است، تا زمینه برای اسکان عشایر فراهم نشود، آنان به اجبار در قالب ساختار موجود به کوچ‌نشینی و بازتولید و تداوم وضعیت موجود می‌پردازند (عبداللهی، ۱۳۸۶، صص. ۲۳-۲۶).



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵. یافته‌های تحقیق

از بین ۳۴۳ پاسخگو در روستاهای بررسی‌شده، ۸۹٫۵ درصد از افراد متأهل و ۱۰٫۵ درصد مجرد بودند. از مجموع پاسخ‌گویان، مردان ۸۰٫۸ درصد و زنان ۱۹٫۲ درصد را تشکیل دادند. عمده پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال با فراوانی ۷۷ نفر (۲۹٫۷ درصد) قرار داشتند و سطح تحصیلات راهنمایی و ابتدایی به ترتیب با ۲۵٫۹ و ۲۳٫۳ درصد بیشترین و کارشناسی و کارشناسی‌ارشد نیز به ترتیب با ۷٫۹ و ۰٫۶ درصد کمترین تعداد پاسخگویان را در بر گرفتند.

در ادامه به بررسی میانگین شاخص‌های تحقیق پرداخته شده است که در بعد اجتماعی بیشترین میانگین متعلق به شاخص‌های دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)، دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس) و امنیت بیشتر با میانگین ۴,۴ و کمترین میانگین نیز متعلق به شاخص بهبود کیفیت مسکن با میانگین ۳,۶ بود. شایان ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای شاخص‌های این متغیر، میزان معناداری برای تمام شاخص‌ها کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شد که می‌توان بیان کرد، این متغیر در تمام شاخص‌ها معنادار است و قابلیت تعمیم به تمام جامعه را دارد. درمجموع ارزیابی شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان نشان می‌دهد که در بعد اجتماعی، طرح اسکان آثار خوبی داشته است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، کانون‌های مطالعه‌شده از امکانات مناسب آموزشی و فرهنگی (مدرسه، مساجد، کانون‌های فرهنگی و...) همچون یک روستا برخوردارند و همچنین امنیت کانون‌ها با توجه به مرزی بودن منطقه در مقایسه با گذشته افزایش یافته است که دلیل آن را می‌توان استقرار هنگ مرزی و نیروهای نظامی-انتظامی دانست. در بعد اقتصادی نیز بیشترین میانگین به شاخص استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی با میانگین ۴,۸ و کمترین میانگین نیز به شاخص کاهش فقر با میانگین ۲,۸ متعلق است. درخور ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای شاخص‌های این متغیر، میزان معناداری برای تمام شاخص‌ها کمتر از ۰,۰۵ است که می‌توان بیان کرد، این متغیر در تمام شاخص‌ها معنادار است و قابلیت تعمیم به تمام جامعه را دارد. درمجموع ارزیابی شاخص‌های آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان نشان می‌دهد که در بعد اقتصادی، طرح اسکان آثار خوبی داشته است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، با اجرای طرح اسکان تمامی عشایر منطقه عضو شرکت تعاونی عشایری کویرنشینان شهرستان خواف شده‌اند، این تعاونی تمامی خدمات موردنیاز عشایر را به‌خصوص در بخش دام (تأمین علوفه و...) تأمین کرده و با توجه به توان عشایر هزینه را از آنان دریافت می‌کند. همچنین خدمات و حمایت‌های دولتی در امور زیربنایی، اجتماعی و پرداخت تسهیلات بانکی درخور توجه است؛ بنابراین با توجه به نتایج می‌توان گفت که طرح اسکان در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی توانسته است آثار و نتایج مثبتی بر عشایر منطقه مطالعه‌شده داشته باشد.

جدول ۴. میانگین متغیرهای تحقیق به تفکیک کانون عشایری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	گویه‌های آثار اقتصادی	میانگین	مقدار معناداری X^2	ردیف	گویه‌های آثار اجتماعی	میانگین	مقدار معناداری X^2
اقتصادی و	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت	۴,۵	۰,۰۰۰	اقتصادی	کاهش فقر	۲,۸	۰,۰۰۰
	استفاده بیشتر تسهیلات بانکی	۴,۳	۰,۰۰۰		بهبود شرایط اقتصادی	۳,۲	۰,۰۰۰
	بهبود درآمد خانوار	۳,۹	۰,۰۰۰	اجتماعی و فرهنگی	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)	۴,۴	۰,۰۰۰
	استفاده بیشتر از کالاهای	۴,۱	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس)	۴,۴	۰,۰۰۰
	توانایی پس‌انداز کردن	۳,۳	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات بهداشتی (آب‌لوله‌کشی، حمام و...)	۴	۰,۰۰۰
	تولید بیشتر محصولات کشاورزی	۳,۱	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات درمانی (پزشک، درمانگاه و...)	۳,۸	۰,۰۰۰
	استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی	۴,۸	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات ارتباطی (راه مناسب، وسیله نقلیه عمومی و...)	۴	۰,۰۰۰
	افزایش سطح زیر کشت	۳	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات مخابراتی (تلفن، اینترنت و...)	۴,۳	۰,۰۰۰
	افزایش تعداد دام	۴,۲	۰,۰۰۰		امنیت بیشتر	۴,۴	۰,۰۰۰
	فروش بهتر محصولات	۳,۹	۰,۰۰۰		کاهش مهاجرت	۳,۷	۰,۰۰۰
	تولید بیشتر محصولات دامی	۴	۰,۰۰۰		افزایش سطح سواد	۴,۲	۰,۰۰۰
	تولید بیشتر صنایع دستی	۴	۰,۰۰۰		همدلی بیشتر بین عشایر	۴,۱	۰,۰۰۰
	کاهش تعداد بیکاران	۳,۱	۰,۰۰۰		بهبود کیفیت مسکن	۳,۶	۰,۰۰۰
	افزایش قدرت خرید	۳,۲	۰,۰۰۰		آسایش و رفاه بیشتر	۴,۲	۰,۰۰۰
	تنوع شغلی	۳,۳	۰,۰۰۰		کاهش زمینه اختلافات	۳,۷	۰,۰۰۰

۱.۵. ارزیابی میزان تأثیر اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر به تفکیک کانون‌ها

جدول ۵ میانگین متغیرهای اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی را به تفکیک کانون‌های اسکان نشان می‌دهد. بیشترین میانگین در بعد اقتصادی به کانون ده خطیب با میانگین ۳,۹۶ و کمترین میانگین نیز به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۵۹ متعلق است. در بعد اجتماعی بیشترین میانگین به کانون ده خطیب با میانگین ۴,۲۹ و کمترین میانگین به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۹۸ مربوط است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، کانون ده خطیب با توجه به شرایط مطلوب‌تر آن، داشتن منابع آبی بیشتر، هماهنگی بیشتر عشایر، مشارکت نسبتاً زیاد، ترکیب نسبتاً برابر اهل سنت و شیعه در کانون (باعث رقابت بیشتر می‌شود)، سطح فرهنگی بهتر و محیط مطلوب‌تر و... نشان‌دهنده موفقیت بیشتر اجرای طرح اسکان در این کانون است. درضمن کانون بنیاباد با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب‌تر عشایر، مشکلات مرتعی و اختلافات روستاییان (مژن‌آباد، کالشور که اهل تسنن می‌باشند)، جمعیت بیشتر، اختلافات درون‌تیره‌ای و... از ابعاد اقتصادی اجتماعی اسکان در مقایسه با سه کانون دیگر برخورداری کمتری دارد. در بعد زیست‌محیطی، کانون چاه زول با توجه به استقرار عشایر در دو محله قدیمی و جدید و تمیز بودن محله جدید، استقرار بیشتر امکانات در این محله و توجه بیشتر به فضای آن از نظر محیطی و درنهایت دوگانگی موجود، کمترین میانگین را بین کانون‌های مطالعه‌شده داشته است.

جدول ۵. میانگین آثار اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر به تفکیک کانون‌های اسکان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

کانون اسکان	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد
اقتصادی	۳,۹۶	۳,۶۳	۳,۶۵	۳,۵۹
اجتماعی	۴,۲۹	۴,۲۴	۴,۰۱	۳,۹۸

رتبه‌بندی گویه‌های سنجش آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت

زندگی عشایر

برای بررسی تفاوت بین شاخص‌های آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر، با توجه به ترتیبی بودن شاخص‌های مطالعه‌شده از آزمون فریدمن استفاده شد. با توجه به میزان معناداری آزمون کای اسکوئر که کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد (جدول ۶).

جدول ۶. میزان معناداری آزمون فریدمن در شاخص آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مقدار معناداری	درجه آزادی	Chi-Square	آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر
۰,۰۰۰	۱۶	۲۰۷۳,۴۰۴	

برای سنجش میزان تأثیر هر شاخص بر آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر باید از میانگین رتبه‌ای استفاده کرد؛ بنابراین با توجه به آنچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بیشترین تأثیر طرح اسکان را گویه استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی و در مرتبه بعد، بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت دارند.

جدول ۷. مقایسه میانگین آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان	رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان
۴	۴,۱۸	۱۱,۳۷	افزایش تعداد دام	۲	۴,۵۰	۱۳,۰۴	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت
۹	۳,۸۵	۱۰	فروش بهتر محصولات	۱	۴,۷۸	۱۴,۳۵	استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی
۶	۳,۹۹	۱۰,۵۴	تولید بیشتر محصولات دامی				
۷	۳,۹۶	۱۰,۲۶	تولید بیشتر صنایع دستی	۸	۳,۹۱	۱۰,۱۸	بهبود درآمد خانوار

گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان	میانگین رتبه‌ای	میانگین	رتبه	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان	میانگین رتبه‌ای	میانگین	رتبه
استفاده بیشتر از کالاها	۱۱,۰۵	۴,۰۶	۵	کاهش تعداد بیکاران	۶,۱۷	۳,۱۴	۱۵
توانایی پس‌انداز کردن	۶,۹۳	۳,۲۸	۱۰	افزایش قدرت خرید	۶,۵۵	۳,۲۳	۱۲
تولید بیشتر محصولات کشاورزی	۶,۳۹	۳,۰۹	۱۴	تنوع شغلی	۶,۸۸	۳,۲۵	۱۱
استفاده بیشتر تسهیلات بانکی	۱۱,۸۱	۴,۲۸	۳	کاهش فقر	۵	۲,۷۶	۱۷
افزایش سطح زیر کشت	۵,۹۴	۳,۰۰	۱۶	بهبود شرایط اقتصادی	۶,۵۴	۳,۲۳	۱۳

همچنین برای بررسی تفاوت بین شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، با توجه به ترتیبی بودن شاخص‌های مطالعه‌شده، از آزمون فریدمن استفاده شد. با توجه به میزان معناداری آزمون کای اسکوتر که کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد، شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند.

جدول ۸. میزان معناداری آزمون فریدمن در شاخص آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت

زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر	Chi-Square	درجه آزادی	میزان معناداری
	۶۷۶,۳۱۹	۱۲	۰,۰۰۰

برای سنجش میزان تأثیر هر شاخص بر آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، باید از میانگین رتبه‌ای استفاده کرد. با توجه به آنچه در جدول ۹ مشاهده می‌شود، بیشترین تأثیر طرح اسکان را گویه دسترسی به خدمات آموزشی و در مرتبه بعد، گویه دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی دارند.

جدول ۹. مقایسه میانگین گویه‌های سنجش آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی

عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

رتبه	میانگین	رتبه‌ای	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان
۳	۴,۳۶	۸,۴۲	امنیت بیشتر	۲	۴,۴۰	۸,۶۳	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی
۱۳	۳,۵۹	۴,۸۷	کاهش مهاجرت				
۶	۴,۱۸	۷,۶۹	افزایش سطح سواد	۱	۴,۴۱	۸,۷۳	دسترسی به خدمات آموزشی
۷	۴,۰۵	۶,۹۹	همدلی بیشتر بین عشایر	۸	۳,۹۸	۶,۶۳	دسترسی به خدمات بهداشتی
۱۲	۳,۷۶	۵,۰۲	بهبود کیفیت مسکن	۱۱	۳,۸۳	۵,۶۴	دسترسی به خدمات درمانی
۵	۴,۱۹	۷,۷۷	آسایش و رفاه بیشتر	۹	۴,۰۰	۶,۳۹	دسترسی به خدمات ارتباطی
۱۰	۳,۷۴	۵,۸۸	اختلاف کمتر	۴	۴,۳۳	۸,۳۴	دسترسی به خدمات مخابراتی

در ادامه برای بررسی تأثیر اجرای طرح اسکان بر بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی عشایر، با توجه به اینکه این دو متغیر دارای توزیع نرمال هستند، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. درمجموع نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که میانگین محاسبه‌شده آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخ‌گویان (۳,۶۸) بزرگ‌تر از ۳ و متوسط به بیشتر است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این متغیر که کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین متغیر آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان مثبت است؛ یعنی میانگین جامعه در این متغیر بیشتر از مقدار آزمون‌شده (عدد ۳) است که این نتیجه گویای این است که در کانون‌های موردبررسی، اجرای طرح اسکان موجب بهبود وضعیت اقتصادی زندگی عشایر شده است. (جدول ۵)؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض ۱ را مبنی بر اینکه اجرای طرح اسکان موجب بهبود شرایط اقتصادی زندگی عشایر شده است، می‌پذیریم. همچنین میانگین محاسبه‌شده آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر

کل پاسخ‌گویان بزرگ‌تر از ۳ و برابر با ۴,۰۷ است و با توجه به میزان معناداری به‌دست‌آمده برای این متغیر که کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین متغیر آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان مثبت است؛ یعنی میانگین جامعه در این متغیر بیشتر از مقدار آزمون‌شده (عدد ۳) است که این نتیجه‌گیری این است که در کانون‌های موردبررسی، اجرای طرح اسکان به بهبود شرایط اجتماعی زندگی عشایر منجر شده است (جدول ۱۰)؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض ۱ را مبنی بر اینکه اجرای طرح اسکان موجب بهبود شرایط اجتماعی زندگی عشایر شده است، می‌پذیریم.

جدول ۱۰. بررسی میانگین آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

متغیر	میانگین	انحراف از معیار	آماره T	درجه آزادی	معناداری	اختلاف از میانگین	اختلاف از فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
							پایین	بالا
آثار اقتصادی	۳,۶۸	۰,۴۶۴	۲۷,۰۷	۲۵۷	۰,۰۰۰	۰,۶۷۸	۰,۶۲۹	۰,۷۲۸
آثار اجتماعی	۴,۰۷	۰,۴۹۱	۴۰,۱۴	۲۵۷	۰,۰۰۰	۱,۰۶۶	۱,۰۶	۱,۱۲

۲.۵. تحلیل تفاوت اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان، عوامل اصلی تأثیرگذار بر

کیفیت زندگی عشایر در کانون‌های توسعه

برای تحلیل آثار اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر در منطقه مطالعه‌شده، از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره وایکور استفاده شد؛ بر این اساس، در گام اول، پس از جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آن‌ها به داده‌های کمی، ماتریس خام هریک از معیارها در محدوده مطالعه‌شده تعریف شد. این ماتریس تصمیم‌گیری از گزینه‌ها (سطرها) و معیارها (ستون‌ها) تشکیل شده است.

جدول ۱۱. ماتریس تصمیم‌گیری در دو بعد اقتصادی و اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بعد	نماد	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد	بعد	نماد	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد
اقتصادی	G1	۴,۵۳	۴,۴۴	۴,۶۰	۴,۳۸	اقتصادی	G16	۳,۲۸	۳,۱۶	۲,۶۳	۲,۵۹
	G2	۴,۷۹	۴,۷۲	۴,۸۵	۴,۷۱		G17	۳,۵۵	۳,۳۶	۳,۱۹	۳,۰۹
	G3	۴,۰۷	۳,۶۸	۳,۸۹	۳,۹۱	اجتماعی	E1	۴,۶۷	۴,۲۸	۴,۳۱	۴,۴۳
	G4	۴,۳۶	۴,۱۲	۴,۰۸	۳,۸۸		E2	۴,۶۰	۴,۲۴	۴,۴۲	۴,۳۴
	G5	۳,۶۲	۳,۲۸	۳,۳۰	۳,۱۱		E3	۴,۳۱	۳,۹۶	۳,۹۲	۳,۹۱
	G6	۳,۶۶	۳,۰۸	۲,۸۸	۳,۰۷		E4	۴,۰۹	۳,۹۶	۳,۷۴	۳,۷۹
	G7	۴,۳۸	۴,۲۴	۴,۳۷	۴,۱۴		E5	۴,۱۹	۴,۰۸	۳,۸۹	۴,۰۳
	G8	۳,۶۴	۳,۰۸	۲,۷۱	۳,۰۵		E6	۴,۵۲	۴,۲۸	۴,۳۴	۴,۲۵
	G9	۴,۲۶	۳,۸۴	۴,۲۴	۴,۱۴		E7	۴,۵۷	۴,۴۸	۴,۳۳	۴,۲۹
	G10	۴,۱۷	۳,۶۸	۳,۸۱	۳,۷۸		E8	۳,۸۶	۳,۷۶	۳,۵۶	۳,۴۸
	G11	۴,۰۷	۳,۶۴	۴,۰۳	۳,۹۹		E9	۴,۲۹	۴,۱۲	۴,۱۷	۴,۱۴
	G12	۴,۱۶	۳,۷۲	۳,۹۹	۳,۸۷		E10	۴,۳۴	۴,۰۴	۳,۹۹	۳,۹۹
	G13	۳,۳۳	۳,۳۲	۳,۰۸	۳,۰۹		E11	۳,۸۳	۵,۸۰	۳,۶۳	۳,۴۴
	G14	۳,۷۹	۳,۰۰	۳,۱۰	۳,۱۶		E12	۴,۴۵	۴,۲۰	۴,۲۳	۴,۰۱
	G15	۳,۶۲	۳,۲۸	۳,۲۶	۳,۰۵		E13	۴,۰۷	۳,۹۲	۳,۶۴	۳,۶۶

سپس برای نرمال‌سازی ماتریس از رابطه زیر استفاده شد:

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^n x_{ij}^2}}, i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, n$$

که در آن، x_{ij} مقدار اولیه و f_{ij} مقدار نرمال‌شده گزینه i ام و بعد j ام است. نتیجه داده‌های نرمال‌شده ماتریس نرمال است.

در گام بعدی به تعیین بهترین و بدترین مقدار برای همه توابع معیارها اقدام شد؛ به‌طوری‌که اگر تابع معیار نشان‌دهنده سود (مثبت) باشد، بهترین و بدترین مقادیر براساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \max_j f_{ij}, \quad f_i^- = \min_j f_{ij}$$

و اگر تابع معیار نشان‌دهنده هزینه (منفی) باشد، بهترین و بدترین مقادیر براساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \min_j f_{ij}, \quad f_i^- = \max_j f_{ij}$$

به این ترتیب می‌توان بهترین و بدترین مقادیر را برای معیارها مشخص کرد. در مرحله بعد به تعیین وزن برای هرکدام از شاخص‌ها اقدام شد؛ زیرا برای بیان اهمیت نسبی شاخص‌ها/معیارها باید وزن نسبی آن‌ها را تعیین کرد؛ بر این اساس، روش‌های گوناگون مانند ANP، AHP، Linmap آنتروپی شانون، بردار ویژه، توان رتبه‌ای وجود دارد که متناسب با نیاز می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در پژوهش حاضر از روش آنتروپی شانون برای تعیین وزن شاخص‌ها استفاده شد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. وزن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی			اقتصادی				بعد
E3	E2	E1	G4	G3	G2	G1	نماد
۰,۰۲۶۸۵	۰,۰۱۵۲۱	۰,۰۱۹۴۱	۰,۰۲۸۰۷	۰,۰۲۰۴۹	۰,۰۰۲۵۰	۰,۰۰۵۹۷	وزن
E6	E5	E4	G8	G7	G6	G5	نماد
۰,۰۰۸۷۹	۰,۰۱۱۵۰	۰,۰۲۰۲۰	۰,۱۸۲۰۶	۰,۰۰۸۷۱	۰,۱۳۲۰۳	۰,۰۴۸۹۶	وزن
E9	E8	E7	G12	G11	G10	G9	نماد
۰,۰۰۳۹۳	۰,۰۲۷۴۳	۰,۰۱۰۲۴	۰,۰۲۶۶۹	۰,۰۳۱۳۵	۰,۰۳۷۰۹	۰,۰۲۷۲۹	وزن
E12	E11	E10	G16	G15	G14	G13	نماد
۰,۰۲۲۰۴	۰,۷۷۷۲۰	۰,۰۲۱۱۴	۰,۱۷۷۳۸	۰,۰۶۱۲۷	۰,۱۴۲۷۲	۰,۰۲۲۴۲	وزن
مجموع		E13	مجموع			G17	نماد
۱,۰۰۰۰۰		۰,۰۳۶۰۷	۱,۰۰۰۰۰			۰,۰۴۵۰۱	وزن

در مرحله بعد، فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده آل مثبت محاسبه می‌شود و سپس، محاسبه تجمیع آن براساس رابطه‌های زیر صورت می‌گیرد:

$$S_j = \sum_{i=1}^n \frac{w_i(f_{ij}^* - f_{ij})}{f_j^* - f_j^-}$$

$$R_j = \max_j [w_i(f_{ij}^* - f_{ij}) / (f_j^* - f_j^-)]$$

که در آن، S_j فاصله از گزینه i نسبت به راه‌حل ایده‌آل (ترکیب بهترین) و R_j فاصله گزینه i از راه‌حل ایده‌آل منفی (ترکیب بدترین) است. رتبه‌بندی عالی براساس S_j و رتبه‌بندی بد براساس مقادیر R_j انجام می‌شود.

جدول ۱۳. ضرب اوزان معیارها در ماتریس تصمیم‌گیری و محاسبه S_j و R_j

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی		اقتصادی		بعد
R_j	S_j	R_j	S_j	کانون‌های اسکان
۰,۶۴۹۵	۰,۶۴۹۵	۰,۰۰۲۰	۰,۰۰۳۰	ده خطیب
۰,۰۲۳۲	۰,۱۳۴۹	۰,۱۴۳۰	۰,۶۳۸۰	نهور
۰,۷۱۳۹	۰,۹۰۵۰	۰,۱۸۲۰	۰,۸۰۳۰	چاه زول
۰,۷۷۷۲	۰,۹۷۶۸	۰,۱۷۷۰	۰,۷۹۶۰	بنیاباد

در نهایت مقدار Q_i از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right] + (1 - v) \left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*} \right]$$

که در آن،

$$S^* = \min_j S_j, S^- = \max_j S_j$$

$$R^* = \min_j R_j, R^- = \max_j R_j$$

v وزن راهبرد (اکثریت معیارها) یا حداکثر مطلوبیت گروهی است. میزان فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت گزینه i ام را نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر، $\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*}$ نشان‌دهنده فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی برای گزینه i ام است. در صورتی که $v > 0.5$ باشد، شاخص Q_i دارای حداکثر توافق بوده و زمانی که $v < 0.5$ باشد، این شاخص نشان‌دهنده حداکثر نگرش منفی است. درکل، $v = 0.5$ به معنی توافق گروهی برابر است. براساس مقادیر Q_i گزینه‌ها که در مرحله ششم محاسبه شد، می‌توان به رتبه‌بندی گزینه‌ها پرداخت. گزینه‌های دارای مقدار Q_i بیشتر در اولویت بالاتر و بدتر قرار می‌گیرند و مقادیر Q_i کوچک‌تر به معنی رتبه پایین‌تر و

بهتر است؛ بنابراین براساس محاسبات، کانون‌های نه‌ور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه‌شده، در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی		اقتصادی		بعد
رتبه	Q	رتبه	Q	کانون‌های اسکان
۲	۰,۷۲۰۹	۱	۰,۰۰۰۰	ده خطیب
۱	۰,۰۰۰۰	۲	۰,۷۸۷۹	نه‌ور
۳	۰,۹۱۵۴	۴	۱,۰۰۰۰	چاه زول
۴	۱,۰۰۰۰	۳	۰,۹۸۲۶	بنیاباد

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از راهبردهای توسعه جامعه عشایری، سامان‌دهی و اسکان عشایر است که عمدتاً با هدف توسعه و عمران جامعه عشایری، محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه انجام می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی اجرای طرح‌های اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر شهرستان خواف بود. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین تأثیر اجرای طرح اسکان به بعد اجتماعی کیفیت زندگی مربوط بود؛ به‌طوری‌که بیشترین تأثیر آن بر ارائه خدمات فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، ارتباطی و مخابراتی بوده است. یکی از ابعاد بسیار مهم در زمینه کیفیت زندگی بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان است؛ بر این اساس، ضروری است تا مسئولان و دست‌اندرکاران به‌طور جامع‌تر به مسئله طرح‌های اسکان بنگرند و آنچه مهم‌تر می‌نماید، برنامه‌ریزی بعد از اجرای طرح‌های اسکان است که در موفقیت این گونه طرح‌ها بسیار تأثیرگذار است.

مقایسه تطبیقی نتایج تحقیق حاضر با نتایج سایر پژوهش‌ها بیانگر آن است که نتایج حاصل از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد، اجرای طرح اسکان به بهبود شرایط اقتصادی عشایر منجر شده است. نتایج مدل واس پاس نیز نشان داد که در کانون‌های نهور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه شده در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند؛ بنابراین طبق مشاهده‌های میدانی به نظر می‌رسد، علت رتبه بالاتر دو کانون ده خطیب و نهور در مقایسه با کانون‌های چاه زول و بنیاباد، مشارکت زیاد مردمی، جمعیت کمتر، مدیران محلی موفق‌تر، سطح سواد بیشتر، قانع بودن، آلودگی کمتر به خصوص جوانان به مواد مخدر (در کانون نهور در سال ۱۳۹۶ جشن روستای پاک گرفته شد)، دام بیشتر، کشاورزی در کنار دامداری، واگذاری اراضی مرتعی، منابع آبی بیشتر، استفاده از طرح‌های تولیدی جدید، استفاده بیشتر از تسهیلات بانکی و... باشد؛ بنابراین این نتیجه با نتیجه تحقیقات شاطری و صادقی (۱۳۹۱)، رحیمی (۱۳۸۸) و محمودی و نوروزیان (۱۳۹۴) هم‌راستاست.

با توجه به نتایج پژوهش و بررسی‌های میدانی، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- بسیاری از معادن سنگ آهن خواف، در مراتع در اختیار عشایر احداث و اجرا می‌شود؛ بنابراین سهمی از سود معادن به‌منظور پیشرفت، آبادانی و توانمندسازی مناطق عشایری شهرستان اختصاص یابد؛
- با هماهنگی و تصمیم‌گیری شورای تأمین استان و شهرستان، مراتع بین‌مرزی ایران و افغانستان که به عشایر متعلق است و بیش از یک دهه است که بدون استفاده مانده است، به چرای دام عشایر تخصیص یابد؛
- حل شدن اختلافات مرتعی کانون توسعه عشایری بنیاباد با روستاهای هم‌جوار؛
- دادن مجوز لازم از طریق شرکت آب منطقه‌ای استان برای استفاده کانون عشایری بنیاباد از آب رودخانه مرزی کال شور به‌منظور استفاده در امور کشاورزی و دامداری (با توجه به خروج آب از کشور)؛
- تأمین اعتبار به‌منظور اجرای طرح‌های مطالعه شده در کانون‌های نهور و بنیاباد؛

- تقویت و حمایت از شرکت تعاونی عشایری کویرنشینان شهرستان خواف با توجه به عضویت صددرصدی عشایر در آن تعاونی و ارائه خدمات و حمایت‌های بسیار ارزنده تعاونی از عشایر عضو و همچنین رضایت زیاد عشایر از تعاونی مذکور؛
- با توجه به جمعیت زیاد شتر در شهرستان خواف، تشکیل شرکت تعاونی شترداران با مرکزیت کانون عشایری چاه زول پیشنهاد می‌شود.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، م.، و صادقی، ع.، (۱۳۸۶). معرفی کتاب: سیاست‌گذاری اجتماعی برای توسعه نوشته آنتونی هال و جیمز میجلی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۹، ۲۰۲-۲۰۷.
۲. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۸). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران* (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
۳. آسایش، ط.، و امیر عضدی، ط. (۱۳۸۵). بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایر، در شهرستان کازرون استان فارس. *جغرافیای سرزمین*، ۳(۳)، ۱۳۷-۱۶۲.
۴. امان‌اللهی بهاروند، ا. (۱۳۸۴). زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵(۱)، ۱۵۵-۱۸۳.
۵. باذیان، غ.، داهلان، ا.، مهرابی، ع. ا.، و شاه وحید، م. (۱۳۸۵). مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس، *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۳(۳)، ۲۶۴-۲۶۸.
۶. بخشنده نصرت، ع.، و میراج، ف. (۱۳۹۰). *جامعه و منطقه بندی جمعیت عشایر کوچنده ایران*. تهران: نشر نصرت.
۷. جمشیدی، ع.، صیدایی س. ا.، جمشیدی، م.، و جمینی د. (۱۳۹۲). تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آنها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول). *برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۸۳-۹۲.
۸. حسین زاده، د.، و میرزایی، س. (۱۳۸۶). کیفیت زندگی کاری و تأثیر آن بر بهره‌وری. *فصلنامه مدیریت*، ۱۸(۱۲۳)، ۱۷.
۹. خاکی پور، ل.، بارانی، ح.، دريجانی، ع.، و کریمان، ر. (۱۳۹۰). بررسی سهم مرتع در درآمد دامداری خانوار عشایری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز همیان). *مجله علمی پژوهشی مرتع*، ۵(۴)، ۴۳۰-۴۳۶.

۱۰. دهقانی، ا.، صیدائی، س. ا.، و شفقی. س (۱۳۹۱). سنجش و توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۲ (۲۷)، ۹۶-۷۷.
۱۱. دهقانیان، س.، و کهنسال. م. ر. (۱۳۸۷). بررسی ساختار اجتماعی-فرهنگی عشایر خراسان. *مجله دانش و توسعه*، ۶ (۷)، ۱۴۷-۱۱۸.
۱۲. دوپلانون، گ. (۱۳۸۳). *کوچ‌نشینان و شبانان* (م. ج. پاپلی یزدی، مترجم). تهران: سمت.
۱۳. رحیمی، ا.، و مشیری. س. ر. (۱۳۸۸). بررسی آثار فضایی، اقتصادی و اجتماعی اسکان عشایر در آذربایجان غربی. *نشریه جغرافیای سرزمین*، ۲۱، ۱۳-۱.
۱۴. رضوانی، م. ر.، و منصوریان، ح. (۱۳۸۸). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۱ (۳)، ۲۶-۱.
۱۵. افتخاری، ر.، مهدی پور طاهری، ع.، و فتاحی. ا. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۳ (۲)، ۱۳-۳۳.
۱۶. ریاحی، و.، و عزمی، ا. (۱۳۹۲). بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳ (۲۸)، ۹۵-۱۱۲.
۱۷. سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۳). *کانون‌های توسعه عشایر*. تهران: دفتر مطالعات سازمان امور عشایر.
۱۸. سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۴). *سند فرابخشی توسعه جامعه عشایری*. تهران.
۱۹. سازمان امور عشایر. (۱۳۹۰). *سند عمران مناطق عشایری*. تهران.
۲۰. سرور، ر. (۱۳۷۴). نقطه نظراتی در مورد چگونگی سازمان‌دهی جامعه عشایری در طرح‌های جامع شهرستان. *جهاد*، ۱۵ (۱۸۰)، ۱-۵.
۲۱. شاطری، م.، و صادقی. ح. ا. (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۲ (۲)، ۱۵۰-۱۲۸.
۲۲. شکور، ع.، طبیبی، ح. ر.، باقر زاده، م. ص.، و واحد پور. غ. ع. (۱۳۹۲). سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دانشگاه آزاد مرودشت)*، ۳ (۹)، ۱-۱۱.

۲۳. صلاح، م.، و نعمتی، م. ع. (۱۳۹۵). پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان. *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، (۱۹)، ۱۴۵-۱۷۰.
۲۴. صیدایی، س.ا. (۱۳۷۷). توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده (چارچوب نظری، استراتژی‌های توسعه). *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، (۱۴)، ۸۳-۱۰۰.
۲۵. فرج‌زاده، ح.، مهدوی، د.، و نظری، ا. ک. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای اسکان عشایر بر تخریب مراتع. *سومین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی*، شیراز.
۲۶. قرقانی، ط. (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر اسکان بر معیشت پایدار عشایر در شهرستان سمیرم* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه گرگان، گرگان، ایران.
۲۷. کرم‌پور، ا. (۱۳۶۶). عشایر و توسعه اسکان عشایر به‌منظور درون‌زا. *فصلنامه عشایر ذخایر / انقلاب*، (۳۱).
۲۸. کریمی، ا. (۱۳۹۰). قبایل و عشایر بررسی معنا و مفهوم عشایر در مطالعات قوم‌شناسی. *فرهنگ مردم*، (۳۷ و ۳۸)، ۱۲۶-۱۳۸.
۲۹. کشاورز، ه.، و ناظم رضوی، م. (۱۳۵۳). *عشایر و مسائل توسعه*. تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش مطالعات عشایری.
۳۰. کفیل‌زاده، ف.، اسمعیلی‌زاده، ع.، و سیدان، م. (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان‌یافته (مطالعه موردی ایل کرد). *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۰ (۳۸)، ۲۰۱-۲۲۳.
۳۱. لشکری، ح.، عفیفی، م. ا.، و پرمار، ز. (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی تأثیر نوسانات اقلیمی بر کوچ عشایر فارس (مطالعه موردی طایفه عمله). *فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵ (۳)، ۱۸۸-۲۰۶.
۳۲. لطفی، ص. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱ (۴)، ۶۵-۸۰.
۳۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). <https://www.amar.org.ir>.
۳۴. مشیری، س. ر. (۱۳۹۱). *جغرافیای کوچ‌نشینی* (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۵. مطیعی لنگرودی، س. ح.، قدیری معصوم، م.، رضوانی، م. ر.، نظری، ع.، و صحنه، ب. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۷۸، ۶۷-۸۴.

۳۶. مهدوی، م.، رضایی، پ.، و قدیری معصوم، م. (۱۳۸۶). روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۰(۱)، ۶۱-۶۲.
۳۷. نصیری، س.، احمدی، س.ع.، یاوری، غ.، امیرخانی، ا.، و مهدیان، ا. (۱۳۹۱). الگویی برای برنامه‌ی راهبردی ساماندهی عشایر استان تهران. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۵(۱)، ۴۳-۶۳.
۳۸. نوروزی، ا.، و محمودیان، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۵(۴)، ۱۷-۳۸.
۳۹. ورمزیاری، ح.، و حسینی، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت عشایر بخش دیشموک، در طرح‌های توسعه روستایی. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۰(۳)، ۱۱۰-۱۱۸.
40. Epley, D., & Menon, M. (2008). A method of assembling cross-sectional indicators into a community quality of life. *Social Indicators Research*, 88, 281-296.
41. Larsen, K. et al. (2003). *Sedentarization of Nomadic people: The case of study Hawawir in Um Jawasir Northern Sudan*. Dry Lands Coordination Group (DCG), Report No. 24. Retrieved from <http://www.drylands-group.org>.
42. Mocellin, J., & Foggin, P. (2008). Health status and geographic mobility among semi-nomadic pastoralists in Mongolia. *Health & Place*, 14(2), 228-242.
43. Parker, J. S., & Moore, R. H. (2008). Consternation use and quality of life in rural community: an extension of Goldschmidt findings. *Southern Rural Sociology*, 23(1), 235-226.
44. Schmitt, R. B. (2002). Considering social capital in quality of life assessment: Concept and measurement. *Social Indicators Research*, 58(1-3), 403-428.
45. Teitelbaum, C., & Mueller, T. (2019). Beyond migration: Causes and consequences of nomadic animal movements. *Trends in Ecology & Evolution*, 34(6), 569-581.
46. Vassa, S. (2001). Sedentarization of pastoral nomads. Retrieved from www.vassa.net/saloni/nomads.htm
47. Zavadskas, K., Turskis, Z., Antucheviciene, J. & Zakarevicius, A. (2012). Optimization of weighted aggregated sum product assessment. *Elektronika Ir Elektrotechnika*, 122(6), 3-6.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.78462.1184>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

تحلیل راهبردی کشاورزی فراسرزمینی ایران با استفاده از مدل SWOT و QSPM

فرزانه رضایی (کارشناس ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه

رازی، کرمانشاه، ایران)

rezaee50470@gmail.com

فرحناز رستمی (دانشیار آموزش کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی،

کرمانشاه، ایران، نویسنده مسئول)

f.rostami@razi.ac.ir

صص ۱۳۹ - ۱۰۵

چکیده

کشاورزی فراسرزمینی به خرید یا اجاره قطعات زمین در مقیاس بزرگ و بهره‌برداری از آن‌ها در کشورهای دارای ظرفیت مناسب از نظر امکانات و منابع تولید گفته می‌شود. در طول چند سال اخیر اقداماتی در زمینه کشاورزی فراسرزمینی ایران صورت گرفته است؛ با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد اطلاعات زیادی در این زمینه در دسترس نیست. با وجود گذشت چندین سال از مطرح شدن بحث کشاورزی فراسرزمینی در کشور، هنوز از ارائه یک چشم انداز بلند مدت و نیز اجرای برنامه‌ریزی استراتژیک شفاف خبری نیست؛ بنابراین در این مطالعه با استفاده از دو مدل SWOT و QSPM، تحلیل راهبردی کشاورزی فراسرزمینی کشور ایران انجام شد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش از نوع متوالی اکتشافی بود. برای تعیین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای کشاورزی فراسرزمینی، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه استراتژی به منظور رفع نقاط ضعف و کاهش

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

اثرات تهدیدها و همچنین برای تقویت نقاط قوت و سودمند شدن از فرصت‌های موجود از مدل SWOT استفاده شد. استراتژی‌های ارائه‌شده نیز براساس ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) به منظور ارتقای کیفیت کاری و مدیریت زمان بررسی و اولویت‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به امتیازات کسب‌شده توسط ماتریس عوامل داخلی (۲/۰۱۳ از ۴) و ماتریس عوامل خارجی (۲/۴۵۴ از ۴)، استراتژی‌های مناسب برای کشاورزی فراسرزمینی ایران استراتژی‌های الگوی تدافعی است. در میان استراتژی‌های مختلف الگوی تدافعی، استراتژی WT3 مربوط به اجرایی و عملیاتی کردن آیین‌نامه و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی به منظور افزایش کارآمدی سازمان‌های متولی، دارای بیشترین امتیاز و اولویت اول شناخته شد.

کلیدواژه‌ها: کشاورزی فراسرزمینی، کشور سرمایه‌گذار (میهمان)، کشور سرمایه‌پذیر (میزبان)، استراتژی، مدیریت استراتژیک، SWOT، QSPM.

۱. مقدمه

بخش کشاورزی محور رشد و توسعه اقتصادی و بخش راهبردی در تأمین غذا و معیشت جمعیت رو به رشد آن است. این بخش از جنبه‌های مهم تخصیص کارآمد منابع محدود و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تولید و تجارت است (نیکزاد و همکاران، ۱۴۰۱). کشاورزی فراسرزمینی به معنای تولید نهاده‌ها و محصولات اساسی کشاورزی توسط یک کشور در کشورهای دیگر و انتقال آن نهاده‌ها به داخل مرزهای جغرافیایی به منظور پاسخ به تقاضای داخلی، حفظ منابع محدود پایه تولید، ارتقای امنیت غذایی و سایر نیازهای صنعتی کشور است (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۶؛ خالدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نصر اصفهانی، ۱۳۹۴) از دهه ۱۹۹۰ برخی کشورها مثل چین، کره جنوبی، ژاپن، عربستان سعودی و کویت برای تولید مواد غذایی شروع به خرید یا اجاره زمین‌های خارجی کرده‌اند (آزادی و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعات نشان می‌دهد که میزان کشاورزی فراسرزمینی از سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ به اوج خود رسیده است؛ در حالی که در سال ۲۰۱۰ این روند کمی

کاهش داشته است (زولین و براگون^۱، ۱۳۹۲). بحران مالی سال ۲۰۰۸ و رشد آن به افزایش جهانی کشاورزی فراسرزمینی و برون‌سپاری زمین و آب منجر شد (زرووک^۲، ۱۳۹۲). کشورهای چین، آمریکا و انگلستان بیشترین مراودات را در خرید و اجاره زمین داشتند (اخبار علوم و تکنولوژی^۳، ۱۳۹۶). چین یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در زمینه کشاورزی فراسرزمینی است که برای سرمایه‌گذاری و خرید زمین‌های زراعی به تمام قاره‌ها ورود پیدا کرده است (اخبار هفتگی^۴، ۱۳۹۶). واژه دیگری که در رابطه با انجام کشاورزی در فراسوی مرزها در منابع لاتین به چشم می‌خورد، «برون‌سپاری کشاورزی» (یوفا^۵ و همکاران، ۱۳۹۲) است. برون‌سپاری کشاورزی یک نوع برون‌سپاری است که کشورهای غنی از نظر مالی با منابع طبیعی فقیر (مثل چین، کره جنوبی، ژاپن و....)، مقادیر زیادی از زمین‌های زراعی را از کشورهای فقیر (از نظر مالی) با منابع طبیعی غنی (مثل کشورهای جنوب صحرای آفریقا)، برای تولید غذا یا انرژی خریداری یا اجاره می‌کنند تا از مصرف مواد غذایی یا انرژی کشورهای میهمان (سرمایه‌گذار) حمایت شود (جی و همکاران، ۱۳۹۶^۶). درواقع کشورهای ناامن از نظر غذایی در حال تأمین زمین‌های کشاورزی خود به منظور امنیت غذایی، در خارج از مرزهای کشور خود هستند و با این کار در حال آواره کردن مردم فقیر در کشورهای میزبان هستند که خود آن‌ها عموماً در ناامنی غذایی به سر می‌برند (ادل‌مان^۷ و همکاران، ۱۳۹۲). کشورهای سرمایه‌گذار کنترل مقادیر زیادی از زمین‌ها، مواد معدنی و آب کشور میزبان را در دست می‌گیرند (مارگالیس^۸ و همکاران، ۱۳۹۲) و تمایل زیادی به مذاکره با دولت محلی ندارند (ژاوکسین^۹، ۱۳۹۵). از نظر کومار^{۱۰} (۱۳۸۹) مفهوم برون‌سپاری کشاورزی از زمان انقلاب صنعتی اروپا در سال ۱۸۴۸ معناهای متفاوتی داشت که در بعضی موارد حتی به

1. Zolin & Braggion
2. Zerrouk
3. Science and Technology News
4. The Weekly Times
5. Yaofu
6. Ji
7. Edelman
8. Margulis
9. zhaoxin
10. Kumar

بهره‌کشی از زمین‌های زراعی در آسیا، آفریقا، کشورهای آمریکای لاتین و وابسته به دریای کارائیب (LAC)^۱ منجر شد. این دست مطالعات که انتقادات تندی علیه این موضوع دارند، معتقدند سرمایه‌گذاران حتی بخشی از سیاست، اختیار اجتماعی و اقتصادی کشور میزبان را نیز در کنار تصرف زمین به چنگ می‌آورند. به گفته سلیمان، ۱۳۹۴ یک استراتژی توسعه و سرمایه‌گذاری شکل گرفته که به وضعیتی دشوار و جنگ بر سر منابع و تخریب محیط‌زیست تبدیل شده است. به نظر می‌رسد، برای جلوگیری از این موارد فعالیت‌های سرمایه‌گذاران باید به‌خوبی توسط دولت کشورهای میزبان نظارت و سازمان‌دهی شود (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱). و موضوعات مرتبط با کشاورزی فراسرزمینی در کشور میزبان به‌خوبی زمینه‌سازی شود (کوتالا^۲، ۱۳۹۳). با همه این موارد، از آنجاکه دسترسی به اطلاعات و جزئیات تمام پروژه‌های کشاورزی فراسرزمینی در جهان امکان‌پذیر نیست، تصمیم‌گیری درباره اینکه جنبه‌های مثبت یا منفی غالب هستند، هنوز خیلی روشن نیست

(گوبین و نولت^۴، ۱۳۹۵)؛ زیرا برخی مطالعات از جمله آزادی و همکاران (۱۳۹۱) به نتایج مثبت کشاورزی فراسرزمینی در برخی از کشورهای آفریقایی اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، دولت اوگاندا از چین برای حمایتش در توسعه صنعت کشاورزی این کشور تشکر کرده است. به‌طورکلی در این پژوهش کشاورزی فراسرزمینی به‌عنوان پدیده نوظهوری مدنظر است که از یک طرف با تعامل منطقی بین کشورها، دولت‌ها و مردم و از سوی دیگر با ترویج دیدگاه توسعه پایدار در امنیت غذایی جهان روبه‌رو است (عرب و همکاران، ۱۳۹۵). استراتژی کشاورزی فراسرزمینی، برخلاف استراتژی واردات مواد غذایی، استراتژی بلندمدت و آینده‌نگر برای کشورهای دارای افزایش تقاضای مواد غذایی و منابع کشاورزی محدود و در حال تخریب (از جمله ایران) به حساب می‌آید (خالدی و همکاران، ۱۳۹۵). محدودیت در منابع تولید از جمله آب از محورهای اساسی سیاست‌گذاری‌های کشاورزی در ایران است. کمبود آب در ایران یکی از چالش‌های عمده امنیت غذا در آینده است (سالاری بردسیری، ۱۴۰۱).

1. Latin America & Caribbean countries

2. Sulieman

3. Cotula

4. Gobien & Nolte

این نوع کشاورزی بنا به دلایلی ازجمله افزایش روزافزون جمعیت، محدودیت منابع کشاورزی (به‌ویژه آب و خاک)، بهره‌وری کم مزارع، زیرساخت‌های کشاورزی و روستایی ضعیف (زولین و براگون، ۱۳۹۲)، تغییرات اقلیمی مخرب (براس^۱ و همکاران، ۱۳۹۵)، استفاده از آب مجازی، دستیابی به امنیت غذایی پایدار (خالدی و همکاران، ۱۳۹۴) مدنظر بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است. از دلایل دیگر انجام کشاورزی فراسرزمینی توسط کشورها، تولید مواد کشاورزی اولیه و خام برای حفظ توان صنایع فراوری کشورهای سرمایه‌گذار است (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱). در کشاورزی فراسرزمینی تمام توجه‌ها به سمت کشورهایی است که قیمت زمین‌های کشاورزی کمتر است؛ مثل قاره آفریقا که شاهد سرعت ناگهانی و افزایشی در سرمایه‌گذاری خارجی در زمین‌های حاصلخیز فراوان و ارزان قیمت خود بوده است (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ زولین و براگون، ۱۳۹۲). ذکر این نکته ضروری است که ۸۰ درصد از ذخایر جهانی زمین‌های کشاورزی در قاره آفریقا وجود دارد (هاونیک، ۲۰۱۳۸۸). هر چند به گفته مارگالیس^۳ و همکاران (۱۳۹۲) کشاورزی فراسرزمینی یک پدیده در مقیاس جهانی است که در تمام مناطق جهان و نه فقط در آفریقا در حال اتفاق افتادن است. از نظر دنیل^۴ (۱۳۹۰)، کشاورزی فراسرزمینی و ورود سرمایه بیشتر به بخش کشاورزی با توسعه روستایی مساوی است و راه‌های زیادی وجود دارد که مذاکرات بین دو طرف به وضعیت برد-برد برای هر دو کشور منجر شود.

به عقیده خالدی و همکاران (۱۳۹۴)، مهم‌ترین اهداف کشورهای سرمایه‌گذار از اجرای کشاورزی فراسرزمینی عبارت‌اند از:

۱. اطمینان از تأمین مواد اولیه و خام کشاورزی برای تکمیل زنجیره تولید محصولات کشاورزی داخلی؛

۲. برقراری امنیت غذایی پایدار در جامعه؛

۳. حفظ منابع پایه‌ی کشاورزی کشور.

-
1. Borras
 2. Havnevik
 3. Margulis
 4. Daniel

به‌طور کلی در منابع مختلف اهداف متعدد دیگری برای کشاورزی فراسرزمینی عنوان شده است؛ از جمله:

۱. ایجاد جنبش کشاورزی پایدارتر، قوی‌تر و سودآورتر؛
۲. حمایت از کشاورزان کوچک و متوسط کشور میزبان با تخصص کشاورزان کشور سرمایه‌گذار؛
۳. افزایش همکاری و درک متقابل فرهنگی کشاورزان از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماع محلی؛
۴. ایجاد و حمایت از مبادلات بین کشاورزان کشورهای مختلف؛
۵. مطلع شدن از تولیدکنندگان خارج از کشور خود و کسب اطلاعات کلیدی درمورد جامعه کشاورزی آن‌ها به منظور افزایش تولید، بهبود پایدار محیطی و تقویت حیات مالی از طریق روابط دو جانبه سودمند و تبادل فرهنگی (آرنستین^۱، ۱۳۹۳)؛
۶. پذیرش مسئولیت امنیت غذایی کشور میزبان و مشارکت در توسعه محلی (کنفرانس آکادمیک جهانی^۲، ۱۳۹۱)؛ زیرا این پدیده بر امنیت غذایی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (دیویس^۳ و همکاران، ۱۳۹۳).

این اهداف فقط با رعایت اصول توسعه پایدار عملی می‌شود. رعایت دقیق توسعه پایدار در زمینه کشاورزی فراسرزمینی ما را در مسیری مطمئن در جهت حفظ محیط‌زیست قرار می‌دهد؛ مسیری که برای همه مردم و برای تمام نسل‌ها کار می‌کند. منابع طبیعی زمین باید به نفع نسل‌های حال و آینده حفظ شود (کولکارنی و دشیپانده^۴، ۱۳۹۲). کشاورزی فراسرزمینی شامل موضوعات پیچیده دولتی، دموکراسی و پایداری زیست‌محیطی می‌شود؛ همچنین دانش وسیعی از جزئیات کشورهای سرمایه‌گذار و حامیان آن‌ها را می‌طلبد و باید تلاشی واقعی برای شنیدن صداهای جمعیت تأثیرپذیر از آن را مدنظر قرار داد (ادلمان و باراس^۵، ۱۳۹۲). با این فرض، سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند نقش توسعه‌ای مهمی در کاهش بحران‌های غذایی، ایجاد

1. Arnstein

2. International Academic Conference

3. Davis

4. Kulkarni & Deshpande

5. Edelman & Borras

شغل و به دست آوردن مبادلات خارجی در بخش کشاورزی کشورها داشته باشند (لاورس^۱، ۱۳۹۱) و به وضعیت برد-برد ختم شود. همان‌طور که کشور سرمایه‌گذار به منافع خود دست پیدا می‌کند، باید بخشی از تکنولوژی مورد نیاز برای تولید محصول را به کشور میزبان وارد کنند و زیرساخت‌های لازم برای رسیدن به تولید موفق و سپس برای حمل و نقل کالاها ایجاد کنند؛ برای مثال ماشین‌های کشاورزی، تجهیزات و سیستم‌های آبیاری را وارد کنند؛ همچنین انبارها و ساختمان‌هایی را برای تعمیر و نگهداری دستگاه‌های کشاورزی و سیستم‌های آبیاری بسازند و برای آن‌ها شغل ایجاد کنند (هالام^۲، ۱۳۸۸).

طبق آخرین اخبار در دسترس، کشور ایران تا به امروز توانسته است در کشورهای هدف بیش از ۷۲۸ هزار هکتار قرارداد کشت فراسرزمینی منعقد کند که تفاهم‌نامه همکاری در ۴۲۲ هزار هکتار دیگر امضا شده است و ۴۴۱ هزار هکتار دیگر نیز در حال مذاکره است (سازمان جهاد کشاورزی، ۱۳۹۶). با وجود مزایایی که کشاورزی فراسرزمینی برای کشور ایران با خود به همراه دارد، در رابطه با اجرای برنامه آن چندین ابهام و سؤال وجود دارد که تاکنون به آن‌ها پرداخته نشده است. مهم‌ترین سؤال این است که چرا با گذشت چند سال از مطرح شدن بحث کشاورزی فراسرزمینی در کشور، هنوز از اجرای برنامه‌ریزی استراتژیک بلندمدت خبری نیست؟ آیا اجرای کشاورزی فراسرزمینی از مزایای لازم برای کشور همچون ایران برخوردار است؟

با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه با استفاده از مدل‌های SWOT و QSPM صورت نگرفته است، در نتیجه هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی کشاورزی فراسرزمینی ایران و ارائه راهبردهای استراتژیک و اولویت‌بندی آن‌ها در جهت بهبود وضعیت کشاورزی فراسرزمینی ایران است؛ از این‌رو می‌توان از این فرصت برای بررسی میدانی ابعاد مختلف پدیده کشاورزی فراسرزمینی به صورت مستدل و علمی استفاده کرد و خلأ تحقیقاتی و اطلاعاتی موجود را برطرف کرد.

1. Lavers

2. Hallam

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. ماهیت و روش تحقیق

به منظور درک عمیق و همه‌جانبه پدیده‌ی مدنظر از پژوهش ترکیبی^۱ بهره گرفته شد؛ از این رو از دیدگاه پارادایمی، پژوهش حاضر جزو تحقیقات کیفی-کمی (آمیخته) است. تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی است و نتایج حاصل از آن می‌تواند دستورالعمل‌ها و استراتژی‌هایی در زمینه بهبود وضعیت کشاورزی فراسرزمینی کشور ایران به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان پیشنهاد دهد. این تحقیق از لحاظ روش از نوع متوالی اکتشافی است. در این طرح ابتدا داده‌های کیفی و سپس کمی جمع‌آوری و تحلیل شدند؛ به عبارت دیگر اولویت با مرحله کیفی بود و داده‌های کمی برای تقویت داده‌های کیفی استفاده شد.

۲.۲. جامعه و نمونه تحقیق

همه متخصصان، سرمایه‌گذاران و متقاضیان کشاورزی فراسرزمینی ایرانی، جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل دادند. در تحقیقات کیفی هیچ معیار یا قانون ثابتی درمورد تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش وجود ندارد و هدف محقق درک عمیق و کلی پدیده مدنظر است؛ بنابراین در این پژوهش نیز تعداد شرکت‌کنندگان تا حدود زیادی به کیفیت شرکت‌کنندگان بستگی داشت؛ بر همین اساس با ۱۶ متخصص که در زمینه کشاورزی فراسرزمینی صاحب‌نظر بودند و در زمینه فعالیت در این بخش سرمایه‌گذاری کرده بودند، مصاحبه شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند با رویکرد گلوله‌برفی صورت گرفت. در این مرحله محقق با مطالعه، جست‌وجوی اینترنتی و پرس‌وجوی اولیه راجع به موضوع مورد مطالعه، به شناسایی مطلعان کلیدی^۲ اقدام کرد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به غنای لازم و در اصطلاح، اشباع داده که دیگر درون‌مایه جدیدی به داده‌ها اضافه نمی‌شد و به عبارتی تا رسیدن به داده‌های تکراری، ادامه یافت. در بخش کمی نیز از ۶ نفر از افراد جامعه برای رتبه‌دهی و وزن‌دهی عوامل استفاده شد. انتخاب این ۶ نفر با توجه به محدودیت‌های تحقیق صورت

1. Mixed Method (Combination of Qualitative & Quantitative Methods)

2. Key Informants

گرفت؛ زیرا دسترسی دوباره به تمامی افراد، برای پاسخدهی به سؤالات به صورت تماس‌های غیرتلفنی امکان‌پذیر نبود و باید با صرف وقت و هزینه زیادی این امکان توسط محقق صورت می‌گرفت؛ زیرا برخی از تماس‌ها باید با وقت قبلی و هماهنگی‌های خاصی انجام می‌گرفت و بعضی از افراد از ارائه آدرس ایمیل امتناع می‌کردند یا حتی ایمیل نداشتند. برخی از مصاحبه‌شونده‌ها نیز به دلایل متعددی از جمله نداشتن وقت کافی، نداشتن دسترسی به اینترنت یا برخی مشکلات دیگر از ادامه همکاری صرف‌نظر کردند.

۳.۲. جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز و تعیین عوامل کلیدی داخلی و خارجی از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند در قالب تماس‌های تلفنی و اینترنتی از کارشناسان، مسئولان ذی‌ربط و سرمایه‌گذاران کشاورزی فراسرزمینی استفاده شد. کاربردی‌ترین ابزار برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، ضبط صوت موجود در تلفن همراه بود. قبل از شروع هر مصاحبه در رابطه با اهداف پژوهش، علت ضبط مصاحبه، حفظ گمنامی، رضایت آگاهانه، محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری در زمان دلخواه و دیگر تعهدات اخلاقی در پژوهش کیفی با شرکت‌کنندگان صحبت شد و در نهایت اجازه ضبط صدا اخذ شد. مصاحبه‌ها در مجموع دو ماه و مصاحبه هر فرد به طور متوسط ۶۰ دقیقه طول کشید. سرانجام تمامی مکالمه‌ها کلمه به کلمه در ۱۲۰ صفحه دست‌نویس شد و با استفاده از مدل SWOT تجزیه و تحلیل شد. در بخش کمی نیز برای رتبه‌دهی و وزن‌دهی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، از ۶ نفر از افراد جامعه استفاده شد که جمع‌آوری داده‌های این جداول نیز یک ماه طول کشید.

۴.۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌ها و تکنیک‌های زیادی را برای تحلیل موارد راهبردی در فرایند مدیریت راهبردی می‌توان به کار گرفت، اما تحلیل SWOT (که قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها را ارزیابی می‌کند) متداول‌ترین آن‌ها است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۶). تجزیه و تحلیل SWOT به ما کمک می‌کند وضعیت کنونی را شناسایی کرده و فشارهای قبل از انجام یک انتخاب را

در نظر بگیریم (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱). هدف نهایی فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک توسط مدل SWOT، توسعه و استخراج استراتژی‌های مناسب با در نظر گرفتن عوامل داخلی و خارجی است (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۶). از دیدگاه این مدل، راهبرد مناسب، قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل می‌رساند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۵). در مرحله آخر با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM)، گزینه‌های مختلف استراتژی‌های شناسایی شده در مرحله قبل، به شیوه‌های عینی و بدون اعمال نظر شخصی ارزیابی و نظارت می‌شوند. این ماتریس جذابیت نسبی انواع استراتژی‌ها را مشخص می‌کند و بدین گونه برای انتخاب استراتژی‌های خاص مبنای عینی ارائه می‌دهد (عربی، ۱۳۹۰). ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی که مرحله تصمیم‌گیری نام دارد، به عنوان چارچوب تحلیلی استفاده می‌شود (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۵). مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در شش گام متوالی انجام گرفت که در ادامه به تفصیل بیان شده است.

۲. ۴. ۱. گام اول: شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها^۱

در این مرحله کل محتوای پیام‌های حاصل از مصاحبه‌ها، پس از دست نویس کردن مصاحبه‌ها، بارها بازخوانی و بررسی شد. ابتدا به صورت جملات کلیدی که حاصل بیانات و متون مصاحبه‌های مشابه چندین نفر بود نوشته شد و سپس از جملات کلیدی مفاهیمی در قالب جملات مختصر و مفید استخراج شد. بعد از آن نیز به منظور نظم و انسجام بهتر، داده‌های به دست آمده با یکدیگر مقایسه شد و با ادغام موارد مشابه طبقاتی با مفاهیم جدید ایجاد شد.

۲. ۴. ۲. گام دوم: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFEM)^۲

این ماتریس شامل مراحل زیر است:

-در ابتدا تمامی نقاط قوت و ضعف در جدول ارزیابی عوامل داخلی فهرست شدند؛

1. Strength, Weakness, Opportunity and Threat matrix

2. External Factor Evaluation Matrix

-به هریک از عوامل داخلی براساس اثر احتمالی آنها بر موقعیت استراتژیک فعلی برگرفته از نظر کارشناسان صاحب نظر از صفر (بی اهمیت) تا یک (بسیار مهم) وزن داده شد؛

-سپس وضع موجود هر عامل با امتیازی بین یک تا چهار که بیانگر وضعیت هر عامل است، تعیین شد. تخصیص امتیاز به عوامل داخلی به این صورت محاسبه شد که اگر قوت پیش روی قوت عالی باشد، امتیاز ۴، قوت معمولی باشد، امتیاز ۳، ضعف معمولی باشد، امتیاز ۲ و ضعف بحرانی باشد، امتیاز ۱ را به خود اختصاص می دهد؛

-برای به دست آوردن امتیاز نهایی، وزن در رتبه هر عامل ضرب شد. تمامی محاسبات از طریق نرم افزار اکسل و تا پنج رقم اعشار انجام شد و اعداد به دست آمده تا دو رقم اعشار گزارش شد؛

-سپس مجموع امتیاز وزنی همه عوامل داخلی محاسبه شد؛

-در ماتریس عوامل داخلی اگر نمره نهایی از ۲/۵ (میانگین ۱ و ۴) بیشتر باشد، نقاط قوت از ضعف بیشتر است و اگر جمع نمره های نهایی از ۲/۵ کمتر باشد، نقاط ضعف بیشتر از نقاط قوت است (جهانگیر و محمدی، ۱۳۹۶؛ امیر قربانی و همکاران، ۲۰۱۵).

۲. ۴. ۳. گام سوم: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFEM)^۱

در این مرحله نیز تمامی مراحل همانند ماتریس ارزیابی عوامل داخلی یک به یک تکرار شد. در ماتریس عوامل خارجی نیز اگر نمره نهایی از ۲/۵ بیشتر باشد، فرصت ها از تهدیدها بیشتر است و اگر جمع نمره های نهایی از ۲/۵ کمتر باشد، فرصت ها کمتر از تهدیدها است (جهانگیر و محمدی، ۱۳۹۶؛ امیر قربانی و همکاران، ۲۰۱۵).

۲. ۴. ۴. گام چهارم: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IEM)^۲

برای تجزیه و تحلیل هم زمان عوامل داخلی و خارجی از ابزاری به نام ماتریس داخلی و خارجی استفاده می شود. از این ماتریس می توان برای تعیین موقعیت کشاورزی فراسرزمینی ایران استفاده کرد؛ به عبارت دیگر با استفاده از این ماتریس می توان ترکیب و تکلیف موضوع

1. Internal Factor Evaluation Matrix

2. Internal External Matrix

کشاورزی فراسرزمینی را تعیین کرد. برای تشکیل این ماتریس باید نمرات حاصل از ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی را در ابعاد افقی و عمودی این ماتریس قرار داد تا جایگاه کشاورزی فراسرزمینی در خانه‌های این ماتریس مشخص شود و بتوان استراتژی مناسبی را برای آن به کار برد.

۲. ۴. ۵. گام پنجم: تدوین راهبردهای SWOT

ماتریس SWOT امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد را فراهم می‌آورد؛ البته در عمل برخی از راهبردها با یکدیگر ممکن است هم‌پوشانی داشته باشند و به‌طور هم‌زمان و هماهنگ با یکدیگر اجرا شوند (قربانی و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بر این اساس، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها در چهار الگوی کلی ST، SO، WO و WT پیوند داده شده و گزینه‌های راهبردی از بین آن‌ها انتخاب می‌شود (رخشانی نسب و صفری، ۱۳۹۳)

۲. ۴. ۶. گام ششم: اولویت‌بندی راهبردها با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی

(QSPM)^۱

برای تهیه این ماتریس مراحل زیر طی شده است:

- ابتدا عوامل داخلی و خارجی و وزن هریک از آن‌ها به جدول برنامه‌ریزی استراتژیک منتقل شد. سپس همه استراتژی‌های قابل قبول پیشنهادی، در ردیف بالای ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک فهرست شد؛

- برای تعیین جذابیت هر استراتژی در یک مجموعه از استراتژی‌ها، بنا به اهمیت آن‌ها در تدوین هر استراتژی امتیازی از ۱ تا ۴ داده شد (۱=جذاب نیست، ۲=تا حدودی جذاب است، ۳=در حد قابل قبول جذاب است، ۴=بسیار زیاد جذاب است). به همین منظور پرسشنامه‌ای برای سنجش جذابیت هریک از عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) تنظیم شد. با استفاده از نظر شش نفر از کارشناسان و مدیران باتجربه، به هر عامل مرتبط با راهبرد آن، نمره جذابیتی (AS) اختصاص داده شد که بیانگر میزان اثربخشی راهبردها است؛

- با ضرب امتیاز نمره جذابیت (AS) در وزن هر یک از عوامل، نمره جذابیت کل (TAS)^۱ محاسبه شد؛

- درنهایت از جمع نمرات جذابیت کل هر راهبرد، اولویت اجرای هر راهبرد از منظر عوامل داخلی و خارجی تعیین شد.

۲. ۵. روایی^۲ و پایایی^۳ پژوهش

برای تعیین صحت و استحکام داده‌ها از روش‌های زیر بهره گرفته شد:

- تخصیص زمان کافی برای ارائه اطلاعات به شرکت‌کنندگان؛
- حسن ارتباط و جلب اعتماد آنان در طی مصاحبه‌ها؛
- بررسی مداوم داده‌ها؛
- تجزیه و تحلیل داده‌ها در اولین فرصت پس از اتمام هر مصاحبه و بازخورد آن به مصاحبه‌های بعدی و نیز استفاده از بازخورد آن برای تعیین کفایت داده‌ها؛
- حداقل مداخله در توصیف نقل قول‌ها؛
- استفاده از روش مثلث‌سازی^۴ (از طریق گردآوری شواهد از منابع مختلف شامل تئوری‌های گوناگون، افراد مختلف، منابع اطلاعاتی متنوع و شیوه‌های گوناگون)؛
- بازنگری متخصصان و برگرداندن نتایج به مصاحبه‌شونده‌ها و استفاده از نظرات اصلاحی آنان؛
- مرور بعضی از کدهای استخراج‌شده با تعدادی از شرکت‌کنندگان.

۳. یافته‌های تحقیق

۳. ۱. گام اول: شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها

با توجه به روش مورد استفاده به منظور ارائه راهبردهای توسعه کشاورزی فراسرزمینی، ابتدا نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود با استفاده از مصاحبه و پرسش‌های

-
1. Total Attractiveness Score
 2. Validity
 3. Reliability
 4. Triangulation

پرسیده شده از کارشناسان شناسایی شد و در دو بخش عوامل داخلی و خارجی بررسی شد. از برآیند دیدگاه‌های پاسخ‌گویان، درمجموع عوامل درونی شامل قوت‌ها و ضعف‌ها شامل ۷ قوت و ۱۶ ضعف تشخیص داده شد. در میان عوامل بیرونی شامل فرصت‌ها و تهدیدها نیز ۷ فرصت و ۹ تهدید تعیین شد (جدول ۱).

جدول ۱. ماتریس SWOT توسعه کشاورزی فراسرزمینی ایران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نقاط قوت (S)	فرصت‌ها (O)
S1- کاهش فشار بر منابع آبی کشور S2- درآمدزایی و کسب سود برای تولیدکنندگان S3- برقراری شبکه اطلاعاتی افقی و عمودی S4- افزایش ضریب اطمینان امنیت غذایی کشور S5- توانمندی و ارتقای دانش فنی و تجربی زارعان سرمایه‌گذار S6- اشتغال‌زایی برای زارعان، جوانان و فارغ‌التحصیلان جویای کار S7- استفاده کارآمد از فعالان و سرمایه‌گذاران	O1- جهانی سازی کسب و کار و تولیدات ایرانی O2- امکان استفاده از حمایت‌های مالی-سیاسی دولت میزبان در جهت منافع ملی دو کشور O3- افزایش قدرت منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و تعاملات سیاسی ایران O4- انتقال ارزش‌های فرهنگی و روابط دوستانه بین دو کشور O5- توسعه کسب و کارهای تولیدی داخل کشور O6- رشد و توسعه اقتصادی کشور O7- استفاده از پتانسیل‌های تولیدی کشور میزبان
نقاط ضعف (W)	تهدیدها (T)
W1- نیازمند توانایی‌های علمی، فنی و مدیریتی W2- جذب افراد متمکن (داشتن مخاطب خاص) W3- زیاده‌بودن ریسک سرمایه‌گذاری W4- ضعف دانشی-اطلاعاتی W5- تطابق فرهنگی نداشتن سرمایه‌گذار با کشور میزبان W6- مستلزم آگاهی و آشنایی با قوانین و شرایط کشور میزبان W7- چالش‌های مسافرتی و اقامتی W8- نبود پشتیبانی رسمی نهادمند W9- فراهم نبودن بسترهای اطلاعاتی W10- اطلاع‌رسانی ناقص و وجود رانت اطلاعاتی W11- رفتار مداخله‌جویانه دولت W12- بی‌اعتمادی سرمایه‌گذار به نهادهای دولتی W13- چالش‌ها و محدودیت‌های گمرکی W14- ضعف مدیریتی در واردات محصولات تولیدی W15- ضعف در استانداردها، قوانین و آیین‌نامه‌های موجود W16- مشکلات حقوقی و اجرایی آیین‌نامه‌های مصوب	T1- ناتوانی و ناکارآمدی سازمان‌های متولی بالادست T2- ثبات نداشتن سیاست‌ها و برنامه‌های دولت T3- امکان خروج سرمایه‌های انسانی و مالی از کشور T4- وجود رقبای قوی و با نفوذ T5- نبود شفافیت اطلاعاتی T6- ضعف تعاملات سیاسی T7- احتمال وجود مشکلات امنیتی T8- تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران T9- تعارض‌های اجتماعی تأثیرگذار بر کشور میزبان

۲.۳. گام دوم: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFEM)

درمجموع، قوت‌ها در ۷ عامل و نقاط ضعف در ۱۶ عامل طبقه‌بندی شدند. بررسی و اظهارات مصاحبه شوندگان در تحقیق و نتایج ماتریس ارزیابی عوامل داخلی نشان داد که درآمدزایی و کسب سود برای تولیدکنندگان با کسب بیشترین امتیاز موزون (۰/۱۸۹)، کاهش فشار بر منابع آبی کشور با کسب امتیاز (۰/۱۸۰) و افزایش ضریب اطمینان امنیت غذایی کشور (۰/۱۷۱) به ترتیب به عنوان برترین نقاط قوت، بستر مناسبی را برای توسعه کشاورزی فراسرزمینی فراهم کرده‌اند. درمقابل از عمده نقاط ضعف می‌توان به مواردی از قبیل نیازمند توانایی‌های علمی، فنی و مدیریتی (۰/۰۶۳)، مشکلات حقوقی و اجرایی آیین‌نامه‌های مصوب (۰/۰۶۲)، اطلاع‌رسانی‌های ناقص و وجود رانت اطلاعاتی (۰/۰۶۲) و زیاده‌بودن ریسک سرمایه‌گذاری (۰/۰۶۲) اشاره کرد. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، نمره نهایی ماتریس IFEM از ۲/۵ کمتر شده است و این بدان معناست که کشاورزی فراسرزمینی از نظر عوامل داخلی دارای ضعف است (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFEM) کشاورزی فراسرزمینی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	عوامل داخلی	وزن	رتبه	رتبه‌های رند شده	امتیاز وزنی
نقاط قوت (S)					
۱	S1: کاهش فشار بر منابع آبی کشور	۰/۰۴۹	۳/۶۶۷	۴	۰/۱۸۰
۲	S2: درآمدزایی و کسب سود برای تولیدکنندگان	۰/۰۵۲	۳/۶۶۷	۴	۰/۱۸۹
۳	S3: برقراری شبکه اطلاعاتی افقی و عمودی	۰/۰۴۵	۳/۰۰۰	۳	۰/۱۳۴
۴	S4: افزایش ضریب اطمینان امنیت غذایی کشور	۰/۰۴۷	۳/۶۶۷	۴	۰/۱۷۱
۵	S5: توانمندی و ارتقای دانش فنی و تجربی زارعان سرمایه‌گذار	۰/۰۴۴	۳/۶۶۷	۴	۰/۱۶۲
۶	S6: اشتغال‌زایی برای زارعان، جوانان و فارغ‌التحصیلان جویای کار	۰/۰۳۹	۳/۳۳۳	۳	۰/۱۳۰
۷	S7: استفاده کارآمد از فعالان و سرمایه‌گذاران	۰/۰۴۰	۳/۱۶۷	۳	۰/۱۲۶
نقاط ضعف (W)					
۱	W1: نیازمند توانایی‌های علمی، فنی و مدیریتی	۰/۰۴۲	۱/۵۰۰	۲	۰/۰۶۳

۰/۰۶۰	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۵	W2: جذب افراد متمکن (داشتن مخاطب خاص)	۲
۰/۰۶۲	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۱	W3: بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری	۳
۰/۰۵۷	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۳	W4: ضعف دانشی-اطلاعاتی	۴
۰/۰۵۸	۱	۱/۰۰۰	۰/۰۴۳	W5: تطابق فرهنگی نداشتن سرمایه‌گذار با کشور میزبان	۵
۰/۰۴۲	۱	۱/۶۶۷	۰/۰۴۲	W6: مستلزم آگاهی و آشنایی با قوانین و شرایط کشور میزبان	۶
۰/۰۶۰	۲	۱/۵۰۰	۰/۰۳۶	W7: چالش‌های مسافرتی و اقامتی	۷
۰/۰۵۰	۱	۱/۰۰۰	۰/۰۵۰	W8: نبود پشتیبانی رسمی نهادمند	۸
۰/۰۵۶	۱	۱/۱۶۷	۰/۰۴۸	W9: فراهم نبودن بسترهای اطلاعاتی	۹
۰/۰۶۲	۲	۱/۵۰۰	۰/۰۴۱	W10: اطلاع‌رسانی ناقص و وجود رانت اطلاعاتی	۱۰
۰/۰۵۸	۲	۱/۵۰۰	۰/۰۳۹	W11: رفتار مداخله جویانه دولت	۱۱
۰/۰۵۸	۲	۱/۵۰۰	۰/۰۳۸	W12: بی‌اعتمادی سرمایه‌گذار به نهادهای دولتی	۱۲
۰/۰۵۷	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۳	W13: چالش‌ها و محدودیت‌های گمرکی	۱۳
۰/۰۵۵	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۱	W14: ضعف مدیریتی در واردات محصولات تولیدی	۱۴
۰/۰۶۱	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۶	W15: ضعف در استانداردها، قوانین و آیین‌نامه‌های موجود	۱۵
۰/۰۶۲	۱	۱/۳۳۳	۰/۰۴۷	W16: مشکلات حقوقی و اجرایی آیین‌نامه‌های مصوب	۱۶
۲/۰۱۳			۱	جمع	

۳.۳. گام سوم: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFEM)

براساس یافته‌های پژوهش، فرصت‌ها و تهدیدها به ترتیب در ۷ و ۹ عامل طبقه‌بندی شدند. از عمده فرصت‌های کشاورزی فراسرزمینی می‌توان به استفاده از پتانسیل‌های تولیدی کشور میزبان (۰/۳۱۲)، امکان استفاده از حمایت‌های مالی-سیاسی دولت میزبان در جهت منافع ملی دو کشور (۰/۲۷۴) و جهانی‌سازی کسب و کار و تولیدات ایرانی (۰/۲۵۷) اشاره کرد. از طرفی احتمال وجود مشکلات امنیتی (۰/۱۱۷)، تعارض‌های اجتماعی تأثیرگذار بر کشور میزبان (۰/۱۰۹) و ضعف تعاملات سیاسی (۰/۰۹۷) نیز از عوامل مهم تهدیدکننده توسعه کشاورزی فراسرزمینی هستند. نمره نهایی ماتریس EFE از مقدار میانگین یعنی ۲/۵ کمتر شده است و این بدان معناست که کشاورزی فراسرزمینی در خصوص استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها به خوبی عمل نمی‌کند (جدول ۳).

جدول ۳. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) کشاورزی فراسرزمینی

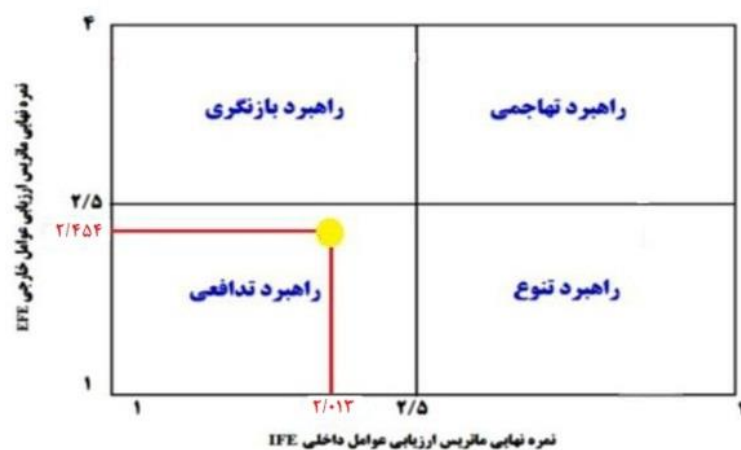
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	عوامل خارجی	وزن	رتبه	رتبه‌های رند شده	امتیاز وزنی
فرصت‌ها (O)					
۱	O1: جهانی سازی کسب و کار و تولیدات ایرانی	۰/۰۶۸	۳/۸۳۳	۴	۰/۲۵۷
۲	O2: امکان استفاده از حمایت‌های مالی-سیاسی دولت میزبان در جهت منافع ملی دو کشور	۰/۰۷۱	۳/۸۳۳	۴	۰/۲۷۴
۳	O3: افزایش قدرت منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و تعاملات سیاسی ایران	۰/۰۶۰	۳/۳۳۳	۳	۰/۱۹۹
۴	O4: انتقال ارزش‌های فرهنگی و روابط دوستانه بین دو کشور	۰/۰۶۰	۳/۵۰۰	۴	۰/۲۰۹
۵	O5: توسعه کسب و کارهای تولیدی داخل کشور	۰/۰۶۱	۳/۳۳۳	۳	۰/۲۰۴
۶	O6: رشد و توسعه اقتصادی کشور	۰/۰۵۴	۳/۳۳۳	۳	۰/۱۸۰
۷	O7: استفاده از پتانسیل‌های تولیدی کشور میزبان	۰/۰۷۸	۴/۰۰۰	۴	۰/۳۱۲
تهدیدها (T)					
۱	T1: ناتوانی و ناکارآمدی سازمان‌های متولی بالادست	۰/۰۶۹	۱/۳۳۳	۱	۰/۰۹۱
۲	T2: ثبات نداشتن سیاست‌ها و برنامه‌های دولت	۰/۰۷۹	۱/۱۶۷	۱	۰/۰۹۲
۳	T3: امکان خروج سرمایه‌های انسانی و مالی از کشور	۰/۰۲۶	۲/۰۰۰	۲	۰/۰۵۱
۴	T4: وجود رقابت قوی و با نفوذ	۰/۰۶۷	۱/۳۳۳	۱	۰/۰۸۹
۵	T5: نبود شفافیت اطلاعاتی	۰/۰۵۸	۱/۵۰۰	۲	۰/۰۸۶
۶	T6: ضعف تعاملات سیاسی	۰/۰۶۵	۱/۵۰۰	۲	۰/۰۹۷
۷	T7: احتمال وجود مشکلات امنیتی	۰/۰۷۰	۱/۶۶۷	۲	۰/۱۱۷
۸	T8: تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران	۰/۰۵۱	۱/۶۶۷	۲	۰/۰۸۵
۹	T9: تعارض‌های اجتماعی تأثیرگذار در کشور میزبان	۰/۰۶۶	۱/۶۶۷	۲	۰/۱۰۹
جمع		۱			۲/۴۵۴

۳. ۴. گام چهارم: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IFE)

براساس جدول ارزیابی ماتریس عوامل داخلی (IFE)، نمره وزن کل به‌دست‌آمده برابر با ۲/۰۱۳ و نمره وزن کل ماتریس خارجی (EFEM) برابر با ۲/۴۵۴ است. سپس آن‌ها در

محورهای X و Y رسم می‌شوند؛ بدین صورت که جمع امتیازهای نهایی ارزیابی عوامل داخلی روی محور X ها و جمع امتیازهای نهایی ارزیابی عوامل خارجی روی محور Y ها نشان داده می‌شود. نقطه تلاقی جمع امتیازهای عوامل داخلی و خارجی کشاورزی فراسرزمینی روی محور X ها و Y ها، تعیین‌کننده موقعیت کشاورزی فراسرزمینی در ماتریس راهبردها و اولویت‌های اجرایی است. موقعیت کشاورزی فراسرزمینی ایران در ماتریس راهبردها، تعیین‌کننده راهبردهای قابل قبول برای بهبود وضعیت کشاورزی فراسرزمینی ایران است. این راهبردها، راهبردهای مبتنی بر محیط تدافعی هستند؛ بنابراین هنگام برنامه‌ریزی، مبنا قرار دادن راهبردهای تدافعی در اولویت قرار دارند (شکل ۱).



شکل ۱. ماتریس داخلی و خارجی کشاورزی فراسرزمینی (IEM)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۳.۵. گام پنجم: تدوین راهبردهای SWOT

بعد از انتخاب و ارزیابی مهم‌ترین فاکتورهای داخلی و خارجی و ارتباط موجود بین فاکتورها و با توجه به نتایج حاصل از ماتریس SWOT، اطلاعات موردنیاز برای تدوین استراتژی‌ها مشخص شد. در این مرحله با استفاده از ماتریس SWOT و توازن بین عوامل داخلی و خارجی، چهار نوع الگو ارائه داده شده است (جدول ۴):

- الگوی تهاجمی، توسعه‌ای یا SO^۱ (حداکثر-حداکثر: حداکثر بهره برداری از فرصت‌ها با استفاده از نقاط قوت)؛
- الگوی رقابتی، تنوع یا ST^۲ (حداکثر-حداقل: کاهش آثار احتمالی تهدیدات با استفاده از نقاط قوت موجود)؛
- الگوی محافظه کارانه، بازنگری یا WO^۳ (حداقل-حداکثر: غلبه بر ضعف‌ها به منظور استفاده از فرصت‌ها)؛
- الگوی تدافعی، عقب نشینی یا WT (حداقل-حداقل: کاهش نقاط ضعف موجود با پرهیز از تهدیدها).

در جدول ماتریس گزینه‌های راهبردی، ۱۹ استراتژی برای کشاورزی فراسرزمینی ایران تعیین شد. از آنجاکه موقعیت کشاورزی فراسرزمینی ایران در ماتریس راهبردها و اولویت‌های اجرایی راهبردهای مبتنی بر محیط تدافعی هستند، هنگام برنامه‌ریزی، مبنا قرار دادن راهبردهای تدافعی در اولویت قرار دارند؛ به همین دلیل در مرحله بعد استراتژی‌های منتخب محیط تدافعی با استفاده از ماتریس QSPM اولویت‌بندی شدند.

1. strength and opportunity
2. strength and threat
3. weakness and opportunity

جدول ۴. ماتریس گزینه‌های راهبردی SWOT

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

استراتژی‌های WO	استراتژی‌های SO
WO1 کاهش چالش‌های اجتماعی و فرهنگی متقابل به‌واسطه روابط دوستانه و انتقال ارزش‌های فرهنگی مثبت WO2 حمایت همه‌جانبه نهادهای دولتی برای کاهش ضعف اطلاعات و دانش سرمایه‌گذار و مشکلات اقامتی در کشور میزبان WO3 ترغیب و ایجاد انگیزه برای بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری به منظور کاهش رفتار مداخله جویانه دولت و کاهش ریسک مالی و اعتباری WO4 افزایش توجه و سطح حمایت‌های دولتی از طریق خرید تضمینی محصولات با قیمت منطقی و ارائه تسهیلات اعتباری به بخش کشاورزی فراسرزمینی	SO1 بهبود حمایت نهادهای دولتی برای ارتقای روحیه فعالان و سرمایه‌گذاران ایرانی و امکان استفاده از حمایت مالی-سیاسی دولت میزبان SO2 افزایش درآمدزایی، کاهش هزینه‌های تولید، دسترسی به منابع تولیدی سایر کشورها به منظور رشد و توسعه اقتصادی کشور SO3 فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای زارعان، جوانان و فارغ‌التحصیلان جویای کار از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی SO4 جهانی‌سازی کسب‌وکار و تولیدات بهره‌برداران خارج از کشور به‌واسطه تولید محصولات سالم SO5 تقویت شبکه اطلاعاتی و تعاملی از طریق انتقال ارزش‌های فرهنگی مثبت و روابط دوستانه بین دو کشور SO6 افزایش ضریب اطمینان امنیت غذایی به‌واسطه افزایش قدرت منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و تعاملات سیاسی ایران
استراتژی‌های WT	استراتژی‌های ST
WT1 برطرف کردن نقص اطلاعاتی و ارائه اطلاعات شفاف و کسب اعتماد سرمایه‌گذار WT2 اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب و ارائه اطلاعات شفاف به منظور آگاهی از شرایط اجتماعی کشور میزبان و اعزام نیروهای آموزش‌دیده و پیرو آن کاهش چالش‌های اجتماعی و فرهنگی متقابل WT3 اجرایی و عملیاتی کردن آیین‌نامه و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی به منظور افزایش کارآمدی سازمان‌های متولی WT4 لزوم دخالت دولت به‌عنوان نظارت و پشتیبانی و واگذاری امور کشاورزی فراسرزمینی به بخش خصوصی WT5 کاهش رفتار مداخله جویانه دولت و به دنبال آن کاهش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و بهبود تعاملات سیاسی	ST1 اشتغال‌زایی برای جوانان و افراد مستعد به منظور جلوگیری از خروج سرمایه‌های مالی و انسانی ST2 تولید محصولات سالم به منظور رقابت با رقبای قوی و با نفوذ ST3 ایجاد شبکه اطلاعاتی و تعامل بین سرمایه‌گذاران و سازمان‌ها به منظور ارائه اطلاعات شفاف و حمایت‌های لازم ST4 تأمین امنیت غذایی از طریق دسترسی به منابع تولیدی سایر کشورها در مواقع وضع تحریم علیه ایران

۶.۳. گام ششم: اولویت‌بندی راهبردها با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM)

در وضعیت فعلی کشاورزی فراسرزمینی باید به راهبردهای تدافعی توجه شود و در اولویت برنامه‌ریزان و مدیران قرار گیرد؛ بنابراین برای ارائه راهنمایی‌های بیشتر به منظور بهبود توسعه کشاورزی فراسرزمینی ایران، در جدول برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، تأثیر سایر عوامل داخلی و خارجی بررسی شده بر راهبردهای محیط منتخب (تدافعی) محاسبه شده و راهبردها اولویت‌بندی شدند. مجموع نمره‌های جذابیت برای استراتژی‌های تدافعی (WT) کشاورزی فراسرزمینی ایران با روش QSPM به شرح جدول ۵ است. تمام این استراتژی‌ها نیازمند توجه هستند، اما براساس ارزیابی میانگین نمرات استراتژی‌های تدافعی در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، استراتژی «اجرایی و عملیاتی کردن آیین‌نامه و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی به منظور افزایش کارآمدی سازمان‌های متولی» به‌عنوان بهترین استراتژی انتخاب شد.

جدول ۵. نتیجه نهایی تجزیه و تحلیل QSPM برای اولویت‌بندی استراتژی‌های تدافعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	استراتژی‌های کلی	نمره استراتژی‌ها	اولویت استراتژی‌ها
WT3	اجرایی و عملیاتی کردن آیین‌نامه و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی به منظور افزایش کارآمدی سازمان‌های متولی	۴/۱۲۲	اول
WT5	کاهش رفتار مداخله جویانه دولت و به دنبال آن کاهش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و بهبود تعاملات سیاسی	۲/۲۷۲	دوم
WT4	لزوم دخالت دولت به‌عنوان نظارت و پشتیبانی و واگذاری امور کشاورزی فراسرزمینی به بخش خصوصی	۱/۷۹۸	سوم
WT2	اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب و ارائه اطلاعات شفاف به منظور آگاهی از شرایط اجتماعی کشور میزبان و اعزام نیروهای آموزش‌دیده و پیرو آن کاهش چالش‌های اجتماعی و فرهنگی متقابل	۱/۶۱۶	چهارم
WT1	برطرف کردن نقص اطلاعاتی و ارائه اطلاعات شفاف و کسب اعتماد سرمایه‌گذار	۱/۳	پنجم

۴. بحث و نتیجه‌گیری

کشاورزی فراسرزمینی به‌عنوان تضمینی برای افزایش تولیدات غذایی و سوخت‌های زیستی در جهان اهمیت زیادی پیدا کرده است (ویسر و اسپور^۱، ۱۳۸۹). طبق تحقیقات، کشاورزی فراسرزمینی می‌تواند دو روی یک سکه در نظر گرفته شود؛ چون می‌تواند به معادله برد یا باخت منجر شود. کاملاً روشن است که کشورهای سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هر دو انتظار بیشترین سود و حداقل ضرر را دارند (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱) در طول چند سال اخیر اقدامات بسیاری در زمینه کشاورزی فراسرزمینی کشور ایران نیز صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که در بند الف ماده یک آیین‌نامه‌ی مصوب هیئت دولت در تاریخ ۹۵/۱/۲۹ به موضوع کشاورزی فراسرزمینی پرداخته شده است (جهانگیری، ۱۳۹۵). از آن زمان تاکنون دولتمردان به اتخاذ قراردادهای زراعی با دیگر کشورها از جمله برزیل، قرقیزستان، ویتنام، اروگوئه، قزاقستان، اوکراین، آذربایجان، روسیه و غنا اقدام کرده‌اند (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴؛ آژانس خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴). اکنون بیش از ۲,۵ میلیون هکتار از اراضی برای کشت فراسرزمینی پیشنهاد شده است که مذاکره با کشورهای مرتبط در حال انجام است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۶؛ سایت آخرین اخبار انگلیسی اقتصادی ایران، ۲۰۱۶). در ایران کمتر تحقیقی با موضوع کشاورزی فراسرزمینی انجام گرفته است و با وجود گذشت چند سال از تصویب آیین‌نامه، محققان شناخت کافی از آن ندارند و سرمایه‌گذاران در اجرا به مشکلاتی برخورد کرده‌اند؛ بنابراین این پژوهش با هدف تحلیل راهبردی کشاورزی فراسرزمینی ایران انجام گرفت که به فاکتورها و استراتژی‌هایی منتهی شد که در ادامه به تفسیر مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است.

سابقه کشاورزی فراسرزمینی در دنیا نشان داده است که کشورهای سرمایه‌گذار اغلب وضعیت برد را تجربه می‌کنند که می‌تواند به‌وضوح انگیزه و علاقه آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در معاملات فراملی زمین نشان دهد. به‌طورکلی بعد اقتصادی تصویر پایدارتری از کشاورزی فراسرزمینی نشان می‌دهد. در این بعد شواهد روشنی از منافع سرمایه‌گذاران و دولت

1. Visser & Spoor

کشورهای میزبان وجود دارد (آزادی و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج مطالعه نیز نشان داد که «درآمدزایی و کسب سود» یکی از نقاط قوت درخور توجه برای انجام کشاورزی فراسرزمینی توسط شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران ایرانی است. بسیاری از سرمایه‌گذاران هستند که فقط به دلیل کسب ثروت رو به کشاورزی فراسرزمینی آورده‌اند (دنیل، ۱۳۹۰). یکی از دلایل این موضوع کم بودن هزینه‌های کشاورزی در زمین‌های خارجی در مقایسه با زمین‌های داخلی است (وزارت کشاورزی، ۱۳۹۶)؛ زیرا قیمت زمین‌های کشاورزی (زولین و براگون، ۱۳۹۲) و هزینه‌های کارگری (جوان، ۲۰۱۴) کمتر است. تحقیقات زولین و براگون (۱۳۹۲) و آزادی و همکاران (۱۳۹۱) نیز گویای همین امر هستند. به گفته یکی از کارشناسان کشاورزی فراسرزمینی، «به ازای حداقل هزینه اجاره زمین در ایران می‌توان در خارج از کشور زمین اجاره کرد، کشت کرد و محصول را برداشت نمود».

دومین عامل مهم در بین نقاط قوت، «کاهش فشار بر منابع آبی کشور» است که خالدی و همکاران (۲۰۱۵) نیز بر این مطلب تأکید دارند. طبق مطالعه عرب و همکاران (۲۰۱۶) با وجود کشاورزی فراسرزمینی هدفمند، از حدود ۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی کاسته می‌شود. کشور ایران در منطقه نیمه‌خشک قرار دارد و در تولیدات زراعی با محدودیت منابع آب روبه‌رو است؛ در نتیجه کشت محصولات آب‌بر در کشور دیگر مقرون‌به‌صرفه نیست (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نصر اصفهانی، ۱۳۹۳؛ وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۶). همین مشکل در کشورهای دیگر هم وجود دارد (زولین و براگون، ۱۳۹۲؛ بوراس و همکاران، ۱۳۹۵). مسئله باعث شده است که جلوگیری از هدررفت آب و احیای آب‌های زیرزمینی یکی از بزرگ‌ترین مزایای کشاورزی فراسرزمینی در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه از ۶۰۹ دشت کشور ایران، نیمی از آن به مرحله بحرانی رسیده است و دیگر نمی‌توان از آن استفاده کرد، کشاورزی فراسرزمینی می‌تواند جایگزینی مؤثر برای حل این بحران باشد (نصر اصفهانی، ۱۳۹۳؛ ماهنامه سنبله، ۱۳۹۶). از سوی دیگر موضوع کشاورزی فراسرزمینی کشور ایران یکی از مهم‌ترین راهکارهایی است که طی سال‌های اخیر و با الگوگیری از تجربیات سایر کشورها برای ارتقای امنیت غذایی به آن پرداخته شده است. تحریم‌های اقتصادی در دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ به‌خوبی نشان داد، ناپایداری امنیت

غذایی به عنوان پاشنه آشیل کشور ایران برای طرح نارضایتی اجتماعی داخلی به حساب می‌آید (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳).

در اینجا باید به سومین نقطه قوت کشاورزی فراسرزمینی ایران یعنی «افزایش ضریب اطمینان امنیت غذایی کشور» اشاره شود. درواقع یکی از روش‌های پیشنهادشده برای برخورداری از منابع دائمی غذایی، کشاورزی فراسرزمینی است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۳)؛ زیرا کشاورزی فراسرزمینی با اطمینان بخشی در حوزه واردات محصولات مورد نیاز کشور می‌تواند به امنیت غذایی پایدار در کشور کمک کند (وزارت کشاورزی، ۱۳۹۶)، اما در مقابل به عقیده عرب و همکاران (۱۳۹۵) کشت‌های فراسرزمینی در برخی مسائل وابستگی ایجاد می‌کند و امنیت غذایی کشور را به خطر می‌اندازد. به عنوان راهکار بهتر است برای جلوگیری از وابسته شدن به یک منبع خاص، کشورهای میزبان متنوعی را در نظر گرفت.

از مهم‌ترین نقاط ضعف کشاورزی فراسرزمینی می‌توان به «نبود توانایی‌های علمی، فنی و مهارتی» اشاره کرد که در بین فاکتورها بیشترین امتیاز وزنی را به خود اختصاص داد؛ هر چند این فاکتور هم یک جاذبه و هم یک دافعه محسوب می‌شود. از این نظر می‌تواند جاذبه باشد که فرد متقاضی با داشتن توانایی‌های فنی و مدیریتی و داشتن سرمایه، تجربه و تخصص می‌تواند در این حوزه به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا کند، اما در مقابل نبود این توانایی‌ها و وجود ضعف در سامان‌دهی و مدیریت کشاورزی فراسرزمینی و نداشتن روابط اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی سطح بالا، می‌تواند مانع بزرگی محسوب شود. براساس مطالعه سازمان تحقیقات و قانون‌گذاری کره (۲۰۱۷) آموزش و پرورش و ایجاد خدمات رفاهی برای افراد مرتبط با توسعه کشاورزی فراسرزمینی جزو قوانین آیین‌نامه‌ای کشاورزی فراسرزمینی این کشور است؛ چراکه شرکت‌ها و سازمان‌های کشاورزی فراسرزمینی باید مهارت‌های بسیار حرفه‌ای داشته باشند و در زمینه تجارت کشاورزی آموزش ببینند.

دومین نقطه ضعف بزرگ کشاورزی فراسرزمینی ایران به «مشکلات حقوقی و اجرایی آیین‌نامه‌های مصوب» مربوط است که بدون شک بی‌ارتباط با نقطه ضعف بعدی یعنی «اطلاع‌رسانی‌های ناقص و وجود رانت اطلاعاتی» نیست. یکی از توصیه‌هایی که مطالعات زیادی، موقع خرید و اجاره زمین‌های بزرگ مقیاس دیگر کشورها به آن اشاره کرده‌اند، وجود

مذاکرات شفاف و اطلاعات درست است. درواقع شفاف بودن مذاکرات به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های مدنظر در کشاورزی فراسرزمینی است (هاونویک^۱، ۱۳۸۸؛ ژاوکسین، ۱۳۹۵؛ سیندایگایا^۲، ۱۳۹۲؛ انوشه‌پور و نصیری، ۱۳۹۳؛ هالام، ۱۳۸۸؛ کاتولا و همکاران، ۱۳۸۸؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ داویا، ۱۳۹۰؛ دنیل، ۲۰۱۱؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ دیویس و همکاران، ۱۳۹۳). در مطالعات همچنین به نبود شفافیت قراردادهای و ترویج اخبار نادرست به‌عنوان یکی از پیامدهای سیاسی مضر اشاره شده است. مطالعه انسو و همکاران (۱۳۹۲) در راستای ارائه هر چه بیشتر اطلاعات در زمینه معاملات زمین و داده‌هایی که به صورت محرمانه و محفوظ هستند، انجام شده است. آن‌ها ماتریس زمین را به‌عنوان منبع مناسبی برای کسب اطلاعات در این زمینه معرفی می‌کنند. در کشور ایران به نظر می‌رسد عواملی در بروز چنین نقاط ضعف مهمی تأثیرگذارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. به روز نبودن قوانین و نبود شفافیت ضوابط و مقررات درخصوص جلب مشارکت بخش خصوصی؛

۲. مشخص نبودن نوع حمایت‌های دولت ایران؛

۳. وجود عملکردهای نامناسب در زمینه کشاورزی فراسرزمینی قبل از تصویب و ابلاغ آیین‌نامه کشاورزی فراسرزمینی؛

۴. نبود پشتوانه اجرایی برای آیین‌نامه کشاورزی فراسرزمینی؛

۵. تصویب نشدن و ابلاغ نشدن ضوابط تعیین صلاحیت متقاضیان.

درمجموع با شفاف نبودن آمار و اطلاعات، آمارسازی‌های کاذب و نابرابری فرصت‌های کسب اطلاعات بین فعالان و مشکلاتی که در آیین‌نامه‌های مصوب دولت وجود دارد، این طرح موفقیت چندانی به دست نخواهد آورد.

در این مطالعه فرصت‌ها و تهدیدهای کشاورزی فراسرزمینی ایران نیز به‌عنوان فاکتورهایی که ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل خارجی هستند، بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که در گروه فرصت‌ها «استفاده از پتانسیل‌های تولیدی کشور میزبان» به‌عنوان مهم‌ترین فرصت توسعه

1. Havnevik

2. Sindayigaya

کشاورزی فراسرزمینی است؛ بنابراین باید به این نکته توجه کرد که کشورهایی به عنوان میزبان انتخاب شوند که از نظر امکانات و منابع تولید دارای ظرفیت و پتانسیل مناسبی هستند (مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب، ۱۳۹۶). تاکنون کشورهای قاره آسیا به خصوص دو کشور چین و هند به دلیل کم شدن زمین‌های داخلی، انرژی و منابع طبیعی بیشترین تمایل را به سمت کشاورزی فراسرزمینی داشته‌اند و از زمین کشورهای میزبان برای کاشت غلات و انواع محصولات زراعی استفاده می‌کنند (زولین و براگون، ۲۰۱۳). همچنین در گروه فرصت‌ها، «امکان استفاده از حمایت‌های مالی-سیاسی دولت میزبان در جهت منافع ملی دو کشور» از جمله فاکتورهایی است که می‌توان برای توسعه کشاورزی فراسرزمینی از آن بهره‌مند شد. کشاورزی فراسرزمینی می‌تواند معامله‌ای برد-برد باشد. کشورهای میزبان باید به این امر توجه داشته باشند که سرمایه‌گذاران نیاز دارند بخشی از تکنولوژی موردنیاز برای تولید محصول را وارد کنند و زیرساخت‌های لازم برای رسیدن به تولید موفق و سپس برای حمل و نقل کالاها را بسازند. اگر سرمایه‌گذاران منصفانه به مردم محلی اجازه مشارکت در تأسیس زیرساخت‌ها را بدهند و به آن‌ها آموزش دهند، حداقل بخشی از انتقال موفق فناوری تضمین می‌شود. این چنین شرایطی قطعاً می‌تواند به عنوان یک فرصت برای کشورهای میزبان باشد و به معادله دو سر سود منتهی شود (سیندایگایا، ۱۳۹۲؛ اوپا^۱، ۱۳۹۲؛ کنفرانس آکادمیک بین‌المللی^۲، ۱۳۹۱؛ کومار، ۱۳۸۹)؛ با وجود این، نگاه منتقدان را نیز باید در نظر گرفت که این موضوع را چنگ اندازی به زمین یا استعمار می‌نامند و معتقدند باید جلوی آن را گرفت و این فرایند را به عنوان یک معامله برد-باخت تفسیر می‌کنند (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ هالام، ۱۳۸۸)؛ زیرا شواهد حاصل از برخی مستندات حاکی از آن است که شغل‌های ایجادشده کم، کوتاه‌مدت و کم‌درآمد هستند (انوشه‌پور و نصیری، ۱۳۹۳). در هر حال طبق گفته هاونویک (۱۳۸۸) معاملات باید به گونه‌ای باشند که تقسیمی عادلانه بین منافع جوامع محلی و سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد. کشور ایران می‌تواند با همکاری‌های دوجانبه زمینه استفاده از بخش درخت‌توجهی از زمین‌های زراعی کشورهای دیگر را به دست آورد و به کشت‌های

1. Oya

2. International Academic Conference

مختلفی همچون دانه‌های روغنی و... پردازد؛ ازاین‌رو بخش اساسی از نیازمندی دانه‌های روغنی کشور را با حداکثر نیمی از قیمت تمام‌شده جهانی تولید کند و می‌تواند علاوه بر تأمین نیازمندی‌های کشور گامی هم در جهت حل مشکلات بخش کشاورزی کشورهای میزبان بردارد. کشور ایران باید با این هدف به سمت کشاورزی فراسرزمینی گام بردارد که سرمایه مالی و انسانی مجرب و با مهارت را برای کار روی زمین‌ها و تولید محصولات تأمین کند و به پیشرفت کشاورزی و توسعه صنعتی این کشورها کمک کند. به دست آوردن مبادلات خارجی در بخش کشاورزی کشورها یکی از نتایج کشاورزی فراسرزمینی است (لاورز، ۱۳۹۱). این موضوع با یکی دیگر از فرصت‌های کشاورزی فراسرزمینی ایران یعنی «جهانی‌سازی کسب‌وکار و تولیدات ایرانی» همخوانی دارد که در مطالعه آزادی و همکاران (۲۰۱۶) نیز به این مطلب اشاره شده است. در مطالعه آرنستین^۱ (۱۳۹۳) نیز به مواردی از قبیل ایجاد و حمایت از مبادلات بین کشاورزان کشورهای مختلف و مطلع شدن از تولیدکنندگان خارج از کشور خود و کسب اطلاعات کلیدی درمورد جامعه کشاورزی آن‌ها از طریق روابط دوجانبه سودمند و تبادل فرهنگی اشاره شده است. درواقع کشاورزی فراسرزمینی می‌تواند در شناسایی و معرفی محصولات جدید و رقابت‌پذیر در عرصه جهانی مؤثر باشد؛ به‌عنوان مثال کشور سرمایه‌گذار می‌تواند در تولید محصولاتی سرمایه‌گذاری کند که بومی کشور میزبان و جایگزین‌های خوبی برای محصولات داخلی هستند. اجرای کشاورزی فراسرزمینی همچنین می‌تواند در بلندمدت زمینه را برای صادرات محصولات فراهم کند و به منبع درآمد ارزی برای کشور تبدیل شود؛ زیرا باعث حضور فعالان کشاورزی کشور در بازارهای جهانی می‌شود که این امکان افزایش سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها را فراهم خواهد کرد.

براساس یافته‌های تحقیق، در گروه تهدیدها مهم‌ترین تهدید پیش روی انجام کشاورزی فراسرزمینی ایران «احتمال وجود مشکلات امنیتی» عنوان شده است. یکی از اصول اساسی برای کشاورزی فراسرزمینی احترام به حقوق، معیشت و منابع کشور میزبان است (اوپا، ۱۳۹۲؛ هاونویک، ۱۳۸۸)؛ بنابراین اگر به هر دلیلی به هریک از این موارد آسیبی وارد شود، می‌تواند واکنش منفی کشاورزان کشورهای میزبان را به واگذاری زمین‌های کشاورزی به اتباع خارجی

1. Arnstein

به دنبال داشته باشد. این مسئله همچنین می‌تواند به دومین تهدید پیش‌روی کشاورزی فراسرزمینی یعنی «تعارض‌های اجتماعی تأثیرگذار بر کشور میزبان» نیز منجر شود. درمورد تأثیرات کشاورزی فراسرزمینی در جوامع و کشورهای میزبان مطالعات بسیاری انجام شده است (لیو^۱، ۱۳۹۳؛ هالام، ۱۳۸۸؛ ادلمن و همکاران، ۱۳۹۲؛ هاونویک، ۱۳۸۸؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نصراففهان، ۱۳۹۳؛ کنفرانس آکادمیک بین‌المللی، ۱۳۹۱؛ انوشه‌پور و نصیری، ۱۳۹۳؛ دنیل، ۱۳۹۰). در برخی از این مطالعات کشاورزی فراسرزمینی را به تعبیری چنگ‌اندازی به زمین (آریا، ۱۳۹۲؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سابلونیره^۲، ۱۳۹۵؛ هالام، ۱۳۹۰) نامیده‌اند که در آن سرمایه‌گذاران، مردم محلی را از زمین‌هایشان بیرون کرده یا آن‌ها را مجبور به ترک زمین‌هایشان می‌کنند (آزادی و همکاران، ۱۳۹۵). این فرایند اغلب با خشونت، درگیری یا مشکلات امنیتی دیگری همراه است؛ بنابراین توجه به این نکته ضروری است که معاملات مربوط به کشاورزی فراسرزمینی را باید به سمتی هدایت کرد که منافع و حقوق مردم روستایی و جوامع میزبان از لحاظ دسترسی به زمین، تأمین غذا و معیشت آن‌ها و جنبه‌های زیست‌محیطی پایدار حفظ شود و برای تنظیم معامله مناسب باید سیاست، اقتصاد و جنبه‌های اجتماعی و محیط زیستی با احترام به وضعیت بومی منطقه به‌خصوص در کشور میزبان در نظر گرفته شوند. باید چارچوب قانونی و سیاست‌گذاری‌های لازم تدوین شود که مزایای حاصل از این توسعه به حداکثر و خطرات به حداقل برسد؛ اگرچه پایگاه‌های اطلاعاتی برای طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر و قانونی کشاورزی فراسرزمینی هنوز بسیار ضعیف هستند؛ بنابراین نیاز فوری به نظارت بر میزان، ماهیت و تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی و بهترین روش‌های قانونی و سیاستی برای بهتر شدن اطلاعات چه برای کشورهای میزبان و چه سرمایه‌گذار لازم است. سومین تهدید «ضعف تعاملات سیاسی» است. توافقات دوجانبه شامل تجارت متقابل (هالام، ۲۰۰۹) یکی از اصول اساسی برای کشاورزی فراسرزمینی و گسترش و استحکام روابط تجاری

1. Liu

2. Sablonnière

شرط پایداری معاملات کشاورزی فراسرزمینی است. کشور ایران برای حضور موفق در فرایند کشاورزی فراسرزمینی با دو مجموعه مسائل و موضوعات مواجه است:

الف. مسائل و موضوعات فنی و تکنولوژیک کشاورزی که بتوانند جاذبه لازم را برای پذیرش ایران در کشورهای میزبان فراهم کنند؛

ب. مسائل و موضوعات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی که به شکل‌های مختلف ایران در آن‌ها حضور دارد. در چنین وضعیتی، ایران برای دستیابی به اهداف خود در تحقق و اجرایی کردن کشاورزی فراسرزمینی، بیش از دو راهکار فراروی خود ندارد:

۱. پیگیری سیاست ادغام و برگشت به عرصه بین‌المللی از طریق رفع موانع فرارو؛
۲. اعطای امتیازات بی‌دریغ و سخاوتمندانه به کشورهای میزبان به منظور تمایل به عقد قرارداد.

به نظر می‌رسد راهکار نخست هم از جنبه اجرایی و هم از جنبه اقتصادی برای ایران مناسب‌تر باشد (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳). ثبات رفتار سیاسی برای توسعه کشاورزی فراسرزمینی ضروری است. به نقل از کومار (۱۳۸۹) باید توجه داشت که بهبود ارتباطات اولین گام ضروری برای توسعه کشاورزی فراسرزمینی و دیگر ارتباطات اقتصادی است. اینکه هر چند سال یک‌بار با تغییر دولت‌ها، سیاست‌های مربوط به روابط خارجی نیز دگرگون می‌شود، توسعه کشاورزی فراسرزمینی را با مشکل مواجه خواهد کرد؛ زیرا در این صورت کشورهای هدف نمی‌توانند روی حرف کشور سرمایه‌گذار حساب باز کرده و به آن اعتماد کنند. در کشاورزی فراسرزمینی غالباً کشورهای موفق هستند که عزم ملی و جدی در سیاست‌گذاری و اجرا در همه بخش‌های کشور اعم از دیپلماسی و حوزه اقتصادی وجود دارد، از طرف دیگر روابط سیاسی با ثباتی دارند و می‌توانند طولان مدت در این حوزه سرمایه‌گذاری کنند.

با توجه به جایگاه تدافعی حاصل شده از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی کشاورزی فراسرزمینی، نتایج نشان می‌دهد که باید با پرهیز از تهدیدها نقاط ضعف موجود را کاهش داد. در میان استراتژی‌های مختلف الگوی تدافعی، استراتژی WT3 مربوط به اجرایی و عملیاتی کردن آیین‌نامه و سیاست‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی به منظور افزایش

کارآمدی سازمان‌های متولی دارای بیشترین امتیاز و اولویت اول شناخته شد. علاوه بر این باید اضافه کرد که مجموعه حاکمیت در ایران باید تسهیلات و تمهیداتی را برای کشاورزی فراسرزمینی فراهم کند که می‌توان به اخذ مجوز فعالیت، پشتیبانی و ارائه اطلاعات، مشاوره‌های حقوقی درباره قوانین و مقررات، ضوابط و شرایط سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان، ارائه اطلاعات درباره نحوه مالکیت، اجاره و بهره‌برداری از اراضی، ارائه ضمانت‌های موردنیاز برای سرمایه‌گذاری، حمایت از نیروی کار، مجوزهای لازم برای تسهیل ورود و خروج موقت ماشین‌های کشاورزی و نهاده‌های موردنیاز و تخصیص نیافتن عوارض برای ورود نهاده‌های موردنیاز فرد سرمایه‌گذار به کشور میزبان اشاره کرد.

کتابنامه

۱. اسماعیل زاده، ح.، حیدری، م.، کانونی، ر.، و یارمرادی، ک. (۱۳۹۴). راهبرد بهینه پایدارسازی محیط زیست شهری محمودآباد (با بهره‌گیری از مدل SWOT و ماتریس QSPM). فصلنامه آمایش محیط. ۳۲، ۱۲۵-۱۵۰.
۲. اعرابی، م. (۱۳۸۹). *دستنامه برنامه ریزی استراتژیک* (چاپ سوم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. انوشه پور، ا.، و نصیری، م. (۱۳۹۳). *کشاورزی فراسرزمینی: تجارب کشورها در سرمایه‌گذاری خارجی* (جلد اول). تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
۴. جهانگیر، م.، و محمدی، ع. (۱۳۹۶). ارزیابی توان توسعه زمین گردشگری غار کرفتو استان کردستان با استفاده از مدل استراتژیک SWOT و مدل تحلیلی FASSOULAS. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۴)، ۱۶۷-۱۸۲.
۵. جهانگیری، ا. (۱۳۹۵). *آیین‌نامه کشت فراسرزمینی*. وزارت جهاد کشاورزی.
۶. خالدی، ک.، شمشادی، ک.، هلالی، ع.، حقانی، ف.، ملایری، ف.، شیخعلی، م.، ...، و قربانی، ا. (۱۳۹۳). *کشاورزی فراسرزمینی: ظرفیت‌های تولید محصولات کشاورزی کشورهای همسایه و طرف‌های اصلی تجاری* (جلد دوم). تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
۷. رخشانی نسب، ح.، و صفری، خ. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی راهبردی مدیریت پسماند شهر زاهدان به روش SWOT. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۸(۳)، ۱۴۹-۱۶۴.

۸. زرقانی، ه.، قنبری، م.، و رضوی‌نژاد، م. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل راهبردهای مدیریت مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی با استفاده از مدل SWOT-ANP. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۲)، ۲۸۹-۳۰۵.

۹. سایت اقتصاد آنلاین (www.eghtesadonline.com)

۱۰. سایت خبرگزاری علم و فناوری استان گیلان (www.stnews.ir)

۱۱. سایت مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب (www.awnrc.com)

۱۲. سایت وزارت جهاد کشاورزی (www.maj.ir)

۱۳. عرب، م.، پورنبی، ن.، براتعلی، م.، و براتعلی، ح. (۱۳۹۵). بررسی سه کشور آفریقایی به عنوان کشورهای هدف برای ایران، در موضوع کشت فراسرزمینی. مقاله ارائه شده در دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران.

۱۴. عرب، م.، پورنبی، ن.، و عابدی، ا. (۱۳۹۵). راهکار نجات ایران از بحران آب؛ کشت فراسرزمینی. مقاله ارائه شده در نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران.

۱۵. کشاورز، م.، قدیری معصوم، م.، عیاشی، ا.، و سرپرست، ح. (۱۳۹۳). تحلیل راهبردهای توسعه گردشگری پایدار براساس مدل «ماتریس داخلی - خارجی» و تحلیل استراتژیک سوات (SWOT) (مطالعه موردی: شهرستان خرم آباد). فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۴)، ۲۱-۴۶.

۱۶. کشت فراسرزمینی و امنیت غذایی. (۱۳۹۶). ماهنامه سنبله، ماهنامه تحلیلی، علمی، فنی، کشاورزی و زیست محیطی، ۳۰(۲۵۷)، ۵۸.

۱۷. نصر اصفهانی، ا. (۱۳۹۳). کشاورزی فراسرزمینی: ظرفیت های تولید و مبنای حقوقی کشورهای منتخب (جلد سوم). تهران: مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.

18. Anseeuw, W., Lay, J., Messerli, P., Giger, M., & Taylor, M. (2013). Creating a public tool to assess and promote transparency in global land deals: the experience of the Land Matrix. *The Journal of Peasant Studies*, 40(3), 521-530.
19. Araya, M. (2013). *Effects of large-scale agricultural investments on smallholder farming in Sub-Saharan Africa (Case study: Ethiopia)* (Unpublished master's thesis). Lund University, Swedish.
20. Arnstein, M. (2014). *Farming beyond borders: Cuba & Puerto Rico. Nofa-Vermont's farming beyond borders program: A farmer-to-farmer exchange program*. Retrieved from <https://nofavt.org/programs/farmer-education-services/farming-beyond-borders>

21. Azadi, H., Houshyar, E., Zarafshani, K., Hosseininia, G., & Witlox, F. (2012). Agricultural outsourcing: A two-headed coin? *Global and Planetary Change*, 100, 20-27.
22. Azadi, H., Vandergeten, E., Teklemariam, D., Nyssen, J., Witlox, F., & Vanhaute, E. (2016). Agricultural outsourcing or land grabbing: a meta-analysis. *Springer Science, Business Media Dordrecht*, 4(2), 40-47.
23. Borrás, S., Seufert, P., Backes, S., Fyfe, D., Herre, R., Michele, L., & Mills, E. (2016). *Land grabbing and human rights: The involvement of European corporate and financial entities in land grabbing outside the European Union*. Retrived from [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2016/578007/EXPO_STU\(2016\)578007_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2016/578007/EXPO_STU(2016)578007_EN.pdf)
24. Cotula, L. (2014). *Addressing the human rights impacts of 'land grabbing'*. Retrieved from [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2014/534984/EXPO_STU\(2014\)534984_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2014/534984/EXPO_STU(2014)534984_EN.pdf)
25. Cotula, L., Vermeulen, S., Leonard, R., & Keeley, J. (2009). *Land grab or development opportunity? Agricultural investment and international land deals in Africa*. Retrieved from www.ifad.org/pub/land/land_grab.pdf.
26. Daniel, S. (2011). *Land grabbing and potential implications for world food security*. New York: Springer Science, Business Media B.V.
27. Da Vià, E. (2011). The politics of "Win-Win" narratives: Land grabs as development opportunity? Paper presented at the "Global land grabbing" Conference IDS, University of Sussex, UK.
28. Davis, K. F., D'Odorico, P., & Rulli, M. (2014). Land grabbing: A preliminary quantification of economic impacts on rural livelihoods. *Population and Environment*, 36, 180–192.
29. Edelman, M., Oya, C., & Borrás JR, S. (2013). Global land grabs: Historical processes, theoretical and methodological implications and current trajectories. *Third World Quarterly*, 34(9), 1517-1531.
30. Fars News Agency. (2015). *Iran plans to start agricultural outsourcing in Ukraine*. Retrieved from <http://en.farsnews.com/newstext.aspx?nn=13940623001289>.
31. First Iranian English Economic Daily. (2016). *Iran, Kazakhstan expand agricultural cooperation*. Retrieved from <http://goo.gl/oa5V9q>.
32. Ghorbani, A., Raufirad, V., Rafiaani, P., & Azadi, H. (2015). Ecotourism sustainable development strategies using SWOT and QSPM model: A case study of Kaji Namakzar Wetland, South Khorasan Province, Iran. *Tourism Management Perspectives*, 16, 290–297
33. Gobien, S., & Nolte, K. (2016). Land grabs and contract farming: A win-win situation? Paper prepared at the 2016 World Bank Conference on Land and Poverty, Washington DC.

34. Hallam, D. (2009). *Foreign investment in developing country agriculture – Issues, policy implications and international response*. Retrieved from www.oecd.org/investment/gfi-8
35. Havnevik, K. (2009). *Outsourcing of African lands for energy and food – challenges for smallholders*. Nordic Africa Institute, Uppsala.
36. International Academic Conference. (2012). *Global Land Grabbing II*. Cornell University, Ithaca, United States.
37. Ji, C., Guo, H., Jin, S., Yang, J. (2017). Outsourcing agricultural production: Evidence from rice farmers in Zhejiang province. *PLOS ONE*, 12(1), E0170861.
38. Juan, Z. (2014). The change path of agricultural production outsourcing. *SHS Web of Conferences*, 6, 02005.
39. Korea Legislation Research Institute. (2017). *Overseas agriculture and forest recourses development and cooperation act*. No: 14656.
40. Kumar, S. (2010). *Agriculture outsourcing & food security: A way towards mutual cooperation. India, Africa & LAC under South-South Cooperation*. Retrieved from <https://africaindia.org/agriculture-outsourcing-food-security-a-way-towards-mutual-cooperation/>
41. Kulkarni, A., & Deshpande, A. (2013). Sustainable development: Roles of societies governments and NGOs. *International Journal of Environmental Science: Development and Monitoring (IJESDM)*, 4(2), 1289-2231.
42. Lavers, T. (2012). Land grab' as development strategy? The political economy of agricultural investment in Ethiopia. *The Journal of Peasant Studies*, 39(1), 105-132.
43. Liu, P. (2014). *Impacts of foreign agricultural investment on developing countries: Evidence from case studies*. Retrieved from <https://www.fao.org/fsnforum/index.php/resources/reports-and-briefs/impacts-foreign-agricultural-investment-developing-countries-evidence>
44. Margulis, M., McKeon, N., & Borrás, Jr, S. (2013). Land grabbing and global governance: Critical perspectives. *Globalizations*, 10(1), 1-23.
45. Oya, C. (2013). Methodological reflections on 'land grab' databases and the 'land grab' literature 'rush'. *Journal of Peasant Studies*, 40(3), 503-520.
46. Sablonnière, R. (1986-2016). *How do we define land grabbing?* Retrieved from <https://www.eurovia.org/publications/how-do-we-define-land-grabbing/>
47. Sindayigaya, W. (2013). *Foreign investments in agriculture- "Land grabbing"*. Retrieved from https://zukunftsstiftung-entwicklung.de/media/ZSE/UEber_uns/Downloads/Land_grab_article.pdf
48. Sulieman, H. M. (2015). *Land grabbing along livestock migration routes in Gadarif State, Sudan: Impacts on pastoralism and the environment*. Retrieved from <https://www.future-agricultures.org/publications/ldpi-working-papers/land-grabbing-along-livestock-migration-routes-in-gadarif-state-sudan/>
49. The Weekly Times. (2017). *China to become biggest foreign owner of Australian farmland*. Retrieved from <https://farmlandgrab.org/27613>

50. Visser, O., & Spoor, S. (2010). *Land grabbing in Eastern Europe: Global food security and land governance in Post-Soviet Eurasia*. Paper prepared at the 118th seminar of the EAAE (European Association of Agricultural Economists), Ljubljana, Slovenia.
51. Yaofu, L., Xinhong, F., & Chunbei, C. (2013). The definition of agricultural outsourcing. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4(11), 40-45.
52. Zerrouk, E. (2013). Water grabbing/ land grabbing in shared water basins the case of Salween River Hatgyi Dam. *Journal of Water Resources and Ocean Science*, 2(5), 68-78.
53. Zhaoxin, Z. (2016). *Challenge of overseas Chinese agricultural investment*. Land Issues Research Center for Rural Economy, Ministry of Agriculture of China.
54. Zolin, M., & Braggion, M. (2013). *Land grabbing, food security and energy security in Asia: The cases of China and India*. Paper presented at the Proceedings of 3rd Asia-Pacific Business Research Conference, Kuala Lumpur, Malaysia.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.79713.1212>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

تبیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری در فرایند مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد)^۱

محمد هادی درودی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

darroodi.m@ut.ac.ir

حسین حاتمی نژاد (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

hataminejad@ut.ac.ir

سعید زنگنه شهرکی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

saeed.zanganeh@ut.ac.ir

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

apoura@ut.ac.ir

صص ۱۶۸ - ۱۴۱

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ، وجود بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و مشکلات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در این محدوده‌های شهری است. مواجهه با این فرایندها، مستلزم استفاده از رویکردهای مناسب و متناسب با این چالش‌ها است. این موضوع می‌تواند در قالب فرایندهای مدیریتی و حکمروایی شهری که به اتخاذ این رویکردها منجر می‌شود، بررسی شود. تبیین نقش و جایگاه

۱. دسترسی به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلت تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۶/۹) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنناوریاطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حکمروایی شهری در فرایند مداخله در محدوده بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر مشهد هدف اصلی این پژوهش است. در این مقاله تلاش شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود که ویژگی و رویکردهای غالب در هر دوره چیست؟ کنشگران اصلی هر دوره کدام‌اند و چگونه در این فرایند نقش‌آفرینی می‌کنند؟ این پژوهش با رویکردی کیفی و در راستای تعیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری در این فرایند انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه (نمونه‌گیری هدفمند) استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در بررسی دوره سی‌ساله (۱۴۰۰-۱۳۷۰) دو رویکرد متفاوت و متمایز تشخیص‌دانی است: در دوره اول، رویکرد غالب مداخله در این بافت‌ها، نوسازی توأم با نگاه اقتصادی و پروژه‌محور، بدون در نظر گرفتن مشارکت ساکنان و اجتماع محلی در این فرایند است؛ در دوره دوم، رویکرد بازآفرینی شهری با نگاه جلب مشارکت ساکنان و اجتماع محلی از طریق تسهیلگری و ایجاد دفاتر توسعه محله و تغییر نگرش در دولت و بخش عمومی از نوسازی و پروژه‌محوری به بازآفرینی پایدار شهری صورت گرفته است. با توجه به ویژگی‌های کنشگران هر دوره، منافع و علایق متفاوت و همچنین قدرت اثرگذاری بر سایر کنشگران بررسی و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: نوسازی، بازآفرینی شهری، حکمروایی مطلوب، بافت فرسوده، مشهد.

۱. مقدمه

در سیستم مدیریت شهری نوین برای رفع مشکلات و چالش‌ها در زندگی شهری، الگوهای متعددی ارائه شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمروایی شهری است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۷۰). حکمروایی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز دارد؛ همچنین فرایندی است که از طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ می‌کند و

به واسطه آن مشخص می‌کند که چه کسانی در این فرایند درگیرند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند (نوبری و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۶).

محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت زیاد مدیریت است که حکمروایی خوب شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. از سوی دیگر بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در شهرها را می‌توان بخشی از فضای شهری دانست که نظام زیستی آن، هم از حیث ساختار و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود، دچار اختلال و ناکارآمدی شده است. این بافت‌ها زمانی با ساختار و کارکرد مناسب با نیازهای ساکنین خود از پویایی و صلابت برخوردار بوده، اما با افزایش ناگهانی تغییرات شهرنشینی در چند دهه اخیر نه تنها اهمیت خود را از دست داده است، بلکه حتی قادر به انطباق با تغییرات و ارائه حیات روزمره خود نیز نیست؛ از این رو به عنوان نقاط مسئله دار شهری شناخته می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱). بافت‌های فرسوده شهری در طول سالیان نه تنها جمعیت اصلی و بومی خود را از دست داده، بلکه به محل استقرار مهاجرین کم درآمد که به دنبال ارزان‌ترین نقاط شهری برای سکونت بوده‌اند، تبدیل شده است. با وجود این استدلال که ذکر هر مثال از نحوه بازآفرینی شهری ممکن است تنها برای همان مکان به خصوص با ارزش باشد، می‌توان تعداد زیادی از قواعد و نمونه‌های کلی رویه‌های اجرایی مناسب را در مکان‌های متفاوت شناسایی کرد. در این پژوهش به بررسی رویکردهای نظری مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و تعاریف بازآفرینی و تحولات رویکردی در فرایند بازآفرینی شهری و تعاریف مربوط به حکمروایی شهری پرداخته می‌شود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

رهیافت بازآفرینی شهری در دهه ۱۹۹۰، حرکت سازمانی در زمینه تغییرات مدیریت شهری بوده است؛ حرکت به سوی شکل جامع‌تری از سیاست‌گذاری و اعمال تمرکز بر راه‌حل‌های یکپارچه که در آن شراکت به عنوان رویکرد غالب مطرح می‌شود. این رویافت بر توازن بیشتر میان بخش عمومی و خصوصی تأکید دارد. از منظر این رویافت، نحوه اجرای مدیریت نوسازی و بازآفرینی، همنشینی طیفی از نهادها و مؤسسات مختلف است که می‌توان نشانه بارز قدرت و جایگاه دولت محلی و مرکزی را در آن دید (کشاوری و رهنمایی، ۲۰۱۰). براساس مراحل چارچوب بازآفرینی شهری پایدار که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های

کلی نظام آمده است، تحقق بازآفرینی شهری پایدار از طریق توسعه اجتماع محور (مشارکت مردمی)، شهرنگر، تقاضا محور و زمینه‌گرا در تمامی مراحل و اقدامات با تأکید بر نقش حمایتگر و تسهیلگر دولت و با رعایت اولویت‌بندی محله‌ها و محدوده‌های هدف دنبال می‌شود. در این فرایند از رویکردهای یک‌سویه و از بالا به پایین و مداخلاتی پرهیز می‌شود که به ازهم‌گسیختگی بافت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محدوده‌های هدف منجر شود. (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲). در همین ارتباط حکمروایی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرایندی است که از طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن، مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیرند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند (مشکینی و همکاران، ۲۰۰۷). عوارض و مشکلات نواحی فرسوده شهری، بنا به سرشت خود چندوجهی و چندبعدی است و به شکل خاصی بروز می‌کند. افت منزلت اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های کارکردی و کالبدی این بافتها به همراه افت بسیار شدید کیفیت محیط شهری از جمله دلایلی است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری را به ارائه راهبردها و راهکارهای مدیریتی در مواجهه با مسائل و مشکلات آن مجاب کرده است. یکی از این رویکردهای نوین، رویکرد بازآفرینی در چارچوب حکمروایی شهری است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰). با شکل‌گیری تحولات اجتماعی و سیاسی و تغییر و تحولات در حوزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های پایانی قرن بیستم و افزایش چالش‌ها و مشکلات مناطق شهری و ناتوانی مدیران و سیاست‌گذاران برای حل یا کاهش آن‌ها، به الگوی مدیریت شهری سنتی انتقادات گسترده‌ای شده است (مشکینی و همکاران، ۲۰۰۷). در چنین وضعیتی است که الگوی حکمروایی شهری به‌عنوان بدیلی برای الگوی سنتی مدیریت شهری از سوی اندیشمندان و به‌ویژه سازمان‌های جهانی و بین‌المللی ارائه شد که به‌نوعی تأکید بر گذار از نقش ساختارهای رسمی به‌عنوان محور تصمیم‌گیری به‌سوی نقش یابی جامعه مدنی در اعمال حقوق دموکراتیک و انجام وظایف است (جمدر و آملی عظیمی، ۲۰۱۶).

۲. پیشینه تحقیق

بررسی پژوهش‌ها درباره فرایندهای مدیریتی نحوه مواجهه با بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، با تأکید بر بعد رویه‌ای آن، نشان می‌دهد که موضوعات مختلف همچون نوسازی، بهسازی، بازسازی و بازآفرینی شهری به صورت مجزا در تحقیقات مختلف بررسی شده‌اند، اما به این موضوع با تأکید بر نقش و جایگاه بازیگران و کنشگران عرصه حکمروایی در سطح محلی، رویه‌های مدیریتی، و نقش و سهم کنشگران اصلی هر دوره، در بازه‌ای زمانی و در مکانی مشخص، پرداخته نشده است. با در نظر گرفتن رویکرد رویه‌ای و محتوایی به نحوه مداخله در محلات ناکارآمد و فرسوده به‌ویژه در چند سال اخیر، تحقیقاتی انجام شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از اولین پژوهش‌هایی که با موضوع بازآفرینی شهری در دانشگاه‌های ایران انجام شده است، رساله لطفی (۱۳۸۷) با موضوع حفاظت و بازآفرینی شهری با تأکید بر مفاهیم و شرایط سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون بوده که به صورت محتوایی به مفاهیم نوزایی، حفاظت و بازآفرینی شهری با تأکید بر دهه‌های اخیر پرداخته است. گفتنی است این رساله به تألیف کتابی نیز در این زمینه با عنوان *تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی*، در سال ۱۳۹۰ منجر شد. زارعی (۱۳۹۷) در رساله دکتری در دانشگاه چمران اهواز خود، به تبیین الگوی مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری پایدار بافت‌های فرسوده با مطالعه موردی کلان‌شهر اهواز، پرداخت. مطابق با نتایج پژوهش وی، با توجه به ویژگی‌های کنشگران فرایند مدیریت بازآفرینی شهری، براساس منافع و علایق و همچنین قدرت اثرگذاری بر سایر کنشگران، ضروری است که تغییر نقش براساس تحقق مدیریت یکپارچه در این فرایند صورت گیرد. از طرفی تحقق حکمروایی خوب شهری در فرایند مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری در شهر اهواز مستلزم رویکردی مبتنی بر همکاری میان همه کنشگران و براساس طرح و برنامه نهادی است. در این راستا ضروری است رهبری قدرتمندی به منظور پشتیبانی از حضور همه کنشگران مبتنی بر تسهیلگری و تمرکززدایی وجود داشته باشد. ایزدی (۲۰۰۸) در رساله دکتری خود در دانشگاه نیوکاسل به موضوع بررسی تطبیقی بافت تاریخی دو شهر شیراز و مشهد پرداخت. در این رساله، تأکید اصلی بر بازآفرینی و باززنده سازی هسته‌های تاریخی این

دو شهر بوده، اما با بررسی محتوایی و رویه‌ای این حوزه، بر نقش و اثرگذاری کنشگران بازآفرینی شهری بر دستاورد و نتیجه نهایی تأکید شده است. امینی در رساله دکتری خود (۱۳۹۶) در دانشگاه تربیت مدرس به تبیین الگوی حکمروایی محلی در فرایند بازآفرینی شهری پایدار (نمونه مورد مطالعه: شهر تهران) پرداخت. در بررسی نمونه مورد مطالعه در این پژوهش که فرایندهای مدیریت بازآفرینی شهر تهران در مقیاس محلی است، ضمن شناسایی کنشگران محلی مؤثر بر فرایند بازآفرینی شهری در سطح محلی، مؤلفه‌ها و الزامات اصلی تحقق فرایند حکمروایی مطلوب در بازآفرینی شهر تهران در سطح محلی، بررسی شده و در نهایت روابط و نقش کنشگران این فرایند متناسب با ویژگی‌های بستر مدیریت شهری تهران در راستای تحقق حکمروایی مطلوب به منظور دستیابی به اهداف بازآفرینی شهری پایدار تبیین شده است. پیران (۱۳۹۸) طرح پژوهشی با عنوان «توسعه محله‌ای مشارکت مبنا و مشارکت محور در ایران (مورد پژوهش: شهر تهران)» به کارفرمایی سازمان نوسازی شهر تهران انجام داد. در این پژوهش با رویکردی جامع و مشارکت مبنا و معطوف به اجرا در زمینه نوسازی شهری، پنج محله از محله‌های تهران شامل نعمت‌آباد، رباط کریم، امامزاده عبدالله، خانی‌آباد و باغ آذری از منظر پایداری و شهروندمداری با هدف‌گیری توسعه و با رویکرد اجرایی مطالعه شد. در مقابل مفهوم شهروندمداری، زورمندمداری یا زورمداری، مطرح شد و آثار الگوی زورمندمدار بر ساخت جامعه و اجزا و عناصر آن بررسی شد. در این پژوهش، مفهوم از جا کردن نقطه‌ای فرضی است که اقدامات آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، معطوف به فضا، سبب شکل‌گیری و فعال شدن آن می‌شود. در نهایت اقدامات لازم در این زمینه به صورت موارد زیر معرفی شد: حضور همه سازمان‌های ذی‌نفع در بافت و ایجاد دفاتر به عنوان نوعی انباشت در محلات که سبب تحولات جدید در محلات می‌شود؛ شناخت محور بقا در هر محله از جمله مسکن که در بسیاری از محلات می‌تواند جاذب جمعیت و بسیج‌کننده نیروهای مردمی باشد؛ بنابراین پذیرش نوسازی و بهسازی می‌تواند محور بقا و بسیج‌کننده باشد؛ بر این اساس، محرک‌های از جا کردن اقتصادی که با حضور و آغاز فعالیت سازمان‌های دولتی به راه می‌افتند و به مثابه نقطه شروع اهمیتی بی‌مانند دارند، مدنظر قرار گرفته‌اند. روستا (۱۳۹۱) در طرح پژوهشی با عنوان «تبیین جایگاه نهادهای مختلف دولتی، عمومی، خصوصی، مردم نهاد و غیره

در نوسازی بافت‌های فرسوده» به کارفرمایی سازمان نوسازی شهر تهران، به بررسی نهادهای درگیر در این حوزه از سطوح ملی تا محلی پرداخت. سپس با بررسی نقش و جایگاه آن‌ها، چشم‌انداز آتی نهادهای متولی (براساس راهبردها و راهکارهای ایجاد تعامل بین‌بخشی و مشارکتی) در فرایند نوسازی تدوین شد. از اصلی‌ترین چالش‌هایی که در این پژوهش اشاره شده است، تعدد مأموریت‌های متداخل حوزه‌های گوناگون درگیر در این زمینه و نبود هماهنگی و نظارت بر فرایند تعامل میان آن‌ها بوده است. علاوه بر این، در زمینه کنشگران و نقش آن‌ها در فرایندهای حکمروایی به صورت عام نیز پژوهش‌ها و طرح‌های مطالعاتی متعددی انجام شده است که رساله دکتری شهرسازی ناصر برکپور (۱۳۸۱) با عنوان «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران: مطالعه موردی همدان-اسلام‌شهر» در دانشگاه تهران را می‌توان به عنوان یکی از اولین و اصلی‌ترین منابع در این حوزه نام برد که به تألیف کتابی با عنوان مدیریت و حکمروایی شهری نیز منجر شد. در این کتاب، ضمن بررسی مفاهیم پایه مدیریت شهری، تحول از رویکرد حاکمیت به حکمروایی شهری بررسی شده و اصول حکمروایی خوب شهری معرفی شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش و متغیرهای تحقیق

این پژوهش با تأکید بر نقش فرایندهای حکمروایی در راستای تحقق بازآفرینی شهری پایدار در مقیاس محلی شهر مشهد، با رویکردی کیفی و در راستای تعیین جایگاه و تحقق همکاری میان کنشگران این فرایند انجام شد. راهبرد این پژوهش ترکیبی از موردپژوهی و نظریه‌سازی بنیادی است؛ زیرا از یک سو سؤال اصلی پژوهش مبتنی بر «چگونگی» تحقق این رویکرد در شهر مشهد است و از سوی دیگر، هدف آن اثبات یا رد فرضیه نیست؛ بلکه آزمون یک نظریه است و به دنبال توسعه یک نظریه با تأکید بر بستر آن است. در نوع از پژوهش‌های کیفی که هدف اصلی آن توسعه الگوها و درک نظریه است، مبتنی بر ویژگی‌های منحصر به فرد است؛ بنابراین «فرایند» انجام پژوهش بسیار حائز اهمیت است در مقایسه با پژوهش‌های کمی که در آن حجم نمونه اهمیت دارد و محصول مبنا است؛ بر این اساس، داده‌های اصلی این

پژوهش از منابع زیر حاصل شده است: تحلیل اسنادی، مصاحبه‌های عمیق، برگزاری گروه بحث و پیمایش میدانی. مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته (۳۰ نفر) با تأکید بر تنوع مصاحبه‌شونده‌ها که از میان کنشگران متعدد و متنوع و براساس دانش اولیه انتخاب شدند، براساس نمونه‌گیری متواتر و مبتنی بر تکنیک گلوله‌برفی تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافتند. در پژوهش‌های کیفی برای دستیابی به اطلاعات، نمونه‌ها با دقت بسیار زیادی انتخاب می‌شوند تا بیشترین کمک را به دستیابی به نتایج پژوهش کنند. در گام اول، پس از بررسی متون تخصصی و دستیابی به چارچوب نظری پژوهش، ورود به نمونه پژوهش یعنی شهر مشهد انجام شد. در این راستا با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، گردآوری اطلاعات آغاز شد. یکی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری متوالی یا متواتر است. در این روش، نمونه‌گیری تا دستیابی به حد اشباع ادامه یافت. از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی نیز استفاده شد. در این روش، پژوهشگر و همکاران اصلی (در این پژوهش، استادان راهنما و مشاور) افراد کلیدی را شناسایی کردند و پس از آن، افراد بعدی توسط گروه اول مصاحبه‌شوندگان معرفی شدند.

۲.۳. محدوده مورد مطالعه

شهر مشهد به‌عنوان کلان‌شهری با ویژگی‌های پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بافت‌های شهری خود نیز دچار چالش‌های پیچیده‌ای از جمله زوال و رکود شهری است. بخش گسترده‌ای از این بافت‌ها، طبق شاخص‌های طرح جامع سوم مشهد که با شاخص‌هایی کالبدی (سه شاخص ناپایداری، ریزدانگی و نفوذناپذیری) به شناسایی نواحی فرسوده و ناکارآمد شهر مشهد پرداخته است و همچنین مطالعات توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد، حکایت از بیش از ۵۰۰۰ هکتار (شکل ۱) محدوده نیازمند سیاست‌گذاری ویژه دارد. با در نظر گرفتن شاخص‌های غیرکالبدی از جمله محرومیت‌های اجتماعی، ضعف در بنیه اقتصادی ساکنان به‌عنوان یکی از عوامل مهم و چالش‌های محیط‌زیستی این نواحی گسترده‌تر از شهر مشهد است؛ بنابراین در این پژوهش به‌طور کلی محلاتی با ویژگی‌های ناکارآمدی و فرسودگی در شهر مشهد و همچنین کنشگران مدیریت بازآفرینی شهر در سطح محلی در شهر مشهد مطالعه شده‌اند.



شکل ۱. مشخصات محلات هدف بازآفرینی شهر مشهد

مأخذ: سازمان بازآفرینی شهرداری مشهد، ۱۴۰۰

موضوع اصلی این پژوهش، مطالعه فرایندهای مدیریتی مجموعه اقدامات مواجهه با چالش ناکارآمدی بافت‌های شهری با رویکرد بازآفرینی، با تأکید بر فرایندهای حکمروایی محلی مبتنی بر همکاری میان کنشگران است. نمونه این پژوهش، فرایندهای مدیریت بازآفرینی در شهر مشهد، شناسایی کنشگران آن، تحلیل روابط و مناسبات قدرت میان آن‌ها و همچنین تحلیل ظرفیت‌های آن‌ها متناسب با نقش هرکدام از کنشگران در فرایند مدیریت بازآفرینی شهری در راستای تحقق همکاری پایدار میان آن‌هاست.

۴. مبانی نظری تحقیق

فرایندهای رکود، زوال و افت شهری که موجب ایجاد فضاهای ناکارآمد و فرسوده در شهر می‌شوند، یکی از پرچالش‌ترین مسائل عصر حاضر شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ هستند (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۰۵). این فرایندها که به‌صورت گسترده‌ای تحت‌تأثیر ابعاد

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی هستند، سبب بروز مسائل و مشکلات در عملکرد بافت‌های شهری، از بین رفتن حیات اجتماعی، اقتصادی ساکنان این محلات و به‌ویژه نمود آن‌ها در عرصه‌های عمومی شهر، تراکم زیاد جمعیتی و ساختمانی همراه با نبود زیرساخت‌های لازم، ناتوانی اقتصادی مردم و نبود انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌گذاری در این فضاها می‌شوند (دویران و همکاران، ۱۳۹۰). رویکردهای مداخله‌ای در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری همراه با تحولات در بسترهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طول چند دهه اخیر تغییر یافته‌اند؛ به‌طوری‌که نه تنها ابعاد کالبدی، بلکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی را نیز مدنظر قرار می‌دهند؛ به‌ویژه از اوایل قرن بیست‌ویکم به بعد، تقویت رویکرد توسعه پایدار و دستیابی به مکان‌های پایدار، ازجمله این تحولات رویکردی است (جعفری جبلی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان، فرایندهای نوسازی شهری و مدل‌های متمرکز دولت‌مبنا، به‌صورت مشارکتی و فرایندی پایین به بالا و با جلب حداکثری بخش‌های مختلف عمومی، خصوصی و اجتماع محلی در حال تغییر است (اینس و بوهر، ۲۰۱۴). در بسیاری از کشورها، رویکردهای بازآفرینی شهری که به‌منظور احیای بافت و فضاهای شهری در سیاست‌های کلان طرح‌های توسعه شهری وارد شده است، فرایندی است که نه تنها ابعاد کالبدی فضا، بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فضاها را نیز مدنظر قرار می‌دهد (برانی و همکاران، ۱۴۰۱). در این رویکرد، با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان یک محدوده و دیگر شهروندان آن شهر، فضاها احیا و بازتولید شده و عملکردهای ویژه‌ای در آن پیش‌بینی می‌شود. تغییر در این رویکردها همراه با تغییرات در شیوه مدیریت توسعه شهری، تحولات از مفاهیم حکومت به حکمروایی و تفویض اختیارات از نهادهای متمرکز دولتی به نهادهای محلی و بخش خصوصی در کنار توانمندسازی آن‌ها، به بروز شیوه‌های نوین مدیریت شهری در عرصه‌های مختلف ازجمله بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد منجر شده است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۸). عملیاتی شدن مفاهیم مشارکتی و توانمندسازی نهادهای اجتماع محلی، تفویض و تغییر نقش‌های کلیدی کنشگران از دولت به نهادهای مدنی در کنار نقش حمایتی و نظارتی نهادهای حکومتی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های محلی در مدیریت بازآفرینی شهری، محور اصلی تمرکز در رویکردهای جهانی

هستند (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۸). در سطح ملی یکی از پرچالش‌ترین مباحث مطرح‌شده در دو دهه اخیر، موضوع حل چالش بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری است. همراه با بروز مسائل گسترده در شهرها، افزایش اهمیت توسعه از درون و جلوگیری از پراکنده‌رویی شهرها، در کنار مطرح شدن شاخص‌هایی مانند کیفیت زندگی، و لزوم احیای اجتماعی و اقتصادی نواحی شهری و افزایش سرزندگی در میان آن‌ها، سبب شد که الگوهای بازآفرینی شهری بیش‌ازپیش مدنظر قرار گیرند. بررسی رویکرد بازآفرینی نشان از تغییر رویکردها با غلبه اقدامات کالبدی از اواسط قرن بیستم، تغییر این رویکردها با تأکید بر نقش اجتماع محلی در اواخر این قرن و تأکید بر همکاری و تعامل میان بخش‌های مختلف و تغییر رویکردها در این زمینه به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری شهری در دوره‌های مختلف دارد. تغییر در رویکردهای بازآفرینی شهری و به‌ویژه تحول در الگوهای مدیریت آن در بستر تحولات جهانی، به‌ویژه مطرح شدن رویکردهای حکمروایی شهری و کاهش تصدی‌گری بخش عمومی و دولت در این فرایند، تغییر الگوهای برنامه‌ریزی و مطرح شدن برنامه‌ریزی همکارانه به‌عنوان رهیافت جدید برنامه‌ریزی و حرکت به‌سوی ظرفیت‌سازی‌های محلی و استفاده از ظرفیت سایر بخش‌ها به‌ویژه با تأکید بر نهادهای اجتماع محلی مبنا و داوطلبانه بوده است. از لحاظ تاریخی مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای و محلی) مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد که بر جریان تصمیم‌گیری تأثیرگذارند (صحرايي و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷). مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمروایی خوب، شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی مطرح شده‌اند. این شاخص‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مشارکت^۱، حاکمیت قانون^۲، شفافیت^۳، مسئولیت‌پذیری^۴، اجماع‌سازی^۵، عدالت و انصاف^۶، کارایی و اثربخشی^۷ و پاسخ‌گویی^۸.

1. Participation
2. Role of Law
3. Transparency
4. Responsiveness
5. Public Cause
6. Equity
7. Efficiency
8. Accountability

در ایران به‌ویژه برای کلان‌شهر مشهد به‌عنوان دومین شهر بزرگ کشور، چند دهه است که مقوله نوسازی شهری مطرح شده است. سیاست‌گذاری در این حوزه از رویکردهای با غلبه مسائل کالبدی و حتی تاحدودی تأکید بر رویکردهای تأمین مالی و سودآوری‌های اقتصادی (ازجمله در نمونه طرح منطقه ثامن و بافت پیرامون حرم امام رضا (ع)، بافت آبکوه، بافت وکیل‌آباد، محور عامل، میدان شهدا و...) تا تحولات چند سال اخیر که تلاش شده است رویکردهای اجتماعی و مشارکتی نیز در کنار دیگر مسائل دیده شود، تغییر یافته است (رهنما، ۱۳۸۷)؛ باین حال به دلیل وجود انواع پیچیدگی‌ها در شهر مشهد، ازجمله پیچیدگی در نقش و عملکرد نهادها و سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط، روابط نهادی و ساختارهای اجتماعی اقتصادی مؤثر بر تعامل میان کنشگران این حوزه، به همراه چالش‌های مدیریتی توسعه شهری، هنوز راهکار قابل قبول و تجربه موفق (بدون در نظر گرفتن نتیجه آتی رویه‌های اخیر در بازآفرینی شهری) اجرا نشده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹). در چند دهه اخیر، فرایندها و چارچوب‌های مدیریت توسعه شهری در بیشتر شهرهای جهان، تحولات گسترده‌ای به سوی تفویض اختیار بیشتر به سطح کنشگران محلی داشته است، اما مشهد همچنان نتوانسته است متناسب با این تحولات و در راستای کارآمدی بیشتر نظام مدیریت توسعه شهری تغییر یابد؛ باین حال تجربه بازآفرینی شهری در شهر مشهد نشان می‌دهد که به‌رغم تحول در رویکردهای مدیریتی در حوزه بازآفرینی شهری از پروژه محوری به‌سوی محله‌محوری و به‌رغم ایجاد نهادهای تسهیلگری محلی در پنج سال اخیر، به دلیل رویکردهای غالب متمرکز در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و همچنین شرایط بد اقتصادی حاکم بر ساکنان محلات هدف بازآفرینی، مجموع نتایج به‌دست‌آمده از این تحولات، تحقق اهداف بازآفرینی شهری پایدار را در کوتاه‌مدت نشان نمی‌دهد.

۵. یافته‌های تحقیق

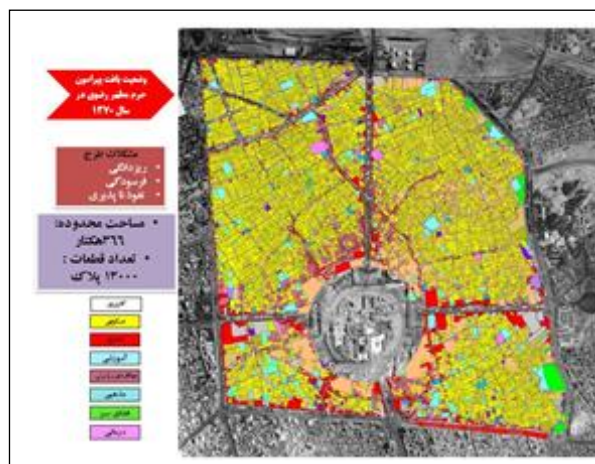
در این بخش از پژوهش ابتدا تلاش شده است تا با بررسی اسناد و قوانین سیاستی و رویکردهای قالب در حوزه سیاست‌گذاری مدیریتی مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در سی سال اخیر (۱۳۷۰-۱۴۰۰) در شهر مشهد، به همراه یکی از شاخص‌ترین پروژه‌های

نوسازی و بازآفرینی شهری در آن دوره که مبین نحوه عملیاتی شدن آن رویکرد است، بررسی شود. در تحلیل هر دوره نقش کنشگران مختلف در هر پروژه متأثر از پارادایم غالب سیاست‌گذاری آن دوره و تغییری که در روابط قدرت و نفوذ میان آن‌ها به وجود آمده است، درخور توجه است؛ بر این اساس، در هر دوره به‌منظور شناسایی کنشگران اصلی هر رویکرد، ضمن بررسی اسناد سیاست‌گذاری و اسناد پروژه، با افراد کلیدی و متخصصان مصاحبه عمیق شد و پس از مشخص شدن کنشگران و بازیگران در هر رویکرد، ماتریس مقایسه‌ای دو دویی برای تحلیل روابط قدرت میان آن‌ها به دست آمد. سپس قدرت اثرگذاری هر کنشگر در ارتباط با سایر کنشگران در هر نمونه، ترسیم شد.

مرور تحولات سیاست‌گذاری این دوره (۱۳۷۰-۱۴۰۰) و بررسی تجارب در رابطه با طرح‌های نوسازی و بازآفرینی شهری در شهر مشهد نشان می‌دهد که این دوره را می‌توان به دو دوره با رویکرد غالب تقسیم کرد:

۱.۵. دوره اول سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۵

شیوه مدیریت اقتدارگرایانه همراه با تفکر سودآوری اقتصادی در قالب طرح‌ریزی ابر پروژه‌ها که نمونه بارز آن را در این دوره می‌توان در قالب طرح نوسازی پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) و بافت مرکزی منطقه ثامن (شکل ۲) و ده‌ها پروژه اجرایی دیگر (پروژه‌های نوسازی بافت میدان شهدا، نوسازی بافت فرسوده آبکوه، نوسازی بافت خیابان عامل، نوسازی بافت فرسوده قلعه وکیل‌آباد و چندین پروژه دیگر) در شکل شماره ۳ مشاهده نمود. در این دوره نگاه کلی چه در حوزه سیاست‌گذاری (رویکرد طرح‌های تهیه و تصویب شده برای این پروژه‌ها) و چه در حوزه اجرایی و مدیریت شهری، تملک قطعات و خروج ساکنین از محدوده مداخله پروژه و تعریف پروژه‌های سود آور اقتصادی در محدوده‌های مورد نظر بوده است.

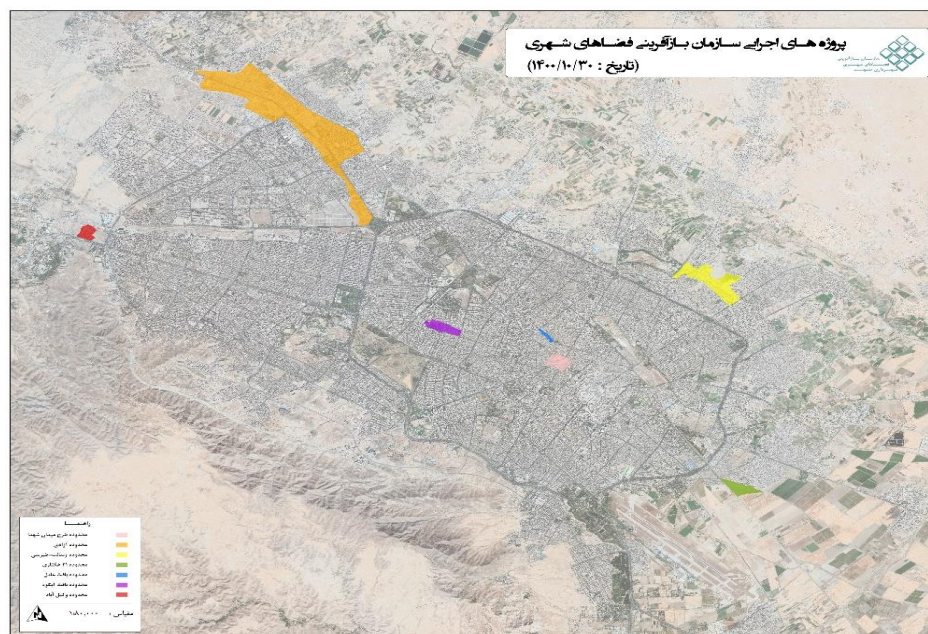


شکل ۲. جزئیات طرح نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد (منطقه ثامن) در بدو شرع طرح (سال ۱۳۷۲)
 مأخذ: شرکت عمران و مسکن‌سازان منطقه ثامن، ۱۳۹۵

جدول ۱. پیشرفت فیزیکی و هزینه‌های اجرای طرح نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد تا سال ۱۳۹۵
 مأخذ: شرکت عمران و مسکن‌سازان منطقه ثامن، ۱۳۹۶

برآورد پیشرفت و هزینه‌های کل اجرای طرح تا سال ۱۳۹۵ (ارقام به میلیارد ریال)				
ردیف	شرح هزینه	کل هزینه	هزینه انجام شده	هزینه باقیمانده
۱	تملك و اجرای فضاهای عمومی	۷۵۰۰۰	۳۵۰۰۰	۴۰۰۰۰
۳	تملك و اجرای پروژه های انتفاعی	۷۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۴۰۰۰۰
	جمع کل	۱۴۵۰۰۰	۶۵۰۰۰	۸۰۰۰۰

براساس جدول ۱ پیشرفت فیزیکی طرح تا سال ۱۳۹۵ در حدود ۴۵ درصد بود و ۶۵ هزار میلیارد ریال تا سال مدنظر بابت تملک و اجرای برخی از پروژه‌های عمومی و انتفاعی هزینه شد. بعد از گذشت ۲۵ سال از شروع رویکرد اقتصادی و پروژه‌محور در نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد، در سال ۱۳۹۵ رویکرد مذکور متوقف شد و مقرر شد تا ادامه طرح با رویکرد بازآفرینی شهری با اولویت حفظ سکونت ساکنان فعلی بازنگری شود. در سایر پروژه‌های نوسازی که با رویکرد مشابه پروژه ثامن در حال انجام بود نیز تغییر رویکرد به بازآفرینی شهری و مشارکت با ساکنان بافت مدنظر قرار گرفت.



شکل ۳. موقعیت سایر پروژه های نوسازی و اجرایی سازمان تا سال ۱۳۹۵

مأخذ: سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری، ۱۴۰۱

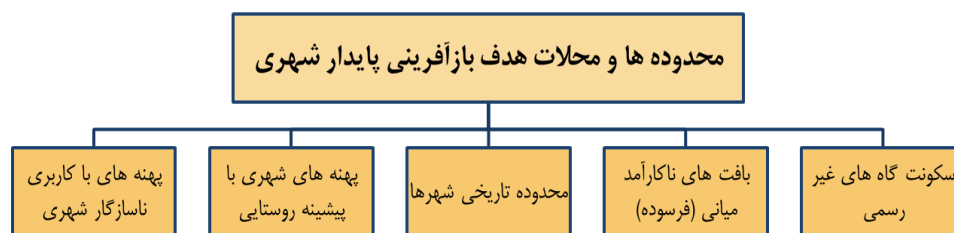
در جمع بندی ویژگی های دوره اول نوسازی در شهر مشهد (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵)، رویکرد نوسازی در غالب پروژه های جزیره ای و با هدف تملک قطعات و تعریف پروژه های اقتصادی مدنظر بوده است. در این دوره، از مجموع ۵۰۰۰ هکتار محلات مشمول نوسازی و بهسازی شهری فقط برای حدود ۱۰۰۰ هکتار آن در قالب همین پروژه های نوسازی اقداماتی انجام شده و برای سایر محلات مشمول (۴۰۰۰ هکتار) برنامه متمرکز و مدیریت تام‌الاختیار و یکپارچه ای وجود نداشته است.

۲.۵. دوره دوم سال های ۱۳۹۶-۱۴۰۰

با تصویب سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری در سال ۱۳۹۳ و با توجه به اهداف، سیاست ها و راهبردها اعلام شده در سند مذکور، بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد شهری به عنوان رویکرد غالب در این حوزه مدنظر قرار گرفت؛ رویکرد جلب مشارکت ساکنان، ذی نفعان و ذی نفوذان، نهادسازی و توجه به

نهادهای توسعه محلی در راستای دستیابی به نوسازی و بازآفرینی پایدار محله همراه با درگیرکردن جامعه محلی که تجربه آن را در ایجاد دفاتر توسعه محله (تسهیلگری) در محلات هدف بازآفرینی شهر مشهد می‌توان مشاهده کرد.

براساس آیین‌نامه نحوه فعالیت ستاد ملی بازآفرینی پایدار، محدوده‌ها و محله‌های هدف برنامه‌های احیا، بهسازی و نوسازی شهری مصوب ۱۳۹۳/۰۴/۲۳، محدوده‌های نیازمند احیاء، بهسازی و نوسازی واقع در محدوده تاریخی شهرها، پهنه‌های نابسامان میانی شهرها که حاصل ساخت‌وسازهای دهه‌های اخیر هستند، پهنه‌های شهری با پیشینه روستایی که در اثر گسترش بی‌رویه شهرها در عرصه کنونی شهر ادغام شده‌اند و سکونتگاه‌های غیررسمی که در محدوده شهرها قرار دارند، هدف برنامه‌های احیاء، بهسازی و نوسازی شهری است (شکل ۴).



شکل ۴. انواع گونه‌های محلات هدف بازآفرینی

مأخذ: سند ملی راهبردی بازآفرینی شهری، ۱۳۹۳

در ابتدای این دوره، مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری مشهد) با تغییر رویکرد به بازآفرینی شهری، ساختارهای موردنیاز این موضوع را در راستای ایجاد مدیریت متمرکز و تام‌الاختیار مدنظر قرار داد و سازمان بازآفرینی فضاهای شهری در این راستا تأسیس شد. این سازمان با اهدافی که برای آن تعریف شده است، اقداماتی را در راستای ارتباط مستقیم با مردم از طریق تشکیل دفاتر توسعه محله و هم‌افزایی بیشتر و جلب مشارکت دستگاه‌های مرتبط در این حوزه، به‌عنوان دبیر ستاد بازآفرینی شهرستان مشهد در دستور کار خود قرار داد. تا قبل از سال ۱۳۹۵ هیچ دفتر توسعه محله‌ای در محلات هدف بازآفرینی شهر مشهد وجود نداشت.

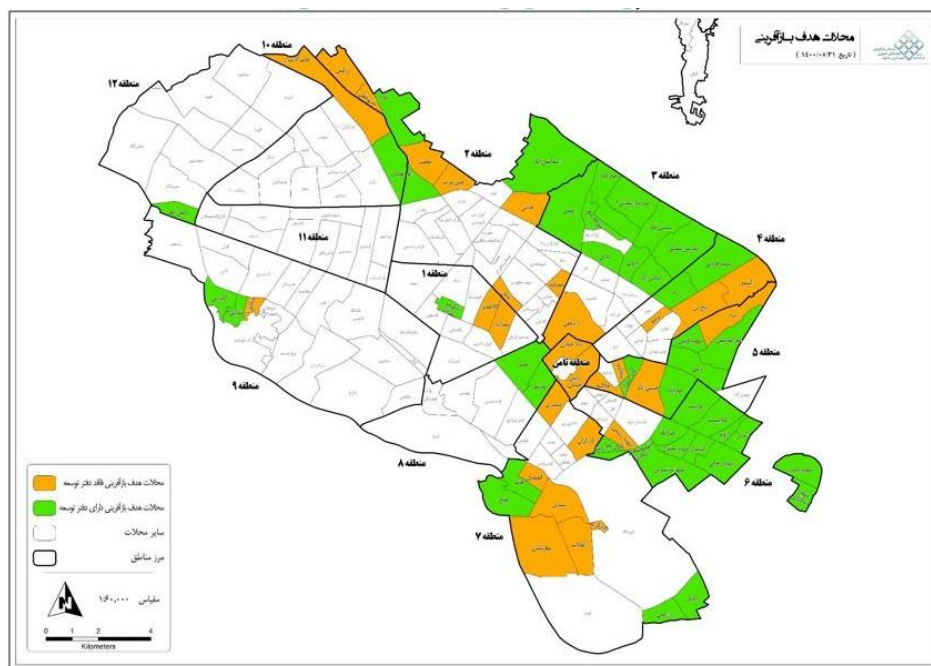
طی این دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۰) ۴۲ دفتر توسعه محله در محلات هدف بازآفرینی شهر مشهد (شکل ۵) راه اندازی شد. شهر مشهد در مقایسه با سایر کلان شهرها که از سالیان قبل (اولین دفتر نوسازی شهر تهران در سال ۱۳۸۷ تأسیس شد) به تشکیل دفاتر تسهیلگری اقدام کرده بود، از رشد چشمگیری در تشکیل این دفاتر برخوردار بوده است (جدول ۲).

جدول ۲. مقایسه دفاتر توسعه محله تشکیل شده در مشهد و سایر شهرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهر	تعداد دفاتر تسهیلگری شهرداری	تعداد دفاتر تسهیلگری وزارت کشور	مجموع
تهران	۵۶	-	۵۶
مشهد	۳۸	۴	۴۲
شیراز	۱۱	۸	۱۹
کرج	۹	۵	۱۴
تبریز	۰	۱۸	۱۸
اصفهان	۶	۸	۱۴

براساس شکل ۵، ۷۸ درصد از جمعیت و ۷۰ درصد از مساحت محلات هدف بازآفرینی تحت پوشش دفاتر توسعه محله قرار گرفته‌اند. دفاتر توسعه محله ضمن انجام اقدامات مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و شهرسازی، برای هریک از این محلات، اسناد توسعه محله با رویکرد بازآفرینی پایدار محله تهیه کرده‌اند. این اسناد بعد از طی مراحل ارزیابی تخصصی و هماهنگی بین‌دستگاهی، به تصویب ستاد بازآفرینی شهرستان مشهد و ستاد بازآفرینی استان خواهد رسید.



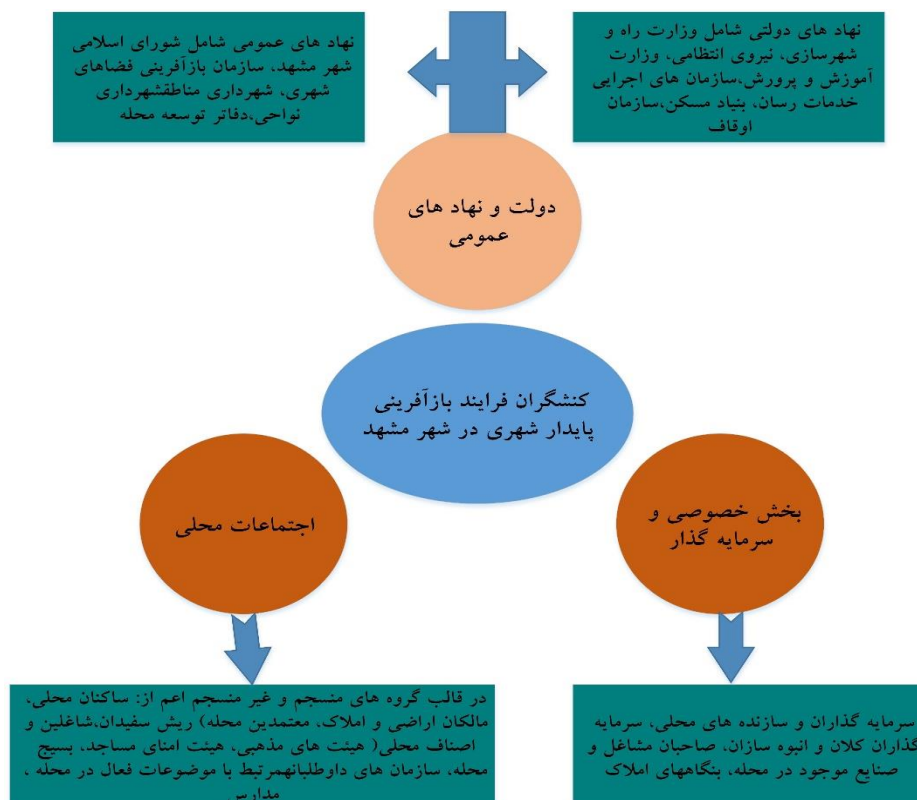
شکل ۵. محلات هدف بازاریابی تحت پوشش دفاتر توسعه محله در شهر مشهد

مأخذ: سازمان بازاریابی شهرداری مشهد، ۱۴۰۰

۳.۵. شناسایی کنشگران هر رویکرد در فرایند نوسازی و بازاریابی شهری در شهر مشهد

یکی از اصلی‌ترین اقدامات در تحلیل فرایند حکمروایی محلی در فرایند مداخله‌ای محلات بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، شناسایی کنشگران این حوزه است؛ بر این اساس، با توجه به روش‌شناسی کیفی، این پژوهش با بررسی اسناد موجود آغاز شد و برای بررسی تفصیلی و عمیق، با متخصصان این حوزه، مدیران و کارشناسان تخصصی در بخش‌های تخصصی و مرتبط در دولت و مدیریت شهری اعم از شرکت ملی بازاریابی شهری ایران، سازمان بازاریابی فضاهای شهری، شهرداری‌های مناطق دارای بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، شوراهای اجتماعی محلات، دفاتر توسعه محله و با ساکنان و معتمدین محله و فعالان محله مصاحبه عمیق شد. جلسات گروه بحث‌های قانونی نیز برگزار شد. در بسیاری از متون تخصصی، به‌ویژه با تأکید بر رویکرد حکمروایی شهری، کنشگران بخش عمومی، شامل

هر دو بخش دولتی و شهرداری در نظر گرفته شده و در برخی متون دیگر به صورت مجزا در نظر گرفته می شود. با توجه به وضعیت شهر مشهد و با توجه به حوزه وظایف تعیین شده برای شهرداری مشهد در زمینه بازآفرینی شهری، بخش عمومی را می توان به دو زیربخش تقسیم کرد: ۱- بخش دولتی که شامل وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی و سازمان های وابسته به آنها از جمله شرکت ملی بازآفرینی شهری، بانک ها، شرکت های خدمات زیربنایی و زیرساختی مانند (شرکت آب و برق و...) می باشد که در بسیاری موارد با ایجاد بسترهای حقوقی و قانونی، ایجاد تسهیلات، فراهم آوردن امنیت و... می توانند زمینه تحقق بازآفرینی شهری پایدار را فراهم آورند. ۲- بخش عمومی با تأکید بر شهرداری مشهد و شورای شهر و زیربخش های مرتبط با آنها شامل سازمان بازآفرینی فضاهای شهری، شهرداری مناطق دارای بافت فرسوده و ناکارآمد، معاونت های شهرداری (به ویژه معاونت شهرسازی و معماری، معاونت اجتماعی و فرهنگی و معاونت اقتصادی) و شهرداری ناحیه، شوراهای اجتماعی محله، فرهنگسراها و غیره. بخش بعدی بخش خصوصی شامل سرمایه گذاران و سازندگان خرد و انبوه در کنار بنگاه های املاک محلی است که تأثیر بسیاری بر ساخت و ساز در محله دارند. علاوه بر این ها، مشاغل و صنایع و اصنافی که در محلات فعال هستند، در بسیاری از محلات نقش مؤثری در فرایند بازآفرینی شهری دارند.



شکل ۶. کنشگران اصلی در رویکرد نوسازی و بازآفرینی شهری در شهر مشهد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

اجتماعات محلی که در این فرایند مهم‌ترین بخش کنشگران هستند، می‌توانند به دو صورت متشکل و غیرمتشکل عمل کنند که شامل ساکنان محلی، مالکان اراضی و املاک، معتمدین محله (ریش سفیدان، شاغلان، اصناف محلی و...)، هیئت‌های مذهبی، هیئت امنای مساجد، بسیج محله، سازمان‌های داوطلبانه مرتبط با موضوع و فعال در سطح محله، مدیران مدارس و... می‌شوند (شکل ۶). نقش هرکدام از این کنشگران در فرایند بازآفرینی شهری در شهر مشهد، در هر محله در مقایسه با محله دیگر متفاوت است، ولی پس از شناسایی کنشگران و در راستای تعیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری، روابط و مناسبات قدرت میان آن‌ها و چگونگی تأثیرگذاری این روابط و مناسبات بر سیاست‌گذاری در این حوزه است که اهمیت دارد و در ادامه تحلیل می‌شود.

۵. ۴. تحلیل وضعیت قدرت اثرگذاری کنشگران اصلی در هر رویکرد

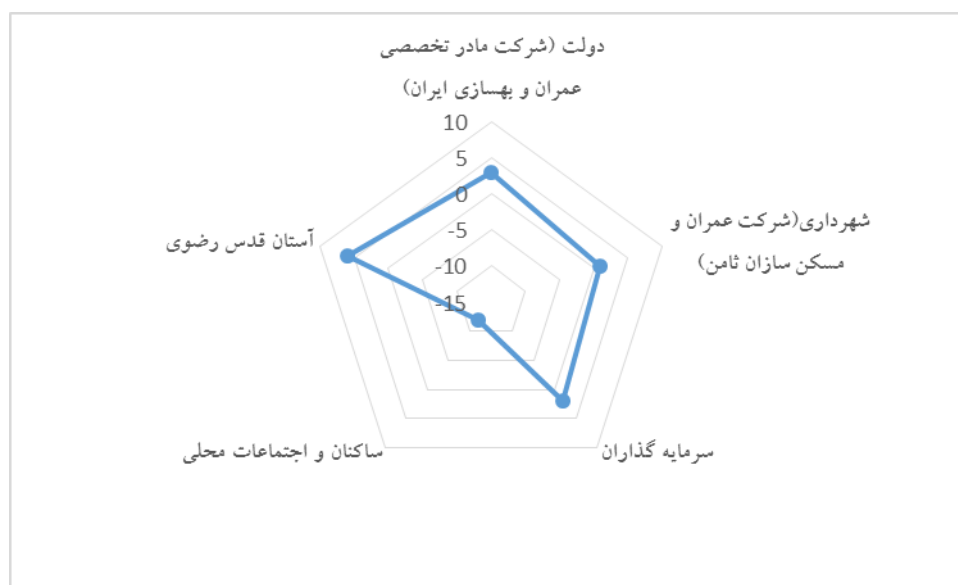
بررسی کنشگران و ارتباط تأثیرگذاری قدرت در هر دوره را پس از خلاصه‌سازی و تحلیل نظرهای متخصصان و کنشگران این فرایند با استفاده از روش مصاحبه عمیق و پرسش‌نامه نیمه‌سازمان‌یافته، می‌توان در قالب روابط قدرت میان کنشگران این فرایند و تأثیرگذاری آن‌ها بر هم کمی کرد. نتیجه را می‌توان در جداول ۳ و ۴ و شکل‌های ۷ و ۸ مشاهده کرد.

جدول ۳. ماتریس مقایسه دو دویی قدرت اثرگذاری کنشگران اصلی در طرح محدوده پیرامون حرم امام

رضا (ع) (تأثیر سطر بر ستون)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

کنشگران	دولت	بخش عمومی	بخش خصوصی	جامعه مدنی	ذی نفوذان خاص
	(شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی ایران)	شهرداری (شرکت عمران و مسکن سازان ثامن)	سرمایه گذاران	ساکنان و اجتماعات محلی	آستان قدس رضوی و اوقاف
دولت (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی ایران)		۴	۳	۴	۲
شهرداری (شرکت عمران و مسکن سازان ثامن)	۲		۴	۵	۳
سرمایه گذاران	۳	۴		۴	۱
ساکنان و اجتماعات محلی	۱	۲	۱		۱
آستان قدس رضوی	۴	۳	۲	۴	



شکل ۷. قدرت اثرگذاری میان کنشگران اصلی در طرح بافت پیرامون حرم امام رضا (ع)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

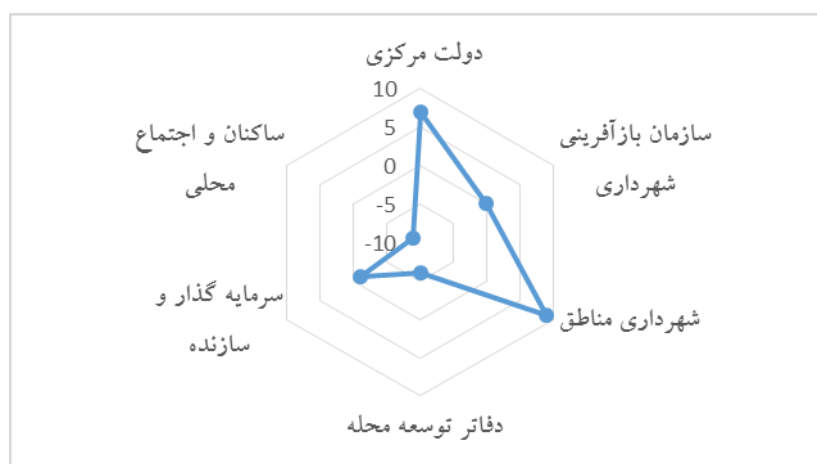
بررسی امتیازهای کمی براساس داده‌های کیفی (جدول ۳ و شکل ۷) نشان می‌دهد که با وجود اینکه ساکنان و اجتماعات محلی در زمره کنشگران و ذی‌نفعان اصلی بافت پیرامون حرم هستند، از نظر قدرت اثرگذاری در طرح نوسازی محل سکونت خود کمترین قدرت اثرگذاری را در مقایسه با سایر کنشگران فعال در این طرح داشته‌اند. تسلط و استمرار این وضعیت به خروج و به حاشیه رانده شدن ساکنان محلی و جایگزینی فعالیت و کارکردهای مدنظر سایر کنشگران دارای قدرت اثرگذاری در این بافت منجر شده است.

جدول ۴. ماتریس مقایسه دو دویی قدرت اثرگذاری کنشگران اصلی در طرح دفاتر توسعه محله

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

کنشگران	بخش عمومی				بخش خصوصی	جامعه مدنی
	دولت مرکزی	سازمان بازآفرینی	شهرداری مناطق	دفاتر توسعه محله	سرمایه گذار و سازنده	ساکنان و اجتماع محلی
دولت مرکزی		۴	۱	۳	۳	۳
سازمان بازآفرینی شهری	۲		۲	۵	۲	۳

کنشگران	بخش عمومی					بخش خصوصی	جامعه مدنی
	دولت مرکزی	سازمان بازآفرینی	شهرداری مناطق	دفاتر توسعه محله	سرمایه گذار و سازنده	ساکنان و اجتماع محلی	
شهرداری مناطق	-	۴		۴	۴	۵	
دفاتر توسعه محله	۱	۲	۱		۳	۳	
سرمایه گذار و سازنده	۱	۲	۳	۳		۴	
ساکنان و اجتماع محلی	۳	۲	۱	۱	۲		



شکل ۸. قدرت اثرگذاری میان کنشگران اصلی در طرح دفاتر توسعه محله

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

بررسی امتیازهای کمی براساس داده‌های کیفی (جداول ۴ و شکل ۸)، نشان می‌دهد که ورود دفاتر توسعه محله به‌عنوان یکی از کنشگران در مقیاس محلی نوسازی و بازآفرینی شهری، رویکرد جدیدی را در نحوه مواجهه با بافت‌های فرسوده و ناکارآمد به وجود آورده است. دلایل وجودی، اهداف و رسالت دفاتر توسعه محله از نظر ابزارهای کنشگری در بهترین حالت ممکن برای این دفاتر پیش‌بینی شده است اما به دلیل جایگاه حقوقی این دفاتر و نداشتن اختیارات لازم در ساختار مدیریت و بازآفرینی شهری، همچنان نقش اصلی را در محله، شهرداری منطقه (با امتیاز خالص ۱۷) به خود اختصاص می‌دهد. ساکنان و اجتماعات

محلی و پس از آن‌ها دفاتر نوسازی محله، دارای کمترین امتیاز اثرگذاری بر سایر کنشگران این فرایند در سطح محلی هستند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی سیاست‌گذاری‌های دوره سی‌ساله از ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که دو دوره تغییر در رویکردهای غالب در هر دوره به شرح زیر قابل‌شناسایی است. دوره بیست و پنج ساله بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ است. رویکرد اصلی در این دوره رویکرد مدیریتی اقتدارگرایانه با اولویت سودآوری‌های اقتصادی است که نمود آن در شهر در قالب رویکرد اعیان‌سازی قابل‌مشاهده است و تجربه شاخص این دوره، اجرای پروژه نوسازی بافت مرکزی (پیرامون حرم امام رضا) توسط شهرداری آن دوره، دولت و آستان قدس رضوی است، بسیاری از اقدامات آن دوره متأثر از سیاست‌گذاری آن دوره دولت، استقلال مالی شهرداری‌ها و با کمترین قدرت اثرگذاری برای ساکنان و اجتماع محلی است.

دوره تغییر بعدی بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، مبین تغییر عمده در حوزه سیاست‌گذاری در زمینه مواجهه با بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و تغییر رویکرد به آن، مطرح شدن مفهوم محله و رویکرد محله‌ای، تعریف و راه‌اندازی دفاتر توسعه محله در محلات هدف بازآفرینی و تهیه سند توسعه محله در مقیاس محله است؛ هرچند در این دوره مطرح شدن مقیاس محله‌ای و نحوه همکاری میان کنشگران مختلف به افزایش قدرت تأثیر اجتماعات محلی و ساکنان این محلات بر فرایندهای تصمیم‌گیری برای این محلات منجر نشد (جدول ۳ نشان‌دهنده قدرت کم ساکنان در مقابل دیگر کنشگران اصلی این فرایند است).

بررسی سیر تحول رویکردهای مداخله‌ای در دوره سی‌ساله (۱۳۷۰-۱۴۰۰) و تجارب اجرایی نوسازی و بازآفرینی شهری در شهر مشهد نشان می‌دهد که می‌توان تغییر پارادایم هم در بعد سیاست‌گذاری و هم در نحوه مدیریت اجرایی در این بازه زمانی را شناسایی کرد. بررسی تجارب این دوره نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هرکدام از رویکردهای حاکم بر دو دوره مذکور و در نتیجه تجارب غالب ناشی از آن‌ها در این دوره سی‌ساله، رویکرد متمرکز بر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از بالا به پایین است که به‌ویژه

در دهه‌های قبل به دنبال مشارکت کنشگران این فرایند به‌ویژه ساکنان این نواحی از شهر نبوده است؛ بلکه تنها شراکت اقتصادی شهروندان (ازجمله در تجربه طرح نوسازی منطقه ثامن) و استفاده از سرمایه‌های خرد و کلان شهروندان و بخش خصوصی مدنظر بوده است. علاوه بر این، غالب بودن رویکرد کالبدی، معادل بودن نوسازی شهری با تخریب و نوسازی در دوره اول است؛ درحالی‌که در دوره دوم ابعاد دیگر نوسازی و رویکرد یکپارچگی محله‌ای در اهداف مدنظر قرار گرفته است.

بررسی جایگاه حکمروایی شهری در فرایندهای مدیریتی بازآفرینی شهری (براساس تحلیل وضعیت اثرگذاری قدرت کنشگران) نشان می‌دهد که شاخص‌های توافق‌شده در حکمروایی مطلوب (مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی و پاسخ‌گویی) در رویکردهای مواجهه با بافت‌های فرسوده و ناکارآمد به‌صورت تمرکز و بدون در نظر گرفتن اصول حکمروایی مطلوب است. این موضوع در دوره اول نوسازی نمود بیشتری داشته و در دوره بازآفرینی شهری نیز تحت تأثیر ساختارهای موجود مدیریتی نتوانسته است با الزامات و شرایط مطرح‌شده در حکمروایی مطلوب انجام شود.

کتابنامه

۱. امیری شهری، س. م.، و محمد نیای قرائی، ف. (۱۴۰۰). مکان یابی اراضی مستعد توسعه درونزا در بافت فرسوده با بهره‌گیری از مدل تحلیلی F'ANP؛ (نمونه موردی: محله شهید آوینی مشهد). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳(۳)، ۲۱۱-۲۲۶.
۲. ایزدی، م. س. (۱۳۷۹). روند دگرگونی سازمان فضایی بافت‌های شهری ایران. شهرداری‌ها، ۲(۱۸)، ۱۴-۱۴.
۳. برانی، م.، اکبر، ع.، و فرامرزی، م. (۱۴۰۱). سنجش عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری پایدار در بافت فرسوده شهر ارومیه (مورد مطالعه بافت مرکزی شهر). فصلنامه پایداری، توسعه و محیط زیست، ۳(۱۰)، ۲۵-۴۶.
۴. برک‌پور، ن. (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران: مطالعه موردی همدان- اسلام‌شهر (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵. پور احمد، ا.، حبیبی، ک. و کشاورز، م. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در نوسازی بافت‌های فرسوده. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی*، ۱(۱)، ۸۹-۷۳.
۶. پیری ع.، زالی ن. و تقی‌لو ع.ا. (۱۳۹۱). امکان‌سنجی به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد. *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۱۱۹-۱۳۴.
۷. جعفری جلیلی، ح.، موسی کاظمی، س. م.، حکمت نیا، ح.، و مختاری، ر. (۱۴۰۱). تبیین آثار بازآفرینی فضاهای شهری بر عملکرد اقتصادی اجتماعی بافت تاریخی اصفهان نمونه پژوهش: محدوده میدان امام علی (ع). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۳(۸۵)، ۱۹-۴۲.
۸. دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۸۵). *بافت‌های فرسوده شهر تهران، مصوبه شماره ۱۵۳۰۱/۳۱۰/۳۰۰-۲۴/۰۴/۱۳۸۵*. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۹. دویران، ا.، مشکینی، ا.، کاظمیان، غ.، و علی آبادی، ز. (۱۳۹۰). بررسی رویکرد مداخله در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد ترکیبی محله زینبیه زنجان. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۷)، ۹۰-۷۱.
۱۰. رهنما، م.ر. (۱۳۸۷). اثرات اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی مرکز شهر مشهد بر محله پایین خیابان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۶(۱۱)، ۱۸۰-۱۵۷.
۱۱. زیاری، ک.ا.، نیک پی، و.، و حسینی، ع. (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری مطالعه موردی؛ شهر یاسوج. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۲۳(۱۴۱)، ۸۶ تا ۶۹.
۱۲. شهیدی، ا. (۱۳۹۵). *پیامدهای اجتماعی نوسازی بافت فرسوده در شهر مشهد: مورد پژوهی محله طبرسی*. مقاله ارائه‌شده در دومین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات در عمران، معماری و شهرسازی و محیط زیست پایدار، استانبول، ترکیه.
۱۳. صحرائی، ع.، و محمودی نیا، ا. (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱(۲۸)، ۲۰۷-۲۳۲.
۱۴. صحیزاده، م.، و ایزدی، م.س. (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر. *فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی*، ۱۴(۴۵)، ۲۱-۱۲.

۱۵. صرافى، م. (۱۳۸۱). به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی. *هفت شهر*، ۳(۸)، ۵-۱۱.
۱۶. عباچی، ا.، یوسفی، ع.، و کرمانی، م. (۱۳۹۷). رویکرد دولت مدار به بازآفرینی شهری و اعیانی سازی وابسته: تحلیل عملکرد ذینفعان کلیدی در نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر در مشهد. *توسعه روستایی*، ۱۱(۱)، ۷۵-۹۴.
۱۷. فیروز ج.، عباس م.، و شعبانی، آ. (۱۳۹۸). تأثیر جهانی شدن بر نهادهای مدنی در ایران، نشریه پژوهش سیاست نظری، ۲۵، ۱۵۷-۱۷۹.
۱۸. کاظمیان، غ.، قربانی‌زاده، و.ا.، واعظی، ر.، و شاه‌محمدی، م. (۱۳۹۸). الگوی نقش و ساختار حکمروایی محلی در نظام مدیریتی ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۱۷۹-۲۰۲.
۱۹. لطیفی، غ.، فیضی، ق.، باجلال، ر.، و سلطان زاده، ع. (۱۳۹۵). بررسی و ارزیابی سیاست‌های تأمین مسکن در بافت‌های فرسوده نمونه موردی: محله آبکوه مشهد. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۷(۲۳)، ۴۳-۲۷.
۲۰. مافی ع.ا.، و رضوی م.م. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تأکید بر متغیرهای اجتماعی (مطالعه موردی: محله طلب شهر مشهد). *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۴)، ۱۱۵-۱۲۶.
۲۱. مهدی زاده، ج.، مطلق، م.ت.، امیری، م.د.، صراف‌زاده، ه.، جهانشاهی، م.ح.، و پیرزاده‌نهوچی، م.ح. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران. *مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران*، تهران، ۳۵-۳۰.
۲۲. نسترن، م.، قاسمی، و.، و هادی‌زاده‌زرگر، ص. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP). *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۳)، ۱۷۳-۱۵۵.
۲۳. هادی زاده زرگر، ص.، و نسترن، م. (۱۳۹۵). بهسازی بافت فرسوده شهری با رویکرد پایداری اجتماعی مورد شناسی: محله دریا دل شهر مشهد. *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۱۱۳-۱۲۴.
۲۴. هادی‌زاده‌زرگر، ص. (۱۳۹۱). *سنجش و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح محله‌های شهر مشهد (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)*. دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

26. Bourne, L. (2009). *Stakeholder Relationship Management: a Maturity Model for Organizational Implementation*. UK: Farnham.
27. Bringer, J. D., Johnston, L. H., & Brackenridge, C. H. (2006). Using computer-assisted qualitative data analysis software to develop a grounded theory project. *Field Methods*, 18(3), 245-266.
28. Bryson, J.M., Crosby, B.C., & Stone, M.M. (2006). The Design and Implementation of Cross-sector Collaboration: Propositions from the Literature. *Public Administration Review*, 66, 44-55.
29. Emerson, K., Nabatchi, T., & Balogh, S. (2011). An Integrative Framework for Collaborative Governance, *Journal of Public Administration Research and Theory*, 22, 1-29.
30. Jones, P., & Evans, J. (2006). Urban regeneration, governance and the state: Exploring notions of distance and proximity. *Urban Studies*, 43(9), 1491-1509.
31. Judith E. Innes, David E. Booher. (2018). *Planning with Complexity: An Introduction to Collaborative Rationality for Public Policy*, New York: Routledge, 10-12.
32. Innes, J., & Booher, D. (2010). *Planning with Complexity: An Introduction to Collaborative Rationality for Public Policy*. London: Routledge.
33. Izadi, M.S. (2008). *A study on city center regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran*. Newcastle University, Retrieved from <http://theses.ncl.ac.uk/jspui/handle/10443/759>
34. Linden, R.M. (2010). *Leading across Boundaries: Creating Collaborative Agencies in a Networked World*. San Francisco: Jossey-Bass.
35. Stouten, P. (2011). *Changing Contexts in Urban Regeneration: 30 years of modernization in Rotterdam*. Techne Press.
36. UNECE. (2007). *A Guide to Promoting Good Governance in Public Private Partnerships*. United Nation Economic Commission for Europe.
37. Van Dijk, M.P. (2006). *Managing Cities in Developing Countries: The Theory and Practice of Urban Management*. Edward Elgar Publishing.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.79213.1203>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

بررسی موج‌های گرم شهر اردبیل و نقش آن در گرمایش شهری^۱

رقیه ملکی مرشت (پژوهشگر پسادکتری آب و هواشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

roghayeh.maleki1395@gmail.com

بهروز سبحانی (استاد آب و هواشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول)

sobhani@uma.ac.ir

صص ۱۹۵ - ۱۶۹

چکیده

امواج گرمایی یکی از مخاطرات اقلیمی تأثیرگذار بر جوانب مختلف زندگی بشر است. هدف پژوهش حاضر، بررسی موج‌های گرم شهر اردبیل و نقش آن در گرمایش شهری طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۳ بود؛ بر این اساس، داده‌های دمای حداکثر ایستگاه اردبیل از سازمان هواشناسی دریافت شد. سپس در محیط نرم‌افزار متلب با اعمال شاخص فومیایکی بر داده‌های دمای حداکثر، روزهایی که دمای آن‌ها ۲+ انحراف معیار یا بیشتر از میانگین NTD بود و حداقل دو روز تداوم داشت، به-عنوان روز توأم با موج گرمایی تعریف شد. برای بررسی تأثیرپذیری جزیره حرارتی از وقوع امواج گرمایی در ماه‌های گرم و سرد سال، جزیره حرارتی برای روزهای توأم با موج گرمایی و یک روز عادی بدون موج گرمایی با کمترین دمای حداکثر

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول (خانم ملکی) در رشته آب و هواشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران است.

قبل از وقوع هر موج گرمایی در روز هنگام و شب هنگام مودیس-آکوا محاسبه شد. طبق نتایج، طی دوره مطالعه‌شده، بیشترین فراوانی سالانه و ماهانه مخاطره موج گرمایی اردبیل، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ و در ماه‌های مارس، آوریل و ژوئیه بوده است. همچنین نتایج نشان داد که طی دوره مطالعه‌شده، حداکثر تداوم امواج گرمایی چهارروزه و کوتاه‌مدت بوده است. براساس یافته‌ها، چه در ماه‌های گرم و چه در ماه‌های سرد، در هر دو شرایط، وجود و نبود موج گرمایی اغلب در روز جزیره سرمایی و در شب جزیره گرمایی در مرکز اردبیل تشکیل شده است که شدت آن در زمان حاکمیت امواج گرمایی به‌خصوص در ماه‌های گرم سال بیشتر از شرایط بدون موج گرمایی بوده است. در شب‌های تابستان، در شرایط حاکمیت موج گرمایی تا ۴ درجه سلسیوس نیز افزایش دما در جزیره گرمایی تجربه شده است. درمجموع نتایج نشان داد که میزان تأثیرپذیری جزیره حرارتی از رخداد امواج گرمایی، در ماه‌های گرم بیشتر از ماه‌های سرد بوده است.

کلیدواژه‌ها: اردبیل، امواج گرمایی، جزیره حرارتی، فومیاکی.

۱. مقدمه

از نظر آماری، امواج گرمایی نوسان‌های مثبت یا فرین‌های زیاد میانگین دماهای حداکثر روزانه است که روزها (گاه هفته‌ها و ماه‌ها) در فضاها جغرافیایی خاصی تداوم دارد (قویدل رحیمی، ۱۳۹۰، ص. ۸۵). امواج گرمایی از مهم‌ترین پدیده‌های آب‌وهوایی است که هر ساله پیامدهای زیست‌محیطی مخربی را در طبیعت بر جای می‌گذارد. کاهش پیامدهای ناشی از امواج گرمایی آینده، درگرو شناسایی سازوکار امواج گرما، سامانه‌های هواشناسی ایجادکننده گرما و پیش‌بینی آن‌ها و کشف راه‌هایی برای کاهش تأثیرات آزاردهنده آن‌ها بر سلامت عمومی و شناسایی مناطق آسیب‌پذیر است (کواتس و کاپ^۱، ۲۰۰۵؛ هوشیار و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۶). دمای سطح زمین (LST)^۲ یکی از پارامترهای کلیدی در کنترل فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیک، در پروسه‌های زمین و عامل مهمی برای مطالعه آب‌وهوای شهری

1. kovats& kopp

2. Land surface temperature

محسوب می‌شود (کاندلوال^۱، ۲۰۱۷، ص. ۱). یکی از رایج‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل دمای سطح زمین، استفاده از تکنیک‌های سنجش از دور است. شدت تشعشع طیفی شناسایی‌شده در ناحیه مادون قرمز حرارتی طیف الکترومغناطیس می‌تواند برای تخمین دمای سطح، با استفاده از اعمال قانون پلانک به کار گرفته شود (وَنگ^۲، ۲۰۰۴، ص. ۴۰۸۰). دمای بالاتر شهرها در مقایسه با دمای نواحی روستایی، جزیره‌ای از هوای گرم ایجاد می‌کند که به آن «جزیره گرمایی» گفته می‌شود که اغلب در شب‌های آرام و صاف در شهر گسترش می‌یابد (عزیزی، ۱۳۸۳، ص. ۴۳۴). جزیره گرمایی با تغییر مؤلفه‌های اقلیمی در شهرها موجب افزایش نسبی دمای شهرها در مقایسه با حومه آن‌ها می‌شود. به‌طور کلی سه مؤلفه اصلی اقلیمی در تقویت یا تضعیف جزیره گرمایی نقش اساسی دارند. این سه مؤلفه عبارت‌اند از: سامانه‌های ابرناکی و باد. در شرایط هوای آرام و آسمان بدون ابر تفاوت‌های دمایی میان شهر و روستا افزایش می‌یابد و در صورت وزش باد بیش از سرعت آستانه، شدت جزیره گرمایی کم و در نهایت محو می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود که در زمان استقرار سامانه‌های واچرخندی، شدت جزیره گرمایی بیش از شرایط چرخندی باشد (لندیسبرگ^۳، ۱۹۸۱، ص. ۲۸). گاهی اختلاف دما بین مناطق شهری و روستایی می‌تواند معکوس شود و جزیره سرمایی شهری (UCI)^۴ رخ دهد؛ به عبارت دیگر، وقتی هوای مرکز شهر سردتر از حومه آن باشد، جزیره‌ای از هوای سرد در مرکز شهر ایجاد می‌شود که به آن جزیره سرمایی گفته می‌شود. شدت جزیره سرمایی اغلب به میزان درخور توجهی کمتر از شدت جزیره گرمایی است. برخلاف جزیره گرمایی که در شب ایجاد می‌شود، پدیده جزیره سرمایی همیشه در طول روز و با شدت کمتری رخ می‌دهد و رطوبت سطح، عامل تعیین‌کننده اصلی در جزیره سرمایی شهری محسوب می‌شود (کیم و بایک^۵، ۲۰۰۵، ص. ۵۹۱). شرایط اتمسفری راکد حاصل از امواج گرمایی، آلاینده‌ها را در مناطق شهری محبوس می‌سازد و با اضافه شدن آلاینده‌های سمی به هوای گرم حاصل از موج گرمایی، مشکل زیستی در ابعاد وسیع به وجود می‌آید.

1. Khandelwal

2. Weng

3. Landsberg

4 Urban Cool Island

5. Kim & Baik

همچنین در شب یا در زمستان، وجود هوای سرد در لایه‌های فوقانی جو سبب تثبیت هوای گرم و آلوده لایه‌های زیرین جو می‌شود (الموسائد^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱۳۹). امواج گرمایی می‌تواند در مقیاس محلی روی دهد و سبب از بین رفتن محصولات کشاورزی، مرگ‌ومیر در اثر گرمادگی، آتش‌سوزی جنگل‌ها شده و خسارات اقتصادی فراوانی به بار آورد (بالدی^۲، ۲۰۰۴؛ صلاحی و قدرتی، ۱۳۹۷، ص. ۳۶).

۲. پیشینه تحقیق

بررسی رابطه امواج گرمایی و جزیره حرارتی شهری طی سال‌های اخیر، مدنظر بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته و در این راستا اغلب در خارج از کشور، مطالعاتی با روش‌های مختلف انجام شده است. در این بخش به چند پژوهش اشاره می‌شود.

فنج^۳ و همکاران (۲۰۱۴) به شبیه‌سازی جزیره حرارتی در شرایط سینوپتیکی هوای گرم در شهر هنگ‌کونگ در چین پرداختند. آنان در پژوهش خود از مدل ترکیبی WRF/UCM استفاده کردند. نتایج نشان داد که جزیره حرارتی عمده‌تر حاصل ذخیره گرمایی زیاد در صنایع شهری در طول روز و انتشار این گرما در شب است. ویی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) برای مطالعه امواج گرمایی سال ۲۰۱۱ گری‌تر هیستون، به بررسی تأثیر کاربری زمین بر دمای هوا پرداختند. طبق نتایج پژوهش، فاصله تا خط ساحلی و مناطق خیلی توسعه‌یافته، تأثیر بسیاری بر میانگین دمای روزانه دارد و آب‌های آزاد نیز اثر بیشتری بر حداقل دمای روزانه دارند. فریدونی و همکاران (۲۰۱۵) احتمال رخداد امواج گرمایی را در نواحی شمالی ایران بررسی کردند. نتایج نشان داد که احتمال رخداد امواج یک تا سه روز در تمام ایستگاه‌ها بیشتر از بقیه است. دابراوالنی و کراهُولا^۵ (۲۰۱۵) تغییرات فضایی دمای هوا و شدت شبانه جزیره حرارتی شهر برنو، در جمهوری چک را بررسی کردند. طبق نتایج، شاخص‌های پوشش گیاهی طبیعی (NDVI) و تراکم ساختمان‌ها، مهم‌ترین عوامل توجیه‌کننده افزایش پنج‌درجه‌ای شدت

1. Almusaed
2. Baldi
3. Feng Xuchao & Weiping
4. Weihe
5. Dobrovolny & Krahula

جزایر حرارتی اوایل شب در تابستان بودند که از مرکز شهر به سمت حومه، از شدت آن کاسته شده است. لیمونسو^۱ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر سناریوی توسعه شهری بر جزیره گرمایی و استرس گرمایی در شهر پاریس (فرانسه) پرداختند. براساس نتایج، در شهرهای متراکم با تمرکز ساکنان در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر جزیره حرارتی است، آسیب‌پذیری کل جمعیت تشدید می‌شود. حسینی (۲۰۱۶) جزیره گرمایی شهر تهران را بررسی کرد. نتایج نشان داد که این شهر طی روز جزیره سرمایی و در شب جزیره گرمایی داشته است. کمترین میزان جزیره سرمایی ۴- درجه کلوین در ماه مارس و بیشترین مقدار جزیره گرمایی ۳/۹ درجه کلوین در ماه می بود. زهو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) به ارزیابی فصلی بودن جزیره حرارتی سطحی شهر لندن پرداختند. آنان با روش ترکیبی مشاهدات ماهواره‌ای به مدل‌سازی آب‌وهوای لایه مرزی شهر با استفاده از مدل اقلیم شهر (UrbClim)^۳ پرداختند. نتایج نشان داد که مدل اقلیم شهری می‌تواند دمای سطح زمین شهری و روستای و دمای هوای دو متری سطح زمین را به‌طور رضایت‌بخشی بازسازی کند. همچنین تغییرات دمای سطح زمین می‌تواند عمدتاً با تغییرات فصلی تابش دریافتی خورشید در ارتباط باشد.

دی رایدرد^۴ و همکاران (۲۰۱۶) تشدید جزیره حرارتی شهری در طول رخداد امواج گرمایی در تابستان ۲۰۰۲ در پاریس را بررسی کردند. پژوهش آنان در مرحله اول، براساس دمای مشاهده‌شده از یک منطقه شهری و روستایی انجام شد. نتایج نشان داد که با هر درجه سلسیوس افزایش دما در روز، شدت جزیره حرارتی ۰/۰۸ درجه سلسیوس در شبانه روز افزایش می‌یابد. اعتبارسنجی ابتدا با استفاده از درجه حرارت ذکرشده انجام شد و سپس حساسیت شدت جزیره حرارتی شهری شبانه محاسبه شد. علاوه بر دمای روز، این بار با در نظر گرفتن دماهای شبیه‌سازی شده حاصل از تراکم ساخت‌وسازهای مرکز پاریس، شدت جزیره حرارتی باعث افزایش ۰/۱ درجه سلسیوس در دمای روزانه شده است. همچنین نتایج تأیید کرد که شدت جزیره حرارتی شهری، در طول رخداد امواج گرمایی افزایش می‌یابد.

1. Lemonsu

2. Zhou

3. Urban Climate Model

4. De Ridder

قبادی و همکاران (۲۰۱۷) به پژوهش درمورد تأثیر امواج گرمایی بر جزایر حرارتی در شهر کرج پرداختند. نتایج حاصل از بررسی‌های آماری-سینوپتیکی نشان داد که در روزهای حاکمیت امواج گرمایی، جزیره گرمایی شهری (UHI) در منطقه مورد مطالعه تشدید می‌شود و درجه حرارت شهری در مقایسه با دمای مناطق روستایی، حدود ۱ درجه سلسیوس در روز و ۲/۵ درجه سلسیوس در شب گرم‌تر است. بای^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با تحلیل مقایسه‌ای به بررسی امواج گرمایی و جزایر حرارتی در چند شهر پرداختند. طبق نتایج، در شهرهایی با وسعت یکسان، رابطه متفاوتی بین امواج گرمایی و جزایر حرارتی وجود داشته است. در شهرهای نیویورک، ایالت واشنگتن و بالتیمور در مقایسه با شهرهای کوچک، جزیره حرارتی هم‌زمان با رخداد امواج گرمایی تقویت شده است. همچنین در شهرهای مختلف، الگوی جزیره حرارتی، تغییرات جزیره حرارتی و ارتباط متقابل آن با امواج گرمایی، به‌طور ذاتی با عوامل دینامیکی در ارتباط است. پاراوانتیس^۲ و همکاران (۲۰۱۷) آثار دمای بالا، امواج گرمایی و جزیره حرارتی شهری را در مرگومیر روزانه قلب و عروقی و تنفسی افراد بیشتر ۶۵ سال، طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ در یونان و آتن بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که همبستگی زیادی بین مرگومیر روزانه قلبی و عروقی و تنفسی افراد بیشتر از ۶۵ سال و دماهای بالا وجود دارد. در دمای متوسط مرگومیر کمتر است، ولی در دماهای بالا و بسیار بالا این مرگومیرها به میزان ۲۰ تا ۳۵ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت طبق تجزیه و تحلیل خوشه‌ای، بیشترین میزان مرگومیر در اثر امواج گرمایی گزارش شده است.

فوندا و سانتاموریس^۳ (۲۰۱۷) مشارکت امواج گرمایی و جزایر حرارتی شهری در تابستان بسیار گرم ۲۰۱۲ در آتن را مطالعه کردند. طبق نتایج، در روز حادثه همبستگی قوی بین جزیره حرارتی شهری و امواج گرمایی وجود داشته است که این امر می‌تواند موجب افزایش چشمگیر خطر گرما در شهرها و آسیب‌پذیری جمعیت شهری گردد. ای-آئل^۴ و همکاران (۲۰۱۷) به تحلیل آثار امواج گرمایی و سرمایی بر بخش تولید انرژی پرداختند. بررسی‌های

1. Bai

2. Paravantis

3. Founda & Santamouris

4. A-Añel

آنان نشان داد که رخداد امواج سرمایی و گرمایی می‌تواند به افزایش نیاز به تولید انرژی مصرفی منجر شود؛ برای مثال، زیاد شدن نیاز گیاه به آبی با دمای بالاتر، نمونه‌ای از این موارد است. باسارا^۱ و همکاران (۲۰۱۸) تأثیرپذیری جزیره حرارتی شهری، طی رخداد موج گرمایی شدید در شهر اوکلاهما را بررسی کردند. نتایج نشان داد که طی حاکمیت امواج گرمایی، یک جزیره حرارتی در مرکز شهر ایجاد شده است. روهینی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی امواج گرمایی هند با استفاده از مدل CMIP5 پرداختند. نتایج پژوهش آنان افزایش امواج گرمایی بلند را طی دهه‌های آتی تأیید کرد. فرون و همکاران^۳ (۲۰۱۹) به بررسی امواج گرمایی جنوب آمریکا پرداختند. آنان از پنج مدل CMIP5 تحت دو سناریوی RCP ۴/۵ و ۸/۵ استفاده کردند و دریافتند که در دهه‌های اخیر سهم روزهای بسیار گرم حداقل در دسامبر، ژانویه و فوریه دو برابر شده است.

مجرد و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی آماری-همدیدی دمای بیشتر از ۴۰ درجه سلسیوس در ایران پرداختند. نتایج نشان داد که در بیشتر موارد هوای گرم و خشک عربستان و شمال عراق و نیز پراارتفاع آזור در رخداد امواج گرمایی غرب ایران مؤثر است. مولودی و همکاران (۱۳۹۵) با کمک شاخص فومیایکی و با استفاده از مدل CMIP5 به بررسی اثر تغییر اقلیم بر امواج گرمایی سواحل شمالی خلیج فارس پرداختند. نتایج نشان داده که امواج گرمایی کوتاه‌مدت رخداد بیشتری دارد و نیز فراوانی امواج گرمایی طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. خوشید دوست و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی همدیدی امواج گرمایی در شمال غرب ایران پرداختند. براساس نتایج، با قرار گرفتن پشته حاصل از مراکز و اچرخندی روی نیمه غربی ایران در روز اوج گرفتن موج گرما و با همگرا شدن هوا، فرونشینی و نشست هوا و در نهایت گرم شدن آن به صورت آدیاباتیک رخ داده است. کرم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) به شناسایی و تحلیل سینوپتیکی امواج گرمایی غرب ایران پرداختند. نتایج نشان داد که ۷۰ موج در دوره گرم و ۷۳ موج در دوره سرد رخ داده است و بیشترین میزان وقوع امواج گرمایی در ماه فروردین بوده و امواج کوتاه رخداد بیشتری داشته است. کاشکی و همکاران (۱۳۹۸) به

1. Basara

2. Rohini

3. Feron

واکاوی آماری امواج گرمایی زابل پرداختند. نتایج نشان داد که در منطقه مورد مطالعه آنان موج‌های گرمایی کم‌دوام رخداد بیشتری داشته و امواج گرمایی پرتداوم کمتر رخ داده است. همچنین امواج گرمایی به‌عنوان یکی از مخاطرات آب و هوایی در دوره آماری روند افزایشی داشته است. شجاعی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه امواج گرمایی و جزایر حرارتی شهر آبادان با استفاده از داده‌های مودیس - آکوا پرداختند. یافته‌ها نشان داد که جزایر حرارتی در آبادان دارای نوسانات مکانی و زمانی مشخص و مقدار دمای سطحی در فصل گرم بیشتر است. دمای بالا در زمین‌های بایر به علت انعکاس زیاد تشعشعات حرارتی ساطع شده از خورشید به لحاظ وجود قشری از نمک در سطح زمین و در محدوده صنعتی به علت سوزاندن سوخت‌های فسیلی و تولید گازهای آلاینده است که باعث اثر گلخانه‌ای، تشدید گرما و در نهایت تراکم زیاد جزایر حرارتی و تشدید اثرات امواج گرمایی می‌شود.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که در پژوهش‌های داخلی موج گرمایی و جزیره حرارتی شهری اغلب به‌صورت مجزا مطالعه شده‌اند، اما در پژوهش‌های خارجی این دو مخاطره اغلب در ارتباط با هم بررسی شده‌اند؛ بنابراین مطالعه رابطه این دو پدیده به‌عنوان یکی از موضوعات جدید، به‌خصوص در شهر اردبیل که یکی از شهرهای توریستی کشور است، برای کاهش آثار منفی ناشی از افزایش دما بر اقتصاد کشور و محیط‌زیست و همچنین مدیریت بحران، ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه افزایش مداوم دمای شهرها با عنوان جزیره حرارتی شهری و رخداد ناگهانی امواج گرمایی به‌عنوان یکی از مخاطرات مهم اقلیمی، از جمله نگرانی‌های مهم سیاست‌گزاران مدیریت شهری در شهرها است و رخداد هم‌زمان این دو پدیده و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر می‌تواند سبب تشدید گرمای مرکز شهر شود؛ در نتیجه خسارات زیست‌محیطی فراوانی را به دنبال داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، افزایش مرگ‌ومیر در تهران طی ۱۷ موج گرمایی به فوت ۱۰۶۹ نفر منجر شده است؛ یعنی به ازای هر موج گرمایی ۹ نفر فوت کرده‌اند و نرخ مرگ‌ومیر ۳ تا ۹ درصد افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر افزایش دما سبب افزایش آلودگی هوا و زیاد شدن نرخ مرگ‌ومیر شده است (احمدزاده و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲۴). طبق توضیحات، در پژوهش حاضر سعی شده است به بررسی موج‌های گرم شهر اردبیل و نقش آن در گرمایش شهری و تشدید جزایر حرارتی در فصول گرم و سرد سال

طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۰ پرداخته شود تا با شناسایی رفتار و ارتباط دو مخاطره موج گرمایی و جزیره حرارتی، بتوان راهکارهای لازم را برای مدیریت بحران ارائه کرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

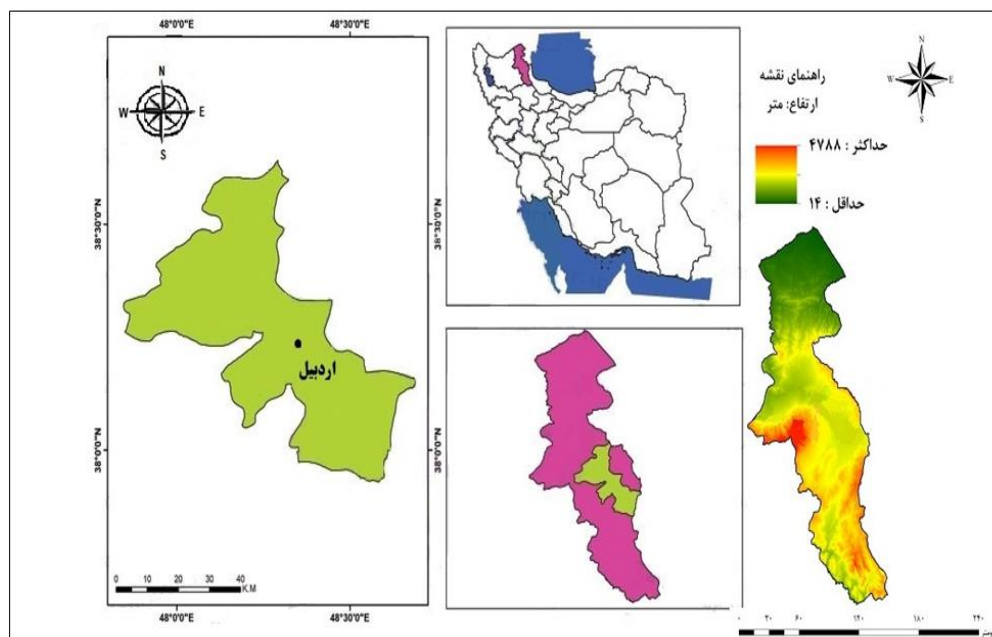
۳.۱. منطقه مورد مطالعه

در پژوهش حاضر، شهر اردبیل که مرکز استان اردبیل است، برای بررسی انتخاب شد. در جدول ۱ موقعیت جغرافیایی و در شکل ۱ محدوده این شهر ارائه شده است.

جدول ۱. موقعیت جغرافیایی و ارتفاع ایستگاه اردبیل

مأخذ: سازمان هواشناسی کشور، ۱۴۰۰

ایستگاه	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع (متر)
اردبیل	۴۶° ۳'	۳۸° ۲'	۱۳۳۵



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر اردبیل

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۲.۳. روش شناسایی روزهای توأم با امواج گرمایی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸

برای شناسایی و استخراج امواج گرم، داده‌های حداکثر دمای روزانه ایستگاه اردبیل مطالعه طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸، از سازمان هواشناسی کشور دریافت شد و با کمک شاخص فومیاکی^۱ و از طریق برنامه‌نویسی در محیط نرم‌افزار متلب، روزهایی که دست کم دو روز تداوم داشته و دمای آن‌ها بیشتر از ۲+ انحراف معیار یا بیشتر از میانگین (NTD)^۲ بود، به-عنوان روز توأم با موج گرمایی شناسایی و انتخاب شدند. به‌منظور محاسبه این نمایه، نخست میانگین بلندمدت دما برای هریک از روزهای سال محاسبه شد تا انحراف دمای هر روز خاص نسبت به میانگین بلندمدت مبنای داوری درباره گرمی آن روز قرار گیرد. میانگین بلند مدت دماهای هر روز با رابطه (۱) به‌دست می‌آید (مسعودیان و دارند، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۳؛ اسمعیل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۳).

رابطه (۱)

$$\overline{T(i,j)} = \sum_{n=2003}^{2018} T(i,j,n) \div N$$

در این رابطه، $T(i,j,n)$ دمای روز i ام از ماه j ام در سال n ام $\overline{T(i,j)}$ میانگین بلندمدت دمای روز i ام، از ماه j ام است. برای از بین بردن نوفه‌های (نویز^۳) موجود در میانگین بلندمدت، فیلتر میانگین متحرک ۹ روزه سه بار روی این داده‌ها انجام شد؛ به این ترتیب، میانگین بلندمدت دمای هر روز بر مبنای دمای همان روز و ۲۹ روز همسایه آن محاسبه شد؛ به بیان دیگر دمای هر روز نماینده وضع کلی دما در همان روز و دمای دو هفته پیش و دو هفته پس از آن است؛ درنتیجه آثار عوامل زود گذر محلی که موجب نوسان دما شده‌اند، حذف شده و اثرات سامانه‌های همدید که تغییرات کلان دما را تعیین می‌کنند، تقویت می‌شود. سپس به کمک رابطه (۲)، انحراف دمای هریک از روزهای بررسی‌شده نسبت به میانگین

1. Fumiaki

2. Normalized Thermal Deviation

3 Noise

بلندمدت محاسبه شد (فوجیبی^۱ و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۶۵؛ اسماعیل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۳).

رابطه (۲)

$$\Delta T = (i, j, n) = T(i, j, n) - T(I, J)$$

در رابطه بالا، $\Delta T = (i, j, n)$ انحراف مطلق دما از میانگین بلندمدت در روز j ام از ماه i ام، در سال n ام نسبت به میانگین بلندمدت دمای همان روز تقویمی است. برای آنکه مقادیر انحراف دمای زمان‌های مختلف در یک نقطه جغرافیایی و مکان‌های مختلف در زمانی معین با یکدیگر قابل مقایسه باشد، لازم است این مقادیر مطلق انحراف دما به کمک پراش دما استانداردسازی شوند. همانند تغییرات روز به روز، پراش ΔT در ۳۱ روز برای هر روز تقویمی طبق رابطه (۳) به دست آمد. سپس میانگین متحرک ۹ روزه سه بار انجام شد.

رابطه (۳)

$$\overline{\sigma^{2(i,j)}} = \sum_{n=2003}^{2018} \sum_{j=-16}^{j+16} [\Delta T(i, j', n) - \overline{\Delta T(i, j', n)}]^2 \div 31N$$

مقدار $\overline{\Delta T(i, j)}$ میانگین انحراف دما روی کرنل ۳۱ روزه است که از رابطه (۴) به دست آمد.

رابطه (۴)

$$\overline{\Delta T * (i, j)} = \sum_{n=2003}^{2018} \sum_{j=j-16}^{j+16} T(i, j', n) \div 31N$$

سرانجام نمایه فومیایکی یا انحراف دمای نرمال شده (NTD) با استفاده از رابطه (۵) محاسبه شد.

رابطه (۵)

$$x(i, j, n) = \Delta T(i, j, n) \div \overline{\sigma(i, j)}$$

که در این رابطه $\overline{\sigma(i,j)} = \sqrt{\sigma^2(i,j)}$ است؛ بنابراین تعریف موج گرم در این پژوهش این گونه بیان می‌شود که هرگاه ضریب (NTD) برای P روز متوالی ۲ انحراف معیار بیشتر از میانگین باشد، یک موج گرمایی P روزه داریم؛ به عبارتی اگر (i) NTD معرف دمای بهنجار شده روز i ام باشد (رابطه ۶)، آنگاه موج گرمایی P روزه داریم (اسمعیل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۳).

رابطه (۶)

$$NTD(i), NTD(i+1), \dots, NTD(i+p-1) \geq 2, NTD(i-1), NTD(i+p) \leq 2$$

سپس برای راستی‌آزمایی عملکرد شاخص فومیایکی و به منظور اطمینان از حاکمیت موج گرمایی در روزهای شناسایی شده توسط شاخص مذکور، به تحلیل سینوپتیکی موج گرمایی دو روزه (پنجم و ششم مارس ۲۰۰۴) پرداخته شد.

۳.۳. روش محاسبه جزیره حرارتی سطحی شهر با استفاده از داده‌های مودیس-آکوا

به منظور بررسی شدت جزیره حرارتی در کلان‌شهر اردبیل در روزهای توأم با موج گرمایی (بدون ابر)، داده‌های دمای رویه زمین سنجنده مودیس^۱-آکوا برای روز هنگام ساعت ۱۵:۲۴-۱۳:۳۸ و شب هنگام ساعت ۰۳:۵۳-۰۲:۳۱، از وب‌سایت ناسا^۲ با تفکیک مکانی ۱×۱ کیلومتر و تفکیک واقعی ۹۲۶ متر (مسعودیان و ترکی، ۱۳۹۸، ص. ۷۵) در سیستم تصویری سینوسی به صورت روزانه طی دوره آماری مورد مطالعه (۲۰۰۳-۲۰۱۸) دریافت شد. MODIS یا اسپکترو رادیومتر تصویربرداری با قدرت تفکیک مکانی متوسط، ابزاری است که روی ماهواره آکوا (EOS PM) راه‌اندازی در ماه مه ۲۰۰۲، نصب شده است. MODIS داده‌ها را در ۳۶ باند طیفی با عبور از بالای خط استوا در حوالی ۱۳:۳۰ و ۰۱:۳۰ بر ماهواره آکوا جمع‌آوری می‌کند. اعتبارسنجی در سطح ۳ برای تمام محصولات بازتابندگی سطح مادیس انجام شده است. MOD11_A2 و MYD11_A2، دمای سطح زمین (LST) و توان تشعشعی هشت‌روزه در سطح ۳، تشکیل شده از محصول LST روزانه ۱ کیلومتر مادیس

1. MODIS

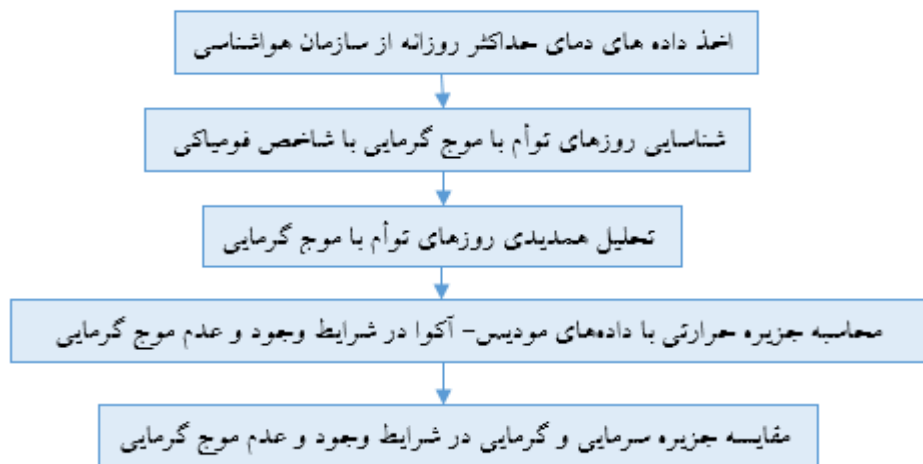
2. Nasa

(MOD11A1 و MYD11A1) است و روی یک شبکه سینوسی ۱ کیلومتر به‌عنوان مقدار متوسط (LSTs) در آسمان صاف در طول ۸ روز در طول روز و شب (۱۳:۳۰ و ۰۱:۳۰ برای مودیس آکوا) ذخیره شده است (لازارینی^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۳۶). برداشت‌های مودیس آکوا به این دلیل انتخاب شدند که نسبت به مودیس ترا به ساعات میانه روز و میانه شب (مقادیر فرین روزانه) نزدیک‌تر بودند. برای تأیید درستی نتایج تصاویر ماهواره‌ای، وضعیت باد و رطوبت نسبی در روزهای مورد مطالعه، از سایت سازمان هواشناسی دریافت و واکاوی شد. معمولاً به‌منظور بررسی جزیره حرارتی سطحی، از تفاوت دمای سطح مناطق شهری با مناطق غیرشهری یا روستایی استفاده می‌شود؛ با این حال، تمایز میان مناطق شهری و غیرشهری هنوز متنوع است. علاوه بر شاخص SUHI که تفاوت دمای سطح مناطق شهری با غیرشهری را اندازه‌گیری می‌کند، بسته به کاربری غالب اطراف شهر، شاخص‌های دیگری از جمله تفاوت دمای سطح مناطق شهری-کشاورزی و شهری-آب نیز استفاده شده است. در پژوهش حاضر، جزیره حرارتی با استفاده از رابطه (۷) محاسبه شد.

رابطه (۷)

$$FLST_{rural} - SUHI = MLST_{urban}$$

که در رابطه (۷)، SUHI جزیره گرمایی رویه زمین، $MLST_{urban}$ میانگین دمای رویه زمین در منطقه شهری و $FLST_{rural}$ دمای رویه زمین با بیشترین فراوانی رخداد در منطقه روستایی است. به‌منظور مطالعه نقطه‌ای SUHI، از اختلاف دمای دو یاخته معرف داخل و بیرون شهر استفاده شد (مجرد و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۴۷۹). در مرحله بعد، برای بررسی میزان تأثیرپذیری جزیره حرارتی شهری از رخداد امواج گرمایی، مقادیر جزیره حرارتی در روزهای حاکمیت امواج گرمایی و یک روز عادی (بدون موج گرمایی) با کمترین دمای حداکثر، به فاصله حداکثر دو هفته قبل از وقوع هر موج گرمایی محاسبه شد و شدت جزیره حرارتی در دو شرایط متفاوت (وجود و عدم موج گرمایی) مقایسه شد. برای ارائه ملموس‌تر روش پژوهش، فلوچارت تحقیق در شکل ۲ ارائه شده است.



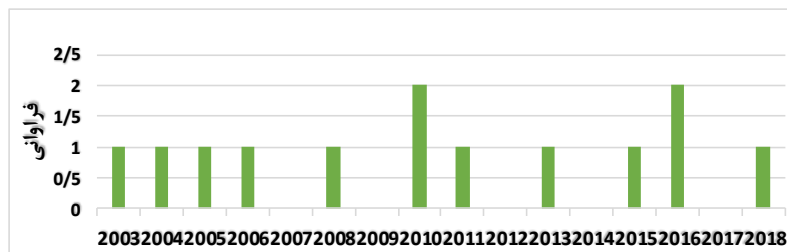
شکل ۲. فلوجارت روش تحقیق

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۴. یافته‌های تحقیق

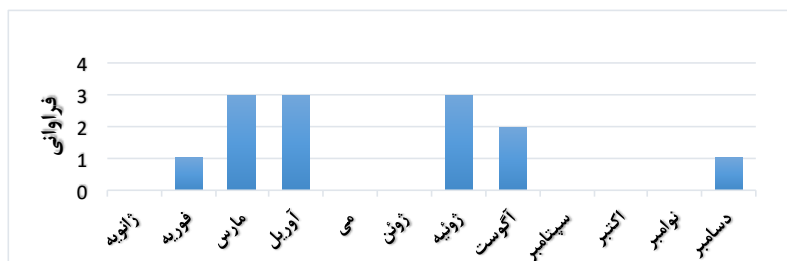
۴.۱. توزیع زمانی امواج گرمایی شهر اردبیل

با اعمال شاخص فومیایکی، امواج گرمایی شهر اردبیل شناسایی و به دو دسته امواج کوتاه‌مدت و امواج بلندمدت تقسیم شد (امواج گرمایی با تداوم بین دو تا پنج روزه، امواج گرمایی کوتاه‌مدت و امواج با تداوم شش‌روزه یا بیشتر، امواج گرمایی بلندمدت نام‌گذاری شدند). طبق نتایج حاصل، طی دوره مورد مطالعه (۲۰۱۸-۲۰۲۳)، بیشترین فراوانی مخاطره موج گرمایی در این شهر در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ بوده است (شکل ۳). در این شهر بیشترین فراوانی رخداد این مخاطره در ماه‌های مارس، آوریل و ژوئیه بوده است (شکل ۴). از نظر تداوم، طی ۱۶ سال مورد مطالعه، حداکثر تداوم امواج گرمایی در ایستگاه اردبیل چهارروزه و بنابراین کوتاه‌مدت بوده است (شکل ۵).



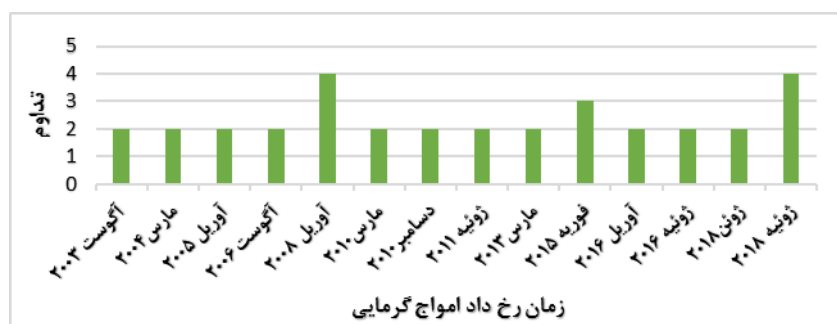
شکل ۳. فراوانی سالانه موج گرمایی در ایستگاه اردبیل مورد مطالعه (۲۰۰۳-۲۰۱۸)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۴. فراوانی ماهانه امواج گرمایی در ایستگاه اردبیل طی دوره مورد مطالعه (۲۰۰۳-۲۰۱۸)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

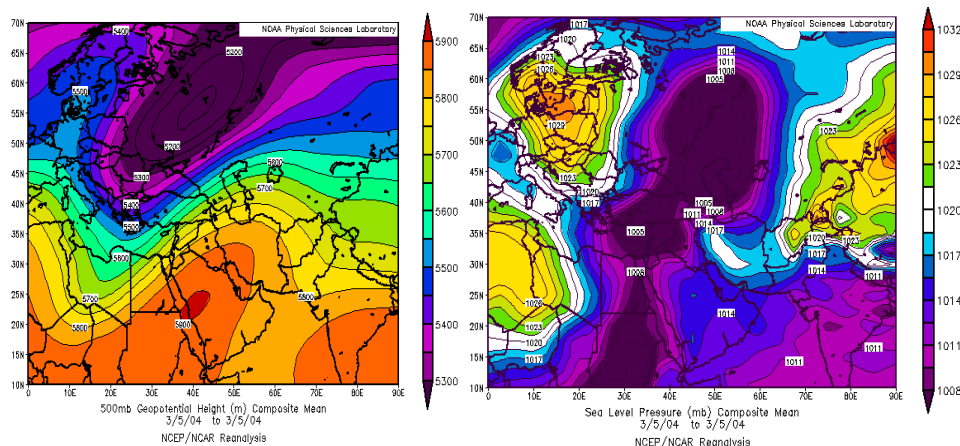


شکل ۵. زمان و تداوم امواج گرمایی در ایستگاه اردبیل طی دوره مورد مطالعه (۲۰۰۳-۲۰۱۸)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

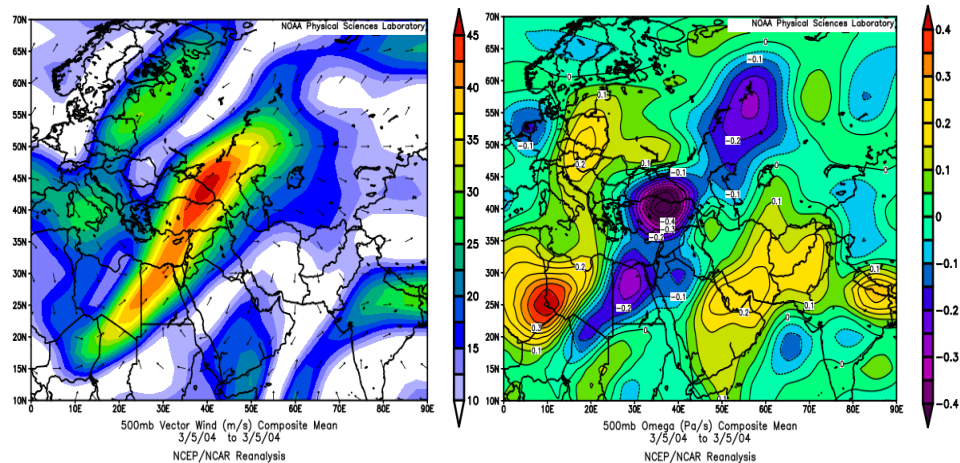
۴.۲. یافته‌های تحلیل همدیدی موج گرمایی رخ داده در پنجم و ششم مارس ۲۰۰۴

به منظور بررسی همدیدی امواج گرمایی دو روزه در اردبیل، نقشه فشار سطح دریا (SLP) (الف) و نقشه ارتفاع تراز ۵۰۰ هکتوپاسکال (HGT) (ب) که نقشه‌های پایه و اصلی محسوب می‌شوند و همچنین نقشه‌های امگا (ج) و باد (د)، به عنوان نقشه‌های شاهد در روزهایی مدنظر از سایت نووا (NOAA) دریافت شد. طبق نتایج، در روزهای پنجم و ششم مارس ۲۰۰۴، شهر اردبیل زیر سلطه مرکز پرفشار قرار داشت. نقشه ۵۰۰ هکتوپاسکال نشانگر حرکت فراز مانع از نوع حلقه آتش به سمت ایران است که در روز ششم مارس در جنوب کشور قرار گرفت؛ در نتیجه با جریان هوای گرم و خشک بیابان‌های عربستان و شمال آفریقا، در این روز، دما در منطقه مورد مطالعه به اوج خود رسیده است و گردش ساعت‌گرد هوا در زیر فراز، موجب مکش هوای گرم عرض‌های جنوبی و در نتیجه سبب تداوم پایداری جو و شرایط خشک و نیز گرمایش سطح زمین شده است. بررسی نقشه‌های جهت باد در شهر مورد مطالعه نشان داد که از روز نخست تا روز پایانی باد غربی تا جنوب غربی در منطقه جریان داشته که سبب افزایش ورود بادهای گرم به منطقه شده است. همچنین براساس نقشه امگا و با توجه به مثبت بودن امگا، نزول هوا و افزایش فشار و دما و وقوع موج گرمایی در شهر اردبیل طی روزهای پنجم و ششم مارس تأیید شد (شکل ۶ و ۷).



ب. نقشه ارتفاع سطح ۵۰۰mb

الف. نقشه فشار سطح دریا

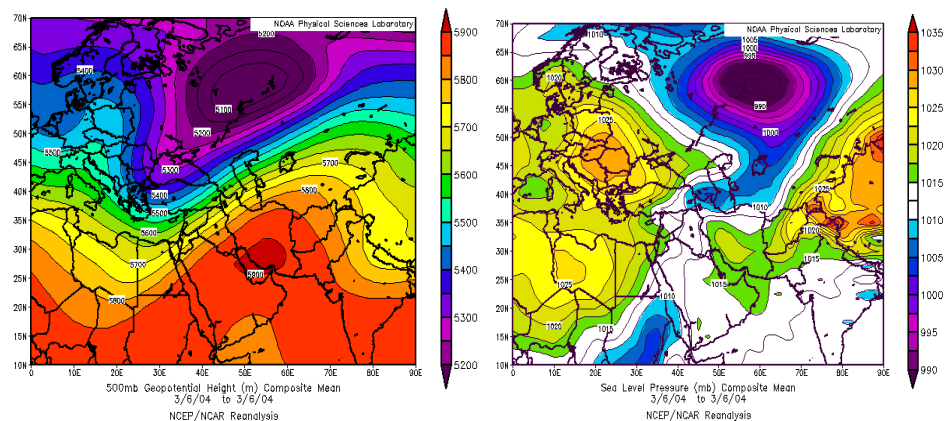


د. نقشه جهت باد ۵۰۰mb

ج. نقشه امگا سطح ۵۰۰mb

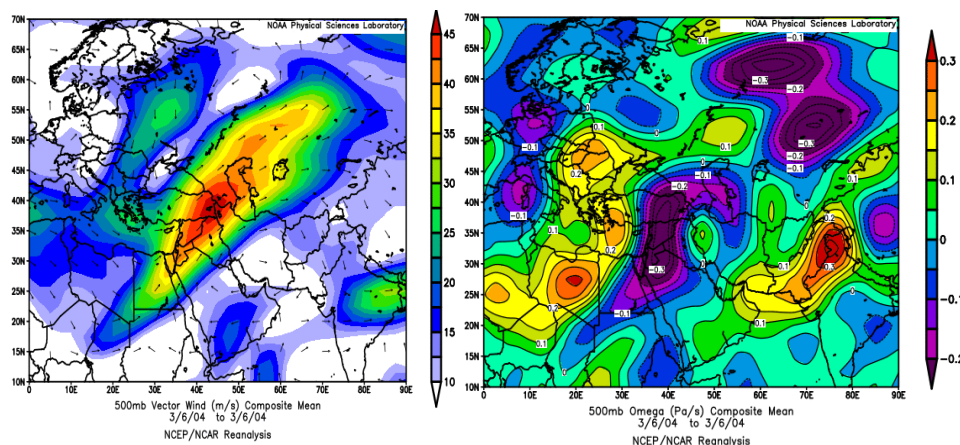
شکل ۶. نقشه‌های فشار، ارتفاع، امگا و جهت باد در روز پنجم مارس ۲۰۰۴ (سایت نوا (NOAA))

مأخذ: سایت نوا، ۱۴۰۰



ب. نقشه ارتفاع سطح ۵۰۰mb

الف. نقشه فشار سطح دریا



د. نقشه جهت باد ۵۰۰mb

ج. نقشه امگا سطح ۵۰۰mb

شکل ۷. نقشه‌های فشار، ارتفاع، امگا و جهت باد در روز ششم مارس ۲۰۰۴

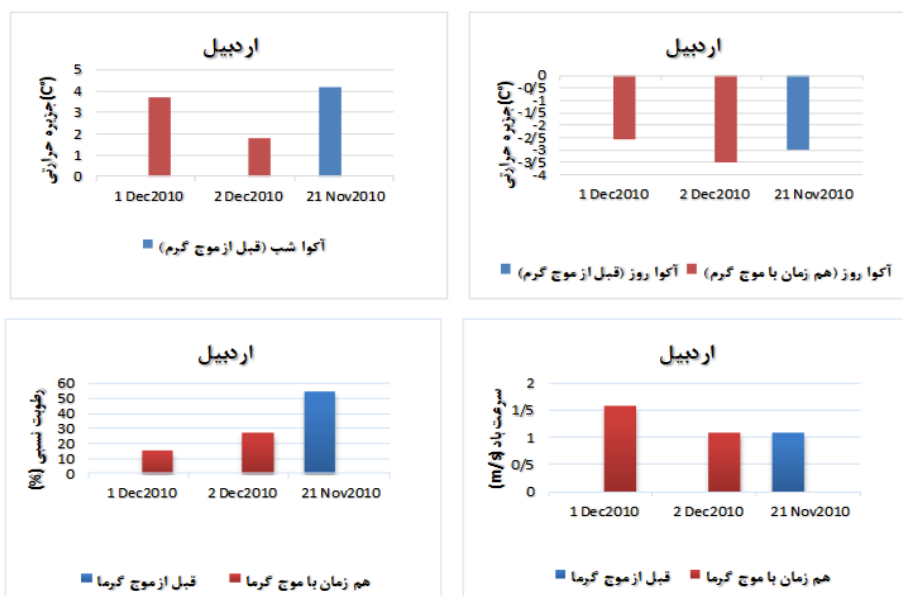
مأخذ: سایت نوا، ۱۴۰۰

۳.۴. یافته‌های حاصل از مقایسه جزیره حرارتی در شرایط وجود و نبود موج گرمایی

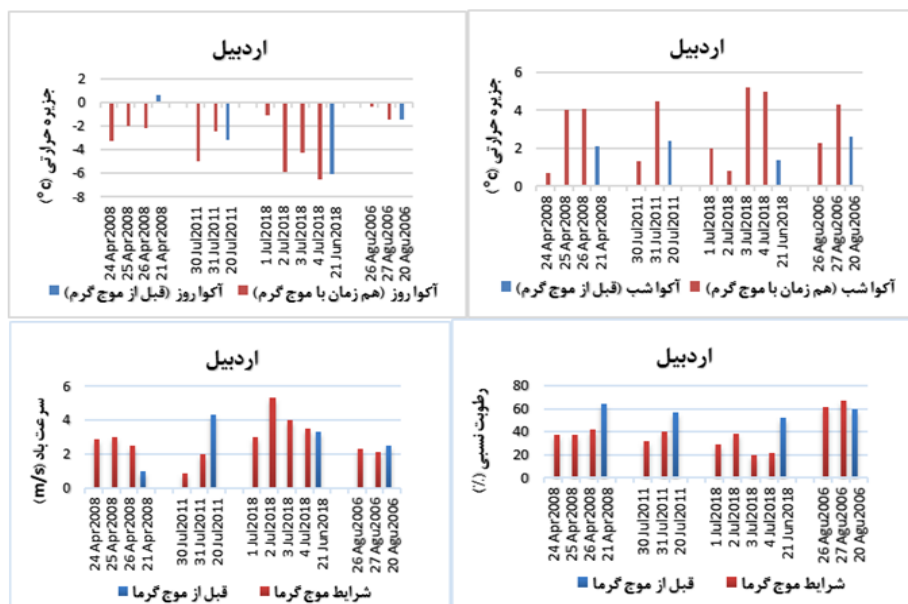
از مقایسه مقادیر جزیره حرارتی در روزهای توأم با موج گرمایی (HW^۱) و روز عادی بدون موج گرما (NHW^۲) با پایین‌ترین دمای حداکثر قبل از وقوع هر موج گرمایی در ماه‌های گرم و سرد سال، نتایجی حاصل شد که در جدول ۲ ارائه شده است. در جدول مذکور،

1. Heat wave
2. No Heat wave

ارقام مثبت حاصل از محاسبه اختلاف دمای رویه زمین در مناطق شهری و غیر شهری نشانگر تشکیل جزیره گرمایی شهری و ارقام منفی نمایانگر جزیره سرمایی شهری در مرکز شهر اردبیل است. همچنین برای مقایسه ملموس‌تر شدت جزیره حرارتی، باد و رطوبت نسبی در شرایط وجود و نبود موج گرمایی در ماه‌های گرم و سرد، پارامترهای مذکور در قالب نمودار در اشکال ۸ و ۹ ارائه شده‌اند. طبق جدول و نمودارهای عنوان‌شده، چه در شرایط عادی و چه هم‌زمان با امواج گرمایی، در ماه‌های گرم و سرد سال، اغلب در روز هنگام، دمای مرکز شهر اردبیل از دمای مناطق غیرشهری اطراف آن کمتر ولی در شب هنگام بیشتر بوده است؛ بنابراین اغلب در روز، جزیره سرمایی و در شب، جزیره گرمایی در مرکز این شهر ایجاد شده است. وضعیت مذکور در زمان وقوع امواج گرمایی کوتاه‌مدت دوازده نیز مشاهده شد. طبق جدول ۲ و شکل ۸ در ماه‌های سرد، درصد رطوبت نسبی در زمان رخداد امواج گرمایی کمتر از شرایط قبل از موج گرمایی بوده است. بررسی شدت جزیره حرارتی در این شهر نشان داد که در روز هنگام در هر دو شرایط (وجود و نبود موج گرمایی) جزیره سرمایی در مرکز شهر تشکیل شده است که در شرایط حاکمیت موج گرمایی به شدت جزیره سرمایی در مقایسه با روز عادی افزوده شده است؛ همچنان که در نمودار مشاهده می‌شود. در شب هنگام چه در شرایط عادی و چه در شرایط رخداد امواج گرمایی، جزیره گرمایی در مرکز شهر اردبیل تشکیل شده که البته شدت جزایر گرمایی شبانه اغلب در زمان حاکمیت موج گرمایی کمتر از شرایط عادی بوده است. بررسی وضعیت جزیره حرارتی در ماه‌های گرم سال (جدول ۲ و شکل ۹) نشان داد که در روز هنگام در هر دو شرایط وجود و نبود موج گرمایی، در مرکز شهر جزیره سرمایی وجود داشته که شدت آن در زمان حاکمیت امواج گرمایی به‌خصوص در ماه‌های مربوط به فصل تابستان اغلب به‌طور محسوس بیشتر از شرایط بدون موج گرمایی بوده است. در شب هنگام اغلب جزیره گرمایی در مرکز شهر تشکیل شده که شدت آن بیشتر از وضعیت عادی بوده است و در شرایط حاکمیت موج گرمایی حتی تا ۴ درجه سلسیوس نیز افزایش دما در جزیره گرمایی تجربه شده است (ژوئیه ۲۰۱۸). همچنین در شرایط موج گرما، رطوبت نسبی در ماه‌های گرم، محسوس‌تر از ماه‌های سرد کاهش یافته است.



شکل ۸. جزیره حرارتی، باد و رطوبت نسبی در شرایط وجود و نبود موج گرمایی در ماه‌های سرد
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۹. جزیره حرارتی، باد و رطوبت نسبی در شرایط وجود و نبود موج گرمایی در ماه‌های گرم
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جدول ۲. جزیره حرارتی محاسبه شده در ماه‌های سرد و گرم در شرایط وجود و نبود موج گرمایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جزیره حرارتی سطحی شهر اردبیل (SUHI)(°C)		سرعت باد m/s	جهت باد (°)	جهت باد (°)	جهت باد (°)	پارامترهای بررسی شده وجود و نبود موج گرمایی
مودیس-آکوا						
شب (۳۱:۲-۵۳:۳)	روز (۳۸:۱۳-۲۴:۱۵)					
ماه‌های سرد سال						
۳/۷	-۲/۶	۱۵	۱/۶	S	۲۱	۱ دسامبر ۲۰۰۸
۱/۸	-۳/۵	۲۷	۱/۱	SW	۲۰/۴	۲ دسامبر ۲۰۰۸
۴/۲	-۳	۵۵	۱/۱	NE	۱۷/۴	۲۱ نوامبر ۲۰۰۸
ماه‌های گرم سال						
۰/۷	-۳/۳	۳۷	۲/۹	SW	۲۹/۶	۲۴ آوریل ۲۰۰۸
۴	-۲	۳۷	۳	SW	۳۰	۲۵ آوریل ۲۰۰۸
۴/۱	-۲/۲	۴۲	۲/۵	E	۳۱	۲۶ آوریل ۲۰۰۸
۲/۱	-۰/۶	۶۴	۱	E	۱۹/۶	۲۱ آوریل ۲۰۰۸
۱/۳	-۵	۳۲	۰/۹	NE	۳۴/۶	۳۰ ژوئیه ۲۰۱۱
۴/۵	-۲/۵	۴۰	۲	NE	۳۷/۲	۳۱ ژوئیه ۲۰۱۱
۲/۴	-۳/۲	۵۷	۴/۱	NE	۲۷	۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱
۲	-۱/۱	۲۹	۳	NE	۳۶/۳	۱ ژوئیه ۲۰۱۸
۰/۸	-۵/۹	۳۸	۵/۳	NE	۳۴/۸	۲ ژوئیه ۲۰۱۸
۵/۲	-۴/۳	۲۰	۴	E	۳۶	۳ ژوئیه ۲۰۱۸
۵	-۶/۵	۲۲	۳/۵	E	۳۳/۲	۴ ژوئیه ۲۰۱۸
۱/۴	-۶/۱	۵۲	۳/۳	NE	۲۲/۷	۲۱ ژوئن ۲۰۱۸
۲/۳	-۰/۴	۶۱	۲/۱	E	۳۴/۶	۲۶ اوت ۲۰۰۶
۴/۳	-۱/۵	۶۷	۲/۱	E	۳۴	۲۷ اوت ۲۰۰۶
۲/۶	-۱/۵	۶۰	۲/۵	E	۲۸/۶	۲۰ اوت ۲۰۰۶

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به دلیل نقش مؤثر پارامتر دما در اقلیم شهری، بررسی امواج گرمایی و جزایر حرارتی شهری، طی سال‌های اخیر مدنظر بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است؛ البته در اغلب

پژوهش‌ها به‌ویژه در پژوهش‌های داخلی، این دو پدیده به‌صورت جداگانه و نه در ارتباط با هم، واکاوی شده‌اند و در این زمینه از روش‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده شده است. همچنین بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه در مناطق گرمسیر کشور صورت گرفته است. تفاوتی که پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین داشت، این بود که در پژوهش حاضر، دو پدیده موج گرمایی و جزیره حرارتی شهری در ارتباط با هم و در شهر اردبیل به‌عنوان یکی از مناطق سردسیر کشور بررسی شدند تا مشخص شود که طی سال‌های اخیر موج‌های گرم و نقش آن در گرمایش این شهر چگونه بوده است.

طبق نتایج حاصل، امواج گرمایی طی دوره مورد مطالعه (۲۰۱۸-۲۰۰۳) هم در ماه‌های گرم و هم در ماه‌های سرد سال تجربه شده است که بیشترین فراوانی سالانه و ماهانه این مخاطره در شهر اردبیل در طول دوره آماری مورد مطالعه، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ و در ماه‌های مارس، آوریل و ژوئیه بوده است؛ بنابراین احتمال وقوع موج گرمایی در این شهر، در بهار و اواخر تابستان بیشتر است. نتایج همچنین نشان داد که طی دوره مورد مطالعه، حداکثر تداوم امواج گرمایی، چهارروزه و بنابراین کوتاه‌مدت بوده است. نتایج این بخش با یافته‌های مطالعات مولودی و همکاران (۱۳۹۵)، کاشکی و همکاران (۱۳۹۸) و کرم‌پور و همکاران که عنوان کردند طی سال‌های اخیر امواج گرمایی با تداوم کمتر، تکرار و فراوانی بیشتری به‌ویژه در فصل بهار داشته است، همسو بود، اما با یافته‌های پژوهش روهینی و همکاران (۲۰۱۹) که اظهار کردند طی سال‌های اخیر امواج گرمایی بلندمدت افزایش یافته است، همخوانی نداشت. نتایج تحلیل همدیدی که به‌منظور تشریح شرایط سینوپتیک حاکم در زمان وقوع موج گرما و راستی‌آزمایی عملکرد شاخص فومیاکی (Fumiaki) انجام شد، حاکی از استقرار پراتفعا آزور، همگرا شدن هوا، فرونشینی و گرمایش آدیاباتیک هوا مکش هوای گرم و خشک عربستان و شمال عراق در روزهای حاکمیت موج گرما بود که با یافته‌های مطالعات مجرد و همکاران (۱۳۹۴) و خورشیددوست و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت داشت. براساس یافته‌های حاصل از بررسی رابطه موج گرمایی و جزیره حرارتی، چه در ماه‌های گرم و چه در ماه‌های سرد، در هر دو شرایط وجود و نبود موج گرمایی، اغلب در روز جزیره سرمایی و در شب جزیره گرمایی در مرکز شهر اردبیل تشکیل شده است که شدت جزیره سرمایی و گرمایی در

زمان حاکمیت امواج گرمایی به‌خصوص در ماه‌های گرم سال بیشتر از شرایط بدون موج گرمایی بوده است؛ به‌طوری‌که در شب‌های تابستان، در شرایط حاکمیت موج گرمایی تا ۴ درجه سلسیوس نیز افزایش دما در جزیره گرمایی شهر اردبیل تجربه شده است؛ به‌عنوان نمونه، در دوره گرم سال در شرایط حاکمیت موج گرمایی در روز چهارم ژوئیه ۲۰۱۸، جزیره سرمایی روزهنگام، ۶/۵- درجه سلسیوس و جزیره گرمایی شب‌هنگام، ۵ درجه سلسیوس بوده است؛ درحالی‌که در شرایط نبود موج گرمایی، مقادیر جزایر سرمایی و گرمایی به‌ترتیب ۶/۱- و ۱/۴ درجه سلسیوس بوده است. در دوره سرد سال در زمان حاکمیت موج گرمایی در یکم دسامبر ۲۰۰۸، مقادیر جزیره سرمایی روزهنگام و جزیره گرمایی شب‌هنگام به‌ترتیب ۲/۶- و ۳/۸ درجه سلسیوس بوده است؛ درحالی‌که در شرایط نبود موج گرمایی جزیره سرمایی ۳- و جزیره گرمایی ۴/۲ درجه سلسیوس بوده است؛ بنابراین میزان تأثیرپذیری جزیره حرارتی از وقوع امواج گرمایی، در ماه‌های گرم محسوس‌تر بوده است. نتایج این بخش نیز از لحاظ تأیید وجود رابطه بین موج گرمایی و جزیره حرارتی و تشدید جزایر حرارتی در زمان حاکمیت امواج گرمایی، در مطالعات بیشتر پژوهشگران داخلی و خارجی تأیید شده است؛ ازجمله مطالعات حسینی (۲۰۱۷)، دی رایدر و همکاران (۲۰۱۶)، قبادی و همکاران (۲۰۱۷)، بای و همکاران (۲۰۱۷)، باسارا و همکاران (۲۰۱۸)، مولودی و همکاران (۱۳۹۵)، باعقیده و علیمردادی (۱۳۹۸) و شجاعی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰).

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، جزیره حرارتی شهری حتی در شرایط نبود موج گرمایی در مرکز شهر اردبیل وجود داشته و با رخداد موج گرمایی کوتاه‌مدت ۲ روزه نیز تشدید یافته است؛ بنابراین به دلیل اهمیت پارامتر دما و تأثیر افزایش دمای حاصل از امواج گرمایی و جزایر حرارتی در حیات موجودات زنده به‌ویژه انسان، در راستای تعدیل دما در مرکز این شهر، ذکر چند پیشنهاد ضروری به نظر می‌رسد. ازجمله:

-مطالعه رابطه موج گرمایی و گرمایش شهری در سایر نقاط سردسیر کشور؛

-در نظر گرفتن جهت باد در ساخت‌وسازهای شهری به‌منظور تخلیه حرارتی بین

ساختمان‌ها؛

-کشت گونه‌های گیاهی مقاوم در برابر نوسانات دمایی؛

- هشدارهای به موقع توسط سازمان‌های ذی ربط در زمان وقوع موج گرمایی به منظور جلوگیری از گرمزدگی ساکنان؛

- با توجه به اینکه طی دوره مورد مطالعه، امواج گرمایی در ماه‌های مارس و آوریل (اواخر زمستان و اوایل بهار) فراوانی بیشتری داشت و با در نظر گرفتن اینکه شهر اردبیل اغلب با سرمای دیررس بهار مواجه است، وقوع موج گرمایی در اوایل بهار و تداوم چندروزه آن می‌تواند سبب شکوفه‌دهی درختان و جوانه‌زنی محصولات زراعی شود که با ورود موج گرمایی به منطقه، دچار سرمزدگی شود و خسارات فراوان اقتصادی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین ارائه آموزش و توصیه‌های لازم توسط متخصصان امر، به کشاورزان و باغداران الزامی است.

تشکر و قدردانی

با سپاس از همکاری سازمان هواشناسی کشور، مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری است.

کتابنامه

۱. اسمعیل نژاد، م.، خسروی، م.، علیجانی، ب.، مسعودیان، و س. ا. (۱۳۹۲). شناسایی امواج گرمایی ایران. *جغرافیا و توسعه*، ۱۱ (۳۳)، ۵۴ - ۳۹.
۲. خورشید دوست، ع. م.، زنگنه‌ی شهرکی، س.، زارعی، ی.، محمودی، س. (۱۳۹۶). تحلیل همدیدی مخاطره امواج گرما در شمال غرب ایران. *فصلنامه جغرافیای طبیعی*، ۱۴ - ۱.
۳. شجاعی زاده، ک.، خالدی، ش.، و اکبری ایرانی، ط. (۱۴۰۰). واکاوی ارتباط امواج گرمایی با جزایر حرارتی شهر (مطالعه موردی: شهرستان آبادان). *فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ۱۰ (۴)، ۲۰۷-۱۹۳.
۴. عزیزی، قاسم. (۱۳۸۳). *تغییر اقلیم*. تهران: نشر قومس، چاپ اول.
۵. کاشکی، ع.، کرمی، م.، باعقیده، م.، و علیمردادی، م. ر. (۱۳۹۸). واکاوی آماری امواج گرمایی زابل. *دگرگونی‌ها و مخاطرات آب و هوایی*، ۱ (۳)، ۵۵-۴۰.

۶. کرم‌پور، م.، رفیعی، ج.، جعفری، ا. (۱۳۹۶). شناسایی و تحلیل سینوپتیکی امواج گرمایی غرب ایران (ایلام، خوزستان، لرستان، کرمانشاه). مدیریت مخاطرات محیطی (دانش مخاطرات سابق)، ۲۶۳-۲۷۹.
۷. مجرد، ف.، معصوم‌پور، ج.، رستمی، ط. (۱۳۹۴). تحلیل آماری - همدیدی امواج گرمایی بالای ۴۰ درجه سلسیوس در غرب ایران. جغرافیا و مخاطرات طبیعی، ۱۴-۱.
۸. مجرد، ف.، ناصریه، م.، و هاشمی، س (۱۳۹۷). بررسی تغییرات دوره‌ای و فصلی جزیره گرمایی شهر کرمانشاه در شب و روز با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای. فیزیک زمین و فضا، ۴۴(۲)، ۴۹۴ - ۴۷۹.
۹. مسعودیان، س.ا.، و ترکی، م. (۱۳۹۸). واکاوی تغییرات زمانی و مکانی جزیره گرمایی کلانشهر اهواز با کمک از داده‌های مودیس. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۱، ۹۲-۷۵.
۱۰. مسعودیان، س.ا.، م. دارند، ۱۳۹۰. تحلیل همدید سرماهای فرین ایران. جغرافیا و توسعه، ۲۲، ۱۸۵-۱۶۵.
۱۱. منصوری، ا.، ب. امین نژاد و ح. احمدی، ۱۳۹۷. بررسی اثر تغییر اقلیم بر رواناب ورودی به مخزن سد کارون براساس گزارشات چهارم و پنجم IPCC. نشریه علوم آب و خاک (علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی). ۲۲(۲)، ۳۵۹-۳۴۵.
۱۲. مولودی، گ.، خورانی، ا.، م.، عباس. (۱۳۹۴). اثر تغییر اقلیم بر امواج گرمایی سواحل شمالی خلیج فارس. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۳(۱)، ۱۴-۱.
۱۳. هوشیار، م.، ب. سبحانی، و س.ا. حسینی، ۱۳۹۷. چشم انداز تغییرات دماهای حداکثر ارومیه با استفاده از ریزگردانی آماری خروجی مدل CanESM2. نشریه علمی- پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۲(۶۳)، ۳۰۵-۳۲۵.

14. Ahmadnezhad, E., Holakouie, K., Ardalan, A., Mahmoudi, M. Younesian, M. Nddafi, K. and Mesdaghinia, A., 2013. Excess Mortality during Heat Waves, Tehran, Iran: An Ecological Time-Series Study. *Journal Punlmed*, 13(1), 24-31.
15. A. Añel, J., Fernández-González, M., Labandeira, X., López-Otero, X., & de la Torre. L. (2017). Impact of Cold Waves and Heat Waves on the Energy Production Sector. *Atmosphere*, 10, 1-13.
16. Almusaed, A. (2011). The Urban Heat Island Phenomenon upon Urban Components. *Biophilic and Bioclimatic Architecture*, 21, 139-150.

17. Bai, L., Gangqiang, D., Shaohua, G., Peng, B., Buda, S., Dahe, Q., Ramamurthy, P., & Bou-Zeid, E. (2017). Heatwaves and urban heat islands: A comparative analysis of multiple cities. *Journal of geophysical research Atmospheres an AGU JOURNAL*, 122, 168-178.
18. Basara, J., Basara, H., Bradley, I., & Kenneth, C. (2018). The Impact of the Urban Heat Island during an Intense Heat Wave in Oklahoma City. *Advances in Meteorology*, 7, 1-10.
19. De Ridder, K., Maiheu, B., Lauwaet, D., Daglis, I A., Keramitsoglou, I., Kourtidis, K., Manunta, P., & - Paganini, M. (2016). Urban Heat Island Intensification during Hot Spells-The Case of Paris during the summer of 2003. *Urbanscience*, 1, 1-11.
20. Dobrovolny, P., & Krahula, L. (2015). The spatial variability of air temperature and nocturnal urban heat island intensity in the city of Brno, Czech Republic, *Moravian Geographical Reports*, 23, 8-16.
21. Feng, C., Xuchao, Y., & Weiping Z. (2014). WRF simulations of urban heat island under hot-weather synoptic conditions: The case study of Hangzhou City, China. *Atmospheric Research*, 138, 364-377.
22. Feron- Sarah, R., Cordero, R., Alessdro- Damiani, P., Llanillo, J., Jorquera, J., Sepulveda, E., Asencio, V., Laroze, D., Labbe, F., Carrasco, J., & torres, G. (2019). Observations and projections of Heat Waves in south Americas. *Scientific Reportst*, 9, 1-15.
23. Founda, D., & Santamouris, M. (2017). Synergies between Urban Heat Island and Heat Waves in Athens (Greece), during an extremely hot summer (2012), *Scientific Reports*, 7, 1-16.
24. Fujibe, F., Yamazaki, N., Kobayashi, K., & Nakamigawa, H. (2007). Long-term changes of temperature extremes and day-to-day variability in Japan, papers in Meterology and Geophysics, IPCC, 85, 63-70.
25. Ghobadi, A., Khosravi, M., & Tavousi T. (2017). Surveying of Heat waves Impact on the Urban Heat Islands: Case study, the Karaj City in Iran. *Urban Climate*, 10, 1-16.
26. Hosseini, A. (2016). Assessment of Urban Heat Island based on the relationship between land surface temperature and Land Use/Land Cover in Tehran, *Sustainable Cities and Society*, 23, 94-104.
27. Keggenhoff, I., Elizbarashvili, M., & King, L. (2015), Heat Wave Events over Georgia since 1961: Climatology, Changes and Severity, *Climate*, 3(2), 308-328
28. Khandelwal, S., Goyal, R., Kaul, N., & Mathew, A. (2017). Assessment of land surface temperature variation due to change in elevation of area surrounding Jaipur, India. *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science*, 21, 1-8.
29. Kim YH, Baik JJ. 2005. Spatial and temporal structure of the urban heat island in Seoul. *Journal of Applied Meteorology*, 44, 591-605.
30. Landsberg, H. E. 1981. The urban climate. USA: International Geophysics Series v: 28.

31. Lazzarini, M., Marpu, P.R., & Ghedira, H. (2013). Temperature-land cover interactions: the inversion of urban heat island phenomenon in desert city areas. *Remote Sensing of Environment*, 130, 136-152.
32. Lemonsu, A., Vigié, V., Daniel, M., Masson, V. (2015). Vulnerability to heat waves: Impact of urban expansion scenarios on urban heat island and heat stress in Paris (France). *Urban Climate*, 14, 586-605.
33. Paravantis, J., Santamouris, M., Constantinou, C., Efthymiou, C., & Kontoulis N. (2017). Mortality Associated with High Ambient Temperatures Heatwaves, and the Urban Heat Island in Athens, Greece, *Sustainability*, 606, 2-22.
34. Ramamurthy, P., & Bou-Zeid, E. (2017). Heatwaves and urban heat islands: A comparative analysis of multiple cities. *Journal of Geophysical Research: Atmospheres*, 1, 168-178.
35. Rohini, P., Pajeevan, m., & Mukhopahay, P. (2019). Future projections of heat waves over India from CMIP5 models, *Climate Dynamics*, (53), 975-988.
36. Weihe, Z., Shuang, Ji., Tsun-Hsuan, Ch., Hou, Y., & Zhang, K. (2014). The 2011 heat wave in Greater Houston: Effects of land use on temperature. *Environmental Research*, 135, 81-87.
37. Weng, Q., Rajasekar, U., & Hu, X. (2011). Modeling urban heat islands and their relationship with impervious surface and vegetation abundance by using ASTER images. *Geoscience and Remote Sensing*, 49(10), 4080-4089.
38. Wilks, D.S. (2006). Statistical Methods in the Atmospheric Sciences, Second Edition, Academic Press is an imprint of Elsevier, *Cornell University*, USA 648.
39. Zhou, B., Lauwaet, D., Hooyberghs, H., Ridder, D., Kropp, K., & D- Rybski, J. (2016). Assessing Seasonality in the Surface Urban Heat Island of London, *Journal of Applied Meteorology and Climatology*, 55, 493-505.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.74340.1100>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

تحلیل نوشهرگرایی با تأکید بر حس تعلق به مکان

(نمونه موردی: منطقه ۲ کلان‌شهر مشهد)^۱

هادی سلیمانی مقدم (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم

سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)

h.soleymani@hsu.ac.ir

مهسا مقدم شخصی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم

سبزواری، سبزوار، ایران)

mahsa.moghadam.sh@gmail.com

صص ۲۲۷ - ۱۹۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، سنجش معیارهای جدید و ویژگی‌های طراحی یک شهر بر مبنای اصل توجه به حس مکان در نوشهرگرایی در وهله اول و در گام دوم بررسی میزان انطباق منطقه ۲ شهرداری کلان‌شهر مشهد با این معیارها و تعیین اولویت هریک از شاخص‌ها بود. با توجه به رویکردهای نظری این پژوهش، مطالعه حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بود. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از طرح‌های شهری، نخست برای شناسایی شاخص‌های تحقیق، از طریق پرسش‌نامه به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شد؛ بر این اساس، ۴ شاخص و ۹ زیرشاخص مطرح در این زمینه شناسایی شد. براساس فرمول کوکران، ۳۹۱

۱. این مقاله از پایان‌نامه با عنوان «تبیین کاربری‌های مختلط با تأکید بر حس مکان (نمونه موردی: منطقه دو کلان‌شهر مشهد)» برگرفته شده است.

پرسش‌نامه در بین شهروندان منطقه ۲ شهر مشهد توزیع شد. برای بررسی سؤالات تحقیق از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری رگرسیون و T تک‌نمونه‌ای و از مدل تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی DEMATEL استفاده شد. نتایج تحقیق از میان ۳۹۱ شهروند نواحی چهارگانه منطقه ۲ شهرداری مشهد حاکی از متوسط بودن سطح شاخص‌های چهارگانه تحقیق است. یافته‌های حاصل از تحلیل آزمون رگرسیون چند متغیره خطی بیانگر این است که چهار شاخص تحقیق به دلیل اینکه سطح خطای مقدار t آن‌ها کمتر از ۰,۰۵ است، تأثیر زیادی بر حس مکان داشته‌اند. نتایج آزمون تی، فرضیه تحقیق مبنی بر متوسط بودن حس مکان در منطقه را تأیید کرده و آزمون رگرسیون خطی، ارتباط هریک از شاخص‌ها برای حس مکان را تأیید می‌کند. در بین نواحی چهارگانه منطقه ۲، به ترتیب ناحیه ۲ با میانگین ۳/۲۷، ناحیه ۳ با میانگین ۳/۱۹، ناحیه ۴ با میانگین ۲/۹۱ و ناحیه ۱ با میانگین ۲/۸۳ وضعیت مناسبی برای بهبود حس مکان دارند. درنهایت تکنیک دیمتل نشان می‌دهد که شاخص زیست‌محیطی با میانگین ۳/۹۳ دارای بیشترین اهمیت برای تقویت حس مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد است.

کلیدواژه‌ها: نوشهرگرایی، حس مکان، بی‌هویتی شهر، منطقه ۲ شهرداری مشهد، تکنیک دیمتل.

۱. مقدمه

با توجه به رشد سریع جمعیت شهری در عصر حاضر، شاهد افزایش تعداد شهرهای بزرگ و کوچک هستیم؛ به‌طوری‌که طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۳۰ بیش از ۳ میلیارد نفر به جمعیت نواحی شهری اضافه می‌شوند که از این میزان، ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای پیشرفته خواهند بود (سیف‌الدینی و شورچه، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۶). این موضوع موجب رشد سریع شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه و بروز بسیاری از مسائل و مشکلات شهری از جمله رشد بی‌رویه شهرها شده است (پوگ^۱، ۱۹۹۵، ص. ۳۸۲). مسائل ناشی از رشد و توسعه بی‌برنامه شهرها، موجب شکست بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری شده

1. Pugh

است (لیر^۱، ۱۹۹۴، ص. ۱۲). موضوع بهبود توسعه شهرها و سامان‌دهی گسترش نواحی شهری، توجه دانشمندان مسائل شهری را به ارائه و تصمیم راهکارهای مختلف معطوف کرده است؛ به‌طوری‌که با مطرح شدن توسعه پایدار برای شهرها، مشکلات «شهر گسترده» و هزینه‌های زیاد زیرساخت‌های آن آشکار شد (گاسدورف و هالگات^۲، ۲۰۰۷، ص. ۴۸۲۸). سپس متراکم‌سازی و فشردگی شهرها، به‌عنوان راه‌حلی برای حل مشکلات ناشی از توسعه شهری گسترده مدنظر قرار گرفت (گوردون^۳، ۱۹۸۹، ص. ۱۳۷) و از بین راهکارهای فشردگی، نوشهرگرایی با بیان پیاده‌مداری، اتصال و پیوستگی، ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت، افزایش تراکم در بافت، اختلاط کاربری‌ها، تقویت حس مکان و... راه را برای حل برخی از مشکلات شهر گسترده فراهم کرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۴۳-۴۵). از طرفی دیگر شناخت مکان را می‌توان به‌نوعی به شناخت هویت خود تعبیر کرد. با تعریف کردن مکان‌ها و شکل بخشیدن به آن (هندسه) شناخت آن‌ها فهم‌پذیر می‌شود؛ انسان مکان و مرتبه خود را در این عالم کشف می‌کند و هویت او نمایان می‌شود (حیبی، ۱۳۸۷، ص. ۴۱).

علاوه‌بر مطالب مذکور، به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، با گرایش به پراکندگی و گسترش بی‌برنامه شهرها، فرم، منظر، سیما و تصویر ذهنی فضاها و عمومی طی چند دهه اخیر دچار نابسامانی و بی‌هویتی شده است؛ به‌نوعی نابسامانی و بی‌هویتی که فرایند احساس، شناخت، ادراک و تحسین این گونه فضاها را برای شهروندان با مشکل جدی مواجه کرده است. فقدان حس مکان در توسعه جدید شهرها و به‌تبع آن، نبود احساس تعلق به آن‌ها از مشکلات پنهانی است که در دراز مدت احساس بی‌ریشگی را در ساکنان این محیط‌ها دامن می‌زند و رابطه انسان‌ها را با یکدیگر و با محیط زندگیشان به بی‌تفاوتی می‌کشانند (صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰)؛ بر این اساس برای ایجاد جوامع پایدار و کارا به‌منظور رفع مشکلات ناشی از فرسودگی و زوال مراکز شهری و گسترش افقی شهرها، نظریه‌ها، جنبش‌ها و مکاتبی مطرح شدند (سیدبرنجی، ۱۳۹۵، ص. ۱) که هدف مشترک همه مکاتب یادشده‌ای که حول

1. Lier

2. Gusdorf & Hallegatte

3. Gordon

نوشهرگرایی مطرح شده‌اند، دستیابی به سرزندگی و مشارکت مردمی و احیای محله‌گرایی است؛ بنابراین مسئله تعلق مکانی به عنوان موضوعی درخوربررسی مدنظر توجه جوامع علمی، مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت.

در ایران نیز توجه به حس مکان و هویت مکان با ورود اتومبیل در شهرها، رفته‌رفته کم‌رنگ‌تر شد و شهرها از انسان‌محوری به سمت اتومبیل‌محوری حرکت کردند؛ بنابراین کلان‌شهر مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر کشور پس از تهران و به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، به عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان اسلام پس از شهر مکه (دیناری، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۲) بسیار حائز اهمیت است که در جهت نوشهرگرایی و حس تعلق به مکان به عنوان درمانی برای حل مشکلات موجود خود حرکت کند. در تحقیق حاضر شاخص‌های جدیدی برای این مسئله مطالعه و آزمون شده‌اند. همچنین مشهد از شهرهای قدیمی محسوب می‌شود که انتظار می‌رود حس مکان در آن برجسته‌تر از سایر شهرها (شهرهای جدید) باشد. در این بین، منطقه ۲ شهر مشهد ضمن اینکه جزو مناطق قدیمی مشهد و بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین منطقه در بین مناطق شهرداری است؛ هر ساله میزان چشمگیری از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهد و بهتر است هر چه زودتر در جهت ترمیم کاربری‌های شهری قرار گیرد. در پژوهش حاضر به بررسی حس تعلق به مکان در منطقه ۲ شهرداری کلان‌شهر مشهد، به عنوان بافت بلندمرتبه و بزرگ‌ترین شهرداری این شهر، پرداخته شد. در این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله مهم هستیم که وضعیت حس تعلق به مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد چگونه است و کدام یک از شاخص‌ها اولویت بیشتری برای بهبود حس مکان دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

پس از ظهور شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری به سبک مدرنیسم، ضمن وجود دستاوردهای مثبتی از این سبک، مشکلات متعددی برای شهرها پدید آمد که از آن جمله پراکنده رویی و افزایش هزینه‌های شهری بود. در پاسخ به این مسائل، اندیشمندان علوم مرتبط نظریه‌های متعددی را مطرح کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به نوشهرگرایی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۶). در رابطه با

موضوعات نوشهرگرایی و حس مکان تاکنون در ایران و جهان تحقیقات فراوانی انجام شده است که در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرایند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان» بر آن بودند با توجه به اهمیت حس تعلق به محله به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بازآفرینی محلات قدیمی، عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق ساکنان و زائران ساکن در محله‌ی نوغان را شناسایی و ارائه کنند. روش تحقیق کیفی و رویه‌ی علمی آن استفاده از پرسش‌نامه باز و مشاهده بود. نتایج نشان داد، هویت محلات نوغان به اختلاط ساکنان و زائران از قومیت و فرهنگ‌های مختلف گره خورده است که هویت کم‌نظیر را از طریق مذاقه در برنامه‌های بازآفرینی شهری می‌توان حفظ و تقویت کرد.

علیمردانی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه حس دلبستگی به مکان و پیاده‌روی به منظور بهبود سطح سلامت در محله (نمونه موردی: محله مطهری شهر مشهد» به بررسی ارتباط و تعامل عاطفی انسان با مکان که یکی از مفاهیم حس مکان است، پرداختند. در این تحقیق با استفاده از ۲۰۰ پرسش‌نامه و نمونه‌گیری تصادفی این نتیجه حاصل شد که بین میزان حس مکان و پیاده‌روی رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین هدف از پیاده‌روی و حس مکان ارتباط معناداری وجود دارد.

کلانتری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نوشهرگرایی و حس مکان: مطالعه موردی محله هفت‌حوض شهر تهران» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی به مطالعه اصول نوشهرگرایی در محله هفت‌حوض واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران پرداختند. نتایج نشان داد که از بین اصول نوشهرگرایی، ۹ اصل از آن تأثیر مثبت بر افزایش حس مکان دارند. طبق نتایج، اصل کیفیت زندگی با ضریب رگرسیون ۰/۶۳ بیشترین تأثیر مثبت و اصل افزایش تراکم با ضریب ۰/۰۹- تأثیر کاهنده بر حس مکان در محله هفت‌حوض دارد؛ بنابراین می‌توان گفت اصول نوشهرگرایی، به جز اصل افزایش تراکم، بر تقویت حس مکان در محله هفت‌حوض تهران تأثیر دارد و به عنوان رویکردی مطلوب در توسعه و بهبود زندگی شهری پذیرفته می‌شود.

پورموسوی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «کاربست اصول نوشهرگرایی و حس مکان در بازآفرینی محله آبشوران کرمانشاه» به بررسی دوره‌های تحول محله آبشوران به عنوان قدیمی‌ترین محله شهر با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن و آزمون رگرسیون چندمتغیره پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هر ده اصل منشور نوشهرگرایی بر بازآفرینی حس مکان محله آبشوران شهر کرمانشاه مؤثرند و از طرف دیگر توجه به عناصر کالبدی و عملکردی در بازآفرینی تأثیر مستقیم بر حس مکان دارد و می‌تواند به ارتقای مکان و حیات دوباره محله آبشوران منجر شود.

یوجانگ و زکریا^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مفهوم مکان، معنا و هویت مکان در بازآفرینی شهری» به بررسی تعاریف و مفهوم مکان در ایجاد چارچوبی مفهومی برای بازآفرینی شهری با توجه به اصول روان‌شناسی محیط پرداختند؛ اینکه چه چیزی بر پیوستگی مردم به مکان‌ها تأثیر می‌گذارد و این امر چگونه بر بازسازی مکان‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش از اهمیت بعد روان‌شناختی مکان در بازآفرینی محیط شهری برای بهزیستی روان‌شناختی ساکنان حمایت می‌کند.

پوراابراهیم (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «حس اجتماع در همسایگی نوشهرگرایی» با هدف بررسی دقیق برخی تحقیقات موجود در این محله از دیدگاه جامع به نتیجه‌گیری از ویژگی‌های طراحی در رابطه با احساس اجتماع پرداخت. براساس نتایج پژوهش، محله‌های مختلف بررسی شده نشان می‌دهند که مردم در محله‌هایی که با نوشهرگرایی اصول سنتی مشخص شده‌اند، در مقایسه با محله‌های حومه حس مکان بیشتری را تجربه می‌کنند. این احساس از طریق برخی متغیرهای جامعه‌شناختی و برخی ویژگی‌های فیزیکی به دست می‌آید. الکساندر و وایدمن^۲ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «تلاقی و واگرایی نوشهرگرایی و روان‌شناسی محیطی» با استفاده از ادبیات محدود، یافته‌های نوشهرگرایی و روان‌شناسی محیطی را با ویژگی‌های مطلوب محله‌ها و رضایت ساکنان مقایسه کردند و بر محله درون‌شهری در ونکوور کانادا که در اواسط تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ساخته شد، تمرکز کردند. این

1. Ujang & Zakariya

2. Alexander & Wydman

مقاله بر شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جهت‌گیری در محیط ساخته‌شده و بر نقاط قوت و ضعف مربوط آن‌ها و آنچه هریک می‌تواند از دیگری بیاموزد، تمرکز کرده است. این امر نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی و طراحی درک پیشرفته‌ای از اصول اجتماع‌سازی وجود داشته است که با امروز نیز مرتبط است و نوشهرگرایی و روان‌شناسی محیطی قادر به یادگیری از آن‌هاست.

۳. روش‌شناسی تحقیق

با توجه به رویکردهای نظری این پژوهش، مطالعه حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش در تلاش است تا با مطالعه رویکرد حس مکان، رویه برنامه‌ریزی این رویکرد را در توسعه‌های شهری معرفی کند. روش‌شناسی پژوهش بر مبنای تحلیل فضایی-کارکردی شهر با استفاده از اصول پارادایم نوشهرگرایانه و یکی از مهم‌ترین اصول آن یعنی حس مکان و نظامات آن در برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، شکل گرفته است. براساس پارادایم نوشهرگرایی، پیکربندی جدید توسعه شهری باید در راستای تثبیت و درونی کردن توسعه‌ها باشد؛ بر این اساس، برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از طرح‌های شهری، نخست برای شناسایی شاخص‌های تحقیق، از طریق پرسش‌نامه به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شد. ۴ شاخص و ۹ زیرشاخص مطرح در این زمینه شناسایی شد و مبنای طراحی پرسشنامه به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش در مطالعات میدانی قرار گرفت (جدول ۱). برای افزایش روایی از روش یا تکنیک روایی محتوایی و صوری استفاده شد و در این راستا روایی ابزار پژوهش به تأیید تعدادی از متخصصان حوزه تخصصی رسید. سپس از تکنیک آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی ابزار پژوهش استفاده شد که ۰,۷۲ به دست آمد که نشانگر پایایی قابل قبول ابزار پژوهش است. براساس فرمول کوکران، ۳۹۱ پرسش‌نامه در بین شهروندان منطقه ۲ شهر مشهد توزیع شد. برای بررسی سؤالات تحقیق از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری رگرسیون و T-تک‌نمونه‌ای و از مدل تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی DEMATEL استفاده شد. تحقیق حاضر از طریق نرم‌افزارهای SPSS و Excel برای تحلیل و برای تهیه نقشه‌ها از

طریق نرم‌افزار Arc GIS انجام شد. شاخص‌های به‌کاررفته تحقیق حاضر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های به‌کاررفته در تحقیق

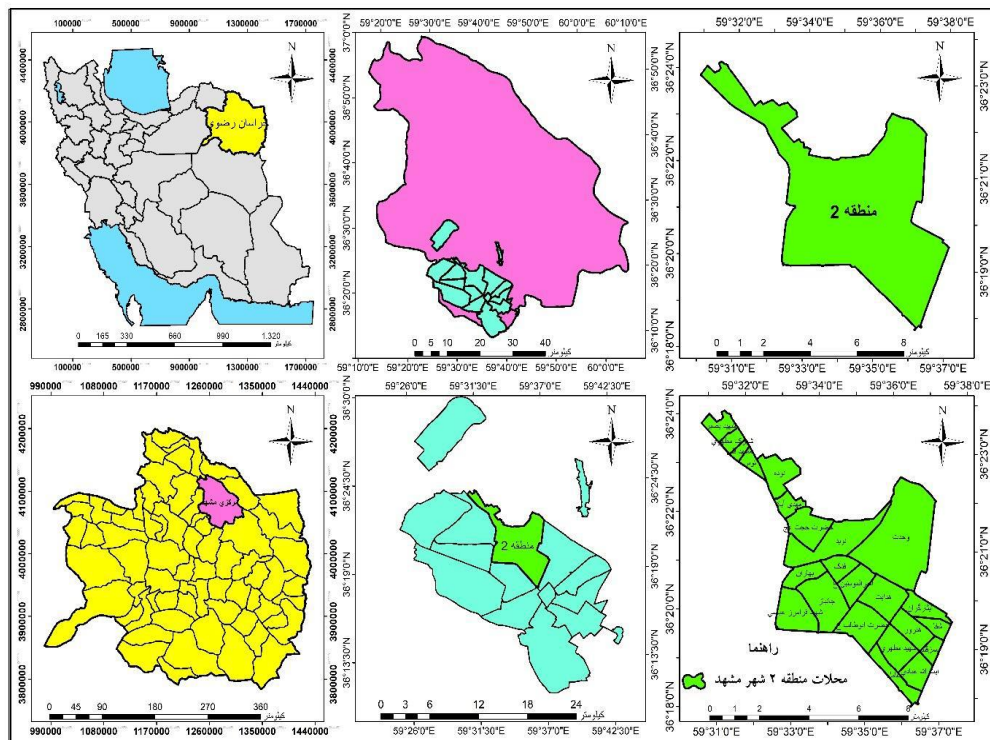
مأخذ: منابع تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها
اقتصادی (داینز، ۲۰۰۹، ص. ۵۳)	کاهش حجم سفرهای درون‌شهری (داینز ^۱ ، ۲۰۰۹، ص. ۵۳)
	کاهش وابستگی به اتومبیل (داینز، ۲۰۰۹، ص. ۵۳)
	متعادل‌سازی قیمت مسکن (اصغرزاده، ۱۳۸۹، ص. ۵۴)
اجتماعی (کانتر ^۲ ، ۱۹۷۱، ص. ۵۰)	افزایش مشارکت شهروندان (کانتر ^۳ ، ۱۹۷۱، ص. ۵۰)
	بهره‌وری محلات (کانتر، ۱۹۷۱، ص. ۵۱)
	سرزندگی محلات شهری (کانتر، ۱۹۷۱، ص. ۵۱)
سلامتی (اس جی ان ^۴ ، ۲۰۰۲)	تشویق به پیاده‌روی (اس جی ان، ۲۰۰۲)
زیست‌محیطی (صرافی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲)	کاهش آلودگی هوا (صرافی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲)
	کاهش آلودگی‌های صوتی (صرافی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳)
	افزایش فضای سبز (صرافی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳)

قلمرو این پژوهش، شهر مشهد است که به‌عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان و دومین کلان‌شهر ایران از نظر جمعیت، با عملکرد غالب فرهنگی-مذهبی و اهمیت ارتباطی-تجاری در سطوح ملی و فراملی، در شمال شرق ایران قرار دارد. شهر مشهد در وسعت رسمی ۳۵ هزار هکتاری، در سال ۱۳۹۵ دارای ۳۱۰۰۱۸۹ نفر جمعیت، شامل ۹۱۴۱۴۶ خانوار بوده است (مدیریت آمار، تحلیل و ارزیابی عملکرد شهرداری مشهد، ۱۳۹۶، ص. ۴). این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در ۲ دقیقه و ۵۹ درجه تا ۳۸ دقیقه و ۶۰ درجه طول شرقی و ۴۳ دقیقه و ۳۵ درجه تا ۷ دقیقه و ۳۷ درجه عرض شمالی قرار گرفته است و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۹۷۰ متر است. شهر مشهد از نظر تقسیمات اداری به ۱۳ منطقه شهرداری و ۴۴ ناحیه و

1. Dobbins
2. Canter
3. Canter
4. SGN

به ۱۵۸ محله در سال ۱۳۹۵ تقسیم شده است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد، ۱۳۹۵). منطقه ۲ شهرداری مشهد در شمال غرب شهر واقع شده است و به‌عنوان بزرگ‌ترین منطقه شهرداری در مشهد با مساحت ۸۰۰۰ هکتار (پورتال جامع شهرداری منطقه دو مشهد، ۱۳۹۵) و با جمعیت ۵۱۳۳۶۵ نفر در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) با جمعیتی بیش از نیم میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین منطقه شهری است. هم‌اکنون این منطقه با هار ناحیه شهری به فعالیت خود ادامه می‌دهد و اقشار مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در خود جای داده است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مور مطالعه

مأخذ: نهاد مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری مشهد، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

بحران هویت در شهرهای امروز ما، نتیجه جدا کردن معنا، حس و روح از مسائل مادی قرن بیستمی توسعه است. برآوردهایی که سبب شده‌اند راه‌های ارتباطی بیشتر، ارتباطات کمتر و بی کیفیت‌تر تولید کنند و شهرهای بزرگ‌تر، انسان‌هایی با خاطرات و تجربیات حسی محدودتر بیافرینند. فقدان حس و معنا علاوه بر نمایش تغییرات اساسی پارادایم در فرم شهر، مؤید دگرگونی شیوه ادراک انسان‌ها از پیوستگی با مکان نیز است (پرتوی، ۱۳۸۲، ص. ۴۱). از سوی دیگر در دهه‌های اخیر، طراحی‌های اتومبیل‌محور و سپس انسان‌محور، الگوی برنامه‌ریزی شهرها قرار گرفته است. همان‌طور که می‌دانیم، محیط از جنبه‌های کالبدی و اجتماعی، با هم ساخته شده است. انسان‌ها، مکان‌های اطراف خود را خلق می‌کنند و مکان مستقل از انسان و مکان، رابطه‌ای سوداگرانه است (ضرایبان و منعم، ۱۳۸۷، ص. ۲۳). برنامه‌ریزی‌های موفق، آن‌هایی هستند که به این مقوله توجه کرده‌اند، اما در برنامه‌ریزی‌های اخیر شهری، اتومبیل مقدم بر انسان بوده و همه نیازها و فعالیت‌های انسان، تحت‌الشعاع اتومبیل و نیازهای آن قرار گرفته است. با توجه به مشکلاتی که رویکرد اتومبیل‌محور در شهرها به وجود آورده است، مشکلاتی مانند گسترش بی‌رویه افقی شهر، افزایش سفرهای شهری و برون‌شهری، آلودگی هوا، کاهش انرژی‌های تجدیدناپذیر، کم رنگ شدن سرزندگی شهری، هویت و حیات مدنی شهرها و غیره، نظریات مختلفی برای حل گوشه‌ای از این مشکلات مطرح شدند. توسعه پایدار، نوشهرگرایی، شهرگرایی سبز، شهر فشرده و رشد هوشمند نمونه‌هایی از این نظریات مطرح‌شده است که یکی از اهداف مشترک همه آن‌ها، دستیابی به سرزندگی و تقویت حیات اجتماعی در سطح محله‌ها است (قربانی و ترکمن‌نیا، ۱۳۹۴، ص. ۸۲).

نوشهرگرایی واکنش به پراکندگی شهری است و یک راه مؤثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود. نوشهرگرایی با تأکید بر خصوصیات کالبدی سنتی در پی رسیدن به درس‌هایی از شهرگرایی سنتی برای یافتن راه‌حل‌هایی در پاسخ به دغدغه‌های منطقه‌ای و شهری معاصر است (دوانی و زیبرک^۱، ۲۰۱۰، ص.

1. Duanny & Zyberk

۹۶). برای نوشهرگرایی اصولی پیشنهادی برای برنامه‌ریزی در محلات شهری ارائه شده است که عبارت‌اند از: پیاده‌مداری (اصغرزاده، ۱۳۸۹، صص. ۵۳-۵۵)، اتصال و پیوستگی (آی‌تی‌دی پی^۱، ۲۰۱۸)، ایجاد کاربری‌های مختلط (اس‌جی‌ان^۲، ۲۰۰۲)، ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت (اصغرزاده، ۱۳۸۹، صص. ۵۳-۵۵)، افزایش تراکم در بافت، توجه به بافت-های واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری، حفظ و تقویت ساختارهای سنتی، استفاده از مشارکت ساکنان (اصغرزاده، ۱۳۸۹، صص. ۵۳-۵۵)، حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز (اس‌جی‌ان، ۲۰۰۲)، تقویت حمل‌ونقل عمومی (کالتراپ^۳، ۱۹۹۳، ص. ۳)، ایجاد و مدیریت توقفگاه‌ها (اصغرزاده، ۱۳۸۹، صص. ۵۳-۵۵)، استفاده از ابزار طراحی برای افزایش امنیت در بافت‌های شهری (اصغرزاده، ۱۳۸۹، صص. ۵۳-۵۵). در بین اصول نوشهرگرایی اصول توجه به بافت‌های واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری، حفظ و تقویت ساختارهای سنتی، استفاده از مشارکت ساکنان، استفاده از ابزار طراحی برای افزایش امنیت در بافت‌های شهری، بر حس مکان تأکید می‌کنند. حس مکان در سال‌های اخیر بسیار مدنظر قرار گرفته است. این حس نتیجه ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. حس مکان از نظر سابقه مطالعات انجام‌شده در حوزه-های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، معماری و جغرافیا با دیدگاه‌ها و روش-های متفاوت از جمله توصیفی، پدیدارشناسی و علمی تعریف شده است. حس مکان، از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌های عینی و بیرونی محیط است که باعث تصورات مختلف از یک مکان می‌شود. عبارت «حس مکان» بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، تجربه کل مکان، قضاوت یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است. مکان از نظر پدیدارشناسان، کانونی تعریف شده است که در آن انسان هستی خود را از طریق حوادث و رویدادهای معنی‌دار تجربه می‌کند و با معناهای مختلف مکان شخصیت می‌یابد. از دیدگاه علمی یا تجربی باید به شناخت اجزا و ویژگی‌های مکان به‌صورت دقیق و

1. Itdp

2. SGN

3. Calthorpe

بدون پیش‌فرض و با تعریف متغیرهای محیط و انسان پرداخت (فلاح و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۹).

سیاست‌های اجرایی متفاوتی برای ایجاد محله‌های دارای هویت و حس تعلق مکانی وجود دارد که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است: حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی برجسته و مناظر طبیعی به همراه سرمایه‌گذاری در زمینه نگهداری، مرمت و بهسازی آن‌ها، ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله همراه با نشانه‌های متمایز از سایر محلات، ساخت خیابان‌های مشجر و طراحی بزرگراه‌ها در قالب بلوارهای زیبا، توسعه طرح جامع مراکز محله، استفاده از حمل‌ونقل عمومی به منظور افزایش جذابیت محله‌ها، ایجاد سرمایه‌های برجسته فرهنگی از طریق هنرهای عمومی، مشارکت ساکنان محله در طراحی، نقاشی و نورپردازی محله، ایجاد کنش‌های اجتماعی از طریق برگزاری جشن‌ها، جشنواره‌ها، مسابقات و نشست‌ها در محله، ایجاد میدان، مجسمه، آب‌نما و... در مرکز محله، ایجاد مراکز خرید جذاب در محله‌های شهر، ایجاد طراحی منفرد و منحصر به فرد (سیف‌الدینی و شورچه، ۱۳۹۴، صص. ۲۷۷-۲۸۰). علاوه بر موارد مذکور، سیاست‌های دیگری برای بهبود و تقویت حس مکان در محله‌ها در زمینه‌های متفاوت به شرح ذیل بیان شده است: تغییر فرایندهای مالیاتی و استانداردهای مکان‌یابی مدارس برای حفظ مدارس موجود و ساخت مدارس جدید در سطح محله، تأمین اعتبار مالیاتی ایالتی برای تشویق استفاده مجدد از ساختمان‌های تاریخی یا ساختمان‌های دارای اهمیت معماری، ایجاد فضاهای باز امن و فعال، تدوین قوانین تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده برای عرضه خدمات پیاده‌روی توسط فروشندگان، ایجاد بخش‌های فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاری متمرکز، تعریف و تعیین نشانه‌های بصری برای محله‌های شهری، حفظ چشم‌اندازهای نمایشی از طریق مکان‌یابی مناسب برج‌های مخابراتی و کنترل بهتر بیلبردها، ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل بین محله‌ها، تصویب قوانین شفاف برای ایجاد حس مکانی از طریق خیابان‌ها، ساختمان‌ها و فضاهای باز (انجمن بین‌المللی مدیریت شهری/روستایی و شبکه رشد هوشمند شهری آمریکا، ۱۳۹۶، صص. ۷۹-۹۰). به‌طور کلی ایجاد محله‌ها و شهرهایی که با نیازها و نوع زندگی شهروندان سازگارتر باشد، نیازمند اصلاح برنامه‌ریزی فضایی و کاربری‌های زمین و یکپارچه‌سازی فرهنگی به صورت محلی است. مفهوم «هم‌محلی‌بودن» در واقع

سیمایی جدید از محلاتی با ساکنانی از نسل‌های متفاوت را نشان می‌دهد که به ارائه مراقبت‌های کیفی به یکدیگر می‌پردازند و خدمات سریعی برای یکدیگر تهیه می‌کنند؛ خدماتی که به دلیل محدودیت‌های سیستم‌های رسمی و متمرکز به فراموشی سپرده شده‌اند. این امر سالمندان را قادر می‌سازد که در محیطی خانوادگی و نزدیک دوستان، خویشاوندان و همسایگان قدیمی و نیز در مجاورت شبکه‌های خدمات و بازار زندگی کنند. گشودن ساختارهای متمرکز خانوادگی به روی شبکه‌های حمایتی محلی، گامی به سوی ایجاد مسئولیت‌های جمعی و یکپارچه‌سازی مجدد مراقبت‌های خانوادگی در عرصه عمومی است. هم‌محلی‌بودن، عامل مهمی در ایجاد مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی است. فضاها و محلات، زمینه ارتباط افراد را ممکن می‌کند و در نتیجه وضعیتی را فراهم می‌آورد تا مردم یکدیگر را ملاقات کنند و بشناسند و به انجام فعالیت‌های مشترک اقدام کنند. امروزه به دلایل مختلف، محل‌های کار به عنوان اولین مکان‌های شهری یکپارچه از بین رفته است و به جای آن، یکپارچگی در محله‌ها از اولویت برخوردار است؛ چراکه ساکنان هر محله از طریق کنش متقابل با فرزندان‌شان که آن‌ها نیز به نوبه خود با دوستان، خانواده‌ها، معلمان و سایر اعضای کلیدی جامعه در ارتباط‌اند، در معرض فرهنگ‌ها و سازمان‌های موجود در جامعه قرار دارند (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، ۱۳۸۹، صص. ۸۲-۸۳). حس مکان در رویکردهای مختلفی چون پدیدارشناسی و روان‌شناسی محیطی، تفاسیر مختلفی را برانگیخته است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

حس مکان و دیدگاه پدیدارشناسی: در بررسی پدیده مکان، پدیدارشناسی یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که در فهم و تعریف حس مکان جایگاه ویژه‌ای دارد. اصطلاح «پدیدارشناسی» با ادموند هوسرل تبدیل به رویه‌ای توصیفی می‌شود که بر این اساس نظم‌واره‌ای است که در صدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه‌مندی آن از طریق آگاهی است (ریخته‌گران، ۱۳۸۱، ص. ۵۶). از دیدگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان‌های زندگی فرد به وجود آید و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (رلف^۱، ۱۹۷۶). ارزش‌های فردی و

جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارند و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و ب‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (کانتر، ۱۹۷۱). از دیدگاه پدیدارشناسی، حس مکان به معنای شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. در پدیدارشناسی، تجربه، اصلی‌ترین رکن در ادراک است. این تجربه به معنای تطهیر ذهنی و دستیابی به ذات چیزهاست (فلاحت، ۱۳۸۵، ص. ۵۸). در این رابطه می‌توان به این موضوع مهم نیز اشاره کرد که روح مکان در خود مکان قرار دارد، اما حس مکان در ذهن کاربر شکل می‌گیرد. حس مکان را می‌توان با بهره‌گیری از عواملی دستکاری کرد، اما روح مکان به ویژگی‌های خود مکان وابسته است. از دیدگاه نوربرگ شولتز^۱ مکان چیزی بیش از فضای انتزاعی است؛ کلیتی از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته‌شده و دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است. مجموعه این عناصر شخصیت محیطی را تعریف می‌کنند؛ چیزی که در واقع ماهیت مکان محسوب می‌شود (نوربرگ شولتز، ۱۹۷۵)، اما از دیدگاه سیمون^۲ مکان نه تنها به یک محل جغرافیایی اشاره دارد، بلکه نشان‌دهنده شخصیت اصلی یک سایت است که موجب تمایز آن از سایر جاها می‌شود؛ به این ترتیب در مکان ابعاد گوناگون چشم‌انداز جمع می‌آیند تا محیطی متمایز و حس محلّیت خاصی را ایجاد کنند (سیمون، ۱۹۸۲).

حس مکان و دیدگاه روان‌شناسی محیطی: از دیدگاه روان‌شناسی محیطی انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارند، تحقق‌یافتنی است. این تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود. روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شیء، بلکه به عنوان ارگانیسم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی‌درپی محقق می‌شود؛ از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط، این ویژگی‌ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می‌کند (فلاحت، ۱۳۸۵، ص. ۶۰).

1. Norberg Schuls

2. Seamon

مهم‌ترین معنای حس مکان در دیدگاه روان‌شناسی محیطی، در تجربه رابطه نمادین فرد، گروه و مکان نهفته است که می‌تواند ضمن فرهنگی بودن از دیگر منابع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز معنا گرفته و تقویت شود.

۵. یافته‌های تحقیق

تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه بیانگر این است که زنان حدود ۳۷ درصد و مردان ۶۳ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل دادند و میانگین سنی آن‌ها ۳۱ سال بود که از میان آن‌ها ۱۳ درصد تحصیلات ابتدایی و سیکل، ۵۳٫۱ درصد دیپلم و کاردانی، ۲۴٫۸ درصد کارشناسی و ۶٫۲ درصد کارشناسی‌ارشد و ۲٫۸ درصد دکتری و بیشتر داشتند. میانگین توزیع پاسخ‌گویان به لحاظ تجربه سکونت در شهر مشهد ۲۶ سال و سابقه سکونت در منطقه ۲ شهرداری مشهد ۱۴ سال بود (جدول ۲).

جدول ۲. وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

سطح تحصیلات	درصد	فراوانی
ابتدایی و سیکل	۱۳	۴۲
دیپلم و کاردانی	۵۳/۱	۱۷۱
کارشناسی	۲۴/۸	۸۰
کارشناسی‌ارشد	۶/۲	۲۰
دکتری و بیشتر	۲/۸	۹

وضعیت شغلی پاسخ‌گویان به این صورت بود که ۶٫۵ درصد کارمندان بخش دولتی، ۱۱٫۵ درصد کارمندان بخش خصوصی، ۵۴٫۳ درصد دارای شغل آزاد، ۹٫۶ درصد زنان خانه‌دار، ۷٫۸ درصد محصل و ۱۰٫۲ درصد بیکاران جویای کار بودند.

جدول ۳. وضعیت شغلی پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

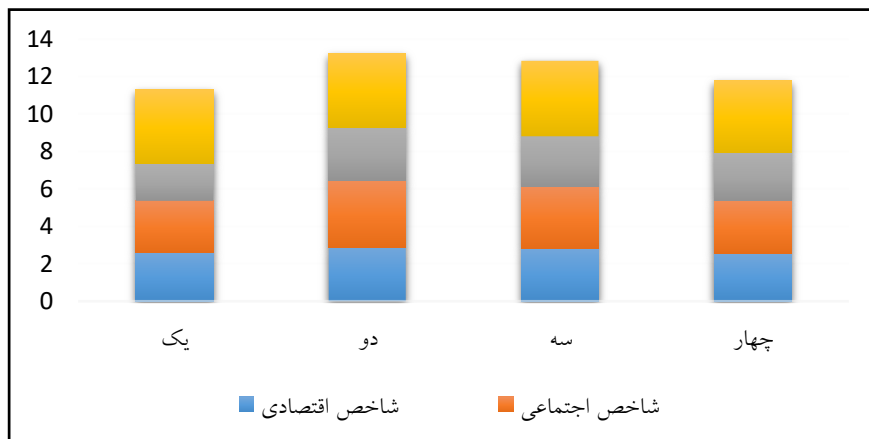
وضعیت شغلی	درصد	فراوانی
کارمند بخش دولتی	۶/۵	۲۱
کارمند بخش خصوصی	۱۱/۵	۳۷
آزاد	۵۴/۳	۱۷۵
خانه‌دار	۹/۶	۳۱
محصل و دانشجو	۷/۸	۲۵
بیکار و جویای کار	۱۰/۲	۳۳

در گام بعدی به محاسبه میانگین شاخص‌ها از دیدگاه جامعه نمونه به تفکیک مناطق چهارگانه منطقه ۲ شهرداری شهر مشهد اقدام شد. نتایج حاکی از حد متوسط به سمت پایین میانگین‌ها در منطقه ۲ شهر مشهد در قریب به اتفاق شاخص و مؤلفه‌های بررسی‌شده است (جدول ۴) که این امر بر چالش بی‌توجهی به موضوع حس مکان در برنامه‌ریزی و توسعه فضای شهری تأکید دارد؛ به گونه‌ای که از میان ابعاد بررسی‌شده، شاخص زیست‌محیطی با میانگین ۳,۴۳ بیشترین و سلامتی با میانگین ۲,۲۶ کمترین میزان میانگین را در میان مؤلفه‌ها داشتند (شکل ۲). علاوه بر این در شاخص‌های بررسی‌شده، ناحیه ۲ با میانگین ۳,۰۰ بیشترین حس تعلق به مکان و ناحیه ۴ با میانگین ۲,۷۷ کمترین حس تعلق به مکان را داشتند.

جدول ۴. میانگین شاخص‌های به‌کاررفته در تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ناحیه	شاخص اقتصادی	شاخص اجتماعی	شاخص سلامتی	شاخص زیست‌محیطی	میانگین
۱	۳,۲۵	۲,۴۸	۲,۳۵	۳,۵۰	۲,۸۹
۲	۳,۴۶	۲,۸۱	۲,۴	۳,۳۵	۳,۰۰
۳	۳,۲۶	۲,۷۸	۲,۴۴	۳,۳۴	۲,۹۵
۴	۳,۳۸	۲,۳۴	۱,۸۷	۳,۵۲	۲,۷۷
میانگین	۳,۳۳	۲,۶۰	۲,۲۶	۳,۴۳	



شکل ۲. میانگین شاخص‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵.۱. توصیف گویه‌های شاخص اقتصادی مؤلفه حس مکان در نواحی چهارگانه

شاخص اقتصادی در حس مکان به سه زیرشاخص کاهش حجم سفرهای درون شهری، کاهش وابستگی به اتومبیل و متعادل سازی قیمت مسکن تقسیم شده است. در زیرشاخص-های این شاخص، بهترین وضعیت را شاخص متعادل سازی قیمت مسکن با میانگین ۳/۰۶ دارد و در بین نواحی به ترتیب ناحیه ۳ با میانگین ۳/۳۵، ناحیه ۲ با میانگین ۳/۲۰، ناحیه ۱ با میانگین ۲/۹۹ و ناحیه ۴ با میانگین ۲/۷۳ در زیرشاخص متعادل سازی قیمت مسکن، بهترین شرایط را دارند. در ادامه به بررسی هریک از این زیرشاخص‌ها می‌پردازیم.

جدول ۵. توصیف گویه زیرشاخص کاهش حجم سفرهای درون شهری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۲/۰۷	۱۹	۳۴	۳۲	۳۹	۸۶	ناحیه ۱
۲/۸۵	۳	۴	۵	۳	۵	ناحیه ۲
۲/۵۸	۹	۱۷	۱۹	۱۹	۲۳	ناحیه ۳
۲/۴۰	۸	۱۶	۱۷	۲۴	۲۷	ناحیه ۴

جدول ۶. توصیف گویه زیرشاخص کاهش وابستگی به اتومبیل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۴۶	۳۸	۵۵	۳۸	۲۹	۲/۷۷
ناحیه ۲	۶	۴	۶	۳	۱	۲/۴۵
ناحیه ۳	۲۱	۱۹	۲۷	۱۷	۴	۲/۵۱
ناحیه ۴	۲۶	۱۶	۲۴	۱۹	۹	۲/۶۱

جدول ۷. توصیف گویه زیرشاخص متعادل‌سازی قیمت مسکن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۴۹	۳۳	۴۳	۳۵	۴۷	۲/۹۹
ناحیه ۲	۴	۲	۶	۲	۶	۳/۲۰
ناحیه ۳	۱۲	۱۴	۲۱	۱۷	۲۳	۳/۳۵
ناحیه ۴	۳۲	۱۳	۱۴	۱۰	۲۳	۲/۷۳

۵.۲. توصیف گویه‌های شاخص اجتماعی مؤلفه اختلاط حس مکان در نواحی چهارگانه

شاخص اجتماعی در حس مکان به سه زیرشاخص افزایش مشارکت شهروندان، بهره‌وری محلات و سرزندگی محلات شهری تقسیم شده است. در زیرشاخص‌های این شاخص بهترین وضعیت را زیرشاخص بهره‌وری محلات با میانگین ۳/۴۲ دارد و در بین نواحی به ترتیب ناحیه ۲ با میانگین ۳/۹۵، ناحیه ۳ با میانگین ۳/۵۸ در زیرشاخص بهره‌وری محلات، ناحیه ۱ در زیرشاخص افزایش مشارکت شهروندان با میانگین ۳/۲۹ و ناحیه ۴ در زیرشاخص بهره‌وری محلات با میانگین ۳/۲۶، بهترین شرایط را دارند. در ادامه به بررسی هریک از این زیرشاخص‌ها می‌پردازیم.

جدول ۸. توصیف گویه زیرشاخص افزایش مشارکت شهروندان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۲۷	۲۷	۷۳	۴۲	۴۱	۳/۲۹
ناحیه ۲	۱	۱	۴	۸	۶	۳/۸۵
ناحیه ۳	۷	۷	۲۸	۲۷	۱۷	۳/۵۶
ناحیه ۴	۱۷	۱۷	۲۸	۱۵	۱۷	۲/۹۷

جدول ۹. توصیف گویه زیرشاخص بهره‌وری محلات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۴۷	۴۷	۳۴	۳۹	۴۳	۲/۸۹
ناحیه ۲	۴	۰	۱	۳	۱۲	۳/۹۵
ناحیه ۳	۱۳	۹	۱۵	۲۳	۲۷	۳/۵۸
ناحیه ۴	۱۶	۱۳	۲۵	۲۲	۲۰	۳/۲۶

جدول ۱۰. توصیف گویه زیرشاخص سرزندگی محلات شهری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۸۵	۳۵	۳۹	۲۷	۱۹	۲/۰۳
ناحیه ۲	۶	۲	۳	۴	۵	۳/۰۰
ناحیه ۳	۲۵	۱۵	۱۸	۱۰	۱۵	۲/۶۳
ناحیه ۴	۴۳	۱۴	۱۳	۱۲	۱۰	۲/۱۲

۵.۳. توصیف گویه‌های شاخص سلامتی مؤلفه اختلاط کاربری در نواحی چهارگانه

شاخص سلامتی در حس مکان دارای زیرشاخص تشویق به پیاده‌روی است. میزان میانگین این شاخص برابر با ۲/۵۱ است. در بین نواحی این منطقه بهترین ناحیه در این شاخص، ناحیه ۲ است.

جدول ۱۱. توصیف گویه زیرشاخص تشویق به پیاده‌روی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۷۳	۵۱	۴۹	۱۵	۱۸	۲/۰۰
ناحیه ۲	۵	۲	۵	۳	۳	۲/۸۳
ناحیه ۳	۲۱	۱۷	۲۳	۱۳	۱۲	۲/۶۹
ناحیه ۴	۲۳	۲۱	۲۷	۱۰	۱۱	۲/۵۵

۵. ۴. توصیف گویه‌های شاخص زیست‌محیطی مؤلفه اختلاط کاربری در نواحی چهارگانه

شاخص زیست‌محیطی در حس مکان با سه شاخص کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی و افزایش فضای سبز تقسیم می‌شود. در زیرشاخص‌های این شاخص، بهترین وضعیت را شاخص آلودگی صوتی با میانگین ۴/۰۳ دارد و در بین نواحی به‌ترتیب ناحیه ۳ در زیرشاخص آلودگی صوتی با میانگین ۴/۲۱، ناحیه ۴ در زیرشاخص آلودگی هوا با میانگین ۴/۱۸، ناحیه ۲ در زیرشاخص آلودگی صوتی با میانگین ۴/۱۵ و ناحیه ۱ در زیرشاخص آلودگی هوا با میانگین ۴/۰۹، بهترین شرایط را دارند. در ادامه به بررسی هریک از این زیرشاخص‌ها می‌پردازیم.

جدول ۱۲. توصیف گویه زیرشاخص آلودگی هوا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۲۰	۱۵	۴۵	۴۱	۸۹	۴/۰۹
ناحیه ۲	۳	۳	۱	۲	۱۱	۳/۷۵
ناحیه ۳	۹	۹	۱۲	۱۳	۴۴	۴/۰۳
ناحیه ۴	۸	۷	۷	۲۵	۴۴	۴/۱۸

جدول ۱۳. توصیف گویه زیرشاخص آلودگی صوتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۲۴	۱۹	۳۱	۵۵	۸۱
ناحیه ۲	۰	۵	۰	۲	۱۳
ناحیه ۳	۶	۱۲	۷	۱۴	۴۹
ناحیه ۴	۹	۱۳	۲۴	۳۲	۲۸

جدول ۱۴. توصیف گویه زیرشاخص افزایش فضای سبز

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
ناحیه ۱	۲۵	۲۶	۵۲	۳۰	۷۷
ناحیه ۲	۴	۰	۱	۵	۱۰
ناحیه ۳	۱۴	۷	۱۰	۱۹	۳۸
ناحیه ۴	۱۳	۶	۲۵	۱۸	۳۰

الف. آزمون تفاوت معناداری بین ابعاد چهارگانه شاخص‌های حس مکان

پس از استخراج یافته‌های توصیفی، در گام نخست به محاسبه آزمون تفاوت معناداری برای ابعاد استخراج و تعیین شده از شاخص‌های یک شهر با حس مکان مناسب براساس داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه، اقدام شد. برای این منظور از آزمون تی تک‌نمونه‌ای بهره گرفته شد که نتایج آزمون بیانگر وجود تفاوت معنادار بین چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، سلامتی و زیست‌محیطی از دیدگاه پاسخگویان است. از سویی نتایج نشان می‌دهد که بعد چهارم یعنی شاخص زیست‌محیطی در مقایسه با سه بعد دیگر از میانگین بیشتری برخوردار است (جداول ۱۵ و ۱۶).

جدول ۱۵. آماره آزمون تی تک‌نمونه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

انحراف از میانگین	انحراف از معیار	میانگین	حجم جامعه آماری	
۰,۰۴	۰,۷۵	۲,۶۵	۳۷۷	شاخص اقتصادی
۰,۰۶	۱,۰۶	۲,۹۳	۳۸۱	شاخص اجتماعی
۰,۰۷	۱,۲۴	۲,۳۳	۳۸۲	شاخص سلامتی
۰,۰۵	۱,۰۰	۳,۹۳	۳۹۱	شاخص زیست‌محیطی

جدول ۱۶. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

	مقدار آزمون = ۳					
	۹۵ درصد ضریب فاصله از تفاوت					
	حد بالایی	حد پایینی	تفاوت میانگین‌ها	Sig	درجه آزادی	T
شاخص اقتصادی	-۰,۲۵	-۰,۴۲	-۰,۳۴	۰۰۰	۳۷۶	-۷,۹۳
شاخص اجتماعی	-۰,۰۵	-۰,۱۸	-۰,۰۶	۰,۰۳	۳۸۰	-۱,۰۲
شاخص سلامتی	-۰,۵۲	-۰,۷۹	-۰,۶۶	۰۰۰	۳۸۱	-۹,۳۸
شاخص زیست‌محیطی	۱,۰۴	۰,۸۲	۰,۹۳	۰۰۰	۳۹۰	۱۶,۵۸

بر این اساس می‌توان نتایج آزمون تفاوت معناداری را به‌گونه‌ای مؤید فرضیه مطرح‌شده بر متوسط بودن حس مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد و به‌تبع آن مناسب بودن از دیدگاه جامعه آماری ارزیابی کرد.

ب. آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره

در گام بعد به محاسبه و سنجش اثرگذاری هریک از مؤلفه‌های بررسی‌شده بر میزان حس مکان ارائه‌شده در نواحی مختلف منطقه ۲ شهرداری شهر مشهد اقدام شد. برای این منظور از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد که ضمن وجود همبستگی قوی با مقدار ضریب همبستگی (R) ۱,۰۰۰، نتایج بیانگر این بود که حدود ۱۰۰ درصد از شاخص‌های حس مکان در

این تحقیق تبیین شدنی بوده است. همچنین میزان sig به دست آمده که کمتر ۰,۰۵ است، بیانگر این است که شاخص های چهارگانه ارزیابی شده در مسئله به خوبی متغیر حس مکان را پوشش داده است. یافته های آزمون رگرسیون چندمتغیره خطی بیانگر این است که از میان شاخص های تبیین کننده میزان حس مکان، چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، سلامتی و زیست محیطی به دلیل اینکه سطح خطای مقدار t آن ها کمتر از ۰,۰۵ است، تأثیر زیادی بر حس مکان داشته است (جدول ۱۷).

جدول ۱۷. نتایج میزان تبیین کنندگی شاخص ها در آزمون رگرسیون

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۰

ضریب همبستگی (R)	سطح خطای شاخص اقتصادی	سطح خطای شاخص اجتماعی	سطح خطای شاخص سلامتی	سطح خطای شاخص زیست محیطی	میزان
۱,۰۰۰	۰	۰	۰	۰	

ج. تکنیک دیمتل

اولین بار در سال ۱۹۷۶ دو پژوهشگر به نام های فونتا و گابوس روش دیمتل را ارائه کردند. این تکنیک براساس مقایسه های زوجی و از ابزارهای تصمیم گیری بر مبنای تئوری گراف است. این روش ممکن است تأییدکننده روابط میان متغیرها یا محدودکننده روابط در روند توسعه ای و نظام مند باشد. مهم ترین شاخصه روش دیمتل، تصمیم گیری چندمعیاره و عملکرد آن در ایجاد روابط و ساختار بین عوامل است. این تکنیک علاوه بر تبدیل روابط علت و معلولی به یک مدل ساختاری-بصری، قادر است وابستگی های درونی بین عوامل را نیز شناسایی و آنها را فهم پذیر کند (یادگاری و تارخ، ۱۳۹۶).

مرحله ۱. جمع آوری نظرهای پاسخ گویان و محاسبه میانگین ماتریس Z: در این گام تأثیرگذاری معیارها دو به دو بر هم بررسی می شود. زمانی که از دیدگاه چند نفر استفاده می شود، میانگین حسابی نظرات به کار می رود و Z تشکیل می شود. برای بررسی تأثیرگذاری معیارها بر هم از طیف کلامی جدول زیر استفاده می شود:

عبارت کلامی، عدد متناظر

بدون تأثیر = ۰؛

تأثیرگذاری خیلی کم = ۱؛

تأثیرگذاری کم = ۲؛

تأثیرگذاری زیاد = ۳؛

تأثیرگذاری خیلی زیاد = ۴.

مرحله ۲. محاسبه اولیه و نرمالیزه کردن ماتریس D : برای نرمال کردن از رابطه $N = Z * K$ استفاده می‌شود که در این فرمول K به این صورت محاسبه می‌شود: ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌ها محاسبه می‌شود. معکوس بزرگ‌ترین عدد سطر و ستون K را تشکیل می‌دهد.

$$K = \frac{1}{\text{MAX} \sum_j^n = 1 a_{ij}}$$

مرحله ۳. استخراج ماتریس رابطه کل T : ماتریس ارتباطات کل از رابطه $T = N \times (I - N)^{-1}$ محاسبه می‌شود. در این رابطه I ماتریس یک است.

مرحله ۴: محاسبه مجموع از سطر و ستون از ماتریس T : در این بخش جمع عناصر سطر و ستون ماتریس ارتباط کامل (T) را محاسبه کرده و به صورت زیر تحلیل می‌کنیم: جمع عناصر هر سطر (D) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرگذاری آن عامل بر سایر عامل‌های سیستم است (میزان تأثیرگذاری متغیرها). هر چه میزان این متغیر بیشتر باشد، یعنی آن عامل تأثیر بیشتری دارد.

جمع عناصر ستون (R) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرپذیری آن عامل از سایر عامل‌های سیستم است (میزان تأثیرپذیری متغیرها).

مرحله ۵. تنظیم مقدار آستانه (α): در آن بردار افقی $(D + R)$ میزان تأثیر و تأثر عامل مدنظر در سیستم است؛ به عبارت دیگر هرچه مقدار $D + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد.

بردار عمودی ($D - R$) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. به‌طورکلی اگر $D - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علت محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

مرحله ۶. ساخت یک نمودار رابطه علت و معلول: درنهایت یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم می‌شود. در این دستگاه محور طولی مقادیر $D + R$ و محور عرضی براساس $D - R$ است. موقعیت هر عامل با نقطه‌ای به مختصات $(D + R, D - R)$ در دستگاه معین می‌شود. به این ترتیب یک نمودار گرافیکی نیز به دست خواهد آمد (دچارات سامریت^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۲).

جدول ۱۸. محاسبه اولیه ماتریس D

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شاخص‌ها	اقتصادی	اجتماعی	سلامتی	زیست‌محیطی	مجموع
اقتصادی	۰	۱,۹	۱,۴	۱,۲	۴,۵۰۰
اجتماعی	۳,۳	۰	۲	۱,۵	۶,۸۰۰
سلامتی	۴	۳,۴	۰	۱,۷	۹,۱۰۰
زیست‌محیطی	۳,۸	۲,۶	۱,۵	۰	۷,۹۰۰
مجموع	۱۱,۱۰۰	۷,۹۰۰	۴,۹۰۰	۴,۴۰۰	

$$\text{Max} = 11/1$$

جدول ۱۹. نرمال‌سازی شاخص‌های حس مکان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شاخص‌ها	اقتصادی	اجتماعی	سلامتی	زیست‌محیطی
اقتصادی	۰,۰۰۰	۰,۱۷۱	۰,۱۲۶	۰,۱۰۸
اجتماعی	۰,۲۹۷	۰,۰۰۰	۰,۱۸۰	۰,۱۳۵
سلامتی	۰,۳۶۰	۰,۳۰۶	۰,۰۰۰	۰,۱۵۳
زیست‌محیطی	۰,۳۴۲	۰,۲۳۴	۰,۱۳۵	۰,۰۰۰

جدول ۲۰. استخراج ماتریس رابطه کل T

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

زیست‌محیطی	سلامتی	اجتماعی	اقتصادی	
-۰,۱۰۸۱۱	-۰,۱۲۶۱۳	-۰,۱۷۱۱۷	۱	اقتصادی
-۰,۱۳۵۱۴	-۰,۱۸۰۱۸	۱	-۰,۲۹۷۳	اجتماعی
-۰,۱۵۳۱۵	۱	-۰,۳۰۶۳۱	-۰,۳۶۰۳۶	سلامتی
۱	-۰,۱۳۵۱۴	-۰,۲۳۴۲۳	-۰,۳۴۲۳۴	زیست‌محیطی

جدول ۲۱. تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری شاخص‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

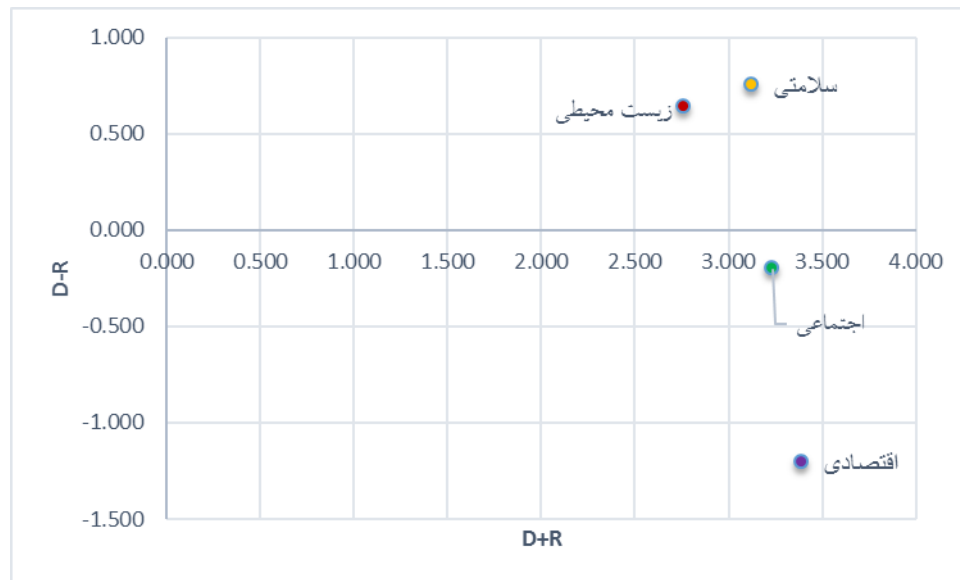
زیست‌محیطی	سلامتی	اجتماعی	اقتصادی	شاخص‌ها
۰,۲۲۳	۰,۲۵۳	۰,۳۴۷	۰,۲۷۱	اقتصادی
۰,۲۹۱	۰,۳۴۶	۰,۲۷۷	۰,۶۰۴	اجتماعی
۰,۳۵۲	۰,۲۴۹	۰,۵۹۳	۰,۷۴۷	سلامتی
۰,۱۹۲	۰,۳۳۶	۰,۴۹۸	۰,۶۷۷	زیست‌محیطی

مقدار آستانه $(\alpha) = ۰,۳۹۱$

جدول ۲۲. تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری شاخص‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نوع معیار	d-r	d+r	R	D	تأثیرات
معلول	-۱,۲۰۵	۳,۳۹۳	۲,۲۹۹	۱,۰۹۴	A
معلول	-۰,۱۹۸	۳,۲۳۳	۱,۷۱۵	۱,۵۱۸	B
علت	۰,۷۵۶	۳,۱۲۳	۱,۱۸۳	۱,۹۴۰	C
علت	۰,۶۴۶	۲,۷۶۲	۱,۰۵۸	۱,۷۰۴	D



شکل ۳. رابطه علت و معلول

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

با توجه به تکنیک دیمتل و شکل ۳، شاخص سلامتی با میزان اثرگذاری ۰,۷۵۶ و شاخص زیست محیطی با میزان ۰,۶۴۶، تأثیرگذارترین شاخص‌های تحقیق برای حس مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد بودند. در رتبه‌های بعدی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قرار گرفتند. این رتبه بندی توسط آزمون دیمتل انجام گرفته است و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق با استفاده از الویت‌بندی انجام شده است که خود نیازمند انجام تحقیقی جامع در آینده است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به آثار زیان‌بار پراکندگی در سال‌های اخیر برای شهرها، شاهد شکل‌گیری جنبش‌ها و مکاتبی برای فشرده‌سازی شهرها هستیم. در رأس این جریان‌ها، نو شهرگرایی با اصول دهگانه خود واقع است. در بین اصول دهگانه نو شهرگرایی، حس مکان به عنوان عاملی هویت بخش و بهبوددهنده حس تعلق به محیط واقع است. در تحقیق حاضر شاخص‌های بررسی شده برای بررسی حس مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد در نظر گرفته شد. این منطقه بخش زیادی از وسعت و جمعیت کلان شهر مشهد به عنوان دومین شهر بزرگ کشور را دارد.

نتایج تحقیق حاضر حاکی از وضعیت متوسط حس مکان در بین نواحی چهارگانه منطقه ۲ شهرداری مشهد است. در بین نواحی منطقه ۲، ناحیه دو بهترین شرایط و ناحیه چهار کمترین میزان میانگین مربوط به حس مکان را دارند. علاوه بر این، نتایج آزمون تی، فرضیه تحقیق مبنی بر متوسط بودن حس مکان در منطقه را تأیید کرده و آزمون رگرسیون خطی، ارتباط هریک از شاخص‌ها برای حس مکان را تأیید کرده است. درنهایت، تکنیک دیمتل به الویت‌بندی و اهمیت شاخص‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که شاخص‌های سلامتی و زیست‌محیطی دارای بیشترین اهمیت برای تقویت حس مکان در منطقه ۲ شهرداری مشهد هستند.

در راستای نتایج این پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- در رابطه با شرایط شاخص سلامتی حس مکان، برای بهبود پیاده‌راه‌ها و شرایط پارک‌ها از نظر نیمکت‌ها، وسایل ورزشی و روشنایی برنامه‌های مناسبی اجرا شود و تأمین نیازهای روزانه در نزدیک محل سکونت شهروندان امکان‌پذیر باشد؛
- برای بهبود شرایط زیست‌محیطی، بهترین راه فرهنگ‌سازی و استفاده از مشارکت شهروندان با توجه به تمایل آن‌ها برای کاشت درخت و... است؛
- برای بهبود شرایط اجتماعی حس مکان، پیشنهاد می‌شود شرایطی فراهم شود تا ارتباط مناسب‌تری بین مردم با یکدیگر و مردم با مسئولان برای برنامه‌ریزی‌ها برقرار شود؛
- برای شاخص اقتصادی حس مکان، مسکن متناسب با اقشار مختلف با درآمدهای مختلف در نظر گرفته شود.

کتابنامه

۱. احمدی، ف.، آقالطیفی، آ.، و افشار، ع. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرایند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغانو نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴ (۴۷ و ۴۸)، ۸۴-۷۰.

۲. اصغرزاده یزدی، س. (۱۳۸۹). اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه ریزی محله های شهری. فصلنامه مسکن، محیط و روستا، ۲۹ (۱۳۰)، ۶۳-۵۰.
۳. انجمن بین المللی مدیریت شهری/روستایی و شبکه رشد هوشمند شهری آمریکا. (۱۳۹۶). دستیابی به رشد هوشمند شهری: ۱۰۰ سیاست کاربردی (جلد اول، چاپ اول) (س. زنگنه شهرکی، مترجم). مشهد: انتشارات پاپلی، جلد اول؛ چاپ اول.
۴. پرتوی، پ. (۱۳۸۲). مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه. نشریه هنرهای زیبا، (۱۴)، ۵۰-۴۰.
۵. پورتال جامع شهرداری منطقه دو مشهد. (۱۳۹۵). بازیابی از <https://www.mashhad.ir>
۶. پورموسوی، ن.، جمشیدی شیخ آبادی، آ.، و لرزنگنه، م. (۱۴۰۲). کاربری اصول نوشهرگرایی و حس مکان در بازآفرینی محله ی آبشوران کرمانشاه. فصلنامه علمی مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۰ (۳۴)، ۱۷۹-۲۱۵.
۷. حاتمی نژاد، ح.، ضرغام فرد، م.، خادمی، ا. ح.، و میرسیدی عنبران، س. م. (۱۳۹۶). سیاست های فضایی در برنامه ریزی شهری (با تأکید بر توسعه میان افزا و رشد هوشمند). مشهد: انتشارات پاپلی.
۸. حبیبی، ر. س. (۱۳۸۷). تصورات ذهنی و حس مکان. نشریه هنرهای زیبا، (۳۵)، ۵۰-۳۹.
۹. دیناری، ا. (۱۳۸۹). گردشگری شهری در ایران و جهان. تهران: نشر واژگان خرد.
۱۰. ریخته گران، م. ر. (۱۳۸۱). پدیدارشناسی و فلسفه آگزیستانس به انضمام شرح رساله ای از مارتین هیدگر. تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی بقیه.
۱۱. سلیمانی مقدم، ه.، زندی، ر.، و اکبری، ا. (۱۴۰۰). پهنه بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل های مکانی (مورد مطالعه شهر مشهد). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱ (۶۰)، ۵۳۴-۵۱۵.
۱۲. سیدبرنجی، س. ک. (۱۳۹۵). تأثیر نظریه نوشهرگرایی بر بازآفرینی و احیاء فضاهای شهری. مقاله ارائه شده در چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
۱۳. سیفالالدینی، ف.، و شورچه، م. (۱۳۹۳). برنامه ریزی هوشمندانه کاربری زمین و حمل و نقل شهری (نگاهی دیالکتیکی و یکپارچه به فضای شهر، تهران: انتشارات مدیران امروز.
۱۴. صرافی، م. (۱۳۷۹). شهر پایدار چیست؟ فصلنامه مدیریت شهری، ۱ (۴)، ۷-۱۵.
۱۵. ضرابیان، ف.، و منعم، م. (۱۳۸۷). بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان، ماهنامه شهرداری ها، ۹ (۸۹)، ۲۸-۲۳.

۱۶. علیمردانی، م.، محمدی، م.، و زیبایی فریمانی، ن. (۱۳۹۶). بررسی رابطه حس دل‌بستگی به مکان و پیاده‌روی به منظور بهبود سطح سلامت در محله، نمونه موردی: محله مطهری شهر مشهد. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۰(۲۱)، ۱۹۳-۲۰۴.
۱۷. فلاحت، م. ص. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶(۲)، ۵۷-۶۶.
۱۸. فلاحت، م. ص.، کمالی، ل.، و شهیدی، ص. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. نشریه باغ نظر، ۱۴(۴۶)، ۱۵-۲۲.
۱۹. قربانی، ر.، و ترکمن‌نیا، ن. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نقش کاربری ترکیبی بر تولید سفر در محلات شهری (محله چهنو و کارمندان منطقه ۶ مشهد). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۱(۲)، ۹۲-۸۱.
۲۰. کلانتری، م.، صدیف اسلامی، ب.، مشکینی، ا.، و پیری، ع. (۱۴۰۱). نوشهرگرایی و حس مکان: مطالعه موردی محله هفت‌حوض شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۳(۵۴)، ۸۱۴-۸۰۱.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. بازبایی از <https://www.amar.org.ir>.
۲۲. مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد. (۱۳۸۹). آشنایی با مدیریت شهری (تجارب جهانی). مشهد: انتشارات امید مهر.
۲۳. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد. (۱۳۹۲). مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات. بازبایی از <https://planning.mashhad.ir>.
۲۴. یادگاری، م.، و تارخ، م. ج. (۱۳۹۶). استفاده از تکنیک دیمتل فازی برای رتبه‌بندی راهبردهای مدیریت دانش. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ۳۲(۸۹)، ۷۸۸-۷۶۱.

25. Calthorpe, P. (1993). *The Next American Metropolis: Ecology, Community, and the American Dream*. New York: Princeton Architectural Press.
26. Canter, D. (1971). *The Psychology of place*, London: The architectural press.
27. Dobbins, M. (2009), *Urban Design and People*. New Jersey: Published by John Wiley & Sons, Inc.
28. Don, A., & Bronwyn, W. (2020). The intersection and divergence new urbanism and environmental psychology: An Exploration. *A Section of the Journal Frontier's in Built Environment*, 61.

29. Duanny, A., & Plater-Zyberk, E. (2010). *The Neighborhood, The Distric and the corridor*. NewYork: The New Urbanism: Toward an Architecture of Community.
30. Gordon, P. (1989). The Influence of Metropolitan Spatial Structure on Commuting Times. *Urban Ecomomhcs*, 26, 136-149.
31. Gusdorf, F., & Hallegatte, S. (2007). Compact or Spread-out Cities: Urban Planning, Taxation, and the Vulnerability to Transportation Shocks. *Energy Policy*, 35, 4826-4838.
32. Lier, V. (1994). *Land use Planning in Perspective of Sustainability*. Netherlands: Sustaineble Land use Planning.
33. Norberg, S. (1975). *Meaning in western architecture*. New York: Praeger publishers.
34. Pour Ebrahim, N. (2015). Sense of community in new urbanism neighborhoods: A review. *Open House International*, 40(4), 25-29.
35. Pugh, C. (1995). Urbanization in Developing Countries an Overview of the Economic and Poliocy Issues in the 1990s. *Cities*, 6(12), 381-398.
36. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
37. Seamon, D. (1982). The phenomenological contribution to environmental psycology. *Journal of Environmental Psycology*, 2, 119-140.
38. Smart Growth Network. (2002). *Smart growth*. Retrieved from [www.smart growth. Org/about](http://www.smartgrowth.Org/about).
39. Ujang, N., & Khalilah, Z. (2014). The notion of place, place manning and identity in urban regeneration. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 170, 709-717.
40. [Www. Itdp.org](http://www. Itdp.org).



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.81647.1261>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

آسیب‌پذیری اقلیمی و راهبردهای پایداری منابع آب در حوضه کارون شمالی

بیژن صابری (دانشجوی دکتری آب و هواشناسی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران)

bijan_sabery@yahoo.com

داریوش رحیمی (استاد هیدرواقلیم، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

rahimi@geo.ui.ac

جواد خوشحال دستجردی (دانشیار آب و هواشناسی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران)

javadkhoshhal@yahoo.com

صص ۲۵۵ - ۲۲۹

چکیده

حوضه آبی کارون شمالی در تأمین پایدار منابع آب جنوب غرب و فلات مرکزی ایران مؤثر است. رخداد خشکسالی‌های حوضه به کاهش ۵۰٪ آبدی و افت سطح ایستابی آبخوان‌ها منجر شده است. زیاد بودن ضریب تغییرات آبدی حوضه (۶۳٪) بیانگر آسیب‌پذیری منابع آب است. برای تحلیل شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی (۲۰۲۰-۱۹۹۰) از روش تحلیل مؤلفه‌های مبنا و برای رتبه‌بندی عامل از شاخص مقدار ویژه استفاده شد. یافته‌های آماری نشان داد، مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در آسیب‌پذیری اقلیمی (CVI) حوضه کارون شمالی، تغییرپذیری دبی ($W=1.987$)، فراوانی خشک‌سالی ($W=1.658$)، آب کشاورزی ($W=1.33$) و کسری مخزن آبخوان ($W=1.09$) هستند. زیرحوضه‌های بهشت‌آباد، ونک و لردگان دارای

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

ضریب آسیب‌پذیری بحرانی و زیاد هستند و بازفت و کوه‌رنگ کمترین آسیب‌پذیری را دارند. برای آینده‌نگری حوضه از شرایط اقلیمی (۲۰۴۰-۲۰۲۰) و مبتنی بر تغییر اقلیم در سناریوهای SSp4.5, SSp 8.5 گزارش ششم و پیش‌بینی‌های منفی و مثبت برنامه‌های توسعه حوضه در افق ۱۴۲۰ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد، با ادامه روند فعلی دما و رخداد خشک‌سالی‌ها و اجرای پروژه‌های انتقال آب و عمرانی در چارچوب پیش‌بینی‌های منفی، شدت شاخص آسیب‌پذیری بیشتر می‌شود، اما با انتخاب راهبردهای مبتنی بر پیش‌بینی‌های مثبت سازگاری با تغییر اقلیم، اصلاح الگوی مصرف و تعدیل میزان آب قابل انتقال (از ۷۷۰ به ۲۱۲) شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی در چشم‌انداز (۲۰۴۰-۲۰۲۰) کاهش می‌یابد؛ تداوم وضع موجود به افزایش شاخص آسیب‌پذیری، تنش‌های اجتماعی و مهاجرت‌های اقلیمی منجر خواهد شد؛ ازاین‌رو بازنگری در راهبردهای بهره‌برداری، تعدیل برنامه‌های توسعه، انتخاب راهبردهای سازگاری تغییر اقلیم و اصلاح الگوی مصرف آب مبتنی بر توان اکولوژی به افزایش تاب‌آوری و پایداری منابع آب کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌پذیری اقلیمی، منابع آب، کارون شمالی، پیش‌بینی.

۱. مقدمه

محدودیت در تأمین آب شرب و کشاورزی، کاهش سطح ایستابی آبخوان‌ها و کاهش آب‌های سطحی از شاخص‌های آسیب‌پذیری اقلیم منابع آب است (IPCC، ۲۰۲۲). یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان آسیب‌پذیری منابع آب ناشی از تغییر اقلیم در عرض‌های میانی و مناطق خشک و نیمه‌خشک نسبت به عرض‌های بالایی و مناطق مرطوب بیشتر است (IPCC، ۲۰۱۸). گرمایش جهانی و خشک‌سالی‌ها (۲۰۲۲ و ۲۰۲۱) در اروپا (مناطق معتدل نیمکره شمالی) به کاهش دبی و خشکیدگی رودخانه‌ها و از بین رفتن محصولات کشاورزی منجر شد (یورونیوز، ۲۰۲۲).

تغییر اقلیم موجب رخداد بیشتر بارش‌های سنگین (سینی ویرانت^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۵۳۴)، ذوب سریع یخچال‌ها و کاهش کیفیت آب در بیشتر مناطق جهان شده است. ارزیابی اثرات افزایش ۲ درجه دما تا سال ۲۱۰۰ نشان می‌دهد که بین ۰/۹ تا ۳/۹ میلیارد نفر از جمعیت کره زمین با توجه به الگوهای منطقه‌ای تغییر اقلیم و سناریوهای اجتماعی و اقتصادی در معرض تنش آبی قرار می‌گیرند (کوترولیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۵۳). این تنش آبی محدودیت‌ها را برای دسترسی به منابع آب شیرین و تأمین آب برای شرب، کشاورزی و صنعت تشدید می‌کند (بیجل^۳ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۵۸۰۵؛ هاناساکس^۴ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۷۹۱؛ بورک^۵ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۲۷۰؛ مولر اشمید^۶ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۰۳۹).

به‌طورکلی در اثر تغییر اقلیم در جهان، حدود ۱۰ درصد از منابع آبی و همچنین بیش از ۳۵ درصد از تولیدات کشاورزی کاهش داشته است (کین^۷ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۵۱۶). داده‌های تاریخی ۲۰۰۰-۱۹۷۱ منابع آب در مناطق شهری جهان نشان داد، ۱۶ تا ۳۹ درصد شهرهای جهان در این دوره با کمبود آب روبه‌رو بودند. چنانچه نیازهای زیست‌محیطی اضافه شود، این نسبت به ۳۶ تا ۶۳ درصد می‌رسد. پیش‌بینی شرایط منابع آب تا سال ۲۰۵۰ نیز نشان می‌دهد که ۴۴۰ میلیون نفر از جمعیت شهری کشورهای توسعه‌یافته و به مقدار بسیار بیشتری در کشورهای درحال توسعه، با آسیب‌پذیری و چالش در تأمین منابع آب مواجه خواهند شد (فلورک^۸ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۵۳). ایران با بارش سالانه ۲۴۸ میلی‌متر و متوسط دمای ۱۸٫۵ درجه سلسیوس اقلیمی خشک و نیمه‌خشک دارد. خشک‌سالی‌های طولانی‌مدت، برداشت بیش از ظرفیت تجدیدشوندگی منابع آب موجب شده است که میزان

1. Seneviratne

2. Koutroulis

3. Bijl

4. Hanasaki

5. Burke

6. Müller Schmied

7. Qin

8. Flörke

شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی^۱ (CVI) در بیشتر حوضه زیاد باشد. بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی، انتقال آب بین حوضه‌ای، توسعه ناپایدار اقتصادی و اجتماعی و استقرار پروژه‌های با نیاز آبی زیاد در مناطقی با بارش کم و تمرکز جمعیت در کانون‌های خاص، این آسیب‌پذیری را از سال ۲۰۰۸ تاکنون افزایش و تاب‌آوری حوضه‌های آبی را به شدت کاهش داده است (فرمانبر و دلاور، ۱۳۹۶، ص. ۷۶).

حوضه کارون شمالی به دلیل دریافت بارش بیش از میانگین کشور و شرایط هیدرومورفیکی (قلل بیش از ۳۵۰۰، شیب متوسط بیش از ۲۳ درصد و ماندگاری برف) همواره در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران برای تأمین آب سایر حوضه‌های آبی مدنظر بوده است. بارگذاری زیاد، بی‌توجهی به نیازهای آبی حوضه (آب مصرفی، حق‌آبه محیط‌زیست رودخانه)، خشک‌سالی‌های متوالی، افزایش دما به تنش‌های آبی حوضه منجر شده است. بررسی آسیب‌پذیری منابع آب حوضه کارون شمالی و پیش‌بینی بیلان آبی و شاخص آسیب‌پذیری منابع می‌تواند در تاب‌آوری و پایداری منابع آب آن مؤثر باشد.

۲. پیشینه تحقیق

ارزیابی آسیب‌پذیری تغییر اقلیم، گامی مهم برای شناسایی سازوکارهای مؤثر در مدیریت منابع آب است. ساختار تداخلی سیستم‌های طبیعی نشان می‌دهد که عوامل محیطی بر یکدیگر تأثیر گذارند. منابع آب به عنوان نهاده بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تحت تأثیر تغییر اقلیم قرار دارد. ارزیابی اثرات تغییر اقلیم می‌تواند بر افزایش تاب‌آوری و ظرفیت سازگاری مؤثر باشد.

محمدخانی و جمالی (۱۳۹۴، ص. ۵۴) با استفاده از شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی نشان دادند که استان‌های همدان و البرز بیشترین میزان آسیب‌پذیری و استان‌های خوزستان و تهران به دلیل منابع آب غنی و نرخ زیاد باسوادی و وضعیت صنایع، کمترین آسیب‌پذیری را دارند. انصاری (۱۳۹۷، ص. ۲۳۷) با مطالعه اثر تغییر اقلیم در حوضه آبریز طشک بختگان نشان داد، برای کاهش آسیب‌پذیری سیستم منابع آب در دوره آتی باید ضمن افزایش بهره‌وری اقتصادی

1. Climate Vulnerability Index

آب در بخش کشاورزی توسط افزایش راندمان آبیاری، فعالیت کشاورزی نیز کاهش یابد و به‌منظور جبران خسارت اقتصادی و اجتماعی، فعالیت در بخش خدمات و صنعت افزایش یابد. اقبال و محمدی (۱۳۹۹، ص. ۳۸) در پژوهشی میزان آسیب‌پذیری اقلیمی استان کردستان را مطالعه کردند و دریافتند که شهرهای دهگلان و سروآباد به ترتیب بیشترین و کمترین میزان آسیب‌پذیری را داشتند. از مطالعات خارجی می‌توان به پژوهش گویلامونت و سیمونت^۱ (۲۰۱۵، ص. ۴۲) اشاره کرد. آن‌ها با استفاده از شاخص آسیب‌پذیری کشورهای دنیا را ارزیابی کردند و مقدار عددی شاخص برای کشورهای در حال توسعه را ۴۶/۷۲ به دست آوردند. شلینگ^۲ و همکاران (۲۰۲۰، ص. ۲) به بررسی میزان آسیب‌پذیری اقلیمی شمال آفریقا پرداختند. آن‌ها رشد جمعیت و کمبود منابع آب و بی‌ثباتی اجتماعی را بر میزان آسیب‌پذیری مؤثر دانستند؛ به‌طوری‌که الجزایر در رتبه اول قرار داشت. لی^۳ و همکاران (۲۰۲۳، ص. ۱۷) با تحلیل سناریوهای تغییر اقلیم و شاخص حفاظت منابع آب میزان آسیب‌پذیر بودن اکوسیستم‌های طبیعی چین را بررسی کردند و تغییر کاربری اراضی و فعالیت‌های انسانی را از عوامل مؤثر دانستند و بیشترین آسیب‌پذیری را اکوسیستم علفزار در نظر گرفتند.

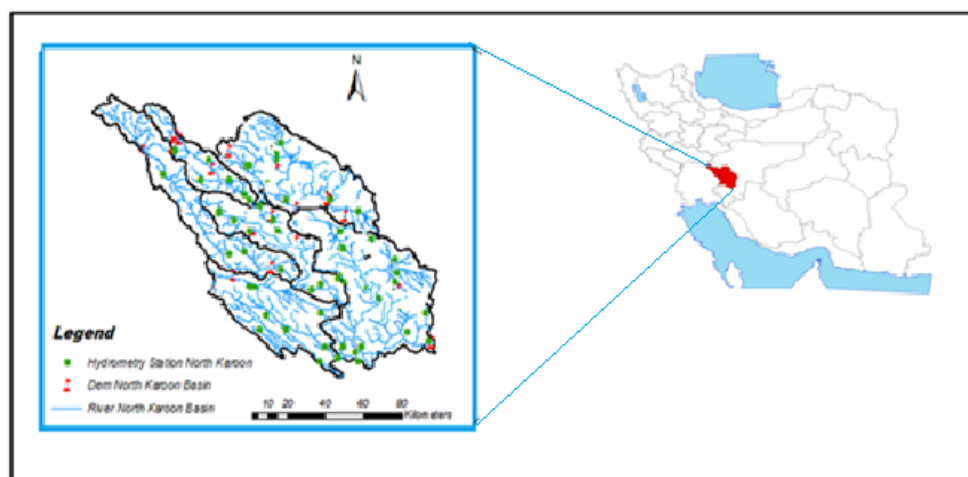
۳. روش‌شناسی تحقیق

حوضه کارون شمالی با زیر حوضه‌های بهشت‌آباد، کوهرنگ، کارون میانی، ونک، بازفت و لردگان، یکی از منابع تأمین آب جنوب غربی ایران (استان خوزستان) و فلات مرکزی ایران (اصفهان و یزد) است (شکل ۱). میزان بارش از ۹۸۰ میلی‌متر در حوضه کوهرنگ تا ۳۷۱ میلی‌متر در حوضه ونک نوسان مکانی دارد. خشک‌سالی‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ به کاهش ۵۰ درصد دبی رودخانه، کسری مخزن، کاهش درآمد کشاورزان، افزایش فقر و مهاجرت جمعیت منجر شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۰).

1. Guillaumont & Simonet

2. Schilling

3. Li



شکل ۱. موقعیت حوزه کارون شمالی

مأخذ: مطالعات طرح احیای حوزه کارون شمالی، ۱۳۸۲

برای بررسی شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی از متغیرهای هیدرولوژی (آب‌های سطحی و زیرزمینی)، بارش و دما استفاده شد. با توجه به وجود شش زیرحوضه فرعی کارون شمالی از داده‌های مشاهداتی ایستگاه‌های شهرکرد، کوهرنگ، بروجن، لردگان، ارمند، بهشت‌آباد و بازفت در دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۰ استفاده شد. یکسان نبودن طول دوره آماری ارائه تحلیل سری زمانی یکسان را سخت می‌کرد، ولی با توجه به ارزش داده‌های مشاهداتی برای شناخت رفتار هر متغیر، هیچ داده‌ای حذف نشد. برای روندیابی متغیرها، داده‌ها متناسب با دوره آماری در دسترس بررسی تحلیل شدند. زیرحوضه کارون میانی به‌عنوان نقطه پایاب حوضه بود و ایستگاه ارمند به‌عنوان شاخص انتخاب شد. برای آنومالی‌ها آبدهی (۲۰۲۱-۱۹۵۸)، داده‌های بارش (۲۰۲۱-۱۹۷۰) و داده‌های آب‌های زیرزمینی (۲۰۲۱-۱۹۸۱) بررسی شدند. تحلیل تغییر اقلیم به‌وسیله داده‌های مشاهداتی (۲۰۲۱-۱۹۹۰) و دوره آینده (۲۰۴۰-۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های گزارش ششم هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم انجام شد. داده‌های مدل‌های CMIP6 از سایت www.climatechangeknowledgeportal.org استخراج شده است.

روش تحقیق مبتنی بر تحلیل داده‌های تاریخی و آینده اقلیمی، هیدرولوژی و تحلیل اسنادی توسعه است. برای تشخیص روند متغیرهای هیدرو اقلیم (دبی و بارش) از آزمون

ناپارامتری پتیت^۱ استفاده شد. پتیت این آزمون را در سال ۱۹۸۹ توسعه داد (رابطه ۱). این آزمون زمانی اهمیت دارد که هیچ فرضیه‌ای در مورد زمان تغییر موجود نباشد و نیازمند فرض نرمال بودن سری زمانی نیست و فرض صفر به صورت مستقل مقادیر مختلف سری زمانی را همگن می‌داند. در صورتی که شکستگی و ناپیوستگی در مقدار میانگین سری زمانی وجود داشته باشد، مطابق فرض یک این آزمون، سری زمانی ناهمگن است. این روش در یافتن ناهمگنی‌های نقاط میانی سری زمانی توانایی بیشتری دارد و از مهم‌ترین آزمون‌ها برای تشخیص شیفت ناگهانی در سری‌های زمانی است. برای تحلیل آنومالی داده‌ها از روش استاندارد و خط رگرسیون و برای تعیین خشک‌سالی از شاخص SPI برای دوره زمانی ۱۲ ماهه استفاده شد (رابطه ۲).

در این پژوهش به منظور شبیه‌سازی تغییر اقلیم منطقه، از نتایج مدل‌های گردش عمومی جو در ششمین گزارش IPCC برای متغیرهای دما و بارش استفاده شد. تغییرات دما و بارش حوضه مورد مطالعه در دوره پایه ۲۰۲۰-۱۹۹۰ و دوره آتی ۲۰۲۰-۲۰۴۰ استخراج شد و بر پایه سناریوهای SSP2-4.5 و SSP5-8.5 سری CMIP6 تحلیل شد. پس از شبیه‌سازی وضعیت آسیب‌پذیری اقلیمی منطقه بررسی شد. تغییر در میزان بارش و دما در دوره آتی سبب تغییر در میزان رواناب شده و در نتیجه پتانسیل منابع آب سطحی و زیرزمینی حوضه نیز دستخوش تغییر خواهد شد. ارزیابی میزان آسیب‌پذیری اقلیمی حوضه به وسیله شاخص CVI انجام شد. برای نخستین بار، سولیوان و میغ (۲۰۰۵) این شاخص را معرفی کردند (رابطه ۳) و در گزارش‌های توسعه جهانی آب استفاده شده است. این شاخص طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، محیطی و فیزیکی را در مقیاس مکانی نشان می‌دهد. بدیهی است که شاخص‌ها در واحدها و مقیاس‌های مختلفی هستند، بنابراین هر کدام از این متغیرها باید ابتدا نرمال شوند تا قابلیت مقایسه پیدا کنند (جدول ۱). همچنین برای تعیین اوزان از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و شاخص بی‌بعد مقدار ویژه استفاده شد.

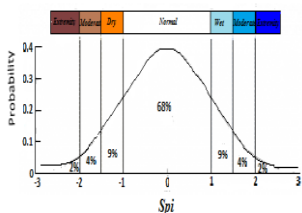
شایان ذکر است که در این مقاله شاخص CVI متناسب با اهداف آن و متغیرهای محلی کالیبره شده است. در واقع از متغیرهای اقلیمی، هیدرولوژی (دبی آب‌های سطحی) برای

1. Pettit Test

شاخص در معرض خطر، از میزان آب مصرفی در بخش کشاورزی، شرب و صنعت و سطح ایستابی برای شاخص حساسیت و از شاخص‌ها و سناریوهای توسعه (پیشران‌ها) برای سازگاری استفاده شده است. در این بخش از استان حجم آبدهی سالانه بین ۶ میلیارد مترمکعب در دوران ترسالی، ۴ میلیارد مترمکعب در شرایط نرمال و ۲٫۵ میلیارد در شرایط خشک‌سالی در نوسان است. علاوه بر آن، به دلیل شیب و شرایط توپوگرافی استفاده استان از منابع آب سطحی محدود است و بیش از ۸۰ درصد از آب موردنیاز در بخش‌های مختلف اقتصادی از آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود؛ بنابراین تغییرات دبی و سطح ایستابی برای شاخص حساسیت مناسب تشخیص داده شده است.

جدول ۱. روابط استفاده شده در پژوهش

مأخذ: IPCC، ۲۰۱۸

شاخص	رابطه	شرح
Pettit Test Equ.1	$U_{t,T} = \sum_{i=1}^t \sum_{j=t+1}^T \text{sgn}(X_i - X_j)$ $p \simeq 2 \exp\left(\frac{-6 K_T^2}{T^3 + T^2}\right)$	نقطه تغییر سری‌ها در K_T احتمال معناداری K_T برای $p \leq 0.05$ (پولرت، ۲۰۱۸)
Normaliz e data Equ.2	$\text{SPI} = (P_i - \bar{P}) / \delta_i$	
CVI Equ.3	$\text{CVI} = \frac{rrR + r \text{DF} + r\text{Dis} + \text{Temp} + G + \text{Agri}}{rg + rr + rdis + rdf + ragr}$	R: بارش، DF: فراوانی خشک‌سالی Dis: دبی، Temp: دما، G: آب زیرزمینی، Agri: آب کشاورزی، r: وزن متغیر

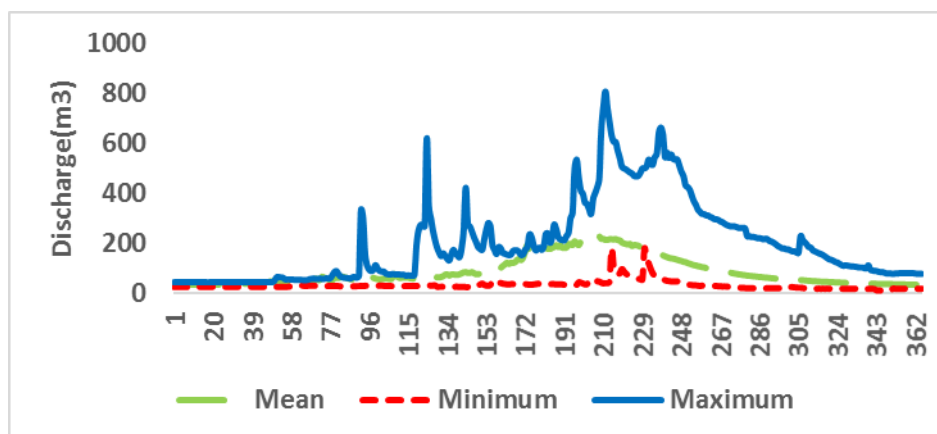
۴. بحث

حوضه آبی کارون شمالی با مساحت ۱۴۰۵۳ کیلومترمربع، بارش سالانه ۶۵۰ میلی‌متر و شرایط هیدروژئولوژی دارای توان آبدهی ۴۰۰۰ میلیون مترمکعب در شرایط نرمال اقلیمی است. ظرفیت فیزیکی هیدرو اقلیمی حوضه باعث توجه برنامه‌ریزان آب (از ۱۹۵۱ تاکنون) برای تأمین کسری آب سایر حوضه‌ها (طرح انتقال آب کوهرنگ ۱ (۱۳۳۰)، کوهرنگ ۲ (۱۳۶۶) و کوهرنگ ۳ (۱۳۹۰)، بهشت‌آباد و رفسنجان (آینده) شده است. درمجموع حجم آب برنامه‌ریزی‌شده برای انتقال از حوضه کارون شمالی بیش از ۱۶۰۰ میلیون مترمکعب است. بررسی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که این پروژه‌ها بر مبنای شرایط نرمال هیدرواقلیمی انجام گرفته‌اند و موجب ایجاد باور خوش‌بینانه در برنامه‌ریزی منابع آب حوضه کارون با فرض وجود آب مازاد در حوضه شده‌اند، اما تغییرپذیری آب‌های سطحی، خشک‌سالی‌های ممتد، افزایش دما، افزایش نیازهای آبی و کسری آبخوان‌ها به ایجاد چالش‌های زیادی در منابع آب کارون شمالی منجر شده است.

۵. آسیب‌پذیری منابع آب در حوضه کارون شمالی

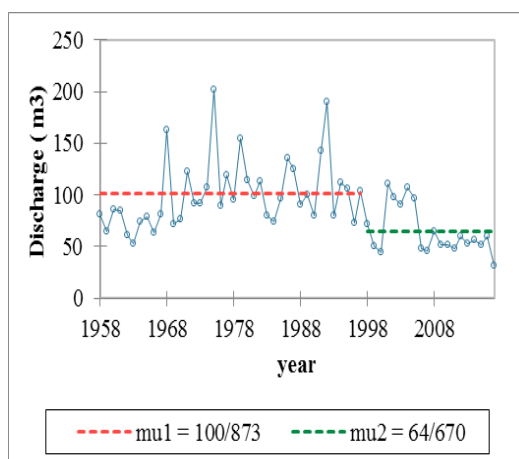
۵.۱. آب‌های سطحی

تغییرپذیری دبی رودخانه‌ها برای ارزیابی شاخص آسیب‌پذیری آب‌های سطحی انتخاب شد. متوسط دبی روزانه ایستگاه ارمند در دوره ۱۳۹۸-۱۳۳۶، ۸۸/۵ متر بر ثانیه است. بیشترین دبی سالانه ۲۰۲ متر بر ثانیه (در سال ۱۹۷۵) و کمترین دبی سالانه ۳۲ متر بر ثانیه (در سال ۲۰۱۷) است. ضریب تغییر دبی سالانه ۶۳٪ است (شکل ۲). آنومالی آبدهی سالانه حوضه (۱۹۵۸-۲۰۲۱) نشان می‌دهد، رخداد منفی یعنی دوره‌های خشک‌سالی از (۱۹۵۸-۱۹۶۷) و (۲۰۰۸-۲۰۱۷) بوده است (شکل ۳). لحاظ‌نکردن آنومالی‌های پریرودیک (رخداد طبیعی) در برنامه‌های توسعه و مدیریت منابع آب به افزایش آسیب‌پذیری حوضه منجر شده است. روند تغییرات آبدهی با آزمون پتیت مشخص می‌کند که میزان دبی سالان از حدود ۱۰۱ مترمکعب بر ثانیه در دوره ۱۹۵۸-۱۹۹۷ به حدود ۶۵ مترمکعب در دوره (۱۹۹۸-۲۰۲۱) کاهش یافته است (شکل ۴).



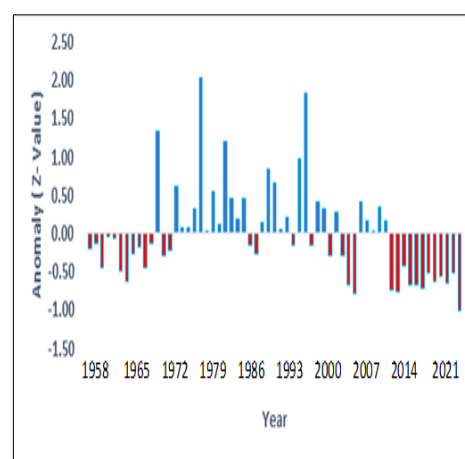
شکل ۲. هیدروگراف روزانه ایستگاه ارمند (میانگین سالانه)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۴. تغییر در سری زمانی رواناب ایستگاه ارمند

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱



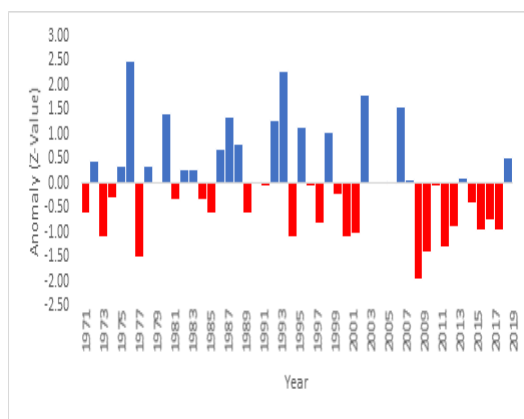
شکل ۳. آنومالی آبدهی سالانه در ایستگاه ارمند

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۲.۵. بارش

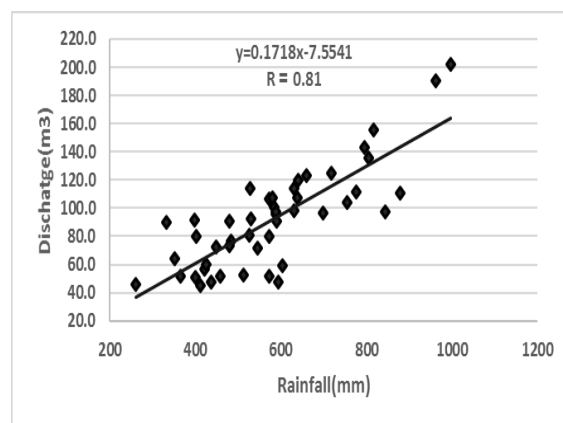
میانگین بارش سالانه حوضه کارون شمالی از ۳۷۱ میلی‌متر در زیرحوضه ونک تا ۹۸۰ میلی‌متر کوه‌رنگ نوسان دارد. بارش سالانه در کارون میانی (۵۸۶)، بازفت (۶۵۳)، لردگان (۶۰۲) و بهشت‌آباد (۵۸۲) میلی‌متر است (شکل ۵). بیشترین ضریب تغییر بارش ۶۷٪ در ونک و کمترین آن ۲۲/۷٪ در کوه‌رنگ است. این شاخص در بهشت‌آباد (۲۸/۶٪)، کارون

میانی (۲۹/۷٪)، بازفت و لردگان (۲۵٪) است. خشک‌سالی‌های متوالی از دیگر پارامترهای مؤثر در شاخص آسیب‌پذیری منابع آب است. درصد فراوانی خشک‌سالی‌ها در دوره (۲۰۲۱-۱۹۹۱) نشان داد که بهشت‌آباد ۵۵٪، کوهرنگ ۴۸٪، کارون میانی ۴۲٪، ونک ۳۵٪، بازفت ۳۲٪ و لردگان ۳۹٪ از سال‌ها بارش کمتر از نرمال بوده است. با توجه به تأثیرگذاری بارش‌ها بر دبی ($R=0.81$) و ($R^2=65\%$) خشک‌سالی اخیر آسیب زیادی بر منابع آب حوضه کارون وارد کرده است (شکل ۶).



شکل ۵. آنومالی بارش‌های حوضه کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱



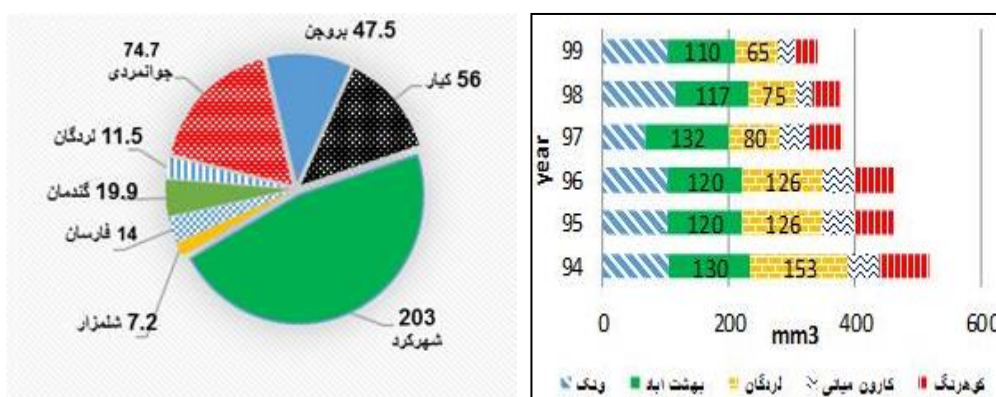
شکل ۶. رابطه بارش-دبی حوضه کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۳.۵. آب‌های زیرزمینی

با توجه به وابستگی شدید حوضه به آب‌های زیرزمینی در تأمین نیازهای آبی، این شاخص مهم‌ترین شاخص حساسیت به آسیب‌پذیری منابع آب است. آب مصرفی حوضه کارون شمالی در مجموع ۹۲۱ میلیون مترمکعب است. از این مقدار، سهم آب مصرفی بخش کشاورزی (۸۶٪ معادل ۷۹۱/۵ میلیون مترمکعب)، صنعت (۲/۴٪ معادل ۳۸/۱ میلیون مترمکعب) و شرب (۹/۹٪ معادل ۹۱ میلیون مترمکعب) است که ۵۱۶ میلیون مترمکعب آن از آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود (شکل ۷). نتایج مطالعات بیلان آب آبخوان‌ها نشان می‌دهد، آبخوان‌های بروجن، سفید دشت و فرادنبه، خانمیرزا، شهرکرد و لردگان در وضعیت بحرانی و

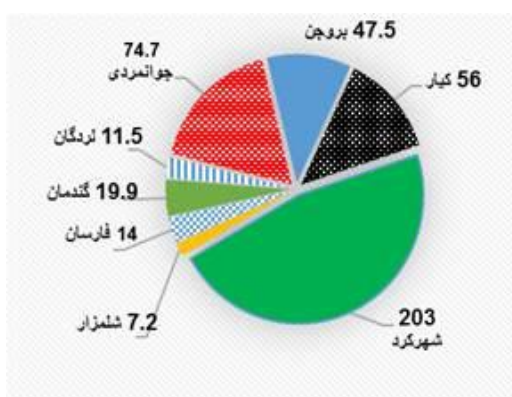
ممنوعه و روند آبدهی آن‌ها کاهشی است (شکل ۸). آبخوان‌های حوضه به دلیل برداشت بیش از حد ظرفیت دارای کسری مخزن هستند. بیشترین کسری مخزن در بهشت‌آباد، لردگان و ونک قرار دارد (شکل ۹).



شکل ۷. میزان مصرف کشاورزی در زیرحوضه

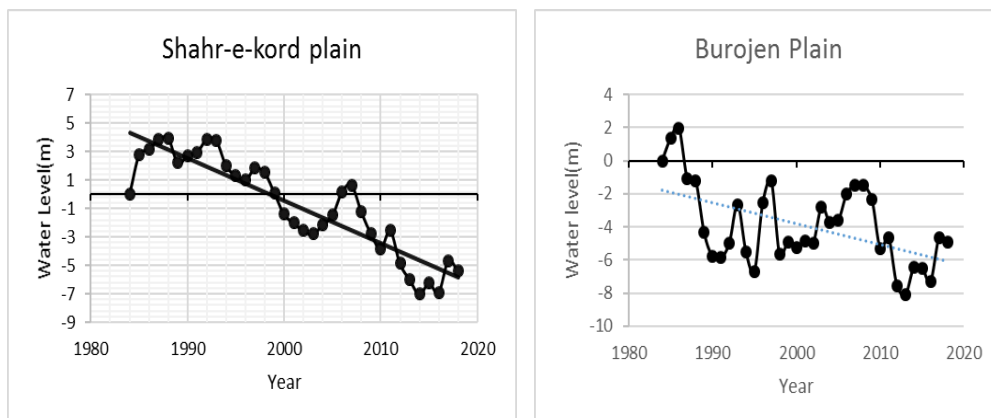
(MCM)

مأخذ: وزارت نیرو، ۱۴۰۰



شکل ۸. میزان کسری آبخوان‌های حوضه (MCM)

مأخذ: وزارت نیرو، ۱۴۰۰



شکل ۹. تغییر سطح ایست آبی دشت‌های حوضه کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵. بودجه آب (۱۹۹۰-۲۰۲۰)

بیان آبی حوضه کارون شمالی براساس میزان آب در دسترس ۳۳۵۳/۸ میلیون مترمکعب آن آب‌های سطحی ۲۸۳۷/۷ و آب‌های زیرزمینی MCM ۵۱۶ است. مصرف آب در بخش‌های کشاورزی (۷۹۱/۵)، صنعت (۳۸/۱)، شرب (۹۱) میلیون مترمکعب و تأمین نیازهای محیط‌زیستی رودخانه (۱۱۱۱/۷) است. بیان آبی لردگان (K4) (۱۹/۲) میلیون مترمکعب و بهشت‌آباد (K5) (۱۶/۶-) منفی و دارای کسری است (جدول ۲). لردگان به دلیل فعالیت‌های کشاورزی و بهشت‌آباد علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی، تمرکز جمعیت و فعالیت‌های صنعتی بیشترین مصرف آب را دارند. این بیان آبی در شرایط بدون انتقال آب بین حوضه (سولگان-رفسنجان و بهشت‌آباد زاینده رود) است.

جدول ۲. بیان آبی حوضه کارون شمالی (۱۹۹۰-۲۰۲۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

Sub-Basin *	Water Potential (MCM)			Water consumption(MCM)					Budget
	Surface water	Ground water	-Sum	Agri	Industrial	Drinking	Environmental	Sum	
K1	1588.8	26.9	1615.6	23.4	0.0	4.7	656	684.1	931.5
K2	455.8	53.6	509.4	40.6	2.4	21.4	155	219.4	290
K3	91.2	40.5	131.7	55.4	1	4.8	30.8	92	39.7
K4	68	103.1	171.1	154.8	1.9	9.8	23.8	190.3	-19.2
K5	290.9	17.1	308.1	72.8	8.3	5.9	125	212	96.1
K6	343	274.8	617.9	444.5	24.5	44.4	121.1	634.5	-16.6
SUM	2837.7	516	3353.8	791.5	38.1	91	1111.7	2032.3	1321.5

*(K1: Bazoft, K2: Kohrang, K۳: Karoun miani, K۴: Lorddegan, K5: Vanak and K6: Behesht Abad)

۶. آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقلیمی منابع آب

شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی بیانگر آسیب‌پذیری، مدیریت و اثر گذاری تغییر اقلیم بر منابع آب است. در این شاخص از سه فاکتور در معرض خطر، حساسیت سیستم به خطر و ظرفیت سازگاری و انطباق استفاده شده است. در این مطالعه، منابع آب به‌عنوان پدیده در

معرض خطر در اثر متغیرهای مانند رخداد‌های تغییر اقلیم و خشک‌سالی، میزان مصرف و تغییر سطح ایستابی و کسری مخزن به‌عنوان معیار حساسیت و راهبردهای توسعه در شرایط فعلی و آینده (مبتنی بر پیش‌بینی‌های منفی (شتاب دهنده خطر و حساسیت) و مثبت (تعدیل کننده خطر و حساسیت) به‌عنوان معیار سازگاری استفاده شده‌اند. برای شناخت آسیب‌پذیری و تاب‌آوری زیرحوضه‌ها از شاخص کالبره‌شده و تعدیل‌شده براساس شرایط محلی آسیب‌پذیری اقلیمی (CVI^۱) (سولیوان و بیامبا، ۲۰۰۵) استفاده شد. این شاخص در دوره بازه زمانی حال (۲۰۲۰-۱۹۹۰) و آینده (۲۰۴۰-۲۰۱۵) بررسی شد.

۱.۶. شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی (۲۰۲۰-۱۹۹۰)

برای تعیین آسیب‌پذیری اقلیمی (۲۰۲۰-۱۹۹۰) از متغیر بارش، دبی، فراوانی خشک‌سالی، میزان آب مصرفی (کشاورزی، شرب و صنعت)، کسری مخزن دشت‌ها، شاخص آماری ضریب تغییر بارش و دبی، ضریب معناداری روند (بارش، دبی، دما حداقل و حداکثر) آزمون من-کندال در زیرحوضه‌ها انتخاب شدند. برای تعیین عامل‌های اصلی نیز از روش تحلیل مؤلفه‌های مبنا استفاده شد. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که چهار عامل ضریب تغییر دبی، فراوانی خشک‌سالی، آب مصرفی بخش کشاورزی و تغییر سطح ایستابی به‌ترتیب بیشترین مقدار ویژه^۲ را دارند و ۹۶٫۶٪ واریانس عوامل را تبیین می‌کنند (جدول ۳). مقادیر ویژه به دلیل بی‌بعد بودن برای وزن‌گذاری استفاده شده‌اند.

این شاخص بین صفر تا ۱۰۰ است و بزرگ‌تر بودن آن نشانه آسیب‌پذیری بیشتر Climate Vulnerability Index ۱. است.

۲. Eigen values

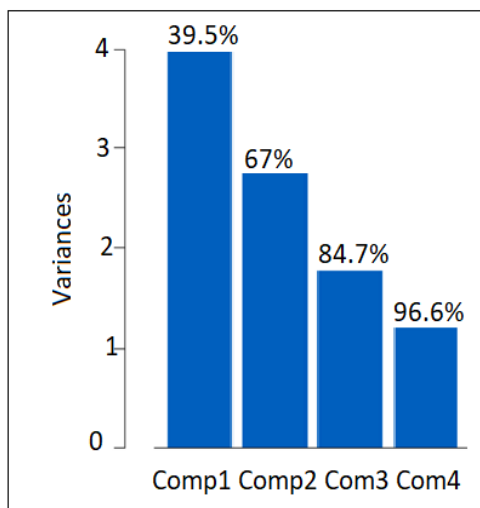
جدول ۳. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی و شاخص‌های درصد واریانس جزئی و تجمعی حوضه کارون

شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

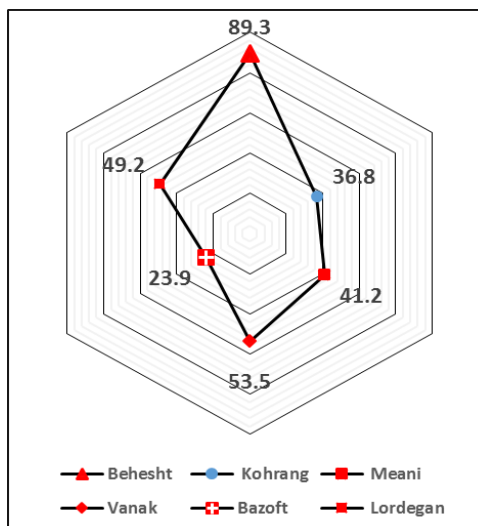
components:	Comp.1 (Dis-CV)	Comp.2 (D-F)	Comp.3 (Agri-W)	Comp.4 (WT)
Eigen-Value	۱,۹۸۷	۱,۶۵۸	۱,۳۳۲	۱,۰۹۱
Proportion STDV	%۳۹,۵	%۲۷,۵	%۱۷,۷	%۱۱,۹
Cumulative Proportion	%۳۹,۵	%۶۷	%۸۴,۷	%۹۶,۶

با توجه به مؤلفه‌های مبنا و واریانس محاسبه‌شده (شکل ۹)، یافته‌ها نشان داد که شاخص CVI در زیرحوضه بهشت‌آباد (۸۹/۳)، ونک (۵۳/۵)، لردگان (۴۹/۲)، کارون میانی (۴۱/۲)، کوهرنگ (۳۶/۸) و بازفت (۲۳/۹) است (شکل ۱۰ و ۱۱، جدول ۴). با کمک CVI رتبه‌بندی زیرحوضه‌ها انجام شد و نقشه زیرحوضه بر مبنای شاخص CVI ترسیم شد. زیرحوضه بهشت‌آباد با جمعیتی بیش از ۶۵۰ هزار نفر، تمرکز بیشترین فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، زیرحوضه ونک به دلیل کم بودن میزان بارش سالانه و ضریب خشکی بیشتر و زیرحوضه لردگان به دلیل تمرکز جمعیت و فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با زیرحوضه‌های دیگر آسیب‌پذیرتر هستند (شکل ۱۲).



شکل ۱۱. مؤلفه مینا و مقادیر واریانس در کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱



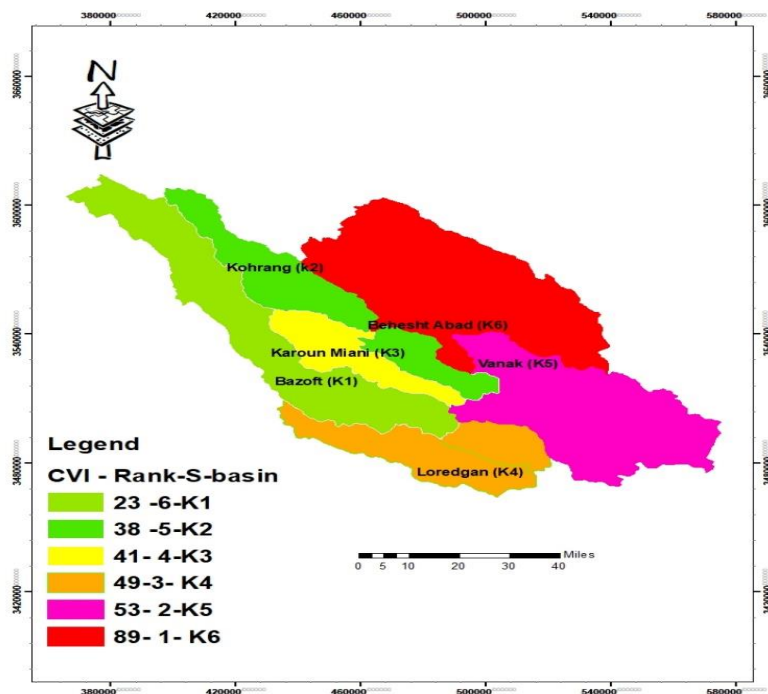
شکل ۱۰. مقادیر CVI در زیرحوضه‌های کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

جدول ۴. متغیرهای اصلی آسیب‌پذیری اقلیمی، شاخص CVI و رتبه زیرحوضه‌های کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

Basin	R (mm)	CV.R	DF	Dis M3	Temp (m)	Dis CV	WT (mcm)	Z-Ra	Z-dis	Agric (mcm)	CVI	Rank
Behesht	584	28.6	17	17.48	10.7	56.2	203	-1.55	-0.71	132	89.3	1
Kohrang	980	22.7	15	24.4	9.6	35.2	21.2	-1.89	-1.11	78	36.8	5
K-Meani	586.3	29.7	13	96.8	15.4	39	74.7	-1.78	-3.14	51	41.2	4
Vanak	371	67.2	11	2.68	10.8	74	19.9	-2.43	-3.89	102	53.5	2
Bazoft	602	25.1	10	68.6	15.1	37	10	-0.31	-1.06	32	23.9	6
Lordegan	573	25.4	12	25.4	15.7	30	11.5	-0.61	1.86	153	49.2	3



شکل ۱۲. رتبه بندی CVI در زیرحوضه های کارون شمالی (۱۹۹۰-۲۰۲۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۲.۶. آسیب‌پذیری اقلیمی منابع آب در آینده (۲۰۱۵-۲۰۴۰)

برآورد دقیق از آسیب‌پذیری منابع آب در آینده به دلیل نوسان‌های اقلیمی (افزایش تبخیر و تنش‌های آبی)، سیاست‌های توسعه اقتصادی و فناوری، الگوی کشت، بهره‌وری منابع آب، انتقال آب بین حوضه، حفاظت از منابع آب و مشارکت ذی‌نفعان مشکل است؛ بنابراین برای ارائه تصویری از آسیب‌پذیری اقلیمی منابع آب حوضه در آینده، از برآورد متغیرهای اقلیمی گزارش ششم (۲۰۱۵-۲۰۴۰) و برنامه‌های توسعه حوضه با پیشران‌های منفی و پیشران‌های مثبت در بخش منابع آب استفاده شد.

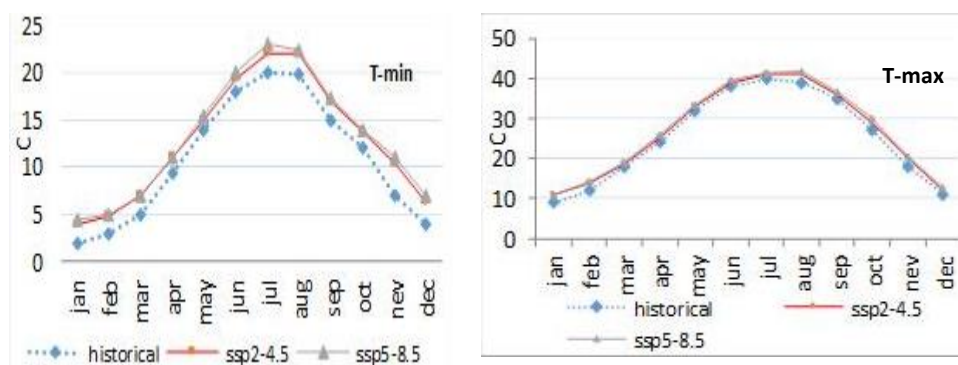
۷. شرایط اقلیمی آینده

تحلیل شرایط اقلیمی آینده (۲۰۴۰-۲۰۱۵) بر پایه سناریوهای SSP2-4.5 و SSP5-8.5 8.5 گزارش ششم (CMIP6) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که دمای حداقل حوضه بین ۲ تا ۳ و دمای حداکثر ۱ تا ۲ درجه سلسیوس نسبت به دمای دوره پایه افزایش می‌یابد (شکل ۱۳). مقادیر معناداری ضریب من کندال بیانگر تداوم روند افزایش دمای حداقل و حداکثر سالانه است و مقدار بارش‌ها متناسب با نرم اقلیمی را تأیید می‌کند (جدول ۵). با توجه به اثرگذاری این متغیرهای اقلیمی بر منابع آب در آینده شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۵. مقادیر Z و P-value بارش، دمای حداکثر و دمای حداقل آزمون من-کندال حوضه کارون شمالی (۲۰۴۰-۲۰۲۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

Variable	SSP2-4.5		SSP5-8.5	
	P-value	Z	P-value	Z
بارش (mm)	0.02	1.89	0.2	0.83
دما حداکثر	0.003	4.47	0.002	5.73
دما حداقل	0.001	5.8	0.001	5.75



شکل ۱۳. دما حداقل و حداکثر حوضه ماهانه کارون شمالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۸. سیاست و برنامه‌های توسعه آینده حوضه

بررسی اسناد توسعه منطقه در حوضه کارون شمالی برای سال افق ۲۰۴۰ براساس پیشران‌های مثبت (فرایندهای بهبود منابع آب، کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری) و منفی (افزایش آسیب‌پذیری و کاهش تاب‌آوری و فرایندهای تخریبی) تهیه شده است. عمده شاخص‌ها و اهداف تهیه‌شده به شرح زیر است:

۸.۱. پیشران‌های منفی

شاخص آسیب‌پذیری با اجرای پیشران‌های زیر و شرایط تغییر اقلیم با شدت بیشتری روی خواهد داد. پیشران‌های منفی عبارت‌اند از:

- رخداد خشک‌سالی: کاهش آبدهی رودخانه و آب‌های سطحی و افزایش برداشت از منابع آب زیرزمینی و فشار بیشتر بر آبخوان‌ها از پیامدهای خشک‌سالی‌ها است. خشک‌سالی‌ها موجب کاهش دبی رودخانه از ۹۸ مترمکعب (۱۹۵۸-۲۰۰۷) به ۵۱ مترمکعب (۲۰۱۷-۲۰۰۹) شد. در سال ۲۰۱۷ میزان دبی ۳۱ مترمکعب در ایستگاه ارمند شد؛

- تغییر اقلیم: داده‌های برآوردی دما (۲۰۴۰-۲۰۱۵) به افزایش تبخیر، نیاز آبی و تنش‌های شدید آبی منجر خواهد بود. این رخداد موجب افزایش آب نیاز آبی بخش کشاورزی (پرمصرف‌ترین بخش) و مؤلفه مهم در شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی خواهد شد. -انتقال آب بین حوضه (طرح انتقال آب به زاینده رود (۵۷۰ میلیون مترمکعب) و (سولگان-رفسنجان ۲۰۰ میلیون مترمکعب).

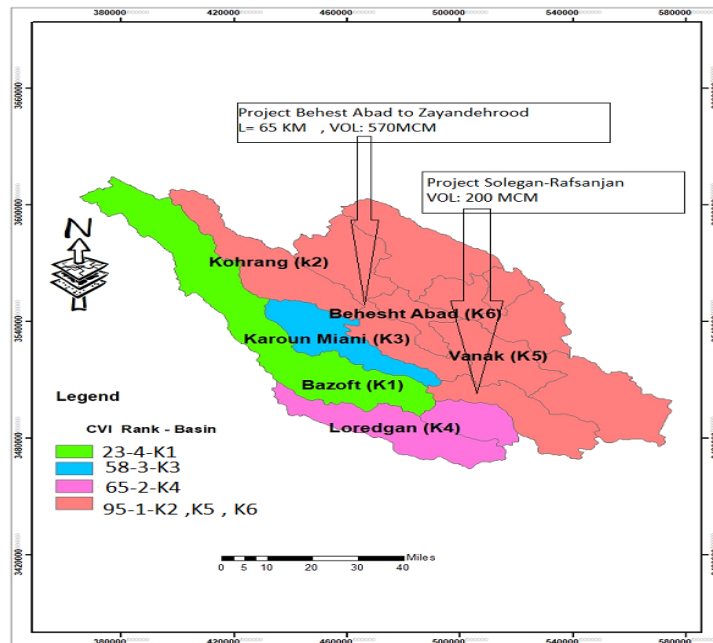
با تداوم روند افزایش دما، رخداد خشک‌سالی، اجرای پروژه‌های آبی مانند انتقال آب از زیرحوضه‌های بهشت‌آباد و کوهرنگ (۵۷۰ میلیون مترمکعب در سال) و ونک (۲۰۰ میلیون مترمکعب) و ادامه برداشت از منابع آب زیرزمینی، به دلیل تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در آن، سه زیرحوضه با رقمی معادل MCM ۶۶۲ در بیلان منفی قرار می‌گیرد و بر شدت آسیب‌پذیری آن‌ها افزوده خواهد شد (جدول ۶).

جدول ۶. بیلان آبی زیرحوضه‌های کارون شمالی براساس پیشران‌های منفی و تغییر اقلیم (۲۰۲۰-۲۰۴۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

Sub - Basi n	Water Potential (MCM)				مصرف (MCM)					Budget
	Surface	Groun d water	Oth er	Sum	Agri	Ind ustr ial	Drin k	Environ mental	Sum	
K1	1588.8	26.9		1615.6	31.7	1	6.4	656	695.1	921.8
K2	455.8	53.6	-478	31.4	104.6	3.4	23.4	155	286.4	-244.2
K3	331.1	40.5	-28	343.6	153.4	7.5	10.7	413.3	585	241.4
K4	68	103.1	132	303.1	295.8	8.9	22.5	23.8	351.1	-19.4
K5	290.9	17.1	-292	16.1	123.6	7.4	9.1	125	265	-234.9
K6	103	274.8	-213	404.9	627.5	74.7	86.1	111.1	890.5	-426.5

بیلان آب در زیرحوضه‌های کوهرنگ، بهشت‌آباد و ونک (K2,K5,K6) با شاخص $CVI=95$ به دلیل اجرای پروژه‌های انتقال آب در (۲۰۲۰-۲۰۴۰) در وضعیت بحرانی و حوضه لردگان (K4) نیز به دلیل تمرکز و افزایش فعالیت‌های کشاورزی نسبت به ۲۰۲۰ شاخص آسیب‌پذیری آن ($CVI=49$ به $CVI=65$) افزایش خواهد یافت (شکل ۱۴). درمجموع طبق پیشران‌های منفی، شرایط آسیب‌پذیری اقلیمی منابع آب افزایش یافته و تاب‌آوری آن کاهش می‌یابد.



شکل ۱۴. رتبه بندی و CVI حوضه کارون شمالی در پیشران‌های منفی دوره (۲۰۲۰-۲۰۴۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۲.۸. پیشران‌های مثبت

افزایش پایداری منابع آب و تاب‌آوری زیرحوضه‌های بررسی‌شده ازجمله اهداف در توسعه پایدار منطقه محسوب می‌شود. برای تعدیل چالش‌ها و پایداری آینده منابع آب حوضه کارون شمالی، راهبرد سازگاری با تغییر اقلیم و اصلاح الگوی مصرف (پیشران مثبت) به‌جای راهبرد تأمین آب (پیشران منفی) پیشران‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- توسعه اجرای پروژه‌های فناورانه مانند آبیاری تحت فشار، استفاده از آب خاکستری و توسعه شبکه فاضلاب؛
- مدیریت مصرف و برداشت آب‌های زیرزمینی و نظارت؛
- بازنگری در طرح‌های انتقال آب بین حوضه و تعدیل حجم آب قابل انتقال، حفاظت منابع آب آبخیزداری، آبخوان‌داری (تغذیه مصنوعی)؛
- بهینه‌سازی آب‌بهای بخش کشاورزی و ارزش‌گذاری آن؛

- ارائه و ترویج آموزش بهره‌برداران (گونه‌های مقاوم به خشکی، الگوی کشت)؛
- توسعه کشت دیم، احیای جنگل‌های مخروطی و مراتع با کمک بهره‌برداران محلی؛
- انتخاب الگوی کشت مناسب با توجه به سناریوهای تغییر اقلیم.

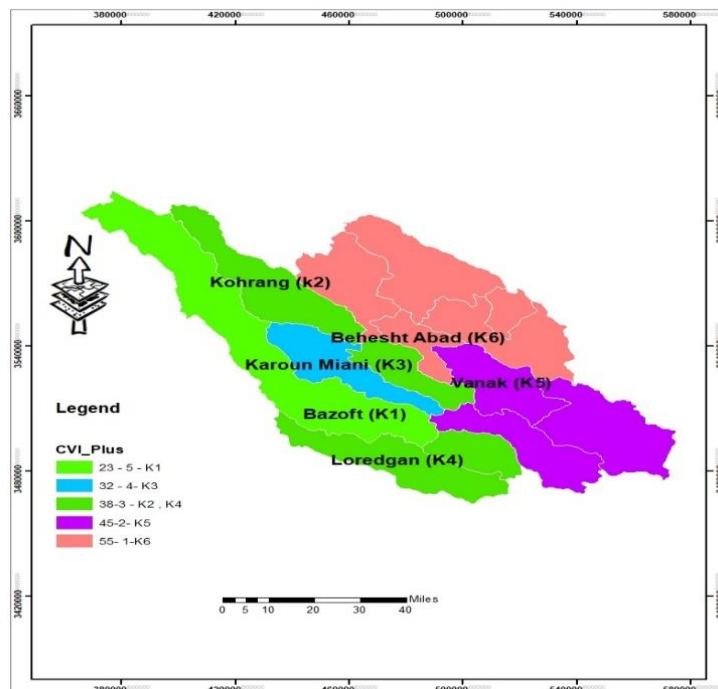
بنابراین راهبردهای سازگاری با تغییر اقلیم و اصلاح الگوی مصرف در زیرحوضه‌های شش‌گانه (K1...K6) و بازنگری در پروژه‌ها و حجم انتقال آب در زیر حوضه‌های (K2,K5,K6) مفید خواهد بود. براساس سناریوهای پیشنهادی، حجم آب قابل انتقال بین حوضه (بهشت‌آباد و کوهرنگ به زاینده رود و فلات مرکزی) از ۵۷۰ میلیون مترمکعب به ۱۸۱ میلیون مترمکعب در سال و حوضه ونک (سولگان-رفسنجان) از ۲۰۰ میلیون مترمکعب به ۳۱ میلیون مترمکعب باید کاهش یابد (جدول ۷) (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

جدول ۷. میزان آب قابل برنامه‌ریزی کارون شمالی در سناریوهای پیشران مثبت (۲۰۴۰-۲۰۲۰)

مأخذ: مطالعات آمایش سرزمین استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۸

ونک				بهشت‌آباد				کوهرنگ				زیر حوضه
زست‌محیطی	دانشگاه	کردگان	سولگان، لردگان، بروجرد	زست‌محیطی	دانشگاه	زاینده رود	بروجرد	زست‌محیطی	دانشگاه	زاینده رود	بروجرد	طرح‌های توسعه
۱۲۵	۶۲	۳۱	۱۲۹	۱۱۱	۱۹۹	۷۴	۴۱	۱۵۵	۶۴	۱۰۷	۱۳۰	حجم (MCM)

سازگاری با تغییر اقلیم، آموزش ذی‌نفعان و ترویج تکنیک‌ها و اقدامات فناورانه مصرف آب در بخش کشاورزی و اجرای طرح‌های انتقال آب درون حوضه‌ای مانند کارون میانی به بهشت‌آباد، ونک به لردگان و اقدامات مبتنی بر سناریوی پیشران‌های مثبت می‌توان به افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری اقلیمی منابع آب حوضه دست یافت (شکل ۱۵). با اجرای سناریوهای پیشران مثبت حوضه شاخص CVI در زیرحوضه‌ها تعدیل خواهد شد و می‌توان انتظار داشت منابع آب حوضه به پایداری نسبی خواهد رسید.



شکل ۱۵. رتبه‌بندی و CVI حوضه کارون شمالی در پیش‌ران‌های مثبت دوره (۲۰۴۰-۲۰۲۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۹. نتیجه‌گیری

تنش‌های آبی و محدودیت دسترسی به منابع آب از پیامدهای تغییر اقلیم است. توسعه اقتصادی و تمرکز جمعیت نیاز به آب را افزایش داده است. بهره‌برداری بیشتر از منابع آب سطحی و زیرزمینی همراه با گرمایش جهانی و خشک‌سالی‌های متوالی به افزایش آسیب‌پذیری اقلیمی منابع آب در جهان منجر شده است. ایران با اقلیم خشک و نیمه‌خشک در بیشتر مراکز جمعیتی با تنش آبی روبه‌رو است. جیره‌بندی آب شرب، درگیری‌های اجتماعی و مهاجرت از روستاها به حاشیه شهرها از جمله پیامدهای این پدیده است. حوضه کارون شمالی به دلیل پتانسیل منابع آب برای تأمین آب سایر مناطق از ۱۹۵۱ تاکنون مدنظر بوده است. اجرای طرح انتقال آب کوهرنگ ۱، ۲، ۳ (۷۵۰ میلیون مترمکعب) و طرح پیشنهادی بهشت‌آباد (۵۸۰ میلیون مترمکعب) به زاینده‌رود و طرح سولگان-رفسنجان (ونک) (۲۰۰

میلیون مترمکعب)، احداث سدهای کارون ۳ و ۴ و پیشنهادی بازفت ۲ و ۲ و لیرو در همین راستا هستند.

یافته‌ها نشان داد که تغییر دبی، خشک‌سالی متوالی، کسری مخزن و افزایش مصرف آب در بخش کشاورزی همراه با روند افزایش دما، مؤلفه‌های مؤثر در آسیب‌پذیری منابع آب حوضه کارون هستند. این آسیب‌پذیری با اجرای طرح‌های انتقال آب بهشت‌آباد و سولگان، بارگذاری بیشتر کشاورزی و شرب و تداوم روند افزایش دما (پیشران‌های منفی) شدت خواهد یافت، اما با اجرای راهبردهای مدیریت منابع آب مبتنی بر پیشران‌های مثبت (سازگاری با تغییر اقلیم، اصلاح الگوی مصرف بجای راهبرد تأمین آب) و تعدیل حجم آب قابل انتقال از ۷۷۰ به ۲۱۲ میلیون مترمکعب، حوضه کارون شمالی از آسیب‌پذیری بحرانی و شدید به آسیب‌پذیری متوسط و کم، ارتقا خواهد یافت؛ بنابراین تداوم وضع موجود به تداوم چالش‌ها و ایجاد بحران‌ها در زمینه تخریب برگشت‌ناپذیر منابع آب سطحی، فرونشست آبخوان‌ها و تنش‌های اجتماعی و مهاجرت‌های اقلیمی منجر خواهد شد؛ پس بازنگری در بهره‌برداری از منابع آب، تعدیل برنامه‌های توسعه، انتخاب راهبردهای سازگاری با تغییر اقلیم و اصلاح الگوی مصرف با توجه به توان اکولوژی رودخانه‌ها می‌تواند گام مؤثری در افزایش تاب‌آوری و پایداری منابع آب باشد.

کتابنامه

۱. انصاری، ث.، و دهبان، ح. (۱۴۰۱). بررسی روند تغییرات دما و بارش حوزه‌های آبریز ایران در افق ۲۰ سال آینده براساس برونداد مدل‌های CMIP6. *مجله پژوهش آب ایران*، ۱۶(۱)، ۱۱-۲۴.
۲. انصاری، ث.، و مساح‌بوانی، ع. ر. (۱۳۹۷). ارزیابی راهکارهای سازگاری با تغییر اقلیم براساس نشانگرهای اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و امنیت آبی. *تحقیقات منابع آب ایران*، ۱۴(۵)، ۲۳۷-۲۵۳.
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چهارمحال و بختیاری. (۱۴۰۰). *سند ملی آمایش استانی*. ۱۷۲-۱۹۵.
۴. صالح، ا.، و صالح‌نیا، ن. (۱۴۰۱). بررسی نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری و سطح رفاه جامعه روستایی در مواجهه با تغییر اقلیم. *مجله آب و توسعه پایدار*، ۹(۱)، ۷۵-۸۴.

۵. فرمانبر، ز.، و دلاور، م. (۱۳۹۶). بررسی اثرات تغییر اقلیم بر سیستم‌های منابع آب و کشاورزی در چارچوب ارزیابی منطقه‌ای. *تحقیقات منابع آب ایران*، ۱۳ (۴)، ۷۵-۸۸.
۶. محمدی، پ.، ملکیان، ا.، قربانی، م.، و نظری سامانی، ع. ا. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین وضعیت آسیب‌پذیری جوامع و تغییرات آب و هوایی در استان کرمانشاه. *جغرافیا و پایداری محیط* (پژوهشنامه جغرافیایی)، ۹ (۳۲)، ۴۷-۳۳.
۷. وحدانی، اقبال، محمدی، حسین، و اسدیان، فریده. (۱۳۹۹). پهنه بندی شاخص آسیب‌پذیری ساختاری ناشی از تغییر اقلیم (مطالعه موردی استان کردستان). *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۲ (۱)، ۳۸-۴۸.

8. Berrang-Ford, L., Siders, A. R., Lesnikowski, A., Fischer, A. P., Callaghan, M. W., Haddaway, N. R., ... & Abu, T. Z. (2021). A systematic global stocktake of evidence on human adaptation to climate change. *Nature Climate Change*, 11(11), 989-1000.
9. Bijl, D. L., Beimans, H., Bogaart, P. W., Dekker S. C., Doelman, J. C., Stehfest, E., & van Vuuren, D. P. (2018). A global analysis of future water deficit based on different allocation mechanisms. *Water Resources Research*, 54(8), 5803-5824.
10. Burek, P., Satoh, Y., Kahil, T., Tang, T., Greve, P., Smilovic, M., ..., & Wada, Y. (2020). Development of the Community Water Model (CWatM v1. 04)—a high-resolution hydrological model for global and regional assessment of integrated water resources management. *Geoscientific Model Development*, 13(7), 3267-3298.
11. Burke, E. J., Zhang, Y., & Krinner, G. (2020). Evaluating permafrost physics in the Coupled Model Intercomparison Project 6 (CMIP6) models and their sensitivity to climate change. *Cryosphere*, 14(9), 3155-3174.
12. Das, S., & Banerjee, S. (2021). Investigation of changes in seasonal streamflow and sediment load in the Subarnarekha-Burhabalang basins using Mann-Kendall and Pettitt tests. *Arabian Journal of Geosciences*, 14(11), 1-14.
13. Douville H., Arias, P., Bellouin, N., Coppola, E., & Jones, R. G. (2021). *Climate change 2021: The physical science basis. Contribution of working group 14 I to the sixth assessment report of the intergovernmental panel on climate change; technical summary*. Cambridge, United Kingdom and New York: Cambridge University Press.
14. Douville, H., Raghavan, K., Renwick, J., Allan, R. P., Arias, P. A., Barlow, M., ..., & Zolina, O. (2021). Water cycle changes. In *Climate change 2021: The physical science basis. Contribution of working group I to the sixth assessment*

- report of the intergovernmental panel on climate change*. Cambridge, United Kingdom and New York: Cambridge University Press.
15. Flörke, M., Schneider, C., & McDonald, R. I. (2018). Water competition between cities and agriculture driven by climate change and urban growth. *Nature Sustainability*, 1(1), 51–58.
 16. Gadedjisso-Tossou, A., Adjegan, K. I., & Kablan, A. K. M. (2021). Rainfall and temperature trend analysis by Mann–Kendall test and significance for rainfed cereal yields in Northern Togo. *Sci*, 3(1), 17.
 17. Guillaumont, P., & Simonet, C. (2011). *Designing an index of structural vulnerability to climate change*. Ferdi Working Paper. 40-53. Retrieved from <https://ferdi.fr/dl/df-wGxz7S3WC8RfZ82UJVCCwjzw/ferdi-b18-designing-an-index-of-physical-vulnerability-to-climate-change.pdf>
 18. Hanasaki, N., S. Yoshikawa, Y. P., & Kanae, S. (2018). A global hydrological simulation to specify the sources of water used by humans. *Hydrology and Earth System Sciences*, 22(1), 789–817.
 19. Hanasaki, N., Yoshikawa, S., Pokhrel, Y., & Kanae, S. (2018). A quantitative investigation of the thresholds for two conventional water scarcity indicators using a state-of-the-art global hydrological model with human activities. *Water Resources Research*, 54(10), 8279-8294.
 20. <https://www.parsi.euronews.com/>
 21. Koutroulis, A. G., Papadimitriou, L. V., Grillakis, M. G., Tsanis, I. K., Warren, R., & Betts, R. A. (2019). Global water availability under high-end climate change: a vulnerability based assessment. *Global and Planetary Chang*, 175, 52–63.
 22. Li, Y., Kong, M., Zang, C., & Deng, J. (2023). Spatial and temporal evolution and driving mechanisms of water conservation amount of major ecosystems in typical watersheds in subtropical China. *Forests*, 14(1), 2-18.
 23. Müller Schmied, H., Caceres, D., Eisner S., Florke M., Herbert, C., Neimann, Ch., & Doll, P. (2021). The global water resources and use model WaterGAP v2.2d: Model description and evaluation. *Geoscientific Model Development*, 14(2), 1037-1079.
 24. Müller, H., Schmied, P. Y., Felfelani, F., Satoh, Y., Boulange, J., Burek, P., ..., & Wada, Y. (2021). Global terrestrial water storage and drought severity under climate change. *Nature Climate Change*, 11(3), 226-233.
 25. Qin, Y., Mueller, N. D., Siebert, S., Jackson, R. B., AghaKouchak, A., Zimmerman, J. B., & Davis, S. J. (2019). Flexibility and intensity of global water use. *Nature Sustainability*, 2(6), 515–523.
 26. Qin, Z., Fu, H., & Chen, X. (2019). A study on altered granite meso-damage mechanisms due to water invasion-water loss cycles. *Environmental Earth Sciences*, 78(14), 1-10

27. Schilling, J., Hertig, E., Trambly, Y., & Scheffran, J. (2020). Climate change vulnerability, water resources and social implications in North Africa. *Regional Environmental Change*, 20, 1-12
28. Searchinger, T., Hanson, C., Ranganathan, J., Dumas, P., Matthews, E., & Klirs, C. (2019). *Creating a sustainable food future: A menu of solutions to feed nearly 10 billion people by 2050*. Word Resources.
29. Seneviratne, S. I., Zhang, X., Adnan, M., Badi, W., Dereczynski, C., Di Luca, A..., & Zhou, B. (2021). Weather and climate extreme events in a changing climate. In *Climate change 2021: The physical science basis. Contribution of working group I to the sixth assessment report of the intergovernmental panel on climate change*. Cambridge, United Kingdom and New York: Cambridge University Press.
30. Sullivan, C., & Byambaa. E. (2013). *The Climate Vulnerability Index (CVI) and an illustration of its application to Mongolia*. UNECE Climate Adaptation Workshop, Geneva.
31. The Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (2018). *Special Report Global Warming of 1.5°C. October 2018*. Cambridge, United Kingdom and New York: Cambridge University Press.
32. The Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (2022). *Working Group Report AR6 Climate Change 2022: Impacts, adaptation and vulnerability*. Retrieved from <https://www.ipcc.ch/assessment-report/ar6/>
33. The Intergovernmental Panel on Climate Change IPCC. (2021). Climate change 2021: The physical science basis. In *Contribution of working group I to the sixth assessment report of the intergovernmental panel on climate change*. Cambridge, United Kingdom and New York: Cambridge University Press.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82420.1278>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران

اسماعیل صفرعلی‌زاده (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

es54@pnu.ac.ir

رباب حسین‌زاده (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

r.hos@pnu.ac.ir

صص ۲۸۶ – ۲۵۷

چکیده

توجه به پایداری بخش مسکن به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شهری در توسعه پایدار شهری، از اساسی‌ترین وجه آن شناخته می‌شود؛ ازاین‌رو شناخت شاخص‌های مسکن مناسب و تلاش در جهت تحقق سکونتگاه مطلوب، امر مهمی در بحث توسعه پایدار شهری است. با توجه به اهمیت مسکن در ساختار شهرهای امروزی و زندگی شهروندان توجه به اصول توسعه پایدار در جهت عدالت فضایی و اجتماعی و ساختار کالبدی شهرها، مطلوبیت کمی و کیفی کاربری‌ها به‌ویژه کاربری مسکونی و مقوله مسکن امری مهم است؛ ازاین‌رو هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران بود. روش این تحقیق، از نوع توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف‌گذاری کاربردی بود. در این پژوهش، برای بررسی و تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران از مدل‌های کمی آنتروپی، تحلیل رابطه خاکستری (GRA)، آمار خودهمبستگی فضایی موران و از نرم‌افزار ArcGis استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در سطح مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

به صورت خوشه‌ای است و مناطق ۱، ۲۲ و ۲۱ به ترتیب با کسب میزان رتبه خاکستری ۰/۶۳۸، ۰/۵۵۴ و ۰/۵۵۰ از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه در رتبه‌های اول تا سوم و در وضعیت مطلوب قرار دارند. از نظر آماری حدود ۰/۴ درصد از مناطق در وضعیت مطلوب، ۰/۴۱ درصد در وضعیت نیمه مطلوب و ۰/۴۵ درصد در وضعیت نامطلوب قرار دارند. از نظر جغرافیایی مناطق جنوب شرقی تهران در وضعیت نامطلوب قرار دارد و از شمال به جنوب و از غرب به شرق تهران از نظر شاخص‌های مسکن پایدار کاسته شده است.

کلیدواژه‌ها: مسکن، مسکن پایدار، تحلیل رابطه خاکستری (GRA)، تحلیل خودهمبستگی فضایی، تهران.

۱. مقدمه

براساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل، تقریباً همه رشد جمعیتی جهان برای آینده پیش-بینی پذیر در مناطق شهری و به ویژه مناطق شهری جهان سوم روی خواهد داد (گارسا آمادو^۱، ۲۰۱۶، ص. ۷۶). تا سال ۲۰۳۰، تقریباً ۶۰ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد (بانک جهانی^۲، ۲۰۱۸، ص. ۱۴۵). حال این شهرنشینی در ابعاد مختلف قابل بررسی است. یکی از این ابعاد «مسکن» است که با افزایش سرعت شهرنشینی مشکلات مختلفی در بخش مسکن بروز می‌کند (ژوز و پاپیم^۳، ۲۰۱۹، ص. ۲). در این بین، برخورداری از مسکن استطاعت‌پذیر، فقط در سطح فردی مطرح نیست؛ بلکه نیاز اساسی به شمار می‌رود که برخوردار نبودن برخی افراد جامعه از آن یا در معرض آسیب قرار داشتن مسکن آن‌ها، به بحران‌های اقتصادی-اجتماعی و به بروز نارضایتی و در نتیجه شکل‌گیری اعتراض‌های مردمی، هرج و مرج، بحران‌های شهری و بحران‌های سیاسی در سطح فراشه‌ری می‌انجامد که زندگی همه اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشروعیت دولت‌ها را دچار چالش می‌کند (پاوسون و همکاران^۴، ۲۰۲۰). یکی از نیازهای اساسی انسان مسکن یا به عبارتی سرپناه است

1. García Amado

2. World Bank

3. Jose & Puppim

4. Pawson

(مارتین^۱ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱۱) که در هرم نیازهای اساسی مازلو نیز به اهمیت آن اشاره شده است (مرصوصی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴)؛ بنابراین بخش مسکن را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های توسعه در هر جامعه دانست که هر روز بر اهمیت آن فزونی می‌یابد (وارثی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۰). این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که ۱۰ تا ۳۰ درصد از سرمایه ناخالص در شهرهای در حال توسعه را شامل می‌شود (میرکتولی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۶).

مسکن به‌عنوان یک پدیده انسان‌ساخت (کارسو^۲، ۲۰۱۷، ص. ۵) از نمودهای تمدن و فرهنگ بشری است (عینالی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸) و از دیرباز یکی مهم‌ترین نیازهای اساسی زندگی بشر برای زیست‌پذیری است که فرم کالبدی یافته است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۵)؛ به عبارت دیگر مسکن مهم‌ترین عنصر شهر است که در توسعه پایدار شهر توجه به پایداری آن از اساسی‌ترین وجوه آن شناخته می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۴). پایداری مسکن یکی از ابعاد جدید توسعه پایداری است که در دهه‌های اخیر در دنیای هلم ظهور پیدا کرد؛ به عبارتی مبحث مساکن پایدار جزئی از مباحث استراتژیک اجتماعات پایدار است (سنایی مقدم و محمدی یگانه، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۹)؛ بنابراین مسکن و به‌خصوص مسکن پایدار از عوامل مهم در توسعه پایدار شهری محسوب می‌شود (کالبرن^۳، ۲۰۲۱، ص. ۴۸)؛ به‌طوری‌که از نظر پایداری کالبدی، مسکن پایدار مسکنی است که با استفاده از مصالح بومی بادوام، متناسب با اقلیم و قابل‌بازیافت ساخته شود و با استفاده از فناوری مناسب، استحکام و امنیت مناسب داشته باشد (میری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۴). همچنین از نظر پایداری اجتماعی، مسکن پایدار مسکنی است که علاوه بر در بر گرفتن امکانات و خدمات عمومی لازم برای زندگی بهتر انسان، متناسب با فرهنگ، شیوه‌ها و سنت‌های ساکنان آن باشد و باعث ثبات خانواده، رشد اجتماعی و بالا بردن سطح ضریب ایمنی افراد و به‌ویژه ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده شود (پاوسون^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اهمیت مسکن در

1. Martin

2. Caruso

3. Colburn

4. Pawson

ساختار شهرهای امروزی و زندگی شهروندان، توجه به اصول پایدار در جهت برقراری عدالت فضایی و اجتماعی و ساختار کالبدی شهرها، مطلوبیت کمی و کیفی کاربری‌ها مسکونی و مقوله مسکن امری مهم است (زیاری و قاسمی قاسمیوند، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۷)؛ بدین ترتیب آگاهی از وضعیت مسکن در فرایند برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، استفاده از شاخص‌های مسکن است (ضرابی و محمودزاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۹). وضعیت مسکن در جامعه، ارتباط مستقیم با اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دارد و منتزع از آن نیست؛ بنابراین مسائل مربوط به آن جهانی است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه‌حلهایی برای حل مسائل مربوط به آن هستند (باکلی و کالاریکل^۱، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۷). به‌طورکلی امروزه در سراسر جهان تأمین مسکن کافی، یکی از مشکلات اساسی برنامه‌ریزان است و تلاش‌های متعددی در جهت پاسخگویی به این نیاز صورت می‌گیرد (تاکاهاشی^۲، ۲۰۰۹، ص. ۶۷). رضایتمندی از مسکن نشان ارتقای جامعه و توسعه‌ی پایدار یک جامعه است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۵۴). که تأمین آن در کشورهای درحال‌توسعه به معضل و مشکل تبدیل شده است (ضرابی و محمودزاده، ۱۳۹۴، ص. ۵۰).

مسئله مسکن، امروزه از مسائل پیچیده کشور ما هم است و تأمین کافی آن خصوصاً در شهرهای بزرگ که از کمبود فضای توسعه و افزایش جمعیت رنج می‌برند به معضلی جدی بدل شده است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۲۰). افزایش هزینه تأمین مسکن از یک طرف و ازدیاد جمعیت از طرف دیگر، مشکل تهیه مسکن را در کلان‌شهرهای بزرگ کشور ازجمله تهران را پیچیده‌تر کرده است (وارثی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۴)؛ به‌طوری‌که بخش عمده‌ای از مشکلات تهران ناشی از بخش مسکن است. این کلان‌شهر به‌عنوان پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر کشور دارای مسائل و مشکلات زیادی در بخش مسکن، همچون کمبود مسکن، بدمسکنی، زیاد بودن قیمت مسکن، رعایت نشدن استانداردهای مسکن و... است که بیشتر این مشکلات ناشی از جمعیت زیاد، مهاجرپذیری زیاد، بورس‌بازی زمین و مسکن، نبود برنامه‌ریزی‌های مناسب، نبود قوانین مالیاتی و مالکیتی دقیق و جامع و... است (مرصوصی و

1. Buckley & Kalarickal

2. Takahashi

همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴)؛ بر همین اساس، استفاده از شاخص‌های مسکن پایدار به‌عنوان کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی مسکن می‌تواند هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در هر مقطع زمانی را تسهیل کند و راهنمایی مؤثر برای بهبود برنامه‌ریزی مسکن آینده کلان‌شهر تهران باشد (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۶، ص. ۶۱). با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع، این مقاله با هدف تحلیل فضایی توزیع شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران انجام گرفته است. در همسویی با هدف پژوهش این مقاله درصدد پاسخ به دو سؤال زیر است که عبارت‌اند از: ۱- وضعیت مناطق کلان‌شهر تهران از نظر برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار چگونه است؟ ۲- توزیع شاخص‌های مسکن در سطح مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات زیادی در زمینه مسکن انجام گرفته است که ذکر همه آن‌ها در اینجا امکان‌پذیر نیست. رئوس کلی و تعدادی از مهم‌ترین تحقیقات انجام شده در ارتباط با شاخص‌های مسکن در ادامه ذکر شده است.

برقی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل و بررسی شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی: مورد مطالعه دهستان معمولان شهرستان پلدختر» اشاره کردند که مسکن پایدار به‌عنوان برنامه و ابزاری ضروری برای بیان پایداری ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مسکن از جایگاه ویژه‌ای در امر برنامه‌ریزی مسکن برخوردار است. آن‌ها استفاده از روش‌های کمی و آماری به بررسی شاخص‌های مسکن پایدار در محدوده مورد مطالعه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که پنج عامل امکاناتی-رفاهی، اقتصادی، استحکام بنا، بهره‌وری و همسازی با محیط‌زیست قادرند حدود ۸۲ درصد از واریانس متغیرهای تحقیق را تبیین کنند. قربانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در کلان‌شهر تبریز با استفاده از رویکرد سناریونویسی و ماتریس تأثیرات متقاطع پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که از میان ۱۶ شاخص مؤثر بر کیفیت مسکن، پنج شاخص متوسط زیربنای واحد مسکونی، ساکن با عمر کمتر از ۳۰ سال، تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی و متوسط اتاق

در واحد مسکونی به‌عنوان متغیرهای استراتژیک و کلیدی مؤثر بر کیفیت مسکن شناخته شده و دو سناریو، به‌عنوان محتمل‌ترین سناریوهای بخش مسکن در کلان‌شهر تبریز شناسایی شدند. در سناریوی اول شاهد کاهش و در سناریوی دوم شاهد ثبات متغیرهای کلیدی هستیم و فقط متغیر مسکن با عمر کمتر از ۳۰ سال در هر دو سناریو افزایش می‌یابد. مرصوصی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به تحلیل فضایی شاخص‌های کالبدی مسکن با تأکید بر شهر عادل (مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که شهر تهران در توزیع یکسان و دسترسی به شاخص‌های کالبدی مسکن، شهری عادل نیست؛ به‌طوری‌که الگوی توزیع فضایی شاخص‌های مورد مطالعه در سطح مناطق ۲۲ گانه به‌صورت خوشه‌ای است و توزیع شاخص‌های مورد مطالعه به‌صورت خوشه‌ای به چند منطقه (مناطق شمالی) تهران از جمله مناطق ۱، ۳ و ۲ اختصاص دارد که به ترتیب با کسب میزان امتیاز تاپسیس ۰/۸۵۵، ۰/۴۴۷ و ۰/۳۸۵ رتبه‌های اول تا سوم به خود اختصاص داده‌اند. محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به ارزیابی میزان پایداری اجتماعی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: شهر اردبیل) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که براساس ابعاد تحلیل‌شده در ارزیابی پایداری اجتماعی مسکن محلات غیررسمی شهر اردبیل، محله‌های ایران‌آباد (جین‌کندی) و گل‌مغان بیشترین میزان ناپایداری اجتماعی مسکن و محله‌های سلمان‌آباد و میراشرف کمترین میزان ناپایداری اجتماعی مسکن را در مقایسه با سایر محلات مورد مطالعه در این تحقیق دارند.

در تحقیقات خارجی نیز همان‌طور که اشاره شد، بیشتر بر بعد زیست‌محیطی توسعه تأکید می‌شود؛ بنابراین در بیشتر این تحقیقات بر ساختمان‌های سبز برای تحقق توسعه پایدار تأکید شده است. از تحقیقات خارجی در این زمینه نیز می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد؛ ناسوشن و الوان^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «بهینه‌سازی مسکن پایدار در نواحی شهری» با اشاره به اهمیت مسکن به‌عنوان سرپناه و یکی از نیازهای اساسی انسان و با استفاده از روش‌های میدانی برای تعیین الگوی برنامه‌ریزی فضایی به توصیف و شبیه‌سازی بخش‌های داخلی ساختمان‌ها برای طراحی خانه‌های کارآمد از لحاظ انرژی در شهر مدان در اندونزی

پرداختند. آن‌ها در ارائه طرحی مطلوب از ساختمان‌های شهر سعی کردند که جایگزین طرح-های داخلی این شهر شود. توهی^۱ (۲۰۰۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مسکن پایدار» به بررسی مفاهیم و بازبینی تفکر فعلی در مورد مسکن پایدار و معرفی استانداردها و معیارهای مسکن پایدار با تأکید بر انگلستان با استفاده از روش‌های مستندسازی و رویکردهای مصرف و انرژی پایدار پرداخت. همچنین از روش ESP-r برای بررسی تأثیر جرم حرارتی، عایق و تهویه مسکن بهره برد. در نهایت طرحی را برای مساکن انگلستان ارائه داد. پایپرسانیا و کالیتا^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای به ارائه چارچوبی برای ارزیابی طراحی برای مسکن پایدار با عنوان DASH در هند پرداختند. این مطالعه به نگرانی‌هایی می‌پردازد که به اجرای آکادمیک و عملی ارزیابی‌های طراحی پایدار برای درک و بازتاب شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی کمک می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که مسکن پایدار شامل ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی ساکنان هند است.

درباره مسکن پژوهش‌های نسبتاً زیادی صورت گرفته است که به نظر می‌رسد در پژوهش‌های گذشته بیشتر به بحث بررسی رضایتمندی از وضعیت مساکن و سطح‌بندی مراکز سکونتگاهی از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی است. مروری بر پیشینه پژوهش چنین فرضیه‌ای را قوام بخشیده است و مبین پژوهش‌های بسیار اندک در زمینه تحلیل و توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار است؛ از این رو بارزترین تفاوت پژوهش‌های قبلی با این پژوهش در این است که در تحقیقات قبلی از تکنیک‌های به‌روز از جمله رابطه خاکستری و آمار خودهمبستگی فضایی استفاده نشده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش استفاده‌شده در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ راهبرد هدف‌گذاری، کاربردی است. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی (سالنامه‌های آماری و مرکز آمار) استفاده شد. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه کلان‌شهر تهران و ۲۲ منطقه

1. Tuohy

2. Piparsania & Kalita

آن براساس تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۵ است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات نیز از روش‌های آنتروپی، تحلیل رابطه خاکستری (Grey) و روش خودهمبستگی فضایی (Moran's) در محیط نرم‌افزاری Arc Gis استفاده شد. شکل زیر مجموعه شاخص‌های مورد مطالعه را نمایش می‌دهد. در این پژوهش برای سنجش پایداری مسکن در شاخص‌ها و ابعاد مختلف از شاخص‌های به کار رفته در تجارب جهانی و تجارب داخلی، متناسب با اهداف پژوهش استفاده شد.

جدول ۱. شاخص‌های مطالعه شده در پژوهش

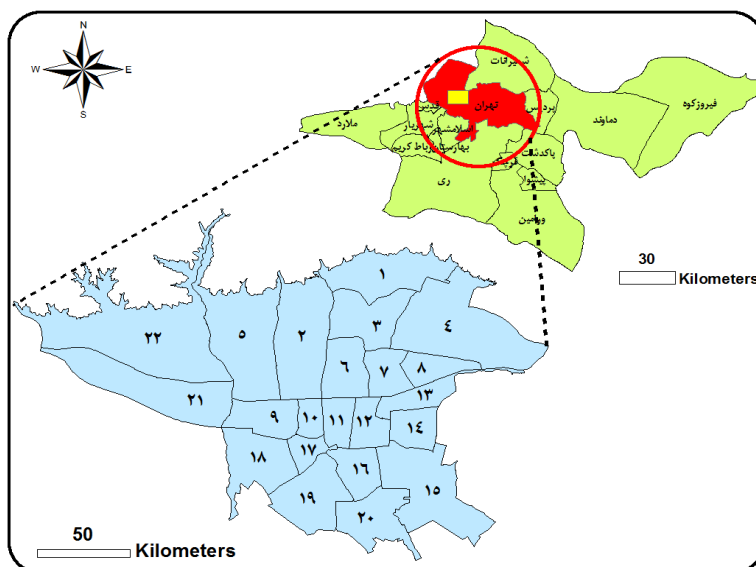
مأخذ: مرکز آمار ایران و مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۲

ابعاد	زیرمعیارها
کیفیت واحدهای مسکونی	X1: مصالح بادوام X2: مصالح نیمه بادوام X2: مصالح کم‌دوام
قیمت زمین و مسکن	X4: متوسط قیمت فروش یک مترمربع زمین یا ساختمان مسکونی کلنگی X5: متوسط قیمت فروش یک مترمربع زمین یا ساختمان مسکونی X6: متوسط مبلغ اجاره ماهانه یک مترمربع زیربنای مسکونی
نحوه تصرف واحدهای مسکونی	X7: تعداد خانوار برحسب نحوه محل سکونت خانوار-ملکی زمین و بنا X8: تعداد خانوار برحسب نحوه محل سکونت خانوار-ملکی بنا (اعیان) X9: تعداد خانوار برحسب نحوه محل سکونت خانوار-استیجاری X10: تعداد خانوار برحسب نحوه محل سکونت خانوار-در برابر خدمت X11: تعداد خانوار برحسب نحوه محل سکونت خانوار-رایگان
تعداد اتاق در اختیار خانوار	X12: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۱ اتاق X13: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۲ اتاق X14: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۳ اتاق X15: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۴ اتاق X16: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۵ اتاق X17: تعداد اتاق، هال و پذیرایی، آشپزخانه غیر این و... در اختیار خانوار- ۶ اتاق و بیشتر
خانوار در واحد مسکونی	X18: تعداد واحد مسکونی معمولی دارای یک خانوار ساکن در آن X19: تعداد واحد مسکونی معمولی دارای دو خانوار ساکن در آن X20: تعداد واحد مسکونی معمولی دارای سه خانوار ساکن و بیشتر در آن

ابعاد	زیرمعیارها
امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی	X21: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - برق دارد
	X22: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - تلفن ثابت دارد
	X23: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - آب‌لوله‌کشی دارد
	X24: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - گاز لوله‌کشی دارد
	X25: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - دستگاه حرارت مرکزی دارد
	X26: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - حرارت و برودت مرکزی دارد
	X27: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - آشپزخانه دارد
	X28: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - حمام دارد
	X29: امکانات و تسهیلات در واحد مسکونی - توالت دارد
مساحت واحدهای مسکونی	X30: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۵۰ مترمربع و کمتر
	X31: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۵۱ تا ۷۵ مترمربع
	X32: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۷۶ تا ۸۰ مترمربع
	X33: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۸۱ تا ۱۰۰ مترمربع
	X34: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع
	X35: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمربع
	X36: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۲۰۱ تا ۳۰۰ مترمربع
	X37: تعداد واحد مسکونی معمولی با مساحت ۳۰۱ تا ۵۰۰ مترمربع

۳.۱. معرفی محدوده مورد مطالعه

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، کلان‌شهر تهران ۸۶۷۹۹۳۶ نفر جمعیت دارد که در پهنه‌ای معادل ۷۱۶ کیلومترمربع اسکان و استقرار یافته است (شکل ۱). در بین مناطق ۲۲ گانه، منطقه چهار با بیش از ۹۱۷ هزار نفر و منطقه ۲۲ با ۱۷۵ هزار نفر جمعیت، به ترتیب پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین مناطق شهری هستند. علاوه بر تفاوت‌های جمعیتی، تفاوت در وسعت مناطق، تفاوت در دسترسی به امکانات و سرانه‌های خدماتی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع شهری، از دیگر ویژگی‌ها و مشخصه‌های سازمان فضایی و نظام اجتماعی-اقتصادی کلان‌شهر تهران است (علی‌اکبری و اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۷). شکل ۱ موقعیت شهر تهران در تقسیمات کشوری را نمایش می‌دهد (مرصوسی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۸).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی کلان‌شهر تهران در استان

مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲

۴. مبانی نظری تحقیق

مسکن: به‌طور کلی مقوله مسکن ابعاد متنوع و گسترده‌ای دارد. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد که در دل آن آرامش درونی، رضایت خاطر و تسکین یافتن برای ساکنان تحقق می‌یابد (محمدی سرین دیزج و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۳).

از زمان تصویب منشور حقوق در سال ۱۹۴۸، حق داشتن مسکن مناسب به‌عنوان حق برخورداری از کیفیت مطلوب زندگی عنصر مهم شناخته شده است. حتی در این خصوص کمیته اسکان بشر نیز یک استراتژی جهانی را برای اسکان بشر پیشنهاد کرد که هدف اصلی آن در واقع تأمین مسکن مناسب برای همه گروه‌های اجتماعی است. مسکن همواره و در طول دوره زندگی انسان، از اولین مراحل تاریخی زندگی بشر تا به امروز یکی از نیازهای اساسی انسان بوده که در راه تأمین آن به اشکال گوناگون کوشش‌های فراوان کرده است (لطفی و خیرخواه، ۱۳۹۱، ص. ۴۲). پژوهشگران در بیشتر کشورهای در حال توسعه به این نتیجه

رسیده‌اند که تعریف مسکن را نمی‌توان به واحد مسکونی محدود کرد. درواقع مسکن کل محیط زندگی و سکونت را در بر می‌گیرد (رضایی‌راد و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۹۶) همچنین مسکن به مجموعه‌ای از تسهیلات گفته می‌شود که به منظور عرضه خدمات فشرده در مکانی فیزیکی قرار دارد؛ یعنی مفهوم مسکن با توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی تغییر می‌کند (زیاری و قاسمی قاسمیوند، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۲). درواقع تعریف مفهوم مسکن، واحد مسکونی یا خانه نیست؛ بلکه دربرگیرنده کل محیط مسکونی است؛ به عبارت دیگر مسکن چیزی فراتر از سرپناه فیزیکی است و باید تمامی خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای زندگی بهتر انسان را در خود داشته باشد. به علاوه، حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کنندگان آن نیز باید فراهم باشد (پورمحمدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰). مسکن از نظر نوع و تراکم مسکونی و نیز تعداد و طبقات خانوار ساکن به چند دسته طبقه‌بندی می‌شود، اما از نظر اجتماعی و جمعیتی به سه دسته تک‌خانواری، چندخانواری و مجتمع‌های مسکونی قابل تقسیم است.

مسکن مستقل ویلایی: خانه‌های مستقل جدا از هم که حیاط و فضای باز خصوصی دارند، اعم از کوچک و بزرگ که محل سکونت یک خانوار یا دو خانوار هستند. برخی از این خانه‌ها که در محله‌های قدیمی وجود دارند، تعداد زیادی اتاق دارند. به خانه‌های مستقل نسبتاً بزرگ در بخش‌های جدید شهری در اصطلاح مسکن «ویلایی» گفته می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۷۸، ص. ۸۵).

خانه‌های نیمه‌مستقل^۱: بخش‌های میانی شهرهای ایران از خانه‌های مستقل دوطبقه تشکیل شده است که به طور ردیفی در امتداد معابر شهری ساخته شده‌اند. امروزه این نوع مسکن در شهرهای کوچک و متوسط و حتی در شهرهای بزرگ بیشتر دیده می‌شود. این نوع خانه‌ها به اندازه‌های بسیار کوچک تا متوسط در قطعاتی منظم از زمین ساخته می‌شوند.

خانه‌های آپارتمانی^۲: بخش عمده‌ای از مسکن شهری در شهرهای بزرگ و متوسط از نوع آپارتمانی است. بخش‌های مسکونی آپارتمانی، خاص نواحی با تراکم زیاد شهری هستند. این

1. Row house

2. Apartment (flats)

نواحی خصوصیات اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای دارند که از آن با عنوان شیوه زندگی شهری یاد می‌شود.

مجتمع‌های مسکونی^۱: تجمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری که به شکل یکپارچه طراحی و ترکیب شده باشند، مجتمع‌های مسکونی را پدید می‌آورد. برخی از مجتمع‌های مسکونی بسیار بزرگ و پرتراکم هستند مانند مجتمع اکباتان در تهران که به اندازه یک شهر ۱۰۰ هزار نفری جمعیت دارد.

برج^۲: به آپارتمان‌های بلندمرتبه بیش از ده اشکوب، در اصطلاح «برج» گفته می‌شود؛ معمولاً آپارتمان‌های بلندمرتبه در آن نواحی از شهر که قیمت زمین در آنجا بسیار گران، و تراکم نیز زیاد است؛ یعنی در نواحی مرفه‌نشین که قدرت خرید اقتصادی ساکنان و قیمت زمین بسیار زیاد است، آپارتمان‌های بلندمرتبه بسیار مدرن برای استفاده طبقات پردرآمد شهری احداث می‌شود. برج‌های اسکان ASP و شهرک غرب در تهران از جمله نمونه‌هاست (سعیدی، ۱۳۹۰، ص. ۸۵).

دیدگاه‌های مسکن: به طور خلاصه می‌توان گفت مسکن به‌عنوان محیط مسکونی در سه بخش کلی قابل بررسی است:

الف- دیدگاه اقتصادی: مسکن نوعی سرمایه‌گذاری با مفهوم اقتصادی است و فرصت‌های شغلی، دوری و نزدیکی مسکن به محل کار، هزینه‌های رفت‌وآمد از عوامل اساسی اقتصادی تأثیرگذار بر امر مسکن هستند. از منظر پایداری اقتصادی، مسکن پایدار مسکنی است که متناسب با وضعیت اقتصادی ساکنانش باشد؛ بنابراین آن نوع مسکنی که نیازهای زیستی کنونی را بر مبنای کارایی منابع طبیعی انرژی برآورده کند و محلاتی جذاب و ایمن را ضمن توجه به مسائل اکولوژیک، فرهنگی و اقتصادی ایجاد کند، مسکن پایدار است (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۹۲)؛

1. Cluster

2. Sky- scraper

دیدگاه اجتماعی: طرحی که به دنبال خانه‌دار کردن اقشار آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین جامعه است. مسکن اجتماعی، مدنظر قرار دادن گروه‌هایی است که در پایین‌ترین سطح درآمدی هستند؛

دیدگاه روانی: محیط کار و محیط اجتماعی که فرد با آن در ارتباط است همواره محیط پیش‌بینی‌نشده‌ی و استرس‌زا است؛ از این رو مسکن مناسب می‌تواند احساس امنیت و آرامش روان را فراهم کند و زمینه ایجاد دگرگونی‌های اساسی در زمینه روابط اجتماعی و غیره گردد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷۲).

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در بخش مسکن، از دیدگاه‌های مختلف بررسی و تحلیل شده است. در نظریات توسعه و قطب رشد، مشکلات مربوط به مسکن امری موقت است و از ملزومات برنامه‌های توسعه برشمرده می‌شود. در مقابل در مکتب وابستگی، مسائل و مشکلات بخش مسکن محصول شرایط نابرابر بوده و جریان یک‌طرفه امکانات از پیرامون به مرکز است (ضرابی و محمودزاده، ۱۳۹۳، ص. ۵۵). نظریه‌ها و نگرش‌های مختلفی در مورد مسکن وجود دارد؛ از جمله نظریه برزن‌های شهری برگس، نگرش اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده، نگرش بوم‌شناسی نگرش ساخت عمومی شهر، نگرش ساخت منطقه واحدهای مسکونی، و نظریه توسعه پایدار شهری. مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی، با نگرشی کیفی به مسئله مسکن، معتقد است که بحران واقعی مسکن در کمبود آن نیست؛ بلکه بحران واقعی در جستجوی آدمی برای سکونت است و انسان پیش از هر چیز باید سکونت‌گزینی را بیاموزد. وی زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را مترادف باهم می‌داند (قاسمی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶).

مسکن پایدار: نکته مهمی که در اسناد دومین اجلاس اسکان بشر به آن توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است (دارابی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۶۴). در کشورهای در حال توسعه به مسکن پایدار توجه می‌شود، ولی در اغلب موارد مسکن پایدار را تنها از دیدگاه مصرف انرژی بررسی می‌کنند (ساین و پاندی^۱، ۲۰۱۲، ص. ۱۷). مسکن پایدار عبارت است از مسکنی که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان‌پذیر و مستحکم و سازگار با

محیط‌زیست باشد (چارلز^۱، ۲۰۰۷، ص. ۳). یکی از نظریه‌های مهم که در سال‌های اخیر در زمینه برنامه‌ریزی شهری ظهور یافته است، توسعه پایدار شهری است. در راستای تحقق توسعه پایدار شهری بخش مسکن نقش بسیار مهمی بر عهده دارد؛ چراکه مسکن بخش بسیار مهمی از کاربری شهرها را به خود اختصاص داده است. مسکن نه تنها سرپناه، بلکه بیانگر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانوار و بازتاب‌دهنده ویژگی‌های متفاوت گروه‌ها و طبقات جامعه است و موضوع پیچیده‌ای است که نه تنها در شرایط کارایی اقتصادی ارزیابی شده، بلکه به منظور افزایش کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی در نظر گرفته شده است (مولینر و اسمالبن^۲، ۲۰۱۳، صص. ۲۷۹-۲۷۰). مسکن پایدار مسکنی است که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان‌پذیر و مستحکم و سازگار با محیط‌زیست باشد (برقی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۶۰).

در زیر به برخی از نظریه‌ها و دیدگاه‌های بروز در رابطه با مسکن پایدار اشاره شده است که عبارت‌اند از:

-طراحی محیطی پایدار^۳: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که باید مسکن را به گونه‌ای طراحی کرد که نیازهای انسان‌ها را برآورده کند؛ به منابع طبیعی کمتری نیاز داشته باشد و به حداقل برای محیط‌زیست آسیب وارد کند. استفاده از مصالح معماری پایدار، مدیریت مصرف انرژی، افزایش کیفیت هوای داخلی و استفاده از تکنولوژی‌های سبز از جمله رویکردهای اصلی این دیدگاه است؛

-شهرهای هوشمند^۴: این نظریه به ایجاد شهرهایی متمرکز بر فناوری و ارتباطات هوشمند می‌پردازد تا از انرژی و منابع بهینه‌تری استفاده شود. سیستم‌های اتوماسیون، استفاده از اینترنت اشیاء (IoT)، تجزیه و تحلیل داده‌ها و بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان و کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها و حمل و نقل شهری استفاده می‌شود؛

1. Charles
2. Mulliner & Smallbone
3. Sustainable Design
4. Smart cities

- ساختارهای چندمنظوره^۱: این رویکرد بر این اساس است که مسکن پایدار باید به گونه‌ای طراحی شود که نیازهای مختلف افراد را در یک منطقه ترکیب کند. ساختمان‌ها و محیط‌های شهری با تنوع کاربری از جمله مسکونی، تجاری، آموزشی و تفریحی به کاهش وقوع ترافیک و افزایش زندگی پویا و پرانرژی منجر می‌شوند؛

- ساخت‌وساز پس از استفاده^۲: این نگرش بر این اساس است که از جایگزینی ساختمان‌های فرسوده و خراب‌شده با ساختمان‌های جدید بهتر استفاده شود. با ترمیم و به‌روزرسانی ساختمان‌های قدیمی، از انرژی بیشتری صرفه‌جویی می‌شود و ارتقای زیبایی‌شناختی و تاریخی منطقه نیز ایجاد می‌شود؛

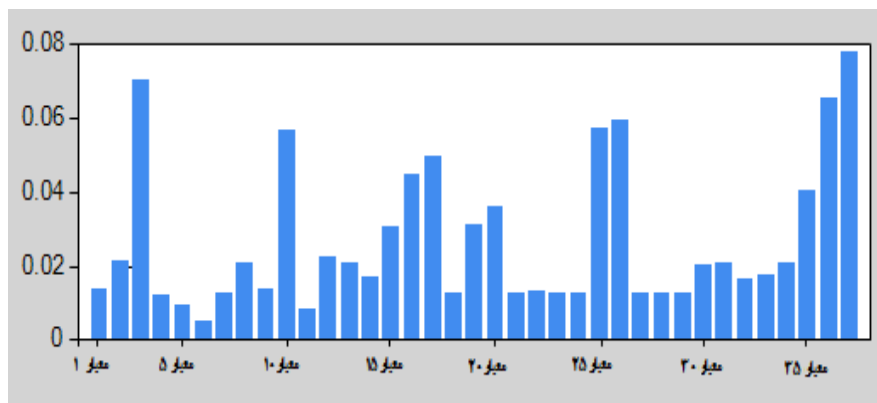
- کم‌مصرفی انرژی^۳: افزایش بهره‌وری انرژی در مسکن پایدار از اهمیت بسیاری برخوردار است. استفاده از سیستم‌های نورپردازی LED، عایق‌های حرارتی، پنجره‌ها و درب‌های با سطح کیفیت بالا و تجهیزات مدیریت مصرف انرژی، از جمله راهکارهایی هستند که در بهبود کارایی انرژی مسکن تأثیرگذارند (گو و خی^۴، ۲۰۲۰، ص. ۲).

۵. یافته‌های تحقیق

بررسی جایگاه مناطق از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار با استفاده از روش خاکستری: همان‌طور که اشاره شد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش تحلیل رابطه خاکستری استفاده می‌شود.

گام اول: ایجاد رابطه خاکستری^۵ (ماتریس تصمیم): در گام اول این پژوهش برای بررسی و اولویت‌بندی مناطق وزن ۳۷ شاخص استفاده‌شده در این پژوهش با استفاده از روش آنالیز اندازه‌گیری شد (شکل ۲).

1. Mixed-Use Developments
2. Adaptive Reuse
3. Energy Efficiency
4. Gou & Xie
5. Grey relationship



شکل ۲. اوزان شاخص‌های مطالعه‌شده با استفاده از آنترپی

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲

زمانی که واحدهای اندازه‌گیری عملکرد شاخص‌های مختلف متفاوت‌اند، ممکن است تأثیر برخی از شاخص‌ها نادیده گرفته شود؛ همچنین زمانی که برخی شاخص‌های عملکرد از دامنه گسترده‌ای برخوردارند، ممکن است چنین اتفاقی روی دهد؛ به‌علاوه اگر هدف یا جهت این شاخص‌ها تفاوت داشته باشند، نتایج نادرست در تحلیل‌ها به وجود می‌آید؛ بنابراین مقادیر شاخص‌های ارزیابی عملکرد برای هر منطقه در گام اول پژوهش به توالی قاب قیاس تبدیل شده و در ادامه فرایند نرمالایز انجام می‌شود؛ از این‌رو برای ارزیابی برخورداری هر منطقه، اگر m منطقه و n شاخص وجود داشته باشد، i امین منطقه می‌تواند به صورت $(y_{i1}, y_{i2}, \dots, Y_{ij}, \dots)$ بیان شود؛ به‌طوری‌که y_{ij} مقدار شاخص j برای منطقه i است.

گام دوم: نرمال‌سازی ماتریس تصمیم: تکنیک تحلیل رابطه خاکستری نیز مانند تکنیک تاپسیس و ویکور با یک ماتریس تصمیم شروع می‌شود، اما در اینجا علاوه بر اینکه بین معیارهای منفی و مثبت تمایز قائل می‌شود، بین مطلوب‌ترین مقدار هم تمایز قائل می‌شود؛ برای مثال فرض کنیم یک ملاک برخورداری، میزان استفاده از مصالح بادوام (X_1) باشد. سؤال: ه چه استفاده از مصالح بادوام بیشتر باشد بهتر است یا کمتر؟ اگر استفاده زیاد یک عامل منفی باشد (هر چه کوچک‌تر بهتر)، میزان استفاده از مصالح بادوام گزینه بسیار بهتری از مصرف مصالح بی‌داوم برای مسکن پایدار است. برای این منظور درست آن است که بگوییم

هرچه میزان استفاده از مصالح بادوام به یک عدد خاصی نزدیک‌تر باشد، بهتر است؛ بر این اساس، در ماتریس تصمیم خاکستری سه دسته معیار وجود دارد؛ برای نرمال‌سازی مقادیر از یکی از سه فرمول زیر استفاده می‌شود:

- هرچه کوچک‌تر بهتر (همان معیارهای منفی در تکنیک تاپسیس و ویکور)

$$X_{ij} = \frac{\max(y_{ij}) - y_{ij}}{\max(y_{ij}) - \min(y_{ij})}$$

- هرچه بزرگ‌تر بهتر (همان معیارهای مثبت در تکنیک تاپسیس و ویکور)

$$X_{ij} = \frac{y_{ij} - \min(y_{ij})}{\max(y_{ij}) - \min(y_{ij})}$$

- هرچه به مقدار مطلوب نزدیک‌تر بهتر (در تکنیک مثبت تاپسیس و ویکور لحاظ نمی‌شود)

$$X_{ij} = \frac{|y_{ij} - y^*|}{\max\{\max(y_{ij}) - y^*, y^* - \min(y_{ij})\}}$$

گام سوم: تعریف سری‌های هدف مرجع^۱: پس از ایجاد روابط خاکستری با استفاده از معادلات بالا، تمامی ارزش‌های عملکردی مانند زمانی که از مفهوم نرمال کردن استفاده می‌شود، بین صفر و یک قرار خواهند گرفت. هرچه x_{ij} به یک نزدیک‌تر باشد، از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود؛ در نتیجه سری مقایسه‌ای که تمام گزینه‌های آن برابر ۱ باشد، بهترین انتخاب خواهد بود. سری هدف مرجع یک سری است که تمامی ارزش‌های عملکردی آن برابر با ۱ است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$X_0 = (x_{01}, x_{02}, \dots, x_{0j}, \dots, x_{0n}) = (1, 1, \dots, 1, \dots, 1)$$

هرچه سری مقایسه‌ای گزینه i به سری مرجع نزدیک‌تر باشد، در این صورت از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

گام چهارم: تأثیر ضریب رابطه خاکستری^۲: با استفاده از ضریب رابطه خاکستری نزدیکی هر x_{ij} به x_{0j} متناظر سنجش می‌شود. هرچه ضریب رابطه خاکستری بزرگ‌تر باشد، نزدیکی بیشتر است. ضریب رابطه خاکستری به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\gamma(x_{0j}, x_{ij}) = \frac{\Delta_{\min} - r\Delta_{\max}}{\Delta_{ij} - r\Delta_{\max}}$$

1. Reference Sequence Definition

2. Grey Relational Coefficient

برای انجام محاسبات فوق باید Δ_{ij} محاسبه شود. $\Delta_{ij} = x_{oj} - x_{ij}$

بنابراین Δ_{min} کوچک‌ترین مقدار Δ_{ij} و Δ_{min} بزرگ‌ترین مقدار Δ_{ij} خواهد بود.

در این رابطه ضریب تشخیص ۱ است و برای گسترش یا محدود کردن دامنه ضریب رابطه خاکستری استفاده می‌شود. دقت کنید ضریب تشخیص که گاهی با p یا β نیز نمایش داده می‌شود، مقداری بین [۰ و ۱] است و معمولاً ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. براساس مطالعه تحلیل حساسیت چانگ و لین (۱۹۹۹)، مقدار ۰/۵ یک ضریب تشخیص متعادل بوده و از ثبات خوبی برخوردار است (لین و همکاران، ۲۰۰۷).

گام پنجم: رتبه رابطه خاکستری^۲: هدف اصلی در مرحله ایجاد رابطه خاکستری، تبدیل داده‌های اصلی به توالی قابل قیاس است. پس از محاسبه تمامی ضرایب رابطه خاکستری (x_{ij}, x_{ij}) رتبه رابطه خاکستری با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$r_{ij} = \frac{1}{n} \sum_{j=1}^n \gamma(r_{oj} - r_{ij})$$

این عبارت میزان همبستگی سری مرجع هدف و سری مقایسه‌ای را نشان می‌دهد. در این محاسبات w همان وزن شاخص‌ها است که توسط تکنیک آنتروپی شانون در این پژوهش محاسبه شد. روی هر شاخص، سری مرجع هدف، نشان‌دهنده بهترین عملکردی است که در میان سری‌های مقایسه‌ای دست‌یافتنی است؛ بنابراین اگر یک سری مقایسه‌ای برای یک گزینه، بالاترین رتبه رابطه خاکستری را با سری مرجع هدف داشته باشد، بدین معناست که این سری مقایسه‌ای، دارای بیشترین شباهت با سری مرجع هدف است و بنابراین این گزینه، بهترین انتخاب است. درنهایت، امتیاز نهایی برحسب رتبه رابطه خاکستری برای مناطق ۲۲ گانه کلان-شهر تهران از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار طبق جدول ۲ به دست آمده است.

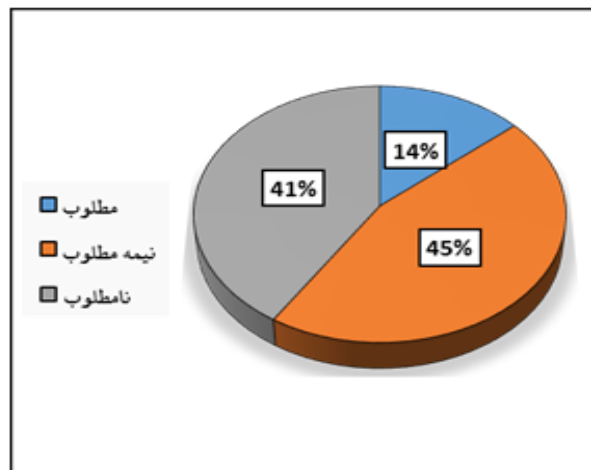
1. Distinguishing coefficient
2. Grey Relational Grade

جدول ۲. رتبه خاکستری مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران از نظر شاخص‌های مسکن پایدار

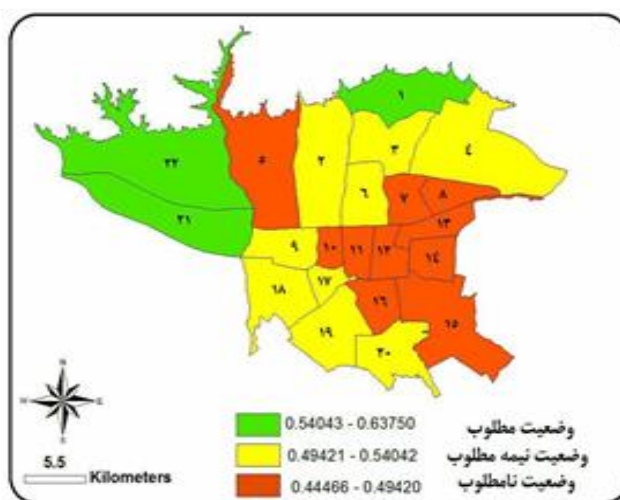
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

R	واحدهای ارزیابی	رتبه خاکستری	R	واحدهای ارزیابی	رتبه خاکستری
۱	منطقه ۱	۰/۶۳۸	۱۲	منطقه ۱۷	۰/۵۰۳
۲	منطقه ۲۲	۰/۵۵۴	۱۳	منطقه ۱۲	۰/۴۹۴
۳	منطقه ۲۱	۰/۵۵۰	۱۴	منطقه ۵	۰/۴۹۳
۴	منطقه ۲	۰/۵۳۹	۱۵	منطقه ۱۳	۰/۴۸۰
۵	منطقه ۱۹	۰/۵۳۵	۱۶	منطقه ۱۰	۰/۴۷۷
۶	منطقه ۹	۰/۵۳۴	۱۷	منطقه ۱۶	۰/۴۷۷
۷	منطقه ۱۸	۰/۵۲۰	۱۸	منطقه ۱۴	۰/۴۷۳
۸	منطقه ۶	۰/۵۱۵	۱۹	منطقه ۱۵	۰/۴۶۶
۹	منطقه ۳	۰/۵۱۳	۲۰	منطقه ۸	۰/۴۵۹
۱۰	منطقه ۴	۰/۵۰۶	۲۱	منطقه ۷	۰/۴۵۶
۱۱	منطقه ۲۰	۰/۵۰۴	۲۲	منطقه ۱۱	۰/۴۴۵

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۲، مناطق ۱، ۲۲ و ۲۱ به‌ترتیب با کسب میزان رتبه خاکستری ۰/۶۳۸، ۰/۵۵۴ و ۰/۵۵۰ از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار در بین مناطق ۲۲ گانه در رتبه‌های اول تا سوم و در وضعیت مطلوب قرار دارند. در سوی دیگر، مناطق ۱۱، ۷ و ۸ با کسب کمترین میزان رابطه خاکستری ۰/۴۴۵، ۰/۴۵۶ و ۰/۴۵۹ در رده‌های آخر قرار گرفتند. از نظر آماری حدود ۰/۴ درصد از مناطق در وضعیت مطلوب، ۰/۴۱ درصد در وضعیت نیمه‌مطلوب و ۰/۴۵ درصد در وضعیت نامطلوب قرار دارند. از نظر جغرافیایی مناطق جنوب شرقی تهران در وضعیت نامطلوب قرار دارد و از شمال به جنوب و از غرب به شرق تهران از نظر شاخص‌های مسکن پایدار کاسته شده است (شکل‌های ۳ و ۴).



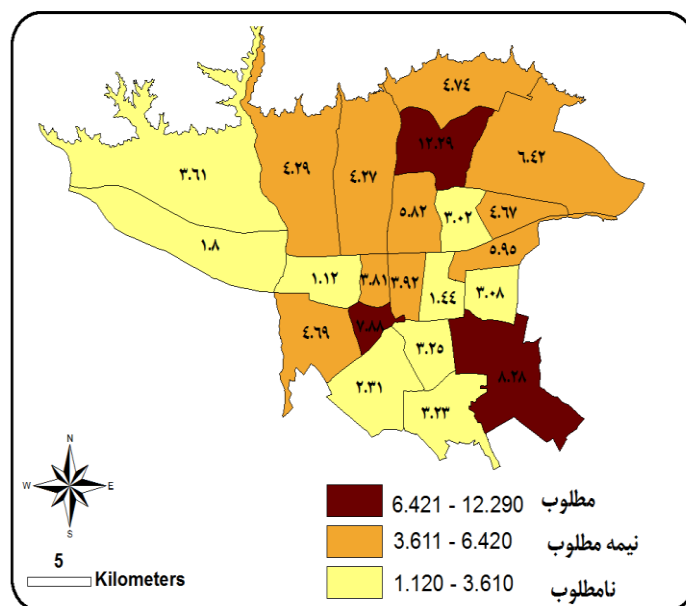
شکل ۳. درصد آماری وضعیت مناطق ۲۲ گانه تهران با توجه شاخص‌های مطالعه‌شده
 مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲



شکل ۴. وضعیت مناطق ۲۲ گانه تهران با توجه شاخص‌های مطالعه‌شده
 مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲

یافته‌های پژوهش حاکی از این موضوع مهم است که فضای غالب برخورداری از شاخص-های مسکن پایدار بر مناطق کلان‌شهر تهران، در وضعیت نامطلوب و نیمه‌مطلوب قرار گرفته است؛ این امر حاکی از نبود تعادل و نابرابری مناطق کلان‌شهر تهران در برخورداری از

نماگرهای مطالعه‌شده، بازتاب و برآیند، اقتصاد سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی مسکن، ارزش اراضی و ارتباط مستقیم با اوضاع اقتصادی و اجتماعی در جامعه مطالعه‌شده است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مسکونی در حال حاضر شاخص کیفیت بناها است. شاخص کیفیت واحدهای مسکونی را می‌توان برحسب نوع مصالح ساختمانی و سازه به‌کاررفته در آن‌ها ارزیابی کرد. براساس این شاخص، واحدهای مسکونی در سه گروه بادوام، نیمه بادوام و کم‌دوام قرار می‌گیرند. در حال حاضر، دو نوع سیستم سازه و مصالح بتن‌آرمه و اسکلت فلزی، از نوع بادوام‌ترین سیستم‌های ساختمانی هستند. زیاد بودن نسبت این دو نوع سیستم در واحدهای مسکونی، نشان‌دهنده‌ی سطح کیفیت بالاتر واحدهای مسکونی است. سایر سیستم‌های نیمه بادوام و کم‌دوام عبارت‌اند از: اسکلت نیمه‌فلزی، تیرآهن و آجر، تیرآهن و سنگ، سنگ و چوب، چوب و فلز، خشت و آجر. شکل ۵ وضعیت بناهای باکیفیت بادوام مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را نمایش می‌دهد.



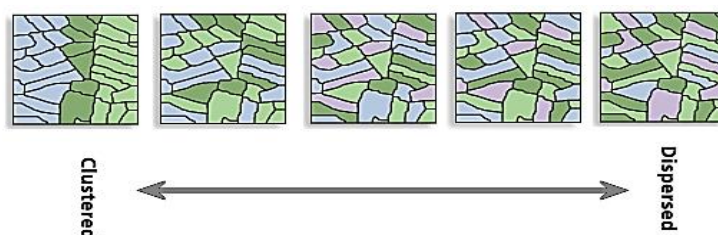
شکل ۵. درصد بناهای باکیفیت بادوام در سطح مناطق ۲۲ گانه

مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲

همان‌طور که در شکل نیز مشاهده می‌شود، سه منطقه از ۲۲ منطقه شهر تهران دارای بیشترین بناهای بادوام‌اند و در مقابل ۱۰ منطقه دیگر دارای وضعیت نیمه‌مطلوب و ۹ منطقه باقیمانده دارای کیفیت نیمه‌مطلوب‌اند.

۵.۱. بررسی نحوه توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در مناطق ۲۲ گانه با استفاده از خودهمبستگی فضایی (موران)

یکی از شاخه‌های جالب و در حال رشد آمار فضایی به خودهمبستگی فضایی^۱ مربوط است. خودهمبستگی به رابطه بین مقادیر باقیمانده در طول خط رگرسیون مربوط می‌شود. خودهمبستگی قوی زمانی رخ می‌دهد که مقادیر باقیمانده به شدت با هم در ارتباط باشند؛ به عبارت دیگر تغییراتشان به صورتی سیستماتیک رخ دهد. آخرین ابزاری که در زمینه تحلیل الگوهای پراکنش و توزیع عوارض و پدیده‌ها در فضا و مکان توضیح داده می‌شود، تحلیل خودهمبستگی فضایی که به آماره موران^۲ (Moran's I) نیز معروف است. ابزار آمار فضایی خودهمبستگی فضایی یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی برای تحقیق در مورد داده‌های فضایی است. این تحلیل نه تنها به خودی خود اطلاعات مفیدی در مورد ارتباط درونی عوارض به دست می‌دهد، بلکه نتایج آن برای بسیاری از تحلیل‌های پیچیده‌تر آماری نیز استفاده می‌شود (شکل ۶).



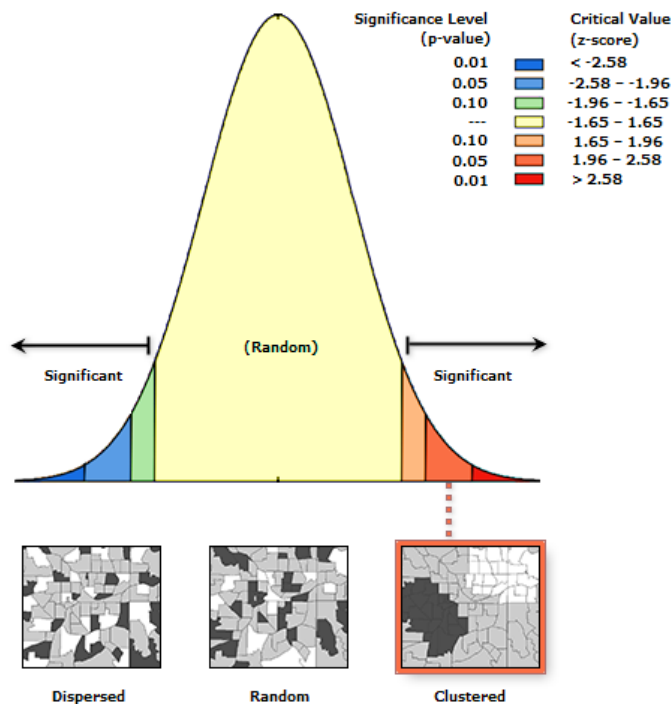
شکل ۶. خودهمبستگی فضایی (آماره موران) در محیط نرم‌افزاری Arc GIS

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

1. spatial autocorrelation

2. Spatial Autocorrelation

در شکل ۷، نحوه توزیع فضایی شاخص‌های مسکن با توجه به میزان امتیازهای کسب‌شده از روش موران در محیط نرم‌افزاری سیستم اطلاعات جغرافیایی ارائه شده است.



شکل ۷. نحوه توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با توجه به شکل ۷ که ضریب موران ۰/۲۵۰۰۴۷ است، الگوی پراکنش فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران خوشه‌ای است. این الگوی توزیع در سطح مناطق مطالعه‌شده گویای این است که الگوی تک‌قطبی در شهر وجود دارد و پخشایش شاخص‌های مسکن پایدار به صورت خوشه‌ای بوده است؛ در نتیجه شاخص‌های مطالعه‌شده در شهر تهران به چند منطقه اختصاص دارد. در سال ۱۳۹۰، میزان Zscore بیشتر از ۱/۹۸۲۵۸۶ بود. در واقع در سطح اطمینان (P-value) ۰/۹۹، توزیع شاخص‌های مسکن پایدار در

کلان‌شهر تهران خوشه‌ای است. جدول ۳ نیز میزان آماره‌های فضایی محاسبه‌شده در دستور موران را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. اطلاعات آماری توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

۰/۲۵۰۰۴۷	شاخص موران
-۰/۰۴۷۶۱۹	شاخص موردانتظار
۰/۰۲۲۵۴۲	واریانس
۱/۹۸۲۵۸۶	امتیاز استاندارد Z
۰/۰۴۷۴۱۴	ارزش P

به‌طورکلی اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد مثبت یک (+۱) باشد، داده‌ها دارای خودهمبستگی فضایی و دارای الگوی خوشه‌ای است و اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد منفی یک (-۱) باشد، آنگاه داده‌ها از هم گسسته و پراکنده‌اند. چنانچه ملاحظه می‌شود، در این تحلیل، شاخص موران ۰/۲۵۰۰ است و از آنجاکه مقدار آن مثبت و نزدیک به یک است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که داده‌ها دارای خودهمبستگی فضایی هستند. اگر قرار بود این داده‌ها به‌طور نرمال در فضا پخش شده باشند، شاخصی باید مقدار منفی ۰/۰۴۷۶۱۹ را اختیار می‌کرد. همچنین با استناد به زیاد بودن امتیاز استاندارد Z و بسیار کوچک بودن مقدار p-value می‌توان نبود خود همیشگی فضایی بین داده‌ها را رد کرد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شهرها دارد، اما از لحاظ شاخص‌های مختلف دچار مشکلات متعددی شده است. شایان ذکر است که مناسب بودن مسکن از ابعاد مختلف نقش مهمی در آسایش روحی و روانی ساکنان شهر دارد؛ بنابراین شناخت شاخص‌های مسکن مناسب و تلاش در جهت تحقق سکونتگاه مطلوب، امر مهم در بحث توسعه پایدار شهری است. داشتن مسکن مناسب می‌تواند موجبات تحکیم ثبات جامعه شهری، دوام روابط و مناسبات انسانی، افزایش حس هویت و تعلق اجتماعی در محیط شهری

و سرانجام موجبات رشد و تعالی اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان شهری را فراهم کند. با توجه به اینکه ابعاد کمی و کیفی مسکن به شاخص‌های متعددی تقسیم می‌شود، یکی از مهم‌ترین آن‌ها شاخص‌های مسکن پایدار است که ابزاری برای سنجش پایداری در بعد ظاهری و شکلی و همچنین استحکام مسکن است.

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل فضایی شاخص‌های مسکن پایدار بود. یافته‌های پژوهش گویای آن است که به لحاظ مسکن پایدار، مناطق ۱، ۲۲ و ۲۱ به ترتیب با کسب میزان رتبه خاکستری ۰/۶۳۸، ۰/۵۵۴ و ۰/۵۵۰ از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار در بین مناطق ۲۲ گانه در رتبه‌های اول تا سوم و در وضعیت مطلوب قرار دارند. در سوی دیگر، مناطق ۱۱، ۷ و ۸ با کسب کمترین میزان رابطه خاکستری ۰/۴۴۵، ۰/۴۵۶ و ۰/۴۵۹ در رده‌های آخر قرار گرفتند. از نظر آماری حدود ۰/۴ درصد از مناطق در وضعیت مطلوب، ۰/۴۱ درصد در وضعیت نیمه‌مطلوب و ۰/۴۵ درصد در وضعیت نامطلوب قرار دارند. از نظر جغرافیایی مناطق جنوب شرقی تهران در وضعیت نامطلوب قرار دارد و از شمال به جنوب و از غرب به شرق تهران از نظر شاخص‌های مسکن پایدار کاسته شده است. فضای غالب برخورداری از شاخص‌های مسکن پایدار بر مناطق کلان‌شهر تهران، در وضعیت نامطلوب و نیمه‌مطلوب قرار گرفته است که حاکی از نبود تعادل و نابرابری مناطق کلان‌شهر تهران در برخورداری از نماگرهای مطالعه‌شده، بازتاب و برآیند، اقتصاد سیاسی، ارزش اراضی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی مسکن و ارتباط مستقیم با اوضاع اقتصادی و اجتماعی در جامعه مطالعه‌شده است. یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد، الگوی توزیع فضایی شاخص‌های مسکن پایدار در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران به صورت الگوی خوشه‌ای است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش فنی و همکاران (۱۳۹۹) همسوست؛ به طوری که بافت‌های نوساز و قدیم شهر تهران، الگوها و اولویت‌های متفاوتی از برنامه‌ریزی مسکن براساس نیازسنجی‌ها و تأکید بر وجوه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با تأکید بر عدالت اجتماعی و فضایی را طلب می‌کنند؛ همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش رجایی و همکاران (۱۳۹۷) تشابه دارد؛ به طوری که وضعیت پایداری سکونتی در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در ناحیه ۸ منطقه ۳ تهران نشان از وضعیت نامناسب آن‌ها در این محدوده است.

کلان‌شهر تهران در معرض بلایایی طبیعی (زلزله)، شرایط آب‌وهوای آلوده و کوهستانی قرار دارد و فرسودگی و تخریب مساکن در این شرایط امری اجتناب‌پذیر و زودرس است؛ بنابراین برای همخوانی و هماهنگی بیشتر با رویکرد پایداری لزوم توجه به نوسازی بافت‌های فرسوده و تخریبی، لازم است. ذکر این نکته ضروری است که توجه به نتایج حاصل از این پژوهش در شهر تهران می‌تواند برنامه‌ریزان و مسئولان شهری را در اولویت‌بندی طرح‌های توسعه شهری و برنامه‌ریزی مسکن به‌منظور مداخله در زمینه مسکن کمک کند.

در راستای تحقیق حاضر و با توجه به یافته‌های پژوهش در جهت مطلوبیت بخشیدن به شاخص‌های مسکن پایدار در کلان‌شهر تهران پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- استفاده بیشتر از مصالح مقاوم مثل اسکلت فلزی و بتنی در مساکن نواحی ۲۲ گانه شهر تهران در مناطق نابرخودار و به‌خصوص مناطق (۱۱، ۷ و ۸) به‌منظور استحکام‌بخشی و مقاومت بیشتر در برابر بلایای طبیعی؛

- اصلاح قوانین ساختمانی و ایجاد استانداردها و معیارهای فنی در مصالح ساختمانی برای شناخت مساکن اقتصادی بادوام، ارزان و ایجاد اشتغال؛

- نظارت کامل دولت بر استفاده از مصالح بومی بادوام و سازگار با محیط شهری تهران و تشویق و ترویج برای ارتقای کیفیت سکونتگاه‌ها با به‌کارگیری مصالح ساختمانی استاندارد؛

- تقویت و حمایت از منابع مالی بانک‌ها در بخش اعطای تسهیلات مسکن، و تعدیل و دقت در ارائه خدمات یانکی به مناطق هدف و اولویت‌دار، اعطای وام مسکن و نحوه بازپرداخت وام؛

- نظارت و دخالت دولت در تنظیم سازوکار قیمت زمین در بازار با اجرای سیاست ذخیره و عرضه زمین توسط دولت؛

- برنامه‌ریزی در راستای بهره‌مندی از نظرهای شهروندان برای بهبود شاخص‌های مسکن پایدار و برنامه‌ریزی به‌منظور تهیه طرح جامع مسکن، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و نابسامان؛

- برنامه‌ریزی برای گروه‌های مختلف درآمدی در طرح‌های توسعه شهری و عملیاتی کردن برنامه‌ریزی مسکن گروه‌های کم‌درآمد در سطوح محلی؛

-نگاه یکپارچه به بخش مسکن با در نظر گرفتن همه ابعاد آن (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) و توجه بیشتر به شاخص‌های کیفی مسکن در کنار شاخص‌های کمی؛
 -خودداری از بی‌توجهی صرف به بخش مسکن بدون توجه به کل محیط (مسکن و نیازمندی‌های خدماتی) و توجه به ویژگی‌های طبیعی، اقلیمی و بومی کلان‌شهر تهران در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن.
 -ارائه تسهیلات بانکی و دادن وام به‌منظور افزایش توان مالی شهروندان برای هرگونه برنامه‌ریزی مسکن در این شهر و ...

کتابنامه

۱. برقی، ح.، امرایی، ع. آ. و شایان، م. (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان معمولان شهرستان پلدختر). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۱(۱)، ۵۷-۶۴.
۲. پورمحمدی، م. ر. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی مسکن (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت.
۳. پورمحمدی، م. ر.، معبودی، م. ت. و حکیمی، ه. (۱۳۹۵). بررسی و رتبه‌بندی مناطق شهری براساس شاخص‌های مسکن (نمونه موردی ایران). نشریه مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۱)، ۳۲۰-۳۴۲.
۴. دارابی، ه.، عزت پناه، ب. و حسین‌زاده دلیر، ک. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی ابعاد مسکن پایدار شهری مبتنی بر رویکرد اقتصاد سیاسی فضا (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). فصلنامه شهر پایدار، ۵(۱)، ۵۹-۷۹.
۵. رجائی، س. ع.، حاتمی نژاد، ح.، پوراحمد، ا. و الله قلی پور، س. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مسکن پایدار شهری در ناحیه ۱ منطقه ۹ تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۱)، ۹۱-۱۰۵.
۶. رضایی‌راد، ه.، رفیعیان، م. و بمانیان، م. ر. (۱۳۹۰). سنجش میزان تأثیر پارامترهای کمی و کیفی بر قیمت مسکن با مدل هدانیک (نمونه موردی: محله نارمک). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۳(۸)، ۶۸-۵۹.
۷. رضوانی، م. ر.، اسفرم، ی. و حسینی کهنوج، س. ر. (۱۳۹۲). تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه مسکن روستایی با تأکید بر نابرابری درون منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی). فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، ۲(۴)، ۳۴-۴۸.

۸. رضوانی، م. ر.، رستگار، ا.، بیات، ن.، و دارستان، خ. (۱۳۹۳). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای دریافت تسهیلات اعتباری مسکن روستایی با تأکید بر عوامل مکانی- فضایی مورد سکونتگاه‌های بخش وراوی- شهرستان مهر. فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن، ۲۳ (۱۴۷)، ۱۶-۳.
۹. زیاری، ک.، و قاسمی قاسموند، ع. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر سامان)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۲)، ۱۹۷-۲۲۱.
۱۰. سنایی مقدم، س.، و محمدی یگانه، ب. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر در پایداری مسکن روستایی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی بخش چاروسا، شهرستان کهگیلویه. فصلنامه اندیشه جغرافیایی، ۹ (۱۶)، ۱۱۹-۱۴۴.
۱۱. ضرابی، ا.، و محمودزاده، م. (۱۳۹۴). تحلیلی بر وضعیت مسکن استان اصفهان با استفاده از تحلیل عاملی و ویکور. فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۵ (۱۶)، ۴۹-۶۲.
۱۲. عابدینی، ا.، و کریمی، ر. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های مسکن در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بر اساس روش VIKOR. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، ۷ (۲۳)، ۷۶-۶۱.
۱۳. عزیزی، م. م. (۱۳۸۳). جایگاه شاخص‌های مسکن در فرایند برنامه‌ریزی مسکن. مجله هنرهای زیبا، ۱۷ (۱۷)، ۴۱-۳۲.
۱۴. علی‌اکبری، ا.، و اکبری، م. (۱۳۹۶). مدل‌سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۱ (۱)، ۱-۳۱.
۱۵. عینالی، ج. (۱۳۹۲). تحلیلی بر عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری مسکن روستایی در برابر سانحه زلزله (مطالعه موردی: دهستان سجاسرود- خدابنده استان زنجان). فصلنامه‌ی فضای جغرافیایی، ۴ (۴۷)، ۱۴۴-۱۲۷.
۱۶. فنی، ز.، کوزه‌گر، ل.، و سامانی مجد، ع. (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی شاخص‌های مسکن پایدار در بافت قدیمی و نوساز شهری (مورد مطالعه: بافت محله‌های اتابک و پونک تهران). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱ (۴۲)، ۱۳۷-۱۵۲.
۱۷. قاسمی قاسموند، ع. (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی وضعیت مسکن شهری با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: شهر سامان) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

۱۸. قربانی، ر.، روستایی، ش.، و کرمی، س. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در کلان‌شهر تبریز با استفاده از رویکرد سناریونویسی و ماتریس تأثیرات متقاطع، *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵ (۷۶)، ۲۴۸-۲۳۳.
۱۹. لطفی، ص.، و خیرخواه، ز. (۱۳۹۱). بررسی کمی و کیفی و پیش‌بینی مسکن موردنیاز (مطالعه موردی شهر ساری افق ۱۴۰۰). *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۴ (۱۲)، ۵۸-۴۱.
۲۰. محمدی سرین دیزج، م.، سلامتی گبلو، ش.، و مهاجری نعیمی، ل. (۱۴۰۲). ارزیابی میزان پایداری اجتماعی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: شهر اردبیل). *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۱۳ (۴۶)، ۱۱۵-۱۴۲.
۲۱. محمدی یگانه، ب.، سنایی مقدم، س.، و چراغی، م. (۱۳۹۵). پایداری مسکن روستایی بر مبنای تحلیل اطلاعات متقابل (نمونه موردی: دهستان پشته‌زیلایی شهرستان چرام). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۲ (۱)، ۹۱-۱۰۸.
۲۲. مرصوصی، ن.، علی‌اکبری، ا.، سفاهن، ا.، و بوستان احمدی، و. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی شاخص‌های کالبدی مسکن با تأکید بر شهر عادل (مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۲ (۴۵)، ۳۶-۲۱.
۲۳. میرکتولی، ج.، باددست، ب.، و آریان‌کیا، م. (۱۳۹۵). سنجش وضعیت پایداری شاخص‌های کالبدی مسکن در راستای ارتقای توسعه سکونتگاه‌های شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان). *نشریه مطالعات نواحی شهری*، ۳ (۴)، ۱۲۵-۱۴۶.
۲۴. میری، ب.، عزمی، آ.، و اکبرپور، م. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مسکن پایدار در روستای سرونو علیا استان کرمانشاه. *فصلنامه انسان و محیط‌زیست*، ۲۰ (۳)، ۲۴۴-۲۳۱.
۲۵. وارثی، ح. ر.، ایزدی، م.، و محمودزاده، م. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی تأثیرگذار در برنامه‌ریزی مسکن استان‌های کشور. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۵ (۳۷)، ۱۳۳-۱۵۴.
۲۶. یزدانی، م. ح.، سلمانی، ه.، و پاشازاده، ا. (۱۳۹۶). بررسی رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکن مهر، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکن مهر اوشیب و مهر ولایت بابل. *جغرافیا و توسعه*، ۲ (۴۷)، ۲۵۳-۲۷۰.

27. Buckley, R., & Kalarickal, J. (2005). *Housing policy in developing countries conjectures and refutations*. World Bank resobs.
28. Caruso, N. (2017). *Housing policies in Italy: From social housing to neo-liberalism*. In *policies and practices in Italian welfare housing*. Springer briefs in geography. Springer: Cham.
29. Charles, L. (2007). Choguill, the search for policies to support sustainable housing. *Journal of Habitant International*, (31), 143-149.
30. Colburn, G. (2019). The use of markets in housing policy: a comparative analysis of housing subsidy programs. *Housing Studies, Taylor & Francis Journals*, 36(1), 46-79.
31. García Amado, P. (2016). Connecting tenure security with durable solutions to internal displacement: From restitution of property rights to the right to adequate Housing. *International Migration*, 54(4), 74-86.
32. Jose, A., & Puppim, D. O. (2019). Sustainability challenges in an urban century: Can we change urbanization paths to make cities the solutions for rather than the drivers of global problems? *Challenges in Sustainability*, 7(1), 1-4.
33. Kim, C. W., Phipps, T., & Anselin, L. (2003). Measuring the benefits of air quality improvement: A spatial hedonic approach. *Journal of Environmental Economics and Management*, 1(45), 24-39.
34. Liu, S., & Lin, Y. (2006). *Grey information theory and practical applications*. London: Springer.
35. Martin, Ch., Pawson, H., & Nouwelant, R. (2016). *Housing policy and the housing system in Australia: an overview*. Report for the Shaping Housing Futures Project. Retrieved from <https://shapingfutures.gla.ac.uk/wp-content/uploads/2016/09/Shaping-Housing-Futures-Australia-background-paper.pdf>
36. Nasution, I. N., & Alvan, S. (2017). Optimization of sustainable house in urban area. *Procedia Engineering*, (171), 250-257.
37. Pawson, H., Milligan, V., & Yates, J. (2020). *Housing Policy in Australia: A Case for System Reform*. Singapore: Palgrave Macmillan.
38. Piparsania, K., & Kalita, P. C. (2022). Development of DASH: Design Assessment Framework for Sustainable Housing. *Sustainability*, 14(23), 1-20
39. Singh, V. S., & Pandey, D. N. (2012). *Sustainable Housing: Balancing Environment with Urban Growth in India*. RSPCB Occasional Paper, No. 6
40. Tuohy, P. G. (2007). *Sustainable Housing*. Master thesis. University of Strathclyde.
41. Un-Habitat. (2012). *Sustainable Housing for Sustainable Cities: A Policy Framework for Developing Countries*, United Nations Human Settlements Programme (Un-Habitat).
42. World Bank. (2018). *Urban development*. Retrieved 29 May 2018, from: www.worldbank.org/en/topic/urbandevelopment/overview.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82695.1286>

مطالعه مروری

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

فرا تحلیل آگاهی از حقوق شهروندی در ایران (در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)

سیداحمد میرمحمدتبار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، نویسنده مسئول)

a-mirmohamadtbar@araku.ac.ir

زین العابدین افشار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران)

z-afshar@araku.ac.ir

سعید محمودی (کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

saeidmahmoudi1395@gmail.com

صص ۲۸۷ – ۳۱۴

چکیده

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاست‌مداران زیادی را به خود جلب کرده است. در موضوع آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل آن، تحقیقات متعدد با نتایج متفاوت در ایران انجام گرفته است که ترکیب و جمع‌بندی نتایج مربوط، ما را به درک روشن‌تری از این واقعیت پراهمیت رهنمون خواهد کرد. فراتحلیل حاضر با هدف شناسایی نقاط افتراق و اشتراک تحقیقات این حوزه و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران انجام شد. جمعیت آماری این تحقیق همه مقالات معتبر علمی بودند که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ با موضوع آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل آن منتشر شدند. ملاک انتخاب مقالات برای فراتحلیل، اندازه اثر عوامل بر آگاهی از حقوق شهروندی بود که در نهایت به انتخاب ۲۲ مقاله معتبر انجامید. نتایج فراتحلیل نشان می‌دهد، اول اینکه آگاهی از حقوق شهروندی در ایران در حد متوسط است؛ دوم اینکه از میان عوامل متعدد، مشارکت اجتماعی، پایگاه

اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای در مقایسه با سایر عوامل، تأثیر بیشتری بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران داشته‌اند؛ سوم اینکه تحلیل اندازه اثر نشان می‌دهد که اثر معنادار مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی مصرف رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق شهروندی به ترتیب برابر ۰/۳۲، ۰/۲۷ و ۰/۲۶ بوده است. با توجه به تأثیر این متغیرها بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان پیشنهادهایی مثل معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... در زمینه‌های مختلف به شهروندان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان برای افزایش میزان حضور در عرصه‌های عمومی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان صداوسیما برای تولید برنامه‌هایی با موضوع شهروندی و فراهم آوردن زمینه مناسب برای مطالبه حقوق شهروندی از طریق برنامه‌های تلویزیونی، پیامکی و سامانه اینترنتی ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها: فراتحلیل، اندازه اثر، آگاهی از حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، کشور ایران.

۱. مقدمه

شهروندی^۱ از دیرباز مفهومی محوری در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مثل جامعه‌شناسی، جغرافیا و تاریخ بوده است و که بررسی رابطه بین شهروندان و دولت (یا دولت‌های محلی مثل شهرداری) می‌پردازد (لمانسکی^۲، ۲۰۱۹، ص. ۱۰). ایسین و نیلسن^۳ (۲۰۰۸) عبارت «اعمال شهروندی»^۴ را ابداع کردند و در این مفهوم بر لزوم دور کردن توجه از کسانی که قوانین شهروندی را تعیین می‌کنند (به عنوان مثال دولت یا شهرداری) یا کسانی که تبعیت از این قوانین را انجام می‌دهند (به عنوان مثال شهروندان) تأکید می‌کنند و توجه را بر اعمال و رفتارهای شهروندی متمرکز می‌کنند. آن‌ها مدعی‌اند که تمرکز از نهاد شهروندی و شهروند، به عنوان عامل فردی، به اعمال شهروندی تغییر کند؛ یعنی اعمال جمعی یا فردی که الگوهای اجتماعی را شکل می‌دهد (ایسین و نیلسن ۲۰۰۸، ص. ۲).

1. Citizenship

2. Lemanski

3. Isin and Nielsen

4. Acts of citizenship

وود^۱ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که شهروندی وضعیت رسمی است که از یک طرف شهروندان در شهر یا کشوری که زندگی می‌کنند دارای حق و حقوقی هستند و از طرف دیگر باید وظایف و تکالیفی را انجام دهند؛ درحالی‌که برخی محققان مثل تیلور-گوبی^۲ (۲۰۰۸) و دوایر^۳ (۲۰۱۰) از برچسب‌های مختلفی مثل «شهروندی اجتماعی» برای نشان دادن اعمال شهروندی استفاده می‌کنند. در ادبیات این حوزه اجماع کلی وجود دارد که شهروندی فقط درمورد قرارداد حقوقی مشروع بین دولت و شهروندان نیست، بلکه شامل راه‌هایی نیز است که شهروندان از طریق آن این احقاق حقوق را نشان می‌دهند و در نتیجه شهروندی فضای حیاتی زندگی روزمره در شهر معاصر را در بر می‌گیرد (وود، ۲۰۱۳، ص. ۱۱۱).

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی چند قرن اخیر است و در ابتدایی‌ترین حالت به رابطه بین افراد و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، به‌ویژه دولت مربوط می‌شود (کاندور^۴، ۲۰۱۱). مارشال^۵ (۱۹۵۰، ۱۹۹۲) پیشنهاد کرد که این اشکال شهروندی در دولت-ملت‌های غربی به ترتیب در قرن‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ در کنار تغییرات عمده در نهادهای اجتماعی و شرایط مادی زندگی مردم ظهور کرد (هامپیج^۶، ۲۰۱۴). به‌عنوان مثال، «دولت رفاه»^۷ ایالات متحده در دهه ۱۹۳۰ در پاسخ به رکود بزرگ که ناشی از قمار بازار سهام و اقتصاد نامحدود بازار آزاد بود، ایجاد شد (یرگرین و استانیسلاو^۸، ۲۰۰۲). به‌طور مشابه، ایده‌های مارشال در ابتدای آنچه شکل گرفت که اکنون به‌عنوان «دولت رفاه» در بریتانیا می‌شناسیم. بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۸، قوانینی برای آموزش همگانی رایگان، ایجاد خدمات بهداشتی ملی و گسترش بیمه ملی به تصویب رسید (دوایر^۹، ۲۰۰۰). این اصلاحات توسط اقتصاد کینزی^{۱۰} انجام شد که افزایش مخارج دولتی را به‌عنوان بهترین راه برای سرپا نگه داشتن اقتصاد و همچنین بهبود

1. Wood
2. Taylor-Gooby
3. Dwyer
4. Condor
5. Marshall
6. Humpage
7. Welfare state
8. Yergin & Stanislaw
9. Dwyer
10. Keynesian

وضعیت زندگی شهروندان از نظر حقوق آموزش، بهداشت، مسکن و رهایی از تأثیرات منفی بیکاری پیشنهاد می‌کرد (ریوی^۱، ۲۰۱۴).

مارشال (۱۹۵۰، ۱۹۹۲) با تأکید بر برابری موقعیت و فرصت استدلال کرد که این حقوق برای تسهیل مشارکت کامل در جامعه و فراتر رفتن از نابرابری‌های مرتبط با سرمایه‌داری و ساختار طبقاتی ضروری است. ایده مارشال از شهروندی را می‌توان به‌عنوان تلاشی مفید برای ادغام ایده‌های مرتبط با اشکال لیبرال و جامعه‌گرایی^۲ شهروندی در نظر گرفت (اندرسون و گیبسون^۳، ۲۰۲۰). به‌طور کلی، لیبرالیسم شامل مفهوم‌سازی شهروندی به‌عنوان موقعیت یا مجموعه‌ای از حقوق است که به «کسب‌کردن» نیاز ندارد؛ درحالی‌که جامعه‌گرایی آن را به‌عنوان مسئولیت شامل مشارکت و فضیلت می‌داند. ایده مارشال شامل تلاش برای ترکیب تأکید بر فردگرایی ذاتی لیبرالیسم با تشویق انسجام جامعه است که در سنت جامعه‌گرایی یافت می‌شود (دوایر، ۲۰۱۰).

جذابیت شهروندی صرفاً به دلیل منافع نیست که به فرد می‌رساند. شهروندی همواره ایده دوجانبه و اجتماعی است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند. حقوق همیشه به چهارچوبی برای پذیرششان و مکانیسم‌های برای تحقیقشان نیاز دارند. چنین چهارچوبی که شامل دادگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و پارلمان‌ها می‌شود، بدان نیاز دارد که همه شهروندان وظیفه خود را در حفظ آن ایفا کنند؛ یعنی شهروندی علاوه بر حقوق بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد. در اینجا مفید است که میان انواع مسئولیت‌ها و تعهدات تمایز قائل شویم. می‌توان وظایف را آن دسته از مسئولیت‌هایی تلقی کرد که به‌وسیله قانون مقرر می‌شود و برای احترام نگذاشتن فرد به آن‌ها مجازات‌هایی تعیین می‌شود. برعکس، تعهدات را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست (شیانی، ۱۳۸۱).

آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتمادپذیری و تعهد مدنی افراد جامعه مؤثر خواهد بود؛ چراکه تعهد مدنی بر توازن استوار

1. Revi

2. liberal & communitarian

3. Anderson & Gibson

است که افراد بین نفع خود (فردی) و دیگران (جمعی) قائل اند؛ به عبارت دیگر، سهم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی (برای منافع شهر یا بهبود جامعه) معرف تعهد مدنی به شمار می آید و در این زمینه اولویت‌ها، علایق و اهدافی که افراد برای آینده خود ترسیم می کنند، مشخص می کند که آنان تا چه اندازه نفع خود را با نفع عمومی یکی می دانند (ذکائی، ۱۳۸۲).

امروزه در تمام جوامع و نظام‌های سیاسی سخن از مشارکت فعال شهروندان است که همکاری بخش‌های دولتی، خصوصی و غیردولتی را توصیه می کند. مواردی از این گونه مشارکت‌ها، هیئت‌های شهروندی هستند که موفقیت درخواست‌های را در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان، آلمان و آمریکا به دست آورده‌اند. این هیئت‌ها برای مردم عادی امکان مشورت و ارائه پیشنهاد به کارگزاران و مسئولان در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و آموزش فراهم می کنند. درحقیقت اعضای یک جامعه با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود و نهادهای موجود در جامعه به‌ویژه دولت در قالب هیئت‌های شهروندی و نظایر آن در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت می کنند. بدین‌سان، شهروندی چهارچوبی برای تعامل میان افراد، گروه‌ها و نهادها را در قالب حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات ارائه می کند (شیانی، ۱۳۸۴).

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاست‌مداران زیادی را به خود جلب کرده است. جایگاه حقوق برای حل موفقیت‌آمیز مسائل مهم حکومت‌داری یعنی نیاز به توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی است و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است؛ چراکه رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آن‌ها و نحوه ضمانت اجرایی آن‌هاست که خود عاملی مهم برای رشد شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می رود (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹).

همان‌طور که گفته شد، طی دهه‌های گذشته به دلایل متعددی میزان توجه به حقوق شهروندی و آگاهی به آن در جامعه ایران بیشتر شده است که نیاز به انجام فراتحلیل در این موضوع احساس می شود. در تحقیق حاضر تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که «در

تحقیقات انجام شده در زمینه حقوق شهروندی طی دو دهه اخیر، چه عواملی بیشترین تأثیر را بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران دارند؟»

یکی از دلایل پرداختن به این موضوع در دو دهه اخیر، افزایش اهمیت برخی از موضوعات اجتماعی مثل حقوق شهروندی در عصر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر تازه‌ای کرده است. در بستر این عصر تازه، دانش ارتباطات موجب تحولات شگرفی در عرصه روابط اجتماعی شده است (عاملی، ۱۳۸۴، ص. ۲). در جامعه امروز، سیاست، حکومت و جوامع بیش از گذشته رسانه‌ای شده و حیات بشری به شکل شگفت‌آوری با رسانه‌ها عجین شده است (گیدنز، ۱۴۰۲، ص. ۴۷). از طرفی در جوامع امروزی مفهوم شهروندی معنایی بیش از عضویت در یک جامعه پیدا کرده است. کسب مهارت‌های شهروندی یا به عبارت دیگر، تبدیل شدن به شهروندی مؤثر و کارآمد، مستلزم آشنایی و آگاهی از حقوق و تکالیف، حساسیت نسبت به فرهنگ و منزلت انسانی است و همچنین رفتارهای مدنی مانند مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه و شرکت در انتخابات و حفظ نظم اجتماعی افراد را به شهروندان فعال و کارآمد جامعه تبدیل می‌کند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۸). نتایج تحقیقات مختلف (شیانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی‌ها، مهارت‌های شهروندی و شکل‌گیری رفتارهای مدنی کمک کنند. پرداختن به موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در کشور ایران که در دو دهه اخیر شاهد گسترش استفاده شهروندان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده است، می‌تواند مهم باشد که در این تحقیق موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در دو دهه اخیر بررسی شد.

۲. پیشینه مفهومی شهروندی

کوپر^۱ (۲۰۰۹) در بررسی مراحل انجام فراتحلیل اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریه‌ها و تحقیقاتی اشاره شود که رابطه بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

1. Cooper

بررسی شده در فراتحلیل را نشان می‌دهند تا خواننده در ابتدا درکی کلی از مهم‌ترین نظریه‌هایی پیدا کند که در این حوزه وجود دارد. در همین راستا، در این قسمت از تحقیق حاضر به چند دیدگاه مهم در زمینه حقوق شهروندی اشاره می‌شود.

شهروندی از مفاهیم اجتماعی بسیار مهم است که محتوا و معنای خود را درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی-اجتماعی آشکار کرده است. این مفهوم در فرایند تاریخی و به تبع تحولات پدیدآمده در جوامع، دگرگون شده است؛ چنانکه مکاتب و صاحب‌نظران مختلف این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت بررسی کرده‌اند و هریک بر بعد یا ابعادی از آن تأکید کرده‌اند. در آرا و خط‌مشی‌های جمهوری خواهان یا سنت جمهوری خواهی مدنی، شهروندی مفهومی کلیدی است. شهروندان اعضای کامل و برابر یک اجتماع سیاسی‌اند و هویت آنان با مسئولیت‌ها و وظایف تعریف شده در آن اجتماع سیاسی شکل می‌گیرد. در جمهوری خواهی، شهروندی عمل است و کسی که در عمل درگیر نشود، شهروند تلقی نمی‌شود؛ یعنی عضویت کامل اجتماع سیاسی با انجام دادن تکالیف و وظایف شهروندی امکان‌پذیر می‌شود. در سنت لیبرال، شهروندی به مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. گفته می‌شود که این حقوق چند کارکرد دارد. مهم‌ترین کارکرد حقوق فردی این است که استقلال فردی را به همراه می‌آورد و افراد رضایت می‌دهند بعضی آزادی‌هایشان را در ازای تأمین امنیت از سوی دولت واگذار کنند (شیانی و سپهوند، ۱۳۹۲، صص. ۴۷۲-۴۷۳).

مارشال بحث شهروندی را به سه بخش تقسیم می‌کند: عنصر مدنی در جهت تحقق آزادی‌های فردی ضروری است و از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت، عنصر سیاسی از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به‌ویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی مخفی به وجود آمده است. مارشال عنصر اجتماعی را به‌عنوان حق «برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهیم شدن به‌طور کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به‌مانند یک موجود متمدن» تعریف کرد. این سه عنصر از قرن هفدهم تا قرن بیستم به‌تدریج شکل گرفتند و از طریق فرایند تفکیک نهادی که به‌وسیله آن عاملان اجتماعی بسط یافتند تا این حقوق را بیان کنند، تثبیت شده بودند. در کنار این سه عنصر، مجموعه‌ای از نهادها همچون دادگاه‌ها، پارلمان، شوراهای حکومت محلی،

نظام آموزشی و خدمات اجتماعی نیز وجود داشتند که به این حقوق نمود اجتماعی می‌دادند (نش، ۱۳۹۴).

مارشال در نظریه خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به عنوان نظامی پویا مطرح می‌کند که در آن برخورد مدام میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین‌کننده زندگی سیاسی و اجتماعی است؛ بدین صورت که فرایند تضمین حقوق اجتماعی موجب فرسایش تفاوت‌های طبقاتی می‌شود و مساوات‌طلبی شهروندی را تقویت می‌کند. در عین حال تهدید امتیاز طبقاتی واکنش دفاعی را برمی‌انگیزد و طبقه مسلط از نظر اقتصادی، از موقعیت خود در برابر بسط و گسترش حقوق اجتماعی دفاع می‌کند (اولیور و هیترا، ۱۹۹۴، ص. ۳۴).

جانوسکی^۲ (۱۹۹۷) چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی شامل حق برای قرارداد بستن، آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات و...؛ حقوق سیاسی شامل حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش و...؛ حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و...؛ حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و... (جانوسکی، ۱۹۹۷). جانوسکی معتقد است که شهروندی عضویت فعال و غیرفعال افراد در ملت-دولت با حقوق و تکالیف عام‌گرایانه مشخص می‌شود و در سطحی مشخص از برابری است. در تعریف جانوسکی چهار نکته اساسی مطرح شده است: اول اینکه شهروندی با عضویت در ملت-دولت شروع می‌شود؛ دوم اینکه شهروندی دارای حقوق و تکالیف معینی است؛ سوم اینکه حقوق شهروندی عام است و برای همه شهروندان جاری است؛ چهارم اینکه شهروندی حاکی از برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷، ص. ۷).

برایان اس. ترنر^۳ (۲۰۰۸) بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، نوعی هویت فرهنگی خاص برای فرد و گروه نیز ایجاد می‌کند؛ این همان مفهومی است که در مورد سیاست هویت بحث می‌کند؛ بنابراین وقتی متفکران علوم سیاسی از

1. Oliver & Heater

2. Janoski

3. Turner

شهروندی سخن می‌گویند، منظورشان نحوه دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی است. از دیدگاه فلسفه سیاسی، شهروندی دارای آرمانی به نام «شهر خوب و متعالی» است که از کارکرد بهینه دموکراسی نشئت می‌گیرد. درواقع واژه شهروندی مبین ارتباط شهروندی با به وجود آمدن جامعه بورژوازی و به‌طور خاص با سنت‌های جامعه مدنی مرتبط است. به عقیده ترنر، منظور از منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که هر شهروند از آن‌ها بهره‌مند می‌شود و به اصطلاح هر شهروند دارای حقوقی است. حقوق اقتصادی به نیازهای اساسی مانند غذا و سلامتی، حقوق فرهنگی، به امکان دسترسی به رفاه و آموزش و همچنین حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان مربوط می‌شود. مجموعه این حقوق را حقوق اجتماعی می‌گویند که از حقوق انسانی متمایز می‌شود. حقوق اجتماعی این فرض کلی را در بردارد که شامل کسانی می‌شود که عضو دولت -ملت هستند (کوزر، ۱۳۸۶).

ترنر به جای تعریف شهروندی در چهارچوبی ایستا از حقوق و تکالیف، آن را به‌عنوان فرایند تعریف می‌کند. شهروندی هم فرایندی دربرگیرنده است که منابعی را بازتوزیع می‌کند و هم فرایندی پردکننده است که هویت‌هایی را مبنای همبستگی مشترک یا تصویری می‌کند. حق احراز شهروندی علاوه بر فراهم آوردن معیارهای توزیع منابع کمیاب، درعین حال هویت‌های نیرومندی را پدید می‌آورد که نه تنها هویت‌های حقوقی‌اند، بلکه نوعاً دارای فرض‌هایی درباره قومیت، دین و جنسیت هستند (ترنر، ۱۳۸۴، ص. ۳۲). ترنر حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. شهروند دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش است. ترنر به نقش اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در بین وضعیت اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه کرد؛ چراکه همچون واسطه‌ای بر آگاهی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند (حاج‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲، ص. ۶۲).

سیزر و هبرت^۱ (۲۰۰۵) در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می‌کنند که شهروندی دارای چهار بعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی-اقتصادی و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد. بعد سیاسی شهروندی به‌طور عمده شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی به ارتباط بین افراد در موقعیتی اجتماعی و همچنین به مشارکت در فضای باز سیاسی اشاره دارد (فالکس، ۱۳۹۰).

جیمز کلمن^۲، وجوه چهارگانه‌ای را با تأکید بر برابری حقوق مدنظر قرار داده است. شهروندی از نظر او یعنی برابری اساسی انسانی از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برابر تمامی شهروندان تجسم یابد. کلمن وجود دو هنجار یا قاعده را برای تحقق حقوق شهروندی حائز اهمیت می‌داند که عبارت‌اند از: نظم حقوق عام‌گرا و هنجار موفقیت. نظم حقوق عام‌گرا به معنی برتری هنجارهای عام بر هنجارهای خاص در حوزه روابط حکومت با شهروندان است که برای تحقق حقوق برابر شهروندی اهمیت دارد. او این حقوق مساوات در برابر قانون (برابری در حقوق یا امتیازات) را لازم می‌شمارد. هنجارهای موفقیت به معنی اولویت هنجارهای اکتسابی بر هنجارهای انتسابی در اعطای نقش‌های سیاسی و دیوانی است. هنجارهای اکتسابی در کنار حقوق عمومی شهروندی درخصوص آموزش و پرورش، رعایت اصل برابری در فرصت اولیه را تضمین می‌کند (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷، ص. ۶).

پارسونز^۳ شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که درنهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی، گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه

1. Sezer & Hebert

2. Colman

3. Parsons

دارند؛ خود را با مقتضیات زمان و وضعیت اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از «حقوق شهروندی» ندارند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷). از نظر پارسونز، شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است؛ بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهم‌ترین موضوع مدنظر پارسونز، گروه‌هایی است که از امتیازهای شهروندی محروم‌اند؛ به‌عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» او در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و وضعیت اجتماعی وفق نداده‌اند، درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت (شیانی و دادوندی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه آگاهی افراد از حقوق و به تبع آن از وظایفشان فراهم شود (هزارجوبی و امانیان، ۱۳۹۰، ص. ۹).

هابرماس^۱ معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌شوند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند؛ بر همین مبنا، وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن

1. Habermas

فرد را می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (هابرماس، ۱۹۹۲، ص. ۳۵۰)

فالكس^۱ اجزای تشکیل‌دهنده شهروندی را افزون بر حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی دانسته و مهم‌ترین بستر آن را اخلاق مشارکت در جامعه سیاسی دموکرات تعیین کرده است. از نظر وی، اهمیت شهروندی در توان برقراری ارتباط مناسب میان فرد و جامعه سیاسی است؛ به نحوی که خلأ برابری که با هویت‌یابی نظریه طبقه، مذهب یا قومیت ایجاد می‌شود، با وجود آن از بین می‌رود (فالكس، ۱۳۹۰).

فالكس (۱۳۹۰) ارتقای شهروندی را در گام اول مستلزم رسمیت بخشیدن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان فعال و جامعه سیاسی در قبال یکدیگر و دومین گام را تأمین حقوق اجتماعی همه اعضای جامعه از طریق برآوردن نیازهای اساسی آن‌ها دانسته است. توجه به «شهروندی خصوصی» سومین شیوه‌ای است که به ارتقای شهروندی منجر می‌شود. این اصطلاح به کاربرد اصول شهروندی و زندگی خصوصی افراد می‌پردازد. شهروندی خصوصی متضمن دموکراتیک کردن حوزه خصوصی با بها دادن به ارزش‌های اخلاقی مشارکت و برابری است. از آنجاکه دموکراتیک شدن حوزه خصوصی درنهایت با دموکراتیک شدن فرایندهای اجتماعی همراه است، به ارتقای شهروندی می‌انجامد. این صاحب‌نظر درنهایت استدلال می‌کند در یک جامعه جهانی، بقای شهروندی با اتکا به شکل بسته و انحصاری دولت‌های ملی و منطقه‌ای دشوار است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

فرا تحلیل^۲ مجموعه‌ای از روش‌های آماری برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه به منظور تولید خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص است (لیپسی و ویلسون^۳، ۲۰۰۱). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت دانش زیادی روی داده است، استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از

1. Falks

2. Meta-analysis

3. Lipsey & Wilson

تحقیقات بسنجد (لیتل^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). امروزه، فراتحلیل را به عنوان بخش آماری مرور نظام مند^۲ در نظر می گیرند که یک سؤال تحقیق مشخص و تعریف شده دارد و از روش های دقیق و منظم برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی تحقیقات مرتبط و جمع آوری و تحلیل داده ها از تحقیقاتی که شامل این مرور می شوند، استفاده می کنند.

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب مرور نظام مند می شود تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه با تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مطالعه شده به جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته های پژوهش های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش های کمی استفاده می شود. در اینجا به این نکته تأکید می شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می رود که مطالعات بررسی شده کمی باشند. در فراتحلیل ابتدا موضوع انتخاب می شود. سپس مسئله فرموله می شود و مطالعاتی جمع آوری می شوند که با موضوع مرتبط اند و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده اند. مشخصه های مطالعات کدگذاری و استخراج شده و آماره ها و میانگین و سایر داده های آماری به اندازه اثر^۳ تبدیل می شود. در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده تفسیر می شود (برون استین و همکاران، ۲۰۰۹).

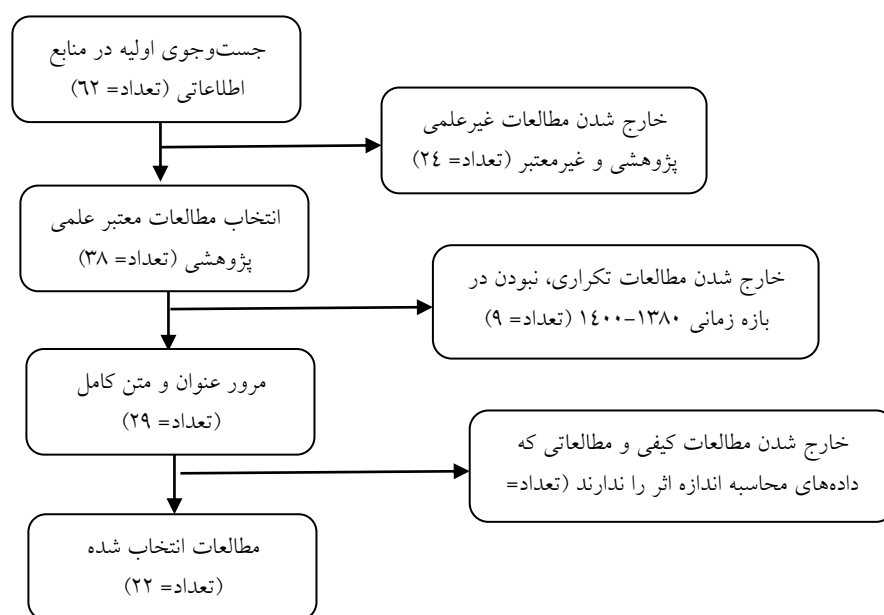
در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش مرور نظام مند مقالات بررسی شد. در مرور نظام مند به موضوعاتی مانند حوزه بررسی مطالعات، روش تحقیق مقالات، جمعیت آماری و متغیرهای استفاده شده در مقالات پرداخته می شود. بعد از مرور نظام مند، به بررسی اندازه اثر هر یک از متغیرها پرداخته شد. جامعه آماری این مطالعه، همه تحقیقات با موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در ایران بودند که از سال های ۱۳۸۰ تا سال ۱۴۰۰ در مجلات معتبر علمی-پژوهشی تأیید شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شدند. مقالات در پایگاه های مگیران، نورمگز و پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی با کلیدواژه های «حقوق شهروندی»، «آگاهی از حقوق شهروندی» و «آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی» جست و جو

1. Littlel

2. Systematic review

3. Effect size

شدند که بعد از مطالعه چکیده و آماره‌های موردنیاز برای انجام دادن فراتحلیل در قسمت روش و نتایج (مثل حجم نمونه، ضریب همبستگی یا رگرسیونی به همراه سطح معناداری) پالایش شدند که در نهایت ۲۲ مقاله برای فراتحلیل، مناسب تشخیص داده شدند. شکل ۱ فلوچارت استراتژی جست‌وجو و انتخاب مطالعات را نشان می‌دهد.



شکل ۱. فلوچارت استراتژی جست‌وجو و انتخاب مطالعات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مدنظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع^۱ برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده شد؛ بدین ترتیب که آزمون-های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف^۲ به اندازه اثر ترکیبی به روش هانتز و اشمیت^۳ تبدیل شدند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن^۴ بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

1. comprehensive meta-analysis

2. Wolf

3. Hunter & Schmidt

4. Cohen

جدول ۱. جدول توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها

مأخذ: کوهن، ۱۹۷۷

معنی اندازه اثر	مقدار r	مقدار d
اندازه اثر کم	کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵
اندازه اثر متوسط	از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸
اندازه اثر زیاد	۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان داد که روش به‌کاررفته در همه ۲۲ مقاله بررسی‌شده، توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار جمع‌آوری داده در همه این مقالات، پرسش‌نامه بود.

۴.۱. مرور نظام‌مند

جدول ۲ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی برحسب میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در تحقیقات مرورشده در این زمینه است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که ۵۸/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات بررسی‌شده، میانگین متوسط را برای آگاهی از حقوق شهروندی برای پاسخ‌گویان خود گزارش کرده‌اند و این مقدار دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، میانگین در حد زیاد با ۲۷ درصد (۶ مورد) بیشترین میزان را دارد. میانگین کم با ۱۳/۵ درصد (۳ مورد) کمترین میزان دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب میانگین آگاهی از حقوق شهروندی^۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

میانگین	تعداد	درصد
کم	۳	۱۳/۵
متوسط	۱۳	۵۸/۵
زیاد	۶	۲۷

۱. نمرات میانگین در این تحقیقات ابتدا با فرمول هم‌ارزی نمرات زیر (به نقل از دواس، ۱۳۸۶) هم‌ارز شده و بعد از آن در سه طبقه کم، متوسط و زیاد دسته‌بندی شدند.

تعداد نمرات در توزیع * بازه توزیع / (حداقل نمرات توزیع قدیمی - نمره در مقیاس قدیمی) = نمره در مقیاس جدید.

میانگین	تعداد	درصد
جمع کل	۲۲	۱۰۰

جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی برحسب جامعه بررسی شده در تحقیقات مرور شده در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول ۳، ۵۸/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات مرور شده بر شهروندان زن و مرد تمرکز کردند که دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، جامعه دانشجویان و دانش‌آموزان با ۲۷ درصد (۶ مورد)، رتبه بعدی را به خود اختصاص داده است. همچنین جمعیت آماری شهروندان زن با ۱۳/۵ درصد (۳ مورد) کمترین میزان را دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی جامعه آماری مقالات بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

جامعه آماری	تعداد	درصد
شهروندان زن و مرد	۱۳	۵۸/۵
دانشجویان و دانش‌آموزان	۶	۲۷
شهروندان زن	۳	۱۳/۵
جمع کل	۲۲	۱۰۰

جدول ۴ توزیع فراوانی و درصدی برحسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. براساس فرضیه‌های طرح شده در تحقیقات مرور شده، به استخراج و طبقه‌بندی متغیرهای مرتبط با آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته شد. این متغیرها ۳۴ تاست. در جدول ۴ هریک از متغیرهای حاضر در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، برحسب تعداد و فراوانی حضور هریک در فرضیه‌ها آورده شده است. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، با توجه به تعدد حضور متغیرها در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، متغیر تحصیلات با ۱۲ مورد، سن با ۱۱ مورد و جنسیت با ۹ مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از آن‌ها، متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی با ۸ مورد و متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت اجتماعی با ۷ مورد بیشترین میزان را دارند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد نسبی عوامل تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی در مقالات

بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

ردیف	عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی	تعداد	درصد نسبی
۱	تحصیلات	۱۲	۵۴
۲	سن	۱۱	۴۹/۵
۳	جنسیت	۹	۴۰/۵
۴	استفاده از رسانه جمعی	۸	۳۶
۵	پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت اجتماعی	۷	۳۱/۵
۶	نگرش به حقوق شهروندی، درآمد، نگرش به مشارکت، آگاهی سیاسی، شغل، طبقه اجتماعی	۲	۹
۷	قومیت، آموزش، محل تولد، رشته تحصیلی، شهروندی فعال، پیگیری اخبار و وقایع، نگرش به دخالت دولت، ملی‌گرایی، آگاهی از حقوق دانشجویی، آگاهی از وظایف شهروندی، فعال‌گرایی، توسعه مناطق شهری، جامعه‌پذیری جنسیتی، تقسیم جنسیتی کار خانگی، وضعیت تأهل، تعهدات و اخلاق شهروندی، انتظار شهروندان از دولت، وظایف شهروندان در قبال دولت، جو سیاسی خانواده، فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی، عضویت در طایفه، ارزیابی از اقدامات لازم برای بهبود وضعیت شهر، ارزیابی از اقدامات لازم برای رفع مشکلات شوراها	۱	۴/۵

جدول ۵ توصیف تحقیقات مرور شده برحسب منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده را نشان می‌دهد. مطابق نتایج این جدول، بیشتر این تحقیقات در منطقه مرکز کشور (شامل استان‌های تهران و سمنان) با ۵۴ درصد انجام شده است. بعد از آن منطقه غرب کشور (استان‌های لرستان و کردستان) با ۳۱/۵ درصد قرار دارد. مناطق شرق کشور (استان‌های خراسان رضوی و شمالی) و جنوب کشور (استان خوزستان) نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۵. توصیف تحقیقات مرور شده بر حسب منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده	تعداد	درصد
مرکز کشور (استان‌های تهران و سمنان)	۱۲	۵۴
غرب کشور (استان‌های لرستان و کردستان)	۷	۳۱/۵
شرق کشور (استان‌های خراسان رضوی و شمالی)	۲	۹
جنوب کشور (استان خوزستان)	۱	۴/۵
جمع	۲۲	۱۰۰

۴.۲. اندازه اثر هریک از عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی

جدول ۶، شش مورد از بیشترین اندازه‌های اثر متغیرهای مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ مطالعه حکایت از این دارد که مطالعات تا حد ناهمگون‌اند و تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ فرضیه حدود ۰/۳۲ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ مطالعه در حد متوسط است.

نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۷ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۲۷ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۸ فرضیه حدود ۰/۲۶ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت این اندازه اثر در حد ضعیف است.

نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد، رابطه سن و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۱۱ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۴ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه جنسیت و

آگاهی از حقوق شهروندی در ۹ فرضیه حدود ۰/۱۳ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می توان نتیجه گرفت که این اندازه اثر در حد ضعیف است. نتایج اثرات تصادفی نشان می دهد که رابطه تحصیلات و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۱۲ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۲ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد.

جدول ۶. یافته های فرا تحلیل حاضر با ترکیب اندازه اثر به روش اشمیت و هانتز

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۲

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	اثرات ترکیبی ثابت	تعداد مطالعه	آماره / متغیرهای مستقل
۲	۴۲/۱*	۰/۰۴ - ۰/۴۶	۰/۱۸ - ۰/۲۷	۰/۳۲*	۰/۳۰*	۷	مشارکت اجتماعی
۴	۶۷/۹*	۰/۰۷ - ۰/۴۴	۰/۲۱ - ۰/۳۰	۰/۲۷*	۰/۲۶*	۷	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۴	۲۹/۲*	۰/۱۴ - ۰/۳۶	۰/۱۹ - ۰/۲۶	۰/۲۶*	۰/۲۳*	۸	استفاده از رسانه جمعی
۹	۱۴۴/۶*	۰/۰۵ - ۰/۳۶	۰/۱۰ - ۰/۱۶	۰/۱۴*	۰/۱۳*	۱۱	سن
۶	۴۶/۵*	۰/۰۱ - ۰/۲۳	۰/۰۹ - ۰/۱۷	۰/۱۳*	۰/۱۲*	۹	جنسیت
۱۰	۱۸۷/۴*	۰/۰۱ - ۰/۲۳	۰/۰۸ - ۰/۱۳	۰/۱۲*	۰/۱۰*	۱۲	تحصیلات

* سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است و معناداری دارد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

رفاه و امنیت هر جامعه ای در گرو مشارکت و همکاری اعضای آن است، اما مردم زمانی مشارکت خواهند کرد که هریک به عنوان یک شهروند به رسمیت شناخته شوند. این موضوع مهم مستلزم آگاهی و شناخت کافی شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی است. تحقیق حاضر با مرور انتقادی تحقیقات شهروندی در صدد شناسایی آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن انجام شد.

نتایج مرور نظام مند نشان داد که در بیشتر تحقیقات میزان آگاهی از حقوق شهروندی در ایران در حد متوسط است و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی بر افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد پذیری و تعهد مدنی افراد جامعه مؤثر است. به علاوه افزایش آگاهی

شهروندی زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را در امور جامعه فراهم می‌کند و باعث می‌شود متصدیان امور پاسخ‌گویی بیشتری در مقایسه با قبل داشته باشند و رفاه و امنیت در جامعه گسترش بیشتری پیدا کند؛ باین‌حال، در تحقیقات داخلی بر حقوق شهروندی بیش از تکالیف شهروندی توجه شده است.

به‌علاوه درحالی‌که در تحقیقات داخلی بر عوامل زمینه‌ای آگاهی شهروندی همچون تحصیل، سن و جنسیت تأکید شده، به تأثیر آن‌ها چندان توجه نشده است، اما عواملی همچون مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای که تأثیرگذار بوده‌اند، کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند. چنانکه مارشال (۱۹۹۴) بر رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و شهروندی، هابرماس (۱۹۹۴) بر رابطه مشارکت اجتماعی و شهروندی و پارسونز (۱۹۵۶) بر مصرف رسانه‌ای و شهروندی تأکید ورزیده‌اند.

تحقق شهروندی نیازمند حرکت دو سویه است: از یک سو حرکت از بالا به پایین است که همان ایجاد فرصت برای مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی از طریق نهادها و ساختارهای تسهیل‌کننده است و دیگری حرکت از پایین به بالا است که همان آگاهی شهروندی و تمایل شهروندان برای ورود به فرایندهای مشارکت جویانه در عرصه عمومی است. در جامعه ایران هر دو فرایند پیش‌گفته دچار اختلال است؛ به‌طوری‌که ساختار دولت به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی، تکیه کمتری به مردم دارد و تمرکز نظام تصمیم‌گیری نیز مانع ساختاری برای تسهیل مشارکت شهروندان محسوب می‌شود. مشارکت در چنین ساختاری بیشتر به حفظ سیستم معطوف می‌شود تا اصلاح و دگرگونی آن و فرایندهای مشارکت داوطلبانه و احساس شهروندی در چنین فضایی رونق لازم را ندارد. تأثیر مشارکت بر آگاهی از حقوق شهروندی در راستای نتایج تحقیقات پیشین مانند مطالعات بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، حاتمی و مصطفایی (۱۳۹۱)، شیان و دادوندی (۱۳۸۹)، شیان و فاطمی نیا (۱۳۸۸)، اسکافی (۱۳۸۶) و شیان (۱۳۸۱) است.

به‌علاوه در چنین ساختاری که تمرکز قدرت در دست دولت است، تعریف شهروندی و حقوق و تکالیف شهروندان نیز به‌طور عمیق تحت تأثیر رسانه‌های دولتی است و غالباً به آن دسته از آگاهی‌های شهروندی منجر می‌شود که در آن تعهدات سیاسی و وظایف مدنی

برجسته می‌شود. این نوع آگاهی آموزش نوعی وفاداری به دولت تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی، حضور و مشارکت شهروندان در جهت مشروعیت بخشی سیاسی به حساب می‌آید؛ این در حالی است که بخش گسترده رسانه‌های جمعی مثل ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در ایران استقبال روزافزون شده است، منبع کنترل خارجی دارد و از کنترل رسانه‌های دولتی خارج است؛ بنابراین ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کند که به آگاهی شهروندان و افزایش مطالبات و در خواست های مردم از مسئولان دولتی منجر می‌شود؛ از این رو انتظار می‌رود در این قسمت، مشارکت مردم همراه با اعتراض‌هایی برای احقاق حق و حقوق خود باشد. نتایج تحقیقات پیشین مثل مطالعات باقری و رستمی (۱۳۹۹)، شیانی و سپهوند (۱۳۹۳)، ولیخانی و امینی (۱۳۹۱)، حاتمی و مصطفایی (۱۳۹۱)، هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰) و رسولی و زنده‌بودی (۱۳۸۹) نیز حکایت از تأثیر رسانه بر آگاهی از حقوق شهروندی دارد.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز تبیین‌کننده مناسبی از آگاهی از حقوق شهروندی در ایران است. شهروندی نیازمند منابع برای شناخت و آگاهی، کسب تجارب و مهارت‌های فکری و مشارکتی و برخورداری از رفاه نسبی است. اگر جامعه‌ای در ارائه منابع ضروری شکست بخورد و به نفع گروه‌های خاص عمل کند، شهروندی دچار نقصان می‌شود. منابع زیربنای اصلی توانمندی افراد و گروه‌ها در جامعه است که برخی به صورت حقوق در سنت لیبرال‌ها آمده و بخشی به شکل منابع اقتصادی و اجتماعی مورد نظر رویکردهای جمع‌گرایانه بوده است؛ پس افراد در هر جامعه نیازمند توانمندی از طریق مناسبات مختلف هستند که شرطی لازم برای تحقق شهروندی است. تأثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی بر آگاهی از حقوق شهروندی در راستای نتایج تحقیقات پیشین مانند مطالعات بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، شیانی و سپهوند (۱۳۹۲)، کلدی و پورهنداد (۱۳۹۱)، ولیخانی و امینی (۱۳۹۱)، فتحی و مختارپور (۱۳۹۰) و اسکافی (۱۳۸۶) است.

به نظر می‌رسد تنها راه حل تقویت شهروندی واقعی، تقویت عملکرد مدنی دولت و تنظیم رابطه دوسویه دولت و شهروندان براساس دو قاعده عام‌گرایی و هنجار موفقیت است. بر مبنای قاعده نخست، لازمه شهروندی این است که دولت هنجارهای عام از جمله قوانین را بر

هنجارهای خاص یا هر ملاحظه‌ی دیگری مقدم شمارد و بر مبنای قاعده دوم، هنجارهای موفقیت و عملکردی را اساس تحرک و کسب فرصت‌های اجتماعی قرار دهد. با توجه به تأثیر مشارکت اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد:

۱. تدوین و برنامه‌ریزی جامع برای نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه و همچنین مطالعه و بررسی ارزش‌ها و تقویت ارزش‌های چون عام‌گرایی، اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل شدن به شهروندی فعال؛

۲. معرفی تشکلهای، انجمن‌ها، سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... در زمینه‌های مختلف به شهروندان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان برای افزایش میزان حضور در عرصه‌های عمومی.

همچنین با توجه به تأثیر مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان راهکارهایی پیشنهاد کرد:

۱. استفاده از ظرفیت‌های سازمان صداوسیما برای تولید برنامه‌هایی با موضوع شهروندی؛
۲. نمایش و اجرای برنامه‌هایی در قالب حقوق شهروندی از طریق برنامه‌هایی با موضوعات جذاب و پربیننده در برنامه‌های تلویزیونی؛
۳. بازنگری برنامه‌های رسانه‌های گروهی و گنجاندن موضوعات شهروندی در محتوای برنامه‌ها؛
۴. فراهم آوردن زمینه مناسب برای مطالبه حقوق شهروندی از طریق برنامه‌های تلویزیونی، پیامکی و سامانه اینترنتی.

کتابنامه

۱. پورعزت، ع.، قلی‌پور، آ.، و باغستانی‌برزکی، ح. (۱۳۸۹). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۷-۴۱.

۲. توسلی، غ.، و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۳). *واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران*. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۳۲-۶۲.
۳. حاجزاده، م.، و منصوری، ا. (۱۳۹۲). سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۱۲(۱)، ۵۷-۷۶.
۴. حسام، ف. (۱۳۸۱). هویت شهروندی. *اندیشه و پژوهش*، ۵(۵۱)، ۱-۲۲.
۵. دهقان، ع. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی. *مجله نامه علوم اجتماعی*، ۱۳(۱)، ۳-۲۵.
۶. ذکائی، م. (۱۳۸۲). جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی. *فصلنامه مطالعات جوانان*، ۳(۲)، ۴-۳۵.
۷. شیانی، م. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۳(۱)، ۶۰-۸۰.
۸. شیانی، م. (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۴۱-۸۱.
۹. شیانی، م.، و دادوندی، ط. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۵(۱)، ۳۵-۵۹.
۱۰. شیانی، م.، و سپهوند، ا. (۱۳۹۳). رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۴(۲)، ۲۶۷-۲۹۹.
۱۱. شیانی، م.، و فاطمی‌نیا، س. (۱۳۸۹). میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تکالیف شهروندی. *راهبرد یاس*، ۱۸(۱)، ۱۰۳-۱۲۹.
۱۲. عاملی، س. (۱۳۸۴). دو فضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان شهرهای ایران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱(۳)، ۱۱۷-۱۳۴.
۱۳. فالکس، ک. (۱۳۹۰). *شهروندی* (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
۱۴. فتاحی، س.، و مختارپور، م. (۱۳۹۰). توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۴)، ۸۹-۱۱۶.
۱۵. گیدنز، آ. (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی* (م. صبوری کاشانی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۶. محمودی، ا.، حبیب‌زاده ملکی، ا.، و نوابخش، م. (۱۳۹۹). طراحی و ارائه الگوی رسانه‌ای حقوق شهروندی ایرانیان. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶(۵۹)، ۲۷۵-۳۰۹.
۱۷. نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۰). *جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت*. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۵(۲)، ۷-۱۵.

۱۸. نش، ک. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
۱۹. هزارجریبی، ج.، و امانیان، ا. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۹(۲)، ۱-۱۸.
۲۰. -یوسفی، ع.، و عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۷). احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱(۳)، ۳-۲۳.

21. Anderson, E., & Gibson, S. (2020). Social citizenship and social psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 14(3), 12510.
22. Cohen, J. (1977). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. New York: Academic Press.
23. Condor, S. (2011). Towards a social psychology of citizenship? Introduction to the special issue. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 21, 193–201.
24. Cooper, H. M. (2009). *Research synthesis and meta-analysis: A step-by-step approach*. Thousand Oaks, CA: Sage.
25. Dwyer, P. (2000). *Welfare rights and responsibilities: Contesting social citizenship*. Bristol: Policy Press.
26. Dwyer, P. (2010). *Understanding social citizenship: Themes and perspectives for policy and practice* (2nd ed.). Bristol: Policy Press.
- Falks, K. (1998). *Citizenship in modern Britain*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
27. Habermas, J. (1992). Citizenship and National Identity: some reflections on the feature of Europe. In B. S. Turner, and P. Hamilton (Eds.). *Citizenship critical concept*. London: Routledge.
28. Humpage, L. (2014). *Policy change, public attitudes and social citizenship: Does neoliberalism matter?* Bristol: Policy Press.
29. Isin, E. F., & Nielsen, G. M. (2008). *Acts of citizenship*. London: Zed Books.
30. Janoski, T. (1998). *Citizenship and civil society*. Combridge: Combridge University Press.
31. Lemanski, C. (2019). *Citizenship and Infrastructure: Practices and Identities of Citizens and the State*. London: Routledge.
32. Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. Thousand Oaks, CA: Sage.
33. Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. New York: Oxford University Press.
34. Marshal, T.M. (1994). Citizenship and social class. In B. S. Turnner, & P. Hamilton (Eds.), *Citizenship: critical concepts*. London: Routledge.

35. Marshall, T. H. (1950). Citizenship and social class. In T. Marshall, & T. Bottomore, T. (Eds.), *Citizenship and Social Class*. London: Pluto.
36. Oliver, D., & Heater, D. (1994). *The foundations of citizenship*. New York: Harvester wheatsheaf.
37. Parsons, T. (1965). Full citizenship for the Negro American? A sociological problem. *Daedalus*, 94(4), 1009–1054.
38. Revi, B. (2014). Marshall and his critics: Reappraising 'social citizenship' in the twenty-first century. *Citizenship Studies*, 18, 452–464.
39. Taylor-Gooby, P. (2008). *Reframing Social Citizenship*. Oxford: Oxford University Press.
40. Turner, B. S. (1990). Outline of a Theory of Citizenship. *Sociology*, 24(3), 189-217.
41. Wood, L. (2014). *Crisis and Control: The Militarization of Protest Policing*. London: Pluto Press.
42. Wood, P. (2013). Citizenship in the In-Between City, *Canadian Journal of Urban Research*, 21(1), 111–125.
43. Yergin, D., & Stanislaw, J. (2002). *The commanding heights: The battle for the world economy*. New York: Simon & Schuster.

جدول پیوست: مقالات مرور شده در تحقیق به عنوان جمعیت آماری

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
باقری و رستمی (۱۳۹۹)	بررسی جامعه شناختی تأثیر رسانه‌های جمعی بر آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان دانشگاه چمران اهواز	فصلنامه توسعه اجتماعی (۵۸)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۹
بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن در استان لرستان	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۳۸)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و جنسیتی	۲,۷۱
بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان پلدختر	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۳۱)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و جنسیتی	۳,۴۵
زارع و ملک پور (۱۳۹۵)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سنندج	پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی (۴۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۴۷
شیانی و سپهوند (۱۳۹۴)	رسانه و شهروندی مطالعه تأثیر استفاده از رادیو و تلویزیون بر آگاهی از حقوق شهروندی در شهر خرم آباد	مطالعات فرهنگی و ارتباطات (۳۸)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱
شیانی و سپهوند (۱۳۹۳)	رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون و آگاهی از حقوق شهروندی در خرم آباد	رفاه اجتماعی (۵۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱۰
باقری (۱۳۹۳)	بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت	اخلاق زیستی (۱۱)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱
باقری و سپهوند (۱۳۹۲)	بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در خرم آباد	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۲۱)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۸
حاج زاده و منصوری (۱۳۹۲)	سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی	مطالعات جامعه-شناختی جوانان (۱۲)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
شیانی و سپهوند (۱۳۹۲)	رابطه محتوای برنامه‌های رادیویی و آگاهی از حقوق شهروندی	مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران (۳)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳
شریفی و اسلامی (۱۳۹۱)	بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در سمنان	مطالعات برنامه درسی آموزش عالی (۶)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۳
کلدی و پورهنداد (۱۳۹۱)	آگاهی دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران	مطالعات شهری (۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۵
سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)	بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی	مدیریت فرهنگی (۱۲)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳
فتحی و مختارپور (۱۳۹۰)	توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی در تهران	مطالعات توسعه اجتماعی ایران (۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۴,۱
نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰)	بررسی احساس برخورداری زنان تهرانی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	راهبرد (۵۹)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۱,۵
هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	آگاهی زنان تهرانی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای (۹)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۳
شیانی و دادوندی (۱۳۸۹)	میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان شهر تهران	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۵)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۱
رسولی و زنده بودی (۱۳۸۹)	مطالعه انواع رسانه‌های جمعی در اشاعه آگاهی از حقوق شهروندی در تهران	انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات (۲۱)	سیاسی، مدنی، اجتماعی	۴
آراسته و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی میزان آگاهی دانشجویان تهرانی از حقوق شهروندی	مطالعات برنامه درسی (۱۶)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۳
شیانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸)	میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی	راهبرد یاس (۱۸)	اقتصادی، سیاسی، فرهنگی	۳,۲

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
			و اجتماعی	
اسکافی (۱۳۸۶)	بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در مشهد	علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (۹)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۵
شیانی (۱۳۸۱)	تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان	انجمن جامعه‌شناسی ایران (۳)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83300.1299>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

واکاوی نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری دوره معاصر با تأکید بر شهر

زنجان

حمیدرضا حمیدی (دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)

uni.hamidi131@gmail.com

زهره داودپور (دانشیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، نویسنده مسئول)

z.davoodpour@qiau.ac.ir

شادی پاکزاد (استادیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)

shadi.pakzad@qiau.ac.ir

صص ۳۴۶ - ۳۱۵

چکیده

کیفیت سکونت در شهرها ارتباط مستقیم با کیفیت فضاهای شهری دارد. تعیین‌کننده کیفیت فضای شهری به عوامل و نیروهای تولید فضا بستگی دارد. به‌رغم توسعه دانش شهرسازی و معماری در دوره معاصر، کیفیت سکونت در شهرها چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. دولت و سرمایه در ارتباطی تنگاتنگ و هم‌آهنگ و هم‌آوا با یکدیگر از مهم‌ترین عوامل تولید فضای شهری دوره معاصر از جمله شهر زنجان محسوب می‌شوند. تولید فضا در دوره معاصر شهر زنجان عمدتاً در قالب طرح‌های آماده‌سازی زمین صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، طی این دوره بالغ بر ۹۴ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده به وسیله دخالت مستقیم دولت و تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت انجام شده است. آماده‌سازی زمین توسط دولت، شرایط رانت زمین و ایجاد ارزش افزوده از این طریق را فراهم کرده و حوزه زمین و مسکن را به محل مطمئنی برای بازتولید سرمایه تبدیل کرده است. این امر گویای

نقش بدون منازع دولت و سرمایه در تولید فضای شهری زنجان است. روش تحقیق در مقاله حاضر، براساس هدف پژوهش و از این حاظ که ماهیت موضوع از نوع متغیرهای غیرقابل اندازه‌گیری و کمیت‌ناپذیر است و داده‌های بررسی شده نیز اسناد، داده‌های متنی و آماری‌اند، از نوع کیفی انتخاب شد؛ بر این اساس، روش انجام مطالعه، توصیفی (پس‌رویدادی)-تحلیلی بود. برای تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری از مدل «چندموضوع-چندبازیگر مکتور» استفاده شد و برای ارزیابی میزان انسجام و درهم‌تنیدگی فضایی شهر، ضریب هم‌پیوندی در سطح فراگیر و محلی و همچنین ضریب عمق به کار گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: تولید فضا، دولت، سرمایه، فضای شهری، شهر زنجان.

۱. مقدمه

امروزه غالب جمعیت کشور در شهرها ساکن هستند. براساس اعلام مرکز آمار ایران، ۷۴ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ ساکن شهرها بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). کیفیت سکونت در شهرها ارتباط مستقیم با کیفیت فضاهای شهری دارد. کیفیت فضاهای شهری نیز متأثر از نحوه تولید فضا و عوامل و نیروهای مؤثر در خلق آن است. عوامل متعددی در تولید فضای شهری ایفای نقش می‌کنند. درحقیقت فضای شهری برآیند کنش و واکنش عوامل و نیروهای متعدد در دوره‌های تاریخی است. دولت‌ها و حاکمیت‌ها، سرمایه و شهروندان از عوامل مهم در تولید و بازتولید فضای شهری محسوب می‌شوند. در دوره معاصر که به صد سال اخیر اشاره دارد، دولت و سرمایه مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری فضاهای شهری در ایران بوده است. مشهود است تا اواخر دوره قاجار، دولت در ایران به دنبال تغییر فضا به نفع خود و کسب سود از آن نبوده است (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰). وقوع انقلاب مشروطه سرآغازی برای تولید فضای دولتی در ایران است. پس از سقوط سلسله قاجار و استقرار دولت شبه‌مدرن پهلوی، نهادهای جدید شکل گرفتند تا ساختار فضایی شهرها براساس الگوهای مدرن و با توجه به نیاز نظام سرمایه‌داری از نو شکل بگیرد. در این راستا فعالیت‌های گسترده‌ای در رابطه با تغییرات فیزیکی شهرها صورت گرفت و دولت در اولین اقدامات خود دگرگونی کالبدی شهر را در دستور کار قرار داد. در نتیجه این دگرگونی‌ها ساختار فضایی

شهرها براساس الگوهای مدرن شکل گرفت. در ادامه این روند با افزایش درآمدهای نفتی، فضای شهری به محل اصلی مصرف سرمایه‌ی نوظهور تبدیل شد. گسیل و گردش سرمایه (با منشأ دولتی) در فضای شهری، ضمن جلوگیری از تورم سرمایه به بازتولید سرمایه منجر شد؛ به عبارت دیگر، فضا و سرمایه رابطه‌ای دیالکتیک با یکدیگر برقرار کردند (لفور، ۱۳۹۰). از یک سو سرمایه عاملی برای تولید فضا محسوب می‌شد و از دیگر سوی سرمایه از طریق فضا امکان گردش می‌یافت تا به این ترتیب گردش سرمایه عامل بقا، بازتولید و انباشت مداوم آن شود. در نتیجه این رابطه دیالکتیکی، ماهیت شهرها از شهر-زندگی به شهر-سرمایه و درنهایت شهر-کالا تغییر یافت. رویکرد کالالگونه به فضای شهری، ارزش مبادله‌ای آن را به ارزش مصرفی غلبه می‌دهد؛ از این رو زمین و مسکن و به‌طورکلی فضای شهری در معرض سوداگری قرار می‌گیرد. این امر به معنای کاهش کیفیت زندگی در فضای شهری است. چنین شرایطی در ایران به واسطه تسلط دولت بر تولید فضای شهری با استفاده از نهادهای برنامه‌ریزی و زیر پوشش طرح‌های شهرسازی به وقوع می‌پیوندد. این پژوهش بر آن است تا نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری را تبیین کند تا به این ترتیب درک درستی از نحوه و علل گسترش فیزیکی شهرها و دگرگونی‌های کالبدی آن‌ها در دوره معاصر به دست آید.

۲. پیشینه تحقیق

نخستین کسی که مفهوم «تولید فضا»^۱ را به کار برد، فیلسوف فرانسوی، هانری لِفُور^۲، بود. از عوامل زمینه‌ساز ایجاد این مفهوم توسط لِفُور می‌توان به وقوع انقلاب پرولتری فرانسه اشاره کرد؛ ضمن اینکه وی در جست‌وجوی پاسخ به این سؤال که «چرا سرمایه‌داری هنوز پا برجاست و نابود نشده است؟» به موضوع فضا از جنبه شهرسازانه آن وارد شد و چرا فضا عامل بقا و بازتولید سرمایه است؟ او با ابداع این مفهوم قرائت جدیدی از فضا ارائه کرد که تأثیرات عمیقی بر اندیشه متفکران پس از خود در نحوه درک از فضا به جای گذاشت. لِفُور

1. Production of space

2. Hanry Lefebvre

در اثر مهم خود، «تولید فضا»، نیاز به بررسی فضا را به‌عنوان هم یک محصول و هم تعیین‌کننده مناسبات و کنش‌های اجتماعی متذکر می‌شود و بیان می‌کند: واژه فضا تا چند سال قبل دارای یک معنای مشخص هندسی بود؛ یعنی مفهومی را که به ذهن متبادر می‌کرد، صرفاً مفهوم یک جای خالی بود. احساس کلی این بود که مفهوم فضا نهایتاً یک مفهوم ریاضی است (لفور، ۱۳۹۰). فضای لفوری (به تعبیری فضای شهری) با فاصله گرفتن از فضای لامتناهی ریاضی‌دانان و فضای ذهنی فیلسوفان وارد حوزه اجتماعی شده است. این فضا به اعتقاد لفور، هم تولید و هم مصرف می‌شود و به تعبیری، نوعی محصول و کالای تولیدی به حساب می‌آید.

پس از لفور، دیوید هاروی^۱ به‌عنوان یک جغرافی‌دان مارکسیست نقش مؤثری در بسط و توسعه اندیشه‌های مارکس و لفور داشت. می‌توان گفت نظریه اقتصاد سیاسی-فضایی دیوید هاروی درواقع چیزی نیست جز امتداد اندیشه مارکس و لفور درباره فضا که با استفاده از ماتریالیسم تاریخی-جغرافیایی سعی در تحلیل نقش فضا و زمان در زندگی اجتماعی دارد (ساندرس^۲، ۱۹۸۱، ص. ۲۲۰). درواقع هاروی با فضامند کردن اندیشه‌های مارکس سعی کرد نشان دهد چگونه نیازها و اولویت‌های انباشت سرمایه‌داری، درنهایت به سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی شهری منجر می‌شود. هاروی در ادامه بسط نظریه لفور، سه‌گانه فضای مطلق، فضای نسبی و فضای رابطه‌ای را مطرح کرد. فضا در آثار هاروی ازجمله «شهری شدن سرمایه» و «هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری» نقش مرکزی و درعین‌حال مناقشه‌برانگیزی دارد. او فضا را اغلب در چارچوب سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و چگونگی تولید آن را در چرخه‌های چهارگانه به نمایش می‌گذارد (هاروی^۳، ۱۳۹۲؛ هاروی، ۱۳۹۴).

نیل اسمیت^۴ در کتاب خود با عنوان *توسعه نامتوازن: طبیعت، سرمایه و تولید فضا*، درمورد جغرافیای سیاست و سیاست جغرافیا بحث می‌کند. او تلاش می‌کند دو سنت فکری را ادغام کند؛ سنت‌هایی که تا آن زمان ترکیب آن‌ها کمتر جدی گرفته می‌شد. از نظر وی نگاه به جهان

1. David Harvey

2. Saunders

3. Harvey

4. Neil Smith

امروز بدون تصور آن در دستان سرمایه می‌تواند دشوار باشد؛ چراکه در دوره معاصر شاهد بازساخت نوخاسته فضای جغرافیایی، چشمگیرتر از قبل بوده است. صنعت‌زدایی و زوال منطقه‌ای، اعیانی‌سازی و رشد بیش‌ازحد شهری، صنعتی شدن جهان سوم و تقسیم کار جدید بین‌المللی، تشدید ناسیونالیسم و جغرافیای سیاسی جدیدی از جنگ، تحولات جداگانه نیستند، اما نشانه‌های تحول بسیار عمیق‌تر در جغرافیای سرمایه‌داری‌اند (اسمیت^۱، ۱۴۰۰).

منوچهری و رهنمایی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران (مورد: شهر تهران)» به دنبال تحلیل فرایند تولید فضا در ایران معاصر هستند. نویسندگان برای رسیدن به هدف پژوهش، ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، سازمان فضایی کشور، نقش شهر تهران در سازمان فضایی و تغییرات فضایی و کالبدی این شهر را تحلیل کردند. آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که بعد از انقلاب مشروطیت دولت نه‌تنها در فرایند شهرنشینی تأثیرگذار می‌شود، بلکه هم‌زمان با گسترش شهرنشینی، ماهیت فضا را نیز تغییر می‌دهد. دولت شروع به تولید فضایی جدید اقدام می‌کند که ماهیت مصرفی فضا کم‌رنگ‌تر شده و فضای مبادله‌ای جایگزین آن شده است (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). امیرحاجلو در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین تولید فضای شهری - مورد مطالعه: تهران» به بررسی تولید تاریخی فضای شهری در شهر تهران پرداخت. او در درک کنشگران دخیل در فرایند شهری شدن و مکانیسم‌های رقابت بر سر زمین و تأثیر آن‌ها بر پویای فضا و همچنین رابطه نیروهای بازار جهانی و سیاست‌گذاری‌های محلی در تولید فضای کلان‌شهر تهران سعی کرد. وی به این نتیجه رسید که تولید فضای کلان‌شهر تهران، برآیند محدودیت‌های سیاسی-اقتصادی ایران و ادغام ناقص در فرایند جهانی، به دلیل تحقق نیافتن فضای جریان‌ها است (امیرحاجلو، ۱۳۹۶).

۳. روش‌شناسی تحقیق

از آنجاکه روش‌های تحقیق عمدتاً مبتنی بر ماهیت موضوع و اهداف هر تحقیقی تنظیم می‌شوند، در این مقاله براساس ماهیت موضوع، روش تحقیق از نوع کیفی و روش انجام مطالعه توصیفی (پس‌رویدادی)-تحلیلی در چارچوب «راهبرد قیاسی-پس‌کاوی» انتخاب شد؛

1. Smith

راهبردی که از توالی منظم مشاهده شده آغاز می‌شود، ولی در پی تبیین متفاوتی است. بدین معنی که برای انجام تحقیق از شیوه‌های پژوهشی توصیفی و همچنین برای بررسی روابط بین متغیرها از روش‌های تحلیلی استفاده شده است.

برای نمایش تبلور فضایی تأثیر دولت و سرمایه به بررسی شاخص‌های ساخت شهری، ریخت‌شناسی شهر، روند و میزان گسترش فضایی شهر و تحقق کاربری‌های عمومی پرداخته شد. برای تحلیل موضوع از منظر ساخت شهری، وضعیت میانگین پارامترهای چیدمان فضا شامل هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمق شهرک‌های جدید برحسب زمان احداث در شهر زنجان شد تا از این طریق قوت‌ها و ضعف‌های خطوط شبکه راه‌ها از منظر چیدمان فضا تعیین شود؛ بدین منظور، ابتدا ارتباط بین نقاط مختلف فضاها به وسیله خطوطی که از لحاظ قابلیت دید و در دسترس بودن، بلندترین خطوط هستند، در نقشه‌ای با عنوان نقشه محوری^۱ ترسیم می‌شود. این نقشه براساس طولانی‌ترین امکانات دید و دسترسی تهیه می‌شود. برای تحلیل هم‌پیوندی فراگیر نیاز است که این تحلیل به همراه پارامتر عمق انجام پذیرد؛ زیرا پارامتر هم‌پیوندی فراگیر با پارامتر عمق نسبت عکس دارد.

برای تعیین ضریب هم‌پیوندی، ابتدا متناسب با تعداد کویهای دارای طرح آماده‌سازی،^{۳۲} نقشه خط محوری در محیط نرم فزار اتوکد تولید شد. سپس با بازخوانی آن‌ها در نرم‌افزار دیت مپ^۲ پارامترهای آن محاسبه شد. درنهایت با استخراج میانگین پارامترها با تهیه نقشه، جدول و نمودار به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. همچنین برای تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری از مدل «چندموضوع - چندبازیگر مکتور» یا به عبارتی «ماتریس شرکا و تعارضات: اقدامات، اهداف و پیشنهادات»^۳ استفاده شد. این مدل بیان می‌کند که کدام‌یک از بازیگران شهری در روند تولید فضای کنونی شهر براساس مؤلفه‌های چهارگانه تأثیر بیشتری دارند. برای رسیدن به بازیگران اصلی تأثیرگذار از مدل تحلیل دلفی با دریافت نظرهای نخبگان برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی به تعداد ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. طی فرایند دلفی در قالب پرسش‌نامه ماتریسی، امتیاز

1. Axial Map

2. Depth map

3. Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations

هر کدام از بازیگران براساس اطلاعات وضع موجود شاخص‌ها مشخص شد. مدل‌های چندموضوع-چندبازیگر در مواقعی کاربرد دارند که چند بازیگر در مقابل تعدادی از موضوعات قرار دارند که تکامل آن‌ها در آینده نامشخص بوده و پیش‌بینی آن دشوار است. هدف این مدل‌ها دستیابی به درک بهتر از این موقعیت‌ها و چگونگی تکامل آن‌ها از طریق محاسبه و ملاحظه کردن نفع و اهداف ذی‌نفعان مختلف و روابط بین آن‌هاست (ربانی، ۱۴۰۰).

۴. مبانی نظری تحقیق

واژه «فضا»^۱ از مفاهیمی است که به دلیل وسعت و پیچیدگی‌اش نمی‌توان تعریفی همه‌شمول از آن ارائه کرد. درواقع مفهومی نسبی و مبهم بوده که مرزهای تحلیل آن نامحدود است. فضا گستره‌ای سرشار از معانی، کاربردها، نمادها و نشانه‌های گوناگون است؛ ازاین‌رو هریک از علوم تعریف و مفهوم ویژه خود را از فضا دارد، اما اندیشمندان حوزه فضا به‌طور گسترده‌ای هم‌عقیده‌اند که فضا می‌تواند نشان‌دهنده مجموعه به‌هم‌پیوسته، پیچیده از روابط، الگوها، و فرایندهای فیزیکی و اجتماعی باشد (سجا، ۱۹۸۹؛ مسی، ۳، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵).

مفهوم فضا با ویژگی مطلق و ریاضی که در دیدگاه کلاسیک و سنتی توسط نیوتن، دکارت و ... بیان می‌شد، دگرگون شده و خوانش جدیدی از آن در عرصه فیزیک توسط انیشتین، در عرصه فلسفه توسط لایبنیتس و لُفور، در عرصه‌های علوم اجتماعی و جغرافیا توسط اسمیت و هاروی ارائه شده است؛ خوانشی که فضا را با زمان و رویدادهای اجتماعی پیوند زده و ماهیتی پیچیده‌تر و ارزشمندتر از آن به تصویر می‌کشد. در همین راستا هانری لُفور مفهوم «تولید فضا»^۲ را مطرح کرد. او در کتاب *تولید فضا*، با استفاده از مفهوم تولید به معنای مارکسیستی، از «تولید فضا» سخن می‌گوید. به نظر او انسان‌ها به‌عنوان موجودیت‌های اجتماعی، زندگی و خودآگاهی و جهان خود را تولید می‌کنند. هیچ‌چیزی، نه در تاریخ و نه در جامعه وجود ندارد

1. Space

2. Soja

3. Massey

4. Production of space

که تولید نشده باشد. درحقیقت لفور فضا را محصول اجتماعی تعریف می‌کند که حاصل روابط اجتماعی است و درون فرایند روابط، تولید می‌شود. او فضا را وجودی مطلق نمی‌دید که پدیده‌ها و روابط درون آن شکل می‌گیرد (حاجی‌زاده، ۱۴۰۰). همان‌طور که روابط اجتماعی فضا را تولید می‌کند، فضای شکل‌یافته بر روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب همواره رابطه دیالکتیک بین آن‌ها برقرار است و به‌طور مداوم در حال بازتولید یکدیگرند. لفور به‌خوبی به این درک رسید که فضا انتزاع انضمامی است که در آن روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارانه در بین توده‌ها پخش می‌شود. او فضا را شکل متبلور شده روابط اجتماعی و طبقاتی یافت که با تحلیل آن به‌درستی به سمت روابط تولید هدایت می‌شود.

برخلاف دیدگاه دیالکتیکی مارکس و هگل، لفور اعتقاد داشت که فضا به‌صورت تریالکتیکی تولید خواهد شد. تولید فضا سطحی از واقعیت و ذهنیت را هم‌زمان درواقعیت‌های زندگی شهری نمایان می‌کند. آنچه اهمیت دارد عاملیت‌های تولید فضا است که از این طریق، نوعی خودگردانی عام فراگیر به‌واسطه کنشگران به‌صورت بی‌پایان ادامه می‌یابد (آقایی، ۱۳۹۹، ص. ۲۹)؛ بر این اساس، لفور سه‌گانه فضایی خود را با عناوین فضای عمل^۱ (فضای مدرک)، فضای متصور^۲ (بازنمایی فضایی) و فضای بازنمایی شده^۳ فضای زیسته مطرح کرد. در تریالکتیک مطرح‌شده توسط لفور، عمل فضایی به همراه بازنمایی فضایی به فضای بازنمایی یا فضای زیسته ختم می‌شود که به ادعای وی فضای زندگی واقعی شهروندان است. درواقع لفور زندگی روزمره در فضای سرمایه‌داری و ارتباط آن با فضای زیسته شده در تولید فضا را نقد کرد و توانست مبارزات طبقاتی را به نزاع جامعه مدنی، فارغ از جایگاه طبقاتی از یک طرف و فارغ از نگاهی صرفاً اقتصادی به روابط تأثیرگذار بر شهر از طرف دیگر، بکشانند (عبدی حبیبی، ۱۴۰۰، ص. ۱۹). درنهایت می‌توان گفت که لفور به دنبال تولید یک گفتمان درباره فضا نیست؛ بلکه

1. Spatial practice

2. Representation of Space

3. Spaces of Representation

می‌خواهد با یک‌جا جمع کردن انواع فضا و روش‌های پیدایش آن‌ها در یک نظریه، تولید واقعی فضا را نشان دهد (لفور، ۱۳۹۰، ص. ۲۶).

کاستلز در کتاب مسئله شهری، در تقابل با دیدگاه سازمان‌دهی‌شده لفور، به نظریه‌ای خاص در مورد فضا معتقد نیست و صرفاً مسئله فضا را بخشی از تئوری‌های اجتماعی قلمداد می‌کند. از دیدگاه وی فضا محصول پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیک و نشانه‌ای است و صرفاً تک‌عاملی نیست، اما اگر بنا باشد، عاملیت‌های اصلی مشخص شوند، کاستلز به تبعیت از منطق آلتوسری، ساختار اجتماعی را مرکب از سیستم اقتصادی و همچنین سیستم‌های سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند که کنش میان آنان فضا را تولید می‌کند (کاستلز، ۱۹۷۲).

برخلاف کاستلز، دیوید هاروی به عنوان اندیشمند مارکسیست، برای فضا نقش مرکزی قائل است. او اغلب فضا را در چارچوب سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و چگونگی تولید آن را در چرخه‌های چهارگانه به نمایش می‌گذارد. فارغ از چگونگی مکانیزم تولید فضا و بازتولید آن در اجتماع، عاملیت‌های برنامه‌ریز، دولت و انباشت سرمایه (که مستلزم گردش است) از پایه‌ای‌ترین ائتلاف‌های تولید فضا در نظریه هاروی به شمار می‌روند. سرمایه‌داری در رأس هرم و دولت و برنامه‌ریز در تبیین سرمایه از عناصر اصلی به شمار می‌روند. سیاست‌های شهری که مرکب از سه رکن اساسی (سرمایه، دولت و برنامه ریزی) است، در تعقیب ائتلاف طبقه حاکم به تبیین ایدئولوژی می‌پردازند (هاروی، ۱۹۸۵).

هاروی براساس اندیشه‌های مذکور، نظریه اقتصاد سیاسی-فضایی را در امتداد اندیشه مارکس و لفور درباره فضا مطرح می‌کند و با استفاده از ماتریالیسم تاریخی-جغرافیایی سعی در تحلیل نقش فضا و زمان در زندگی اجتماعی دارد (ساندرز^۱، ۱۹۸۱، ص. ۲۲۰). درواقع هاروی با فضامند کردن اندیشه‌های مارکس سعی دارد نشان دهد چگونه نیازها و اولویت‌های انباشت سرمایه‌داری، در نهایت به سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی شهری منجر می‌شود.

مسئله‌ای که در رابطه با فضای شهری و دخالت دولت در تولید فضا مطرح است، این است که چرا اساساً جامعه، دولت را به عنوان نهاد تنظیم‌کننده کاربری اراضی شهری (فضای شهری) انتخاب می‌کند؟ (لای وای چانگ^۱، ۱۹۹۴) بسیاری از پاسخ‌ها از «اقتصاد رفاه پیگویی»^۲ استفاده کرده‌اند که از مفهوم شکست بازار برای پاسخ‌گویی به مداخلات بخش عمومی استفاده می‌کند (الکساندر^۳، ۲۰۰۱). در برنامه‌ریزی فضایی شهری نیز همین منطق، مداخله بخش عمومی را توجیه می‌کند؛ در غیر این صورت، بازار املاک و مستغلات خودانگیخته و فرایند توسعه کنترل نشده وجود خواهد داشت (شریف‌زادگان و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹؛ موری^۴، ۱۹۷۸؛ میلز^۵، ۲۰۰۹).

۵. یافته‌های تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد تولید فضای شهری در ایران تا پایان دوره قاجار نتیجه ارتباط و تعامل ساده شهروندان با شهر و محیط طبیعی پیرامون بوده و رویکرد دولت به فضای شهری، فضایی برای زندگی بوده است، اما از ابتدای سده اخیر با کشف و استخراج نفت در ایران و تعریف جایگاه و نقش کشور در تقسیم کار جهانی، تعاملات پیش‌گفته دگرگون شد و روابط تولید متمرکز و روندی برنامه‌ریزی شده به خود گرفت؛ به این ترتیب نقش مردم در تولید فضای شهری به حاشیه رفت و روزه‌روز کم‌رنگ‌تر شد؛ چراکه ساختارهای شهری بازتابی از اراده سیاسی و قدرت‌های اقتصادی بود. در مقابل، نقش دولت و قدرت سیاسی در تولید فضا به لطف ابزارهایی چون قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی و برنامه محوری، طرح‌های توسعه شهری و... به‌طور روزافزون بیشتر شد. در این مرحله شهر ایرانی کالبد خود را برای حضور و گردش سرمایه مهیا می‌کرد. این به معنای احساس نیاز به مدیریت فضای شهری است و نتیجه آن قرار گرفتن تولید فضا و تغییر آن در مدار برنامه و تولد برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه شهری به‌منظور تعیین کاربری و تقسیم کارکردی زمین، نقشه خیابان‌ها،

1. Lai Wai Chung

2. Pigouvian Welfare Economics

3. Alexander

4. Moore

5. Mills

میدان‌ها و فضاهای عمومی بود؛ به این ترتیب بازنمایی فضایی^۱ با کمترین ایفای نقش از طرف مردم بسط یافت؛ به عبارتی شهروندان در فرایند ایجاد فضای متصور از تولید کننده فضا در گذشته به مصرف‌کننده فضا در دوره معاصر تبدیل شدند. برای تحلیل و ارائه نتایج علمی و مستدل از تأثیر دولت و سرمایه به عنوان عاملان اصلی تولید فضای شهری زنجان، شاخص‌های گسترش فیزیکی و تحولات کالبدی شهر، ساخت شهر، ریخت‌شناسی^۲ شهر و میزان تحقق کاربری‌های عمومی تحلیل و بررسی شد.

۵.۱. روند گسترش فیزیکی و تحولات کالبدی

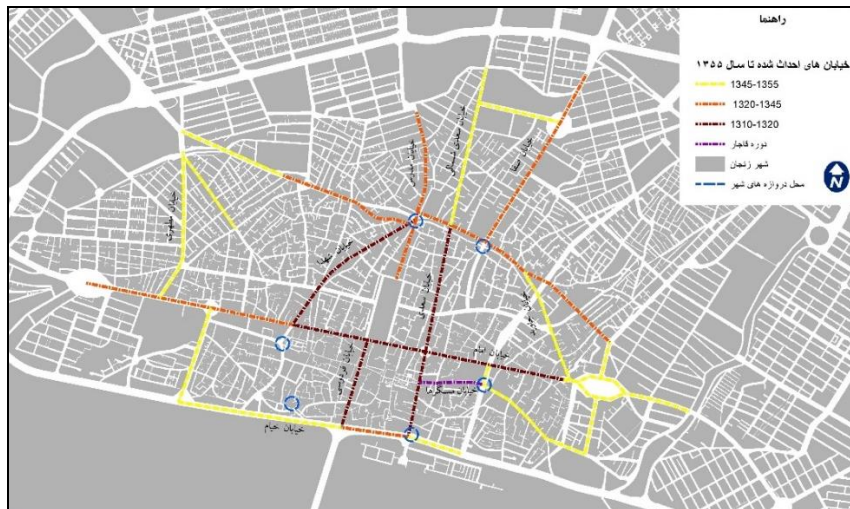
بررسی‌ها نشان می‌دهد تا پایان دوه قاجار نقش حکومت و دولت در تولید فضای شهری زنجان بسیار محدود و در حد تک‌بناهای مساجد و برخی میدان‌های شهری بود، اما پس از استقرار دولت پهلوی و هم‌زمان با موج نوگرایی شرایط تغییر کرد. نخستین مداخلات در کالبد شهر مطابق برنامه‌ها و طرح‌های از قبل اندیشه شده آغاز شد و طی سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۲ ه.ش، خندق‌های شمال شرقی و شمال غربی شهر پر شد و خیابان شهدای امروزی روی آن احداث شد. در ادامه این روند و با تصویب قانون «تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها»، دومین خیابان شهر با نام خیابان پهلوی (امام امروزی) به طول تقریبی دو کیلومتر احداث شد و بلافاصله پس از اتمام آن خیابان‌های سوم و چهارم شهر به نام‌های خیابان نظامی (سعدی امروزی) به طول ۱/۳ کیلومتر و فردوسی به طول حدود ۶۰۰ متر در دستور کار قرار گرفت و تا سال ۱۳۲۰ احداث آن‌ها به پایان رسید (ثبوتی، ۱۳۹۱، ص. ۷۴)؛ به این ترتیب طی ده سال، پنج کیلومتر خیابان شهری در دل بافت موجود شهر زنجان احداث شد و ساختار کالبدی شهر را به یک‌باره دگرگون کرد. علاوه بر تغییرات حاصل از خیابان‌کشی، احداث بناهای رختشوی‌خانه، کارخانه برق، کارخانه کبریت، احداث خط راه آهن و ایستگاه راه آهن زنجان، عمارت دارایی، مسجد عباسقلی خان و... از دیگر بناها و فضاهای شهری‌ای بود که دولت به‌طور مستقیم احداث کرد. همه این تغییرات با توسعه فضای فیزیکی شهر نیز همراه است؛ به نحوی که در طول سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ مساحت شهر از ۱۵۸,۶ هکتار به ۲۶۹ هکتار (۱,۷

1. Representation of Space

2. Morphology

برابر) افزایش پیدا کرد. این روند در دوره پهلوی دوم، متأثر از تحولات اقتصادی و سیاسی، اصلاحات ارضی، مهاجرت روستا-شهری، اجرای طرح‌های توسعه کالبدی و... ادامه یافت و شهر زنجان وارد مرحله رشد شتابان شهری شد؛ به نحوی که جمعیت شهر از حدود ۳۹۴۵۰ نفر در سال ۱۳۲۰ به ۱۰۰۳۵۱ نفر در سال ۱۳۵۵ رسید و به تبعیت از افزایش جمعیت، مساحت کالبدی شهر از ۲۶۹ هکتار در سال ۱۳۲۰ به ۶۶۸ هکتار در سال ۱۳۵۵ رسید؛ به عبارتی در طول دوره ۳۷ ساله جمعیت و مساحت شهر ۲/۵ برابر افزایش یافت.

در این دوره شکل‌گیری نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی و شهرسازی نقش دولت را در تولید فضای شهری پررنگ‌تر کرد. تشکیل این نهادها زمینه را برای تهیه طرح‌های جامع شهری در قالب برنامه چهارم توسعه در کشور فراهم کرد. در این راستا در دوره برنامه پنجم توسعه، طرح جامع شهر زنجان تهیه و تصویب شد؛ به این ترتیب برای اولین بار شکل‌گیری کل فضای شهر، تحت برنامه و نقشه از پیش طراحی شده قرار گرفت تا فضای متصور در سراسر شهر امکان وقوع یابد. در قالب این طرح محلات جدیدی چون شهرک کارمندان، کوی فرهنگ، هنرستان، فاتح، وحیدیه، انصاریه و... با بافتی متفاوت از بافت موجود و با الگوی شطرنجی و خیابان‌های مستقیم و عریض شکل گرفت و مبنای شکل‌گیری محلات جدید در پیرامون شهر شد. می‌توان گفت در این دوره بازنمایی فضایی (فضای متصور) در مقابل فضای عمل به شکل غالب فضای شهری زنجان تبدیل شد.



شکل ۱. خیابان‌های احداث شده تا پایان دوره پهلوی
مأخذ: طرح جامع شهر زنجان، ۱۳۹۷

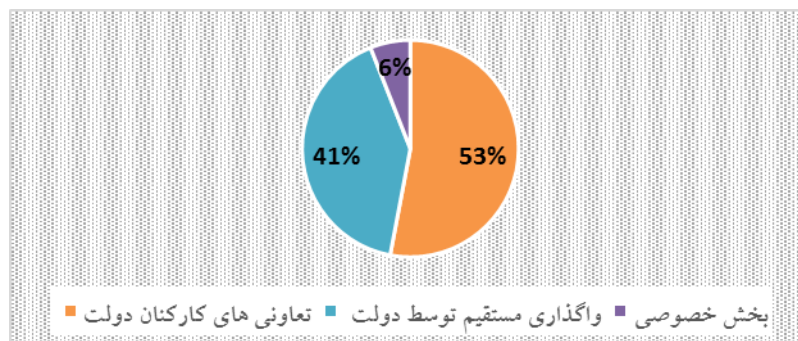
با وقوع انقلاب اسلامی و در وضعیت هرج و مرج دوره ابتدایی بعد از انقلاب، رشد فضای شهری زنجان شرایط آشفته‌ای یافت. شهر، بی‌هیچ برنامه‌ای در حومه گسترش یافت؛ قیمت زمین و مسکن سر به فلک کشید و مهاجرت روستا-شهری نیز روز به روز تشدید شد. حکومت انقلاب راه حل بحران را در تصویب و اجرای قوانین به ویژه قانون زمین شهری و ورود مستقیم به موضوع زمین و مسکن جستجو کرد. دخالت مستقیم دولت در تولید مسکن بُعد جدیدی از نقش‌آفرینی حکومت در تولید فضای شهری در کشور و شهر زنجان است. طبق مستندات دریافت شده از راه و شهرسازی استان زنجان، پس از انقلاب اسلامی بیش از ۶۰ هزار واحد مسکونی با دخالت دولت در زنجان احداث شده که ۳۱۵۰۰ واحد به‌طور مستقیم به دست دولت و باقیمانده در قالب پروژه‌های مشارکتی و واگذاری زمین انجام شده است؛ به این ترتیب ۵۷۰ هکتار از فضای شهری زنجان به‌طور مستقیم توسط دولت برای احداث واحدهای مسکونی در دوره بعد از انقلاب شکل گرفته و ۵۰۰ هکتار دیگر با دخالت غیر مستقیم دولت در اشکال مختلف پدید آمده است.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که علاوه بر دخالت مستقیم دولت در تولید فضای شهری، شکل دیگری از نقش دولت در این زمینه در قالب تعاونی‌های مسکن کارکنان دولت

قابل‌ردیابی است. قدرتمندترین و پرنفوذترین تعاونی‌های مسکن در شهر زنجان، تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت است و بخش عمده‌ای از کوی‌های واقع در مناطق توسعه جدید توسط این دسته از تعاونی‌ها آماده‌سازی و به مرحله احداث رسیده است. این شرکت‌ها با استفاده از نفوذ خود در سیستم اداری با کمترین موانع به خواسته‌های خود جامه عمل پوشانده‌اند. شرکت‌های یادشده بدون توجه به مالکیت یا عدم مالکیت زمین برای کارکنان، به عضوگیری پرداخته‌اند و به عرضه زمین‌های تفکیکی، خارج از نیاز مصرفی مسکن اقدام کرده‌اند. از آنجاکه اغلب اعضای تعاونی‌های دارای واحد مسکونی بوده‌اند، پس از رشد قیمت اولیه، زمین متعلق به خود را در بازار آزاد به فروش رسانده‌اند و به این ترتیب زمین مسکونی را وارد چرخه بورس زمین کرده‌اند.

همان‌طورکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۹۷۲ هکتار اراضی دارای طرح آماده‌سازی در شهر زنجان، ۱۰۴۴ هکتار (معادل ۵۳ درصد) متعلق به تعاونی‌های کارکنان دولت، ۸۱۹ هکتار (معادل ۴۱,۵ درصد) واگذاری مستقیم زمین توسط دولت برای ساخت مسکن و درنهایت سهم بخش خصوصی تنها ۱۰۸,۶ هکتار (معادل ۵,۵ درصد) از کل اراضی آماده‌سازی شده است؛ به این ترتیب مشخص می‌شود، ۹۴,۵ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده توسط دخالت مستقیم دولت در واگذاری زمین یا تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت صورت گرفته است که گویای نقش بدون منازع دولت در تولید بخش عمده فضای شهری زنجان است.

شرکت‌های تعاونی مسکن کارکنان دولت				واگذاری مستقیم به فاقدین زمین و مسکن از طریق دولت				تعاونی‌های مسکن غیردولتی و توسعه‌گر خصوصی							
نام کوی	مساحت کل	مسکنی	خالص	تعداد قطعات	نام کوی	مساحت کل	مسکنی	خالص	تعداد قطعات	نام کوی	مساحت کل (هکتار)	مسکنی	خالص		
گلشهر	۴۸۰	۱۶۲٫۴	۸۰۵۶	نصر و فجر	۳۰٫۵	۱۰٫۵	۶۳۳	زعفرانیه	۲٫۳	۱٫۸	۴۷				
منظریه	۸٫۵	۸٫۹	۵۸۱	علوم پایه	۳۰	۶٫۸	۳۷۸	کوی نگین	۱۰٫۵	۳٫۵	۲۰۳				
اندیشه	۱۵۰٫۶	۱۳٫۱	۵۳۰	پونک	۱۴۸	۱۵٫۹	۶۵۶	نیکسازان	۳۳٫۷	۷٫۴	۲۸۷				
کارمندان	۱۲۰	۶۸٫۶	۱۷۳۸	امیرکبیر	۵۰	۱۷٫۷	۱۱۰۹	کوی خرداد	۵۶٫۳	۲۷٫۷	۹۳۲				
نارون	۱۴٫۶	۳۹٫۵	۲۲۹۶	آزادگان	۵۶	۱۱٫۴	۶۳۶	مصلی	۵٫۸	۲۷٫۸	۱۱۸				
شهرک غرب	۳۵٫۷	۱۵	۸۳۶	پایین کوه	۱۶۲	۲۶٫۴	۱۴۰۴	مجموع	۱۰۸٫۶	۴۳٫۲	۱۵۵۸				
زیباشهر	۵۷٫۷	۲۵٫۳	۱۲۸۱	شرق انصاریه	۵۵٫۴	۱۱٫۹	۴۸۶								
شهریار	۲۲٫۱	۲۱٫۲	۱۰۵۰	انصاریه	۶۶٫۷	۳۳٫۵	۱۵۲۱								
بهارستان	۳۰	۱۳٫۳	۶۳۰	کوی قائم	۵۶	۱۶٫۴	۹۱۵								
فرهنگیان	۴۷	۱۸٫۵	۱۱۳۷	کوی زیتون	۱۲۲	۴۲	۸۴۰								
لاله	۲۱٫۳	۸	۴۱۴	کوی ثمین	۲۱٫۴	۷٫۵	۴۶۰								
اراضی ثبت	۱۲٫۵	۳٫۷	۱۶۳	مهرآرا	۱۴٫۵	۶	۳۷۰								
شهرآرا	۶۱	۱۲٫۳	۵۹۹	کوی ثمین ۲	۱۲۰	۴۰	۱۳۳								
کوی فرهنگ	۱۱۵	۶۵٫۸	۲۹۸۶	کوی زنگان	۷۵	۲۶	۴۵۰								
کوی صدرا	۱۷٫۶	۷٫۴	۴۰۲	مجموع	۸۱۹	۲۷۲	۹۹۹۱								
کوی امید	۵٫۲	۱٫۸	۳۶												
الهیة	۱۹۱	۸۰	۴۴۰۹												
دارایی	۱۲٫۵	۶٫۷	۲۳۱												
مجموع	۱۰۴۴	۵۷۲٫۵	۲۱۳۷۵												



شکل ۲. نمودار سهم دولت، نهادهای مرتبط با دولت و بخش خصوصی در توسعه زمین مسکونی در شهر زنجان

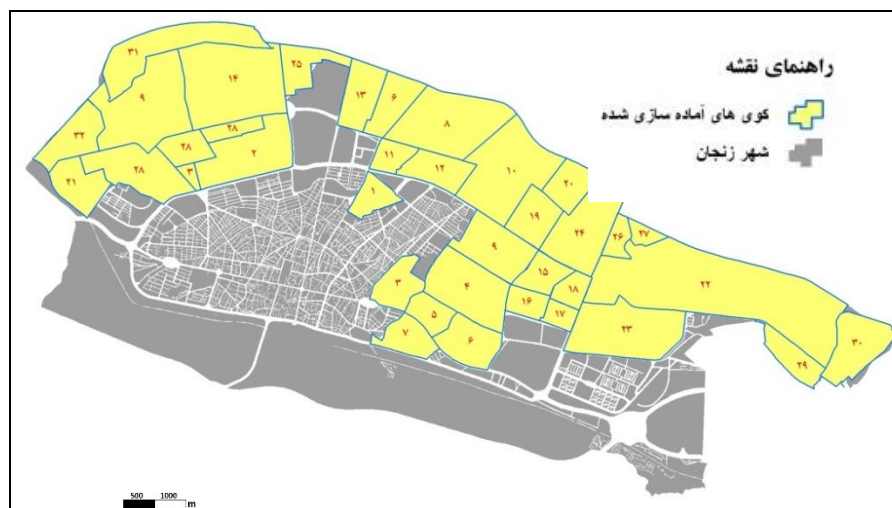
مأخذ: مطالعات نگارنده براساس اطلاعات اخذشده از اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان، ۱۴۰۰

به‌طورکلی طی دوره ۱۰۰ ساله معاصر، مساحت شهر زنجان از ۱۸۹ هکتار به ۶۲۴۲ هکتار رسیده است که افزایش ۳۳ برابری را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که مراجعه به آمارهای جمعیتی در همین دوره نشان می‌دهد که جمعیت شهر از حدود ۲۰ هزار نفر به ۴۵۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده و به‌عبارتی ۲۲,۵ برابر شده است. این امر حاکی از پیشی‌گرفتن توسعه کالبدی شهر نسبت به افزایش جمعیت آن است. از این گزاره می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از گسترش کالبدی شهر، خارج از نیاز مصرفی صورت گرفته است. دلیل این موضوع را می‌توان در غلبه بیش از پیش ارزش مبادله‌ای زمین و مسکن به ارزش مصرفی آن دانست که موجب بورس‌بازی زمین و به‌عنوان محلی برای کسب سود شده است. عرضه زمین، مازاد بر نیاز شهر در قالب طرح‌های آماده‌سازی با استفاده از قانون زمین شهری در کنار سایر قوانین و مقررات، نقش پررنگ دولت در ایجاد چنین وضعیتی را روشن می‌کند. افزایش چندین برابری محدوده شهر زیر فشار و نفوذ گروه‌های خاص در قالب تعاونی‌های مسکن صورت گرفته است که به‌نوعی به بدنه دولت متصل بوده‌اند. گروه‌های ذی‌نفوذ در رقابت با یکدیگر در تلاش بودند تا سهم بیشتری از ارزش افزوده حاصل از رانت زمین را برای خود به دست آورند؛ درنتیجه می‌توان گفت انگیزه کسب سود عاملی مهم در تولید فضای شهر زنجان بوده است؛ به عبارت دقیق‌تر، انگیزه کسب سود یکی از مهم‌ترین علل افزایش بی‌رویه محدوده شهر زنجان در قالب

طرح‌های آماده‌سازی بوده که با همراهی دولت و در بستر قانون زمین شهری امکان وقوع یافته است.

۲.۵. ساخت شهر

ساخت شهر نتیجه فرایندهای فضایی موجود در شهر و عوامل تولید فضا ازجمله دولت و سرمایه است؛ به عبارت دیگر یکی از مؤلفه‌های مهم در تبیین تولید فضا به‌ویژه در چهارچوب بررسی نقش سرمایه از طریق رانت زمین، ساخت شهری است (توسلیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۱). این مؤلفه به‌عنوان یک مؤلفه وابسته به فرایند شهری شدن رانت از طریق عرضه زمین مسکونی در چهارچوب اجرای طرح‌های آماده‌سازی زمین است. شاخص ساخت شهر در طول دوره رشد شهر زنجان از طریق الحاق به محدوده و اجرای طرح‌های آماده‌سازی با استفاده از مدل چیدمان فضا^۱ شامل «ضریب هم‌پیوندی» در مقیاس فراگیر و محلی و «میانگین عمق» بررسی شده است؛ بر این اساس، ابتدا متناسب با تعداد کوی‌های دارای طرح آماده‌سازی، ۳۲ نقشه خط محوری در اتوکد ترسیم و در محیط نرم‌افزار depthmap فراخوانی شد و پارامترهای آن محاسبه شد. درنهایت با استخراج میانگین پارامترها با تهیه نقشه، جدول و نمودار به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. در این مرحله، ابتدا برای تعیین محدوده کوی‌ها براساس جدول ۲، شکل ۳ تهیه شد و به‌ترتیب زمان احداث آن‌ها شماره‌گذاری شد.



شکل ۳. نقشه تعیین محدوده شهرک‌های دارای طرح آماده‌سازی به‌ترتیب زمان احداث

مأخذ: مطالعات نگارنده با استفاده از اسناد موجود در اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان، ۱۴۰۰

نتیجه محاسبات ضریب هم‌پیوندی فراگیر، محلی و عمق در جدول ۲ آورده شده و برای درک فضایی مناسب و امکان تحلیل فضایی این ارقام در قالب شکل‌های (نقشه‌های) ۴ و ۵ به تصویر کشیده شده است. بررسی اطلاعات مندرج در جدول و نقشه‌های مذکور نشان می‌دهد، محورهای امام خمینی و سعدی به علت طول زیاد، انحنای کم و تعداد فراوان معابر منشعب‌شده از آن‌ها از بیشترین میزان هم‌پیوندی در سطح زنجان برخوردار هستند. در مجموع بافت مرکزی شهر با میانگین هم‌پیوندی فراگیر ۱/۳۱۷، میانگین هم‌پیوندی محلی ۱/۷۷ و میانگین هم‌پیوندی عمق ۵/۰۱۱، حاکی از شرایط مناسب از بعد شاخص هم‌پیوندی است، اما با فاصله‌گرفتن از محورهای اصلی به‌خصوص در بافت‌های ارگانیک و نامنظم از میزان این هم‌پیوندی کاسته می‌شود. در نقشه مذکور با حرکت از رنگ آبی به سمت رنگ قرمز بر میزان هم‌پیوندی میان معابر و فضاها افزوده می‌شود؛ به بیان دیگر کیفیت در دسترسی بودن فضا افزایش می‌یابد.

بررسی پارامترهای چیدمان فضا در کوی‌های دارای طرح آماده‌سازی حاکی از ضریب مناسب هم‌پیوندی کوی کوچمشکی با میزان ۱/۳۰۵ به‌عنوان اولین محدوده دارای طرح آماده‌سازی است. محله‌های وحیدیه، هنرستان، فاتح، سرچنگداری که از نظر زمانی به‌ترتیب

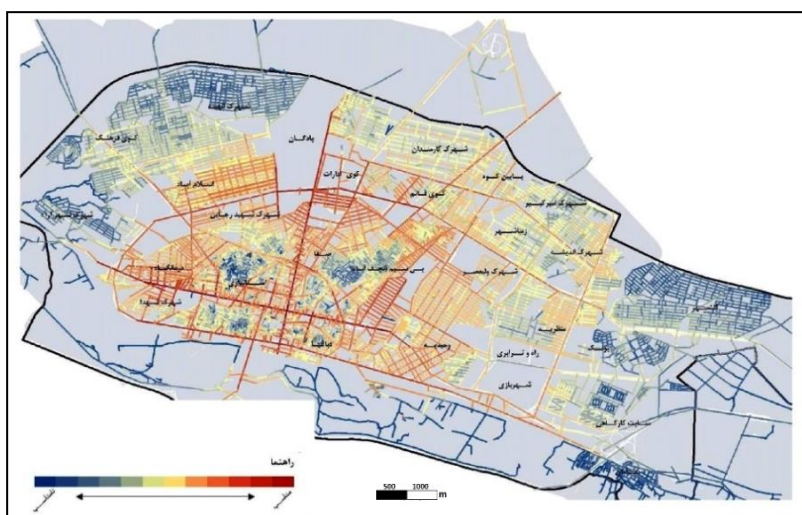
بعد از کوچمشکی شکل گرفته‌اند نیز از نظر شاخص هم‌پیوندی وضعیت مناسب دارند، اما هرچه به لحاظ زمانی جلوتر می‌رویم، از ضریب هم‌پیوندی کوی‌های دارای آماده‌سازی کاسته می‌شود؛ به‌ویژه محدوده‌هایی که توسط تعاونی‌های مسکن کارکنان دولت یا محدوده‌هایی که تولید مسکن حمایتی در آن صورت گرفته است، ضریب هم‌پیوندی کمی دارند. دلیل این امر، مکان‌یابی نامناسب، توسعه گسسته و منفصل و ضعف در طراحی شبکه معابر برخی از آن‌ها است. کوی‌های گلشهر، پونک، فرهنگیان و کوی تازه‌احداث زنگان و... به‌ترتیب با ضریب هم‌پیوندی فراگیر ۱/۲۲۵، ۱/۲۲۹، ۱/۲۱۲ و ۱/۲۳۲ از آن جمله‌اند.

جدول ۲. میانگین پارامترهای هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

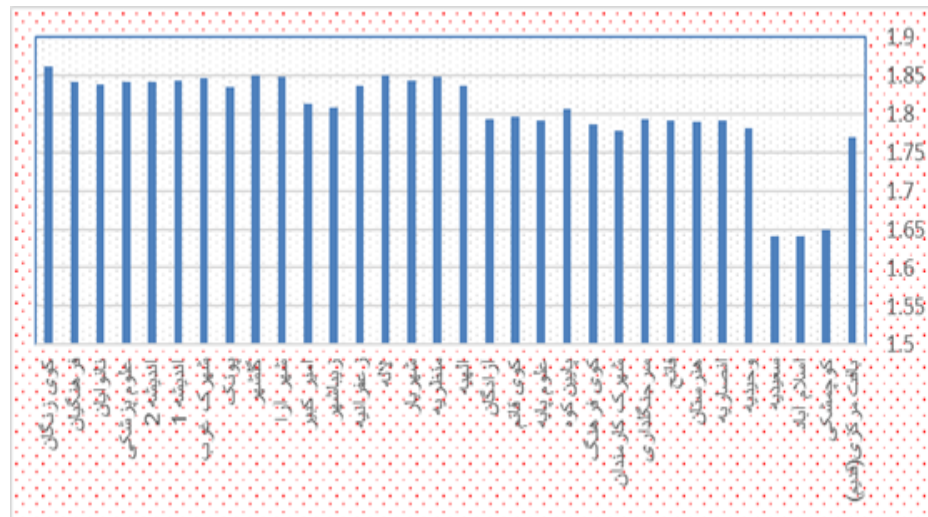
ردیف	نام محل	میانگین هم‌پیوندی فراگیر	میانگین هم‌پیوندی محلی	میانگین هم‌پیوندی عمق
۰	بافت مرکزی (قدیم)	۱/۳۱۷	۱/۷۷۰	۵/۰۱۱
۱	کوچمشکی	۱/۳۰۵	۱/۶۴۹	۵/۰۰۴
۲	اسلام آباد	۱/۳۰۲	۱/۶۴۱	۵/۰۱۶
۳	سعیدیه	۱/۳۰۲	۱/۶۴۱	۵/۰۱۶
۳	وحیدیه	۱/۳۱۵	۱/۷۸۲	۵/۰۴۱
۴	انصاریه	۱/۳۰۱	۱/۷۹۲	۵/۰۸۴
۵	هنرستان	۱/۲۹۷	۱/۷۸۹	۵/۰۵۵
۶	فاتح	۱/۲۹۵	۱/۷۹۱	۵/۰۵۱
۷	سرجنگلداری	۱/۲۹۰	۱/۷۹۳	۵/۰۶۱
۸	شهرک کارمندان	۱/۳۲۷	۱/۷۷۸	۴/۹۴۵
۹	کوی فرهنگ	۱/۲۹۶	۱/۷۸۶	۵/۰۹۱
۱۰	پایین کوه	۱/۲۹۴	۱/۸۰۶	۵/۰۴۱
۱۱	علوم پایه	۱/۲۹۰	۱/۷۹۲	۵/۰۸۱
۱۲	کوی قائم	۱/۲۹۸	۱/۷۹۶	۵/۰۶۹
۱۳	آزادگان	۱/۲۹۰	۱/۷۹۴	۵/۰۸۲
۱۴	الهیه	۱/۲۹۰	۱/۸۳۷	۵/۱۶۹
۱۵	منظریه	۱/۲۳۶	۱/۸۴۸	۵/۵۴۷
۱۶	شهریار	۱/۲۸۱	۱/۸۴۳	۵/۱۵۷
۱۷	لاله	۱/۲۳۷	۱/۸۵۰	۵/۵۵۰

ردیف	نام محل	میانگین هم‌پیوندی فراگیر	میانگین هم‌پیوندی محلی	میانگین هم‌پیوندی عمق
۱۸	زعفرانیه	۱/۲۹۱	۱/۸۳۷	۵/۱۶۹
۱۹	زیباشهر	۱/۳۱۱	۱/۸۰۹	۵/۰۵۴
۲۰	امیر کبیر	۱/۳۰۴	۱/۸۱۳	۵/۰۸۲
۲۱	شهر آرا	۱/۲۳۲	۱/۸۴۸	۵/۵۷۶
۲۲	گلشهر	۱/۲۲۵	۱/۸۵۰	۵/۴۱۱
۲۳	پونک	۱/۲۲۹	۱/۸۳۵	۵/۵۶۶
۲۴	شهرک غرب	۱/۲۳۰	۱/۸۴۷	۵/۵۹۶
۲۵	اندیشه ۱	۱/۲۳۰	۱/۸۴۴	۵/۵۹۵
۲۶	اندیشه ۲	۱/۲۱۶	۱/۸۴۲	۵/۶۲۷
۲۷	علوم پزشکی	۱/۲۱۶	۱/۸۴۲	۵/۶۲۷
۲۸	نانوایان	۱/۲۱۵	۱/۸۳۹	۵/۶۶۰
۲۹	فرهنگیان	۱/۱۲۱	۱/۸۴۱	۵/۶۹۹
۳۰	کوی زنگان	۱/۲۳۲	۱/۸۶۱	۵/۷۰۸
۳۱	زیتون	۱/۲۲۵	۱/۸۴۱	۵/۷۰۰
۳۲	ثمین ۲	۱/۲۲۸	۱/۸۳۹	۵/۷۰۳



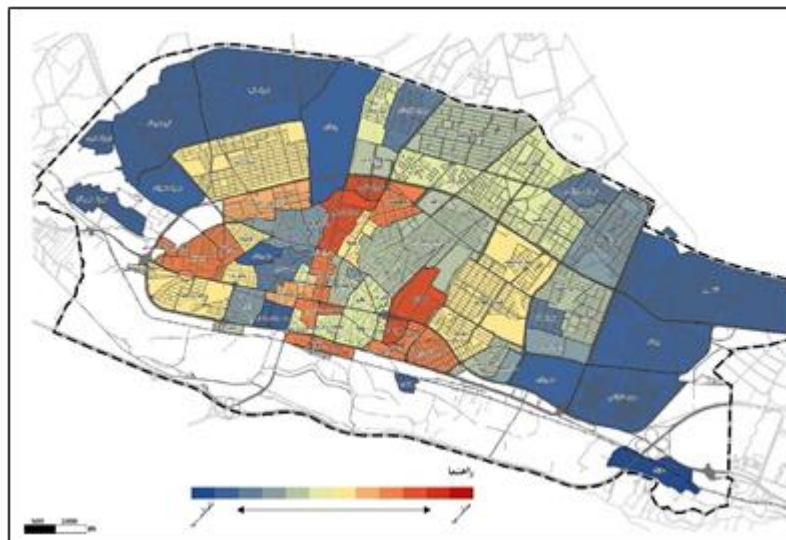
شکل ۴: نقشه خطی هم‌پیوندی فضای شهری زنجان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۴۰۰



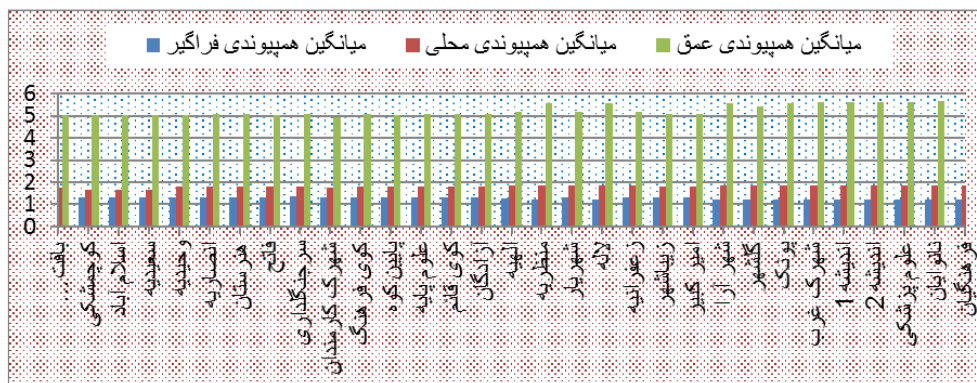
شکل ۵. نمودار وضعیت هم‌پیوندی محلی کوچه‌های دارای طرح آماده‌سازی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۶. نقشه ضریب هم‌پیوندی محلات شهر زنجان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۷. نمودار میانگین پارامترهای هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

با توجه به شکل ۷، میانگین هم‌پیوندی فراگیر با عمق نسبت عکس دارد؛ یعنی در دوره‌ای که هم‌پیوندی فراگیر افزایش داشته است، عمق در آن دوره کاهش یافته است؛ به عبارتی می‌توان گفت، زمانی که میزان عمق یا تعداد تغییر جهت‌ها بیشتر شود، میزان هم‌پیوندی فراگیر شهر کاهش می‌یابد و برعکس؛ به همین دلیل برای تحلیل هم‌پیوندی فراگیر نیاز است که این تحلیل به همراه پارامتر عمق انجام پذیرد.

۳.۵. ریخت‌شناسی بافت شهر

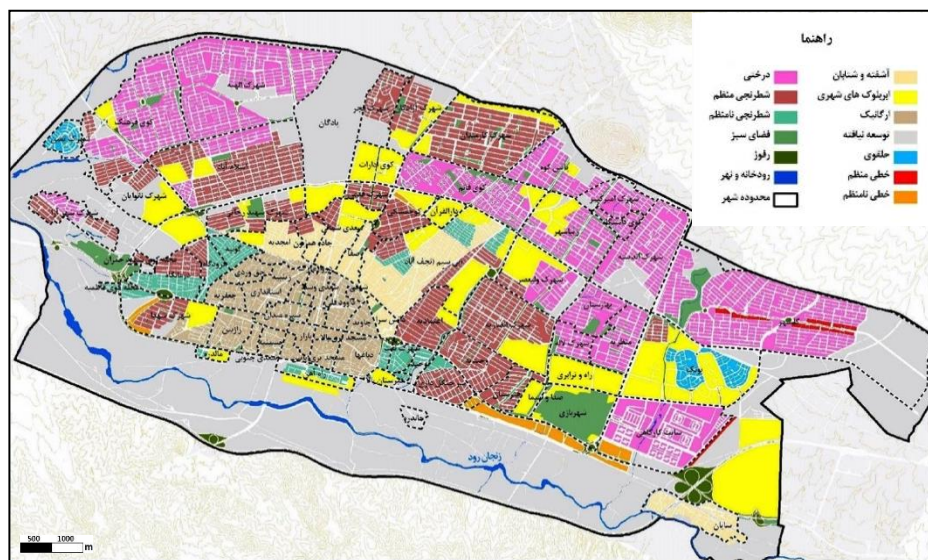
یکی از آثار کالبدی-فیزیکی نقش دولت و سرمایه در فضای شهری در ریخت‌شناسی و مورفولوژی شهری نمایان می‌شود. با بررسی ریخت‌شناسی بافت شهر زنجان، به‌طور کلی دو الگوی «بافت‌های دارای ساختار هندسی منظم» و «بافت‌های فاقد ساختار هندسی منظم» را می‌توان تشخیص داد.

بافت دارای ساختار هندسی منظم: این نوع بافت‌ها که همان فضای بازنمایی هانری لفور است، طرح از پیش طراحی شده دارند. این الگو حاصل دخالت برنامه‌ریزی شده دولت و سرمایه در تولید فضای شهری است. این نوع بافت‌ها از یک طرف به دلایلی چون یکسان‌سازی فضا، سهولت دسترسی، خوانایی و امکان کنترل بیشتر، مطلوب دولت است و از طرف دیگر به دلیل امکان تحصیل حداکثر قطعات مسکونی از زمین، سهولت اجرا، انطباق با

زندگی امروزی، ماشین‌محوری و امکان گسترش آسان مطلوب سرمایه است؛ ازاین‌رو همه توسعه‌های جدید در بافت‌های پیرامونی شهر زنجان از این نوع الگو تبعیت می‌کنند. الگوی مذکور در سه شکل شطرنجی منظم، حلقوی-شعاعی و درختی (شبکه‌ای) نمود دارد. حدود ۷۸ درصد از بافت شهر زنجان از نوع الگوی بافت دارای ساختار هندسی منظم است.

بافت‌های فاقد ساختار هندسی منظم: این نوع بافت شهری نظم روشن و ساختار هندسی مشخصی ندارد؛ البته این امر به معنی فقدان ساختار هندسی یا آشفتگی در همه گونه‌های این الگو نیست. این نوع بافت‌ها عمدتاً فاقد طرح از پیش طراحی شده‌اند. درحقیقت این الگو را می‌توان معادل «فضای عمل» لفوری قلمداد کرد. این بافت‌ها خود به دو گروه واجد سلسله‌مراتب قابل تشخیص و فاقد آن تقسیم می‌شوند؛ بافت‌هایی همچون ارگانیک، شطرنجی نامنظم و خطی نامنظم در گروه اول و بافت‌های حاصل از گسترش آشفته و شتابان یا توسعه نیافته در گروه دوم جای می‌گیرند. حدود ۲۲ درصد از بافت شهر زنجان از نوع الگوی بافت فاقد ساختار هندسی منظم است.

محلات زینبیه، داوود قلی، دباغ‌ها و سعدی جنوبی که در هسته مرکزی و کهن شهر زنجان واقع شده‌اند، در زمره بافت‌های ارگانیک به شمار می‌آیند. در شکل ۸ ریخت‌شناسی بافت کالبدی شهر زنجان مشاهده می‌شود.



شکل ۸. نقشه ریخت‌شناسی بافت کالبدی شهر زنجان

مأخذ: طرح جامع شهر زنجان، ۱۳۹۷

۵. ۴. میزان تحقق کاربری‌های عمومی

کاربری‌های عمومی و معابر شهری در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی شهر پیشنهاد می‌شود. هدف از بررسی این موضوع، تبیین تولید هدفمند فضا توسط سرمایه است. برای نیل به این مقصود بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های جامع و تفصیلی درخصوص کاربری‌های عمومی و همچنین نقش کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری در اعمال تغییرات در طرح‌ها (با هدف کسب سود از فضای شهری) می‌تواند مؤثر باشد.

تولید فضا (شهری) توسط سرمایه تنها با یک هدف صورت می‌گیرد و آن ایجاد ارزش افزوده و بازتولید سرمایه است؛ بنابراین سرمایه به تولید فضاهایی علاقه‌مند است که امکان ارزش افزوده از طریق آن‌ها وجود دارد. مسلم است که این فضاها، فضاهای عمومی و غیرانتفاعی چون فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، فضای سبز و غیره نیست؛ بلکه فضاهای تجاری، مسکونی و کاربری‌هایی از این جنس است.

بررسی وضعیت تحقق سرانه کاربری‌های عمومی پیشنهادی طرح تفصیلی شهر زنجان این موضوع را تأیید می‌کند. در جدول ۳ کمبود سرانه کاربری‌های عمومی مقیاس شهری آورده شده است. همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، در مجموع شهر زنجان نسبت به سرانه‌های معیار شورای عالی شهرسازی و معماری با ۲۷۶ هکتار کمبود سرانه خدماتی مواجه است که با توجه به جمعیت ۴۳۰ هزار نفری و مساحت ۲۵۰۰ هکتاری شهر زنجان رقم بسیار زیادی محسوب می‌شود؛ حال آنکه براساس مطالعات طرح جامع، میزان کاربری تجاری در سطح شهر برابر با ۷۸ هکتار و سرانه آن معادل ۱/۹ است که مازاد بر نیاز شهر است. مطالب مذکور و آمار جدول زیر بیانگر تأثیر آشکار سرمایه در تولید فضای شهری زنجان است.

جدول ۳. وضعیت سرانه‌های خدماتی و خدمات رفاه عمومی در مقیاس شهر در وضع موجود (سال ۱۴۰۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شهری				کاربری	
کمبود/مازاد	سرانه معیار	سرانه موجود	مساحت (مترمربع)		
-۱۱۳۸۷۷۶	۳/۷۰	۰/۸۵	۳۴۱۶۱۷	آموزش تحقیقات و فناوری	خدمات رفاه عمومی
-۹۵۱۱۱	۰/۳۰	۰/۰۶	۲۴۹۲۰	آموزشی	
-۴۳۷۸۵	۱/۲۵	۱/۱۴	۴۵۶۳۴۷	ورزشی	
-۱۰۷۳۳۸	۰/۵۰	۰/۲۳	۹۲۷۱۵	فرهنگی-هنری	
-۳۱۸۳۳	۰/۲۵	۰/۱۷	۶۸۱۹۳	مذهبی	
-۱۱۵۶۰۹	۰/۵۰	۰/۷۹	۳۱۵۶۶۲	بهداشتی و درمانی	
-۱۱۸۲۳۸۹	۵	۲/۰۴	۸۱۸۱۴۱	پارک	
-۷۲۰۷۸۷	۱	۲/۸۰	۱۱۲۰۸۹۳	اداری و انتظامی	خدمات
-۱۵۶۲۱۰	۰/۵۰	۰/۱۱	۴۳۸۴۳	تجهیزات شهری	
-۶۴۵۷	۰/۳۰	۰/۲۸	۱۱۳۵۷۵	تفریحی-گردشگری	
-۲۷۶۱۸۹۸	۱۳	۸/۴۹	۳۳۹۵۹۰۸	مجموع	

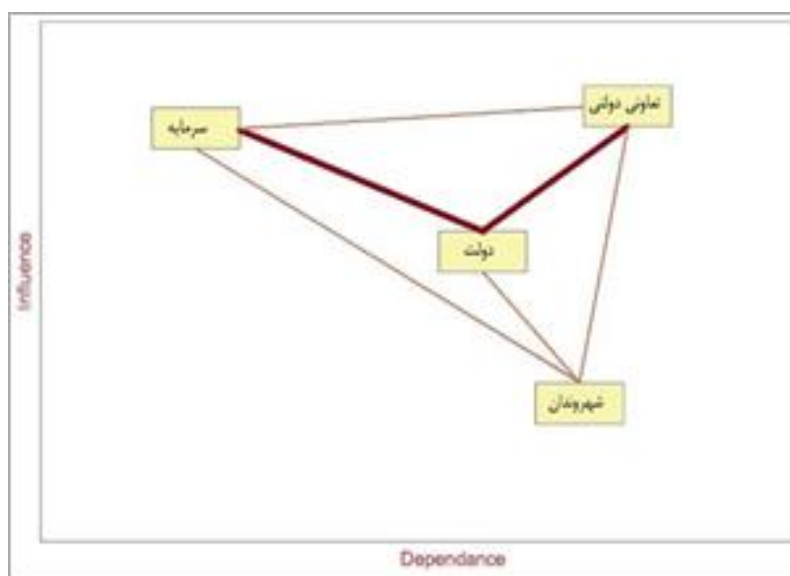
۵.۵. تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر تولید فضای شهری زنجان

برای تحلیل روشمند نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری زنجان از مدل چند «موضوع-چندبازیگر مکتور» یا به عبارتی «ماتریس شرکا و تعارضات؛ اقدامات، اهداف و پیشنهادها» استفاده شده است. در این رابطه ماتریس جدول ۴ و خروجی شکل ۹ نشان می‌دهند که دولت و مدیریت شهری با محوریت دولتی در شکل‌دهی و تولید فضای شهری در قالب طرح‌های آماده‌سازی، نقش دوجانبه داشته و با همکاری بخش دولتی و سرمایه در قالب بخش خصوصی و تعاونی‌های مسکن دولتی توانسته است سیاست‌ها و برنامه‌های مدنظر خود را اجرا کند. از طرفی بخش سرمایه در قالب‌های مختلف از جمله شرکت‌های تعاونی و براساس ماتریس بردار در شکل ۱۰، نقش غالب را داشته است. این عامل یا بازیگر ضمن آگاهی از امکان تحصیل رانت در بستر اجرای طرح‌های آماده‌سازی و با استفاده از نفوذ خود در دولت و با تملک زمین‌های مدنظر، به تفکیک و فروش زمین قطعه‌بندی‌شده اقدام کرده است. از طرفی نقش بخش خصوصی که صاحبان املاک و مستغلات و شرکت‌های بساز و فروش هستند، نقش بینابینی دوجویی و مغلوب بوده است. در این رابطه موفق‌نشدن برخی شرکت‌ها در رسیدن به اهداف مدنظر به واسطه تغییراتی که در بدنه دولت و مدیران شهری ایجاد شده، تأثیرگذار بوده است. از طرفی عامل چهارم یعنی شرکت‌های تعاونی مسکن با عضویت کارکنان دولت نقش مستقلی را بازی کرده است؛ در نتیجه می‌توان گفت که این شرکت‌ها به علت نبود واسطه بین آن‌ها به‌طور مستقیم در شکل‌دهی و تولید فضا در شهر در قالب اقتصاد رانتی و آگاهی از طرح‌های آماده‌سازی تأثیر بسزایی داشته‌اند و به‌عنوان عامل مهم در مدیریت فضای شهری و اقتصاد رانتی در شهر زنجان عمل کرده‌اند. در نهایت شهروندان که اغلب از طرح‌های آماده‌سازی اطلاعی نداشتند و در شرکت‌های تعاونی عضو نبوده‌اند، تأثیر چندانی بر تولید فضا نداشته‌اند و نقش حاشیه‌ای در این زمینه ایفا کرده‌اند.

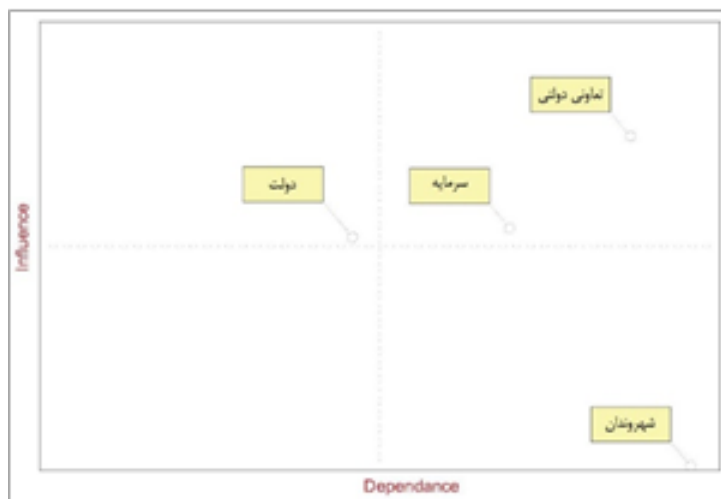
جدول ۴. ماتریس بازیگران-اهداف براساس وزن‌دهی تحلیل دلفی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بازیگران متغیرهای کلیدی	دولت	شهروندان	تعاونی کارکنان سازمان‌های دولتی	سرمایه	Ii
اقتصاد متمرکز	۵	۱	۵	۱	۱۳
توسعه فضای مسکونی	۶	۲	۶	۴	۱۹
شهری شدن رانت	۲	۱	۳	۴	۱۷
تولید فضای شهری	۸	۴	۶	۳	۱۵
Di	۲۱	۸	۲۰	۱۴	--



شکل ۹. نمودار میزان ارتباط بازیگران تأثیر گذار بر تولید فضای شهری زنجان



شکل ۱۰. موقعیت بازیگران تأثیرگذار بر تولید فضای شهری زنجان

۶. نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از منظر سه‌گانه فضاییِ لُفور تا اواخر دوره قاجار «فضای عمل» که محصول عمل فضایی شهروندان است، فضای غالب در شهر زنجان بوده است و نقش دولت در تولید فضا در حد تک‌بناهای مهم قابل‌ردیابی است. پس از استقرار دولت شبه‌مدرن پهلوی و گسیل سرمایه حاصل از فروش نفت به فضای شهری و رواج طرح‌های شهرسازی و معماری، «فضای متصور یا بازنمایی فضایی» به سرعت جایگزین «فضای عمل» شد؛ به این ترتیب نقش مردم در تولید فضای شهری به حاشیه رفت و روبه‌روز کم‌رنگ‌تر شد و تولید فضای شهری به تدریج در انحصار دولت قرار گرفت.

فضای مدرک در شهر زنجان محصول تجربه زندگی چند هزار ساله ساکنانش بود؛ از این‌رو با نیازهای مردم و همچنین اقلیم و فرهنگ منطقه سازگاری کامل داشت. با سیطره فضای متصور القای اراده حاکمیت بر فضا از طریق طرح‌های توسعه شهری، یکسان‌سازی و همگن‌سازی فضای شهری بر سیمای شهر تحمیل شد؛ به این ترتیب گسستی در سیما و کالبد شهر درباره گذشته تاریخی ایجاد شد؛ انقطاعی که بستر دگرگونی‌های محتوایی و اجتماعی در شهر را فراهم کرد. فضای شهری جدید سنخیت چندانی با ماهیت شهرها و زندگی روزمره مردم نداشت؛ به همین دلیل فضای سوم لُفوری یا همان «فضای بازنمایی‌شده» که در واقع بُعد

ذهنی فضا یا تصویر ذهنی شهروندان از فضا است، دگرگون شد و ماهیت جدیدی به خود گرفت.

براساس حکم کلی حاصل از نتایج پژوهش حاضر، دولت و سرمایه نقشی بی‌بدیل در تولید فضای شهری دوره معاصر شهر زنجان داشته‌اند و در این رابطه هم‌آهنگی و هم‌آوایی مستحکمی بین دولت و سرمایه برقرار بوده است. درحقیقت با توجه به ساختار اقتصادی حاکم بر ایران نمی‌توان تفکیکی بین دولت و سرمایه قائل شد؛ چراکه اقتصاد کشور به دلیل اتکای بیش‌ازحد به صادرات مواد خام از جمله نفت، دولتی بوده و درحقیقت منشأ سرمایه در ایران به دولت متعلق است. سرمایه حاصل از فروش نفت از طریق پرداخت حقوق و مزایا به کارکنان دولت و همچنین ایجاد رانت در حوزه‌های مختلف برای اشخاص و گروه‌های ذی‌نفوذ، در سطح جامعه توزیع می‌شود. در شهر زنجان بخش عمده این سرمایه از طریق تعاونی‌های مسکن (که عمدتاً به کارکنان دولت متعلق است) یا اشکال رانتهی دیگر به حوزه زمین و مسکن وارد شده و به این ترتیب سرمایه از طریق فضای شهری به گردش درآمده است.

طبق نتایج پژوهش، ۹۴/۵ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده، توسط دخالت مستقیم دولت در واگذاری زمین یا تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت صورت گرفته است که گویای نقش بدون منازع دولت در تولید بخش عمده فضای شهری زنجان است. این موضوع با تحلیل علمی نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری زنجان با استفاده از مدل چند «موضوع-چندبازیگر مکتور» که در بخش یافته‌ها توضیح داده شد نیز تأیید شد.

بررسی تأثیر دولت و سرمایه بر کالبد شهر براساس شاخص ساخت شهری حاکی از کاهش ضریب هم‌پیوندی شهر در توسعه‌های جدید است که ضعف ساختار فضایی شهری را بیان می‌کند. بررسی نحوه و میزان گسترش فیزیکی نشان می‌دهد طی سال اخیر نشان دهد که پیشی گرفتن گسترش فضایی شهر نسبت به افزایش جمعیت است؛ به‌نحوی که در مقابل افزایش ۲۲/۵ برابری جمعیت محدوده شهر ۳۳ برابر بزرگ‌تر شده است. این گزاره به این معنی است که بخشی از گسترش کالبدی شهر، خارج از نیاز مصرفی صورت گرفته است. دلیل این امر را می‌توان در سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های زمین شهری دولت

جست‌وجو کرد که به غلبه بیش از پیش ارزش مبادله‌ای زمین و مسکن به ارزش مصرفی آن منجر شد که موجب بورس بازی زمین و محلی برای کسب سود شد.

شکل‌گیری بافت دارای ساختار هندسی منظم در مناطق توسعه جدید طی دوره معاصر، حاصل دخالت برنامه‌ریزی شده دولت و سرمایه در تولید فضای شهری است. این نوع بافت‌ها از یک طرف به دلایلی چون یکسان‌سازی فضا، سهولت دسترسی، خوانایی و امکان کنترل بیشتر، مطلوب دولت است و از طرف دیگر به دلیل امکان تحصیل حداکثر قطعات مسکونی از زمین، سهولت اجرا، انطباق با زندگی امروزی، ماشین‌محوری و امکان گسترش آسان مطلوب سرمایه است.

تأثیر دولت و سرمایه بر تولید فضای شهری و غلبه رویکرد سرمایه‌ای به شهر موجب تحقق نیافتن کاربری‌های عمومی و تغییر کاربری آن‌ها و همچنین افزایش تراکم ساختمانی خارج از قاعده در برخی نقاط شهر شده است؛ به‌طوری‌که طبق بررسی‌های نگارنده، طی ۳۲ سال اخیر ۲۴۵ هکتار از کاربری‌های عمومی به کاربری غیر (عمدتاً مسکونی و تجاری) تغییر یافته است که ۱۰۰ هکتار از آن‌ها دارای کاربری باغات و فضای سبز در طرح تفصیلی بوده است.

کتابنامه

۱. اسمیت، ن. (۱۴۰۰). *توسعه نامتوازن طبیعت سرمایه و تولید فضا* (چاپ اول). تهران: انتشارات همشهری.
۲. امیرحاجلو، ا. (۱۳۹۶). *تبیین تولید فضای شهری (موردمطالعه: کلان‌شهر تهران)* (رساله دکتری منتشرنشده رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳. آقایی، پ. (۱۳۹۹). *تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه* (رساله دکتری منتشرنشده رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. توسلیان، ر. (۱۳۹۸). *نقش سیاست‌های عرضه زمین مسکونی در فرایند شهری شدن رانت و ساخت شهرهای ایران* (رساله دکتری منتشرنشده رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۵. ثبوتی، ه.، و ثبوتی، ه. (۱۳۹۱). اولین خیابان شهری در زنجان. فصلنامه معماری و فرهنگ، (۴۷)، ۷۴-۸۴.
۶. حاجی‌زاده، م. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان سیاست های زمین شهری در تولید فضا (نمونه موردی تهران) (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
۷. ربانی، ط. (۱۴۰۰). آینده پژوهی در عمل. نشریه آینده پژوهی، ۱ (۳)، ۱۸-۲۵.
۸. رهنمایی، م. ت. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهری شدن در ایران. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، (۱)، ۱۶۵-۱۴۳.
۹. ساندرس، پ. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی و مسئله شهری (چاپ دوم). تهران: انتشارات تیسرا.
۱۰. شریف‌زادگان، م.، و حسین‌آبادی، م. (۱۳۹۹). نقش دولت و بازار در برنامه ریزی فضایی شهری: از تقابل به سوی تعامل در نهادگرایی جدید. مجله دانش شهرسازی، ۳ (۴)، ۱۸-۱.
۱۱. عبدی، م.، و حبیبی، م. (۱۴۰۰). مکانیسم‌های تولید فضا در فرایند انباشت سرمایه در آرای هانری لفور، دیوید هاور و ادوارد سوچا. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی رف، (۲)، ۴-۲۲.
۱۲. کاستلز، م. (۱۳۹۸). مسئله شهری: رویکرد مارکسیستی (چاپ اول). تهران: انتشارات شهیدی آرمان شهر.
۱۳. لفور، ه. (۱۳۹۰). تولید فضا (چاپ دوم). تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران.
۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران: تارنمای مرکز آمار ایران. www.amar.org.ir
۱۵. منوچهری، ا.، و رهنمایی، م. (۱۳۹۸). تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران مورد: شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲ (۹)، ۳۸۷-۴۱۵.
۱۶. هاروی، د. (۱۳۹۲). شهری شدن سرمایه (چاپ دوم). تهران: نشر دات.
۱۷. هاروی، د. (۱۳۹۴). هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری (چاپ اول). تهران: انتشارات اختران.

18. Alexander, E. R. (2001). Why planning vs. markets is an oxymoron: Asking the right question. *Planning & Markets*, 4. Retrieved from www.pam.usc.edu/volume4/v4i1a2s1.html
19. Harvey, D. (1985). *The urbanization of capital: Studies in the history and theory of capitalist urbanization*. Baltimore: John Hopkins University Press.
20. Lai Wai Chung, L. (1994). The economics of zoning: A literature review and analysis of the work of Coase. *Town Planning Review*, 65(1), 77-98.
21. Massey, D. (1994). *Space, Place, and Gender*. Minnesota: University of Minnesota Press.

-
22. Massey, D. (2005). *For space*. London: SAGE Publications Ltd.
23. Mills, E. S. (2009). Urban land-use controls and the subprime mortgage crisis. *The Independent Review*, 13(4), 559-565.
24. Moore, T. (1978). Why allow planners to do what they do? A justification from economic theory. *Journal of the American Planning Association*, 44(4), 387-398.
25. Saunders, P. (1981). Social theory and urban question. In P. Saunders (Ed.), *Social theory and urban question*. utchinson: Hutchinson University Library.
26. Soja, E. (1989). *Postmodern geographies: The reassertion of space in critical social theory*. London; New York: Verso.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.84462.1331>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

بررسی تأثیر اقتصاد دایره‌ای بر توسعه زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز با نقش میانجی کارآفرینی اجتماعی

رضا نوروزی اجیرلو (استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

rezanorouzi20@pnu.ac.ir

مسلم سلیمان پور (استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

m.soleymanpor@pnu.ac.ir

سید محمد رضا موحد (دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی،

اردبیل، ایران)

reza.movahed36@gmail.com

صص ۳۷۳ - ۳۴۷

چکیده

زیست‌پذیری عوامل متعددی را در بر می‌گیرد که به شرایط محلی غالب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد. امروزه زیست‌پذیری پیش‌نیاز زندگی سالم همراه با بقای اقتصادی و اجتماعی است؛ بنابراین برای بهبود کیفیت زندگی بسیار مهم است. در این راستا مفهوم اقتصاد دایره‌ای یا اقتصاد دورانی به‌عنوان مدلی از تولید و مصرف است و پاسخ به کمبود منابع و به‌عنوان محرک گذر به سمت سیستم اقتصادی پایدارتر ترویج شده است؛ به‌طوری‌که چرخه عمر محصولات را افزایش می‌دهد. این مطالعه تأثیر اقتصاد دایره‌ای (بازیافت، تولید و مصرف مجدد) بر زیست‌پذیری اقتصادی با سنجش نقش کارآفرینی اجتماعی را بررسی کرد. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بود. ۸۰ نفر از مدیران و کارشناسان حامیان کسب‌وکارهای اجتماعی فعال کلان‌شهر تبریز، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

که به دو روش نمونه‌گیری تصادفی و گلوله‌برفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های استاندارد و محقق‌ساخته در این زمینه استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها توسط نرم‌افزار SMART-PLS و با استفاده از آزمون T و ضرایب مسیر (B) نشان داده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ارتباط مستقیم و معناداری بین مؤلفه‌های اقتصاد دایره‌ای (مصرف مجدد، تولید و بازیافت) با زیست‌پذیری اقتصادی (اشتغال و درآمد، هزینه خانوار و ارزش زمین و مسکن) در سطح معناداری ۰/۰۰۱ وجود داشت. همچنین تأثیر مثبت متغیر میانجی کارآفرینی اجتماعی بر زیست‌پذیری اقتصادی تأیید شد ($B=0/681$)؛ از این رو ضرورت کاهش استفاده از منابع طبیعی از طریق استفاده مجدد و بازیافت محصولات در راستای توجه ویژه به زیست‌پذیری اقتصادی و نقش کارآفرینان اجتماعی با تأثیر اجتماعی و زیست‌محیطی مثبت و توسعه مدل‌های کسب‌وکار نمایان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری اقتصادی، اقتصاد دایره‌ای، کارآفرینی اجتماعی.

۱. مقدمه

مفهوم اقتصاد دایره‌ای نشان‌دهنده رویکرد جایگزین به اقتصاد خطی (ساختن، استفاده کردن، دور انداختن)، با تمرکز بر کاهش و بسته شدن جریان منابع و افزایش چرخه عمر محصول از طریق استفاده مجدد و بازیافت است (مایس و گولد^۱، ۲۰۲۱، ص. ۲). اقتصاد دایره‌ای اقتصادی است که برای «خودبازسازی^۲» طراحی شده است؛ نوعی اقتصاد است که هدف آن مبتنی بر منابع انرژی تجدیدپذیر، به حداقل رساندن، ردیابی و حذف استفاده از مواد سمی و حذف تولید زباله با طراحی دقیق است (ایرالدو و برچی^۳، ۲۰۱۵، ص. ۶)؛ بنابراین اقتصاد دایره‌ای جایگزین مناسبی برای اقتصاد خطی سنتی مبتنی بر تولید بیش‌ازحد و براساس ضایعات است که در حال حاضر با سرعت دیوانه‌کننده‌ای تولید می‌شود و بر کوچک شدن مواد چرخه عمر محصول تأکید دارد. (چیانی^۴ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۵۶). بیشترین تمرکز

-
1. Mies & Gold
 2. self-renewal
 3. Iraldo & Bruschi
 4. Ciani

در گفتمان علمی اقتصاد دایره‌ای بر ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی نهفته است؛ درحالی‌که جنبه‌های اجتماعی مانند شیوه‌های کار، حقوق بشر و رفاه جامعه، تنها به‌صورت پراکنده در مفهوم اقتصاد دایره‌ای ادغام شده‌اند (جسدورفر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۷۵۹). بحث درباره مفهوم اقتصاد دایره‌ای به‌صورت خودکار ما را به سمت مبحث زیست‌پذیری رهنمون می‌کند. زیست‌پذیری اصطلاحی است که به‌طور گسترده استفاده می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که به محیط‌های شهری اشاره می‌شود؛ بااین‌حال هیچ توافق کلی درمورد چگونگی تعریف دقیق آن وجود ندارد (کواس^۲ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳). زیست‌پذیری یکی از انواع اصلی کیفیت زندگی است و به کیفیت بیرونی گفته می‌شود که بر کیفیت‌های درونی زندگی مانند رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد (وین هوون^۳، ۲۰۰۰).

زیست‌پذیری شهری به سیستم شهری گفته شده است که به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه می‌کند (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۱). در بسیاری از متون، مفهوم زیست‌پذیری با کیفیت زندگی به‌صورت مترادف بیان شده است. کیفیت زندگی که به‌وسیله شهروندان یک شهر تجربه می‌شود، با توانایی آن‌ها برای دسترسی به زیرساخت‌ها، غذا، هوای پاک، مسکن ارزان‌قیمت، اشتغال مؤثر، فضای سبز و پارک‌ها گره خورده است. زیست‌پذیری نیز به‌عنوان کیفیت زندگی تجربه‌شده توسط ساکنان یک شهر یا یک منطقه تعریف می‌شود.

زیست‌پذیری شامل پنج بعد محیطی، اکولوژیک، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی نهادی مدیریتی و کالبدی است که از بین آن‌ها اهمیت مبحث اقتصاد بر کسی قابل‌اغماض نیست و این مبحث در تمامی مسائل روز دنیا مانند پایداری و کیفیت زندگی به‌عنوان عامل مؤثر در نظر گرفته شده است (ون کامپ^۴ و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۶) و همچنین می‌توان ادعا کرد اهمیت و ضرورت زیست‌پذیری اقتصادی چنان است که در تمامی شاخص‌های زیست‌پذیری استاندارد جهان آورده شده است (علینقی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۶۸). از طرفی دیگر

1. Geissdoerfer
2. Kovacs
3. Veenhoven
4. van Kamp

اجماع فزاینده‌ای در میان دست اندرکاران، سیاست‌گذاران و جامعه پژوهشی وجود دارد که نوآوری‌های فناوری به‌تنهایی قادر به غلبه بر چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع مدرن نیستند. اهمیت کارآفرینی اجتماعی برای رسیدگی موفق به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی قرن بیست‌ویکم نه‌تنها در استراتژی اروپا ۲۰۲۰، بلکه در مقیاس جهانی نیز شناخته شده است که در سال‌های اخیر شاهد ظهور این شکل جدید از کارآفرینی بوده‌ایم که هم به‌عنوان هدف تحقیق و توسعه یعنی اینکه کارآفرینی اجتماعی به اشکال مختلف ظاهر می‌شود و بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند و هم آن‌ها شیوه زندگی و کار را تغییر می‌دهند و توسط بخش‌های مختلف اجتماعی و شبکه‌های بین بخشی هدایت می‌شوند. با توجه به اینکه کارآفرینان اجتماعی در راستای مأموریتشان به مقوله توسعه پایدار در کسب‌وکارشان به‌عنوان اولویت اصلی می‌پردازند، در این پژوهش به کارآفرینان اجتماعی پرداختیم. با در نظر گرفتن مطالب گفته‌شده، مطالعه پژوهش‌های پیشین، بی‌توجهی به بحث کارآفرینی اجتماعی در مطالعات و لزوم توجه به سه متغیر گفته‌شده، خلأ پژوهشی در این زمینه مشهود به نظر می‌رسد.

در سال‌های اخیر، کارآفرینی اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای بر پژوهش و سیاست تأثیرگذار شده است (دومانسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به ارتباط کارآفرینی اجتماعی از لحاظ برخورداری از خدمات کارآفرینی برای ارائه ارزش اجتماعی به افراد کم‌برخوردار و عامل زیست‌پذیری از حیث برخورداری بودن افراد جامعه از نظر افزایش کیفیت زندگی و اهمیت ارتباط اقتصاد دایره‌ای از بعد بهبود مدیریت منابع در شهرها به‌منظور افزایش کارایی و در نتیجه کاهش تقاضای منابع و ارتباط این سه مبحث با یکدیگر لزوم، توجه ویژه به آن ضروری به نظر می‌رسید. در این تحقیق فرصت آن شد تا با توجه به اهمیت موضوع کارآفرینی اجتماعی و بحث اقتصاد دایره‌ای به بررسی این سؤال بپردازیم: «آیا اقتصاد دایره‌ای بر توسعه زیست‌پذیری اقتصادی با نقش واسطه کارآفرینان اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز تأثیر دارد؟»

فرضیه‌های مطالعه‌شده در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. اقتصاد دایره‌ای بر زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز تأثیر دارد.
۲. اقتصاد دایره‌ای بر کارآفرینان اجتماعی تأثیر دارد.
۳. کارآفرینان اجتماعی بر زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز تأثیر دارد.
۴. اقتصاد دایره‌ای بر زیست‌پذیری اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز با نقش واسطه کارآفرینان اجتماعی تأثیر دارد.

۲. پیشینه تحقیق

ژیائو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تکامل مکانی-زمانی و عوامل کلیدی زیست‌پذیری شهری در منطقه خشک: مطالعه موردی فلات لس، چین» دریافتند که شش عامل کلیدی برای زیست‌پذیری شهری وجود دارد و همچنین سرمایه‌گذاری ثابت و تراکم جمعیت تأثیر منفی بر زیست‌پذیری شهری دارد؛ درحالی‌که مقررات زیست‌محیطی، بهینه‌سازی ساختار صنعتی، سطح درآمد و کیفیت سازمانی تأثیر مثبت دارند. یی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آیا توسعه اقتصادی باعث زندگی بهتر می‌شود؟» به این نتیجه رسیدند که سطح زیست‌محیطی، محیط اشتغال و سیستم فشار عامل کلیدی هستند که بیشترین تأثیر را بر زیست‌پذیری منطقه‌ای استان جیانگ سو در چین دارند. کورال^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «اقتصاد دایره‌ای به‌عنوان محور توسعه کشاورزی و روستایی (مورد مطالعه: شهرداری آلموسیتا (آلمریا، اسپانیا))» به این نتیجه رسیدند که اقتصاد دایره‌ای بدون اینکه به‌عنوان یک استراتژی بسیار رقابتی در دنیای تجارت متوقف شود، به‌عنوان یک استراتژی توسعه پایدار پذیرفته می‌شود که منافع را هم برای جامعه و هم برای محیط زیست ایجاد می‌کند؛ بنابراین مهم‌ترین نتیجه این است که نمی‌توان آن را به‌عنوان روند صرف رد کرد؛ بلکه درواقع یک الگوی عمل است که از تکامل پایداری و رویکرد سه‌گانه حاصل می‌شود. میهای^۴ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد دایره‌ای و توسعه پایدار روستایی» بیان

1. Xiao

2. Yi

3. Corral

4. Mihai

کردند که تکنیک‌های نوآوری در مقیاس کوچک می‌توانند پایداری شیوه‌های کشاورزی را در جوامع روستایی در سراسر جهان تسریع کنند. توسعه کشاورزی ارگانیک و زنجیره‌های عرضه کوتاه می‌تواند نقش کلیدی در اقتصاد دایره‌ای سکونتگاه‌های روستایی داشته باشد. توسعه پایدار روستایی را می‌توان با تلاقی رویکردهای اقتصاد دایره‌ای با سایر جایگزین‌های اقتصادی پایدار مانند اقتصاد زیستی، اقتصاد آبی، اقتصاد سبز و اقتصاد دیجیتال به دست آورد. اسکوزونی^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی اجتماعی و توسعه اقتصادی در دره سیلیکون: مطالعه موردی در سرمایه‌گذاری مشترک: شبکه دره سیلیکون» دریافته‌اند که کارآفرینان اجتماعی نقشی اساسی در ترویج ابتکارات شهری برای رسیدگی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق و جوامع محلی ایفا می‌کنند که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی برای حمایت از همکاری در بین افراد جامعه می‌شود. الچارانی و ریمی^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی اجتماعی موفق در اقتصاد دایره‌ای نوظهور لبنان: بررسی نقش تعدیل‌کننده سازمان‌های غیردولتی» به این نتیجه رسیدند که سه عامل اصلی شامل عوامل محیطی، عوامل روان‌شناختی و تجربه قبلی کارآفرینان اجتماعی، موفقیت کارآفرینان اجتماعی در لبنان را تعیین می‌کنند.

علینقی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «زیست‌پذیری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت» را انجام دادند که نتایج مطالعه‌شان نشان از تأثیر اندک بعد اقتصادی بر زیست‌پذیری در محدوده مورد مطالعه است؛ البته با فراهم کردن زمینه‌ای در راستای افزایش اشتغال و همچنین تمرکز بر جذب گردشگر با توجه به پتانسیل‌های موجود می‌توان امید داشت با تقویت زیست‌پذیری اقتصادی، سطح زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه افزایش یابد. نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «تحلیل زیست‌پذیری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان صومعه‌سرا» انجام دادند. آن‌ها دریافته‌اند، شاخص‌های ارزش زمین و مسکن، هزینه خانوار و وضعیت کشاورزی به‌طور مستقیم بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی شهرستان صومعه‌سرا مؤثر نبوده و میزان اثر کل در هر

1. Squazzoni

2. El Chaarani & Raimi

سه شاخص، کم و در شاخص ارزش زمین و مسکن کم و منفی بوده است، اما به‌طور غیرمستقیم می‌توانند بر وضعیت اشتغال و درآمد روستاها تأثیر بگذارند و بر افزایش یا کاهش زیست‌پذیری مؤثر باشند. شاخص وضعیت گردشگری به‌رغم تأثیر مستقیم بر میزان زیست‌پذیری از طریق شاخص اشتغال و درآمد نیز می‌تواند به افزایش زیست‌پذیری منجر شود. شهدکار و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مدل کسب‌وکار دایره‌ای ابزار توسعه در فرایند گذار به اقتصاد دایره‌ای: ارائه یک مدل در سطح شرکت‌های دانش بنیان» بیان کردند، موفقیت اقتصاد دایره‌ای مستلزم توسعه مدل‌های کسب و کار است؛ جایی که پایداری و سازمان‌دهی جمعی به‌جای سود مستقیم، منطق ارزش آفرین خود را بر عهده دارند که اساساً به تجدید ساختار کلی مدل‌های کسب‌وکار فراتر از پتانسیل ارزش اقتصادی آن‌ها نیاز دارد. مدل‌های کسب و کار اقتصاد دایره‌ای از این نظر منحصر به فرد است که در مقایسه با مدل‌های کسب و کار سنتی، برای ایجاد نوع جدیدی از ارزش‌ها چرخه عمر محصول/خدمات دایره‌ای را در نظر می‌گیرند که با تغییرات اقتصادی و اجتماعی سازگار است؛ یعنی برای پیشبرد منطق اقتصادی جدید، به ابزارها و زمینه‌های عملی جدید نیاز است. علاوه بر این، مدل‌های کسب‌وکار دایره‌ای، در چارچوب اکوسیستم اقتصادی کشور، با ایجاد ارزش‌های چندگانه، نوآوری مشترک، همگرایی، همکاری و ترکیب این موارد در چارچوب مدل کسب‌وکار، افق جدیدی را به کارآفرینان و صاحبان کسب‌وکار ارائه می‌دهد. شهدکار و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر اقتصاد دایره‌ای در ایران» عنوان کردند، مدل اقتصاد دایره‌ای با تکیه بر اصول زیرساختی خود، مزایایی را ارائه می‌دهد که نتیجه آن، رفع چالش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، ایجاد توسعه پایدار و بقای بیشتر کسب‌وکارها است. اقتصاد دایره‌ای به‌عنوان استراتژی توسعه پایدار است که در بلندمدت هم برای کارآفرینان و هم برای محیط‌زیست منافع ایجاد می‌کند. کارآفرینان برای بقا و موفقیت خود نیازمند یادگیری و توانمندسازی هستند؛ بنابراین توانمند کردن کارآفرینان عنصر مهمی در راستای توسعه کسب‌وکار پایدار روستایی محسوب می‌شود. هدف این مطالعه بررسی تأثیر اقتصاد دایره‌ای با ابعاد بازیافت، تولید و مصرف مجدد بر توسعه پایدار روستایی با نقش میانجی توانمندسازی کارآفرینان بود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و با توجه به هدف از نوع کاربردی بود و جمع‌آوری اطلاعات به شکل میدانی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، ۸۰ نفر از مدیران و کارشناسان حامیان کسب‌وکارهای اجتماعی فعال کلان‌شهر تبریز بودند که به دو شیوه نمونه‌گیری تصادفی و گلوله‌برفی انتخاب شدند. ابتدا با روش نمونه‌گیری تصادفی به تعدادی از افراد فعال در کسب‌وکارهای مراجعه شد و سپس براساس روش گلوله‌برفی از آن‌ها خواسته شد تا افراد دیگری را معرفی کنند که در کسب‌وکارهای مشابه فعالیت می‌کنند. در این بین، ۱۲۰ پرسش‌نامه توزیع و درنهایت ۸۰ پرسش‌نامه صحیح دریافت و تجزیه و تحلیل شد. در این زمینه سؤالات پرسش‌نامه، از چارچوب کلی سؤالات پرسش‌نامه تولید روسینکو و نگرش به بازیافت از پژوهش اکبری (۱۳۹۲)، پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته «استفاده مجدد از محصول»، پرسش‌نامه کارآفرینی اجتماعی اقتباس‌شده از پژوهش وقار موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، پرسش‌نامه زیست‌پذیری اقتصادی اقتباس‌شده از پژوهش نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) در اختیار آن‌ها قرار گرفت بودند که در سابقه تحقیقات قبلی، روایی و پایایی این پرسش‌نامه‌ها تأیید شده بود؛ بنابراین از اعتبار لازم برخوردار بودند، ولی برای اطمینان کامل به‌منظور تعیین اعتبار پرسش‌نامه با پنج استاد دانشگاه با تخصص کارآفرینی نظرخواهی شد و آن‌ها در یک آزمون اولیه پرسش‌نامه را از لحاظ محتوا و شکل بررسی نکردند و پیشنهادهایی درخصوص شفاف‌سازی بهتر برخی سؤالات مطرح کردند که پس از جمع‌بندی نظرها، پرسش‌نامه نهایی در قالب پژوهش تنظیم شد.

به‌منظور بررسی هدف اصلی پژوهش از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ برای تعیین نرمال بودن داده‌ها و برای ارزیابی مدل مفهومی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS نسخه ۳ استفاده شد.

یکی از پیش‌فرض‌های اصلی لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتری، فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای بررسی‌شده است؛ ازاین‌رو قبل از انجام آزمون‌های مدنظر و بررسی

فرضیه‌های تحقیق، باید نرمال بودن توزیع متغیرها آزمون شود. نتایج آزمون در جدول ۱ گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای تحقیق در سطح خطای ۵ درصد معنادار هستند و به عبارت دیگر هیچ‌کدام از متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند؛ زیرا دارای سطوح معناداری کوچک‌تر از ۵ درصد هستند.

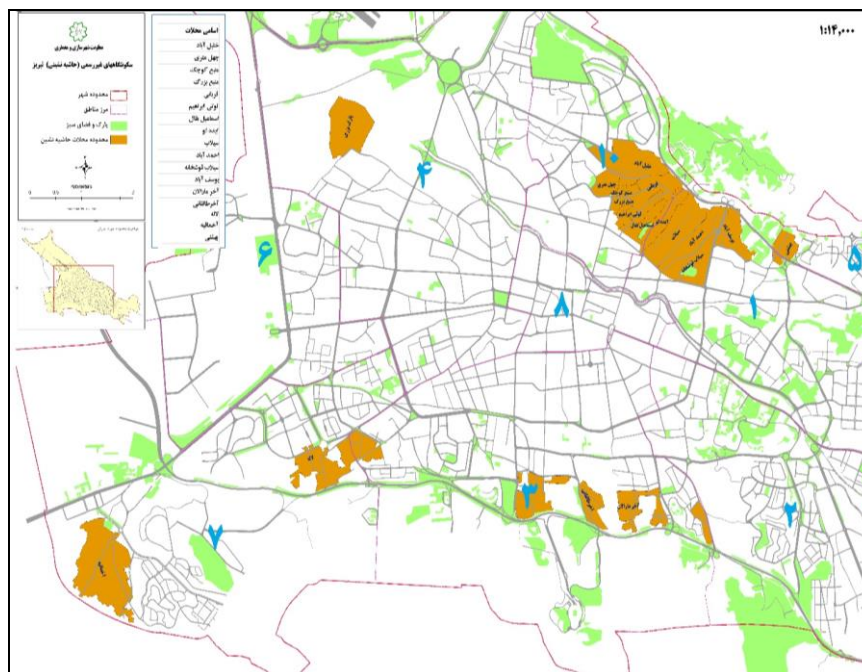
جدول ۱. نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیرهای تحقیق	مقدار آماره	سطح معناداری (sig.)
اقتصاد دایره‌ای	۰/۰۸۲	۰/۰۰۱
کارآفرینی اجتماعی	۰/۱۰۱	۰/۰۰۲
زیست‌پذیری اقتصادی	۰/۰۷۸	۰/۰۰۱

۲.۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی واقع است و دارای ۴۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ است براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱,۵۵۸,۶۹۳ نفر ششمین شهر پرجمعیت ایران است. از کل جمعیت شهر تبریز ۴۵۰ هزار نفر آن حاشیه‌نشین‌اند که در بخش‌های، شمال، شمال غرب، جنوب و جنوب غربی ساکن هستند که تقریباً یک‌سوم جمعیت و سطح کلان‌شهر تبریز است. از ۲۵ هزار هکتار مساحت تبریز، ۱۲ هزار و ۵۰۰ هکتار بافت پر شهری است که از آن ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار به بافت حاشیه‌نشین مربوط است. اسامی محلات حاشیه‌نشین که بیشتر در مناطق ۱ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ واقع‌اند، در نقشه نشان داده شده است (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. زیست‌پذیری و زیست‌پذیری اقتصادی

زیست‌پذیری، به‌رغم ظاهر مکرر آن در ادبیات آموزشی و حرفه‌ای، واژه‌ای مبهم است که در شرایط مختلف توسط گروه‌های مختلف به‌طور متفاوت به کار می‌رود؛ بااین‌حال، توجه روزافزون به این موضوع و تعداد روزافزون دانشگاهیان و متخصصان که درگیر مسائل زیست‌پذیری هستند، نیاز به درک روشنی از زیست‌پذیری، به‌طورکلی و زیست‌پذیری شهری به‌طور خاص را آشکار کرده است. زیست‌پذیری به دیدگاه‌های مختلف ساخته‌شده درمورد کیفیت زندگی در هر محیط زندگی انسانی اشاره دارد. این مفهوم به بهینه‌سازی عملکرد و یکپارچگی زندگی انسان مربوط می‌شود (آلیس و رابرتز، ۲۰۱۶، ص. ۲۴۱). محیط‌های

قابل‌زندگی، پارامترهای رفاه فیزیکی و اجتماعی را برای حفظ وجود انسانی سازنده و معنادار یکپارچه می‌کنند (کاشف^۱، ۲۰۱۶).

زیست‌پذیری از دهه ۱۹۸۰ به موضوع مهمی تبدیل شده است؛ زمانی که مردم به مطالعه تغییر در الگوهای توسعه از کاهش مراکز شهری به مناطق حومه‌ای به‌سرعت درحال‌رشد، شروع کردند (دوست محمدیان و رضایی، ۲۰۱۹). هیلن^۲ زیست‌پذیری را «چتری برای معانی گوناگون توضیح می‌دهد که هم به مبحث اندازه‌گیری زیست‌پذیری و هم به دیدگاه کسانی که کیفیت آن را اندازه‌گیری می‌کنند، بستگی دارد». به گفته وی، زیست‌پذیری از منظر فرد به محیط مربوط است و شامل ارزیابی ذهنی کیفیت مکان است (هیلن، ۲۰۱۹). بین زیست‌پذیری و توسعه پایدار از طریق شاخص‌هایی که برای نشان دادن زیست‌پذیری در چارچوب محیط «پاک‌تر، ایمن‌تر و سبزتر» به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی دستیابی به توسعه پایدار معرفی می‌شوند، رابطه وجود دارد. توسعه پایدار شهری دارای چهار عنصر است: زیست‌پذیری، پایداری زیست‌محیطی، عملکرد اقتصادی و حکمرانی خوب. در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته، زیست‌پذیری به معنی بسیار محدودتر و عملیاتی‌تر پذیرفته شده است و به درجات بالایی از «پاکیزگی، ایمنی و سبز دوستی» مربوط می‌شود (جیپ^۳ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۹۳). زیست‌پذیری مجموع عواملی است که کیفیت زندگی یک جامعه را افزایش می‌دهد. این عوامل شامل محیط‌های ساخته‌شده و طبیعی، رونق اقتصادی، ثبات و برابری اجتماعی، فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های فرهنگی و تفریحی است (یولیا^۴، ۲۰۱۶، ص. ۳۳۶). زیبو^۵ (۲۰۱۵، ص. ۳۲) زیست‌پذیری شهری را این‌گونه تعریف می‌کند: زیست‌پذیری شهری به‌عنوان معیار کلی «راحتی»، «نیاز بودن» و «مناسب بودن» و به‌طور خاص «قابلیت زندگی» را به‌عنوان «مناسب بودن مکانی برای برآورده کردن راحت همه نیازها و خواسته‌های روزانه و بلندمدت» بیان می‌کند.

1. Kashef

2. Heylen

3. Giap

4. Aulia

5. Szibbo

در زمینه زیست‌پذیری محققان خارجی و داخلی بسیاری تلاش زیادی کردند که مشخص می‌شود به بخش اقتصادی زیست‌پذیری بسیار توجه شده است. براگاد^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در کتاب خود با عنوان *جامعه‌ای زیست‌پذیر و چگونگی ساخت آن* بیان می‌کنند، شیوه‌ای که ما برای برنامه‌ریزی و ساخت جامعه عمل می‌کنیم، تأثیر عمده‌ای بر کارایی جامعه در زمان، منابع و پول دارد که ما را از لحاظ اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر کیفیت محیط زیست تأثیر می‌گذارد. هیبرد و نیکول^۲ (۲۰۱۲) شاخص‌های بررسی‌شده در تحقیق خود را مربوط به متغیر زیست‌پذیری اقتصادی شامل «اشتغال و درآمد»، «ارزش زمین» و «هزینه مسکن» عنوان می‌کنند (نیکدل و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۶۸).

۴.۲. اقتصاد دایره‌ای

اقتصاد دایره‌ای نشان‌دهنده الگوی نحوه طراحی، فروش و چرخش مواد در اقتصادی احیاکننده است. این سیستم جدید، به‌طور گسترده در رابطه با مزایای زیست‌محیطی و اقتصادی آن مطالعه شده است. برای توسعه اقتصاد دایره‌ای و درک اینکه چگونه در چارچوب‌های توسعه پایداری قرار می‌گیرد، درک مفاهیم اجتماعی این پدیده ضروری است (والنیکا^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

برای اولین بار پیرس و ترنر^۴ (۱۹۹۰) مفهوم اقتصاد دایره‌ای را مطرح کردند. در این نظریه آن‌ها استدلال می‌کنند که به دلیل محدودیت منابع طبیعی، الگوهای اقتصاد کلاسیک با تمرکز بر استفاده از منابع تولید تجدیدنپذیر سازگار با اهداف توسعه پایدار نیستند، بنابراین الزامی است که تجزیه و تحلیل فعالیت‌های اقتصادی و فرایندهای تولید براساس استفاده از مواد تجدیدپذیر و قابل بازیافت بازنگری شوند که اقتصاد دایره‌ای نام‌گذاری می‌شود که هم‌زمان هر دو هدف حفظ محیط‌زیست و کارآمدی منابع کمیاب از طریق مدیریت مؤثر فرایندهای تولید را تأمین می‌کند. الگوی اقتصاد دایره‌ای بر سه اصل مهم اصول R3 استوار است که شامل کاهش استفاده از منابع طبیعی، استفاده از منابع تجدیدپذیر و بازیافت در تولید و مصرف

1. Bragado

2. Huybrechts & Nicholls

3. Valencia

4. Pearce & Turner

می‌شود (سو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۲۱۶). اجرای این سه اصل به معنای به حداقل رساندن استفاده از منابع طبیعی و مواد اولیه از طریق بهبود فرایند تولید و افزایش کارایی و استفاده مجدد از محصولات جانبی و پسماندهای تولید به عنوان منبع تولید برای سایر محصولات، به بازیافت و فرآوری مواد در تولید محصولات جدید با هدف کاهش استفاده از مواد خام اشاره می‌کند.

اقتصاد دایره ای رویکردی با هدف بهبود مدیریت منابع در شهرها به منظور افزایش کارایی و در نتیجه کاهش تقاضای منابع، بهبود دسترسی به منابع و حمایت از رشد اقتصادی محلی، ایجاد شغل و نوآوری است (پارلمان اروپا، ۲۰۲۳). بنیاد آلن مک‌آرتور اقتصاد دایره‌ای را تعریف کرده است که براساس طراحی و سه اصل کلیدی است: حذف زباله، دایره‌ای بودن و بازسازی (مک‌آرتور^۲، ۲۰۱۳، ص. ۲۵). عناصر بررسی شده در اقتصاد دایره‌ای شامل سه بخش «استفاده مجدد»، «تولید» و «بازیافت» است (سایدانی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۵۴۲).

۴.۳. کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک مفهوم در طیف گسترده‌ای از رشته‌ها از جمله مدیریت، سیاست اجتماعی، علوم سیاسی و اقتصاد، به بلوغ رسیده است. چیزی که به‌ویژه برای ما در خورتوجه است، این است که الگوهای معانی مرتبط با کارآفرینی اجتماعی به‌طور چشمگیری در طول زمان تغییر کرده است (مارتین و اوسبرگ^۴، ۲۰۰۷). با معانی‌ای که با توجه به بافت فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی متفاوت تفسیر می‌شوند، کارآفرینی اجتماعی، مفهومی سیال و بحث‌برانگیز است (دی بروین و تیاسدیل^۵، ۲۰۱۹، ص. ۳).

کارآفرینی اجتماعی مفهومی است که در سال‌های اخیر ذهن بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. کارآفرینی اجتماعی نشان می‌دهد که کارآفرینی ممکن است با هدف سودمندی جامعه باشد، نه صرفاً به حداکثر رساندن سود فردی. به نظر می‌رسد

1. Su

2. MacArthur

3. Saidani

4. Martin & Osberg

5. de Bruin & Teasdale

که نوید نوع دوستی از سرمایه‌داری را می‌دهد که تمام فعالیت‌های انسانی را از نظر تجاری ارزیابی نمی‌کند و آن را قادر می‌سازد پلی بین شرکت و خیرخواهی ساخته شود (رابرتز و وودز، ۲۰۰۵، ص. ۴۶).

کارآفرین اجتماعی فردی مأموریت‌محور است که از مجموعه‌ای از رفتارهای کارآفرینانه برای ارائه ارزش اجتماعی به افراد کم‌برخوردار استفاده می‌کند. همه این‌ها از طریق یک نهاد کارآفرینی است که از نظر مالی مستقل، خودکفا یا پایدار است. این تعریف چهار عامل را ترکیب می‌کند که کارآفرینی اجتماعی را از سایر اشکال کارآفرینی متمایز می‌کند. کارآفرینان اجتماعی، ۱. مأموریت‌محور هستند، ۲. از طریق ترکیبی از ویژگی‌هایی که آن‌ها را از انواع دیگر کارآفرینان متمایز می‌کند، کارآفرینانه عمل می‌کنند، ۳. در سازمان‌های کارآفرینی که دارای فرهنگ قوی نوآوری و باز بودن هستند، عمل می‌کنند و ۴. در سازمان‌های مستقل مالی که دارای استراتژی‌های درآمد کسب‌شده هستند، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند (هویرتز و نیکول، ۲۰۱۲). شاخص‌های بررسی شده در تحقیق حاضر به متغیر کارآفرینی اجتماعی شامل «شناسایی مشکلات اجتماعی»، «تشخیص فرصت کارآفرینی»، «خلاقیت و نوآوری در رفع مشکلات اجتماعی»، «تحمل ابهام» و «ریسک‌پذیری» مربوط است (وقار موسوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۷۱).

سطح زیست‌پذیری جزء مهمی در سنجش توسعه پایدار منطقه‌ای است. مشکلاتی مانند نبود درآمد کافی، آلودگی محیط‌زیست و ساختار صنعتی غیرمنطقی می‌تواند از موانع زیست‌پذیری منطقه باشد. تحقیقات انجام‌شده بیش‌ازحد به شاخص‌های محیط شهری توجه می‌کنند و نمی‌توانند به‌طور کامل منعکس‌کننده محیط‌زیست جامع منطقه‌ای باشند. به‌طور خاص، شاخص‌ها شامل سطح زیست‌محیطی، سیستم استاندارد زندگی و منابع عمومی، سیستم سبک زندگی کم‌کربن، محیط اشتغال و سیستم مقیاس توسعه شهری هستند. نتایج نشان داد که زیست‌پذیری اقتصادی و سطح زیست‌پذیری محیطی دو عامل کلیدی هستند که بیشترین تأثیر را بر زیست‌پذیری منطقه‌ای دارند (بی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱).

1. Roberts & Woods

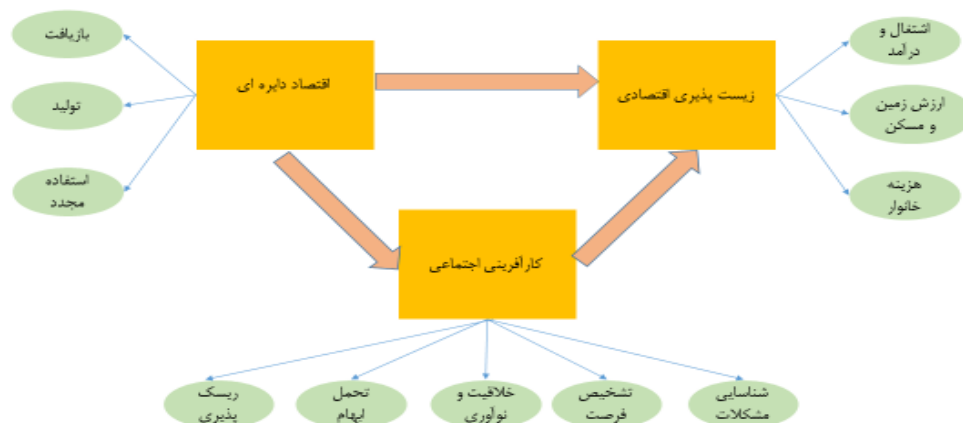
2. Yi

به‌منظور دستیابی به توسعه هماهنگ بهتر بین توسعه اقتصادی و زیست‌پذیری اقتصادی در سطح بالا، مناطق حومه شهری به بهینه‌سازی ساختار و توزیع صنعتی خود، بهبود سیستم تأمین اجتماعی و تقویت تلاش‌ها برای کنترل آلودگی محیط‌زیست نیاز دارند (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات موجود درمورد زیست‌پذیری منطقه‌ای عمدتاً شامل زیست‌پذیری شهری و زیست‌پذیری روستایی است. زیست‌پذیری شهری به‌عنوان شرایط اقلیمی و تغییر محیط زیست محیطی یک منطقه و رفاه اجتماعی یا شکاف درآمد ساکنان محلی یک شهر، تعریف شده است (یی و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲). برخی از نویسندگان معتقدند که توسعه اقتصادی باعث بهبود زیست‌پذیری شهری می‌شود؛ زیرا اندازه و کیفیت شهری به تدریج با توسعه توسعه اقتصادی بهبود می‌یابد (ژان^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۹۴). از سوی دیگر، نظرات مخالفی در این باره وجود دارد؛ برخی از نویسندگان ادعا کردند که توسعه اقتصادی تأثیر منفی بر زیست‌پذیری شهری دارد؛ زیرا گسترش مقیاس شهر باعث کاهش رضایت ساکنان از حمل‌ونقل و مسکن می‌شود (چاترجی^۳، ۲۰۲۰، ص. ۶۰۹). علاوه بر این، سایر مطالعات نشان می‌دهند که توسعه اقتصادی دلیل مهمی برای بهبود زیست‌پذیری شهری نیست و در مقایسه با توسعه اقتصادی، محیط اکولوژیک و محیط اشتغال تأثیر مهم‌تری بر زیست‌پذیری شهری دارند (یی و همکاران، ۲۰۲۱).

اقتصاد دایره‌ای یکی از کانون‌های کلیدی در این تحقیق است. با توجه به شرایط کنونی آب‌وهوا و بحران زیست‌محیطی و برای حال و آینده پایدار، ضروری است که اقتصاد دایره‌ای به پارادایم مسلط جدید (قوانین، ساختارهای فیزیکی) تبدیل شود که برنامه‌ریزی، طراحی، تولید و مدیریت پسماند را شکل می‌دهد. تحقیق حاضر بر ضرورت گسترش چارچوب موجود برای اقتصاد دایره‌ای با در نظر گرفتن بعد اجتماعی تأکید می‌کند.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های بررسی‌شده که با مطالعه پیشینه تحقیقات و بررسی‌های میدانی بومی‌سازی شده است، در قالب مدل مفهومی پژوهش به‌صورت شکل ۲ ارائه شده است.

-
1. Wang
 2. Zhan
 3. Chatterjee



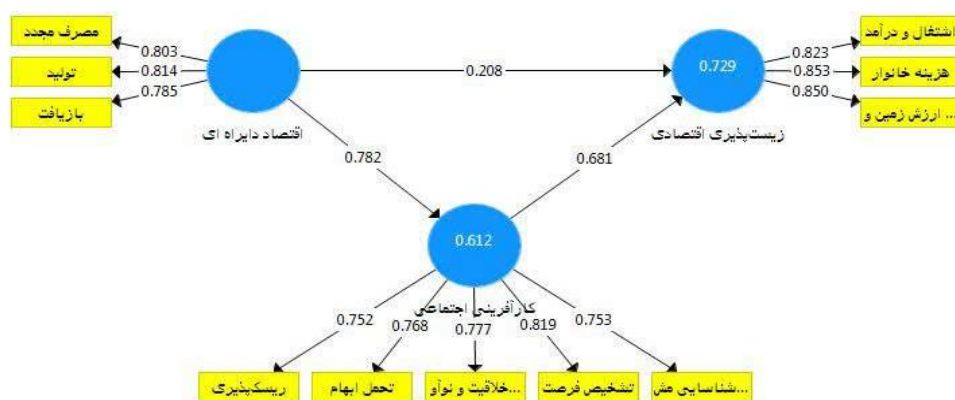
شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۲

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. نتایج ارزیابی مدل تحقیق

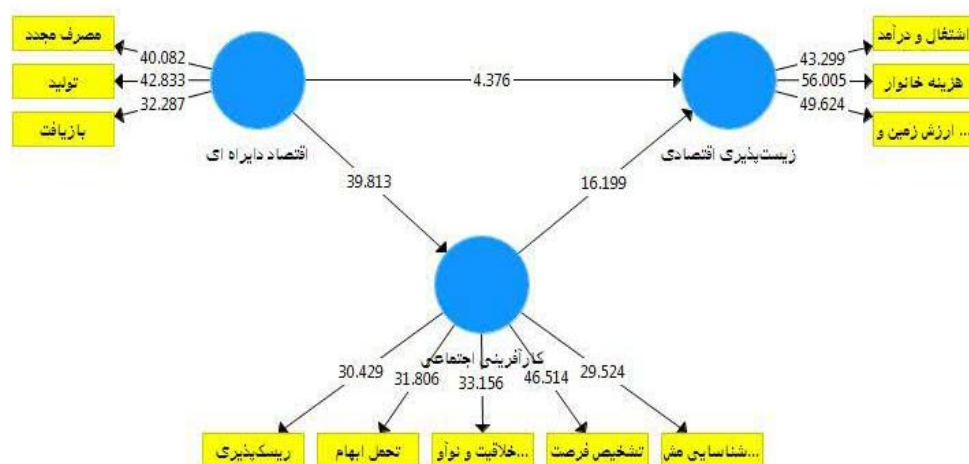
به منظور سنجش مدل و آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع تمام متغیرها از روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart PLS استفاده شد. ضرایب مسیر، واریانس تبیین شده متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و بار عاملی متغیرهای مشاهده شده در شکل ۳ مشخص شده‌اند.



شکل ۳. ضرایب مسیر و بار عاملی متغیرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

معناداری ضرایب مسیر و بارهای عاملی مربوط به هر کدام از متغیرهای پنهان با استفاده از روش خودگردان بررسی شده و در شکل ۴ به نمایش در آمده است. در این نمودار، اعداد روی مسیر و نیز خطوط مربوط به بارهای عاملی مقادیر آماره t هستند و همانند آزمون t تفسیر می‌شوند؛ یعنی برای تعداد نمونه‌های زیاد، مقادیر بیشتر از $\pm 1/96$ در سطح ۵ درصد معنادارند.



شکل ۴. مقدار آماره t برای بررسی معناداری ضرایب مسیر و بارهای عاملی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

۲.۵. پایایی (همسانی درونی) گویه‌ها

برای بررسی پایایی هر کدام از گویه‌ها، بار عاملی هریک از متغیرهای مشاهده‌شده روی متغیرهای مکنون مربوط در جدول ۲ گزارش شده است. معمولاً بارهای عاملی بیشتر از $0/4$ قابل قبول و در سطح $0/05$ معنادار هستند. به صورتی که مشاهده می‌شود، بار عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از میزان مطلوب است.

جدول ۲. بار عاملی گویه‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

زیست‌پذیری اقتصادی	کارآفرینی اجتماعی	اقتصاد دایره‌ای	
		۰/۷۸۵۰۲	بازیافت
		۰/۸۱۴۰۳	تولید
		۰/۸۰۳۵۱	مصرف مجدد
	۰/۷۵۳۱۷		شناسایی مشکلات
	۰/۷۵۲۰۲		ریسک‌پذیری
	۰/۷۶۸۱۹		تحمل ابهام
	۰/۷۷۷۴۱		خلاقیت و نوآوری
	۰/۸۱۹۰۲		تشخیص فرصت
۰/۸۲۳۵۴			اشتغال و درآمد
۰/۸۵۳۵۱			هزینه خانوار
۰/۸۵۰۶۳			ارزش زمین و مسکن

نتایج معنی‌داری ضرایب مسیر نیز در جدول ۳ آورده شده است. در این جدول مقدار ضریب مسیر، انحراف استاندارد، مقدار آماره t و سطح معناداری هرکدام از مسیرها نوشته شده است.

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، مقدار آماره t برای تمامی مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است و نشان می‌دهد تمام ضرایب مسیر به دست آمده معنادار هستند؛ از این‌رو چهار فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

برای تعیین اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی از آماره‌ای به نام VAF استفاده می‌شود که مقداری بین صفر و ۱ را اختیار می‌کند و هرچه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان از قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. درواقع این مقدار نسبت اثر غیرمستقیم به اثر کل را می‌سنجد. روش محاسبه VAF از طریق فرمول زیر است:

فرمول ۱:

$$vaf = \frac{a * b}{(a * b) + c}$$

a: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b: مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

c: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته

بنابراین با توجه به شکل ۱ داریم:

$$vaf = \frac{0/782 * 0/681}{(0/782 * 0/981) + 0/208} = 0/719$$

در نتیجه می‌توان تعیین کرد که تا چه اندازه واریانس متغیر وابسته به‌طور مستقیم توسط متغیر مستقل تشریح می‌شود و چه مقدار واریانس هدف به‌وسیله روابط غیرمستقیم تشریح می‌شود؛ یعنی ۷۲ درصد از اثر کل اقتصاد دایره‌ای بر توسعه پایدار روستایی از طریق متغیر میانجی توانمندسازی کارآفرینان ایجاد می‌شود.

جدول ۳. مقدار ضرایب مسیر و آماره t

مسیر	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معناداری
از اقتصاد دایره‌ای به زیست‌پذیری اقتصادی	۰/۲۰۸	۰/۰۴۸	۴/۳۷۶	۰/۰۰۱
از اقتصاد دایره‌ای به کارآفرینی اجتماعی	۰/۷۸۲	۰/۰۲۰	۳۹/۸۱۳	۰/۰۰۱
از کارآفرینی اجتماعی به زیست‌پذیری اقتصادی	۰/۶۸۱	۰/۰۴۲	۱۶/۱۹۹	۰/۰۰۱

۳.۵. پایایی ترکیبی

نتایج بررسی پایایی ترکیبی^۱ هریک از سازه‌ها در جدول ۴ گزارش شده است. درمورد این شاخص مقادیر بیشتر از ۰/۷ برای پایایی ترکیبی قابل قبول هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمامی اعداد بیشتر از ۰/۷ بوده و بنابراین پایایی ترکیبی سازه‌ها پذیرفتنی است.

۵. ۴. واریانس استخراج شده

مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مربوط به سازه‌ها نیز در جدول ۴ گزارش شده است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) این شاخص را پیشنهاد کردند. مقدار قابل قبول برای این معیار که بیانگر اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است، ۰/۵ است؛ به این معنی که متغیر پنهان مدنظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقادیر واریانس استخراج شده برای تمام متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۵ است و اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری را تأیید می‌کند.

جدول ۴. پایایی ترکیبی و واریانس استخراج شده متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	پایایی ترکیبی	واریانس استخراج شده
اقتصاد دایره‌ای	۰/۸۴۳	۰/۶۴۱
کارآفرینی اجتماعی	۰/۸۸۲	۰/۵۹۹
زیست‌پذیری اقتصادی	۰/۸۸۰	۰/۷۰۹

۵. ۵. بررسی و آزمون مدل ساختاری

براساس نتایج، مقدار ضرایب تعیین چندگانه برای مدل تحقیق برابر با ۰/۶۱۲ و ۰/۷۲۹ به دست آمد؛ بدین معنی که متغیر اقتصاد دایره‌ای در مجموع توانسته است ۶۱/۲ درصد از تغییرات متغیر زیست‌پذیری اقتصادی و ۷۲/۹ درصد تغییرات متغیر کارآفرینی اجتماعی را تبیین کند که درصد زیادی هستند. برای بررسی برازش کلی مدل می‌توان از شاخص نیکویی برازش (GOF) به صورت زیر استفاده کرد:

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2}$$

که برابر با مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تعیین است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص لحاظ می‌شود. برای مدل تحقیق حاضر مقدار این شاخص برابر است با:

$$GOF = \sqrt{0,612 * 0,729} = 0.446$$

به این ترتیب با توجه به نتایج پایایی ترکیبی، واریانس استخراج‌شده، ضریب تعیین مدل و شاخص نیکویی برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل ترسیم‌شده در حیطه تحلیل مسیر از فرضیه‌های تجربی-نظری مناسبی برخوردار بوده و دارای برازش بسیار مناسبی است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسائل اقتصادی و زیست‌پذیری محیطی جهان، دستیابی به اهداف زیست‌پذیری در چارچوب الگوهای کلاسیک اقتصادی را دشوار کرده و ضرورت زیست‌پذیری اقتصادی را ایجاد کرده است در این چالش دو بعد اساسی مدنظر است: اول محدودیت منابع و دوم افزایش کارایی اقتصادی از طریق بازنگری در فرایندهای تولید و مدل‌های کسب‌وکار. در این فرایند، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش استفاده از مواد و آلاینده‌های شیمیایی در تولید و کاهش تولید زباله با بهبود فرایندهای طراحی و تولید مواد اولیه و محصولات نقش محوری را ایفا می‌کنند. ارزیابی و سنجش عملکرد اقتصاد دایره‌ای به‌عنوان گزینه اجتناب‌ناپذیر جایگزین اقتصاد کلاسیک خطی و در راستای دستیابی به اهداف زیست‌پذیری مناطق حومه شهری انجام می‌شود. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که تنوع فعالیتهای مرتبط با اقتصاد دایره‌ای در میان کشورهای مختلف یکی از فراگیرترین محدودیتهای این الگوی نوین توسعه پایدار است، اما طبقه‌بندی کلی این شاخص‌ها براساس اهداف سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی انجام می‌شود و اصل استفاده از منابع تولید تجدیدپذیر و بازیافت‌پذیر، نقطه قانونی این شاخص‌ها است؛ زیرا هر دو مفهوم اقتصاد دایره‌ای و زیست‌پذیری اقتصادی بر افزایش کارایی اقتصادی تمرکز دارند.

این تحقیق نشان می‌دهد که پیوند ویژگی‌های اقتصاد دایره‌ای با نتایج زیست‌پذیری امکان‌پذیر است؛ با این حال، انتقال این دانش به سیاست‌گذاری ممکن است نقطه عطفی در توسعه زیست‌پذیری مناطق حومه شهری تلقی شود. در راستای این امر بحث نقش کارآفرینی اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر تحقیق حاضر نمایان می‌شود. کارآفرینی اجتماعی اخیراً

به‌عنوان یک حوزه تحقیقات دانشگاهی مطرح شده است، اما فقدان تعریف مشترک از کارآفرین اجتماعی مانع از انجام تحقیقات زیادی در این زمینه می‌شود. در این مقاله تعریفی از کارآفرینی اجتماعی ارائه کردیم که با شفاف‌سازی و محدود کردن دامنه تحقیقات در این زمینه به ادبیات کارآفرینی اجتماعی کمک می‌کند. کارآفرینی اجتماعی در سطح عملی به‌طور درخور توجهی شکوفا شده، اما در سطح نظری پیشرفت زیادی نداشته است.

یافته‌های تحقیق حاضر در جدول ۳ نشان می‌دهد، ضریب مسیر از اقتصاد دایره‌ای به زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۲۰۸ به دست آمد و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بود؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که اقتصاد دایره‌ای بر زیست‌پذیری اقتصادی تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهش‌های همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر تأثیر مثبت سطح زیست‌محیطی و محیط اشتغال و مطالعه نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) که دریافتند زیست‌پذیری از طریق شاخص اشتغال و درآمد نیز می‌تواند به افزایش زیست‌پذیری منجر شود، هم‌راستا است، ولی با نتایج تحقیق ژائو و همکاران (۲۰۲۲) که معتقد بودند، سرمایه‌گذاری ثابت و تراکم جمعیت تأثیر منفی بر زیست‌پذیری شهری دارند و نتایج پژوهش علینقی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) مبنی بر تأثیر اندک بعد اقتصادی بر زیست‌پذیری در محدوده مورد مطالعه، هم‌راستا نیست.

براساس نتایج درج‌شده در جدول ۳، ضریب مسیر از اقتصاد دایره‌ای به کارآفرینی اجتماعی برابر با ۰/۷۸۲ به دست آمد و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بود؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که اقتصاد دایره‌ای بر کارآفرینی اجتماعی تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهش اسکوزونی (۲۰۰۹) مبنی بر نقش مثبت کارآفرینان اجتماعی در ترویج ابتکارات شهری برای رسیدگی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق و جوامع محلی و پژوهش الچارانی و ریمی (۲۰۲۲) در مورد عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی اجتماعی موفق در اقتصاد دایره‌ای نوظهور لبنان، هم‌راستا است.

براساس نتایج درج‌شده در جدول ۳، ضریب مسیر از کارآفرینی اجتماعی به زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۶۸۱ به دست آمد و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بود؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که کارآفرینی اجتماعی بر زیست‌پذیری اقتصادی تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتایج

این مطالعه با یافته‌های مطالعات یی جو هون و همکاران (۲۰۲۱) و نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) هم‌راستاست، ولی با نتایج مطالعات علینقی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) و ژیاو و همکاران (۲۰۲۲) مبنی بر رابطه منفی سرمایه‌گذاری ثابت و زیست‌پذیری شهری، هم‌راستا نیست.

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، مقدار آماره تی برای تمامی مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است که نشان می‌دهد تمام ضرایب مسیر به‌دست‌آمده معنادار هستند؛ ازاین‌رو فرض اصلی این پژوهش یعنی تأثیر اقتصاد دایره‌ای بر زیست‌پذیری اقتصادی با متغیر میانجی کارآفرینی اجتماعی، پذیرفته می‌شود. به‌طورکلی نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش یی جو هون و همکاران (۲۰۲۱)، نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) و کورال و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستاست و با نتایج پژوهش ژیاو و همکاران (۲۰۲۲) و نیکدل و همکاران (۱۴۰۱) همسو نیست.

با جمع‌بندی نتایج تحقیق مشخص می‌شود که به‌کارگیری مؤثر اهرم اقتصاد دایره‌ای و درک فرصت‌های ایجادشده توسط اقتصاد دایره‌ای از جانب کارآفرینان اجتماعی، کمک می‌کند تا با ارائه ارزش اجتماعی به‌واسطه تأثیر اجتماعی و زیست‌محیطی‌شان و توسعه مدل‌های کسب‌وکار و ارائه خدماتشان به افراد کم‌برخوردار و فقیر جامعه -که عموماً در مناطق حاشیه شهری زندگی می‌کنند و غالباً درآمد چندانی ندارند- موجبات بهبود عامل زیست‌پذیری به‌خصوص زیست‌پذیری اقتصادی را فراهم کنند. همچنین اقتصاد دایره‌ای می‌تواند به کارآفرینان اجتماعی کمک کند تا تأثیرات زیست‌محیطی خود را با همسو کردن مأموریت و چشم‌انداز خود با اهداف اقتصاد دایره‌ای مانند بهبود رفاه، کاهش نابرابری و حفظ سرمایه طبیعی افزایش دهند.

براساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:

-با توجه به نزدیکی مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر تبریز به شهر، مدیران و کارشناسان کسب‌وکارهای اجتماعی فعال کلان‌شهر با تشخیص فرصت‌های کسب‌وکار جدید و ترویج اقتصاد مدور در دستیابی به هدف رونق اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه زیست-پذیری اقتصادی اقدام کنند؛

-تحقیقات مشابه دیگری در سایر کلان‌شهرهای کشور انجام شود و نتایج با این نتایج این مطالعه مقایسه شود تا به اتفاق نظر واحدی در مورد ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار زیست‌پذیری اقتصادی به دست آید.

کتابنامه

۱. ساسان پور، ف.، تولایی س.، و جعفری اسدآبادی، ح. (۱۳۹۳). قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلانشهر تهران). *جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، ۱۲ (۴۲)، ۱۲۹-۱۵۷.
۲. شهیدکار، ف.، ترابی، ت.، و رهنمای‌رودپشتی، ف. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد دایره‌ای در ایران. *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۲۱ (۸)، ۱۷-۴۲.
۳. شهیدکار، ف.، ترابی، ت.، و رهنمای‌رودپشتی، ف. (۱۴۰۱). مدل کسب‌وکار دایره‌ای ابزار توسعه در فرایند گذار به اقتصاد دایره‌ای: ارائه یک مدل در سطح شرکت‌های دانش بنیان. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۳۵ (۹)، ۱۳۳-۱۵۸.
۴. علینقی‌پور، م.، پوررمضان، ع.، و مولایی‌هشجین، ن. (۲۰۲۲). زیست‌پذیری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۳۹ (۱۱)، ۶۷-۸۶.
۵. محمودزاده، ح.، علیرضایی، م.، و زارعی، ع. (۱۳۹۷). رویکرد تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز. *پژوهش‌های مکانی فضایی*، ۲ (۶)، ۱-۲۱.
۶. نیکدل، ن.، شهماری اردجانی، ر.، حسنی مهر، س. ص.، اصغری، ح. (۱۴۰۱). تحلیل زیست‌پذیری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان صومعه‌سرا. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶ (۲)، ۲۶۱-۲۷۶.
۷. وقار موسوی، م.، قدس علوی، آ.، و عباسی، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش کارآفرینی اجتماعی در توسعه عدالت اجتماعی. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۳ (۲)، ۵۹-۷۶.
8. Aulia, D. N. (2016). A framework for exploring livable community in residential environment. Case study: public housing in Medan, Indonesia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 234, 336-343.
9. Bragado, N., Corbett, J., & Sprowls, S. (2001). *Building livable communities, a policymaker's guide to infill development, prepared by the center for livable communities and a local government commission initiative*, Environmental Protection Agency and San Joaquin Valley Unified Air Pollution Control

- District 2001 update funded by the U.S. Environmental Protection Agency, 1-48.
10. Chatterjee, A. (2020). Financial inclusion, information and communication technology diffusion, and economic growth: a panel data analysis. *Information Technology for Development*, 26(3), 607-635.
 11. Ciani, A., Gambardella, A., & Pociovalisteanu, D. M. (2016). Circular economy and sustainable rural development. Theory and best practice: A challenge for Romania. *Annals-Economy Series*, 1, 52-56.
 12. Corral, F. J. G., Vázquez, R. M. M., García, J. M., & de Pablo Valenciano, J. (2022). The circular economy as an axis of agricultural and rural development: The case of the municipality of Almócita (Almería, Spain). *Agronomy*, 12(7), 1553.
 13. de Bruin, A., & Teasdale, S. (2019). Exploring the terrain of social entrepreneurship: New directions, paths less travelled. In A. de Bruin & S. Teasdale (Eds.), *Research agenda for social entrepreneurship* (pp. 1–12). Edward Elgar.
 14. Domanski, D., Howaldt, J., & Kaletka, C. (2020). A comprehensive concept of social innovation and its implications for the local context—on the growing importance of social innovation ecosystems and infrastructures. *European Planning Studies*, 28(3), 454-474.
 15. Doost Mohammadian, H., & Rezaie, F. (2019). Sustainable innovative project management: Response to improve livability and quality of life: Case studies: Iran and Germany. *Inventions*, 4(4), 2-19.
 16. El Chaarani, H., & Raimi, L. (2022). Determinant factors of successful social entrepreneurship in the emerging circular economy of Lebanon: Exploring the moderating role of NGOs. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 14(5), 874-901.
 17. Ellis, P., & Roberts, M. (2015). *Leveraging urbanization in South Asia: Managing spatial transformation for prosperity and livability*, Washington, DC: World Bank.
 18. European Parliament. (2023). Circular economy: definition, importance and benefits
 19. Geissdoerfer, M., Savaget, P., Bocken, N.M.P., Hultink, E. J. (2017). The circular economy: a new sustainability paradigm? *Journal of Cleaner Production*, 143, 757–768.
 20. Giap, T. K., Thye, W. W., & Aw, G. (2014). A new approach to measuring the liveability of cities: The Global Liveable Cities Index. *World Review of Science, Technology and Sustainable Development*, 11(2), 176-196.
 21. Gutberlet, J. (2023). Grassroots eco-social innovations driving inclusive circular economy. *Detritus*, 3(22), 2-12.
 22. Heylen, K. (2006). Liveability in social housing: Three case studies in Flanders. In *ENHR Conference Housing in an Expanding Europe: Theory, Policy, Implementation and Participation*, Ljubljana (Slovenia).

23. Huybrechts, B., Nicholls, A. (2012). Social Entrepreneurship: Definitions, Drivers and Challenges. In: Volkmann, C., Tokarski, K., Ernst, K. (eds) *Social Entrepreneurship and Social Business*. Gabler Verlag. (pp. 31-48). https://doi.org/10.1007/978-3-8349-7093-0_2
24. Iraldo, F., & Bruschi, I. (2015). Economia Circolare: principi guida e casi studio. *Green Economy Observatory, IEFE Bocconi, Milano*. <https://www.assolombarda.it/servizi/ambiente/documenti/rapporto-geo-sulla-circular-economy>.
25. Kashef, M. (2016). Urban livability across disciplinary and professional boundaries. *Frontiers of Architectural Research*, 5(2), 239-253.
26. Korhonen, J., Nuur, C., Feldmann, A., & Birkie, S. E. (2018). Circular economy as an essentially contested concept. *Journal of Cleaner Production*, 175, 544-552.
27. Kovacs-Györi, A., Cabrera-Barona, P., Resch, B., Mehaffy, M., & Blaschke, T. (2019). Assessing and representing livability through the analysis of residential preference. *Sustainability*, 11(18), 1-23.
28. MacArthur, E. (2013). Towards the circular economy. *Journal of Industrial Ecology*, 2(1), 23-44.
29. Martin, R. L., & Osberg, S. (2007). Social entrepreneurship: The case for definition. *Stanford Social Innovation Review*, 5(2), 29-39.
30. Mies, A., & Gold, S. (2021). Mapping the social dimension of the circular economy. *Journal of Cleaner Production*, 321(1), 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.128960>
31. Mihai, F. C. (2023). Circular Economy and sustainable rural development. *Sustainability*, 15(3), 2139.
32. Pearce, D., & Turner, R. K. (1990). *Economics of natural resources and the environment*. London: Harvester Wheatsheaf.
33. Retrieved from: <https://www.europarl.europa.eu/news/en/headlines/economy/20151201STO05603/circular-economy-definition-importance-and-benefits>
34. Roberts, D., & Woods, C. (2005). Changing the world on a shoestring: The concept of social entrepreneurship. *University of Auckland Business Review*, 7(1), 45-51.
35. Saidani, M., Yannou, B., Leroy, Y., Cluzel, F., & Kendall, A. (2019). A taxonomy of circular economy indicators. *Journal of Cleaner Production*, 207, 542-559.
36. Squazzoni, F. (2009). Social entrepreneurship and economic development in Silicon Valley: A case-study on the joint-venture: Silicon Valley network. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 38(5), 869-883.
37. Su, B., Heshmati, A., Geng, Y., & Yu, X. (2013). A review of the circular economy in China: Moving from rhetoric to implementation. *Journal of Cleaner Production*, 42, 215-227.

38. Szibbo, N. A. (2015). *Livability and LEED-ND: The challenges and successes of sustainable neighborhood rating systems* (Master's thesis). University of Californi, Berkeley proquest dissertations publishing.
39. Valencia, M., Bocken, N., Loaiza, C., & De Jaeger, S. (2023). The social contribution of the circular economy. *Journal of Cleaner Production*, 408, 137082.
40. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 5-18.
41. Veenhoven, R. (2000). The four qualities of life: Ordering Concepts and Measures of the Good Life, The United Nations University World Institute for Development Economics Research, 1–34. file:/// C: /Users/ SIB/ Downloads/ 2000c-full. pdf
42. Wang, C., Yu, C., Chen, T., Feng, Z., Hu, Y., & Wu, K. (2020). Can the establishment of ecological security patterns improve ecological protection? An example of Nanchang, China. *Science of the Total Environment*, 740(1), 1-43.
43. Xiao, Y., Li, Y., Tang, X., Huang, H., & Wang, R. (2022). Assessing spatial–temporal evolution and key factors of urban livability in arid zone: The case study of the Loess Plateau, China. *Ecological Indicators*, 140(1), 1-26.
44. Yi, X., Jue, W., & Huan, H. (2021). Does economic development bring more livability? Evidence from Jiangsu Province, China. *Journal of Cleaner Production*, 293, 1-10.
45. Zhan, D., Kwan, M. P., Zhang, W., Fan, J., Yu, J., & Dang, Y. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. *Cities*, 79, 92-101.

Exploring the Impact of Circular Economy on Boosting the Economic Viability of Marginal Areas of Tabriz considering the Mediating Role of Social Entrepreneurship

Reza Norouzi Ajirloo ¹

Assistant Professor, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Moslem Soleymanpor

Assistant Professor, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Seyed Mohammad Reza Movahed

PhD Candidate, Department of Business Management, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received: 16 September 2023

Accepted: 12 October 2023

Abstract

Livability may include various factors depending on the dominant local socio-economic and cultural conditions. Since currently, livability is considered a prerequisite for a healthy life as well as economic and social survival, it would be so significant to improve the quality of life. Here, circular economy has been offered as an appropriate way to tackle lack of resources and a driver to have a sustainable economic system. The descriptive-survey study explored the impact of circular economy (recycling, production, and reuse) on economic viability through assessing the role of social entrepreneurship. The statistical population consisted of 80 managers and experts as supporting active social businesses in Tabriz. They were selected using random and snowball sampling methods. Moreover, standard and researcher-made questionnaires were applied for collecting the data. Hypothesis testing was done through SMART-PLS, using *t*-test and path coefficients (B). The results showed that there is a positive significant relationship between circular economy components (reuse, production, and recycling) and economic viability (employment and income, household expenses, and values of land and housing) at a significance level of 0.001. Moreover, the study confirmed the positive impact of mediating variable “social entrepreneurship” on “economic viability” (B=0.681). So, it becomes clearly necessary to mitigate the use of natural resources through reusing and recycling products to achieve economic viability, considering the role of social entrepreneurs, positive social and environmental effects, and developing business models.

Keywords: Economic Viability, Circular Economy, Social Entrepreneurship

1. Corresponding author. Email: rezanorouzi20@pnu.ac.ir

Exploring the Role of Government and Capital in Creating Urban Spaces in Contemporary Era, with an Emphasis on Zanzan City

Hamidreza Hamidi

PhD Candidate in Urban planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Zohreh Davoudpour¹

Associate Professor, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Shadi Pakzad

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Received: 9 July 2023

Accepted: 6 August 2023

Abstract

The quality of urban lives is directly connected with the quality of urban spaces, and the quality of urban spaces in turn depends on space creation factors and forces. Though the knowledge on urban planning and architecture has boosted over the past decades, urban life quality is not good enough. Government and capitals are in a close relationship and are considered to be the most important factors in creating urban space including Zanzan city in the contemporary period. Currently, spaces of Zanzan city is usually created within the form of land preparation plans. The results showed that during this period, more than 94% of the total lands have been prepared by governments' direct intervention or the corporations that belong to the government employees. Land preparation by government usually paves the way for land rent and creating added value, and makes land and housing sector a safe place for capital reproduction. This issue clearly shows the indisputable role of governments and capitals in crating Zanzan's urban spaces. Considering the purpose of the study and the subject matter which enjoys non-measurable and non-quantifiable variables, and the data which is based on documents, descriptive statistics, and text, this study is qualitative. Accordingly, it took a descriptive-analytical (post-event) method. For analyzing the affecting factors in creating urban space, MACTOR (Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations) model was used. Moreover, for evaluating the degree of coherence and perplexity of urban spaces, the correlation coefficient at comprehensive and local levels and depth coefficient were used.

Keywords: Space Production, Government, Capital, Urban Spaces, Zanzan City

1. Corresponding author. Email: z.davoodpour@qiau.ac.ir

Meta-Analysis of Awareness of citizenship rights in Iran (2001-2021 Period)

Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar ¹

Assistant Professor, Department of Sociology, Arak University, Arak, Iran

Zeinolabedin Afshar

Assistant Professor, Department of Sociology, Arak University, Arak, Iran

Saeid Mahmoudi

Master of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 31 May 2023

Accepted: 4 September 2023

Abstract

Citizenship rights in recent years has become one of the most complicated socio-political issues, attracting the attention of many thinkers and politicians. Several studies have been conducted in Iran on in this regard. Meta-analysis aimed to identify points of differences and similarities of research in this field and identify the most important factors influencing the awareness of citizenship rights in Iran. Population of the study consisted the scientific papers on awareness of citizenship rights published between 2001 and 2021. Twenty-two papers were selected and analyzed using Comprehensive Meta-Analysis Software. The results showed that awareness of citizenship rights in Iran is average. Moreover, of numerous factors, such factors as social participation, socio-economic status, and media consumption have had greater impact on awareness of citizenship rights in Iran. Finally, the effect size analysis showed that significant impact of social participation, socio-economic status and media consumption on awareness of citizenship rights were 0.32, 0.27, and 0.26 respectively. Considering the impact of these variables on the awareness of citizenship rights, the following suggestions can be offered: introducing organizations, associations, and non-governmental organizations in different fields to citizens, and explaining their various activities for increasing people's participation; using the capabilities of IRIB to make programs on the subject matter of citizenship; and providing a suitable ground for demanding citizenship rights through television programs, text messages, and the Internet.

Keywords: Meta-analysis, Effect Size, Awareness of Citizenship Rights, Social Participation, Media Consumption, Iran

1. Corresponding author. Email: a-mirmohamadtabar@araku.ac.ir

Spatial Analysis of Sustainable Housing Indicators in Tehran Metropolis

Esmail Safaralizadeh

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Robab Hoseinzadeh ¹

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 15 May 2023

Accepted: 26 July 2023

Abstract

Paying attention to the sustainability of the housing sector as the most important urban element in sustainable urban development is considered one of the most essential aspects; therefore, knowing the indicators of suitable housing and trying to achieve the desired housing is important for sustainable urban development. Considering the importance of housing in the structure of today's cities and the lives of citizens, it is important to pay attention to the principles of sustainable development for achieving the spatial and social justice, and quantitative and qualitative desirability of uses especially residential use. Therefore, the aim of the research was to investigate and spatially analyze sustainable housing indicators in Tehran metropolis. For the descriptive-analytical research, quantitative entropy models, Gray Relation Analysis (GRA), Moran's spatial autocorrelation statistics and Arc GIS software were used to investigate and spatially analyze sustainable housing indicators in 22 districts of Tehran metropolis. The results showed that the spatial distribution pattern of sustainable housing indicators at 22 districts of Tehran is clustered. Districts 1, 22 and 21, respectively, have a gray rank of 0.638, 0.554, and 0.550 in terms of having the studied indicators and are in a favorable condition. Statistically, about 0.4% of the districts are in favorable condition, 0.41% in semi-favorable condition, and 0.45% in unfavorable condition. Geographically, the southeastern districts of Tehran are in an unfavorable condition, and sustainable housing indicators get worse going from north to south and west to east of Tehran.

Keywords: Housing, Sustainable Housing, Gray Relation Analysis (GRA), Spatial Autocorrelation Analysis, Tehran

1. Corresponding author. Email: r.hos@pnu.ac.ir

The Climatic Vulnerability and Sustainability Strategies for Water Resources in North Karoun Basin

Bijan Saberi

PhD in Climatology, Department of Physical Geography, Faculty of Geographical Sciences and Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran

Dariussh Rahimi ¹

Associate Professor in Climatology, Department of Physical Geography, Faculty of Geographical Sciences and Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran

Javad Khoshhal Dastjerdi

Associate Professor in Climatology, Department of Physical Geography, Faculty of Geographical Sciences and Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran

Received: 15 March 2023

Accepted: 20 June 2023

Abstract

Some indicators of the climatic vulnerability of water resources are water stress, dry wetlands and lakes, decrease of river flow, mitigation of aquifers' level of water, and imitated water supply for drinking and agriculture. The North Karun water basin plays a significant role in sustainable supply of water resources in the southwest and the central plateau of Iran. The drought of the basin has decreased by 50% supplying the water and the level of aquifers. The rate of change of basin discharge is 63%, indicating the high vulnerability of water resources. The analysis of climate vulnerability index (1990-2020) showed that the most significant elements constitute flow variability index ($W=1.987$), drought frequency ($W=1.658$), agricultural water ($W=1.332$), and aquifer reservoir deficit ($W=1.09$). The sub-basins Beheshtabad, Vanak, and Lordegan showed high vulnerability index and Bazoft and Kouhrang showed the lowest vulnerability. For future studying of the basin, the climatic condition of 2020-24 were used considering the climatic changes of SSP2-4.5 and SSP5-8.5 scenarios, the sixth climate change report, and negative and positive drivers of the basin's development plans. Implementing negative propellants will increase the vulnerability index, and implementing strategies based on positive drivers (adapting to climate change, modifying consumption pattern, and adjusting transferable water (from 770 to 212)) will decrease climate vulnerability index in 2020-2040 vision. If the current situation continues, the vulnerability index, the social tensions, and climatic migrations will increase. Modifying usage strategies, adjusting development plans, selecting the climate change adaptation strategies, and modifying water consumption pattern based on ecological potential will increase the resilience and sustainability of water resources.

Keywords: Climate Vulnerability, Water Resources, Northern Karun, Drivers

1. Corresponding author. Email: rahimi@geo.ui.ac.ir

Exploring New Urbanism with Emphasis on the Sense of Place (Case Study: District Two of Mashhad Metropolitan) ¹

Hadi Soleimani Moghadam ²

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and
Environmental Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran*

Mahsa Moghadam Shkhsi

*MA in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Environmental
Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran*

Received: 22 February 2023

Accepted: 31 July 2023

Abstract

The aim of this study was evaluating the new criteria and design features of a city based on attention to the sense of place in urbanism. It also aimed to examine the compliance of District 2 of Mashhad metropolitan as one of the extensive urban centers with those criteria, and prioritize each of the indicators. Descriptive-analytical method was used for this study. To collect the data, in addition to library studies and the use of urban plans, a total of 391 questionnaires were distributed among citizens of the district. Accordingly, 4 indicators and 9 sub-indicators were identified in this regard. Data analysis was conducted using SPSS software, one-sample regression and t-tests, and the decision model based on DEMATEL paired scales. The results of exploring 391 citizens of the four zones of District 2 of Mashhad Municipality showed that the level of four research indicators is average. The linear multivariate regression test showed that the four research indicators had a great impact on the sense of place, as the error level of their *t* value is less than 0.05. The results of *t*-test confirm the research hypothesis that the sense of place in the region is average and the linear regression test confirms the relationship of each of the indicators to the sense of place. Among the four zones in District, Zones 2, 1, 3, and 4, respectively, have suitable conditions for improving the sense of place. Finally, DEMATEL technique prioritized the importance of indicators, revealing that health and environmental indicators were the most important for strengthening the sense of place in District 2.

Keywords: New Urbanism, Sense of Place, City Anonymity, Mashhad Municipality, DEMATEL Technique

۱. Extracted from MA thesis entitled Explanation of Mixed Uses with an Emphasis on the Sense of Place (Case Study: District 2 of Mashhad Metropolis)

۲. Corresponding author. Email: h.soleymani@hsu.ac.ir

Investigating Heat Waves in Ardabil City and their Impacts on Urban Heating

Roghayeh Maleki Meresht

Postdoctoral Researcher in Climatology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Behrouz Sobhani ¹

Professor in Climatology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received: 9 January 2023

Accepted: 2 July 2023

Abstract

The purpose of this research was investigating the heat waves of Ardabil city and their impacts on urban heating from 2003 to 2018. For this purpose, the maximum temperature data of Ardabil station was obtained from the Meteorological Organization, and then, by applying Fumiaki index to the maximum temperature data in MATLAB software, days with a temperature higher than NTD mean that lasted for at least 2 days were defined as a heat wave day. In order to investigate the impact of heat waves on heat island in the hot and cold months, the heat island for days with heat wave and a normal day without heat wave with the lowest maximum temperature before the occurrence of each heat wave was calculated during the day and at night of Modis-Aqua. The results showed that during the studied period, the highest annual and monthly frequency of heat wave in Ardabil was in 2010 and 2016 in March, April, and July. The results also showed that the maximum duration of heat waves was 4 days, i.e., short-term. In both hot and in cold months, in heat wave and no heat wave conditions, a cold island had been often formed during the day and a heat island is at night in Ardabil downtown. Heat waves, especially in hot months of year, had been more than no heat wave conditions. In heat wave conditions in summer nights, the temperature increase in the thermal island has been up to 4°C. The results showed that the influence of the heat island on the occurrence of heat waves was higher in hot months than cold months.

Keywords: Ardabil, Heat Waves, Thermal Island, Fumiaki

1. Corresponding author. Email: sobhani@uma.ac.ir

Explaining the Role and Position of Urban Governance in Intervention Process in Worn-Out and Inefficient Urban Structures (Case Study: Mashhad)

Mohammad Hadi Darroodi

PhD in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Hataminejad ¹

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Saeed Zanganeh Shahraki

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Ahmad Pour Ahmad

Professor in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 22 November 2022

Accepted: 28 February 2023

Abstract

One of the central challenges of cities, especially that of big cities, is worn-out and inefficient structures and consequent spatial, economic, and social problems in urban areas. Facing these challenges requires appropriate approaches. The main goal of this research was to explain the role and place of urban governance in the process of intervention within the limits of worn-out and inefficient tissues of Mashhad city. The study tried to answer the questions: what are the features and dominant approaches in each period? Who are the main actors of each period and how do they play a role in this process? Taking qualitative approach, this research determine the role and position of urban governance in this process. Observation, interview and questionnaire techniques were used to collect the required data. The results showed that two distinct approaches can be distinguished in the examination of a 30-year period (1991-2021). In the first period, the dominant approach is renovation with an economic and project-oriented perspective without taking into account the participation of residents and the local community in this process. In the second period, urban regeneration had been carried out to attract the participation of residents and the local community through facilitation and the creation of neighborhood development offices and altering the attitude of the government and the public sector from renovation and project-oriented to sustainable urban regeneration. Considering the characteristics of the activists in each period, different interests and power influence of other activists were analyzed.

Keywords: Renovation, Urban Regeneration, Desirable Governance, Worn-Out Structure, Mashhad

1. Corresponding author. Email: hataminejad@ut.ac.ir

A Strategic Analysis of Iran's Overseas Agriculture using SWOT and QSPM Models

Farzaneh Rezaee

*MA in Rural Development, Department of Agricultural Extension and Education,
Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran*

Farahnaz Rostami ¹

*Associate Professor in Agricultural Education, Department of Agricultural Extension
and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran*

Received: 27 August 2022

Accepted: 6 February 2023

Abstract

Overseas agriculture is the purchase or lease of land plots on a large scale and their exploitation in countries with suitable potential in terms of facilities and production resources. Studies show that there is not much information available in this field. The issue of overseas agriculture raised in Iran, yet there is still no sign of implementing a long-term strategic planning. Therefore, the main goal of this exploratory research was to measure the competitiveness of Iran in implementing long-term overseas agriculture programs, taking into account Iran's weaknesses, strengths, opportunities, and threats regarding the planning of extraterritorial agriculture. Using SWOT and QSPM models, the strategic analysis of overseas agriculture in Iran was done. SWOT model was used to determine the strengths, weaknesses, opportunities, and threats of overseas agriculture, to analyze the data, and provide a strategy for eliminating weaknesses, reducing the effects of threats, enforcing the strengths, and taking advantage of existing opportunities. The presented strategies were also reviewed and prioritized based on the Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM) to improve work quality and time management. The scores obtained by the matrix of internal factors (2.013 out of 4) and the matrix of external factors (2.454 out of 4) showed that the appropriate strategies for extraterritorial agriculture in Iran are defensive models. Among the different strategies of the defensive model, WT3 strategy on the implementation and operationalization of extraterritorial agricultural regulations and policies for increasing the efficiency of the custodian organizations was recognized as the most important and of highest priority.

Keywords: Agricultural Investment, Investor (Guest) Country, Invested (Host) Country, Strategic Management, Quantitative Strategic Planning Matrix, Strengths and Weaknesses Opportunities and Threats

1. Corresponding author. Email: f.rostami@razi.ac.ir

Evaluating the Socio-economic Impacts of Implementing Settlement Plans on Nomads' Quality of Life (Case Study: The Nomads of Khaf City)

Mohammad Hossein Jafari

PhD Candidate, Department of Geography, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Hamif Jafari ¹

Associate Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Katayoon Alizadeh

Associate Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Received: 3 July 2022

Accepted: 24 December 2022

Abstract

One of the main strategies for improving nomadic societies is settling the nomads. The strategy is supposed to have consequences. The consequences may be in different aspects of the quality of their lives, including their socio-economic conditions. This study aimed to evaluate the socio-economic impacts of executing the settlement plan on life quality of the nomads of Khaf, specially in Chah Zul, Boniabad, Nohour and Deh Khatib. Library and field methods (questionnaire and interview) were applied to collect the required data for the descriptive-analytical study. The statistical population consisted of all nomadic households of the focal points. According to Iranian statistics organization, these focal points had a population of 779 households in 2018, among of which 258 households were selected as sample members according to Cochran's formula. Simple random sampling was used to select the households. Moreover, SPSS and VIKOR (Multi-Criteria Decision-Making method) were used to analyze the data. The findings pertaining to the average socio-economic impacts of executing settlement projects showed that the amount of main factors that impact the quality of life of nomads in mentioned focal points is high. The highest average in the economic dimension belongs to Deh Khatib with an average of 3.96 and the lowest average belongs to Boniabad (with an average of 3.59). Regarding social dimension, the highest average belongs to Deh Khatib with an average of 4.29 and the lowest average belongs to Boniabad with an average of 3.98. Moreover, prioritization findings obtained by VIKOR method showed that Nohour and Deh Khatib are the best, respectively, according to indices of socio-economic impacts of implementing the settlement plan on the nomads' quality of life. Chah Zul and Boniabad are ranked the lowest in this regard.

Keywords: Evaluation, Economic and Social Impacts, Settlement of Nomads, Quality of Life, Khaf City

1. Corresponding author. Email: jafari1421@mshdiau.ac.ir

The Typology and Formation of Social Cleavages in Mamasani County

Hamdollah Sojasi Qeidari

Associate Professor in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyed Hadi Zarghani

Associate Professor in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyed Mohammad Hossein Hosseini

PhD in International Relations, Allameh Tabataba'i University, University of Tehran, Iran

Vahid Sadeghi ¹

PhD in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 23 November 2019

Accepted: 4 February 2020

Abstract

Social cleavage is a criterion and index for dividing the members of a society to various groups in different time and space spans. Various forms of social cleavage may emerge in different societies, and then make specific structures within those societies. Being formed of a family-tribal structure, Mamasani County faces some structurally or accidentally active or passive conflicts. The conflicts have made social cleavages in different parts of the city with particular consequences. The research then intended to see what the major social cleavages of Mamasani are and to see what the kinds and formation of the cleavages. The aim, therefore, is identifying and explicating various kinds of social cleavages in Mamasani County. Library and document studies as well as field observations were used for collecting the data for the descriptive-analytical study. The data were analyzed qualitatively and quantitatively. The results of the study showed that gender, generation, ethnic, class, tradition, and modernity cleavages, as well as dominating groups and social forces dominate the main tribal and geographical cleavages of the county and have made a condensed two-section community, so that they have affected other socio-cultural, economic and political matters.

Keywords: Social Cleavage, condensed Two-section Community, Local-tribal Community, Mamasani County

1. Corresponding author. Email: va.sadeghi@mail.um.ac.ir

Strategic Planning of the Development of Lorestan Province based on Regional Competitive Identity

Kiyan Shakrami ¹

PhD in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Rahim Rahnama

Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Masoud Zamanipour

PhD in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 5 February 2018

Accepted: 19 June 2018

Abstract

Regarding regional development competition, strategic planning is a preferable process in reaching development goals. This study aimed to identify the status of Lorestan province in terms of tourism and agriculture compared to its competitors (Kermanshah, Kurdistan, Hamadan, Khuzestan, Ilam, Isfahan, and Markazi) in terms of regional competitiveness concerning the province's internal resources and capabilities. It also aimed providing a proportional strategic map that shows the degree of strategic proportionality between the resources and potentials of Lorestan province with macro-environmental factors. Meta-SWOT analytical technique was used to formulate a development strategy and explain the goals, resources, capabilities, and macro-environmental factors. The required data were collected using documents and questionnaires. The sample consisted 40 experts, including employees of related departments and university researchers who were selected purposefully. The results showed that credits allocated to Lorestan province in the legislative institutions, Iran's macro-management, international sanctions, lack of private sector investment, ethnocentrism in the province, and negative advertisements are the most important factors influencing the development of Lorestan. Concerning regional competitiveness in terms of tourism, Isfahan with a score of 4 out of 5, and Kermanshah with a score of 3 are the most important competitors. In the agricultural dimension, Khuzestan with a score of 3.80, and Kermanshah and Isfahan with a score of 3 out of 5 possible are the most important regional competitors of Lorestan. Therefore, according to the existing resources and capabilities of Lorestan in terms of tourism and agriculture, this province can be placed in a more suitable position in terms of development in the region in 2029, through proper planning and management.

Keywords: Strategic Planning, Development, Competitiveness, Meta-Sowt, Lorestan

1. Corresponding author. Email: ki.shakrami@mail.um.ac.ir

Contents	Page
▪ Strategic Planning of the Development of Lorestan Province based on Regional Competitive Identity	1
Kiyan Shakrami, Mohammad Rahim Rahnama, Masoud Zamanipour	
▪ The Typology and Formation of Social Cleavages in Mamasani County	2
Hamdollah Sojasi Qeidari, Seyed Hadi Zarghani, Seyed Mohammad Hossein Hosseini, Vahid Sadeghi	
▪ Evaluating the Socio-economic Impacts of Implementing Settlement Plans on Nomads' Quality of Life (Case Study: The Nomads of Khaf City)	3
Mohammad Hossein Jafari, Hamif Jafari, Katayoon Alizadeh	
▪ A Strategic Analysis of Iran's Overseas Agriculture using SWOT and QSPM Models	4
Farzaneh Rezaee, Farahnaz Rostami	
▪ Explaining the Role and Position of Urban Governance in Intervention Process in Worn-Out and Inefficient Urban Structures (Case Study: Mashhad)	5
Mohammad Hadi Darroodi, Hossein Hataminejad, Saeed Zanganeh Shahraki, Ahmad Pour Ahmad	
▪ Investigating Heat Waves in Ardabil City and their Impacts on Urban Heating	6
Roghayeh Maleki Meresht, Behrouz Sobhani	
▪ Exploring New Urbanism with Emphasis on the Sense of Place (Case Study: District Two of Mashhad Metropolitan)	7
Hadi Soleimani Moghadam, Mahsa Moghadam Shkhsi	
▪ The Climatic Vulnerability and Sustainability Strategies for Water Resources in North Karoun Basin	8
Bijan Saberi, Dariush Rahimi, Javad Khoshhal Dastjerdi	
▪ Spatial Analysis of Sustainable Housing Indicators in Tehran Metropolis	9
Esmail Safaralizadeh, Robab Hoseinzadeh	
▪ Meta-Analysis of Awareness of citizenship rights in Iran (2001-2021 Period)	10
Seyed Ahmad Mir Mohammad Tabar, Zeinolabedin Afshar, Saeid Mahmoudi	
▪ Exploring the Role of Government and Capital in Creating Urban Spaces in Contemporary Era, with an Emphasis on Zanjan City	11
Hamidreza Hamidi, Zohreh Davoudpour, Shadi Pakzad	
▪ Exploring the Impact of Circular Economy on Boosting the Economic Viability of Marginal Areas of Tabriz considering the Mediating Role of Social Entrepreneurship	12
Reza Norouzi Ajirloo, Moslem Soleymanpor, Seyed Mohammad Reza Movahed	

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional
Development

**Vol 21, No. 2, Summer 2023,
Serial Number 43**

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad
Branch

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University, Tehran

Dr. M. Pourtahari
Tarbiat Modares University, Tehran

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. S. Roostaei
University of Tabriz, Tabriz

Dr. H. Sojasi Qeydari
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran, Tehran

Dr. H. Lashkari
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. G. Mozafari
Yazd University, Yazd

Dr. S. Velayati
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. V. Ghasemi
Universidade Europeia, Lisboa, Portugal

Dr. K. Muhabbatov
Academy of Sciences of the Republic of
Tajikistan

Internal Editor:
Dr. R. Doostan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editing of Articles:
Dr. S. M. Fazaeli

Excutive Manager:
Z. Baniasad

Typesetting:
E. Tajvidy

Publisher:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 \$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran
Postal Code:
9177948883
Tel: (+98 513) 8806724
Fax: (+98 513) 8807060
E-mail:
jrd@ferdowsi.um.ac.ir
Website:
<http://jgrd.um.ac.ir/>



FERDOWSI UNIVERSITY OF MASHHAD

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 21, No. 2, Summer 2023, Serial Number 43

- Strategic Planning of the Development of Lorestan Province based on Regional Competitive Identity1
Kiyan Shakrami, Mohammad Rahim Rahnama, Masoud Zamanipour
- The Typology and Formation of Social Cleavages in Mamasani County2
Hamdollah Sojasi Qeidari, Seyed Hadi Zarghani, Seyed Mohammad Hossein Hosseini, Vahid Sadeghi
- Evaluating the Socio-economic Impacts of Implementing Settlement Plans on Nomads' Quality of Life (Case Study: The Nomads of Khaf City).....3
Mohammad Hossein Jafari, Hamif Jafari, Katayoon Alizadeh
- A Strategic Analysis of Iran's Overseas Agriculture using SWOT and QSPM Models.....4
Farzaneh Rezaee, Farahnaz Rostami
- Explaining the Role and Position of Urban Governance in Intervention Process in Worn-Out and Inefficient Urban Structures (Case Study: Mashhad)5
Mohammad Hadi Darroodi, Hossein Hataminejad, Saeed Zanganeh Shahraki, Ahmad Pour Ahmad
- Investigating Heat Waves in Ardabil City and their Impacts on Urban Heating6
Roghayeh Maleki Meresht, Behrouz Sobhani
- Exploring New Urbanism with Emphasis on the Sense of Place (Case Study: District Two of Mashhad Metropolitan)7
Hadi Soleimani Moghadam, Mahsa Moghadam Shkhsi
- The Climatic Vulnerability and Sustainability Strategies for Water Resources in North Karoun Basin8
Bijan Saberi, Dariush Rahimi, Javad Khoshlhal Dastjerdi
- Spatial Analysis of Sustainable Housing Indicators in Tehran Metropolis9
Esmail Safaralizadeh, Robab Hoseinzadeh
- Meta-Analysis of Awareness of citizenship rights in Iran (2001-2021 Period).....10
Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar, Zeinolabedin Afshar, Saeid Mahmoudi
- Exploring the Role of Government and Capital in Creating Urban Spaces in Contemporary Era, with an Emphasis on Zanjan City11
Hamidreza Hamidi, Zohreh Davoudpour, Shadi Pakzad
- Exploring the Impact of Circular Economy on Boosting the Economic Viability of Marginal Areas of Tabriz considering the Mediating Role of Social Entrepreneurship.....12
Reza Norouzi Ajirloo, Moslem Soleymanpor, Seyed Mohammad Reza Movahed

ISSN: 2008-1391